17

John Frederick Lewis

سورة الفاتحة مدنية سبع آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ

همه ثنای مر خدا راست پروردگار جهانیان

الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مٰلِكِ يَوْمِ

بخشاینده مهربان پادشاه روز

الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ

جزا ترا می پرستیم و از تو

نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرٰطَ

یاری میخواهیم نمای ما را راه

الْمُسْتَقِيمَ صِرٰطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

راست راه آنانکه انعام کردی

عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّينَ

برایشان نه راه خشم گرفته شدگان برایشان و نه راه گمراهان

## سورة البقرة مدنية وهي مائتان وثمانون وست آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الم ذلك الكتب لا ريب

منم خدای دانا این قرآن نیست شک

فيه هدى للمتقين الذين

درین راه نماینده مر پرهیزکارانرا آنانکه

يؤمنون بالغيب ويقيمون

ایمان آرند بنادیده و بپای میدارند

الصلوة ومما رزقنهم

نماز و از آنچه روزی دادیم ایشانرا

ينفقون والذين يؤمنون

نفقه میکنند و آنانکه ایمان آرند

بما انزل اليك وما انزل من

بآنچه نازل شد بسوی تو و آنچه نازل کرده شد پیش از

قبلك وبالاخرة هم يوقنون ۝ اولئك على
و بآخرة ایشان یقین کنند آن گروه بر
هدى من ربهم واولئك هم المفلحون
راه راست اند از پروردگار ایشان و آن گروه ایشانند رستگاران
ان الذين كفروا سواء عليهم ءانذرتهم
بدرستیکه آنانکه نگرویدند یکسانست بر ایشان آیا بیم کنی ایشان را
ام لم تنذرهم لا يؤمنون ۝ ختم الله على
یا بیم نکنی ایشان را نمی آرند ایمان مهر نهاد خدا تعالی بر
قلوبهم وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة
دلهای ایشان و بر گوشهای ایشان و بر چشمهای ایشان پوششی است
ولهم عذاب عظيم ۝ ومن الناس من يقول
و مر ایشان را عذابی بزرگست و از مردمان آنانکه میگویند
امنا بالله وباليوم الاخر وما هم بمؤمنين
بگرویدیم بخدا تعالی و بروز جزا و نیستند ایشان گرویدگان
يخدعون الله والذين امنوا وما يخدعون
فریب میدهند خدا تعالی را و آنانکه ایمان آوردند و نمی فریبند
الا انفسهم وما يشعرون ۝ في قلوبهم مرض
مگر نفسهای خود را و نمیدانند در دلهای ایشان بیماریست
فزادهم الله مرضا ولهم عذاب اليم بما
پس زیاده کرد ایشان را خدا تعالی بیماری و مر ایشانراست عذابی دردناک بآنچه
كانوا يكذبون ۝ واذا قيل لهم لا تفسدوا
بودند که دروغ میگویند و چون گفته شود مر منافقان را فساد مکنید
في الارض قالوا انما نحن مصلحون ۝ الا انهم
در زمین گویند جز این نیست که ما نیکوکارانیم بدانید که منافقان
هم المفسدون ولكن لا يشعرون ۝ واذا
ایشانند تباه کاران ولیکن نمیدانند و چون
قيل لهم امنوا كما امن الناس قالوا انؤمن
گفته شود مر منافقان را ایمان آرید چنانکه ایمان آوردند مردمان گویند آیا ایمان آریم

هم المفلحون
انچه کرده این است در بیان آنکه اینانند رستگاران از عقوبات عقاب و بهوشتگان بدرجات ثواب
ایراد کلمه هم دلیل اختصاص فلاح است بدین قوم این اینها که گذشتند در شان مومنانست از اهل اسلام و اهل کتاب چون عبدالله بن سلام و اصحاب او رضی الله عنهم اجمعین و بعض گفته صحابه و بعد از مدح مومنان در ذم کافران میفرماید این آیت

كَمَآ اٰمَنَ السُّفَهَآءُ اَلَآ اِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَآءُ وَ
همچنانکه ایمان آوردند بیخردان بدانید بدرستیکه ایشان ایشانند بیخردان و
لٰكِنْ لَّا يَعْلَمُوْنَ وَاِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا قَالُوْٓا
لیکن نمیدانند و چون ببینند آنان را که ایمان آوردند گفتند
اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَوْا اِلٰى شَيٰطِيْنِهِمْ قَالُوْٓا اِنَّا مَعَكُمْ
ایمان آوردیم و چون باز گردند بسوی دیوان خود گویند بدرستیکه با شماایم
اِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِءُوْنَ اَللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ
جز این نیست که ما افسوس دارندگانیم خدای استهزا دهد بایشان و
يَمُدُّهُمْ فِيْ طُغْيٰنِهِمْ يَعْمَهُوْنَ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ
مهلت دهد ایشانرا در سرکشی ایشان متحیر باشند آن گروه آنانند
اشْتَرَوُا الضَّلٰلَةَ بِالْهُدٰى فَمَا رَبِحَتْ
خریده کردند گمراهی را براه یافتگی پس سود نکردند
تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوْا مُهْتَدِيْنَ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ
بازرگانی ایشان و نیستند راه یافتگان داستان ایشان مانند صفت
الَّذِى اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّآ اَضَآءَتْ مَا حَوْلَهٗ
آنکس است برافروزد آتشی را پس آن هنگام که روشن کرد آنچه گرداگرد آن
ذَهَبَ اللّٰهُ بِنُوْرِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِيْ ظُلُمٰتٍ لَّا
ببرد خدای نور ایشان و فرو گذارد ایشانرا در تاریکیها نمی
يُبْصِرُوْنَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ
بینند کرانند گنگانند کورانند پس ایشان باز نمیگردند
اَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَآءِ فِيْهِ ظُلُمٰتٌ وَّرَعْدٌ وَّ
مانند باران بزرگ از آسمان در تاریکیها و رعد و
بَرْقٌ يَجْعَلُوْنَ اَصَابِعَهُمْ فِيْٓ اٰذَانِهِمْ مِّنَ
روشنی از آن در می ارند انگشتان خود را در گوشهان خود از
الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللّٰهُ مُحِيْطٌ بِالْكٰفِرِيْنَ
بیم صاعقها برای بیم مرگ و خدای احاطه کننده است بنا گرویدگان
يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ اَبْصَارَهُمْ كُلَّمَآ اَضَآءَ
نزدیک باشد که روشنی برق بر تابد بینایی ایشانرا هر گاه بدرخشند

وإذا لقوا الذين آمنوا قالوا
سبب نزولش
آنبود که عبد الله
ابی و متابعان
او روزی
حضرت
صدیق و
فاروق و مرتضی
علی را رضی الله
عنهم دیدند
واز دور
پیش
آمد
هر یکی را
مرحبا گفتند
مرتضی علی رضی الله
گفتند یا ابن ابی خدا را
بترس و نفاق مکن
ابن ابی گفت یا
ابوالحسن
نفاق را بمن
نسبت مکن ما کیر
من هم چون
شما

لَهُم مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ
براه ایشان بروند دران و چون راه تاریک شد بر ایشان بایستند واگر
شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ
خواستی خدا تعالی ببردی شنوایهای ایشان را و دیدهای ایشان را
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
بدرستیکه خدا تعالی بر هر چیز توانا است ای مردمان
اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن
بپرستید پروردگار خود را آنکه بیافرید شما را و آنانکه پیش از
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
شما بودند تا باشد که شما بپرهیزید آن خدا آنکه ساخت برای شما
الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنزَلَ مِنَ
زمین گسترده و آسمان سقف و فرستاد از
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ
آسمان آبی پس بیرون آورد بسبب آن از میوها روزی برای شما
فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَإِن
پس مگردانید مر خدا را همتایان و شما میدانید و اگر
كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا
هستید در شک از چیزیکه فرستادیم بر بنده را پس بیارید
بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُم مِّن
مقداری از مانند قرآن و بخوانید حاضران خود را از
دُونِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا
جز خدا تعالی اگر هستید راست گویان پس اگر معارضه نکردید
وَلَن تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ
و نتوانید پس بپرهیزید از آتشی که افروخته شده مردمان
وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِينَ
و سنگ کبریت آماده کرده شد برای ناگرویدگان را و بشارت ده آنانکه
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
گرویدند و کردند شایسته آنکه مر ایشان راست بوستانها که میرود

مؤمن مصدق حضرت حق سبحانه و تعالی خبر داد آیت اگر این است
ع
یا ایها الناس اعبدوا
سبب نزول این آیت که حق تعالی درین تمثیل تشبیه میکند منافق
بهر بارده که در شب تاریک میان بیابانها مهلک بارش و باران سخت و ابری متراکم انبیا را فرو گیرد و غرش رعد و درخشیدن برق این نازل شده ساخته در بیاب آیت آمد

من تحتها

مِن تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِن ثَمَرَةٍ
از زیر آن جویها هرگاه روزی داده شوند از آن از میوه
رِزْقًا قَالُوا هٰذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِن قَبْلُ وَاُتُوا
روزی گویند این میوه ایست خورانیده بودند پیش ازین و بیارید
بِهٖ مُتَشٰبِهًا وَلَهُمْ فِیهَا اَزْوٰجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ
بر ایشان مانند میوه های دنیا و مر ایشان راست دران زنان پاکیزه و ایشان
فِیهَا خٰلِدُونَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَسْتَحْیِ اَن یَضْرِبَ
دران جاوید باشند بدرستیکه خدا تعالی پاس ندارد آنکه بیان کند
مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَاَمَّا الَّذِینَ اٰمَنُوا
مثلی هرچه باشد پشه خورد بود پس آنچه خورد تر است ازان پس اما آنانکه گرویدند
فَیَعْلَمُونَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَاَمَّا الَّذِینَ كَفَرُوا
پس میدانند آنکه درست است از پروردگار ایشان و اما آنانکه نگرویدند
فَیَقُولُونَ مَاذَا اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا یُضِلُّ
پس میگویند چه چیز خواست خدا تعالی بدین مثلی گمراه کردند
بِهٖ كَثِیرًا وَیَهْدِی بِهٖ كَثِیرًا وَمَا یُضِلُّ بِهٖ اِلَّا
بدان بسیار را و راه نماید بدان بسیار را و گمراه نکند بدان مگر
الْفٰسِقِینَ الَّذِینَ یَنقُضُونَ عَهْدَ اللّٰهِ مِن
بیرون رفتگان را آنانکه می شکنند پیمان خدا تعالی از
بَعْدِ مِیثٰقِهٖ وَیَقْطَعُونَ مَا اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖ اَن
پس استواری آن و می برند آنچه فرمود خدا تعالی بدان آنکه
یُوصَلَ وَیُفْسِدُونَ فِی الْاَرْضِ اُولٰٓئِكَ هُمُ
بپیوندند و فساد میکنند در زمین آن گروه ایشانند
الْخٰسِرُونَ ۝ كَیْفَ تَكْفُرُونَ بِاللّٰهِ وَكُنتُمْ اَمْوٰتًا
زیان کاران چگونه کافر میشوند بخدا تعالی و شما بودید مردگان
فَاَحْیٰكُمْ ثُمَّ یُمِیتُكُمْ ثُمَّ یُحْیِیكُمْ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُونَ
پس زنده کرد انرا شما را پس بمیراند شما را پس زنده کرداند شما را پس بسوی او باز گردید
هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَكُم مَّا فِی الْاَرْضِ جَمِیعًا ثُمَّ
اوست آنکه بیافرید برای شما آنچه در زمین است همه پس

ان الله لا یستحیی
سبب نزولش
آنبود که
یهود در قرآن
ذکر مگس و عنکبوت
شنودند استهزا میکردند
چه این سخنان بخدای
نماند حضرت
حق
سبحانه و تعالی
از هیچ مثل شرم ندارد
و اگرچه باشد
ممثل به پشه و
مور خرد و این آیه
قرآنرا از آن شد
چون
ذباب و عنکبوت
خداوند تعالی در ضمن
ایشان آیه فرستاد
الذین ینقضون
سبب نزولش
آنبود
که یهودان کفاران
و منافقان
عهد شکستند آنچه
فرموده است
خدا از بد آنچیز
که بدشمنی با حضرت
پیغمبر صلی الله علیه
و آله و اصحابه
و سلم

اسْتَوٰى اِلَى السَّمَآءِ فَسَوّٰىهُنَّ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ
مستولی شد بسوی آسمان پس راست کرد هفت آسمان
وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝ وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ
و او بهر چیز داناست و چون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را
اِنِّيْ جَاعِلٌ فِي الْاَرْضِ خَلِيْفَةً قَالُوْٓا اَتَجْعَلُ فِيْهَا
بدرستیکه من آفریننده‌ام در زمین بدلی گفتند آیا می آفرینی در زمین
مَنْ يُّفْسِدُ فِيْهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ
کسیکه فساد کند در آن و میریزد خونها و ما پاکی یاد میکنیم ترا
بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ اِنِّيْٓ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ
با حمد تو و پاکی یاد میکنیم ترا گفت بدرستیکه من میدانم آنچه نمیدانید
وَعَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ
و بیاموخت آدم را نامهای همه پس عرض کرد بر فرشتگان
فَقَالَ اَنْبِئُوْنِيْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ
پس گفت خبر دهید مرا بنامهای این گروه اگر هستید راست گویان
قَالُوْا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ
گفتند تنزیه میکنیم ترا نیست دانش مارا مگر آنچه آموختی مارا بدرستیکه تویی
الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ۝ قَالَ يٰٓاٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ
دانا محکم کار گفت ای آدم خبر ده مرا بنامهای آنها
فَلَمَّآ اَنْبَاَهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّيْٓ اَعْلَمُ
پس خبر داد آدم ملایکه را بنامهای مسمیات گفت آیا نگفتم شمارا بدرستیکه من میدانم
غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ
پوشیده آسمانها و زمین و میدانم آنچه آشکارا کنید
وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ ۝ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا
و آنچه بودید که می پوشیدید و چون گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید
لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ اَبٰى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ
مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس سر باز زد و تکبر کرد و گشت
مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ۝ وَقُلْنَا يٰٓاٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ
از ناگرویدگان و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و جفت تو

ببر بندید
وجه نزع قبیله از
عرب نبود
که آنحضرت
صلی الله علیه
و آله ع و اصحابه
وسلم بدنیست و یهودان
نیز از جهت
قطع
رحم میکردند چه
میان آنحضرت
صلی الله
علیه و آله
وسلم و یهود
نیز از جهت
اخوت
اسمعیل و اسحاق
خویش بود و همین
فساد کردند در زمین
بی نعت حضرت
حق
سبحانه
و تعالی آیت
فرستاده است
و اذ قلنا
آنچه که این ابتدا
در باب آنکه یاد
کن ای محمد صلی الله
علیه و آله و سلم

الجنة وكلا منها رغدا حيث شئتما ولا تقربا

در بهشت و بخورید از بهشت خوردنی هر جا که خواهید و نزدیک مشوید

هذه الشجرة فتكونا من الظالمين ○ فأزلهما

این درخت پس باشید از ستمکاران پس ملغزانید ایشان را

الشيطان عنها فأخرجهما مما كانا فيه وقلنا

دیو از ان پس بیرون کرد ایشان را از انچه بودند در ان و گفتیم

اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في الأرض

فرود آیید برخی از شما برای بعضی دشمن و مر شما را در زمین

مستقر ومتاع إلى حين ○ فتلقى آدم من

موضع قرار و منفعت تا اجل پس فرا گرفت آدم از

ربه كلمات فتاب عليه إنه هو التواب

پروردگار خود سخنی چند پس قبول کرد توبه برو بدرستیکه اوست توبه پذیرنده

الرحيم ○ قلنا اهبطوا منها جميعا فإما يأتينكم

مهربان گفتیم فرود روید از بهشت همه پس اگر آید بشما

مني هدى فمن تبع هداي فلا خوف عليهم

از من دلالتی پس هر که متابعت کند دلالت مرا پس نیست ترسی بر ایشان

ولا هم يحزنون ○ والذين كفروا وكذبوا بآياتنا

ونه ایشان اندوهناک شوند و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند آیتهای ما

أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ○ يا بني إسرائيل

آن گروه ملازمان دوزخ اند ایشان در ان جاوید اند ای فرزندان یعقوب

اذكروا نعمتي التي أنعمت عليكم وأوفوا بعهدي

یاد کنید نعمتی را که انعام کردیم بر شما و وفا کنید بعهد مرا

أوف بعهدكم وإياي فارهبون ○ وآمنوا بما

تا وفا کنم بعهد شما و از من بترسید و بگروید بانچه

أنزلت مصدقا لما معكم ولا تكونوا أول

فرستادم باور دارنده هر چیزی که با شماست و مباشید اول

كافر به ولا تشتروا بآياتي ثمنا قليلا وإياي

کروی ناگرونده و بدل کنید آیتهای من بهای اندک را و از من

---

چون گفتیم
امر جمیع
فرشتگان را
که یکبار سجده
کنید مر آدم را سجده
تحیت و تعظیم
پس سجده
کردند
تمام ملایکه
مگر
عزازیل
و او بقول
اصح از قوم جن
الجان بوده و حق
تعالی او را نافرمانی
ابلیس نام

ع

و لقب
نهاد یعنی نا امید
از رحمت حق
تعالی
فتلقی آدم من ربه
آنچه که این
آیه است در بیان
آنکه پس فرا گرفت
آدم

فاتقون ۝ ولا تلبسوا الحق بالبطل وتكتموا
بترسید ومیامیزید راست با ناراست و می پوشید
الحق وانتم تعلمون ۝ واقيموا الصلوة
راست و شما میدانید و بپا دارید نماز
واتوا الزكوة واركعوا مع الركعين ۝
و بدهید زکوة و نماز گزارید با نماز گزاران
اتامرون الناس بالبر وتنسون انفسكم
آیا میفرمایید مردمانرا به نیکوئی و فراموش میکنید نفسهای خود را
وانتم تتلون الكتب افلا تعقلون ۝ و
و شما میخوانید توریت آیا عقل نمیکنید و
استعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة
یاری خواهید بشکیبائی و نماز و نماز گرانست
الا على الخشعين ۝ الذين يظنون انهم
مگر بر ترسکاران آنانکه یقین میدانند که ایشان
ملقوا ربهم وانهم اليه رجعون ۝
رسنده اند بجزای پروردگار خویش و آنکه ایشان بسوی پروردگار خود بازگردنده اند
يبني اسرءيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم
ای فرزندان بنی اسرائیل یاد کنید نکوئیهای مرا که انعام کردم بر شما
واني فضلتكم على العلمين ۝ واتقوا يوما
و من فضل دادم شما را بر عالمیان و بترسید از روزی که
لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها
حق گذاری نتواند کرد نفسی از نفسی چیزیرا و پذیرفته نشود از نفس کافر
شفعة ولا يؤخذ منها عدل ولا هم
درخواستی و گرفته نشود از ان فدیه و نه ایشان
ينصرون ۝ واذ نجينكم من ال فرعون يسومونكم
یاری داده شوند و چون رهانیدیم شما را از کسان فرعون عذاب میکردند شما را
سوء العذاب يذبحون ابناءكم ويستحيون
بدترین عذابی که میکشتند پسران شما را و زنده می داشتند

ربع

نساءکم

6

نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

و مرزنان شمارا و دران محنتی بود از پروردگار شما بزرگ

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا

و چون شکافتیم برای شما دریا پس رهانیدیم شمارا و غرق کردیم

آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ وَإِذْ وَعَدْنَا

کسان فرعون و شما می نگریستید و چون وعده دادیم

مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ

موسی را چهل شبانروز پس گرفتید شما گوساله را

مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ

از پس او و شما ستمکاران شدید پس عفو کردیم از شما

مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَإِذْ آتَيْنَا

از پس این شاید که شما شکر کنید و چون دادیم

مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

موسی را توریة و [illegible] شاید که شما راه یابید

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ

و چون گفت موسی مر گروه خود را ای قوم بدرستیکه شما

ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ

ستم کردید بر نفس خود بگرفتن شما گوساله را پس بازگردید بسوی

بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ

آفریدگار خود پس بکشید کسان خود را این بهتر است مر شمارا نزد

بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

آفریدگار شما پس توبه شما بپذیرفت بدرستیکه او هست توبه پذیرنده مهربان

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى

و چون گفتید ای موسی هرگز تصدیق نمیکنیم مر ترا تا ببینیم

اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

خدا را آشکارا پس گرفت شمارا صاعقه و شما می نگریستید

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

پس برانگیختیم شمارا از پس مرگ شما شاید که شما سپاسداری کنید

در ربقهٔ اسلام در آمده بودند در [illegible] احکام شرع محمدی ع صلی الله علیه و آله و اصحابه وسلم ترغیب میکردند وخود را از سلوک سبیل [illegible] [illegible] شد

واذ قال موسی الخ که این آیت [illegible] [illegible] شما بعد ازین حکم عبده عجل بصحرا افتند و بزانو در آمده [illegible] [illegible] هارون علیه السلام ده یا دوازده هزار مرد شمشیر ها کشیده بیامدند و از اول روز تا [illegible]

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ
وسایبان ساختیم برشما ابر را وفرستادیم برشما

الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
ترنجبین ومرغ بریان بخورید از پاکیزه آنچه روزی دادیم شمارا

وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ
وستم کردند ما را ولیکن بودند بر نفس خود ستم میکردند

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا
وچون گفتیم در آیید درین ده پس بخورید ازان

حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ
هرجاکه خواهید فراوانی ودر آیید در های آن سجده کنان و

قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ
گویید درخواست ما حطه است تا بیامرزیم شمارا گناهان شما وزود که زیاده کنیم

الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ
نیکوکاران را پس بدل کردند آنانکه ستم کردند سخن را غیر

الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا
آنچه گفته شد مرایشان را پس فرستادیم بر آنانکه ستم کردند عذابی

مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ
از آسمان بآنچه بودند بیرون رفتند از حد وچون آب خواست

مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ
موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن بعصای خود آن سنگ را

فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ
پس شگافته شد ازان دوازده چشمه بدرستیکه دانستند هر

أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ
گروه آبشخور خویش بخورید وبیاشامید از روزی خدای تعالی

وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ
واز حد مگذرید در زمین تباه کار وچون گفتید

يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
ای موسی هرگز صبر نتوانیم کرد بر طعام یگانه پس بخوان برای ما

هفتاد هزار از ایشان بکشتند پس توبه بعزت میفرماید که چون فرمان حق قبول کردند هرآینه او هست توبه پذیرنده مهربان
وانزلنا علیکم المن انچه کرامت آیه حسبت انبه ما فرستادیم برشما در تیه ترنجبین ومرغی بر شکل سمانی و آن طایر حسبت
ع
در طرف یمن از گنجشک بزرگتر واز کبوتر خوردتر ودر تفسیر منیر گوید که ابر شاهنشاه کبیاه نشستند
و انواع نعمات خوش و صوات دلکش از ایشان بظهور رسیدی

ربك

رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا
پروردگار خود را بیرون آورد برای ما از آنچه برویاند زمین از تره
وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ
و از خیار و باورنگ و از گندم و از مشنگ و پیاز او گفت
أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ
آیا بدل میکنید آنچه که او فروتر است بآنچه که او
خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَ
بهتر است فرود آیید در شهری پس بدرستیکه مر شمارا آنچه خواسته اید و
ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ
زده شد بر ایشان خواری و درویشی و باز گشتند بخشمی
مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
از خدای تعالی این بآنکه ایشان بودند که کافر شدند بآیات خدای تعالی
وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا
و میکشتند پیغمبران را بناحق این بآنکه عاصی شدند
وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
و بودند از حد در گذشتند بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه
هَادُوا وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
یهود شدند و ترسایان و صابیان هرکه ایمان آرد بخدای تعالی
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ
و بروز قیامت و بکند عمل شایسته پس مر ایشانراست مزد ایشان
عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
نزدیک پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند
وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ
و چون گرفتیم ما پیمان شمارا و برداشتیم زبر شما کوه طور
خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ
بگیرید آنچه دادیم شمارا بجدی تمام و یاد کنید آنچه در وست تا بود که شما
تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا
بپرهیزید پس روگردانیدند از پس این پس اگر نه

پس بادی
بر ایشان وزیده
پرهای
ایشان برخی
مرغی بودی باکبره
و بریان بی برگ
و بچون و استخوان
و بنی اسرائیل
برمیداشتند
و با ترنجبین می
آمیختند
و از خوردنها
آنچه که
ایشان ...
در بیابان
یاد کنید آنرا که
فرا گرفتیم از شما پیمان
شمارا بمبعث
موسی علیه السلام
و عمل
باحکام توریت
و برداشتیم
زبر کوه طور ایشان بستند
بنی اسرائیل
بعد از نزول
توریت آغاز تمرد
نهادند و گفتند
احکام مشکل است

فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهٗ لَكُنْتُمْ مِّنَ الْخٰسِرِيْنَ
فضل خدا تعالی بر شما و بخشش او نبودی شما از زیانکاران
وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِيْنَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ
و بدرستیکه دانستید آنهایی که درگذشتند از قوم شما در شنبه
فَقُلْنَا لَهُمْ كُوْنُوْا قِرَدَةً خٰسِئِيْنَ ۝ فَجَعَلْنٰهَا
پس گفتیم مر ایشان را باشید بوزینگان خوار پس گردانیدیم عقوبت
نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً
عذابی مر آنهایی که پیش ایشان حاضر بود و آنها که از پس ایشان و پندی
لِّلْمُتَّقِيْنَ ۝ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖٓ اِنَّ اللّٰهَ
برای پرهیزکاران و چون گفت موسی مر گروه خود را بدرستیکه خدا تعالی
يَاْمُرُكُمْ اَنْ تَذْبَحُوْا بَقَرَةً قَالُوْٓا اَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا
میفرماید شما را اگر ذبح کنید گاوی را گفتند آیا میگیری ما را افسوس
قَالَ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِيْنَ ۝ قَالُوا
گفت پناه میگیرم بخدا تعالی از آنکه باشم از نادانان گفتند
ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِيَ قَالَ اِنَّهٗ يَقُوْلُ
بخوان برای ما پروردگار خود را بیان کند برای ما صفت او چیست گفت بدرستیکه او میگوید
اِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَّلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذٰلِكَ
بدرستیکه آن گاویست نه پیر و نه جوان میانه میان این
فَافْعَلُوْا مَا تُؤْمَرُوْنَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ
پس بکنید آنچه فرمود گفتند بخوان برای ما پروردگار خود را بیان کند
لَّنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ اِنَّهٗ يَقُوْلُ اِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَآءُ
برای ما چیست رنگ آن گفت بدرستیکه او میگوید بدرستیکه آن گاویست زرد
فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النّٰظِرِيْنَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ
در غایت زردی شاد کرداند نظر کنندگان را گفتند بخوان برای ما پروردگار خود
يُبَيِّنْ لَّنَا مَا هِيَ اِنَّ الْبَقَرَ تَشٰبَهَ عَلَيْنَا وَاِنَّآ
بیان کند برای ما آن چه گاویست بدرستیکه گاوان مشتبه شد بر ما و بدرستیکه ما
اِنْ شَآءَ اللّٰهُ لَمُهْتَدُوْنَ ۝ قَالَ اِنَّهٗ يَقُوْلُ اِنَّهَا
اگر خواهد خدا تعالی از راه یافتگان باشیم گفت موسی ع خدا تعالی میگوید بدرستیکه آن

بغایت دشوارست یاد کردن نمی‌توانیم حق سبحانه و تعالی کوهی را از کوههای فلسطین که آنرا طور گفتندی و در تفسیر قرطبی مذکورست که آن کوه منسوب بود بطور ابن اسمعیل علیه السلام حضرت حق سبحانه فرمان داد تا او برزبر ایشان بایستاد و در پیش روی ایشان آتشی افروخت و در عقب دریای زخار پدید آمد و چون گریزگاه ندیدند بر روی درافتادند متحیر شده اند حضرت حق سبحانه و تعالی فرمود که آیت نازل شده است

بقرة لا ذلول تثير الارض ولا تسقي الحرث
گاویست رام کرده بشوراند زمین را و نه آب دهد کشت را
مسلمة لا شية فيها قالوا الئن جئت بالحق
درست مانده است هیچ رنگ نیست دروی گفتند اکنون آوردی سخن درست
فذبحوها وما كادوا يفعلون ۝ واذ قتلتم
پس کشتند اورا و نبودند که میکشتند و چون کشتید
نفسا فادارءتم فيها والله مخرج ما كنتم
یکی را پس اختلاف کردید در ان و خدا تعالی بیرون آورنده است آنچه بودید
تكتمون ۝ فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحي
که پنهان میکردید پس گفتیم ما بزنید پاره از ان گاو همچنان زنده کرد
الله الموتى ويريكم اياته لعلكم تعقلون
خدا تعالی مردگان را و مینماید شمارا قدرت خود را شاید که شما دریابید
ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة
پس سخت گشت دلهای شما از پس این پس آن همچو سنگ است
او اشد قسوة وان من الحجارة لما يتفجر
بلکه سخت تر است در قساوت و بدرستیکه از سنگها هر آینه روان میگردد
منه الانهر وان منها لما يشقق فيخرج
از ان جویها و بدرستیکه از ان هر آینه شگافته میشود پس بیرون آید
منه الماء وان منها لما يهبط من خشية الله
ازو آب و بدرستیکه هست آنچه فرود آید از بلندی به پستی از ترس خدای
وما الله بغافل عما تعملون ۝ افتطمعون
و نیست خدا تعالی بیخبر از آنچه میکنید آیا طمع دارید
ان يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم يسمعون
که تصدیق کنند مر شمارا و بدرستیکه بودند گروهی از ایشان که می شنیدند
كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه
کلام خدا تعالی پس بگردانیدند آن سخن را از پس آنکه دانسته بودند
وهم يعلمون ۝ واذا لقوا الذين امنوا قالوا
و ایشان میدانند و چون ملاقات کنند آنانکه گرویدند گویند

ع

نصف

آمنا وإذا خلا بعضهم إلى بعض قالوا أتحدثونهم
گرویده ایم و چون خلوت کنند بعضی از ایشان بسوی برخی گویند آیا حدیث میکنید
بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند
بآنچه گشاده است خدا تعالی بر شما تا حجت گیرند بآن نزد
ربكم أفلا تعقلون ۝ أولا يعلمون أن الله
پروردگار شما آیا نمی یابید آیا نمیدانند جهودان آنکه خدا تعالی
يعلم ما يسرون وما يعلنون ۝ ومنهم
میداند آنچه پنهان میدارند و آنچه آشکارا کنند و از جهودان
أميون لا يعلمون الكتب إلا أماني وإن هم
ناخوانندگانند نمیدانند توریة را مگر آرزوهای خود را و نیستند ایشان
إلا يظنون ۝ فويل للذين يكتبون الكتب
مگر گمان می برند پس وای مر آنانراست که می نویسند نوشته محرف را
بأيديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا
بدست خود پس میگویند این از نزد خدا تعالی تا بخرند
به ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت أيديهم و
بدان بهای اندک پس وای مر ایشانراست از آنچه نوشته دستهای ایشان و
ويل لهم مما يكسبون ۝ وقالوا لن تمسنا النار
وای مر ایشانرا از آنچه کسب میکنند و گفتند هرگز مس نکند آتش
إلا أياما معدودة قل أتخذتم عند الله
مگر روزی چند شمرده بگو آیا گرفته اید نزد خدا تعالی
عهدا فلن يخلف الله عهده أم تقولون
عهدی پس خلاف نکند خدا تعالی عهد خود را بلکه میگویید
على الله ما لا تعلمون ۝ بلى من كسب سيئة و
بر خدا تعالی آنچه نمیدانید آری هر که کند بدی و
أحاطت به خطيئته فأولئك أصحب النار هم
گرد گرفت او را گناه او پس آن گروه ملازمان آتش اند ایشان
فيها خلدون ۝ والذين آمنوا وعملوا الصلحت
در آن جاویدانند و آنانکه گرویدند و کردند شایسته

ع

اولٰئك اصحٰب الجنّة خٰلدون ۝ واذ اخذنا
آنگروه اهل بهشتند جاوید اند و چون گرفتیم

ميثاق بني اسرآءيل لا تعبدون الّا الله وبالولدين
پیمان بنی اسرائیل پرستید شما مگر خدا را و با پدر و مادر

احسانا وذي القربٰى واليتٰمٰى والمسٰكين و
نیکوئی کنید و خویشان و بی پدران و درویشان و

قولوا للنّاس حسنا واقيموا الصّلوة و
گوئید مردمان را نیکوئی کنید و بپا دارید نماز را و

اٰتوا الزّكوة ثمّ تولّيتم الّا قليلا منكم وانتم
بدهید زکوة پس رو گردانیدید مگر اندکی از شما و شما

معرضون ۝ واذ اخذنا ميثاقكم لا تسفكون
اعراض کنندگانید و چون گرفتیم پیمان شما که نریزید

دمآءكم ولا تخرجون انفسكم من دياركم
خونهای خود را و بیرون مکنید کسان خود را از خانهای خویش

ثمّ اقررتم وانتم تشهدون ۝ ثمّ انتم هٰؤلآء
پس اقرار کردید و شما گواهید پس شما آنگروهید

تقتلون انفسكم وتخرجون فريقا منكم
که میکشید کسان خود را و بیرون کنید گروهی را از شما

من ديارهم تظٰهرون عليهم بالاثم و
از سراهای ایشان هم پشتی کنید بر ایشان به بدی و

العدوان وان يّاتوكم اسٰرٰى تفٰدوهم و
افزون طلبی و اگر بشما آیند اسیران بنی اسرائیل فدیه میدهید و

هو محرّم عليكم اخراجهم افتؤمنون ببعض
آن حرام کرده شده بر شما بیرون کردن ایشان آیا میگروید شما بپاره

الكتٰب وتكفرون ببعض فما جزآء من يّفعل
از توریت و کافر میشوید بپاره پس نیست مکافات آنکه بکند

ذٰلك منكم الّا خزي في الحيٰوة الدّنيا و
این از شما مگر خواری در زندگانی دنیا و

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُرَدُّوْنَ اِلٰٓى اَشَدِّ الْعَذَابِ ط وَمَا

روز قیامت باز گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب و نیست

اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ۝ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اشْتَرَوُا

خدا تعالی بیخبر از انچه میکنید آن گروه آنانند که خریدند

الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ز فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ

زندگانی دنیا با آخرت پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا

و نه ایشان یاری داده شوند و بتحقیق عطا کردیم

مُوْسَى الْكِتٰبَ وَقَفَّيْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ بِالرُّسُلِ ز وَ

موسی را ع توریت و از پی در آوردیم از پس او بفرستادگان خود و

اٰتَيْنَا عِيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنٰتِ وَاَيَّدْنٰهُ

عطا کردیم عیسی ع پسر مریم را نشانهای روشن و قوت دادیم او را

بِرُوْحِ الْقُدُسِ ط اَفَكُلَّمَا جَآءَكُمْ رَسُوْلٌۢ بِمَا لَا

بجان پاکیزه آیا هرگاه که آمد شما فرستاده بآنچه نه

تَهْوٰٓى اَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيْقًا كَذَّبْتُمْ

دوست نفسهای شما تعظیم کردید پس گروهی را دروغ داشتید

وَفَرِيْقًا تَقْتُلُوْنَ ۝ وَقَالُوْا قُلُوْبُنَا غُلْفٌ ط بَلْ

و گروهی را میکشتید و گفتند دلهای ما غلاف پوشیده است بلکه

لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيْلًا مَّا يُؤْمِنُوْنَ ۝

رانده است ایشان را خدا تعالی بکفر ایشان پس اندکی ایمان آورند

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتٰبٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ

و آنگاه که آمد یهود را نوشته از نزد خدا تعالی باور دارنده

لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوْا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُوْنَ عَلَى

مر آنچه با ایشانست و بودند از پیش طلب نصرت میکردند بر

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَلَمَّا جَآءَهُمْ مَّا عَرَفُوْا كَفَرُوْا بِهٖ

آنانکه کفر کردند پس آنوقت که آمد بایشان آنچه شناخته بودند کافر شدند بوی

فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ ۝ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهٖٓ

پس لعنت خدا تعالی بر کافران بد چیزیست که فروختند بآن

وقالوا قلوبنا
سبب نزول این
آنکه یهود که
جماعه یهودان
باحضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله
واصحابه وسلم گفتند
دلهای ما

ع

در غلافست یعنی پوشیده
از فهم و بازداشته
شده از قبول
وبدین سبب
فهم
سخن تو نمیکنیم
یا نا امید میکردند
حضرت
رسالت پناه
را صلی الله علیه
وسلم از ایمان خود
بقرآن و متابعت
آنحضرت صلعم
حق
سبحانه و
تعالی در جواب
رد قول ایشان آیه
فرستاد ولما جاءهم
سبب نزول این آنکه بود
که یهودان

انفسهم

أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ
نفسهای خود آنکه کافر شوند بآنچه فرستاده خدا تعالی از حسد آنکه فرستد
اللَّهُ مِن فَضْلِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُو
خدا تعالی از فضل خود بر هر که خواهد از بندگان خود پس بازگشتند
بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ
بخشمی بر خشمی و مر کافران را عذابی خوار کننده
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ
و چون گفته شود یهود را بگروید بآنچه فرستاده خدا تعالی گویند ما میگرویم
بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ
بآنچه فرستاده بر ما و کافر شوند بآنچه غیر کتاب ایشانست و اوست
الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ
راست موافق مر آنچه با ایشانست بگو پس چرا میکشتید
أَنبِيَاءَ اللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ
پیغمبران خدا را پیش از این اگر هستید گروندگان
وَلَقَدْ جَاءَكُم مُّوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ
و بدرستیکه آمد بشما موسی بحجتها پس گرفتید
الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا
گوساله را از پس او و شما بیدادگرانید و چون گرفتیم
مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا
پیمان شما را و برداشتیم بر شما کوه طور بگیرید آنچه
آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
دادیم شما را بجهد و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم
وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا
و خورانیده شد در دلهای ایشان دوستی گوساله بکفر ایشان بگو بد چیزیست
يَأْمُرُكُم بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ قُلْ
که فرماید شما را آنچه ایمان شما اگر هستید گروندگان بگو
إِن كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِندَ اللَّهِ خَالِصَةً
اگر هست مر شما را سرای آخرت نزد خدا تعالی پاکیزه

و کفاران
عرب در
توحید آنحضرت
و رسالت و نبوت
و حشر و آنچه از اصول
دین بود منکر شدند
که شرح آن زین کرده
بودند
هرگاه که کفار
عرب قصد یهود
کردندی و کار از ایشان
بر ایشان تنگ
شدی
و ستهها
بر درگاه حق گفتندی
ای بار خدایا نصرت
بخواهیم از تو بر محمد
صلی الله علیه و آله
و صحابه و سلم
که پیغمبر
آخر زمانست در
جواب ایشان
آیه فرستاد
و دیگر از تحریفات
یهود آنبود که میگفتند
داخل نخواهد شد
در بهشت
هیچکس مگر یهود
و این

مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ
از جز مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید
صَدِقِينَ ۝ وَلَن يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ
راست گویان و آرزو نکنند هرگز آنچه فرستاده
أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّلِمِينَ ۝ وَلَتَجِدَنَّهُمْ
دستهای ایشان و خدای تعالی داناست بستمکاران و یابی جهودان را
أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
حریص ترین مردمان بر زندگانی از آنانکه شرک آوردند
يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ
دوست دارد هر یکی ازین مشرکان که کاشکی زیسته هزار سال و نیست آنچه
بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَن يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ
رهاننده او از عذاب اگر عمر داده شود و خدای تعالی بیناست
بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ قُلْ مَن كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ
آنچه میکنند گو هر که باشد دشمن مر جبرئیل را پس او
نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ
می آرد قرآن را بر دل تو بامر خدای تعالی باور دارنده آنچه پیش از وی
يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ مَن
نازل شده و راه نماینده و مژده دهنده مر مومنان را هر که
كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَمَلَئِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ
باشد دشمن مر خدای را و فرشتگان او را و فرستادگان او را و جبرئیل را
وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَفِرِينَ ۝ وَلَقَدْ
و میکائیل را پس بدرستیکه خدای تعالی دشمن است مر کافران را و بدرستیکه
أَنزَلْنَا إِلَيْكَ ءَايَتٍ بَيِّنَتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا
فرستادیم ما بسوی تو آیتهای روشن و کافر نشوند بدان مگر
الْفَسِقُونَ ۝ أَوَكُلَّمَا عَهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ
بیرون رفتگان آیا هرگاه که یهود عهد کردند عهدی که بشکست
فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝
گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان منکر شوند

خطاء زبیراکه علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقات است و ایشان از مرگ هراسان بودند و اشارت همین معنی است

درین آیت قل من کان عدوا سبب نزول آنبود که جمعی جهودان و مجوس و غیر ایشان

ع ربع

از یهود گفتند که صاحب محمد صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم جبرئیل علیه السلام است دا او وحی برا او فرود وحی آرد و سلاف ما را از جبرئیل علیه السلام بسیار زحمت رسید و اگر بلا و عذاب بر آبا یا بواسطه او نازل شده اگر بجای او میکائیل علیه السلام باشد

ولما

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ
و آنهنگام که آمد بدیشان فرستاده از نزد خدا تعالی باور دارنده
لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
که با ایشان بینداخت فریقی از آنانکه داده شدند توریت
كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
کتاب خدا تعالی پس پشت خود را گویا ایشان نمیدانند
وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ
و پیروی کردند آنچه برخواندند دیوان بر پادشاهی سلیمان
وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا
و کافر نشد سلیمان ولیکن دیوان کافر شدند
يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ
در می آموختند مردمان جادوی و آنچه فرستاده شد بر دو فرشته
بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ
در شهر بابل هاروت و ماروت و نمی آموزانند
مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ
هیچکس تا گویند جز این نیست که ما آزمایشیم پس کافر مشو
فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ
پس می آموزند از ان آنچه جدائی افگنند بدان میان مرد
وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ
و زن او و نیستند جادوان ضرر رساننده بسحر هیچکس را
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا
مگر بفرمان خدا تعالی و می آموزند آنچه زیان رساند ایشان را و نه
يَنفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي
سود ایشان را و بدرستیکه دانستند یهود هرکه بخرد سحر را نیست او را
الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۝ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ
در آنسرای بهره و بد است آنچه فروختند بدان
أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا
نفسهای ایشان اگر هستند که بدانند و اگر یهودان گروندی

ما بابی القاسم ایمان آوردیم حضرت حق سبحانه و تعالی از قول ایشان خبر داد آیت فرستاد وما انزل علی الملکین سبب نزولش آنست که یهودان و بعضی از مردمان اهل اسلام متابعت کردندی آنچیزی که فرستاده بود پیش از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم دعوی نمودند تا مردان ذو فرشته است و ایشان برآدمیان کنهکار طعنه میزدند حق سبحانه و تعالی فرمود که ایشان نیز به نفس و هوا اند و اگر شما ایشان را بجای حالت کر

وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا
و پرهیز کردندی جزا ایشان باداشتی از نزد خدا تعالی بهتر است اگر بودند که
يَعْلَمُونَ ○ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا
میدانستند ای گروه مومنان مگوید لفظ راعنا
وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
و بگوید نگه کن بما و بشنوید و مر کافران است عذابی
أَلِيمٌ ○ مَّا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
دردناک دوست ندارند آنانکه نگرویدند از اهل کتاب
وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن
و نه مشرکان آنکه فرستاده شود بر شما هیچ نیکوئی از
رَّبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ
پروردگار شما و خدا تعالی اختصاص میدهد برحمت خود هر کرا خواهد و خدا تعالی
ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ○ مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا
خداوند فضل بزرگست هر چه منسوخ میکنیم از آیه یا فراموش گردانیم
نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ
بهترین از آن یا مانند آن آیا ندانستی آنکه خدا تعالی
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ○ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ
بر هر چیز تواناست آیا نمیدانی ای آنکه خدا تعالی مر اوراست پادشاهی
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ
آسمانها و زمین و نیست شما را از جز خدا تعالی
مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ○ أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا
هیچ دوستی و نه یاری آیا میخواهید آنکه سوال کنید
رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ وَمَن يَتَبَدَّلِ
پیغمبر خود را همچنانکه سوال کرده شده موسی ع از پیش و هر که بدل کند
الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ○
کفر را بایمان پس بدرستیکه گمراه گشته است از میانه راه راست
وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ
دوست دارند بسیاری از اهل کتاب آنکه باز گردانند شما را از پس

اشاره است بخواهی صدور علماء بد تر از فعل ایشان از شما امکان داشتی ایشان ع استبعاد نمودند حقیقت نفس بشر را بدیشان داد و برای حکومت خلق بر زمین فرو آمده بر زنی زهره نام عاشق شدند و بسبب او بشرب خمر و بر قتل ناحق و بسجده صنم اقدام نمودند وحی سبحانه ایشان را از صعود بر آسمان منع کرد و عذاب ایشان در جهان مقرر شده حالا در چاه بابل سرنگون آویخته معذب اند و انزال سحر بر ایشان بجهة آن بود که در آن زمان سحره دعوت نبوت میکردند

اماکم

ایمانکم کفارا حسدا من عند انفسهم من
ایمان شما ناگرویدگان از روی حسد از نزد نفسهای ایشان از
بعد ما تبین لهم الحق فاعفوا واصفحوا
پس آنچه روشن گشت مر ایشان را حق پس درگذرانید و درگذرید
حتی یأتی الله بامره ان الله علی کل شیء قدیر
تا بیارد خدای تعالی بفرمان خود را بدرستیکه خدای تعالی بر هر چیز تواناست
واقیموا الصلوة واتوا الزکوة وما تقدموا
و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة و آنچه پیش فرستید
لانفسکم من خیر تجدوه عند الله ان الله بما
برای نفسهای خود از نیکی بیابید آنرا نزد خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی
تعملون بصیر وقالوا لن یدخل الجنة الا من
بآنچه میکنید بیناست و گفتند هرگز در نیاید در بهشت مگر آنکه
کان هودا او نصری تلک امانیهم قل هاتوا
باشد یهود یا نصاری این آرزوهای ایشان بگو بیارید
برهانکم ان کنتم صدقین بلی من اسلم
حجت خود را اگر هستید راست گویان آری هر که تسلیم کرد
وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه
همه خود را برای خدای تعالی و او نیکوکار است پس مر او راست مزد او نزد پروردگار او
ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون وقالت
و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک باشند و گفتند
الیهود لیست النصری علی شیء وقالت النصری
یهودان نیستند ترسایان بر چیزی و گفتند نصاری
لیست الیهود علی شیء وهم یتلون الکتب
نیستند یهودان بر چیزی و ایشان میخوانند توریت
کذلک قال الذین لا یعلمون مثل قولهم فالله
همچنین گفتند آنانکه نمیدانند مانند گفتار ایشان پس خدای تعالی
یحکم بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون
حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف میکنند

ثلثه

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسٰجِدَ اللّٰهِ اَنْ يُذْكَرَ
وکیست ستمکارتر ازانکه باز داشت مسجدهای خدا را ازانکه یاد کرده شود
فِيهَا اسْمُهُ وَسَعٰى فِي خَرَابِهَا اُولٰٓئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ
دران نام خدا تعالی وسعی نمود در خراب کردن آن آنگروه نیست مر ایشانرا
اَنْ يَدْخُلُوهَا اِلَّا خَآئِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ
انکه در آیند در مسجدها مگر ترسکاران مر ایشانراست در دنیا رسوایی
وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ
ومر ایشانراست در آخرة عذابی بزرگ ومر خدایراست مشرق
وَالْمَغْرِبُ فَاَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ
ومغرب پس هر کجا که روی آرید پس انجا وجه خداست بدرستیکه خدا تعالی
وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ
بزرگ مغفرتست دانا وگفتند فرا گرفت خدا تعالی فرزندی پاکی او راست
بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَهُ قٰنِتُونَ
بلکه مراوراست آنچه در آسمانها و در زمین ست همه مراوراست فرمان برداران
بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاِنَّمَا
پدید آرنده آسمانها و زمین وچون خواهد کاری را پس جز این نیست
يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
که میگوید مراورا باش پس باشد وگفتند آنانکه نمیدانستند
لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ اَوْ تَاْتِينَآ اٰيَةٌ كَذٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ
چرا سخن نمیگوید با ما خدا تعالی یا نمی آید ما را نشانی همچنین گفتند آنانکه
مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ
پیش از ایشان مانند گفتن ایشان متابعت دارد دلهای کفار
قَدْ بَيَّنَّا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ
هر آیینه بیان کردیم نشانها برای گروهیکه طالب یقین اند بدرستیکه ما فرستادیم ترا
بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ اَصْحٰبِ الْجَحِيمِ
براستی مژده دهنده وبیم کننده و پرسیده نخواهی شد از یاران دوزخ
وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى
وهرگز راضی نشوند از تو جهودان ونه ترسایان تا

نجران بنذر آمدند وبا روسای یهود مناظره نموده هر فرقه در ابطال دین دیگری غایت سعی بتقدیم رسانیدند و حضرت حق سبحانه و تعالی این آیه فرستاد

ابیت وللّٰه المشرق سبب نزولش آن بود که جمعی از لشکریان حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اصحابه واصحابه وسلم شبی بسبب ابر و تاریکی در سمت قبله اختلاف کردند و هر کس نحری نموده بر ایجود محرابی ساختند

تتبع

تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى
پیروی کیش ایشان را بگو بدرستیکه راه نمودن خدا آنست راه نمودن بحق
وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَاۤءَهُمْ بَعْدَ الَّذِىْ جَاۤءَكَ
و اگر متابعت نمائی هوای ایشان را بعد از آنکه آمده است بتو
مِنَ الْعِلْمِ مَالَكَ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ۝ اَلَّذِيْنَ
از دانش نیست ترا هیچ دوستی و نه یاری آنانکه
اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَتْلُوْنَهٗ حَقَّ تِلَاوَتِهٖ اُولٰۤئِكَ
دادیم ایشان را توریت میخوانند آنرا چنانکه حق خواندنست آنگروه
يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِهٖ فَاُولٰۤئِكَ هُمُ
ایمان دارند بکتاب و هر که کافر گردد بکتاب پس آنگروه ایشانند
الْخٰسِرُوْنَ ۝ يٰبَنِيْۤ اِسْرَاۤئِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيَ الَّتِيْۤ
زیانکاران ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا که
اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّيْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ۝
انعام کردم بر شما و من تفضیل کردم شما را بر جهانیان
وَاتَّقُوْا يَوْمًا لَّا تَجْزِيْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْئًا
و بترسید از عذاب روزیکه کفایت نکند کسی از کسی چیزی را
وَّلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ
و قبول کرده نشود از ان فدیه و سود نکند خواهش خواهندگان
وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ ۝ وَاِذِ ابْتَلٰۤى اِبْرٰهٖمَ رَبُّهٗ
و نه ایشان یاری داده شوند و وقتیکه فرمود ابراهیم ع پروردگار او
بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّيْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا
بسخنان پس با تمام رسانید آنرا گفت بدرستیکه من دارنده توام برای مردمان پیشوای
قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِيْ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظّٰلِمِيْنَ ۝
گفت و گشت از فرزندان و نبیرگان گفت نرسد عهد من ستمکاران را
وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاَمْنًا
و آنگاه که گردانیدیم کعبه را جای ثواب برای مردمان و ایمنی
وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَاۤ
و گیرید از مقام ابراهیم جای نماز و عهد کردیم ما

چون
روشن شد
خطوط
محاریب ایشان
از سمت قبله
منحرف بود چون
بمدینه رسیدند باعاده
قضای آن نماز از حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه
و آله و
ع
اصحابه
و ذریته و بارک و سلم
اجازت خواستند
در شان این آیت
نازل شد
واذ ابتلی
آنچه که این آیه است
در بیان آنکه یاد کن
ای محمد صلی الله علیه
و آله و سلم
وقتی را
که بیامود و ببینی
امر کرد
مر ابراهیم را
علیه السلام پروردگار
او
بسخنان

إلى إبرهم وإسمعيل أن طهرا بيتي للطائفين
بسوی ابراهیم ع و اسماعیل ع آنکه پاک سازید خانهٔ مرا برای طواف کنندگان
والعكفين والركع السجود ۝ وإذ قال إبرهم
و برای معتکفان و رکوع و سجود کنندگان و چون گفت ابراهیم ع
رب اجعل هذا بلدا ءامنا وارزق أهله من
ای پروردگار من بگردان این شهر ایمن و روزی ده اهل آنرا از
الثمرت من ءامن منهم بالله واليوم الآخر
میوه‌ها هرکه ایمان آرد از ایشان بخدا تعالی و بروز قیامت
قال ومن كفر فأمتعه قليلا ثم أضطره
گفت و هرکه کافر شود پس برخوردار دهم اورا اندکی پس بیچاره کنم اورا
إلى عذاب النار وبئس المصير ۝ وإذ يرفع
بسوی عذاب آتش و بد مرجعیست دوزخ و یاد کن آنرا که بر دست
إبرهم القواعد من البيت وإسمعيل ربنا
ابراهیم ع اصلها از کعبه و اسماعیل ع ای پروردگار
تقبل منا إنك أنت السميع العليم ۝ ربنا و
قبول کن از ما بدرستیکه تو شنوا دانا ای پروردگار ما و
اجعلنا مسلمين لك ومن ذريتنا أمة مسلمة
گردان ما را برا اسلام مرترا و از فرزندان ما گروهی گردن نهاده
لك وأرنا مناسكنا وتب علينا إنك أنت
مرترا و نمای ما را افعال حج و درگذران از ما بدرستیکه تویی
التواب الرحيم ۝ ربنا وابعث فيهم رسولا
توبه پذیرنده مهربان ای پروردگار ما و برانگیز درمیان ما فرستاده
منهم يتلوا عليهم ءايتك ويعلمهم الكتب والحكمة
از ایشان میخواند بر ایشان کتاب ترا و بیاموزد ایشانرا قرآن و معانی آن
ويزكيهم إنك أنت العزيز الحكيم ۝ ومن
و پاک گرداند ایشانرا بدرستیکه تو غالب و محکم کار و کیست
يرغب عن ملة إبرهم إلا من سفه نفسه و
که نا خوش دارد از کیش ابراهیم ع مگر کسیکه خوار کند نفس خود را و

او یعنی اوامر و نواهی یا مناسک حج یا آنچه از فطرت اسلام شمرده اند و آن فرق است یعنی شکافتن موی سر و حجامت آنرا که موی دارد و مضمضه و استنشاق و مسواک و چیدن موی لب و گرفتن ناخن و برکردن موی زیر بغل و حلقه عانه و ختنه و استنجا آب پس با تمام رسانید گفت بدرستیکه من کردانیده ام ترا برای مردمان پیشوا

ع

گفت ابراهیم علیه السلام و از فرزندان من نیز پیشوا پیدا کن

لقد

لَقَدِ اصْطَفَيْنَٰهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ
برستیکه برگزیدیم ابراهیم را در دنیا و او در آخرت از
الصَّٰلِحِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ
نیکوکاران است چون گفت مر او را پروردگار او گردن نه گفت تسلیم کردم
لِرَبِّ الْعَٰلَمِينَ ۝ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَٰهِيمُ بَنِيهِ وَ
مر پروردگار عالمیان را و وصیت کرد بدان ابراهیم مر پسران خود را و
يَعْقُوبُ يَٰبَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ
یعقوب ای پسران من بدرستیکه خدای تعالی برگزید برای شما دین
فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ۝ أَمْ كُنتُمْ
پس نمیرید مگر که شما مسلمان باشید آیا بودید
شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ
حاضر آنهنگام که آمد یعقوب را مرگ چون گفت
لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ
مر پسران خود را چه چیز خواهید پرستید از پس من گفتند خواهیم پرستید
إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَٰهِيمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ
خدای ترا و خدای پدران ترا ابراهیم و اسماعیل و اسحاق
إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ
خدای یگانه است و ما مر او را گردن نهادگانیم این گروه برستیکه
خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ
گذشتند مر ایشان راست آنچه کسب کردند و شما راست آنچه کسب کردید و شما پرسیده نشوید
عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ
از آنچه بودند که عمل میکردند و گفتند باشید از یهودان یا
نَصَٰرَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا
ترسایان تا راه یابید بگو بلکه کیش ابراهیم حنیف بود
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ قُولُوا آمَنَّا
و نبود از مشرکان بگوئید گرویدیم
بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَٰهِيمَ
بخدای تعالی و آنچه فرستاده شده بما و آنچه فرستاده شده بسوی ابراهیم

بیمبر سردی من ستمکاران و چون گردانیدیم خانه کعبه را جای بازگشت برای مردمان و ایمنی و فرا گیرید از مقام ابراهیم علیه السلام نمازگاه و عهد کردیم بسوی ابراهیم و اسمعیل که پاک سازید خانه مرا برای طواف کنندگانرا و اعتکاف و سجود کنندگان و ... این نازل شد وقالوا کونوا سبب اسلام ... که اعتقاد یهود بود که ایشانرا بطاعت ثواب دهند و بر کفر ایشان معاقب

وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَ
و اسماعیل ع و اسحاق ع و یعقوب ع و فرزندان یعقوب ع و
مَآ أُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَآ أُوتِيَ النَّبِيُّونَ
آنچه عطا داده شدند موسی ع و عیسی ع و آنچه داده شدند پیغمبران
مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ
از خداوند خود جدای نمیکنیم میان یکی از ایشان وما مر اورا
مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَآ آمَنتُم بِهِ فَقَدِ
گردن نهادگانیم پس اگر ایمان آوردند بمانند آنچه ایمان آوردید بوی پس بتحقیق
اهْتَدَوا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۝
راه یافتند و اگر برگردند پس جز این نیست که ایشان در عداوت اند
فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝
پس زود باشد که کفایت کند ایشانرا خدا تعالی و اوست شنوا و دانا
صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً
گوئیم رنگ خدا تعالی وکیست نیکوتر از خدا تعالی از دین
وَنَحْنُ لَهُ عٰبِدُونَ ۝ قُلْ أَتُحَآجُّونَنَا فِي اللَّهِ
وما مر اورا پرستش کنندگانیم بگو آیا مخاصمت میکنید در دین خدا تعالی
وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَآ أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ
و اوست پروردگار ما و پروردگار شما و ماراست جزاء کردار ما و شماراست جزاء کردار
وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرٰهِيمَ
وما مر اورا مخلصانیم آیا میگوئید بدرستیکه ابراهیم ع
وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ
و اسماعیل ع و اسحاق ع و یعقوب ع و فرزندان یعقوب ع
كَانُوا هُودًا أَوْ نَصٰرٰى قُلْ ءَأَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ
بودند یهود یا نصرانیه بگو آیا شما داناترید یا خدا تعالی
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهٰدَةً عِندَهُ مِنَ اللَّهِ وَ
وکیست ستمکارتر از آنکه پوشد گواهی که نزد اوست از خدا تعالی
مَا اللَّهُ بِغٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ
نیست خدا تعالی بیخبر از آنچه میکنید این قوم گروهی اند بدرستیکه درگذشتند

ساز ند حضرت
حق سبحانه وتعالی
در این
آیه فرمود که
نه شمارا با اعمال
ایشان مثاب خواهند
ساخت ونه ایشانرا
باعمال شما مواخذه
خواهند

گفتند
او و
یهودان تا شبید
ترسایان تا راه
بابید که ملت
ابراهیم علیه السلام
گیرند نه در جایی که
حنیف
ملت ونبود
از مشرکان
که بودند
ایمان
آوردیم بخدای
تعالی و آنچه فرود
آمده است بما و آنچه
فرو فرستاده شد
بسوی ابراهیم
و اسماعیل و
اسحاق
و یعقوب
و بفرزندان یعقوب
علیهم السلام

کما

الجزء الثاني

ع

لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما

مرایشانراست آنچه کسب کردند و مر شمارا آنچه کسب کردید و پرسیده نشوید از آنچه

كانوا يعملون ۝ سيقول السفهاء من الناس

کردند و دیگران زود باشد که گویند جاهلان از مردمان

ما ولّٰهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله

چه چیز بازگردانید مسلمانانرا از قبله ایشان که بودند بران بگو مر خدایراست

المشرق والمغرب يهدي من يشاء الى صراط

جهات مشرق و مغرب راه نماید هر کرا خواهد بسوی راه

مستقيم ۝ وكذلك جعلناكم امة وسطا

راست و همچنانکه گردانیدیم شمارا گروهی عدل

لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول

تا باشید گواهان بر مردمان و باشد فرستاده

عليكم شهيدا ۝ وما جعلنا القبلة التي كنت

بر شما گواه و نه ساختیم قبله را آنکه بستی

عليها الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب

بران مگر برای آنکه جدا سازیم آنکه پیروی رسول کند از کسی که بازگردد

على عقبيه وان كانت لكبيرة الا على الذين

بر دو پاشنهٔ خود و اگر باشد بزرگ مگر بر آنانکه

هدى الله وما كان الله ليضيع ايمانكم ان الله

راه نمود خدا تعالی و نیست خدا تعالی که ضایع کند ایمان شمارا بدرستیکه خدا تعالی

بالناس لرءوف رحيم ۝ قد نرى تقلب وجهك

بر مردمان مهربانست بخشاینده بدرستیکه ما می بینیم گردانیدن روی ترا

في السماء فلنولينك قبلة ترضىها فول وجهك

در آسمان پس متوجه سازیم ترا آن قبله را که میخواهی آنرا پس بگردان روی خود

شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم

سوی مسجد حرام و هر جا که باشید پس بگردانید روی خود را

شطره وان الذين اوتوا الكتاب ليعلمون

سوی مسجد و بدرستیکه آنانکه داده شدند توریت هر آینه میدانند

أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ۝
که آن درست است از پروردگار ایشان و نیست خدا تعالی بیخبر از انچه میکنند
وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا
و اگر بیاری آنکسانرا که داده شدند کتاب را بر معجزه که بیست نکنند
تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُم
پیروی قبله ترا و نیستی تو متابع قبله ایشانرا و نیستند بعضی از
بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم
پیروی کنند قبله بعضی و اگر پیروی کنی آرزوهای ایشانرا
مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَّمِنَ
از پس آنکه آمد ترا از دانش بدرستیکه تو آنوقت از
الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا
ستمکاران باشی آنانکه دادیم ایشانرا توریت می‌شناسند پیغمبر را همچنانکه
يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ
می‌شناسند پسران خود را و بدرستیکه گروهی از ایشان پوشیده
الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ
حق را و ایشان میدانند درست است از پروردگار تو پس مباش
مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا
از شک کنندگان و هر گروهی را جهتی است که او روی بدان دارد
فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ
پس پیشی گیرید نیکوئیها هر جا که باشید بیارد شمارا
اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَ
خدا تعالی همه بدرستیکه خدا تعالی بر هر چیز تواناست و
مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
از هر جا که بیرون آیی پس بگردان روی خود بطرف مسجد
الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ
حرام و بتحقیق آنکه راست است از پروردگار و نیست خدا تعالی بیخبر
عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ
از انچه میکنید و از هر جا که بیرون آیی پس بگردان روی خود را

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم ملول گشت فرمان الهی صادر شد که از بیت المقدس سوی الکعبه آرد جهودان و منافقان بعد از تحویل قبله زبان طعن بگشادند حضرت حق سبحانه و تعالی از ان حال خبر میدهد برای تکریه آیه بجهه تاکید یا برای تسبیه آیت فرستاد و من حیث آنچه سبب نزولش آنجمعه که یهود میگفتند محمد صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم

شطر

16

شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم فولوا

بطرف مسجد حرام و هر جا که باشید پس بگردانید

وجوهكم شطره لئلا يكون للناس عليكم

رویهای خود را بسوی مسجد حرام تا نباشد مردمان را بر شما

حجة الا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم و

حجتی مگر آنانکه ستم کردند از ایشان پس مترسید از ایشان و

اخشوني ولاتم نعمتي عليكم ولعلكم تهتدون

بترسید از من و تمام کنم نعمت خود را بر شما و تا مگر شما راه یابید

كما ارسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم

چنانکه ارسال کردیم در شما فرستاده از شما میخواند بر شما

ايتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتب والحكمة

آیات ما و پاک میکرد شما را و آموزد شما را قرآن و حلال و حرام

ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون فاذكروني

و آموزاند شما را آنچه نیستید که بدانستند پس یاد کنید مرا

اذكركم واشكروا لي ولا تكفرون يايها الذين

تا یاد کنم شما را و سپاس داری کنید مرا و ناسپاسی مکنید مرا ای گروه

امنوا استعينوا بالصبر والصلوة ان الله مع

مومنان یاری جوئید بشکیبائی و نماز بدرستیکه خدای تعالی با

الصبرين ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله

صابرانست و مگوئید مر آنکس را که کشته شد در راه خدای تعالی

اموات بل احياء ولكن لا تشعرون ولنبلونكم

مردگانند بلکه زندگانند ولکن نمیدانید و هر آینه بیازمائیم شما را

بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال

بچیزی از ترس و گرسنگی و نقصان از اموال

والانفس والثمرات وبشر الصبرين الذين

و نفسها و میوه ها و بشارت ده صبر کنندگان را آنانکه

اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه رجعون

چون برسد ایشانرا دشواری گویند بدرستیکه ما از خدائیم و بسوی او بازگردنده ایم

دین ما را منکر است و قبله ما را معتقد و مشرکان طعنه میزدند که این مرد را چه شد که روی از قبله پدران خود بگردانید پس بتحویل قبله بکعبه کسی را بر شما حجت نماند مگر آنانکه ستم کردند بر نفسهای خود بعناد و مکابره از یهود و مشرکان و بت پرستان مکه یهودی گفتند برای ما میل با قربای خود روی بکعبه آورد و مشرکان طعنه میکردند که محمد صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم دانست که ما بر حقیم دیگر باره روی بقبله ما

أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَ
آنگروه بر ایشان رحمتهاست از پروردگار ایشان و رحمت و
أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ
آنگروه ایشانند راه یافتگان بدرستیکه صفا و مروه
مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا
از نشانهای خانهٔ خدا اند پس هرکه قصد کعبه کند یا متوجه کعبه شود و نیست
جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ
گناهی بر او آنکه طواف کند بایشان و هرکه زیاده کند
خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
خیری پس بدرستیکه خدا تعالی جزا دهنده شکر گویانست و دانا بدرستیکه آنانکه
يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَٰتِ وَالْهُدَىٰ مِن بَعْدِ
می پوشند حق را آنچه فرستادیم از سخنان روشن و راه نمودنی از پس
مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَٰبِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ
آنکه بیان کردیم برای مردمان در توریت آنگروه میراند ایشانرا
اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّٰعِنُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ
خدا تعالی و لعنت کنند ایشانرا لعنت کنندگان مگر آنانکه باز گردند و
أَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ
اصلاح آورند و بیان کردند پس آنگروه باز کردم بر ایشان و
أَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا
منم قبول کننده توبه مهربان بدرستیکه آنانکه کافر شدند و بمردند
وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَٰٓئِكَةِ
و ایشان کافر شدند آنگروه بر ایشان لعنت خدا تعالی و فرشتگان
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ خَٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ
و مردمان همه جاوید باشند در آن سبک کرده نشود از ایشان
الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۝ وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ
عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و معبود شما معبودیست یکتا
لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَٰوَٰتِ
نیست معبودی مگر او بخشنده مهربان بدرستیکه در آفریدن آسمانها

گرد حضرت حق سبحانه و تعالی در جواب ایشان آیت فرستاد إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ سبب نزولش آن بود که کافران طواف کوه کردند عتاب آمد در آنکه طواف بدیشان کنند و سعی نماید درمیان ایشان چون کفار بت در جاهلیت طواف این دو کوه میکردند اهل اسلام از آن شعار عار می آمد حضرت حق سبحانه و تعالی آیه نزول ساخت

آیت مترجم گوید بعض اهل اسلام صفا و مروه را از شعایر طوعت گمان کرده از آن دست باز داشتند

ع

والأرض

وَالْاَرْضِ وَاخْتِلٰفِ الَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِىْ

وزمین وازپی آمدن شب و روز وکشتیها که

تَجْرِىْ فِى الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ

میرود در دریا بانچه نفع رساند مردمانرا وآنچه فرستاد خدا تعالی

مِنَ السَّمَآءِ مِنْ مَّآءٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ

از آسمان از آب پس زنده ساخت بدان زمین پس از

مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ وَّتَصْرِيْفِ

مردگی آن وپراکنده ساخت در آن از هر جنبنده ودرگردانیدن

الرِّيٰحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ

بادها ودر ابر رام شده میان آسمان وزمین

لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّتَّخِذُ

هر آینه نشانهاست برای گروهی که تعقل کنند واز مردمان که فرا گیرد

مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَنْدَادًا يُّحِبُّوْنَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ وَالَّذِيْنَ

از جز خدا تعالی همتایان دوست دارند ایشانرا چنانکه دوست میدارند خدا تعالی

اٰمَنُوْٓا اَشَدُّ حُبًّا لِّلّٰهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْٓا

گرویدند سخت در محبت مر خدا را وچون ببینند آنانکه ستم کردند

اِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا وَّاَنَّ

وقتیکه ببینند عذاب را آنکه قدرت مر خدا راست همه وآنکه

اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعَذَابِ ۝ اِذْ تَبَرَّاَ الَّذِيْنَ اتُّبِعُوْا

خدا تعالی سخت عقوبت کننده است آنوقت که بیزاری کنند آنانکه پیروی کرده شوند

مِنَ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْا وَرَاَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ

از آنانکه پیروی ایشان کردند وببینند عذاب را وبریده شود

بِهِمُ الْاَسْبَابُ ۝ وَقَالَ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْا لَوْ اَنَّ لَنَا

از ایشان سببها وگویند آنانکه متابعت کردند کاشکی ما

كَرَّةً فَنَتَبَرَّاَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوْا مِنَّا كَذٰلِكَ يُرِيْهِمُ

باز گشتی پس بیزاری کنیم از ایشان همچنانکه بیزار گشتند از ما همچنان مینماید ایشانرا

اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ حَسَرٰتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخٰرِجِيْنَ

خدا تعالی کردارهای ایشان پشیمانی برایشان ونیستند ایشان بیرون آینده

ومن الناس من

[illegible]

و انا لکم

دکان به همه عالم

[illegible]

ازآیات الهی سبحانه

[illegible]

مِنَ النَّارِ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ
از آتش ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است
حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ط إِنَّهُ
حلال پاکیزه و پیروی مکنید گامهای شیطان بدرستیکه او
لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ
مر شما را دشمنی است هویدا جز این نیست که میفرماید شما را بر بدی و
الْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝
کار زشت و آنکه بگویید بر خدای تعالی آنچه نمیدانید
وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا
و چون گویند ایشان را پیروی کنید آنچه فرستاد خدای تعالی گویند
بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ
بلکه پیروی کنیم آنچه یافتیم بران پدران خود را آیا بودند
آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۝
پدران خود را که فهم نمیکردند چیزی و راه راست نیافته بودند
وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا
و صفت ... کافران صفت کسی است که آواز میکند بچیزی که
يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً ط صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا
نمی شنود مگر خواندن و آوازی کرانند گنگانند کورانند پس ایشان نمی
يَعْقِلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ
دانند ای گروه مومنان بخورید از پاکیزه
مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ ط إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ
آنچه روزی داد شما را و سپاس گویید مر خدای را اگر هستید که او را پرستید
إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ
جز این نیست که حرام کرد بر شما مرده و خون و گوشت خوک
وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا
و چیزی که بر داشته شود آواز بان بغیر نام خدای تعالی پس هر که بیچاره کرده شد نه ستمکار بود و نه
عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّ
تجاوز کننده پس نیست گناه برو بدرستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست بدرستیکه

مردمان کیست که فرا گیرد
بجز خدای همتایان
ع
دوست دارد ایشان را
مانند دوستی خدا
و آنانکه ایمان آوردند [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ای آنانکه ایمان آوردند
[illegible]
[illegible]
[illegible]

الذین

و مومنان را دیده ضرر
مینگرند و بینند دیدن بمر
و مینگرند اند و دیدند کتب
سخن را مقتضیات فانی
و نقصان و اعراض سعی مومن
محبت باقی باقی و تحقیق
بینی اشرف مثابت اند
را اول عذاب ثابت را

الذين يكتمون ما انزل الله من الكتب ويشترون
آنانکه می پوشانند آنچه فرستاد خدای تعالی از کتاب و می خرند
به ثمنا قليلا اولئك ما يأكلون في بطونهم
بآن بهای اندک آنگروه نمیخورند در شکمهای خود
الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيمة ولا
مگر آتش و سخن نگوید ایشان را خدای تعالی روز قیامت و
يزكيهم ولهم عذاب اليم اولئك الذين
پاک نکند ایشان را و مر ایشان راست عذابی دردناک آنگروه آنانند
اشتروا الضللة بالهدى والعذاب بالمغفرة
که خریدند گمراهی را براه راست و عذاب را بآمرزش
فما اصبرهم على النار ذلك بان الله نزل الكتب
پس چه چیز شکیبا کرد ایشان را بر آتش این بآنکه خدای تعالی فرستاد کتاب
بالحق وان الذين اختلفوا في الكتب لفي شقاق بعيد
براستی و بدرستیکه آنانکه اختلاف کردند در کتاب در خلافی دور
ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق و
نیست نیکی آنکه برگردانند روی خود را بسوی مشرق و
المغرب ولكن البر من امن بالله واليوم الاخر
مغرب ولیکن نیکی آنکه بگرود بخدای تعالی و بروز آخر
والملئكة والكتب والنبين واتى المال على
و فرشتگان و کتابها و پیغمبران و بدهد مال را بر
حبه ذوي القربى واليتمى والمسكين وابن السبيل
دوستی خدای تعالی بخویشان و یتیمان و درویشان و مسافران
والسائلين وفي الرقاب واقام الصلوة و
و خواهندگان و در بهای گردنها و گذارد نماز را و
اتى الزكوة والموفون بعهدهم اذا عهدوا
بدهد زکوة را و وفا کنندگان باشند بعهد خود چون عهد کنند
والصبرين في البأساء والضراء وحين البأس
و صابران در فقر و فاقه و سختی و در هنگام کارزار

ع ربع

همان بگوید نرسی
و خورده دار آنکه نخم بجهنم کنی
عز سبب مرا نیز بنام او عقوبت
ایشان مرضا را بدو کنی
افتند که بجوی نبینی کی
و آن جهنم تا ایشان دارد و
دوست و شف است

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ
آنگروه آنانند که راست گفتند وآنگروه ایشانند پرهیزکاران
يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي
ای گروه مومنان نوشته شد برشما مواسات در
الْقَتْلٰى اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى
کشتگان آزادی بآزادی وبنده ببنده وزنی
بِالْاُنْثٰى فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوْفِ وَ
بزنی پس هرکه عفو کرده شود مراورا از برادر چیزی پس بر قاتلست در پی رفتن بنیکوی
اَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ
ادا کردن بسوی او به نیکوی این سبکیاریست از پروردکار شما
وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ
وبخشش پس هرکه از حد در گذرد بعد ازین پس مراورا است عذابی
اَلِيْمٌ ۝ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰاُولِي الْاَلْبَابِ
دردناک ومر شمار است در قصاص زندگانی ای خداوندان خرد
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ
شاید که شما پرهیزید نوشته شد برشما چون حاضر شود یکی از شما
الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرَاۨ الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَ
مرگ اگر بگذارد مالی را وصیت کردن برای پدر و مادر و
الْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ ۝
خویشان به نیکوی راستی برای پرهیزکننده
فَمَنْۢ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى
پس هرکه تبدیل کند بعد از آنکه شنوده باشد پس جز این نیست که بزه بر
الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝
آنانکه تبدیل کنند آنرا بدرستیکه خدای تعالی شنوا داناست
فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ اِثْمًا فَاَصْلَحَ
پس هرکه بترسد از وصیت میلی یا بزه کاری پس اصلاح کند
بَيْنَهُمْ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝
میان ایشان پس نیست بزه بر وی بدرستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست

يايها

یا ایها الذین آمنوا
سبب نزول این آیه بود
که پیش از اسلام چون میان
دو قبیله حرب افتادی
آن قبیله نازل بعوض
بنده آزادی ودر عوض
زنی مردی کشته شدی
بعد از هجرت چون این
صورت بعرض رسول
رسالت پناه صلی الله علیه
وسلم رسید در حق ایشان
علیه السلام در جاهلیت
رابینند وتا که میان ایشان
فمن بدله بعد ما سمعه
شد سبب نزول این آیت
از مردان و از زنان اقربا
در حالت حیات یا وقت
وصیت میکردند والدین
ودیگر فرزندان

ع

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا

ای گروه مومنان نوشت بر شما روزه همچنانکه

كُتِبَ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ

نوشته بود بر آنانکه پیش از شما شاید که شما پرهیزید

اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا

روزی چند شمرده پس هرکه باشد از شما بیمار

اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ وَعَلَى الَّذِيْنَ

یا در سفر پس بروی قضا از روزهای دیگر و بر آنانکه

يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِيْنٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ

توانند روزه دار نه فدیه خوردن درویشانست پس هرکه زیاده کند

خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ وَاَنْ تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ

نیکوئی پس آن بهترست مر اورا و آنکه روزه دار نه بهترست مر شمارا

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْٓ اُنْزِلَ

اگر هستید که بدانید ماه رمضان آنماه که فرستاده شد

فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى

دران قرآن راه نماینده است برای مردمان و دلائلها از حلال و حرام

وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ

وجدا کننده پس هرکه حاضر باشد از شما ماه رمضان پس بایدکه روزه دارد

وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ

وهرکه باشد بیمار یا در سفر پس بروی قضاست از

اَيَّامٍ اُخَرَ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ

روزهای دیگر میخواهد خدایتعالی بشما آسانی و نمیخواهد بشما

الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا

دشواری و تا تمام سازید روزهای رمضان و بزرگی یاد کنید خدا را بر آنکه

هَدٰىكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۝ وَاِذَا سَاَلَكَ عِبَادِيْ

راه نمود شمارا و شاید که شما شکر کنید و چون پرسند ترا بندگان من

عَنِّيْ فَاِنِّيْ قَرِيْبٌ ۝ اُجِيْبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ

از من پس من نزدیکم اجابت میکنم خواندن خواننده را چون بخواند مرا

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

پس کو طلب اجابت کنند مرا و ایمان باشند بمن شاید که ایشان راه راست یابند

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ

حلال کرده شد مر شما را شب روزه مباشرت با زنان خود

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ

ایشان پوشش اند مر شما را و شما لباسید مر ایشان را دانست خدای تعالی

أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ

که شما باشید خیانت کنید نفسهای خود را پس رجوع کرد بر شما و

عَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ

عفو کرد از شما پس اکنون مباشرت کنید با ایشان و بجوئید آنچه نوشت

اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ

خدای تعالی مر شما را و بخورید و بیاشامید تا روشن شود

لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ

مر شما را رشته سفید از رشته سیاه از فجر

ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ

پس تمام کنید روزه را تا شب و مکنید مباشرت زنان را و

أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ

شما معتکفان باشید در مسجدها اینست اندازهای خدای تعالی

فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

پس نزدیک مشوید مر آن همچنین بیان کند خدای تعالی نشانها مر مردمان را

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ

شاید که ایشان پرهیزند و مخورید مالهای خود را میان خود

بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا

بناشایست و مگذارید مر آن بسوی حاکمان تا بخورید

فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

گروهی از مالهای مردمان گناه و شما میدانید

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ

می پرسند ترا از ماههای نو بگو آن هنگامهاست برای مردمان

ع

وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا
وحج ونیست نیکوئی آنکه درآیید بخانها از پشتهای آن

وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا
ولیکن نیکی کسیکه پرهیزد ودرآیید بخانها از درهای آن

وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ
وبترسید از خدا تعالی شاید که شما رستگار شوید وکارزار کنید در راه

اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ
خدا تعالی آنانکه کارزار کنند با شما واز حد مگذرید بدرستیکه خدا تعالی

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ
دوست نمیدارد از حد گذرندگان وبکشید مقاتلان خود را هرجا که بیابید ایشان را

وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ
وبیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را وشرک سخت است

مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
از کارزار ومقاتله مکنید با مشرکان نزدیک مسجد حرام

حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَٰلِكَ
تا کارزار کنند با شما پس اگر ابتدا کنند بقتال پس بکشید ایشان را همچنین

جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
پاداش ناگرویدگان پس اگر باز ایستند پس بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده

رَحِيمٌ ۝ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ
مهربانست وقتال کنید با مشرکان تا نباشد فتنه وباشد

الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى
دین مر خدا را پس اگر باز ایستند پس نیست ظلم مگر بر

الظَّالِمِينَ ۝ الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ
ستمکاران ماه حرام بماه حرام و

الْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا
حرمتها را مساوات است پس هرکه ستم کند بر شما پس شما نیز ستم کنید

عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
باو باندازه ستم رسنده بر شما وبترسید از خدا تعالی

معاذ بن جبل و ثعلبه بن غنم از عربان انصار بودند پرسیدند از پیغمبر علیه السلام چه سبب است که ماه در اول باریک باشد ... پس بزرگ شود تا تمام شود باز ... باریک شود ... حق تعالی بعلم ازلی میداند که این ... از حکمت نقصان و کمال ماه ... فهم نیست جواب در موقت فایده آن آیه فرو فرستاده این است

در لزوم حج و عمره

واعلموا ان الله مع المتقين ۝ وانفقوا في
وبدانید که خدا تعالی با پرهیزکارانست ونفقه کنید در
سبيل الله ولا تلقوا بايديكم الى التهلكة
راه خدا تعالی ومیفکنید بدستهای خود را در ورطه هلاکت
واحسنوا ان الله يحب المحسنين ۝ واتموا
ونیکویی کنید بدرستیکه خدا تعالی دوست دارد نیکوکاران را وتمام کنید
الحج والعمرة لله فان احصرتم فما استيسر
حج را وعمره را برای خدا تعالی پس اگر بسته شوید به بیماری پس هرچه میسر شود
من الهدي ولا تحلقوا رءوسكم حتى يبلغ
از قربانی ونتراشید سرهای خود را تا برسد
الهدي محله فمن كان منكم مريضا او
قربانی بمحل خود پس هرکه باشد از شما بیمار یا
به اذى من رأسه ففدية من صيام او
باشد او را رنجی از سر او پس فدیه دادن از روزه یا
صدقة او نسك فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة
صدقه یا قربانی پس چون ایمن شدید پس هرکه برخوردار شد از عمره
الى الحج فما استيسر من الهدي فمن لم يجد
بسوی حج پس آنچه میسر شود از قربانی پس هرکه نیابد
فصيام ثلثة ايام في الحج وسبعة اذا رجعتم
پس روزه سه روز در حج وهفت روز چون باز گردید
تلك عشرة كاملة ذلك لمن لم يكن اهله حاضري
این ده عدد تمام است این حکم مرکسی راست که نباشد اهل او حاضر
المسجد الحرام واتقوا الله واعلموا ان الله شديد
مسجد حرام وبترسید از خدا تعالی وبدانید که خدا تعالی سخت
العقاب ۝ الحج اشهر معلومات فمن فرض فيهن
عقوبتست زمان حج ماههای معروفست پس هرکه فرض کرد اندران
الحج فلا رفث ولا فسوق ولا جدال في الحج وما
زمان حج پس جماع نکند واز حد شرع نگذرد وجدال کند در حج وآنچه

تفعلوا

تفعلوا من خير يعلمه الله وتزودوا فان

میکنید از نیکوئی میداند آنرا خدا تعالی و توشه برگیرید پس بدرستیکه

خير الزاد التقوى واتقون يا اولي الالباب

بهترین توشها پرهیزگاریست و بترسید از من ای خداوندان عقل

ليس عليكم جناح ان تبتغوا فضلا من ربكم

نیست بر شما گناهی که بجوئید روزیی از پروردگار خود

فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند

پس چون برگردید از عرفات پس یاد کنید خدا را نزد

المشعر الحرام واذكروه كما هداكم وان كنتم

مشعر حرام و یاد کنید او را همچنانکه راه نمود شما را و اگر بودید

من قبله لمن الضالين ثم افيضوا من حيث

از پیش از گمراهان پس بازگردید از انجا که

افاض الناس واستغفروا الله ان الله غفور

بازمیگردانند مردمان و آمرزش خواهید از خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده

رحيم فاذا قضيتم مناسككم فاذكروا الله

مهربانست پس چون بگذارید کارهای حج پس یاد کنید خدا را

كذكركم اباءكم او اشد ذكرا فمن الناس

همچو یادکردن شما پدران خود را یا بزرگتر از یاد پس از مردمان

من يقول ربنا اتنا في الدنيا وما له في

هرکه گوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا و نیست مر او را در

الاخرة من خلاق ومنهم من يقول ربنا

آخرة هیچ بهره و از ایشان هرکه گوید ای پروردگار ما

اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة

بده ما را در دنیا نیکوئی و در آخرة نیکوئی

وقنا عذاب النار اولئك لهم نصيب مما

و نگهدار ما را از عذاب آتش آن گروه مر ایشان بهره از انچه

كسبوا والله سريع الحساب واذكروا الله

کسب کرده و خدا تعالی زود حساب است و یاد کنید خدا را

[illegible] همه عرب را وقوف بعرفات بودی و ایشان در مزدلفه وقوف [illegible]

فی ایامٍ معدودات فمن تعجّل فی یومین فلا
در روزهای شمرده پس هر که شتاب کند در دو روز پس نیست

اثم علیه ومن تاخّر فلا اثم علیه لمن اتّقی
بزه برو و هر که تاخیر کند پس نیست بزه برو کو پرهیزد

واتّقوا الله واعلموا انّکم الیه تحشرون
و بترسید از خدای تعالی و بدانید که شما بسوی او حشر کرده شوید

ومن النّاس من یعجبک قوله فی الحیوة الدّنیا
و از مردمان که خوش آید ترا سخن او را در زندگانی دنیا

ویشهد الله علی ما فی قلبه وهو الدّ الخصام
و گواهی آرد خدای تعالی بر آنچه در دل اوست و او ستیزترین دشمنانست

واذا تولّی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک
و چون برگردد و بشتابد در زمین تا تباهی کند در آن و نابود کند

الحرث والنّسل والله لا یحبّ الفساد واذا
کشت را و چارپایان را و خدای تعالی دوست نمیدارد مفسد را و چون

قیل له اتّق الله اخذته العزّة بالاثم فحسبه
گویند مر او را بترس از خدای تعالی بگیرد او را حمیت گناه پس بسنده است او را

جهنّم ولبئس المهاد ومن النّاس من یشری
دوزخ و بد فرشیست و از مردمان هر که فروشد

نفسه ابتغاء مرضات الله والله رءوف
نفس خود را بطلب خشنودی خدای تعالی و خدای تعالی مهربانست

بالعباد یایّها الّذین امنوا ادخلوا فی السّلم
بر بندگان ای گروه مومنان درآیید در اسلام

کافّة ولا تتّبعوا خطوت الشّیطن انّه لکم
همه و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستیکه او مر شما را

عدوّ مبین فان زللتم من بعد ما جاءتکم
دشمنی است هویدا پس اگر بلغزید از پس آنکه آمد شما را

البیّنت فاعلموا انّ الله عزیز حکیم هل
احکام پس بدانید آنکه خدای تعالی غالب و محکم کار است آیا

ینظرون

يَنظُرُونَ إِلَّآ أَن يَأْتِيَهُمُ ٱللَّهُ فِى ظُلَلٍ مِّنَ
چشم میدارند مگر آنکه بیاید ایشان را خدای تعالی در سایبانها از
ٱلْغَمَامِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ وَإِلَى ٱللَّهِ
ابر و فرشتگان و گذارده شود کار و بسوی خدای تعالی
تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ۝ سَلْ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ كَمْ ءَاتَيْنَٰهُم
بازگردانیده شود کارها بپرس از یهود چند دادیم ایشانرا
مِّنْ ءَايَةٍۭ بَيِّنَةٍ وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ مِنۢ بَعْدِ
از نشانهای روشن و هر که تبدیل کند نعمت خدا را از پس
مَا جَآءَتْهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ۝ زُيِّنَ
آنچه آمد او را پس بدرستیکه خدای تعالی سخت عقوبتست آراسته کرده شد
لِلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ
برای آنانکه کافر شدند زندگانی دنیا و سخریه میکنند
مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ فَوْقَهُمْ
از آنانکه گرویدند و آنانکه پرهیزکردند زبر ایشان
يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ
روز قیامت و خدای تعالی روزی میدهد هر کرا خواهد بی
حِسَابٍ ۝ كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَبَعَثَ
شمار بودند آدمیان گروهی یگانه پس برانگیخت
ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّۦنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنزَلَ
خدای تعالی پیغمبرانرا مژده دهنده و بیم کننده و فرستاد
مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ فِيمَا ٱخْتَلَفُوا۟
با ایشان کتاب براستی تا حکم کند میان مردمان در آنچه اختلاف کردند
فِيهِ وَمَا ٱخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ بَعْدِ مَا
دران و اختلاف نکردند دران مگر آنانکه داده شدند از پس آنکه
جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟
آمد ایشانرا معجزه از حسد میان ایشان پس راه نمود خدای تعالی آنانرا که گرویدند
لِمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلْحَقِّ بِإِذْنِهِۦ وَٱللَّهُ يَهْدِى
مر آنچیز را که اختلاف کردند دران از حق بامر خود و خدای تعالی راه نماید

نصف
ع

يسئلونك ماذا ينفقون

مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن
هر کرا خواهد بسوی راه راست آیا می پندارید که

تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا
در آیید در بهشت و نیامد بشما مثل آنانکه گذشتند

مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا
پیش از شما رسید بانها سختی و بیماری و از جای جنبانیده شدند

حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ
تا آنکه گفت پیغمبر ایشان و آنانکه گرویدند با او که کی

نَصْرُ اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ۝ يَسْأَلُونَكَ
یاری خدای بدانید که یاری دادن خدای تعالی نزدیک است می پرسند ترا

مَاذَا يُنفِقُونَ ۖ قُلْ مَا أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ
چه چیز نفقه کنند بگو آنچه نفقه کنید از نیکوئی پس برای پدر و مادر

وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ
و نزدیکان و بی پدران و مسکینان و راه گذاران

وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ كُتِبَ
و آنچه کنید از نیکوئی پس بدرستیکه خدای تعالی بآن داناست نوشته

عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَن
بر شما کارزار و آن شاقست مر شما و شاید که

تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا
مکروه دارید چیزی را و او بهتر است مر شما و شاید آنکه دوست دارید

شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
چیزی را و او بد باشد مر شما را و خدای تعالی میداند و شما نمیدانید

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ
می پرسند ترا از ماه حرام کارزار در و بگو

قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ
جنگ دران بزرگست و باز داشتن از راه خدای تعالی و نا گرویدن بخدا

وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ
و مسجد حرام و بیرون کردن اهل آن ازو بزرگتر نزد خدای تعالی

والفتنة

وَالْفِتْنَةُ اَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُوْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ
و فتنه بزرگتر است از کارزار و همیشه باشند کارزار کنند با شما

حَتّٰى يَرُدُّوْكُمْ عَنْ دِيْنِكُمْ اِنِ اسْتَطَاعُوْا وَ
تا باز گردانید شما را از دین خود اگر توانا شوند و

مَنْ يَّرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِيْنِهٖ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ
هر که بر گردد از شما از دین خود پس بمیرد و او کافر باشد

فَاُولٰٓئِكَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
پس آن گروه باطل کرد کردارهای ایشان در دنیا و آخرة

وَاُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ اِنَّ
و آن گروه ملازمان آتش اند ایشان در ان جاوید اند بدرستیکه

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَجَاهَدُوْا فِيْ
آنانکه گرویدند و آنانکه هجرت کردند و جهاد نمودند در

سَبِيْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ
راه خدا تعالی آن گروه امید میدارند رحمت خدا را و خدا تعالی

غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ
آمرزنده مهربانست میپرسند ترا از شراب و قمار بگو

فِيْهِمَا اِثْمٌ كَبِيْرٌ وَّمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَاِثْمُهُمَا اَكْبَرُ
درین هر دو گناهی بزرگست و منفعتها برای مردمان و گناه هر دو بزرگ است

مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْئَلُوْنَكَ مَاذَا يُنْفِقُوْنَ قُلِ الْعَفْوَ
از نفع آن و میپرسند ترا چه چیز نفقه کنند بگو عفو را

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ
همچنانکه بیان میکند خدا تعالی برای شما نشانها شاید که شما فکر کنید

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَيَسْئَلُوْنَكَ عَنِ الْيَتٰمٰى قُلْ
در دنیا و آخرة و میپرسند ترا از کیفیت یتیمان بگو

اِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَاِنْ تُخَالِطُوْهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ
باصلاح آوردن برای ایشان بهترست و اگر در آمیزند با ایشان پس برادران شما

وَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ
و خدا تعالی میداند تباه کننده از اصلاح دهنده و اگر خواستی خدا تعالی

فرمرتد
کار دران ...
... از طایفه ...
... ارتداد ...
... ثمرات ...
از کفار ...
... حلال ...
... 
... 
الا ...
... 
... 
از خمر صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم ... حرام را
حلال کرد اینها ... و درا
بجهت ...
فتوی ... مسلمان
از قتال در ماه حرام
سوال کردند جواب
آمد

و لا تنکحوا المشرکات

سبب نزول این آیه آن بود که مرثد غنوی را که مردی دلاور بود بمکه فرستاد تا قومی از مسلمانان را که در مانده بودند از کفار بیرون آرد مرثد چون بمکه رسید زنی مشرکه عناق نام که در زمان جاهلیت با وی دوستی داشت

لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَلَا تَنْكِحُوا
هر آئینه در رنج افکند شما را در ستیکه خدا تعالی غالب و محکم کارست و بزنی مدهید
الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ
زنان مشرکه تا ایمان آرد و هر آئینه کنیزک مومنه بهترست
مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ
از زن مشرکه و اگرچه شگفت افزاید ترا و بزنی مدهید زنان مومنه با مشرکان
حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ
تا ایمان آرد و بنده مومن بهترست از مشرک
وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ
و اگر شگفت افزاید ترا آن گروه میخوانند بسوی آتش و خدا تعالی
يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ
میخواند بسوی جنت و آمرزش بارادت خود و هویدا میکند
آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَيَسْأَلُونَكَ
احکام برای مردمان شاید که ایشان پند پذیرند و میپرسند ترا
عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي
از حیض زنان بگو حیض کروهیست پس دور باشید از زنان در
الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا
حیض و نزدیک مشوید بایشان تا پاک شوند پس چون
تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ
پاک شوند پس بیائید بر ایشان از آنجا که امر کرد شمارا خدا تعالی در ستیکه
اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ۝ نِسَاؤُكُمْ
خدا تعالی دوست دارد توبه کنندگان را و دوست دارد پاکیزگان را زنان شما
حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا
کشت شما اند پس بیائید بکشت خود هر گونه که خواهید و فرا پیش دارید
لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ
نفس خود را و بترسید از خدا تعالی و بدانید که شما رسنده اید
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً
و مژده ده مومنان را و مکردانید خدا تعالی دست آویز

ع

لایمانکم

لِاَيْمَانِكُمْ اَنْ تَبَرُّوْا وَتَتَّقُوْا وَتُصْلِحُوْا بَيْنَ

در سوگندان خود را از انکه نیکوی کنید و پرهیزید و اصلاح کنید میان

النَّاسِ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝ لَا يُؤَاخِذُكُمُ

مردمان و خدای تعالی شنوا داناست نگیرد شما را

اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيْٓ اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا

خدای تعالی به بیهوده در سوگندان شما ولیکن مواخذه کند شما را بانچه

كَسَبَتْ قُلُوْبُكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ۝ لِلَّذِيْنَ

کسب کند دلهای شما و خدای تعالی آمرزنده بردبار است مر انان را که

يُؤْلُوْنَ مِنْ نِّسَآئِهِمْ تَرَبُّصُ اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ

سوگند خورند از زنان خود انتظار بردن چهار ماه است

فَاِنْ فَآءُوْ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ وَاِنْ عَزَمُوا

پس اگر مباشرت کردند پس به درستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست و اگر قصد کنند

الطَّلَاقَ فَاِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝ وَالْمُطَلَّقٰتُ

طلاق را پس به درستیکه خدای تعالی شنوا داناست و زنان رها کرده

يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ ثَلٰثَةَ قُرُوْٓءٍ وَلَا يَحِلُّ

انتظار برند بنفسهای خود سه حیض را و حلال نباشد

لَهُنَّ اَنْ يَّكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِيْٓ اَرْحَامِهِنَّ

زنان را آنکه بپوشند از انچه آفرید خدای تعالی در رحمهای ایشان

اِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَبُعُوْلَتُهُنَّ

اگر هستند که ایمان دارند بخدای تعالی و بروز آخر و شوهران ایشان

اَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِيْ ذٰلِكَ اِنْ اَرَادُوْٓا اِصْلَاحًا

سزاوارترند برجوع کردن ایشان در این اگر خواهند شوهران اصلاح آوردن

وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِيْ عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوْفِ وَلِلرِّجَالِ

و زنان راست مانند آنانکه بر ایشان بنیکوی و مر مردان راست

عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝ اَلطَّلَاقُ

بر زنان درجه و خدای تعالی غالب و محکم کار است طلاق رجعی

مَرَّتٰنِ فَاِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوْفٍ اَوْ تَسْرِيْحٌۢ بِاِحْسَانٍ

دو بار است پس با خود گرفتن به نیکوی یا رها کردن به نیکوی

سوگندان
اجازت بر پیغمبر
بکن نه بر علی و علی اورو
بر آن زن بعد از ...
... ار بعومن ...
منصور ... از ...
مختلف ... مشکوک ...
و حکم بیمر ... از ...
... بر دو ... محل
... ز ... بر ... و ...
... زن ... عدد ...
عد ... نسر ... ر ...
... زن ... ز ...
... ابر اطلاق ... زده
بود و او را زوجه اون
نخرت ... صلی
علیه و آله ع در صحابه
و سلم درآنحضرت ... طلاق
... از عدد ...
... زن ...

وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا
و حلال نیست مر شما را که بگیرید از آنچه داده اید زنان را چیزی
إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ
مگر آنکه دانند که بپا نتوانند داشت حدود خدا تعالی پس اگر دانسته اید
أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا
آنکه اقامت نتوانند کرد حکمهای خدا تعالی را پس نیست گناه بر مرد و زن در آنچه زن
افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا
فدا دهد بشوهر این اندازهای خداست پس از آن در مگذرید
وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ
و هر که در گذرد از حدهای خدا تعالی پس آن گروه ایشانند ستمکاران
فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ
پس اگر طلاق دهید پس حلال نباشد آن زن بعد از آن تا نکاح در آرد
زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ
شوهر دیگر پس اگر طلاق دهد پس نیست گناه بر شوهر اول آنکه
يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا
با یکدیگر رجوع نمایند اگر گمان برند آنکه بپا دارند احکام خدا را بیان می کند
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ
برای گروهی که دانند و چون طلاق دهید زنان را پس برسند
أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ
بمدت خود پس رجعت کنید مر ایشان به نیکویی یا رها کنید ایشان را
بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِتَعْتَدُوا وَ
به نیکویی و رجعت مکنید ایشان را از روی زیان تا ستم کنید و
مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا
هر که بکند این پس بدرستیکه بیداد کرد بر نفس خود و فرا مگیرید
آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ
حکمهای خدا را بافسوس و یاد کنید نعمت خدا را بر شما و
مَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ
آنچه فرستاد بر شما از کتاب و حکمت پند دهد شما را

کفت عمار میکذارد و روزه میدارد و ضد او رسول را دوست میدارد با کفت زیره زنانو مان بر ژده است پس آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حق [illegible] کرا و مومنه [illegible] کس [illegible] زبان طعن [illegible] [illegible] مکنید [illegible] [illegible] و [illegible] نعالی [illegible] و خود قبیم شد

به واتقوا

[illegible]

ثلثه

ع

بِهٖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ

وان و بترسید از خدا تعالی و بدانید اگر خدا تعالی بهر چیز داناست

وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا

و چون طلاق دهید زنان را پس برسند بمدت خود پس مکنید

تَعْضُلُوْهُنَّ اَنْ يَّنْكِحْنَ اَزْوَاجَهُنَّ اِذَا تَرَاضَوْا

منع ایشان را اگر نکاح در آیند شوهران خود را چون رضا دهند

بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوْفِ ذٰلِكَ يُوْعَظُ بِهٖ مَنْ كَانَ

میان یکدیگر بنیکویی این پند داده شود بدو هر که باشد

مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ذٰلِكُمْ اَزْكٰى

از شما ایمان آرد بخدا تعالی و بروز قیامت این پاکیزه ترست

لَكُمْ وَاَطْهَرُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ

مر شما را و پاک تر و خدا تعالی میداند و شما نمیدانید

وَالْوَالِدٰتُ يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ

و مادران شیر دهنده فرزندان خود را دو سال تمام

لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُّتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُوْدِ

مر آنکس را که خواهد اگر تمام کند شیر دادن و بر آنکس است که فرزند زاده اند

لَهٗ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ لَا تُكَلَّفُ

روزی ایشان را و پوشش ایشان بنیکویی تکلیف کرده نشود

نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَآرَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا

هیچ نفسی مگر قدرت آن با یکو رنج نرسانند هیچ مادری بفرزند

وَلَا مَوْلُوْدٌ لَّهٗ بِوَلَدِهٖ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ

و نه رساند پدر بفرزند و بر وارث مانند

ذٰلِكَ فَاِنْ اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَ

این پس اگر خواهند جدا کردن از روی خشنودی از والدین و

تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَاِنْ اَرَدْتُّمْ اَنْ

مشاورت کردن پس نیست گناه بر شما و اگر خواهید که

تَسْتَرْضِعُوْٓا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا

دایه گیرید برای فرزندان خود پس نیست گناه بر شما چون

[illegible]

سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

تسلیم کنید آنچه اراده کرده اید به نیکوئی و بترسید از خدا تعالی و

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ

بدانید که خدا تعالی بآنچه میکنید بیناست و آنانکه

يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ

بمیرند از شما و بگذارند زنان را که انتظار برند

بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ

بنفسهای خود چهار ماه و ده روز پس چون برسند

أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ

بمدت خویش پس نیست گناه بر شما در آنچه کنند در نفسهای خود

بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ وَلَا جُنَاحَ

به نیکوئی و خدا تعالی بآنچه میکنید خبردار است و نیست گناه

عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ

بر شما در آنچه تعریض کنید بداو از خواستگاری زنان

أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ

یا پوشیده در دلهای خود دانست خدا تعالی که شما

سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا

زود که یاد کنید زنان را و لیکن وعده منهید ایشان را پوشیده

إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ

مگر آنکه گوئید سخن نیکو و قصد مکنید عقد

النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

نکاح ایشان تا برسد کتاب بغایت خود و بدانید آنکه خدا تعالی

يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ

میداند آنچه در نفسهای شما پس حذر کنید ازو و بدانید آنکه

اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ

خدا تعالی آمرزنده بردبار است نیست گناه بر شما اگر طلاق دهید

النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً

زنان را مادام که مس نکرده باشید یا فرض نکرده باشید مرایشان را مهری

ومتعوهن

وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ
و برخوردار سازید ایشانرا بر مرد توانگر باندازه و بر فقیر
قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ
مقدار برخورداری بهنگوئی درست بر نیکوکاران
وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَ
و اگر طلاق دهید زنانرا از پیش آنکه مس کنید ایشانرا و
قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ
بدرستیکه مقرر کرده باشند برای ایشان مهری پس نیمه آنچه فرض کردید
إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ
مگر آنکه درگذرند یا عفو کند آنکه بدست اوست عقد
النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسَوُا
نکاح و اگر درگذرید نزدیکتر است بپرهیزکاری و فراموش مکنید
الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
تفضل را میان خود بدرستیکه خدا تعالی آنچه میکنید بیناست
حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ
محافظت کنید بر نمازها و میانه نماز و
قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا
بپای ایستید مرخدارا فرمان برداران پس اگر ترسید پیاده روند یا سوار
فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا
پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدا را چنانکه درآموزانید شما را آنچه نبودید
تَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ
که بدانید و آنانکه بمیرند از شما و بگذارند
أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ
زنانرا وصیت کردن برای زنان ایشان برخورداری تا یکسال
غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
نه بیرون کردن پس اگر بیرون آیند پس نیست گناه بر شما
فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ
در آنچه کنند در نفسهای خود از آنچه موافق شرع و خدا تعالی

بنفع و ادا مر شیر
شده مخصوص علیه کن بر ناه
از جمع و انزل و ادبر
بود طلاق خلوت بلا الزم
نکنند یعنی خرج کابین
از آن نصف را زن
یا ولی مرد صاحب عقد
نصف که از زوج و قبل از
دخول طلاق داد بن
کرده نماز عصر و صحرا زیارت
پیاده صلی الله علیه و سلم آله
و صحابه و تابعین و سلم
فرمود که نفقه یکسال
و اگر طلاق دهید زنانرا
ما و اجماعی نازل کرده باید
و زنان از مهر مقرر و
برخوردار سازید زنانرا

عزيز حكيم ۝ وللمطلقت متاع بالمعروف
غالب و محکم کار است و زنان طلاق داده را استمتاع است به نیکویی
حقا على المتقين ۝ كذلك يبين الله لكم اياته
سزاوار کرده شده بر پرهیزکاران همچنین بیان میکند خدا تعالی شما را نشانها
لعلكم تعقلون ۝ الم تر الى الذين خرجوا
شاید که شما بدانید آیا نه بینی بسوی آنانکه بیرون رفتند
من ديارهم وهم الوف حذر الموت فقال
از سراهای خود و ایشان هزاران احتراز کردن از مرگ پس گفت
لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو فضل
مر ایشان را خدا تعالی بمیرید پس زنده کرد ایشانرا بدرستیکه خدا تعالی خداوند فضل است
على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون ۝
بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان سپاسداری نمیکنند
وقاتلوا في سبيل الله واعلموا ان الله سميع
و کارزار کنید در راه خدا تعالی و بدانید آنکه خدا تعالی شنوا
عليم ۝ من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا
داناست کیست آنکه وام دهد خدا را وامی نیکو
فيضعفه له اضعافا كثيرة والله يقبض
پس مضاعف گرداند برای او مضاعف بسیار و خدا تعالی فرا میگیرد
ويبصط واليه ترجعون ۝ الم تر الى الملا
و گشاده گرداند و بسوی او باز گردانیده شوید آیا نه دیدی بسوی اشراف
من بني اسرائيل من بعد موسى اذ قالوا لنبي
از بنی اسرائیل از پس موسی ؑ چون گفتند پیغمبری را
لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل الله قال
که بود ایشانرا برانگیز برای ما پادشاهی کارزار کنیم در راه خدا تعالی گفت
هل عسيتم ان كتب عليكم القتال الا تقاتلوا
آیا هیچ شاید اگر فرض کرده شود بر شما کارزار آنکه مقاتله نکنید
قالوا وما لنا الا نقاتل في سبيل الله وقد
گفتند و چیست ما را آنکه قتال نکنیم در راه خدا تعالی و بدرستیکه

بر دو تو هر توانا نی
و بر درویش مقدار است
متعه داد نی بر پرهیزگاری
است بر نیکوکاران
الم تر الی الذین خرجوا
ع
آیا نه بینی ای محمد
بسوی آنانکه بیرون رفتند
از سراهای خود و ایشان
هزاران بودند از بیم مرگ
خدا تعالی بلند بیکران
قوم داوردان بودند
و دلها و طاعون
بعضی بر ایشان
شهر و اکثر بلاد
مانند ... و بعضی
و ... ندا
طاعون معاودت

اخرجنا

أُخْرِجْنَا مِن دِيَارِنَا وَأَبْنَآئِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ
بیرون کرده شدیم از سرایهای ما و از پسران ما پس آن وقت که نوشته شد برایشان
الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
کارزار برگشتند مگر اندکی از ایشان و خدای تعالی داناست
بِالظَّالِمِينَ ○ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ
بستمکاران و گفت مرایشان را پیغمبر ایشان بدرستیکه خدای تعالی برانگیخته
بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ
فرستاد برای شما طالوت را بپادشاهی گفتند از کجا بود مراورا
الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ
پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم بپادشاهی از او و نداده اند
يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ
اورا فراخی از مال گفت بدرستیکه خدای تعالی برگزیده اورا
عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَ
بر شما و زیاده کرده اورا کشادگی در دانش و تن و
اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَآءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
خدای تعالی میدهد پادشاهی بهرکه خواهد و خدای تعالی فراخ رحمت داناست
وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَن يَأْتِيَكُمُ
و گفت مرایشان را پیغمبر ایشان بدرستیکه نشانه پادشاهی آنکه آید بشما
التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ
تابوت در آن آرامی از پروردگار شما و بازمانده
مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَآئِكَةُ
از آنچه گذاشت آل موسی ع و آل هارون ع بردارند آنرا فرشتگان
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ○
بدرستیکه در این نشانهاست برای شما اگر هستید گرویدگان
فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
پس چون جدا شد طالوت با لشکرهای خود گفت بدرستیکه خدای تعالی
مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي
آزماینده است شما را بجویی پس هرکه آشامد از آن پس نیست از من

بیم ایشان بوده
هشت هزار بوده اند و
چهل هزار بعضی گویند
هفتاد و هفت هزار
از ... از اولاد
از ... بنیامین
... ایشان
... 
گفت مر ایشان
... 
ع
...

وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ
وهرکه نخورد ازان پس او ازمن هست مگر کسیکه برگیرد
غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ
مقدار کف دست پس آشامیدند ازان مگر اندکی ازایشان
فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا
پس چون گذشت او وآنانکه گرویدند با او گفتند
لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ
نه قوت مارا امروز با جالوت ولشکر او گفتند
الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ
آنانکه پندارند که ایشان بازرسندگانند بخدا تعالی چند گروه
قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ
اندک غلبه کرده اند گروه بسیار بفرمان خدا تعالی وخدا تعالی
مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
با صابرانست وچون بیرون آمدند مر جالوت را ولشکرهای او
قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
گفتند ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبایی وثابت دار پایهای ما
وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ فَهَزَمُوهُمْ
ویاری ده مارا بر گروه کافران پس هزیمت دادند ایشانرا
بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ
بفرمان خدا تعالی وکشت داود جالوت را وداد داود را خدا تعالی
الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا
پادشاهی وحکمت وآموخت اورا ازانچه خواست واگر نه
دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ
دفع کردن خدا تعالی مردم را بعضی ازایشان ببعضی تباه میشد زمین
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ
ولیکن خدا تعالی خداوند فضل بر جهانیان این نشانهای
اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
خدا تعالی است میخوانیم آنرا بر تو براستی وبدرستیکه تو از مرسلان هستی

تلك

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُم
این پیغمبران فضل دادیم بعضے ازایشان بر بعضے ازایشان
مَّن كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا
کسی سخن گفت خدا تعالے وبلند کرد بعضے را درجها ودادیم
عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
عیسی پسر مریم معجزه وقوت دادیم اورا بروح پاکیزه
وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِم
واگر خواستے خدا تعالے با یکدیگر نمی جنگیدند آنانکه از پس ایشان
مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا
پس از انکه آمد بایشان حجتها ولیکن اختلاف کردند
فَمِنْهُم مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُم مَّن كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
پس ازایشان کہ ایمان اورد وازایشان کہ کافر میشود واگر خواستی خدا تعالے
مَا اقْتَتَلُوا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۝
نمی جنگیدند با یکدیگر ولیکن خدا تعالے میکند آنچه میخواهد
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن
ای گروه مومنان خرج کنید از انچه روزی دادیم شمارا
قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا
پیش از انکه بیاید روزیکه نیست خرید وفروخت دران ونه دوستی ونه
شَفَاعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ اللَّهُ
شفیعی وکافران ایشانند ظالمان خدا تعالے
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ
نیست معبودی مگر او زنده پاینده نمیگیرد اورا سستی
وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ
ونه خوابی مراوراست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است
مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ يَعْلَمُ مَا
کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر باذن او میداند آنچه
بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ
پیش دست ایشانست وآنچه از پس ایشان ودر نمیگیرد بچیزی

مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ
از علم او مگر بانچه خواسته است و فرا گرفته است پادشاهی او آسمانها

وَالْأَرْضَ وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ
و زمین و رنج نمیکند او را نگاهداشت آن و او بزرگ

الْعَظِيمُ ۝ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ
بزرگ قدر است نیست جبر کردن در دین هر آینه ظاهر شده است راه یافتن

مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ
از گمراهی پس هر که منکر شود به بت و ایمان آرد

بِاللهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى لَا انْفِصَامَ
بخدا تعالی پس بدرستیکه چنگ زده است بدست آوردی محکم نیست گسستن

لَهَا وَاللهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ اللهُ وَلِيُّ الَّذِينَ
آنرا و خدا تعالی شنوا و داناست خدا تعالی دوست آنانکه

اٰمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّورِ وَ
گرویدند بیرون آرد ایشانرا از تاریکی بروشنی و

الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيٰؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ
آنانکه نگرویدند کارسازان ایشان بتان بیرون آرند ایشانرا

مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمٰتِ أُولٰئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ
از روشنی تا ریکیها آنگروه ملازمان آتش

هُمْ فِيهَا خٰلِدُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ
ایشان در آن جاوید باشند آیا ندیدی بسوی آنانکه مکابره کرد

إِبْرٰهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ اٰتٰهُ اللهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرٰهِيمُ
ابراهیم ع در دین خدای تعالی آنکه داده بود او را پادشاهی چون گفت ابراهیم

رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ
پروردگار من که زنده میکند و میمیراند گفت من زنده میکنم و میمیرانم

قَالَ إِبْرٰهِيمُ فَإِنَّ اللهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ
گفت ابراهیم ع پس بدرستیکه خدا تعالی آرد آفتاب از مشرق

فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللهُ
پس بیار آنرا از مغرب پس مغلوب شد آنکه کافر و خدا تعالی

عمر را از این معلوم میشود [illegible]
[illegible]
ابو الحسن الغفاری رضی الله عنه
[illegible]
ع
[illegible]
صلی الله علیه وعلی آله
واصحابه وسلم
[illegible]

لکمر

لا يهدي القوم الظلمين ۝ او كالذي مرّ على
راه ننماید گروه ستمکاران را یا نه دیدی این شخص آن که گذشت بر
قرية وهي خاوية على عروشها قال انّى يحيي
دهی وویران افتاده بود بر سقفهای خود گفت عزیز چگونه زنده کند
هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام
این را خدای تعالی پس از مردن آن پس بمیرانید او را خدای تعالی صد سال
ثم بعثه قال كم لبثت قال لبثت يوما
پس بیدار کرد او را گفت چند درنگ کردی گفت درنگ کردم روزی
او بعض يوم قال بل لبثت مائة عام فانظر
یا پاره از روزی گفت بلکه درنگ کردی تو صد سال پس بنگر
الى طعامك وشرابك لم يتسنّه وانظر
بسوی طعام تو و آشامیدنی تو رنگ و بوی نگردیده و بنگر
الى حمارك ولنجعلك اية للناس وانظر
بسوی خر خود و تا کنیم مر ترا نشانه برای مردمان و بنگر
الى العظام كيف ننشزها ثم نكسوها لحما فلما
بسوی استخوانها چگونه حرکت میدهیم آنرا پس در پوشانیم گوشتی پس چون
تبيّن له قال اعلم انّ الله على كل شيء قدير
ظاهر شد مر او را گفت میدانم آنکه خدای تعالی بر هر چیز توانا است
واذ قال ابرهم رب ارني كيف تحيي الموتى
و چون گفت ابراهیم ع ای پروردگار بنمای مرا چگونه زنده میکنی مردگان را
قال اولم تؤمن قال بلى ولكن ليطمئنّ
گفت آیا نگرویده گفت آری ولیکن تا آرام گیرد
قلبي قال فخذ اربعة من الطير فصرهنّ
دل من گفت پس بگیر چهار از مرغان پس جمع کن آنها را
اليك ثم اجعل على كل جبل منهن جزءا
بسوی خود پس بکن بر هر کوه از ایشان پاره
ثم ادعهن يأتينك سعيا واعلم انّ الله
پس بخوان ایشان را تا بیایند بتو شتابنده و بدان که خدای تعالی

عزیز حکیم ۝ مثل الذین ینفقون اموالهم
غالب و محکم کار است مثل آنها که نفقه کنند مالهای خود را
فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع
در راه خدا تعالی مانند دانه ایست میرویانید هفت
سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله
خوشه در هر خوشه صد دانه و خدا تعالی
یضعف لمن یشاء والله واسع علیم ۝ الذین
دوچند گرداند برای هرکه خواهد و خدا تعالی فراخ رحمت داناست آنانکه
ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا
نفقه کنند مالهای خود در راه خدا تعالی پس نمی آرند
یتبعون ما انفقوا منا ولا اذی لهم اجرهم
در پی آنچه نفقه کردند منت نهادن و نه ایذا مرایشانراست پاداش ایشان
عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون
نزد پروردگار ایشان و نه ترس برایشان و نه ایشان اندوهناک شوند
قول معروف ومغفرة خیر من صدقة
گفتاری نیکو و آمرزشی بهتر از صدقه
یتبعها اذی والله غنی حلیم ۝ یا ایها الذین
در پی آن بود رنجانیدنی و خدا تعالی بی نیاز است بردبار ای گروه
آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن والاذی
مومنان باطل مکنید صدقهای شما بمنت نهادن و رنجانیدن
کالذی ینفق ماله رئاء الناس ولا یؤمن
مانند کسیکه نفقه کند مال خود را برای نمودن مردمان و نگرود
بالله والیوم الآخر فمثله کمثل صفوان
بخدا تعالی و بروز آخر پس داستان او مانند سنگی خاره
علیه تراب فاصابه وابل فترکه صلدا
بران خاک پس برسید او را بارانی پس بگذارد او را پاک از غبار
لا یقدرون علی شیء مما کسبوا والله لا
توانائی نداشته باشند بر چیزی از آنچه کسب کرده و خدا تعالی

[illegible]

یهدی

يهدي القوم الكفرين ○ ومثل الذين
راه گروه کافران ومثل آنانکه
ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله
نفقه کنند مالهای خودرا بهر جستن خشنودی خدا تعالی
وتثبيتا من انفسهم كمثل جنة بربوة
وثابت گردانیدنی از تنهای ایشان مثل بستانی بر پشته
اصابها وابل فاتت اكلها ضعفين فان لم
که برسد آنرا باران سخت پس آورد خوردنی را دو چند پس اگر
يصبها وابل فطل والله بما تعملون بصير ○
نرسید آنرا باران خورد قطره و خدا تعالی بآنچه میکنید بیناست
ايود احدكم ان تكون له جنة من نخيل
آیا دوست میدارد یکی از شما آنکه باشد مر اورا بستانی از خرمابنان
واعناب تجري من تحتها الانهر له فيها من
و انگور میرود از زیر آن جویها مر اورا در آن از
كل الثمرت واصابه الكبر وله ذرية ضعفاء
هر میوه و برسد بآن پیری و مر اوراست فرزندان ضعیفان
فاصابها اعصار فيه نار فاحترقت كذلك
پس برسد آنرا گردبادی در آن آتشی پس بسوزاند همچنین
○ يبين الله لكم الايت لعلكم تتفكرون
بیان کند خدا تعالی برای شما نشانها شاید که شما اندیشه کنید
ع
يايها الذين امنوا انفقوا من طيبت ما
ای گروه مومنان نفقه کنید از پاکیزهها آنچه
كسبتم ومما اخرجنا لكم من الارض ولا
اندوختید و از آنچه برآوردیم برای شما از زمین و قصد مکنید
تيمموا الخبيث منه تنفقون ولستم باخذيه
قصد چیز پلید از آن نفقه کنید و نیستید شما گیرنده آن
الا ان تغمضوا فيه واعلموا ان الله غني حميد ○
مگر آنکه چشم فرو خوابانید شما در آن و بدانید آنکه خدا تعالی بی نیاز ستوده است

الشيطن يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء

دیو وعده میدهد شما را بدرویشی ومیفرماید شما را بیدکاری

والله يعدكم مغفرة منه وفضلا والله

وخدای تعالی وعده میدهد شما را آمرزشی ازو وافزونی وخدای تعالی

واسع عليم يؤتي الحكمة من يشاء ومن

فراخ رحمت وداناست میدهد حکمت هرکرا خواهد وهرکه

يؤت الحكمة فقد أوتي خيرا كثيرا وما

داده شود حکمت پس بدرستیکه داده شود خیری بسیار ونپذیرد

يذكر إلا أولوا الألباب وما أنفقتم من

پند مگر خداوندان خرد وآنچه نفقه کنید از

نفقة أو نذرتم من نذر فإن الله يعلمه

نفقه یا نذر کنید از نذری پس بدرستیکه خدای تعالی میداند آنرا

وما للظالمين من أنصار إن تبدوا الصدقات

ونیست مر ستمکاران را هیچ یاری اگر آشکارا دهید صدقها را

فنعما هي وإن تخفوها وتؤتوها الفقراء

پس نیکوتر است آن واگر پنهان دهید آن ودهید آنرا بدرویشان

فهو خير لكم ويكفر عنكم سيئاتكم والله بما

پس آن بهترست مر شما را وبپوشانیم از شما گناهان شما وخدای تعالی بآنچه

تعملون خبير ليس عليك هداهم ولكن الله

میکنید آگاه است نیست بر تو راه نمودن ایشان ولیکن خدای تعالی

يهدي من يشاء وما تنفقوا من خير فلأنفسكم

راه نماید هرکرا خواهد وآنچه نفقه کنید از نیکی پس برای نفس خود

وما تنفقون إلا ابتغاء وجه الله وما تنفقوا

وآنچه نفقه کنند مگر طلب رضای خدای تعالی وآنچه نفقه کنید

من خير يوف إليكم وأنتم لا تظلمون

از نیکی تمام داده شود بشما وشما ستم دیده نشوید

للفقراء الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون

برای درویشانست آنانکه بازداشته شدند در راه خدای تعالی نمیتوانند

[illegible]

ضربا

الذين ينفقون

[illegible]

ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من
سیر کردنی در زمین پندارد ایشان را نادان توانگرانند از
التعفف تعرفهم بسيمهم لا يسئلون الناس
استغنای تو می شناسی ایشان را بنشانهای ایشان سوال نکنند از مردمان
الحافا وما تنفقوا من خير فان الله به
ازروی الحاح و آنچه نفقه میکنید از مال خود پس بدرستیکه خدا تعالی بآن
عليم الذين ينفقون اموالهم باليل
داناست آنانکه نفقه کنند مالهای خود بشب
والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم عند ربهم
و روز پنهان و آشکارا پس مر ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان
ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون الذين
و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند آنانکه
ياكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي
میخورند ربا را برنخیزند مگر چنانچه برخیزد آنکسیکه
يتخبطه الشيطن من المس ذلك بانهم قالوا
بیفکند او را دیو از سودن این بسبب آنست که ایشان گفتند
انما البيع مثل الربوا واحل الله البيع و
جز این نیست که خرید و فروخت مانند رباست و حلال کرد خدا تعالی بیع را و
حرم الربوا فمن جاءه موعظة من ربه
حرام ساخته ربا را پس هرکه بیاید بدو پندی از پروردگار او
فانتهى فله ما سلف وامره الى الله ومن عاد
پس باز ایستد از آن پس مر او را آنچه گذشت و کار او بسوی خدا تعالی و هرکه بازگردد
فاولئك اصحب النار هم فيها خلدون يمحق
پس آنگروه ملازمان آتش اند ایشان در آن جاوید باشند کم میکرداند
الله الربوا ويربي الصدقت والله لا يحب
خدا تعالی مال ربا را و افزون گرداند صدقها را و خدا تعالی دوست نمیدارد
كل كفار اثيم ان الذين امنوا وعملوا
هر ناسپاسی بزه کار را بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند

ربع

ان الذين امنوا

[illegible]

الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ
عملهای شایسته و بپای داشتند نماز را و بدهند زکوة را
لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ
مر ایشان را مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نیست ترسی بر ایشان
لَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا
نه ایشان اندوهگین شوند ای گروه مومنان بترسید
اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِيْنَ
از خدای تعالی و دست دارید آنچه مانده است از ربا اگر هستید گرویدگان
فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا فَاْذَنُوْا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَ
پس اگر نکنید پس آگاه کنید بجنگ کردن از خدای تعالی و
رَسُوْلِهٖ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوْسُ اَمْوَالِكُمْ
رسول او و اگر توبه کنید پس مر شمارا است سرهای اموال شما
لَا تَظْلِمُوْنَ وَلَا تُظْلَمُوْنَ وَاِنْ كَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ
نه شما ظلم کرده و نه ستم دیده شوید و اگر باشد صاحب تنگدستی
فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ وَاَنْ تَصَدَّقُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ
پس حکم آن تا بوقت آسانی و اگر صدقه دهید بهتر است شمارا
اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ وَاتَّقُوْا يَوْمًا تُرْجَعُوْنَ
اگر هستید که دانید و بترسید روزی که بازگردید
فِيْهِ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ
در آن روز بسوی خدای تعالی پس تمام داده شود هر تنی را آنچه کرده
وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذَا تَدَايَنْتُمْ
و ایشان ستم دیده نشوند ای گروه مومنان چون معامله کنید
بِدَيْنٍ اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوْهُ وَلْيَكْتُبْ
بوامی تا وقتی نام کرده پس بنویسید آنرا و باید که بنویسد
بَّيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَاْبَ كَاتِبٌ اَنْ يَّكْتُبَ
میان شما نویسنده براد و باید که سر باز نزند نویسنده آنکه بنویسد
كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِيْ عَلَيْهِ الْحَقُّ
همچنانکه بیاموزانید او را خدای تعالی پس باید که بنویسد و باید که املا کند آنکه بروی حق است

[illegible]

ولیتق

وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَاِنْ كَانَ

وباید که بترسد از خدا تعالی پروردگار او و کم نکند ازان چیزی پس اگر باشد

الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا اَوْ ضَعِيفًا اَوْ لَا يَسْتَطِيعُ

آنکه بروست حق جاهل یا عاجز یا نتواند

اَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا

آنکه املا کند او پس باید که املا کند ولی او براستی و استشهاد کنید

شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَاِنْ لَمْ يَكُونَا

دو شاهد از مردان شما پس اگر نباشند

رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَاَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ

دو مرد پس یک مرد و دو زن ازانکه پسندیده باشند از

الشُّهَدَاءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰهُمَا فَتُذَكِّرَ اِحْدٰهُمَا

گواهان آنکه فراموش کند یکی ازان دو زن پس یاد دهد یکی ازیشان

الْاُخْرٰى وَلَا يَاْبَ الشُّهَدَاءُ اِذَا مَا دُعُوا وَلَا

آن دیگر را و باید که سر باز نزنند گواهان چون خوانده شوند و مشوید

تَسْئَمُوا اَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا اَوْ كَبِيرًا اِلٰى اَجَلِهِ

ملول آنکه بنویسید حق را خورد یا بزرگ تا وقت آن

ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَ

این راست تر نزد خدا تعالی و صواب تر برای گواهی دادن و

اَدْنٰى اَلَّا تَرْتَابُوا اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً

نزدیکتر آنکه شک نشوید مگر آنکه باشد بازرگانی بحضور

تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَلَّا

میگردانید آنرا میان یکدیگر پس نیست بر شما گناهی آنکه

تَكْتُبُوهَا وَاَشْهِدُوا اِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ

ننویسید آنرا و گواه گیرید چون خرید و فروخت کنید و رنج نرسانید

كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَاِنْ تَفْعَلُوا فَاِنَّهُ فُسُوقٌ

نویسنده را و نه گواه را و اگر بکنید پس آن نافرمانی باشد

بِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّٰهُ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

بشما و بترسید از خدا تعالی و می آموزد شما را خدا تعالی و خدا تعالی بهر چیز

عَلِيمٌ ۝ وَإِن كُنتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَٰنٌ
داناست واگر باشید بر سفر و نیابید کاتبی پس محکم کار باشد

مَّقْبُوضَةٌ ۖ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ
قبض کرده پس اگر امین دارد برخی از شما برخی را پس باید که ادا کرده

الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ ۗ وَلَا
آنکه امین داشته شده است وام او را و بترسید از خدا تعالی پروردگار او و

تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ ۚ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ ۗ
مپوشید گواهی و هر که بپوشد گواهی پس هر آینه گنهکار است دل او

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ لِّلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
و خدا تعالی بآنچه میکنید داناست مر خدا راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِن تُبْدُوا مَا فِي أَنفُسِكُمْ
و آنچه در زمین است و اگر آشکارا کنید آنچه در نفسهای شماست

أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ اللَّهُ ۖ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ
یا پنهان دارید آنرا شمار میکند شما را بآن خدا تعالی پس بیامرزد مر آنکس را که خواهد

وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
و عذاب کند هر کرا خواهد و خدا تعالی بر هر چیز تواناست

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ
گروید رسول بآنچه فرستاده شد بسوی او از پروردگار او و مومنان

كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ
همه گرویده اند بخدا تعالی و بفرشتگان او و بکتابهای او و رسولان او

لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا
جدائی نمیکنیم میان یکی از رسولان او و گفتند شنیدیم

وَأَطَعْنَا ۖ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ لَا
و فرمان بردیم آمرزش تو ای پروردگار ما و بسوی تست بازگشت نمیکند

يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ
تکلیف خدا تعالی نفسی را مگر بطاقت آن مر او راست آنچه کسب کرده و

عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا
بر اوست آنچه بجای آرد ای پروردگار ما مگیر ما را اگر فراموش کردیم

اگر [illegible] [illegible] را بپوشید گواهی [illegible] وان تبدوا ما فی انفسکم [illegible] [illegible] مواخذه [illegible] ... ع تکلیف ما لا یطاق [illegible] ... امن الرسول [illegible] ... صدیق [illegible] ... [illegible] از زبان [illegible] [illegible]

أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ

یا خطا کردیم ای پروردگار ما و بار مکن بر ما باری گران چنانکه بار کردی آن

عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا

بر آنانکه پیش از ما ای پروردگار ما و بار مکن بر ما آنچه نیست

طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَ

طاقت ما را بآن و عفو کن از ما و بخش ما را

ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلٰينَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ

بیامرز ما را توئی کارساز ما پس یاری ده ما را بر گروه کافران

## سورة آل عمران مدنية وهي مائتان آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الٓمٓ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ

خدا تعالی نیست معبودی مگر او زنده پاینده فرستاد

عَلَيْكَ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

بر تو قرآن براستی باور دارنده مر آنچه پیش از آن است

وَأَنْزَلَ التَّوْرٰىةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى

و فرستاد توریت و انجیل از پیش راه نماینده

لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

برای مردمان و فرستاد معجزه را بدرستیکه آنانکه کافر شدند

بِآيٰتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ

بآیتهای خدا تعالی مر ایشانراست عذابی سخت است و خدا تعالی غالب و

ذُو انْتِقَامٍ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي

صاحب انتقام است بدرستیکه خدا تعالی پوشیده نمیشود برو چیزی در

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ

زمین و نه در آسمان اوست آنکه صورت میکند شما را

فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

در رحمها چنانکه خواهد نیست معبودی مگر او غالب و استوار کار است

[illegible]

ع

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

این سوره آل عمران

[illegible]

هو الذي انزل عليك الكتب منه ايت محكمت
اوست آنکه فرستاد برتو کتاب ازان آیتها صحیحست
هن ام الكتب واخر متشبهت فاما
آنچه اصل کتاب و دیگر آیتهای متشابه پس اما
الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه
آنانکه در دلهای ایشان تباهی پس متابعت کنند که ماننده یکدیگر شده
منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاويله وما
ازان برای طلب فتنه و برای آمرزش مراد آن و نمی
يعلم تاويله الا الله والرسخون في العلم
داند مراد آن مگر خدای تعالی و علماء مومنان در علم
يقولون امنا به كل من عند ربنا وما
میگویند ایمان آوردیم بآن همه از نزد پروردگار ما و پند نمی
يذكر الا اولوا الالباب ۝ ربنا لا تزغ
پند داده مگر خداوندان خرد ای پروردگار ما مایل گردان
قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك
دلهای ما بعد از آنکه راه نمودی ما را و عطا کن برای ما از نزد خود
رحمة انك انت الوهاب ۝ ربنا انك جامع
بخشش بدرستیکه تو عطا کننده ای پروردگار ما که تو جمع کننده
الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف
مردمانرا روزیکه نیست شک دران بدرستیکه خدای تعالی خلاف نکند
الميعاد ۝ ان الذين كفروا لن تغني عنهم
وعده را بدرستیکه آنانکه کافر شدند دفع نکند ازایشان
اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك
مالهای ایشان و نه اولاد ایشان از خدای تعالی چیزی را و آنگروه
هم وقود النار ۝ كداب ال فرعون والذين
ایشانند آتش انگیز دوزخ مانند کسان فرعونست و آنانکه
من قبلهم كذبوا بايتنا فاخذهم الله بذنوبهم
پیش از ایشان تکذیب کردند آیتهای ما پس بگرفت ایشانرا خدای تعالی بگناه ایشان

نصارا نجران در مدینه
آمده و درباب عیسی علیه السلام
با حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه وسلم بطریق مناظره

ع

والذین

وَاللّٰهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

و خدای تعالی سخت عقوبت کننده است بگو مر آنانرا که کافر شدند

سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ

زود مغلوب خواهید شد و برانگیخته خواهید شد بسوی دوزخ و بد

الْمِهَادُ ۝ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا

جایگاهیست تحقیق هست مرشما را نشانه در آن دو قوم که بهم آمدند

فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ

دو قوم جنگ میکردند در راه خدای تعالی و دیگر کافر

يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللّٰهُ يُؤَيِّدُ

میدیدند مسلمانانرا مانند آن کافران دو بار دیدنی بچشم و خدای تعالی قوت میدهد

بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي

بنصرت خود هرکرا خواهد بدرستیکه در این پندیست مر داران

الْأَبْصَارِ ۝ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ

چشمها آراسته کرده شده مراد مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان

وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ

و فرزندان و خزینها جمع ساخته اند از زر و

الْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ

نقره و اسپان نشانه مند ساخته و چهارپایان و زراعت

ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ

اینست بهره زندگانی دنیا و خدای تعالی نزد اوست نیکو

الْمَآبِ ۝ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ

بازگشت بگو آیا خبر میدهم شما را بنیکوئی از این مر آنانرا که

اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

پرهیزگاری کردند نزدیک پروردگار ایشان بوستانها میرود از زیر آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ

جاوید باشند در آن و زنان پاکیزه و خشنودی از

اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ الَّذِينَ يَقُولُونَ

خدای تعالی و خدای تعالی بیناست به بندگان آنانکه میگویند

رو عیسی از نار و
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
این سوره [illegible]
[illegible]
عیسی علیه السلام بود
[illegible]
[illegible] صلی الله
علیه و آله و [illegible]
با اول سوره ذکر
[illegible]
[illegible]

رَبَّنَا اِنَّنَا اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَقِنَا عَذَابَ
ای پروردگار ما بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز مارا گناهان ما و نگاه دار مارا از عذاب
النَّارِ ۝ اَلصّٰبِرِيْنَ وَالصّٰدِقِيْنَ وَالْقٰنِتِيْنَ
آتش شکیب کنندگان و راست گویندگان و فرمان برداران
وَالْمُنْفِقِيْنَ وَالْمُسْتَغْفِرِيْنَ بِالْاَسْحَارِ ۝
و خرج کنندگان و آمرزش خواهندگان در سحر
شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ
گواهی داد خدا تعالی آنکه خدا تعالی نیست معبودی مگر او و فرشتگان
وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
و خداوندان دانش ایستاده بعدل نیست معبودی مگر اوست
الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝ اِنَّ الدِّيْنَ عِنْدَ اللّٰهِ
غالب و استوارکار بدرستیکه دین نزد خدا تعالی
الْاِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ
اسلام است و اختلاف نکردند آنانکه داده شد کتاب
اِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ
مگر از پس آنکه آمد بدیشان دانش از حسد میان ایشان و هرکه
يَّكْفُرْ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ سَرِيْعُ الْحِسَابِ ۝
کافر باشد بآیات خدا تعالی پس بدرستیکه خدا تعالی زود حساب کننده است
فَاِنْ حَآجُّوْكَ فَقُلْ اَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلّٰهِ وَمَنِ
پس اگر مکابره کنند با تو پس بگو منقاد ساختم روی خود برای خدا تعالی و هرکه
اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِّلَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ وَالْاُمِّيّٖنَ
پیروی من کرد و بگو مر آنانراکه داده شد کتاب و ناخوانندگان
ءَاَسْلَمْتُمْ فَاِنْ اَسْلَمُوْا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَاِنْ
آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند پس بدرستیکه راه یافتند و اگر
تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ ۝
روی گردانیدند پس جز این نیست که بر تو پیغام رسانیدنست و خدا تعالی بیناست بهبندگان
اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ
بدرستیکه آنانکه نگرویدند بآیتهای خدا تعالی و میکشند

نصف

ع

النبیین

النَّبِيّٖنَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ

پیغمبران را ناحق ومیکشتند آنانکه میفرمایند

بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيمٍ

بعدل از مردمان پس مژده ایشان را بعذابی دردناک

اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا

آن گروه آنانند که نابود شد عملهای ایشان در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ اَلَمْ تَرَ اِلَى

و آخرة ونیست مر ایشان را هیچ یاری آیا نه دیدی بسوی

الَّذِينَ اُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتٰبِ يُدْعَوْنَ

آنانکه داده شدند بهره از کتاب خوانده میشوند

اِلٰى كِتٰبِ اللّٰهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيقٌ

بسوی کتاب خدای تعالی تا حکم کند میان ایشان پس روگردانند گروهی

مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ

از ایشان و ایشان اعراض کنانند این بسبب آنست که ایشان گفتند نرسد

تَمَسَّنَا النَّارُ اِلَّا اَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ

هرگز بما آتش مگر روزی چند شمرده و فریفت ایشان را

فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ فَكَيْفَ اِذَا جَمَعْنٰهُمْ

در دین ایشان آنچه بودند که بافتند پس چگونه وقتیکه جمع کنیم ایشان را

لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

برای روزیکه نیست شک در آن و داده شود هر نفس را تمام آنچه کرد

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ قُلِ اللّٰهُمَّ مٰلِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي

و ایشان ستم کرده نشوند بگو بار خدایا ای مالک الملک میدهی

الْمُلْكَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ وَ

پادشاهی هرکرا خواهی و میستانی پادشاهی از کرا خواهی و

تُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

ارجمند میسازی هرکرا خواهی و خوار گردانی هرکرا خواهی بدست تست همه نیکوییها

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ تُولِجُ الَّيْلَ فِي

بدرستیکه تو بر همه چیز توانا در می آری شب را در

النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ
روز ودر می آرد روز را در شب وبیرون آرد زنده
مِنَ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ط وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ
از مرده وبیرون آرد مرده از زنده وروزی میدهی هرکرا خواهی بی
حِسَابٍ ۝ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ
شمار باید که فرا نگیرد مسلمانان کافران را
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ وَمَنْ يَفْعَلْ
دوستان بجز اهل ایمان وهرکه کند
ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ ط إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا
این پس نیست از خدا تعالی در چیزی مگر آنکه بترسید
مِنْهُمْ تُقَاةً ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى
از جهة کفار از کافرا ترسیدنی ومیترساند شمارا خدا تعالی از خود وبسوی
اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ قُلْ إِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ
خدا تعالی بازگشت است بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینهٔ شماست
أَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللَّهُ ۗ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
یا آشکارا کنید میداند آنرا خدا تعالی ومیداند آنچه در آسمانها
وَمَا فِي الْأَرْضِ ط وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وآنچه در زمین است وخدا تعالی بر هر چیز تواناست
يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا ط
روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه کرده است از نیکی حاضر
وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ
وآنچه کرده است از بدی دوست دارد کاش بودی درمیان وی ومیان آن
أَمَدًا بَعِيدًا ۝ وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ
اندازهٔ دور ومیترساند شمارا خدا تعالی از خود وخدا تعالی
رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
مهربانست به بندگان بگو اگر هستید دوست دارید خدا را
فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ
پس پیروی من کنید دوست شمارا خدا تعالی وبیامرزد شمارا گناهان شما

پیمانه صلی الله علیه وآله وسلم
نمود ... آنحضرت
... حضرت رسالت صلی الله
علیه وسلم
...
ع
...

والله غفور

غفور رحيم ۝ قل اطيعوا الله والرسول

آمرزنده مهربانست بگو فرمان برید خدا را و پیغمبر را

فان تولوا فان الله لا يحب الكفرين

پس اگر روگردانیدند پس بدرستیکه خدا تعالی دوست ندارد کافران را

ان الله اصطفى ادم ونوحا وال ابرهيم

بدرستیکه خدا تعالی برگزید آدم را و نوح را و آل ابراهیم را

وال عمران على العلمين ۝ ذرية بعضها

و آل عمران را بر جهانیان که فرزند بعضی

من بعض والله سميع عليم ۝ اذ قالت امرات

از بعضی و خدا تعالی شنوا داناست چون گفت زن

عمران رب انى نذرت لك ما فى بطنى محررا

عمران ای پروردگار من بدرستیکه من نذر کردم تو آنچه در شکم من است آزاد کرده شده

فتقبل منى انك انت السميع العليم ۝ فلما

پس قبول کن از من بدرستیکه توئی شنوا دانا پس آنهنگام

وضعتها قالت رب انى وضعتها انثى و

بنهاد آن گفت ای پروردگار من بدرستیکه من بنهادم آن فرزند و

الله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى

خدا تعالی داناست آنچه از نهاد و نیست فرزند نر را همچو ماده

وانى سميتها مريم وانى اعيذها بك وذريتها

و من نام نهادم اورا مریم و من در پناه دادم اورا بتو و فرزندان اورا

من الشيطن الرجيم ۝ فتقبلها ربها بقبول

از دیو رانده شده پس قبول کرد مریم پروردگار او بقبول

حسن وانبتها نباتا حسنا وكفلها زكريا

نیکو و برویانید پرورش نیکو و سپرد اورا خدا تعالی زکریا را

كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها

هرگاه درآمد بر مریم زکریا بمحراب و میافت نزد او

رزقا قال يمريم انى لك هذا قالت هو من

روزی گفت ای مریم از کجاست مر ترا این گفت این از

عِندِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ
نزد خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی روزی میدهد هرکرا خواهد بی
حِسَابٍ ۞ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ
شمار درانوقت بخواند زکریا پروردگار خود گفت
رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اِنَّكَ
ای پروردگار من ببخش مرا از نزد خود فرزندی پاک بدرستیکه تو
سَمِيعُ الدُّعَآءِ ۞ فَنَادَتْهُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ
شنونده دعایی پس ندا کردند اورا فرشتگان و او ایستاده
يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ اَنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى
نماز میگذارد در محراب اگه خدا تعالی مژده میدهد ترا بفرزندی یحیی
مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا
باور دارنده بکلمه از خدا تعالی و مهتر و بازدارنده از زنان
وَنَبِيًّا مِّنَ الصّٰلِحِينَ ۞ قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُونُ
و پیغمبر باشد از شایستگان گفت ای پروردگار ازکجا باشد
لِي غُلٰمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَاَتِي عَاقِرٌ
مرا پسری و بدرستیکه رسیده است مرا پیری وزن من نازاینده است
قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ قَالَ رَبِّ
گفت همچنین خدا تعالی میکند آنچه خواهد گفت ای پروردگار
اجْعَلْ لِّي اٰيَةً قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَةَ
گردان برای من نشانه گفت نشانه تو آنکه سخن نگوئی بمردمان سه
اَيَّامٍ اِلَّا رَمْزًا ۞ وَاذْكُرْ رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ
شبانروز مگر باشاره و یادکن پروردگار خود بسیار و تسبیح گوی
بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ۞ وَاِذْ قَالَتِ الْمَلٰٓئِكَةُ
شبانگاه و بامداد و چون گفتند فرشتگان
يٰمَرْيَمُ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ
ای مریم بدرستیکه خدا تعالی برگزید ترا و پاک ساخت ترا و برگزید ترا
عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِينَ ۞ يٰمَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ
بر زنان عالمیان ای مریم فرمان بردار شو مر پروردگار خود را و

ع

اسجدی

وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرّٰكِعِينَ ۝ ذٰلِكَ مِنْ
سجده کن و رکوع کن با رکوع کنندگان این از

أَنْبَاۤءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ
اخبار پوشیده وحی کنیم بتو و نبودی تو نزد ایشان

إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا
آنهنگام که انداختند کلکهای خود تا کدام ایشان متکفل شود کودک مریم را و

كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۝ إِذْ قَالَتِ الْمَلٰۤئِكَةُ
نبودی تو نزدیک ایشان بر سر این جنگ میکردند چون گفتند فرشتگان

يٰمَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ
ای مریم بدرستیکه خدای تعالی مژده میدهد ترا بکلمه از او لقب او

الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ
مسیح عیسی پسر مریم است و روشن شده است در دنیا و

الْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ
آخرت و از مقربانست و سخن گوید بمردمان

فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصّٰلِحِينَ ۝ قَالَتْ رَبِّ
در گهواره و پیر و از صالحانست گفت ای پروردگار من

أَنّٰى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذٰلِكِ
چگونه باشد مرا فرزندی و نسوده است مرا آدمی گفت همچنین

اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاۤءُ إِذَا قَضٰى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ
خدای تعالی می آفریند آنچه خواهد چون حکم کند کاری را پس جز این نیست که گوید

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ
مر او را باش پس باشد و بیاموزد او را کتاب و حکمت

وَالتَّوْرٰىةَ وَالْإِنْجِيلَ ۝ وَرَسُولًا إِلٰى بَنِي إِسْرٰۤءِيلَ
و توریت و انجیل و پیغمبر بسوی بنی اسرائیل

أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ
از گی باشد بتحقیق آورده ام شما نشانه از پروردگار شما که من تصویر میکنم شما را

مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ
از گل همچو شکل مرغ پس میدمم در آن پس باشد

حالانکه ما دیدیم
و خدا دانا تر است
بجانب آنچه نبهاد و
فرزند ... به ...
دادن با زنده و مرده ...
... مریم ... را ...
و مرا ... بمن ...
... زندان
او را ... از ...
بکعون زانده شده
اذ قالت الملئکة انچه
ازین ابن مریم کلمه اوراد
حضرت عیسی علیه السلام
واو را کلمه ازان گفت
که بکلمه کن حاصل شد
بی پدر واز رحم مخلوق
از بنی آدم بوسیط این
کلمه او فریده شد

[illegible]

طيرا باذن الله وابرئ الاكمه والابرص
مرغی بامر خدا تعالی و به میکنم از مادر کور زاده باشد و ابرص را
واحي الموتى باذن الله وانبئكم بما تاكلون
و زنده میکنم مردگان را بفرمان خدا تعالی و خبر دهم شما را بانچه میخورید
وما تدخرون في بيوتكم ان في ذلك لاية
و آنچه ذخیره میکنید در خانهای خویش بدرستیکه در این نشانهاست
لكم ان كنتم مؤمنين ۝ ومصدقا لما بين
مر شما را اگر هستید گروندگان و باور دارنده مر آنچه پیش
يدي من التورىة ولاحل لكم بعض الذي
از من بوده از توریت و حلال کنم بر شما بعضی آنچه که
حرم عليكم وجئتكم باية من ربكم فاتقوا الله
حرام کرده بر شما و آوردم شما نشانه از پروردگار شما پس بترسید از خدا
واطيعون ان الله ربي وربكم فاعبدوه هذا
و فرمان برید مرا بدرستیکه خدا تعالی پروردگار من و پروردگار شما پس پرستید او را این
صرط مستقيم ۝ فلما احس عيسى منهم الكفر
راه راست پس آنگاه که یافت عیسی ع از ایشان کفر را
قال من انصاري الى الله قال الحواريون نحن
گفت کیانند یاریدهان برای خدا تعالی گفتند برگزیدگان ما
انصار الله امنا بالله واشهد بانا مسلمون
یاری دهان دین خدا تعالی ایمان آوردیم بخدا تعالی و گواه باش بآنکه گردن نهادگانیم
ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا
ای پروردگار ما گرویدیم بآنچه فرستادی و پیروی کردیم رسول را پس بنویس ما را
مع الشهدين ۝ ومكروا ومكر الله والله
با گواهان و مکر کردند و جزاء مکر داد ایشان را خدا تعالی و خدا تعالی
خير المكرين ۝ اذ قال الله يعيسى اني متوفيك
بهترین جزا دهندگان مکرست چون گفت خدا تعالی ای عیسی ع بدرستیکه من فرا گیرنده توام
ورافعك الي ومطهرك من الذين كفروا
و بردارنده توام بسوی من و پاک کننده توام از آنانکه کافر شدند

ثلث ع

[illegible]

وجاعل

وجاعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى

وگرداننده آنانکه پیروی تو کردند بالای آنانکه کافر شدند تا روز

يوم القيمة ثم الي مرجعكم فاحكم بينكم

قیامت پس بسوی منست بازگشت شما پس حکم کنم میان شما

فيما كنتم فيه تختلفون ○ فاما الذين كفروا

در آنچیز که هستید در ان اختلاف میکنید پس اما آنانکه کافر شدند

فاعذبهم عذابا شديدا في الدنيا والاخرة

پس عذاب کنم ایشانرا عذابی سخت در دنیا و آخرة

وما لهم من نصرين ○ واما الذين امنوا و

ونیست ایشانرا از یاری کنندگان و اما آنانکه گرویدند و

عملوا الصلحت فيوفيهم اجورهم والله لا

کردند عمل شایسته پس تمام بدهد ایشانرا مزد ایشان و خدا دوست نمیدارد

يحب الظلمين ○ ذلك نتلوه عليك من الايت

دوست ستمکاران این میخوانیم بر تو از آیات

والذكر الحكيم ○ ان مثل عيسى عند الله

و پند استوار کار بدرستیکه صفت عیسی نزد خدا تعالی

كمثل ادم خلقه من تراب ثم قال له كن

همچو صفت آدم است بیافرید اورا از خاک پس گفت مراورا بباش

فيكون ○ الحق من ربك فلا تكن من الممترين

پس باشد راست از پروردگار تو پس مباش از شک آرندگان

فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

پس هرکه با تو حجت کند در و از پس آنکه آمد بتو از دانش

فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم وانفسنا

پس بگو ایشانرا بیائید تا بخوانیم پسران مارا و پسران شمارا و زنان مارا

وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على

و زنان شما و نزدیکان مارا و نزدیکان شما پس سوگند خوریم پس گردانیم لعنت خدا

الكذبين ○ ان هذا لهو القصص الحق وما

کافران بدرستیکه این هر آئینه آن خبر حق است ونیست

مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
هیچ معبودی مگر خدای تعالی و بدرستیکه خدای تعالی اوست غالب و درست کار

فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ
پس اگر برگردند پس بدرستیکه خدای تعالی داناست به تباه کاران

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ
بگو ای اهل کتاب بیایید بسوی سخن راست که برابر است

بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ
میان ما و میان شما آنکه نپرستیم مگر خدا را و شرک نیارم

بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّن
بوی چیزی را و فرا نگیرید بعضی از ما بعضی را خدایان از

دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا
جز خدای تعالی پس اگر برگردند پس بگوئید گواه باشید بانکه ما

مُسْلِمُونَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ
مسلمانانیم ای اهل کتاب چرا حجت میکنید در باب ابراهیم

وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنجِيلُ إِلَّا مِن بَعْدِهِ
و آنچه فرستاده شد توریت و انجیل مگر از پس او

أَفَلَا تَعْقِلُونَ هَا أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا
آیا در نمی یابید شمائید آن گروه خصومت کردید در آنچه

لَكُم بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُم بِهِ
مر شما راست بآن دانشی پس چرا حجت آرید در آنچه نیست مر شما بدان

عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ مَا كَانَ
دانشی و خدای تعالی میداند و شما نمیدانید نبود

إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَٰكِن كَانَ حَنِيفًا
ابراهیم جهود و نه نصاری و لیکن بود پاک

مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ
بدین اسلام و نبود از شرک آرندگان هر آئینه سزاوارترند مردمان

بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ
بدین ابراهیم هر آئینه آنکسانند که پیروی کردند آنرا و این پیغمبر و آنانکه

آمنوا

امنوا والله ولي المؤمنين ۝ ودت طائفة
ایمان آوردند و خدای تعالی دوست مومنانست و آرزو میبرند گروهی

من اهل الكتب لو يضلونكم وما يضلون
از اهل کتاب آنکه گمراه کردانند شما را و گمراه نمیسازند

الا انفسهم وما يشعرون ۝ يا اهل الكتب لم
مگر نفسهای خود و نمیدانند ای اهل کتاب چرا

تكفرون بايت الله وانتم تشهدون ۝
کافر میشوید بآیتهای خدای تعالی و شما گواهید

يا اهل الكتب لم تلبسون الحق بالبطل و
ای اهل کتاب چرا آمیزید حق را بناحق و

تكتمون الحق وانتم تعلمون ۝ وقالت طائفة
چرا میپوشید حق و شما میدانید و گفتند گروهی

من اهل الكتب امنوا بالذي انزل على الذين
از اهل کتاب ایمان آرید بانچه فرستاده شده است بر آنانکه

امنوا وجه النهار واكفروا اخره لعلهم
گرویدند در اول روز و کافر شوید در آخر روز شاید که ایشان

يرجعون ۝ ولا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم قل
باز گردند و تصدیق مکنید مگر آنکه پیروی کند دین شما بگو

ان الهدى هدى الله ان يؤتى احد مثل
بدرستیکه دین حق دین خدایست آنکه داده باشد هیچکس را مانند

ما اوتيتم او يحاجوكم عند ربكم قل ان
آنچه داده اند یا مخاصمه کنند شما نزد پروردگار بگو بدرستیکه

الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع
بهتری بدست خداوندست میدهد بدان بهرکه خواهد و خدای تعالی فراخ رحمت

عليم ۝ يختص برحمته من يشاء والله
و داناست خاص میگرداند برحمت خود هرکرا خواهد و خدای تعالی

ذو الفضل العظيم ۝ ومن اهل الكتب من
خداوند فضل بزرگست و از اهل کتاب کسی باشد

ع

وقالت طائفة اهل الکتاب
ده تن از یهود خیبر و
عرینه اتفاق کردند
که اول روز بنزد

إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ
كه اورا ايمن سازى بهزاره بدهد اوقه ازمال اداكند آن بتو وازايشان كسيكه
إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ
اورا ايمن كردانى يك دينارزر ادا نكند آن بتو مكر آنكه مادام باستى
عَلَيْهِ قَائِمًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا
برسروى ايستاده اين بسبب آنست كه ايشان كفتند نيست برما
فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
درا ميان راهى وميكويند برخداتعالى
الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ
دروغ را وايشان ميدانند نجات كه هركه وفا كند بعهد خود
وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ إِنَّ الَّذِينَ
وپرهيزد پس بدرستيكه خداتعالى دوست ميدارد پرهيزكارانرا بدرستيكه آنانكه
يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا
ميفروشند بعهد خداتعالى وسوكند خودرا بهاى اندك
أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ
آنكروه هيچ جنسى نيست ايشانرا درآخرة وسخن نكويد ايشانرا
اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ
خداتعالى ونكرد برايشان روز رستخيز وپاك نسازد ايشانرا
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ
ومرايشانراست عذابى دردناك وبدرستيكه ازجهودان كروهى هستند مى پيچانند
أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ
زبانهاى خودرا بكتاب تا پنداريد ازكتاب ونيست آن
مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا
ازتوريت وميكويند آن ازنزد خداتعالى ونيست
هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
آن ازنزد خداتعالى وميكويند برخداتعالى دروغ را
وَهُمْ يَعْلَمُونَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ
وايشان ميدانند هرگز نبود مرآفريده را آنكه بدهد اورا خداتعالى

[illegible]

الكتب والحكم والنبوة ثم يقول للناس

انجیل وحکم آن و پیغمبری پس گوید مر امت خود را

كونوا عبادا لي من دون الله ولكن كونوا

باشید بندگان مرا بجز خدا تعالی ولیکن باشید

ربنيين بما كنتم تعلمون الكتب وبما كنتم

راستان بانچه میبیند آموزید و یکدیگر را کتاب و بانچه باشید

تدرسون ۝ ولا يأمركم أن تتخذوا الملئكة

درس میگوئید ونه امر کند شما را آنکه فرا گیرید فرشتگان را

والنبيين اربابا أيأمركم بالكفر بعد

و پیغمبران را خدایان آیا میفرماید شما را بپوشیدن حق بعد

اذ انتم مسلمون ۝ واذ اخذ الله ميثاق

از آنکه هستید گردن نهادگان و چون گرفت خدا تعالی پیمان

النبيين لما اتيتكم من كتب وحكمة ثم

پیغمبران را هرچه دهد شما را از کتاب و فهم آن پس

جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن

بیاید شما را فرستاده باور دارنده مر آنچه را که با شماست هر آینه ایمان آرید

به ولتنصرنه قال ءاقررتم واخذتم على

بوی و یاری کنید او را گفتند آیا اقرار کردید و گرفتید بر

ذلكم اصري قالوا اقررنا قال فاشهدوا وانا

این عهد مرا گفتند اقرار کردیم گفت گواه باشید و من

معكم من الشهدين ۝ فمن تولى بعد ذلك

با شما ام از گواهان پس هرکه برگردد بعد از این

فاولئك هم الفسقون ۝ افغير دين الله يبغون

پس آنگروه ایشانند بیرون رفتگان آیا بجز دین خدا تعالی طلبند

وله اسلم من في السموت والارض طوعا و

و مر خدا را است گردن نهاده هرکه در آسمانها و زمین برغبت و

كرها واليه يرجعون ۝ قل امنا بالله وما انزل

بکراهت و بسوی او بازگردانیده خواهند شد بگو ایمان آریم بخدا تعالی و آنچه فرستاده

ع

علينا وما انزل على ابرهيم واسمعيل واسحق
بر ما و آنچه فرستاده شد بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى و
و یعقوب و نبیرگان و آنچه داده اند موسی

عيسى والنبيون من ربهم لا نفرق بين
عیسی و پیغمبران از پروردگار ایشان جدای نمیکنیم میان

احد منهم ونحن له مسلمون ۝ ومن يبتغ
یکی از ایشان و ما مر او را گردن نهاده گانیم و هر که طلبد

غير الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في
جز دین اسلام کیشی پس پذیرفته نشود از و و او در

الاخرة من الخسرين ۝ كيف يهدي الله قوما
آخرة از زیان کاران است چگونه باشد که راه نماید خدای تعالی گروهی را

كفروا بعد ايمانهم وشهدوا ان الرسول
کافر شدند بعد از ایمان ایشان و گواهی دادند که آن فرستاده

حق وجاءهم البينت والله لا يهدي القوم
حق است و آمده بود بدیشان ایتها و خدای تعالی راه ننماید گروه

الظلمين ۝ اولئك جزاؤهم ان عليهم لعنة
ستمکاران را آن گروه پاداش ایشان را آنکه بر ایشان لعنت

الله والملئكة والناس اجمعين ۝ خلدين
خدای تعالی و فرشتگان و مردمان همه جاویدانند

فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون
در آن سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند

الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان
مگر آنانکه بازگردند از پس این و بصلاح آوردند پس بدرستیکه

الله غفور رحيم ۝ ان الذين كفروا بعد
خدای تعالی آمرزنده مهربان است بدرستیکه آنانکه کافر شدند پس از

ايمانهم ثم ازدادوا كفرا لن تقبل توبتهم و
گرویدن ایشان پس زیاده کردند کفر را نشود پذیرفته توبه ایشان و

اولئک

روی تا بتهٔ ابجیم
بپرستند خداوند تعالی
و ببرید برایشان بار
ذات و کل بطون مرکان حلال
ب تن زمین انبود
صفرت بال لبنان بنا ه
کیمیا ... و ... برحاد
با مرسوم و ... من
ابراهیم علیه السلام

اولئك هم الضالون ۝ ان الذين كفروا
آن گروه ایشانند گمراهان بدرستیکه آنانکه کافر شدند
وماتوا وهم كفار فلن يقبل من احدهم
و بمردند و ایشان کافر بودند پس قبول کرده نشود از یکی ایشان
ملء الارض ذهبا ولو افتدى به اولئك
پری زمین زر و اگر فدا دهد بدان آن گروه
لهم عذاب اليم وما لهم من نصرين ۝ لن تنالوا
مر ایشان راست عذابی دردناک و نباشد مر ایشان را هیچ یاری هرگز نیابید
البر حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء فان
نیکوئی تا نفقه کنید از آنچه دوست میدارید و آنچه نفقه کنید از چیزی پس بدرستیکه خدای
الله به عليم ۝ كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل الا ما حرم
بدان داناست همه خوردنیها بوده حلال مر فرزندان یعقوب ع مگر آنچه حرام کرد
اسرائيل على نفسه من قبل ان تنزل التورية ۝
یعقوب ع بر نفس خود پیش از آنکه فرستاده شد توریت
قل فاتوا بالتورية فاتلوها ان كنتم صدقين ۝
بگو بیارید توریت پس بخوانید اگر هستید راست گویان
فمن افترى على الله الكذب من بعد ذلك
پس هر که افترا کند بر خدای تعالی دروغ از پس این
فاولئك هم الظلمون ۝ قل صدق الله فاتبعوا
پس آن گروه ایشانند ستمکاران بگو راست گفت خدای تعالی پس پیروی کنید
ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝
کیش ابراهیم ع مایل بدین اسلام و نبود از مشرک آرندگان
ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة
بدرستیکه اول خانه ساخته شد برای مردمان هرآینه خانه ایست که بمکه است
مبركا وهدى للعلمين ۝ فيه ايت بينت
برکت داده شده و هدایت مر جهانیان را دران آیتهای روشن
مقام ابرهيم ومن دخله كان امنا ولله على
جای ابراهیم ع و هر که درآید دران باشد ایمن و مر خدای راست بر

الجزء الرابع
ع

تعالی التصدیق قول
ابراهیم مباح بود خداوند
نشاد دل مهمان برکت
نشاد دل مبارکی رغم اکمل
باقی و حالا کوشت دید
تو جلوه برکت ابراهیم
ما بود و دی کعبه

النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا

مردمان قصد کعبه هرکه توانایی دارد بسوی آن راه

وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِينَ

وهرکه کفر کرد پس بدرستیکه خدا تعالی بی نیاز است از جهانیان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ

بگو ای اهل کتاب چرا کافر گردید بآیتهای خدا تعالی وخدا

شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ

گواه است بر آنچه میکنید بگو ای اهل کتاب چرا

تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا

باز میدارید از راه خدا تعالی کسی را که گرویده میطلبید آنرا

عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا

کج وشما گواهانید ونیست خدا تعالی بیخبر از آنچه

تَعْمَلُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا

میکنید ای گروه مومنان اگر فرمان برید گروهی را

مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ

از آنانکه داده شد کتاب باز گردانند شما پس از

إِيمَانِكُمْ كٰفِرِينَ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَى

ایمان شما ناگرویدگان وچگونه کافر شوید وشما خوانده

عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ

برشما آیتهای خدا تعالی ودرمیان شما رسول او وهرکه چنگ درزند

بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ يَا أَيُّهَا

بدین خدا تعالی پس بدرستیکه راه نموده شد بسوی راه راست ای

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ

گروه مومنان بترسید از خدا تعالی چنانچه سزای ترسیدنست ونمیرید

إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ

مگر شما مسلمان باشید وچنگ درزنید

جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

همه شما ومشوید پراکنده ویاد کنید نعمتهای خدا تعالی برشما

اذکنتم

اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم
آنزا كه بوديد شما دشمنان پس پيوند كرد ميان دلهاى شما پس گشتيد
بنعمته اخوانا وكنتم على شفا حفرة من
برحمت خدايتعالى برادران و بوديد بر كناره مغاكى از
النار فانقذكم منها كذلك يبين الله
آتش پس بازرهانيد شما را از ان همچنين بيان ميكند خدايتعالى
لكم اياته لعلكم تهتدون ولتكن منكم
براى شما آيتهاى خود شايد كه شما راه يابيد و بايد كه باشند از شما
امة يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف
گروهى بخوانند به نيكوئى و ميفرمايند به نيكوئى
وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون
و نهى ميكنند از منكر و آن گروه ايشانند رستگاران
ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من
و مباشيد مانند آنانكه متفرق شدند و اختلاف كردند از
بعد ما جاءهم البينت واولئك لهم عذاب
پس آنچه آمد بر ايشان حجتها و آن گروه مر ايشانراست عذاب
عظيم يوم تبيض وجوه وتسود وجوه
بزرگ روزيكه سفيد گردد رويها و سياه گردد رويها
فاما الذين اسودت وجوههم اكفرتم
پس اما آنانكه سياه شود رويهاى ايشان آيا كافر شديد
بعد ايمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم
پس از ايمان خود پس بچشيد عذاب بانچه بوديد
تكفرون واما الذين ابيضت وجوههم
كه كافر شديد و اما آنانكه سفيد باشد رويهاى ايشان
ففى رحمت الله هم فيها خلدون تلك ايت
پس در رحمت خدايتعالى ايشان دران جاويد باشند اين آيتهاى
الله نتلوها عليك بالحق وما الله يريد
خدايتعالى كه ميخوانم بر تو براستى و نيست كه خدايتعالى خواهد

ظُلْمًا لِّلْعٰلَمِيْنَ ۞ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا

بیدادی بر جن و انس و مر خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه

فِي الْاَرْضِ ط وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ۞ كُنْتُمْ

در زمین است و بسوی خداست بازگردد همه کارها هستید شما

خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ

بهترین گروهی بیرون آورده شده است از برای مردمان میفرمایند به نیکویی

وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ ط وَلَوْ

و نهی کنند از منکر و میگروند بخدا تعالی و اگر

اٰمَنَ اَهْلُ الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ط مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ

ایمان آوردند علماء بنی اسرائیل باشد بهتر مرایشان را از ایشان گرویدگانند

وَاَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۞ لَنْ يَّضُرُّوْكُمْ اِلَّآ اَذًى ط

و بیشتر ایشان بیرون رفتگانند نتوانند ضرر رسانید شما مگر ایذا

وَاِنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ يُوَلُّوْكُمُ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا

و اگر کارزار کنند با شما باز گردانند پشتها پس

يُنْصَرُوْنَ ۞ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَ مَا ثُقِفُوْٓا

یاری کرده وضع کرده شد برایشان خواری هرجا که یافته شوند

اِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُوْ

مگر بعهدی از خدا و عهدی از مومنان و بازگشتند

بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ

بخشمی از خدا تعالی و زده شد برایشان درویشی

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ط وَ

این بآنست که ایشان هستند میکروند آیات خدا تعالی و

يَقْتُلُوْنَ الْاَنْبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ط ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا

میکشتند پیغمبران را بناحق این آنست که نافرمانی کردند

وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ۞ لَيْسُوْا سَوَآءً ط مِنْ اَهْلِ

و بودند که تجاوز کردند نیستند کافران برابر کافران از اهل

الْكِتٰبِ اُمَّةٌ قَآئِمَةٌ يَّتْلُوْنَ اٰيٰتِ اللّٰهِ اٰنَآءَ

کتاب گروهی ایستاده میخوانند آیات خدا تعالی در ساعت

الیل

الیل وهم یسجدون ۝ یؤمنون بالله و

شب وایشان سجده تلاوت میکنند میگروند بخدا تعالی و

الیوم الاخر ویأمرون بالمعروف وینهون

بروز قیامت ومیفرمایند بتصدیق حضرت محمد ص ونهی میکنند

عن المنکر ویسارعون فی الخیرات و

از تکذیب ومیشتابند در خیرات و

اولئک من الصلحین ۝ وما یفعلوا من خیر

آنگروه از شایستگان اند وآنچه میکنند از نیکی

فلن یکفروه والله علیم بالمتقین ۝ ان

پس سپاس ناداشته خواهند شد وخدا تعالی داناست بپرهیزکاران بدرستیکه

الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا

آنانکه کافر شدند باز ندارد ازایشان مالهای ایشان ونه

اولادهم من الله شیئا واولئک اصحب

فرزندان ایشان از خدا تعالی چیزی را وآنگروه ملازمان

النار هم فیها خلدون ۝ مثل ما ینفقون

آتش ایشان دران جاوید اند مثل آنچه نفقه کنند

فی هذه الحیوة الدنیا کمثل ریح فیها صر

در این زندگانی دنیا مانند بادیست دران سرمای سخت

اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم فاهلکته

برسد بکشت زار قومیکه ظلم کرده اند برنفسهای خود پس هلاک کرد ایشان

وما ظلمهم الله ولکن انفسهم یظلمون ۝

وستم نکرد برایشان خدا تعالی ولیکن برنفسهای خود ستم کردند

یایها الذین امنوا لا تتخذوا بطانة من دونکم

ای گروه مومنان فرا مگیرید دوستی پنهان از غیر مومنان

لا یألونکم خبالا ودوا ما عنتم قد بدت

تقصیر نمیکنند درباره شما از تباهی ودوست دارند آنچه شما را رنج است دران بدرستیکه ظاهر

البغضاء من افواههم وما تخفی صدورهم

دشمنی از دهنهای ایشان وآنچه پنهان دارند دلهای ایشان

اهل کتاب [illegible] زبان گفتند
[illegible] زبان بطعن گشاده
انبیا از [illegible]
که خلاف اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
این آیت [illegible]
یا ایها الذین امنوا
[illegible]
[illegible] از صحابه رضی الله
تعالی عنه [illegible] اسلام
[illegible]
شد و بعد از اسلام
[illegible]
[illegible]
[illegible]

أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
بزرکترست بدرستیکه بیان کردیم براشما ایتها اکر هستید که تعقل کنید
هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَ
ای اصحاب شما اید از خطاکاران دوست داریدشانرا و دوست نمیدارند شمارا و
تُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا
ایمان دارید بکتابها همه و هرکاه بشما رسند یهود کویند
آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ
ایمان آوردیم و چون خلوت کنند میخایند برشما سرانکشتان از
الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
خشم بکو بمیرید بخشم خود بدرستیکه خدا تعالی داناست
بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ إِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ
بانچه در سینها اکر برسد بشما نصرتی
تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ
دلتنک کرداند ایشانرا و اکر برسد شما غمی خوشدل شوند بدان و اکر
تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
صبر کنید و بپرهیزید زیان نکند شمارا مکر ایشان چیزی
إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ
بدرستیکه خدا تعالی بانچه میکنند رسنده است و چون بیرون شدی از
أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَ
منزل عایشه رض میساختی جهت مومنان جایکاه ایستادن و
اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ
خدا تعالی شنوا و داناست چون قصد کردند دو کروه از شما
أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
اکه بد دلی کنند و خدا تعالی مددکار این دو کروه و بر خدا تعالی پس توکل کنند
الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ
کرویدکان و بدرستیکه نصرت داد شمارا خدا تعالی ببدر و شما
أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ إِذْ
خوار و در چشم دشمنان پس بترسید از خدا تعالی شاید که شما شکر کنید و چون

تعالی آن مؤمنانرا باز از [illegible] منع کرد [illegible] که با ایشان دوستی [illegible] و اینکه [illegible] میان [illegible] و [illegible] دوستی [illegible] و ازغدوت من اهلک آنکه [illegible] حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم [illegible] روز جنگ احد [illegible] ع [illegible] صفوف [illegible] فرمود [illegible] از [illegible] بدر [illegible] صلی الله علیه و سلم [illegible]

تقول

تقول للمؤمنين الن يكفيكم ان يمدكم
میگفتی مر گرویدگان را آیا کفایت نمیکند شما را آنکه مدد کاری کند شما را
ربكم بثلثة الاف من الملئكة منزلين
پروردگار شما بسه هزار از فرشتگان فرستادگان
بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم من
آری اگر صبر کنید و پرهیزید و بیایند شما را
فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة الاف
برفور خویش ایشان مدد کند شما را آفریدگار شما بپنج هزار
من الملئكة مسومين وما جعله الله
از فرشتگان نشان کنندگان و نکرد این را خدا تعالی
الا بشرى لكم ولتطمئن قلوبكم به وما
مگر خوشخبری مر شما را و برای آنکه بیارامد دلهای شما بوعده و نیست
النصر الا من عند الله العزيز الحكيم
یاری دادن مگر از نزد خدا تعالی غالب و حکم کننده
ليقطع طرفا من الذين كفروا او يكبتهم
نصرت داد تا گروهی از آنانکه بکرویدند یا آنکه خوار کرد دشمنان را
فينقلبوا خائبين ليس لك من الامر
پس باز گردند بهزیمت نیست مر ترا از این کار
شيء او يتوب عليهم او يعذبهم فانهم
چیزی چنین است که خدای نصرت داد شما را بر ایشان یا عذاب کند ایشان را پس ایشان
ظلمون ولله ما في السموت وما في الارض
ستمکارانند و مر خدایراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است
يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء والله
بیامرزد هرکرا خواهد و عذاب کند هرکرا خواهد و خدا تعالی
غفور رحيم يايها الذين امنوا لا تاكلوا
آمرزنده مهربانست ای گروه مومنان مخورید
الربوا اضعافا مضعفة واتقوا الله لعلكم
ربا را افزوده مضاعف و بترسید از خدا تعالی تا شاید که شما

ربع

ع

تُفْلِحُونَ ۝ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِىٓ أُعِدَّتْ لِلْكٰفِرِينَ

رستگار گردید و بترسید از آتشی که آماده کرده شده مر ناگرویدگان را

وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

و فرمان برید خدا را و رسول را شاید که شما رحمت کرده شوید

وَسَارِعُوٓا إِلٰى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ

و بشتابید بآمرزش از نزد پروردگار شما و بهشت

عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

پهنای آن آسمانها و زمین است آماده شده است برای پرهیزگاران

الَّذِينَ يُنفِقُونَ فِى السَّرَّآءِ وَالضَّرَّآءِ وَالْكٰظِمِينَ

آنانکه نفقه میکنند در آسانی و سختی و فرو خورندگان

الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ

خشم را و عفو کنندگان از بندگان و خدا دوست میدارد

الْمُحْسِنِينَ ۝ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً

نیکوکاران را و آنانکه چون کنند ناشایسته

أَوْ ظَلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوا

یا ستم کنند بر نفسهای خود یاد کنند خدا را پس آمرزش خواهند

لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللّٰهُ وَ

مر گناهان خود و کیست که بیامرزد گناهها را مگر خدای تعالی و

لَمْ يُصِرُّوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝

اصرار نکردند بر آنچه از ایشان صادر شد و ایشان که اصرار کنند

أُولٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنّٰتٌ

آن گروه پاداش ایشان آمرزشی از پروردگار ایشان و بوستانها

تَجْرِى مِن تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ

که میرود از زیر آن جویها جاوید باشند در آن و نیکو کاریست

أَجْرُ الْعٰمِلِينَ ۝ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ

مزد عمل کنندگان بدرستیکه گذشته بود پیش از شما واقعها

فَسِيرُوا فِى الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عٰقِبَةُ

پس سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه بود آخر

المكذبين

الْمُكَذِّبِينَ ۝ هٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى
تکذیب کنندگان این سخن حق است برای مردمان وزیادتی بصیرت
وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
و پند برای پرهیزکاران وسست مشوید و غمناک مشوید
وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ إِن
و شما برترید اگر هستید مومنان اگر
يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ
برسد بشما جراحتی پس بدرستیکه رسیده زخمی گروه کفار را زخمی مثل زخم
وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ
و آن روزها میگردانیم میان مردمان و برای آنکه بیند
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَ
خدا تعالی آنانرا که گرویدند و بگیرد از شما گواهان و
اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ
خدا تعالی دوست میدارد ستمکارانرا و پاک گرداند خدا تعالی آنانرا که
آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن
گرویده اند و هلاک گرداند کافرانرا آیا پنداشتید اینکه
تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا
در آیید در بهشت و ندید خدا تعالی آنهارا که جهاد کردند
مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَقَدْ كُنتُمْ
از شما و ندیده اند شکیبایانرا و بدرستیکه شما بودید
تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ
آرزو میبردید موت را پیش از آنکه مشاهده کنید از آنکه مشاهده کنید پس بدرستیکه
رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ۝ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا
دیدید و شما می نگریستید و نیست حضرت محمد صلعم مگر
رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن
فرستاده بدرستیکه گذشته اند پیش از وی فرستادگان اگر
مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ
بمیرد یا کشته شود باز میگردید بر پاشنهای خود

در آن روز ده زن [illegible]
یعنی [illegible] آن بوده
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible]
[illegible] صلی الله علیه و آله و سلم
خدا و رسول [illegible] برای آنکه
صبر و آزمایش [illegible]
فرستاد و ما محمد الا رسول
سبب نزول این آنست که
ع
چون آنحضرت
رسالت صلی الله
علیه و آله و سلم زخم
رسید ابلیس لعین
جز قتل آنحضرت
صلعم

وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ
ومرکه برگردد بر دو پاشنه پس زیان نرساند بیزدان خدایتعالی

شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ۝ وَمَا
چیزی را وزود که جزا دهد خدایتعالی سپاس دارندگان را وما شد

كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا
هیچ نفسی را اگه بمیرد مگر بمشیت خدایتعالی نوشته

مُّؤَجَّلًا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا
زمان او میدار کرده وهرکه خواهد پاداش اینجهان بدهیم اورا از دنیا

وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ
وهرکه خواهد پاداش آخرة بدهیم اورا ازان و

سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ۝ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ
زود که پاداش دهیم شکر کنندگان را وچندان از پیغمبران

قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ
کارزار کردند با او سپاه فراوان پس باکه نرسیدند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا
در جهاد وضعف نکشتند وفروتنی کرده اند

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ۝ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ
وخدایتعالی دوست میدارد صبر کنندگان را ونبود قول ایشان

إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا
مگر آنکه گفتند ای پروردگار ما بیامرز مارا ودرگذار درکار ما

وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ
واستوار دار قدمهای ما را ویاری ده مارا برگروه کافران

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ
پس بداد ایشانرا خدایتعالی پاداش دنیا ونیکوت پاداش

الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آن عالم وخدایتعالی دوست میدارد نیکوکاران را ای گروه

آمَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ
مومنان اگر فرمان برید آنانکه کفر ورزیدند برپاشنها

فتنقلبوا

فَتَنقَلِبُوا خَٰسِرِينَ ۝ بَلِ ٱللَّهُ مَوْلَىٰكُمْ
پس گردید شما زیانکاران بلکه خدای تعالی مددکار شما
وَهُوَ خَيْرُ ٱلنَّٰصِرِينَ ۝ سَنُلْقِى فِى قُلُوبِ ٱلَّذِينَ
وخدای تعالی بهترین یاری دهندگانست زود باشد که در افگنیم در دلهای آنانکه
كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ بِمَآ أَشْرَكُوا۟ بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ
کافر شدند ترس بانکه شرک آوردند بخدای تعالی آنچه نفرستاده است
بِهِۦ سُلْطَٰنًا وَمَأْوَىٰهُمُ ٱلنَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى
بان برهان حجت وجای ایشان دوزخ است و بد آرامگاه
ٱلظَّٰلِمِينَ ۝ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ ٱللَّهُ وَعْدَهُۥٓ إِذْ
ستمکارانست وبدرستیکه راست کرد خدای تعالی وعده خود را آنهنگام که
تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِۦ حَتَّىٰٓ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَٰزَعْتُمْ
میکشتید ایشانرا بحکم خدای تعالی تا چون بد دل کشتید و مخالفت کردید
فِى ٱلْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مِّنۢ بَعْدِ مَآ أَرَىٰكُم مَّا
در حرب و عاصی شدید از پس آنچه نمود شمارا آنچه
تُحِبُّونَ مِنكُم مَّن يُرِيدُ ٱلدُّنْيَا وَمِنكُم مَّن
دوست داشتید ابر از شما کسی باشد که دنیا طلبد و از شما کسی باشد
يُرِيدُ ٱلْءَاخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ
که آخرت طلبد پس شمارا باز داشت از قتل کافران تا بیازماید شمارا
وَلَقَدْ عَفَا عَنكُمْ وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ
وبدرستیکه عفو کرد از شما و خدای تعالی خداوند فضل است بر گرویدگان
إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُۥنَ عَلَىٰٓ أَحَدٍ وَٱلرَّسُولُ
چون بالای کوه میبر آمدند و التفات نمیکردند بر هیچ یک و پیغامبر
يَدْعُوكُمْ فِىٓ أُخْرَىٰكُمْ فَأَثَٰبَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا
میخواند شمارا در عقب شما پس مکافات کرد شمارا غمی بعد از غمی تا اندوه نخورید
تَحْزَنُوا۟ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَآ أَصَٰبَكُمْ وَٱللَّهُ
بر آنچه فوت شده از شما ونه آنچه بشما رسیده و خدای تعالی
خَبِيرٌۢ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ ثُمَّ أَنزَلَ عَلَيْكُم مِّنۢ بَعْدِ ٱلْغَمِّ
داناست بآنچه میکنید پس فرستاد بر شما از پس اندوه

[illegible]

چون باصحاب رسول... گروهی از اهل...

أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَىٰ طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ

ایمنی خواب سبکی فرو پوشد گروهی از شما و گروهی

قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ

بدرستیکه در غم افکنده ایشان را نفسهای ایشان گمان میبردند بخدای تعالی ظنی نا

الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ

سزا مانند ظن جاهلیه میگویند آیا هست مرا از

الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي

کار ظفر هیچ چیزی بگو بدرستیکه همه کارها مر خدای راست پنهان سازند در

أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ

نفسهای ایشان آنچه آشکارا نمیتوانند برا تو گویند اگر بودی

لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي

مارا در کار ظفر چیزی کشته نشدیم اینجا بگو اگر بودید در

بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ

خانهای خود بیرون آمدی آنانکه نوشته شد برایشان قتل بسوی

مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ

کشتن گاه خود و تا ظاهر گرداند خدای تعالی آنچه در سینها شما

وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

و تا پاک سازد آنچه در دلهای شما و خدای تعالی داناست بآنچه در

الصُّدُورِ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ

سینهاست بدرستیکه آنانکه روبرگردانند از شما روزیکه

الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ

آورده بودند دو گروه جز این نیست که لغزش داد ایشان را دیو ببعضی

مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ

آنچه کرده بودند و بدرستیکه درگذرانید خدای تعالی از ایشان بدرستیکه خدای تعالی

غَفُورٌ حَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

آمرزنده بردبارست ای گروه مومنان مباشید مانند آنانکه

كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ

کافر شدند و گویند برای برادران چون بروند در زمین

نصف

ع

او كانوا

أو كانوا غزى لو كانوا عندنا ما ماتوا و

یا بودند غازیان اگر بودندی نزدیک ما نمردندی و

ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسرة في قلوبهم

کشته نگشتندی تا گرداند خدا تعالی این حسرتی در دلهای ایشان

والله يحيي ويميت والله بما تعملون بصير

و خدا تعالی زنده گرداند و میمیراند و خدا تعالی بانچه میکنید بیناست

ولئن قتلتم في سبيل الله أو متم لمغفرة

و اگر کشته شوید در جهاد یا بمیرید هر آینه آمرزش

من الله ورحمة خير مما يجمعون ولئن متم

از خدا تعالی و بخشیشی بهتر است از انچه جمع میکنند و اگر بمیرید

أو قتلتم لإلى الله تحشرون فبما رحمة من

یا کشته شوید هر آینه بسوی خدا تعالی حشر کرده شوید پس بسبب بخشایش از

الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب

خدا تعالی نرم گشتی برای ایشان اگر بودی تو درشت سخت دل

لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر

پراکنده شدندی اصحاب از نزد تو پس درگذار از ایشان و آمرزش خواه

لهم وشاورهم في الأمر فإذا عزمت فتوكل

برای ایشان و مشورت کن در کار پس چون قصد کاری کردی پس توکل کن

على الله إن الله يحب المتوكلين إن ينصركم

بر خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی دوست میدارد توکل کنندگان را اگر نصرت دهد شما را

الله فلا غالب لكم وإن يخذلكم فمن ذا الذي

خدا تعالی پس نباشد هیچ غلبه کننده مر شما را و اگر خوار کند شما را پس کیست آنکه

ينصركم من بعده وعلى الله فليتوكل المؤمنون

یاری دهد شما را از پس گذاشتن حق تعالی و بر خدا تعالی پس باید که توکل کنند مومنان

وما كان لنبي أن يغل ومن يغلل يأت

و نباشد مر پیغمبر را که خیانت کند و هر که خیانت کند بیارد

بما غل يوم القيامة ثم توفى كل نفس ما

بر گردن خود چیزی را روز قیامت پس تمام داده شوند هر نفسی آنچه

فبما رحمة

سبب نرمی آنحضرت آن بود که حضرت با یاران [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

وما كان لنبي

سبب نزولش [illegible] [illegible] صحابه از حضرت [illegible] صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]

مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ
آنچه کسب کرد وایشان ستم کرده نشوند آیا هر که پیروی کند خشنودی

اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ
خدا را همچون کسیکه بازگردد بخشم خدا تعالی وجای او دوزخ باشد

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ
و بد بازگشتی است ایشان مرتبها نزد خدا تعالی و

اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى
خدا تعالی بیناست بآنچه عمل کنند بتحقیق منت نهاد خدا تعالی بر

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ
گرویدگان چون فرستاد درمیان ایشان پیغمبری از آدمیان

يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ
میخواند برایشان آیتهای قرآن وپاک کرداند ایشانرا وآموزاند ایشانرا

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ
قرآن و حکمت واگر بودند از پیش

لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ
در گمراهی هویدا هرگاه برسد شمارا نابایستی

قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ
بدرستیکه رسیده بود شمارا دوچند آنرا گفتند این از کجا بمارسید بگو این

مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
از نزدیک شما بدرستیکه خدا تعالی بر هر چیز تواناست

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ
وآنچه بشما رسید روزیکه دو جماعت مسلمانان پس بامر خدا تعالی

وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَ
وتا بر بیند مومنانرا وتا ظاهر کند آنانرا که منافق شدند و

قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا
گفتند مر این منافقانرا بیا شد کارزار کنید درراه خدا تعالی یا دفع کنید

قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ
گفتند اگر ما اسم حرب میدانستیم متابعت میکردیم شمارا ایشان بسوی کفر آنروز

گویا از نزد غنیمت کردی
در دوزخ نبودند
افتند زیاده از غصه و منعفاد
جبری بره آیت آمد که
چیانزد پیغمبر صلی الله
علیه وسلم
ع
در قسمت
غنایم او دیدند و گفتند
از غنایم بر ظلمی و تطلف
منع از جنگ کرد
جمعی سپر را ابن ابی ان
روی نفاق بازگشتند
علی الاطلاق و علیه
و اسلام گروه ...
و تعال ... بیلاد
... اخصوص
... ابن ... عمو

اقرب

أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ
نزدیکتر بودند از ایشان بسوی ایمان میگویند بزبانهای خود
مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ○
آنچه نیست در دلهای ایشان و خدا تعالی داناترست بآنچه می پوشند
الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا
منافقان گفتند برای امثال خود و نشسته بودند اگر فرمانبرداری کردندی
مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ
کشته نشدندی بگو دفع کنید از نفسهای خود مرگ را
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ○ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ
اگر هستید راست گویان و مپندار آنانرا که
قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ
کشته اند در راه خدا تعالی مرده اند بلکه زندگانند نزد
رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ
پروردگار خود روزی داده شوند شادان باشند بآنچه عطا کرده ایشانرا خدا تعالی از
فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
فضل خود و بشارت یابند بآنانی که نرسیده اند بایشان
مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
از پس ایشان آنکه نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهناک گردند
يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ
شادی مینمایند بنعمتی از خدا تعالی و افزونی و آنکه
اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ○ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا
خدا تعالی ضایع نکرده اند مزد مومنان آنانکه اجابت کردند
لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ
فرمان خدا را و رسول را از پس آنچه رسیده بود ایشانرا جراحتها
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ ○
مر آنانرا که نیکوئی کرده اند از ایشان و بترسید مزدی بزرگست
الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ
آنانند که گفتند مرایشانرا مردمان بدرستیکه ابوسفیان و اصحاب او بتحقیق

ع
الذین استجابوا سبب نزولش آنست که چون ابوسفیان بعد از معرکه احد متوجه مکه شد آخر بیابان روز شنبه بود

جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ اِيمَانًا وَقَالُوا

جمع شده اند برای شما پس بترسید از ایشان پس زیاده کرد این سخن مومنان را ایمان و گفتند

حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۝ فَانْقَلَبُوا

بسنده است ما را خدای تعالی و نیکو کار گذار است پس باز گشتند

بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوٓءٌ

بعافیتی از خدای تعالی و زیادتی نرسید مر ایشان را مکروه

وَّاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

و پیروی کردند خشنودی خدای را و خدای تعالی خداوند فضل بزرگست

اِنَّمَا ذٰلِكُمُ الشَّيْطٰنُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَآءَهٗ ۖ فَلَا

جز این نیست که آن دیو میترساند دوستان خود را پس شما

تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝

مترسید از ایشان و بترسید از من اگر هستید گرویدگان

وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ

و باید که اندوهناک نکرداند ترا آنانکه میشتابند در کفر

اِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللّٰهَ شَيْئًا ۗ يُرِيدُ اللّٰهُ اَلَّا يَجْعَلَ

بدرستیکه ایشان زیان نرسانند خدای را چیزی میخواهد خدای تعالی آنکه نکرداند

لَهُمْ حَظًّا فِي الْاٰخِرَةِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

مر ایشان را بهره در آخرت و مر ایشان عذابی بزرگست

اِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْاِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا

بدرستیکه آنانکه بخریدند کفر را بایمان زیان نکنند

اللّٰهَ شَيْئًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ

خدای را چیزی و مر ایشان عذابی دردناک و نه پندارند

الَّذِينَ كَفَرُوا اَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّاَنْفُسِهِمْ ۚ

آنانکه کافر شدند بدرستیکه ما درنگ میدهیم ایشان را بهترست مر نفسهای ایشان

اِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا اِثْمًا ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

جز این نیست که مهلت میدهیم ایشان را تا زیاده کنند گناه را و مر ایشان را عذابی خوار کننده

مَا كَانَ اللّٰهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلٰى مَآ اَنْتُمْ

نیست که خدای تعالی بگذارد مومنان را بر آنچه که شما

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و صحابه و سلم بعضی نزول بعد از وصول یکشنبه و زخمها خوردند اصحاب بر عقب دشمنان بر وند صحابه با اطاعت نموده با وجود ضعف و جراحات بره که رسیدند بحمرا الاسد بمعنی در دل ابو سفیان افتاد و بی بازگشت و خدای و ... و در وقت انجام ... ان و در انقلبوا ... نعمة ... ابو سفیان ... در ... با ... نشست ... ... از مسیب ... مرد و یک بر ... ست

عليم

عليه حتى يميز الخبيث من الطيب وما

ای منافقان بر اینید تا جدا کند پلید را از پاک و نیست

كان الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله

که خدا تعالی مطلع گرداند شما را بر سر و لیکن خدا تعالی

يجتبي من رسله من يشاء فآمنوا بالله و

بر گزیند از فرستادگان خود هر کرا خواهد پس بگروید بخدا تعالی و

رسله وإن تؤمنوا وتتقوا فلكم أجر

رسول او و اگر ایمان آرید و بپرهیزید پس شمارا است مزد

عظيم ۞ ولا يحسبن الذين يبخلون بما آتاهم

بزرگ و نه پندارند آنانکه بخیلی کنند بانچه داده است ایشان را

الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم

خدا تعالی از فضل خود آن بهتر است مر ایشانرا بلکه آن بدتر است مر ایشان

سيطوقون ما بخلوا به يوم القيمة ولله

زود باشد که طوق کرده شود آنچه بخل کرده اند بدان روز قیامت و مر خدا راست

ميراث السموات والأرض والله بما تعملون

میراث آسمانها و زمین و خدا تعالی بانچه میکنید

خبير ۞ لقد سمع الله قول الذين قالوا إن

داناست بدرستیکه شنید خدا تعالی سخن آنانکه گفته اند بدرستیکه

الله فقير ونحن أغنياء سنكتب ما قالوا و

خدا تعالی درویش است و ما توانگرانیم زود باشد که بنویسیم آنچه گفته اند و

قتلهم الأنبياء بغير حق ونقول ذوقوا

کشتن ایشان پیغمبران بناحق و میگوییم بچشید

عذاب الحريق ۞ ذلك بما قدمت أيديكم و

عذاب سوزنده این بانچه که از پیش فرستاده دستهای شما و

أن الله ليس بظلام للعبيد ۞ الذين قالوا

آنکه خدا تعالی نیست ستمکار بر بندگان آنانکه گفته اند

إن الله عهد إلينا ألا نؤمن لرسول حتى

بدرستیکه خدا تعالی عهد فرستاد بسوی ما بانکه ایمان نیاریم فرستاده را تا

حضرت رسالت
صلی الله علیه وآله وسلم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
[illegible]

يأتينا بقربان تأكله النار قل قد جاءكم
بیارد برای ما قربانی که بخورد آنرا آتش بگو بتحقیق آمد شما را
رسل من قبلي بالبينت وبالذي قلتم فلم
فرستادگان پیش از من بمعجزها و بآنچه گفتید پس چرا
قتلتموهم إن كنتم صدقين ۝ فإن كذبوك
کشتید ایشانرا اگر هستید راست گویان پس اگر تکذیب کردند ترا
فقد كذب رسل من قبلك جاءو بالبينت
پس بدرستیکه تکذیب کرده شدند پیش از تو آورده بودند حجتها
والزبر والكتب المنير ۝ كل نفس ذائقة
و مواعظ و کتابی روشن هر نفسی چشنده
الموت وإنما توفون أجوركم يوم القيمة
مرگست و جزاین نیست که تمام داده شوند مزدهای خود را روز قیامت
فمن زحزح عن النار وأدخل الجنة فقد
پس هرکه رهائی یابد از آتش و در آورده بهشت پس بدرستیکه
فاز ۝ وما الحيوة الدنيا إلا متاع الغرور
رستگار شد و نیست زندگانی دنیا مگر برخورداری و چاره
لتبلون في أموالكم وأنفسكم ولتسمعن
آزموده شوند در مالهای خود و در نفسهای خود و خواهید شنید
من الذين أوتوا الكتب من قبلكم ومن الذين
از آنانکه داده اند کتاب پیش از شما و از آنانکه
أشركوا أذى كثيرا وإن تصبروا وتتقوا
شرک آوردند رنجی بسیار و اگر صبر کنید و پرهیزید
فإن ذلك من عزم الأمور ۝ وإذ أخذ الله
پس بدرستیکه این از استواری کارهاست و آنرا که گرفت خدا
ميثاق الذين أوتوا الكتب لتبيننه للناس
پیمان آنانکه داده اند کتاب بیان کنند برای مردمان
ولا تكتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا
و پوشیده پس انداختند بپس پشت خود و بخریدند

بجز نسخی ای بگذشتند
خدای تعالی در وصف
این حال آیت فرستاد
کل نفس ذائقة الموت
تا ... معلوم شود
آن بود که بعضی از دنیاطلبان
گمان بردند که خصوصیتی
بر دیگران دارند
خدای تعالی فرمود که
نفس ... جزای او
زنان ... بنده
لتبلون في أموالكم
ایشان ...
سبب آن ... بود
اهل شرک بعداز هجرت
مهاجران که ... بودند
شدی ... آنها
مسلمانان ... بودند
بود و ... بگوید
نقل ... از
احوال ایشان

بِهٖ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ۝ لَا تَحْسَبَنَّ
بدان بهای اندک را پس بد چیزیست که میخرند میندار

الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا
آنانکه شاد باشند بانچه آمدند و دوست میدارند آنکه ستوده شوند

بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ
بانکه نکردند پس مپندار ایشانرا اهل رستن از عذاب

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
و مر ایشانراست عذابی دردناک و مر خدا ایراست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
و زمین و خدا تعالی بر هر چیز تواناست

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ
بدرستیکه در آفریدن آسمانها و زمین و در آمد شد

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيٰتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ الَّذِينَ
شب و روز نشانهاست مر خداوندان خرد را آنانکه

يَذْكُرُونَ اللّٰهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلٰى جُنُوبِهِمْ
یاد میکنند خدا را در ایستادن و نشستن و بر تکیه کردن

وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا
و اندیشه کنند در آفریدن آسمانها و زمین ای پروردگار ما

مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ
نیافریدی آسمان و زمین باطل پاکی تراست پس نگاهدار ما را از عذاب

النَّارِ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ
آتش ای پروردگار ما بدرستیکه تو هر کرا در آری بدوزخ پس بدرستیکه

أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظّٰلِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۝ رَبَّنَا إِنَّنَا
خوار کردانیدی اورا و نیست مر ستمکاران را هیچ یاری ای پروردگار ما بدرستیکه ما

سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ
شنیدیم ندا کننده ندا کننده بسوی ایمان آنکه بگروید به پروردگار خود

فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
پس گرویدیم ای پروردگار ما پس بیامرز مارا گناهان مارا و درگذران از ما

ع

اجابت این چنین
سوال کرد ام سلمه ... عمل کننده را
رسالت صلی الله علیه و آله وسلم
ام سلمه رضی الله عنها از حضرت
ایچ ذکر نام امرا مومنین
فاستجاب لهم بر روی ...
نازل شد این آیت
... در شان ایشان آمد

ثلثه

سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَآتِنَا
جرمهای ما را و بمیران ما را با نیکوکاران ای پروردگار ما و ده ما را

مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
آنچه وعده فرموده ما را بر زبان رسل و رسوا مکن ما را روز قیامت

إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ
بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده پس اجابت کرد مر دعای ایشان را پروردگار ایشان

أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ
که من ضایع نکردم عمل هیچ عمل کننده را از شما از مرد

أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا
یا زن برخی از شما از برخی پس آنانکه هجرت کردند

وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي
و بیرون کرده شده اند از سراهای خود و رنجانیده شده اند در راه من

وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
و کارزار کردند و کشته شدند درگذارم از ایشان جرمهای ایشان را

وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
و در آرم ایشان را بوستانها میرود از زیر آن جویها

ثَوَابًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ
پاداش داده از نزد خدا تعالی و خدا تعالی نزد اوست نیکو

الثَّوَابِ ۝ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا
پاداش باید که فریب ندهد ترا رفتن و آمدن کافران

فِي الْبِلَادِ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ
در شهرها برخورداری اندک است پس بازگشت ایشان دوزخ است

وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ
و بد آرامگاهیست لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود مر ایشان راست

جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید باشند در آن

نُزُلًا مِّنْ عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ
پیشکش باشد از نزد خدا تعالی و آنچه نزدیک خداست بهتر است

بشد که مرد و
مهاجران درشان سبب آمدن ... الهی
... زنان [illegible]
و زنان مهاجران [illegible]
[illegible] از زنان [illegible]
[illegible]
سبب [illegible]
و درباره [illegible]
للابرار

لِلْأَبْرَارِ ۝ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتٰبِ لَمَنْ يُؤْمِنُ

نیکوکاران را — و بدرستیکه از اهل کتاب — کسی هست که میگرود

بِاللّٰهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ

بخدا تعالی — و آنچه فرستاده — بر شما — و آنچه فرستاده — بر ایشان

خٰشِعِينَ لِلّٰهِ لَا يَشْتَرُونَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ ثَمَنًا

در حالتیکه ترسکاران زنده مر خدای را — بدل نمیکنند — آیات — خدا تعالی — بهاء

قَلِيلًا أُولٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللّٰهَ

اندکی — آن گروه — مر ایشان — مزد ایشان — نزد پروردگار ایشان — بدرستیکه خدا تعالی

سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ يٰأَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اصْبِرُوا

زود شمار است — ای — گروه — مومنان — صبر کنند

وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝

و شکیبائی نمائید — و آماده باشید — و بترسید از خدا تعالی — شاید که شما رستگار شوید

سورة النساء مدنية وهي مائة وستة وسبعون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام — خدای — بخشنده — مهربان

يٰأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ

ای — مردمان — بترسید — از پروردگار خود — آنکه — بیافرید شما را — از

نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا

یک تن — و بیافرید — از آن جفت وی را — و پراکنده کرد از آن

رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ

مردان بسیار — و زنان — و بترسید از خدا تعالی — آن خدا که حاجت طلبید

بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝

بآن — و پرهیزید از قطع رحم — بدرستیکه خدا تعالی هست — بر شما — دیده بان

وَاٰتُوا الْيَتٰمٰى أَمْوٰلَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ

و بدهید یتیمان را — مالهای ایشان — و بدل مکنید — ناپاک

بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوٰلَهُمْ إِلٰى أَمْوٰلِكُمْ إِنَّهُ

بمال پاک — و مخورید — مالهای ایشان — با مالهای خود — بدرستیکه آن

[illegible]

ع

مکی [illegible]
خطاب کرده [illegible]
یا ایها الناس این سوره
بیست و [illegible]
و [illegible] آیه [illegible]
[illegible] و چهار [illegible]
و دوازده ناسخ

كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ۝ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا

مت گناهی بزرگ واگر ترسید اگر عدل کنید

فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ

در اموال یتیمان پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا از زنان

مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا

دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر ترسید اگر عدل نتوانید

فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا

پس اختیار کنید یک زن یا مر آنچه مالک گشت دستهای شما این نزدیکتر است اگر

تَعُولُوا ۝ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً ۚ فَإِنْ

عدل نمانید و بدهید زنان کابینهای ایشان بخشیدن پس اگر

طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا

بخشند شمارا از چیزی از کابین از جهت نفس پس بخورید آن گوارنده

مَرِيئًا ۝ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ

خوشگوار و مدهید کم خردان مالهای خود را آن مالها که گردانیده

اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَ

خدا تعالی برای شما قوام معیشت و بهره دهید سفیهان را دران و بپوشید ایشان

قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ

بگویید مر ایشان را سخن نیکو و بیازمایید یتیمان را

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا

تا چون برسند بحد نکاح پس اگر دیدید از ایشان راه را

فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا

پس دفع کنید بسوی ایشان مالهای ایشان و نخورید مالهای یتیمان را از گزاف

وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا ۚ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ

و پیشی گرفتن از ترس آنکه بزرگ شوند و هر که باشد از اوصیا پس باید که دست باز دارد از

وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا دَفَعْتُمْ

و هر که باشد فقیر پس بخورد به نیکویی پس چون بدهید

إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

بسوی یتیمان مالهای ایشان پس گواه بگیرید بر ایشان و بسنده است خدا

یتیمان نصیبش آن

در حاشیه ترجمه بکرد نوشته شود و نشانه نهد تفاوت

و سیزده از ... بخود که

... اولاد

و ... یتیم ... غایب

حقوق ... از ... ارحام

... مال

... و ... اموال

... اروغ

... مشهوره

خداوند تعالی ...

... صاحب ...

... ولد ...

... بزرگ ...

... کرده ...

سعادت ...

حسيبا

للرجال نصيب

سبب نزول آن بود [illegible]

که عادت عرب در جاهلیت [illegible]

حَسِيبًا ○ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

گواه ○ مردان را بهره از آنچه بگذارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و خویشاوندان و زنان را حصه هست از آنچه بگذارند والدین

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

و اقارب از آنچه کم باشد از مال یا بسیار باشد بهره بازداده

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

و چون حاضر شوند در وقت قسمت خویشانی که میراث نمیبرند و یتیمان

وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ

و درویشان پس روزی دهید ایشان را چیزی از آن و بگوئید مر این جماعت را

قَوْلًا مَّعْرُوفًا ○ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ

سخن پسندیده ○ و باید که بترسند آنانکه اگر بگذارند از

خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا

پس خویش فرزندان ضعیف بترسند از ایشان پس بترسند

اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ○ إِنَّ الَّذِينَ

از خدای تعالی و بگویند سخن راست ○ بدرستیکه آنانکه

يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي

میخورند مالهای یتیمان از ستم جز این نیست که میخورند در

بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ○ يُوصِيكُمُ

شکمهای خود آتش و زود باشد که انداخته شوند در آتش ○ امر میکند شما را

اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ

خدای تعالی در فرزندان شما مرد را باشد مانند بهره دو زن

فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ

پس اگر باشند زنان بالای دو پس مر ایشان راست دو بخش از سه بخش از آنچه گذا

وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ

و اگر باشد یکی پس مر آن را نیمه و مر پدر و مادر میت را

لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ

مر هر یکی را از ایشان حصه ششم یکست از آنچه گذاشته اند اگر باشد

لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ

مرآن میت را فرزندی پس اگر نباشد مرآن فرزندی و میراث برند پدر و مادر او

فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ

پس مادر وی سه یک باشد پس اگر باشد مر او را برادران پس مادر وی

السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ

شش یک باشد از پس وصیتی وصیت کرده شده بدان یا

دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ

دینی پدران شما و پسران شما نمیدانید هر کدام که ایشان نزدیکتر

لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا

مر شما را منفعت فرض کرده شده از خدای تعالی هر آینه خدای تعالی هست دانا

حَكِيمًا وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ

حکم کننده و مر شما راست نصف آنچه گذارند زنان شما

إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ

اگر نباشد مر زنان را فرزندی پس اگر باشد آن زنان را فرزندی پس مر شما را

الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ

چهار یک از آنچه گذارند از پس وصیتی وصیت کنند

بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ

بدان یا دینی و مر زنان را چهار یک است از آنچه گذاشته اید اگر

يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ

نباشد شما را فرزندی پس اگر باشد مر شما را فرزندی پس زنان را هشت یک

مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ

از آنچه گذاشته اید از پس وصیتی وصیت کنند بدان یا

دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ

دینی و اگر باشد مردی که از وی میراث میگیرند و الدین باز زن کلاله

وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ

و مر او برادر مادری باشد یا خواهر مادری باشد پس مر هر یک از ایشان ششی یک

فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ

پس اگر باشند بیشتر از این پس ایشان انباز اند در سه یک

من بعد

مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ
از پس وصیتی وصیت کرده شود بدان یا دینی درحالیکه نباشد
مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ
زیان رساننده وصیتی از خدا تعالی وخدا تعالی داناست بردبار
تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
این اندازهای خداست وهرکه فرمان برد خدا را ورسول او
يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
درآرد او را بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید باشند
فِيهَا وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَمَن يَعْصِ اللَّهَ
دران واین فیروزی بزرگست وهرکه نافرمانی کند خدا را
وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا
ورسول او ودرگذرد از اندازها درآرد او را درآتش جاوید باشند
فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ
دران ومراو راست عذابی خوارکننده وآن زنانیکه بیایند بقبیح
مِن نِّسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً
از زنان شما پس گواه کنید بر زنان فاحشه چهار
مِّنكُمْ فَإِن شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ
از شما پس اگر گواهی دهند پس بند کنید ایشان را در خانها
حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا
تا بمیراند ایشان را ملک الموت یا گرداند خدا تعالی برای ایشان راه
وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِن تَابَا
وآن مرد وزن بیایند بفاحشه از شما پس برنجانید ایشان را پس اگر توبه کنند
وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا
وبصلاح آیند پس اعراض کنید از ایشان بدرستیکه خدا تعالی هست توبه پذیرنده
رَّحِيمًا ۝ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ
مهربان جز این نیست که قبول توبه بر خداست برای کسانیکه میکنند
السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِن قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ
بدی بنادانی پس توبه بازگشت کنند از زمانی نزدیک پس آن گروه

ع

يَتُوبُ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا
توبه دهد خدای تعالی بر ایشان و هست خدای تعالی دانا حکم کننده

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ
و نیست قبول توبه مر آنان را که میکنند عمل بد

حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ
تا چون حاضر شود یکی از ایشان موت گوید بدرستیکه من توبه کردم

الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ
اکنون و نه قبول توبه مر آنانرا که بمیرند و ایشان کافران باشند آن گروه

أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
مهیا کردیم برای ایشان عذابی دردناک ای گروه مؤمنان

لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ
روا نیست شما را آنکه میراث گیرید زنان را و منع مکنید این زنانرا

لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ
برای آنکه ببرید بعضی را از آنچه داده اید بایشان مگر آنکه بیایند

بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
بفعل زشت روشن کرده و زندگانی کنید با ایشان به نیکوئی

فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا
پس اگر ناخواهند صحبت ایشان را پس شاید که کاره باشید چیزی را

وَيَجْعَلَ اللّٰهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا وَإِنْ أَرَدْتُمُ
و گرداند خدای تعالی دران نیکوئی فراوان و اگر خواهید شما

اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ
بدل کردن زوجی بجای زن دیگر و داده باشید یکی از ایشان

قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ
کابین پس مگیرید از آنچه داده اید چیزی را آیا میگیرید

بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَ
باطل و گناهی ظاهر و چگونه میگیرید مال زنان و

قَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ
حالانکه رسید برخی از شما ببرخی دیگر و گرفته زنان از شما

ع

الجزء الخامس

مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ
پیمانی محکم و مزنی مخواهید آنرا که نکاح کرده اند پدران شما از

النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۚ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً
زنان مگر آنچه گذشته است بدرستیکه آن هست عملی زشت

وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ
و مبغوض و بد راهی حرام کرده شد بر شما

أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَ
مادران شما و دختران شما و خواهران شما و خواهران پدران شما و

خَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَ
خواهران مادران شما و دختران برادر را و دختران خواهران و

أُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ
مادران شما آنها که شیر دهند شما را و خواهران شما از

الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ
جهت شیر خوردن و مادران زنان شما و دختران زنان شما

اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم
آنها که در کنار شما است از زنان شما آنها که در آمده باشید شما

بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ
بایشان پس اگر نباشید در آمده بایشان پس نیست گناه

عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ
بر شما و محرمات زنان شما اند آن پسران که از پشتهای شما اند

وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ
و آنکه جمع کنید میان دو خواهر مگر آنچه پیش گذشته است

إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَالْمُحْصَنَاتُ
بدرستیکه خدا تعالی هست آمرزنده مهربان و حرام کرده شده شوهرداران

مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ
از زنان مگر آنچه مالک شده است دستهای شما نوشته خدا تعالی

عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُم مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا
بر شما و حلال کرده شد بر شما آنچه وراء محرمات مذکوره است آنکه بطلبید

بِاَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِيْنَ غَيْرَ مُسٰفِحِيْنَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ
بمالهای خود بسبب تزویج باشند زنا کنندگان پس هرکه برخورداری یافتید

بِهٖ مِنْهُنَّ فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ فَرِيْضَةً
بدو ازان زنان پس بدهید مهرهای ایشان فریضه

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيْمَا تَرٰضَيْتُمْ بِهٖ
و نیست گناه بر شما در آنچه راضی شوید با آنچه

مِنْ بَعْدِ الْفَرِيْضَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا
از پس آن مهرها بدرستیکه خدا تعالی هست دانا

حَكِيْمًا ۝ وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ
حکم کننده و هرکرا استطاعت نیست از شما از توانائی که

يَّنْكِحَ الْمُحْصَنٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ
نکاح کند زنان آزاد گرویده پس آنچه مالکست

اَيْمَانُكُمْ مِّنْ فَتَيٰتِكُمُ الْمُؤْمِنٰتِ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
دستهای شما ازان کنیزکانی که گرویده‌اند و خدا تعالی داناتر

بِاِيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوْهُنَّ
بگرویدن شما برخی از شما از برخی پس نکاح کنید با ایشان

بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوْفِ
باذن اهل ایشان و بدهید کنیزکان مهرهای ایشان بی مضایقه

مُحْصَنٰتٍ غَيْرَ مُسٰفِحٰتٍ وَّلَا مُتَّخِذٰتِ اَخْدَانٍ
درحالیکه نگهداشته باشند فرج خود غیر زانیات و نه فراگیرنده دوستان پنهانی

فَاِذَآ اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ
پس چون جوار شوهر کرده شوید پس اگر بیایند بزنا پس بر ایشان

نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنٰتِ مِنَ الْعَذَابِ ذٰلِكَ
نیمه آنچه لازمست از عذاب این

لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوْا خَيْرٌ
برای کسیکه ترسید یعنی نکاح کنیزکان یعنی در زنا افتد از شما و اگر صبر کنید بهترست

لَّكُمْ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ
مر شمارا و خدا تعالی آمرزنده مهربانست میخواهد خدا تعالی آنکه بیان کند برا شما

صلی الله علیه وسلم
و صحابه بودند که ...
فرمان شد که زنان کفار
اگرچه شوهر داشته باشند اما
چون بسبب جنگ بنده زنان
شما شوند تصرف در
ایشان حلالست
در بیان آیه ...
حرام کرده شده
از زنان شوهرداران
مگر آنچه بالک شده
...
ع
...

ويهديكم

وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَ
وراه نماید شمارا راهها آنکسانکه پیش از شما و
يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ○ وَاللَّهُ
بازگردد بر شما وخدا تعالی داناست حکم کننده وخدا تعالی
يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
میخواهد آنکه توبه دهد شمارا ومیخواهد آنانکه پیروی کنند
الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ○ يُرِيدُ اللَّهُ
آرزوهای نفس را آنکه میل کنند میل کردنی بزرگ میخواهد خدا تعالی
أَن يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا ○
آنکه سبک کند از شما وآفریده است آدمی ناتوان
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم
ای گروه مومنان مخورید مالهای یکدیگر درمیان یکدیگر
بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ
بغصب مگر آنکه باشد بازرگانی از خشنودی
مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ
از شما ومکشید نفسهای خودرا بدرستیکه خدا تعالی هست بشما
رَحِيمًا ○ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا
مهربان وهرکه بکند این ازخبث وستم
فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ
پس زود باشد که درآورده شود درآتشی وهست این بر خدا تعالی
يَسِيرًا ○ إِن تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ
آسان هست اگر یکطرف شوید از گناهان بزرگ آنچه نهی کرده شدید ازان
نُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُم مُّدْخَلًا كَرِيمًا ○
درگذاریم از شما گناهان شما ودرآریم شمارا درموضعی بزرگ
وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
وآرزو مبرید آنچیزیرا که خدا تعالی افزون داده بدان برخی از شما بر برخی
لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ
مردانرا بهره از آنچه کسب کرده وزنانرا بهره

بعد از نکاح عین
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در اول اسلام

مما اكتسبن وسئلوا الله من فضله ان الله
از آنچه کسب کردند و بخواهید از خدای تعالی از فضل او بدرستیکه خدای تعالی
كان بكل شيء عليما ۞ ولكل جعلنا موالي
هست بهر چیز دانا و برای هر یک آفریدیم میراث خواران
مما ترك الوالدان والاقربون والذين
از آنچه گذارند پدر و مادر و خویشاوندان و آنانکه
عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم ان
بسته اند دستهای شما پس بدهید ایشانرا بهره ایشان بدرستیکه
الله كان على كل شيء شهيدا ۞ الرجال
خدای تعالی هست بر هر چیز گواه مردان
قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم
کارگذاران اند بر زنان بآنچه تفضیل کرد خدای تعالی بعضی از ایشان
على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات
بر بعضی و بآنچه نفقه کنند از مالهای خویش پس زنان شایسته
قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله والتي
فرمان برداران نگاهدارندگان مرغیب بآنچه نگاهداشت خدای تعالی و آن زنانی
تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن
میترسید ناسازگاری ایشان پس پند گوی ایشانرا و ببرید از ایشان
في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا
در خوابگاهها و بزنید ایشانرا پس اگر فرمان برند شما را پس
تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا
مطلبید بر ایشان راه بیداوری بدرستیکه خدای تعالی هست برتر بزرگ
وان خفتم شقاق بينهما فابعثوا حكما من
و اگر دانید ناسازگاری میان مرد و زن پس برانگیزید داوری از
اهله وحكما من اهلها ان يريدا اصلاحا
کسان شوهر و میانجی از قبیله آن اگر خواهند باصلاح آوردن
يوفق الله بينهما ان الله كان عليما خبيرا ۞
سازواری افکند خدای تعالی میان ایشان بدرستیکه خدای تعالی هست دانا آگاه

واعبدوا

وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهٖ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

وپرستید خدا را وانباز مگیرید بوی چیزی را وبا پدر و مادر

اِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ

نیکویی کردن وبا خویشاوندان وبا یتیمان وبا درویشان

وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبٰى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ

وبهمسایه که خویش باشد وبهمسایه بیگانه ویارکه

بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيْلِ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ

همنشین باشد ومسافر و مهمان وبا بندگان وزیردستان

اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُوْرًا ۝

بدرستیکه خدا تعالی دوست نمیدارد هرکه باشد خرامنده متکبر نازنده

الَّذِيْنَ يَبْخَلُوْنَ وَيَأْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ

آنانکه بخل ورزند ومیفرمایند مردمان را ببخیلی و

يَكْتُمُوْنَ مَا اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ وَاَعْتَدْنَا

میپوشند آنچه داده است ایشان را خدا تعالی از فضل خود وآماده کردیم

لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا مُّهِيْنًا ۝ وَالَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

برای کافران عذابی خوار کننده وآنانکه نفقه کنند

اَمْوَالَهُمْ رِئَآءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ

مالهای ایشان برای دیدن مردمان ونمیگروند بخدا تعالی

وَلَا بِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَمَنْ يَّكُنِ الشَّيْطٰنُ لَهٗ قَرِيْنًا

ونه بروز قیامت وهرکه باشد دیو مر او را همنشین

فَسَآءَ قَرِيْنًا ۝ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ

پس بدست از روی قرین وچه بودی بر کافران اگر ایمان آوردندی بخدا تعالی

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ

وبروز قیامت وبیرون کردندی از آنچه روزی داده ایشان را خدا تعالی

وَكَانَ اللّٰهُ بِهِمْ عَلِيْمًا ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ

وهست خدا تعالی بایشان دانا بدرستیکه خدا تعالی ستم نکند همسنگ

ذَرَّةٍ وَاِنْ تَكُ حَسَنَةً يُّضٰعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ

ذره واگر باشد نیکی افزوده گرداند وبدهد از

آنحضرت فرمود
چیزی نازل شد از خداوند
اعمال همه خوب
اسعد و ابو ذر
حضرت صلی الله علیه و سلم
اینکه حضرت صلی
وبین منقون
آن بزرگ از آنکه
قرینی که در ایشان بودند
پیغمبری حضرت
پاره صلی الله علیه
دادند صحابه و سلم
بسیار جمع میکردند
وما لهای خود را
خرج ایشان نمیکردند
وبا بنی نیکیهای خود را
در کان

لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ
نزد خود مزدی بزرگ پس چون خواهد بیاریم از هر
أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا
گروهی گواهی و بیاریم ترا ای محمد صلعم بر این گروه گواه
يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ
آن روز دوست دارند آنانکه کافر شدند و نافرمانی کردند رسول را
لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا
کاشکی راست کرده شدی برای ایشان زمین و نه پوشند سخن را
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ
ای گروه مومنان گرد نماز مگردید و شما
سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا
مستان باشید تا بدانید آنچه در نماز میخوانید و نه جنب
عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ
گذرنده راه باشید تا غسل کنید و اگر باشید
مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ
بیماران یا در سفر یا بیاید یکی از شما از
الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
خلا جا یا دست رسانید زنان را پس نیابید آب را پس قصد کنید
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ
خاکی پاک پس مسح کنید بتمام روی خود و
أَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ أَلَمْ تَرَ
بساعد دستهای خود هر آینه خدا تعالی هست عفو کننده آمرزنده آیا نمی بینی
إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ
بسوی آنانکه داده اند بهره از توریت میخرند
الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۝ وَ
گمراهی و میخواهند آنکه گم کنید راه و
اللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا
خدا تعالی داناست بدشمنان شما و بسنده است خدا تعالی دوست شما و بسنده است خدا

خدا تعالی در وصف حال
این پیران آفرید و
اطراف عالم آنجا بستند
[illegible]
سبب
نزول آنچه [illegible] از صحابه
در خانه عبد الرحمن بن
عوف
ع
عنده [illegible] خمر درآوردند
[illegible] شغل [illegible] شدند
در [illegible] از [illegible]
[illegible]
[illegible]
سیده [illegible]
و [illegible] از [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

نصیرا

نَصِيرًا ۝ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ
یاری دهنده از آنانکه یهود شدند میگردانند کلمها
عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا
از مکان آن ومیگویند شنیدیم وناورمانی کردیم
وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ
وبشنو که غیر شنوده شده باشی واین کلمه مشتمل ابو جهل است درحالت گردانیدن
وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا
وطعن در دین واگر آنکه ایشان گفتندی شنیدیم ما
وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ
وفرمان برداریم وبشنو ونگاه کن هرآینه بودی بهتر مرایشان را
وَأَقْوَمَ وَلَٰكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ
وراست ولیکن براندهست ایشان را خدا تعالی بکفران ایشان پس نمیگروند
إِلَّا قَلِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا
مگر اندکی ای کسانیکه داده اند کتاب بگروید
بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
بانچه فرستادیم باور دارنده مرآنچیز را که باشماست پیش از آنکه
نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ
محو کنیم روبها پس بازگردانیم آن بر پشتهای آن یا
نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ
برانیم ایشان را چنانکه براندیم اصحاب سبت وهست فرمان خدا تعالی
مَفْعُولًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ
بوده شده بدرستیکه خدا تعالی نمی آمرزد آنرا که شرک آورده شود او و
يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ
بیامرزد آن گناهانی که جز این مر آنکس را که خواهد وهرکه شرک آرد
بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى
بخدا تعالی پس بدرستیکه افترا کرده گناهی بزرگ آیا نمی بینی بسوی
الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ
آنانکه می ستایند نفسهای خود بلکه خدا تعالی تزکیه کند هرکرا خواهد

سبب نزول این آیه آن بود که زره ازیهود ... مجلس آنحضرت ... سخنان ... از روی کار این زن ... بولی ... بر ... آمد ... ازیهود که آنحضرت ... پیغمبر صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم ... این بود چون ابن صوریا و کعب بن اسد ... طلبیده گفت از خدا ... رسید

وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝ اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى

وستم رسیده نخواهند شد بمقدار رشته ضعیف نگر چگونه افترا میکنند بر

اللّٰهِ الْكَذِبَ وَكَفٰى بِهٖ اِثْمًا مُّبِينًا ۝ اَلَمْ تَرَ

خدای تعالی دروغ وبسنده است بآن گناه ظاهر آیا نمی بینی

اِلَى الَّذِينَ اُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتٰبِ يُؤْمِنُونَ

بسوی آنانکه داده اند بهره از توریت میگروند

بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

ببت دوبت وشیطان ومیگویند در حق کافران

هٰٓؤُلَآءِ اَهْدٰى مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا سَبِيلًا ۝

کافران قریش هادی ترند از آنانکه ایمان آوردند بحضرت محمد ص

اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللّٰهُ

آن گروه آنکسانند دور کرده ایشانرا خدای تعالی وهرکرا راند خدای تعالی

فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ نَصِيرًا ۝ اَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ

پس نیابی مر اورا یاری آیا هست جهودانرا نصیبی از

الْمُلْكِ فَاِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝ اَمْ

پادشاهی پس در آنهنگام ندهند مردمانرا بآن مقدار

يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلٰى مَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ

حسد میبرند ای مومنان بر آنچه داده ایشانرا خدای تعالی از فضل

فَقَدْ اٰتَيْنَآ اٰلَ اِبْرٰهِيمَ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ

پس اعطا کردیم اولاد ابراهیم توریت وعلم

وَاٰتَيْنٰهُمْ مُّلْكًا عَظِيمًا ۝ فَمِنْهُمْ مَّنْ اٰمَنَ بِهٖ وَ

ودادیم ایشانرا پادشاهی بزرگی پس از یهود کسیکه ایمان آورد بحضرت محمد

مِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفٰى بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ اِنَّ

واز ایشان کسیکه اعراض کرد ازو وبسنده است این کسرا دوزخ آتش افروخته بدرستیکه

الَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيٰتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا ۝

آنانکه نگرویدند بآیتهای ما زود که در آریم ایشانرا در آتش

كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنٰهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا

هرگاه که پخته شود پوستهای ایشان بدل کنیم برای ایشان پوستهای دیگر

همیشه بجز من سوگند [illegible] بخدای که ستم میکند [illegible] بکلام وکلام [illegible] ع [illegible] وشمار [illegible] عذاب [illegible]

وقدم در دوزخ [illegible] سلام

[illegible]

ليذوقوا

لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

تا بچشند عذاب بدرستیکه خدای تعالی هست غالب و حکم کننده

ربع وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ

و آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته زود باشد که در آریم ایشانرا

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید انند در آن

أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ

همیشه مرایشان در آن زنانی پاکیزه و در آریم ایشانرا

ظِلًّا ظَلِيلًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا

در سایه پاینده بدرستیکه خدای تعالی میفرماید شمارا آنکه ادا کنید

الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ

امانتها با اهل آن و چون امر کنید میان مردمان

أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ

آنکه حکم کنید براستی بدرستیکه خدای تعالی نیکو چیزیست که پند میدهد شمارا بآن

إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بدرستیکه خدای تعالی هست شنوا بینا ای گروه

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي

مومنان فرمان برید خدایرا و فرمان برید رسول را و صاحبان

الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى

امر از شما پس اگر خلاف کنید در چیزی پس باز گردانید سوی

اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ

خدای تعالی و رسول اگر هستید میگروید بخدای تعالی و

الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝

بروز قیامت این بهتر است و نیکو از عاقبت

ع أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا

آیا نمی بینی بسوی آنانکه گمان می برند آنکه ایشان گرویدند بآنچه

أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

داده است بسوی تو و آنچه فرستاده شده پیش از تو میخواهند

أَن يَتَحَاكَمُوٓا إِلَى ٱلطَّٰغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوٓا أَن

آنکه مرافعه کنند بسوی شیطان وحالانکه ماموربودند آنکه

يَكْفُرُوا بِهِۦ وَيُرِيدُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَن يُضِلَّهُمْ

کافر شوند بحکم طاغوت و میخواهد دیو آنکه گمراه گرداند ایشان را

ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ

گمراهی دور و چون گویند مر این منافقان را بیایید بسوی

مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَإِلَى ٱلرَّسُولِ رَأَيْتَ ٱلْمُنَٰفِقِينَ

آنچه فرستاده است خدا تعالی و بحکمی که پیغمبر او کند ببینی منافقان را

يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا ۝ فَكَيْفَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم

اعراض میکنند از تو اعراض کردنی پس چگونه باشند چون برسد ایشان را

مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَآءُوكَ

عقوبت بانچه کرده اند دستهای ایشان پس بیایند بسوی تو

يَحْلِفُونَ بِٱللَّهِ إِنْ أَرَدْنَآ إِلَّآ إِحْسَٰنًا وَتَوْفِيقًا

سوگند خورند بخدای نخواستیم ما مگر نیکوئی و موافقت

أُولَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ يَعْلَمُ ٱللَّهُ مَا فِى قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ

آن گروه آنانند که میدانند خدا تعالی آنچه در دلهای ایشان پس اعراض کن

عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُل لَّهُمْ فِىٓ أَنفُسِهِمْ قَوْلًۢا بَلِيغًا

از ایشان و پند ده و بگو مر ایشان را در نفسهای ایشان قول بلیغ

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ ٱللَّهِ

و نفرستادیم ما هیچ فرستاده مگر فرمانبردار شوند باذن خدا تعالی

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَّلَمُوٓا أَنفُسَهُمْ جَآءُوكَ فَٱسْتَغْفَرُوا

و اگر این منافقان آن هنگام که ظلم کردند نفسهای خود بیایند بحضرت تو پس طلب آمرزش

ٱللَّهَ وَٱسْتَغْفَرَ لَهُمُ ٱلرَّسُولُ لَوَجَدُوا ٱللَّهَ

از خدا تعالی و آمرزش خواستی برای ایشان رسول یافتندی خدا را

تَوَّابًا رَّحِيمًا ۝ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ

قبول کننده توبه مهربان پس نیست و پروردگار تو ایمان نخواهند آورد تا

يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِىٓ

حاکم سازند ترا در آنچه خلاف افتد میان ایشان پس نیابند در

که بطریق تاکید از ایشان عهد و پیمان [illegible]
[illegible]
بجای آریم و بعبادت
[illegible]
صلی الله علیه و آله و سلم
[illegible]

انفسهم

أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

نفسهای خود گرانی ازانچه ای حکمت ومنقاد گردند فرمانبرداری

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ

واگر چنانچه ما فرض میکردانیدیم برایشان آنکه بکشید نفسها را

أَوِ اخْرُجُوا مِن دِيَارِكُم مَّا فَعَلُوهُ إِلَّا

یا بیرون روید از سراهای خود آنچه فرض کرده بودیم مگر

قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ

اندکی ازایشان واگر آنکه ایشان کردندی آنچه پند میدهند بآن

لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ۝ وَإِذًا

بودی بهتر مرایشان ونزدیکتر ازتحقیق ایمان وآنهنگام

لَّآتَيْنَاهُم مِّن لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَلَهَدَيْنَاهُمْ

دادیم ایشان را ازنزدیک خود مزدی بزرگ وراه نمودیم ایشان را

صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ۝ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ

راه راست وهرکه فرمان برد خدا را ورسول را

فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ

پس آنگروه با آنانکه انعام کرده است خدایتعالی برایشان از

النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

پیغمبران وراست گویان وشهدا و

الصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا ۝ ذَٰلِكَ

صالحان ونیکو اند آنگروه همنشینان این

الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا

افزونی ازخدایتعالی وبسنده است خدایتعالی دانا ای

الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا

گروه مومنان فراگیرید سلاح خویش پس بیرون آئید برای

ثُبَاتٍ أَوِ انفِرُوا جَمِيعًا ۝ وَإِنَّ مِنكُمْ لَمَن

گروه گروه یا سیر کنید مجتمع شده وبدرستیکه از شما کسی باشد

لَّيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ

که درنگ نماید پس اگر برسد شما را واقعهٔ گوید بدرستیکه انعام کرده است

اللّٰهُ عَلَىَّ اِذْ لَمْ اَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ۝ وَلَئِنْ
خدای تعالی بر من چو من نبودم با مسلمانان حاضر واگر

اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللّٰهِ لَيَقُولَنَّ كَاَنْ
برسد شمارا نیکوئی از خدای تعالی میگوید چنانچه گوی نبوده

لَمْ يَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ
میان شما ومیان وی دوستی کاشکی من بودمی

مَعَهُمْ فَاَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ فَلْيُقَاتِلْ فِي
با مسلمانان پس پیروزی یافتمی فیروزی بزرگ پس قتال کنند در

سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا
راه خدای تعالی آنانکه بفروشند زندگانی دنیا

بِالْاٰخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ
باخرة وهرکه جهاد کند درراه خدای تعالی پس کشته شود

اَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَ
یا غالب آید پس زود باشد که بدهیم اورا مزدی بزرگ و

مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ
چه شد شمارا مقاتله نمیکنید درراه خدای تعالی وبرای اسیران

مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ
از مردان وزنان وازکودکان آنانکه

يَقُولُونَ رَبَّنَا اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ
میگویند ای پروردگارما بیرون آرما ازین دیه

الظَّالِمِ اَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا
که ستمکارند اهل آن وبساز ازبرای ما ازنزد خود دوستی

وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۝ اَلَّذِينَ اٰمَنُوا
وبساز برای ما ازنزد خود مددکاری آنانکه گرویدند

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
مقاتله نمایند درراه خدای تعالی وآنانکه نگرویدند

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا اَوْلِيَاءَ
مقاتله نمایند درراه شیطان پس بکشید دوستان

الشيطان

الشيطن ان كيد الشيطن كان ضعيفا ۝
شيطان را بدرستيكه وسوسه شيطان هست بی قوت

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم و
آیا نمی بینی بسوی آنانکه گفته شد مر ایشان را باز دارید دستهای خود را و

اقيموا الصلوة واتوا الزكوة فلما كتب
بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را پس آنهنگام که نوشته شد

عليهم القتال اذا فريق منهم يخشون
بر ایشان کارزار کردن آنوقت گروهی از ایشان میترسند

الناس كخشية الله او اشد خشية وقالوا
از مردمان چنانچه بایستی ترسیدن از خدا تعالی بلکه ترسیدن از آن سخت تر و گفتند

ربنا لم كتبت علينا القتال لولا اخرتنا الى
ای پروردگار ما چرا نوشتی بر ما کارزار کردن چرا ما را زندگانی نگذاشتی تا

اجل قريب ۝ قل متاع الدنيا قليل والاخرة
مرگی نزدیک بگو برخورداری دنیا اندک است و آخرت

خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا ۝ اين ما
بهتر است مرکسی را که پرهیزد و ستم رسیده نخواهید شد بمقدار رشته هر کجا

تكونوا يدرككم الموت ولو كنتم في
باشید دریابد شما را مرگ و اگر باشید در

بروج مشيدة وان تصبهم حسنة يقولوا
حصارهای محکم و اگر برسد منافقان را نعمتی میگویند

هذه من عند الله وان تصبهم سيئة يقولوا
این از نزد خدا تعالی است و اگر برسد ایشان را بدی میگویند

هذه من عندك قل كل من عند الله فمال
این از نزد تست یا محمد صلعم بگو همه از نزد حق تعالی است پس چیست

هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا ۝
مر این گروه را نزدیک نیستند که فهم کنند سخنی را

ما اصابك من حسنة فمن الله وما اصابك
آنچه تو رسد از فتح پس از خدا است و آنچه تو رسد

در بازار
در راه آن گفتار نمی
و آن جماعت اتباع بودند
از ایشان منع شدند
ع
ایشان از ابن حزم که عزیر
منع سیاه و بزرگ از مردمان
چون ابن سلمه ابن هشام
ولید ابن ولید و عباس
و ابن ربیعه و ابو جندل
بن سهیل و مثال ایشان
جمیع روز غزوه
از اهل نفاق در بار که بودند
اهل نفاق گفتند اگر
گفته باشند نزد
محمد نفقه کنیم
شد نزدیک حضرت نقالی
آن روز از رکبان است
و نادم

مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنٰكَ لِلنَّاسِ
از بدیست پس از نفس تست و فرستادیم ترا برای مردمان
رَسُولًا وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا ۝ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ
فرستاده و بسنده است خدا تعالی گواه هرکه فرمان برد رسول را
فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَا أَرْسَلْنٰكَ عَلَيْهِمْ
پس بدرستیکه فرمان برده باشد خدا را و هرکه اعراض کند پس نفرستادیم ترا برایشان
حَفِيظًا ۝ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ
نگهبان و گویند فرمانبرداری پس چون بیرون روند از
عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ
نزد تو باندیشند میگویند گروهی از منافقان غیر از آنکه گویند
وَاللّٰهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ
و خدا تعالی مینویسد آنچه تدبیر کنند پس روی گردان از ایشان و توکل کن
عَلَى اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا ۝ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ
بر خدا تعالی و بسنده است خدا تعالی وکیل آیا تامل نمی نمایند
الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللّٰهِ لَوَجَدُوا فِيهِ
قرآن را و اگر بودی از نزد غیر خدا تعالی یافتندی در آن
اخْتِلَافًا كَثِيرًا ۝ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ
اختلاف بسیار و چون بیاید منافقان خبر چون مصالح یا کارها
أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ
یا ترس آشکارا کنند آنچیز را و اگر بازگردانند سوی پیغمبر
وَإِلٰى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ
و بسوی خداوندان امر از ایشان دانستند آنکسانی که اخراج کنند آنچیز را
مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ
از ایشان و اگر نه فضل خدا تعالی بر شما و بخشش او پیروی میکردید
الشَّيْطٰنَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا
شیطان را مگر اندکی پس کارزار کن با مجوس در راه خدا تعالی نیست
تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللّٰهُ
تکلیف در جهاد مگر نفس تو و ترغیب ده مومنان را شاید که خدا تعالی

من یطع الرسول
سبب نزولش آنست که
چون حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و علی آله و صحبه
و احبابه و سلم فرموده بودند که
اطاعت من کند خدا را
اطاعت کرده باشد
و هرکه مرا دوست دارد
خدا را دوست داشته
باشد بعضی منافقان
گفتند این مرد میخواهد
که ما او را خدا گیریم چنانکه نصاری عیسی را
خدای گرفتند این
آیت نازل شد
حق تعالی در بیان
شهادت قول پیغمبر را
صلی الله علیه و آله و صحبه
و سلم نموده است

ان یکف

فی المنافقین

سبب نزول این آیه بود که بعضی از مهاجران بمدینه آمدند و بازگشتند

بمکه رفتند و صحابه در اسلام ایشان اختلاف کردند و دو گروه شدند آیه نازل شد

أَن يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا

آنکه باز دارد و مسلمانان شدت کارزار آنهارا که کافر بودند و خدای تعالی سخت هیبت

وَأَشَدُّ تَنكِيلًا ۝ مَّن يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً

و سخت ازروی عقوبت هر که شفاعت کند در خواستی نیکو

يَكُن لَّهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَن يَشْفَعْ شَفَاعَةً

باشد اورا نصیبی ازان و هر که در خواهد در خواستی

سَيِّئَةً يَكُن لَّهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

بد باشد اورا وبالی ازان و هست خدای تعالی بر هر

شَيْءٍ مُّقِيتًا ۝ وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ

چیز توانا و چون تحیت ادا داده شوید بتحیتی پس جواب سلام گوئید نیکوتر

مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

ازان یا باز دهید آن هر آینه خدای تعالی هست بر هر چیز

حَسِيبًا ۝ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ

حساب کننده خدای تعالی نیست معبودی بحق مگر او جمع کرداند شمارا

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ

تا روز قیامت نیست شک دران و کیست صادق تر

مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ۝ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ

از خدای تعالی از قول پس چیست شمارا در منافقان دو گروه

وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا

و خدای تعالی نگونسار کرد ایشان را بانچه کرده اند آیا میخواهید آنکه راه نمائید

مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ

کسی که گمراه ساخته است خدای تعالی و هر کرا گمراه سازد خدای تعالی پس نیابی

لَهُ سَبِيلًا ۝ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ

مر اورا راهی دوست داشتند آنکه کافر شوید همچنانکه کافر شدند پس باشید

سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا

برابر پس فرا مگیرید از ایشان دوستان تا ایمان آرند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ

در راه خدای تعالی پس اگر اعراض کنند پس بگیرید ایشان را و بکشید ایشان را

پس چیست شمارا در باب منافقان دو گروه شدید مترحم کویید

ضمیر فی سبیل مهاجرت بجای آوردند و تعلق بکفار عماد

نکونسار کرد ایشان را بسبب کفر

نصف

ع

حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا

هر جا که بیابید ایشانرا و مگیرید از ایشان دوستی

وَلَا نَصِيرًا ۝ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ

و نه یاری مگر آنانکه پیوند کنند گروهی

بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ

میان شما و میان ایشان پیمانی یا بیایند شما حالانکه تنگ بود

صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ

سینهای ایشان آنکه با شما جنگ کنند یا کارزار کنند با قوم خود

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ

و اگر خواستی خدا تعالی مسلط گردانیدی ایشانرا بر شما پس قتال کردندی با شما

فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ

پس اگر کناره کنند از شما پس کارزار نکنند شمارا و القا کنند بسوی شما

السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۝

استسلام پس نساخت خدا تعالی مر شمارا بر ایشان راهی

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ

زود باشد که بیابید قومی دیگر میخواهند که ایمن باشند از شما

وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ

و از ایشان که ایمن شوند از قوم خود هر گاه که میخوانند بسوی کفر

أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا

باز گردند در آن پس اگر از قتال شما کناره نکنند و القا کنند

إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَ

بشما بصلح و باز دارند دستهای خود را پس بگیرید ایشانرا و

اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا

بکشید ایشانرا هر جا که مر ایشان دست یابید و آن گروه شما داویم

لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ

شمارا بر ایشان حجت روشن و نسزد مر مومن را

أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا

آنکه بکشد مومن را مگر بخطا و هر که بکشد مومن را

خطأ فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة

بخطا پس براوست آزاد کردن بنده مومن و بر وی دیت تمام کرده

الى اهله الا ان يصدقوا فان كان من قوم

مر ورثه او مگر آنکه تصدیق کنند پس اگر باشد مقتول از گروه

عدو لكم وهو مؤمن فتحرير رقبة

که دشمن اند مر شما و او مومن باشد پس براوست آزاد کردن بنده

مؤمنة وان كان من قوم بينكم وبينهم

مومن و اگر کشته شده از قومی باشد میان شما و میان ایشان

ميثاق فدية مسلمة الى اهله وتحرير

ایمانی پس بروست دیت با اهل او و آزاد کردن

رقبة مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين

بنده مومن پس هر که نیابد پس بروست روزه دو ماه

متتابعين توبة من الله وكان الله عليما

از پی یکدیگر توبه دادن از خدای تعالی و هست خدای تعالی دانا

حكيما ۝ ومن يقتل مؤمنا متعمدا فجزاؤه

حکم کننده و هر که بکشد مومنی را بعمدا پس پاداش او

جهنم خالدا فيها وغضب الله عليه ولعنه

دوزخ است جاوید باشد در آن و خشم گرفت خدای تعالی برو و دور کرد او را

واعد له عذابا عظيما ۝ يا ايها الذين آمنوا

و آماده ساخته برای او عذابی بزرگ ای گروه مومنان

اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا ولا تقولوا

چون سفر کنید در راه خدای تعالی پس تفحص کنید و مگوئید

لمن القى اليكم السلام لست مؤمنا تبتغون

مر کسی را که القا کند بشما سلام را نیستی تو مومن میطلبید

عرض الحيوة الدنيا فعند الله مغانم كثيرة

مال دنیای فانی را پس نزدیک خدای تعالی غنیمتهای بسیار

كذلك كنتم من قبل فمن الله عليكم فتبينوا

همچنین بودید شما پیش از این پس منت نهاد خدای تعالی بر شما پس تفحص سازند

شنیدند [illegible]
و با جوانی [illegible]
سؤال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فتح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
گرفته بود و انواع
[illegible] از دست [illegible]
نام محلم [illegible] کشته بود
و با خود [illegible] کرده بود

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ لَا يَسْتَوِي

درستیکه خدا تعالی بدانچه میکنید دانا برابر نیستند

الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ

نشستگان از گرویدگان که نباشد خداوندان بیماری

وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ

و جهاد کنندگان در راه خدا تعالی بمالهای خود و

أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ

نفسهای خود تفضیل داد خدا تعالی جهاد کنندگان بمالهای خود و

أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ

نفسهای خود بر نشستگان پایهٔ بلند و همه را وعده کرد خدا تعالی

الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

نیکو و تفضیل داد خدا تعالی مجاهدان را بر نشستگان

أَجْرًا عَظِيمًا ۝ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً

مزدی بزرگ پایهای بلند از او و آمرزش و بخشایش

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ

و هست خدا تعالی آمرزنده مهربان درستیکه آنانکه جان میستانند

الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا

فرشتگان که ستمکارانند بر نفس خود گفتند در چه چیز بودید گفتند

كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ

بودیم ضعیفان در زمین گفتند آیا نبود

أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ

زمین خدا تعالی گشاده پس هجرت کنید در آن پس آن گروه

مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ

جای ایشان دوزخ است و بد است از روی بازگشت مگر کسانی که عاجزاند

مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

از مردان و زنان و کودکان توانائی ندارند

حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولَٰئِكَ عَسَى

و چاره سازی ندارند و نمی‌شناسند راه پس آن گروه شاید

[illegible]

الله ان

اللهُ أَن يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللهُ عَفُوًّا غَفُورًا

خدا تعالی اگر عفو کند ازایشان وهست خدا تعالی عفو کننده آمرزنده

وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ

وهرکه هجرت کند در طاعت خدا تعالی یابد در زمین

مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ

آرامگاهها بسیار و فراخی وهرکه بیرون آید از خانهای خود

مُهَاجِرًا إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ

که هجرت کننده باشد بخدا ورسول پس یابد اورا مرگ

فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللهِ وَكَانَ اللهُ غَفُورًا

پس بدرستیکه ثابت شد مزد او برخدا تعالی وهست خدا تعالی آمرزنده

رَحِيمًا ۝ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ

مهربان وچون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما

جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَوٰةِ إِنْ خِفْتُمْ أَن

گناهی آنکه چهارگانه دوگانه گذارند از نماز اگر ترسید آنکه

يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا

بکشند شمارا آنانکه نگرویدند بدرستیکه کافران هستند

لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ۝ وَإِذَا كُنتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ

مرشمارا دشمن آشکارا وچون باشی در میان ایشان پس قامت کنی مر ایشان را

الصَّلَوٰةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِّنْهُم مَّعَكَ وَلْيَأْخُذُوا

نماز را پس بایستند گروهی از ایشان با تو وفرا گیرند

أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِن وَرَائِكُمْ

سلاحهای خود را پس سجده کنند پس باشند از پس شما

وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا

وبیاید طایفه دیگر که نماز نگذارده اند پس نماز بگذارند

مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ

با تو وباید که بردارند ایشان که بان حذر کنند وسلاحها

وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ

ودوست دارند آنانکه نگرویدند آنکه غافل باشید از سازهای حرب خود

وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً
و متاعهای خویش پس حمله کنند بر شما حمله یکانه
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ
و نیست گناه بر شما اگر باشد شمارا رنجی از باران
أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا
یا باشید بیماران اگر بر نهید سلاحهای خود و فراگیرید
حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا
آلات خود بدرستیکه خدا تعالی آماده کرده است برای کافران عذابی خوار کننده
فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا
پس چون ادا کردید نماز پس یاد کنید خدا را ایستاده
وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا
و نشسته و بر پهلوهای خود پس چون بیارامید پس بپا دارید
الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
نماز را بدرستیکه نماز هست بر مومنان
كِتَابًا مَوْقُوتًا ۝ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ
فرض موقت و سست مشوید در طلب کافران اگر
تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ
هستید دردناک میشوید پس ایشان دردناک میشوند همچنانکه دردمند میشوید
وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ
امید میدارید از خدا تعالی آنچیز را که امید آن ندارند و هست خدا تعالی
عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
دانا حکم کننده بدرستیکه ما فرستادیم بسوی تو کتاب براستی
لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ
تا حکم کنی میان مردمان بآنچه شناسا کردانید ترا خدا تعالی و مباش
لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ۝ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
مر خیانت کنندگان را دشمن و آمرزش خواهید از خدا تعالی بدرستیکه خدا
كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ
هست آمرزنده مهربان و خصومت مکن از آنانکه خیانت کنند

بر زخمند
راه رفتن نتوانند و نیز بیم
که ناگاه اهل حرب در رسند و سبب
نزدیک بحضرت ایمان من
خلیل یا بیمار و ابن بن
که غفلتم امید بسوی نیم نعرض
بیم و زن بر برید بر آن
اعتبار بوده یهود را متعاد
شده او را بر وزن
ازوی بود و بیضرب زنعیم
نزول نموده از سوره
طعام
ع
بر جنبع
شده درست سارت
بهودی بیجب نداده
بگفت خدا اینها
زرازات این آیات
نزول بود

انفسهم

أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

با نفسهای خود هر آینه خدا تعالی دوست نمیدارد هرکه هست خیانت کننده گناه کاری

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ

پنهان سازند از مردمان و شرم نمیدارند

مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ

از خدا تعالی و او با ایشانست آنهنگام که شب تدبیر نمایند چیزیرا که نپسندیدست

مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا

از قول روز و هست خدا تعالی آنچه میکنند احاطه کننده

هَا أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا

شما اید ای گروه بی ظفر آنکسانیکه دفع میکنید از ایشان در زندگانی دنیا

فَمَن يُجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَم مَّن

پس کیست که خصومت کند خدا را از خاینان روز قیامت آیا کیست

يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا

باشد بر ایشان نگهبان وهرکه کند بدی را

أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ

یا ستم کند بر نفس خود پس طلب آمرزش کند از خدا تعالی یابد خدا را

غَفُورًا رَّحِيمًا وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ

آمرزنده مهربان وهرکه بکند گناهی پس جز این نیست که میکند

عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا وَمَن

بر نفس خود و هست خدا تعالی دانا حکم کننده وهرکه

يَكْسِبْ خَطِيٓئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيٓئًا فَقَدِ

کسب کند گناه یا گناه کبیره پس تهمت کند با آن گناه بی گناهی پس بدرستیکه

احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ

برداشت دروغی را و گناه ظاهر را واگر نه فضل خدا تعالی

عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَّآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن

بر تو و بخشایش او هر آینه قصد کرده بودند گروهی از ایشان که

يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ

گمراه کنند [illegible] و در ضلالت نمی اندازند مگر نفسهای خود را [illegible] زیان نمیتوانند رسانید

ع

در وصف جهاد [illegible] و هر که هجرت کند در راه خدای تعالی بیابد در زمین [illegible]

مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
از چیزی و فرستاد خدا تعالی بر تو قرآن را و احکام آن را
وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ
و بیاموزانیده است ترا آنچه نبودی که بدانی و هست فضل خدا تعالی
عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝ لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ
بر تو بزرگ نیست نیکوئی در بسیاری از راز گفتن ایشان
إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ
مگر کسی از ایشان فرماید بصدقه دادن یا امر کند بمعروف یا فرماید باصلاح
بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ
میان مردمان و هر که بکند این برای خشنودی
اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَن يُشَاقِقِ
خدا تعالی پس زود باشد که بدهیم او را مزدی بزرگ و هر که مخالفت کند
الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ
با رسول از پس آنچه ظاهر شد او را راه راست و پیروی کند
غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ
غیر آن راه مومنان برانیم فرو گذاریم آنچه که دوست داشت و در آریم
جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ
در دوزخ و بد بازگشتی است بدرستیکه خدا تعالی نیامرزد
أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ
از آنکه شرک آرد بخدا تعالی و بیامرزد آنچه جز شرک است هر کرا خواهد
وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا
و هر که شرک آرد بخدا تعالی پس بدرستیکه گمراه شد گمراهی دور
إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ
نمیپرستند بدون خدا تعالی مگر ماده کان را و نمیپرستند
إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا ۝ لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ
مگر دیو سرکش براند است او را خدا تعالی و گفت هر آینه بگیرم
مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ۝ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ
از بندگان تو بهره مقرر کرده و هر آینه گمراه کنم ایشان را

ثلث

ع

وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ

و در آرزو افکنم ایشان را و میفرمایم ایشان را پس می شکافند گوشهای

الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ

چهارپایان و میفرمایم ایشان را پس تغیر میدهند خلق خدای را و

مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ

هر که فرا گیرد شیطان را دوستی بیرون خدای تعالی

فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا ۝ يَعِدُهُمْ وَ

پس بدرستیکه زیان کرد زیانی آشکارا وعده میدهد ایشان را و

يُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

در آرزو افکند ایشان را و وعده نمیدهد ایشان را دیو مگر فریب

أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا

آن گروه جای ایشان دوزخ است و نیابند از آن

مَحِيصًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

گریزگاه و آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته

سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

زود باشد که در آریم ایشان را بوستانها میرود از زیر آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ

جاویدان باشند در آن همیشه وعده کرده است خدای تعالی راست و کیست

أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ۝ لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ

راست گوتر از خدای تعالی در سخن نشود بآرزوهای شما

وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ

و نه بآرزوهای اهل کتاب کسیکه بعمل آرد کاری بد جزا داده شود بآن

وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

و نمی یابد برای خود بجز خدای تعالی دوستی و نه یاری

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ

و هر که کند از اعمال صالحه از مرد یا زن

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

و او مومن باشد پس آن گروه در آورده شوند بهشت

وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ۝ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا

وستم دیده نشوند بمقدار [illegible] وکیست نیکوتر از دین

مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ

از آنکه خالص کرد امید نفس خود را برای خدا تعالی و او آینده است نیکیها و پیروی کرد

مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ

دین ابراهیم مایلست بدین اسلام وگرفت خدا تعالی ابراهیم را

خَلِيلًا ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

دوست و مر خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ۝ وَيَسْتَفْتُونَكَ

و هست خدا تعالی بهر چیز احاطه کننده و طلب فتوی کنند از تو

فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا

در میراث زنان بگو خدا تعالی فتوی میدهد شما را در ایشان و میدهد

يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي

فتوی بر شما در قرآن در شان یتیمان زنان آن زنان

لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ

نمیدهید ایشان را آنچه نوشته از میراث و رغبت میکنید

أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ

آنکه نکاح میدهید ایشان را بنکاح و دیگر ضعیفان از کودکان

وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا

و قیام نمائید برای یتیمان بعدل و آنچه میکنید

مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۝ وَإِنِ

از نیکوئی پس هر آینه خدا تعالی هست بآن دانا و اگر

امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا

زنی بترسد از شوهر خود سرفرازی یا روگردانیدن

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا

پس نیست گناه برایشان در آنکه بصلاح آرند میان یکدیگر صلح

وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَ

و آشتی بهتر است و درآورده شد نفسها را ببخیلی

حضرت رسول صلی الله علیه و سلم
این خود رسانی ازینها
در شان ابن [illegible]
و [illegible] وان امرأة خافت
آنکه شوهر زنی [illegible]
بر زن [illegible]
طلاق ع [illegible] زن
[illegible] دل با او زن [illegible]
[illegible] او رضا نمیداد [illegible]
با طلاق [illegible]
[illegible] را
بخواهد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
در [illegible]
این [illegible]
[illegible]

إن تحسنوا وتتقوا فإن الله كان بما

اگر نیکوئی ورزید و پرهیزید پس بدرستیکه خدا تعالی هست بانچه

تعملون خبيرا ۝ ولن تستطيعوا أن تعدلوا

میکنید دانا واگر نمیتوانید آنکه عدل ورزید

بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل

میان زنان واگر حریص باشید پس مکنید تمام

الميل فتذروها كالمعلقة وإن تصلحوا

میل پس بگذارید آن دیگررا مانند آنکه محبوس باشد واگر نکوئی ورزید

وتتقوا فإن الله كان غفورا رحيما ۝

و پرهیزید پس بدرستیکه خدا تعالی هست آمرزنده مهربان

وإن يتفرقا يغن الله كلا من سعته و

واگر جدا شوید بی نیاز گرداند خدا تعالی هریکی را از جود فراوان و

كان الله واسعا حكيما ۝ ولله ما في السموات

هست خدا تعالی فراخ بخشایش محکم کار ومر خدایراست آنچه در آسمانها

وما في الأرض ولقد وصينا الذين أوتوا الكتاب

وآنچه در زمین است وبدرستیکه وصیت کردیم آنانکه داده شدند کتاب را

من قبلكم وإياكم أن اتقوا الله وإن تكفروا

پیش از شما وشمارا اگر پرهیزید از خدا تعالی واگر کافر شوید

فإن لله ما في السموات وما في الأرض و

پس بدرستیکه مر خدایراست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است و

كان الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في السموات

هست خدا تعالی بی نیاز ستوده ومر خدایراست آنچه در آسمانها

وما في الأرض وكفى بالله وكيلا ۝ إن

وآنچه در زمین است وبسنده است خدا تعالی کارساز اگر

يشأ يذهبكم أيها الناس ويأت بآخرين

خواهد برد شمارا ای مردمان وبیارد دیگران را

وكان الله على ذلك قديرا ۝ من كان يريد

وهست خدا تعالی بر این توانا هر که باشد که خواهد

ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا و
پاداش دنیا پس نزد خدای تعالی پاداش دنیا و
الاخرة وكان الله سميعا بصيرا ۝ يا ايها
آخرة و هست خدای تعالی شنوا بینا ای
الذين امنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء
گروه مومنان باشید ایستادگان بعدل باشید گواهان
لله ولو على انفسكم او الوالدين و
برای خدای تعالی و اگرچه بر نفس باشد یا پدر و مادر و
الاقربين ان يكن غنيا او فقيرا فالله اولى
خویشان اگر باشد توانگر یا درویش پس خدای تعالی سزاوارتر
بهما فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا وان
بتوانگر و درویش پس متابعت مکنید هوای نفس اگر میل کنید و اگر
تلوا او تعرضوا فان الله كان بما تعملون خبيرا ۝
بیچانید یا اعراض کنید پس بدرستیکه خدای تعالی بانچه میکنید دانا
يا ايها الذين امنوا امنوا بالله ورسوله و
ای گروه مومنان بگروید بخدای تعالی و رسول او
الكتب الذي نزل على رسوله والكتب الذي
و کتابها که فرستاد بر پیغمبر و کتابها که
انزل من قبل ومن يكفر بالله وملئكته
فرستاد پیش از قرآن و هرکه کافر شود بخدای تعالی و بفرشتگان او
وكتبه ورسله واليوم الاخر فقد ضل
و بکتابهای او و بفرستادگان او و بروز آخر پس بدرستیکه گمراه شد
ضللا بعيدا ۝ ان الذين امنوا ثم كفروا
گمراه شدنی دور بدرستیکه آنانکه گرویدند پس کافر شدند
ثم امنوا ثم كفروا ثم ازدادوا كفرا لم يكن
پس ایمان آوردند پس کافر شدند پس بیفزودند کفر
الله ليغفر لهم ولا ليهديهم سبيلا ۝ بشر
خدای تعالی که بیامرزد ایشانرا و نیست که راه نماید ایشانرا راهی بحق مژده ده

للمنافقين

الْمُنٰفِقِينَ بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا ۝ اَلَّذِينَ
منافقان را | بانکه مر ایشان را | عذابی دردناک | آنانکه

يَتَّخِذُونَ الْكٰفِرِينَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
فرا میگیرند | کافران را | دوستان | بدون مومنان

اَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا
آیا میطلبند | نزدیک کافران | ارجمندی | پس بدرستیکه ارجمندی مر خدا راست همه

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا سَمِعْتُمْ
و بدرستیکه فرستاد | بر شما | در قرآن | اگر چون | بشنوید

اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا
آیتهای خدا تعالی کافر شوند بدان | و استهزا کرده شود بدان | پس منشینید

مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ اِنَّكُمْ اِذًا
با کافران | تا | شروع نمایند | در سخنی | جز استهزا | بدرستیکه شما در آن

مِثْلُهُمْ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ الْمُنٰفِقِينَ وَالْكٰفِرِينَ
مثل ایشانید | بدرستیکه خدا تعالی | جمع کننده | منافقانست | و ناگرویدگان

فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ۝ اَلَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَاِنْ
در دوزخ | همه | آنانکه | انتظار برند | بشما | پس اگر

كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللّٰهِ قَالُوا اَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ
واقع شود شما را فتح | از خدا تعالی | گویند | آیا نبودیم | با شما

وَاِنْ كَانَ لِلْكٰفِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا اَلَمْ نَسْتَحْوِذْ
و اگر بود | مر کافران را | بهره | گویند | آیا غالب نبودیم

عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللّٰهُ يَحْكُمُ
بر شما | و منع کردیم شما را | از مومنان | پس خدا تعالی حکم کند

بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لِلْكٰفِرِينَ
میان شما | روز | قیامت | و نگرداند | خدا تعالی | مر ناگرویدگان را

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ۝ اِنَّ الْمُنٰفِقِينَ يُخٰدِعُونَ
بر مومنان | سبیلی | بدرستیکه | منافقان | فریب میدهند

اللّٰهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَاِذَا قَامُوا اِلَى الصَّلٰوةِ
دوستان خدا را و خدا تعالی جزا دهنده است ایشانرا | و چون برخیزند | بسوی نماز

[illegible]

[illegible]

قاموا كسالى يراؤن الناس ولا يذكرون
برخیزند کاهلان می‌نمایند مردمان را و یاد نمیکنند
الله الا قليلا مذبذبين بين ذلك لا
خدای را مگر اندکی متحیر مترددند میان کفر و ایمان
الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله
ای المومنین وای الکافرین وهرکرا گمراه سازد خدای
فلن تجد له سبيلا يا ايها الذين امنوا لا
پس نیابی مر او را راهی ای گروه مومنان
تتخذوا الكافرين اولياء من دون المؤمنين
فرا مگیرید کافران دوستان بدون مومنان
اتريدون ان تجعلوا لله عليكم سلطانا
آیا میخواهید که بگردانید مر خدای را بر عذاب خود حجتی
مبينا ان المنافقين في الدرك الاسفل
روشن بدرستیکه منافقان در طبقه زیرترین اند
من النار ولن تجد لهم نصيرا الا الذين
از دوزخ و نیابی مر ایشان را یاری مگر آنانکه
تابوا واصلحوا واعتصموا بالله واخلصوا
توبه کنند و اصلاح آرند و چنگ در زنند بدین خدایتعالی و پاکیزه کردانند
دينهم لله فاولئك مع المؤمنين وسوف
دین خود را برای خدایتعالی پس آن گروه با مومنان باشند و زود باشد
يؤت الله المؤمنين اجرا عظيما ما يفعل
بدهد خدایتعالی مومنان را مزدی بزرگ چه میکند
الله بعذابكم ان شكرتم وامنتم وكان الله
خدایتعالی بعذاب شما اگر شکر کنید و تصدیق کنید و هست خدایتعالی
شاكرا عليما لا يحب الله الجهر بالسوء من القول
شاکران دانا دوست ندارد خدایتعالی آشکارا کردن سخن بد را
الا من ظلم وكان الله سميعا عليما ان تبدوا
مگر آشکارا کردن کسی دارد ظلم و هست خدایتعالی شنوا دانا اگر آشکارا کنید

[illegible]

[illegible]

خیرا

خيرًا او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله

نیکی یا پنهان آید آنرا یا عفو کنید از بدی پس بدرستیکه خدا تعالی

كان عفوًا قديرًا ۝ ان الذين يكفرون

هست عفو کننده توانا بدرستیکه آنانکه کافر میشوند

بالله ورسله ويريدون ان يفرقوا بين

بخدا تعالی و رسول او و میخواهند آنکه جدائی افکنند میان

الله ورسله ويقولون نؤمن ببعض و

خدا تعالی و رسول او و میگویند ایمان آورده ایم بعضی و

نكفر ببعض ويريدون ان يتخذوا بين

کافر شویم بعضی و میخواهند آنکه فرا گیرند میان

ذلك سبيلًا ۝ اولئك هم الكفرون حقًا

این راهی آنگروه ایشان کافرانند محقق شده

واعتدنا للكفرين عذابًا مهينًا ۝ والذين

و آماده کردیم برای کافران عذابی خوار کننده و آنانکه

امنوا بالله ورسله ولم يفرقوا بين احد

گرویدند بخدا تعالی و رسول او و جدا نکردند میان یکی

منهم اولئك سوف يؤتيهم اجورهم و

از ایشان آنگروه زود باشد که بدهیم ایشانرا مزدهای ایشانرا و

كان الله غفورًا رحيمًا ۝ يسئلك اهل الكتب

هست خدا تعالی آمرزنده مهربان سوال میکنند از تو اهل کتاب

ان تنزل عليهم كتبًا من السماء فقد سالوا

آنکه فرود آری برایشان کتابی از آسمان پس بدرستیکه درخواستند

موسى اكبر من ذلك فقالوا ارنا الله جهرة

از موسی ع بزرگتر از این پس گفتند نمای بما خدا را آشکارا

فاخذتهم الصعقة بظلمهم ثم اتخذوا

پس گرفت ایشانرا صاعقه بظلم ایشان پس گرفتند

العجل من بعد ما جاءتهم البينت فعفونا

گوساله از پس آنچه آمده بود بدیشان معجزها پس عفو کردیم

یسئلک اهل الکتاب

ع

عن ذلك وآتينا موسى سلطانا مبينا و
از ایشان و دادیم موسی را ع سلطنی ظاهر و
رفعنا فوقهم الطور بميثاقهم وقلنا لهم
برداشتیم برسر ایشان را طور بپیمان ایشان و گفتیم ایشان را
ادخلوا الباب سجدا وقلنا لهم لا تعدوا
درآئید بدروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را ستم مکنید
في السبت وأخذنا منهم ميثاقا غليظا
در روز شنبه و گرفتیم از ایشان پیمانی استوار
فبما نقضهم ميثاقهم وكفرهم بآيات الله
پس شکستن ایشان پیمان خود را و بجهة کفر ایشان بآیات خدا تعالی
وقتلهم الأنبياء بغير حق وقولهم قلوبنا
و بسبب کشتن پیغمبران ناحق و گفتار ایشان که دلهای ما
غلف بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون
غلاف پوشیده است بلکه مهر نهاده است خدا تعالی بر دلهای ایشان بکفر ایشان پس ایمان نیارند
إلا قليلا وبكفرهم وقولهم على مريم
مگر اندکی و بسبب کفر ایشان و گفتار ایشان بر مریم
بهتانا عظيما وقولهم إنا قتلنا المسيح
بهتانی بزرگ و گفتن ایشان بدرستیکه ما کشتیم مسیح
عيسى ابن مريم رسول الله وما قتلوه و
عیسی ع پسر مریم فرستاده خدا تعالی و نکشتند اورا و
ما صلبوه ولكن شبه لهم وإن الذين
بردار نکردند ولیکن مشتبه شد بر ایشان و بدرستیکه آنانکه
اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من
اختلاف کردند دران هر آئینه در گمان از عیسی ع نیست جهود را از عیسی ع هیچ
علم إلا اتباع الظن وما قتلوه يقينا بل رفعه
دانشی مگر پیروی گمان کنند و نکشتند عیسی را ع یقین بلکه برداشت اورا
الله إليه وكان الله عزيزا حكيما وإن
خدا تعالی بسوی خود و هست خدا تعالی غالب و حکم کننده و نیست

من اهل

موسی علیه السلام آورد
خداوند تعالی در روایت ایشان
آیت و نشانه درست
وقولهم انا قتلنا
سبب آن دل
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
عیسی [illegible]
[illegible]
عیسی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهٖ قَبْلَ مَوْتِهٖ
از اہل کتاب مگر آنکہ ایمان آرند بعیسے ع پیش از مرگ خود
وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكُوْنُ عَلَيْهِمْ شَهِيْدًا ط
و روز قیامت باشد بر ایشان گواه
فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
پس بستمی واقع شد از آنانکه بدین یہود بودند حرام کردیم بر ایشان
طَيِّبٰتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيْلِ
از پاکیزه ہا که حلال بود مر ایشان را و بسبب بر داشتن ایشان از راه
اللّٰهِ كَثِيْرًا ۝ وَّاَخْذِهِمُ الرِّبٰوا وَقَدْ نُهُوْا عَنْهُ
خدا تعالی بسیار و گرفتن ایشان ربا را و بدرستیکه نهی کرده شده اند از و
وَاَكْلِهِمْ اَمْوٰلَ النَّاسِ بِالْبٰطِلِ ط وَاَعْتَدْنَا
و بخوردن ایشان مالهای مردمان رشوت و آماده کرده ایم
لِلْكٰفِرِيْنَ مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝ لٰكِنِ الرّٰسِخُوْنَ
برای کافران از بنی اسرائیل عذابی دردناک لیکن راسخان
فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُوْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا اُنْزِلَ
در علم از ایشان و مومنان ایمان آرند بانچه فرستاده شده
اِلَيْكَ وَمَا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ط وَالْمُقِيْمِيْنَ الصَّلٰوةَ
بتو و آنچه فرستاده شده پیش از تو و ایمان آرند بگذاردن نماز
وَالْمُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَالْمُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ
و دهندگان زکوة و ایمان آرندگان بخدا تعالی و بروز آخر
اُولٰٓئِكَ سَنُؤْتِيْهِمْ اَجْرًا عَظِيْمًا ۝ اِنَّآ اَوْحَيْنَآ
آن گروه زود باشد که بدهیم ایشان را مزدی بزرگ بدرستیکه ما وحی کردیم
اِلَيْكَ كَمَآ اَوْحَيْنَآ اِلٰى نُوْحٍ وَّالنَّبِيّٖنَ مِنْ بَعْدِهٖ
بسوی تو همچنانکه وحی کردیم بسوی نوح و پیغامبران بعد از و
وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ وَاِسْحٰقَ وَ
و وحی کردیم بسوی ابراهیم ع و اسماعیل ع و اسحاق ع و
يَعْقُوْبَ وَالْاَسْبَاطِ ط وَعِيْسٰى وَاَيُّوْبَ وَيُوْنُسَ
یعقوب ع و نبیرگان و عیسی ع و ایوب ع و یونس ع

وهرون وسليمن واتينا داود زبورا

و هارون و سلیمان و دادیم داود را زبور

ورسلا قد قصصنهم عليك من قبل

و فرستادیم پیغمبرانی که خوانده ایم بر تو از پیش

ورسلا لم نقصصهم عليك وكلم الله موسى

و رسولان که خبر ایشان نفرستادیم بر تو و سخن گفت خدا تعالی موسی را

تكليما ۝ رسلا مبشرين ومنذرين لئلا

سخن گفتنی پیغمبران مژده دهندگان و بیم کنندگان تا

يكون للناس على الله حجة بعد الرسل و

نباشد مردمان را بر خدا تعالی حجت بعد از فرستادن و

كان الله عزيزا حكيما ۝ لكن الله يشهد بما

هست خدا تعالی غالب و حکم کننده لیکن خدا تعالی گواهی میدهد بآنچه

انزل اليك انزله بعلمه والملئكة يشهدون

فرستاده شده است بتو فرستاد قرآن را ملتبس علم عام و خاص و فرشتگان گواهی میدهند

وكفى بالله شهيدا ۝ ان الذين كفروا

و بسنده است خدا تعالی گواه بدرستیکه آنانکه کافر شدند

وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضللا

و باز داشتند مردمان را از راه خدا تعالی بدرستیکه گمراه شدند گمراهی

بعيدا ۝ ان الذين كفروا وظلموا لم يكن الله

دور بدرستیکه آنانکه کافر شدند و ستم کردند نیست خدا تعالی

ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا ۝ الا طريق جهنم

که بیامرزد ایشان را و نه راه نماید ایشان را راهی مگر راه دوزخ

خلدين فيها ابدا وكان ذلك على الله يسيرا

جاودانه در آن همیشه و هست این بر خدا تعالی آسان

يايها الناس قد جاءكم الرسول بالحق

ای مردمان بدرستیکه آمد شما را فرستاده براستی

من ربكم فامنوا خيرا لكم وان تكفروا فان

از پروردگار شما پس بگروید بهتر باشد شما را و اگر کافر شوید پس بدرستیکه

طیبات است بود روز رنگین
نهبت است که بمانیهای بد را
داده بود و بعد از زبور
نبوت نصرت و تنزیل قرآن
معنی آن آیت است بر زبان
بیم انذر و حکمت
داین آیت و علوم علی
الحکمة و صبح جمیع کلام
باهم مرادف

لکن
بیشتر
بی بیت
کرد
کفر
سلام
رسالت
علیه و علی آله و صحابه و سلم

لله ما

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا
مر خدایراست آنچه در آسمانها و در زمین است و هست خدا تعالی دانا

حَكِيمًا ۝ يٰأَهْلَ الْكِتٰبِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ
محکم کار ای یهود و نصاری غلو مکنید در دین خود

وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ
و مگوئید بر خدا تعالی مگر درست جز این نیست که مسیح

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقٰهَا
عیسی پسر مریم است فرستاده خدا تعالی و کلمه او برسانید آن

إِلٰى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ
بسوی مریم و روحیست صادر گشته از خدا تعالی پس گروید بخدا تعالی و رسول او

وَلَا تَقُولُوا ثَلٰثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللّٰهُ
و مگوئید سه باز ایستید بهتر است مر شما را جز این نیست که خدا تعالی

إِلٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحٰنَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا
خدای یگانه پاکی او را یاد میکنیم اگر باشد مر او را فرزندی مر او راست آنچه

فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيلًا
در آسمانها و آنچه در زمین است و بنده است خدا تعالی کارساز

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلّٰهِ
ننگ ندارد عیسی از آنکه باشد بنده مر خدا را

وَلَا الْمَلٰئِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ
و نه فرشتگان مقربان و هر که ننگ دارد از

عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا
پرستش او و سرکشی کند پس حشر کند ایشان را بسوی خود همه

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُوَفِّيهِمْ
پس اما آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته پس بدهیم ایشان را

أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ
مزدهای ایشان و بیفزاید ایشان را از فضل خود و اما آنانکه

اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا
ننگ کردند و تکبر کردند پس عذاب کند ایشان را عذابی

ع

لن یستنکف المسیح
سبب نزولش آنست که یهود و نصاری نجران گفتند ای محمد صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وسلم چرا عیسی را عیب میکنی

أَلِيمًا ۝ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا

دردناک ونمی یابند مرخویش را بجز خدا تعالی دوستی

وَلَا نَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ

ونه یاری ای مردمان بدرستیکه آمد شما را حجتی

مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ۝

از پروردگار شما وفرستادیم بشما نور روشنی

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ

پس اما آنانکه گرویدند وچنگ درزدند بکتاب الله پس زود باشد که درآورد ایشانرا

فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا

در بخشش که مقرر شد وفضل وراه نماید ایشانرا بخود راه

مُّسْتَقِيمًا ۝ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ

راست طلب حکم میکنند از تو بگو خدا تعالی حکم میکند

فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ

در کلاله اگر مردی بمیرد نباشد مراورا وفرزندی ومراورا

أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ

خواهری باشد پس مراورا نیمه آنچه میگذارد وآن میراث میگیرد اگر نباشد

يَكُن لَّهَا وَلَدٌ فَإِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ

مراورا فرزندی پس اگر باشند خواهران پس ایشانرا دو ثلث

مِمَّا تَرَكَ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا وَنِسَاءً

از آنچه گذاشته است واگر باشند برادران مردان وزنان

فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ

پس مرد را باشد مانند بهره دو مونث بیان کند خدا تعالی برای شما

أَن تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝

تا گمراه نشوید وخدا تعالی بهر چیز داناست

## سورة المائدة مدنية وهي مائة وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

نام خدای بخشنده مهربان

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وعلی آله وصحبه وسلم فرموده که هر که سوره مائده را بخواند او را ده حسنه بدهند ... صلی الله علیه وآله وصحبه وسلم ...

ع

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۚ أُحِلَّتْ

ای گروه مومنان وفا کنید بعهدها حلال کرده شد

لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ

برای شما گوشت چهارپایان مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما نه چنانکه

مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ

حلال دارید صید را و شما محرم باشید بدرستیکه خدا تعالی حکم میکند

مَا يُرِيدُ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ

در حلال و حرام ای گروه مومنان مشکنید مناسک حج

اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا

وحرام مکنید احرام در ان وحرام مکنید هدی را وحرام مکنید

الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ

قلادها ومنع مکنید قاصدان بیت حرام که بزیارت میروند می طلبند

فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۚ وَإِذَا حَلَلْتُمْ

زیارت ثواب از پروردگار ایشان وخشنودی خدا تعالی وچون حلال شوید

فَاصْطَادُوا ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ

پس شکار کنید وبران ندارد شمارا دشمنی گروهی

أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا

برای آنکه باز داشتند شمارا از مسجد حرام آنکه از حد درگذرید

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا

و یاری کنید بر نیکوئی و بر پرهیزکاری و یاری مکنید

عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ

بر بدی و بر ستم و بترسید از خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۞ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ

سخت عقوبت حرام کرده شد بر شما مردار

ربع

وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ

و خون و گوشت خوک و هرچه که برداشته شود آواز بغیر نام خدا تعالی

بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَ

با نجز وآنچه خفه کرده گلو مرده باشد وآنچه سنگ زده بمیرد واز بلندی افتاده بمیرد

النَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ
آنچه شاخ زده بمیرد و آنچه بخورد درنده مگر آنچه بیابید از پیها ذبح او

مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَٰمِ
آنچه ذبح کرده باشند بر سنگها و آنکه قسمت کنید به تیرها

ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ
این بیرون رفتن است امروز نا امید شدند آنانکه نگرویدند از

دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ
دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید از من امروز کامل کردانیدم

لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ
برای شما دین شما و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم

لَكُمُ الْإِسْلَٰمَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ
برای شما اسلام را دین پس هر که بیچاره ماند در گرسنگی ای غیر

مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝
مایل بسوی گناه پس بدرستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربان

يَسْئَلُونَكَ مَاذَآ أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ
می پرسند از تو چه چیز حلال کرده شد مر ایشان را بگو حلال کرده شد مر شما

الطَّيِّبَٰتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ
پاکیزه ها و آنچه تعلیم داده اند از شکار کنندگان که معلمید ایشان را

تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّآ
آموزانید جانوران شکاری را از آنچه آموخته است شما را خدای تعالی پس بخورید از آنچه

أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ
نگاه داشتند بر شما و یاد کنید نام خدا را بر آنچه

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ الْيَوْمَ
و بترسید از خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی زود شمارست امروز

أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَٰتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَٰبَ
حلال کرده شد مر شما پاک و طعام آنانکه داده اند کتاب

حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَٰتُ مِنَ
حلالست مر شما را و طعام شما نیز حلالست ایشان را و زنان آزاده و پارسا از

بانجو و نمودی مباح است
امر امینی و امر ابخشنده
کار ما مشهور است بایشان بقطع
ر با تمام مردم و این سخن
بایشان در میان تمام اکبر
دلپذیر شد دین تو
قبول کنم و نعمت بخشش
در زمان او مقبول بود
امروز اسلام حق اندر او
بزبان شیطان نجس
صید علم و در آن بید عناد
جانوران و دو دلیل بران
آورده و نیز از آن تو
و آنچه یافت از نعمت
بنیتهای زن کردن را

المومنت

المؤمنت والمحصنت من الذين اوتوا الكتب
گرویدگان وزنان پارسا از آنانکه دادند کتاب

من قبلكم اذا اتيتموهن اجورهن محصنين
پیش از شما چون دهید ایشانرا مهرهای ایشانرا عفت جویندگان

غير مسفحين ولا متخذي اخدان ومن
ای غیر زنا کنان ونه گیرنده دوستان پنهانی وهر که

يكفر بالايمان فقد حبط عمله وهو في
کافر شود بایمان پس بدرستیکه باطل شود کردارهای او واو در

الاخرة من الخسرين ۝ يايها الذين امنوا
آخرة از زیانکاران است ای گروه مومنان

اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم
چون برخیزید سوی نماز پس بشوئید رویهای خود

وايديكم الى المرافق وامسحوا برءوسكم
ودستهای خودرا تا مرفقها ومسح کنید سرهای خودرا

وارجلكم الى الكعبين وان كنتم جنبا
وپایهای خودرا تا استخوان برون برآمده واگر باشید جنب

فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر او
پس غسل کنید واگر باشید بیماران یا در سفر

جاء احد منكم من الغائط او لمستم النساء
یا بیاید یکی از شما از خلا جا یا بسوده باشید زنان را

فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا
پس نیابید آب را پس قصد کنید بخاک پاک پس مسح کنید

بوجوهكم وايديكم منه ما يريد الله
بر رویهای خود ودستهای خود ازان نمیخواهد خدا تعالی

ليجعل عليكم من حرج ولكن يريد ليطهركم
تا تنگی کند بر شما از گناه ولیکن میخواهد تا شما را پاک گرداند

وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون
وتا تمام کند نعمت خودرا بر شما شاید که شما شکر کنید

که حضرت
صلی الله علیه وسلم را چنین
دیگر نخورند بیعمره منع جهه
بودند واو را دیدند که
غسل کنان بنابر آن برده را
نقل او بار آن ... 
کعبه ... وصحابه بود ... نند
تا نماز از ... ندر
... شده ... علیه
وآنحضرت وصحابه وسلم نمود
که او ... را تقلید کرده
این عمل لایق باشد و بر
موافقت قول آنحضرت
صلی الله علیه وسلم وعلی
آله وصحابه ... وسلم ایه ... سنت

واذكروا نعمة الله عليكم وميثاقه الذي واثقكم
و یاد کنید نعمت خدا را و پیمان او را آنکه پیمان بست با شما

به إذ قلتم سمعنا وأطعنا واتقوا الله إن
بدان چون گفتید ای شنیدیم ما و فرمان بردیم و بترسید از خدا تعالی هر آینه

الله عليم بذات الصدور ۝ يا أيها الذين
خدا تعالی داناست بآنچه در سینهاست ای گروه

آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط
مومنان باشید قیام کنندگان برای خدا تعالی گواهان بعدل

ولا يجرمنكم شنآن قوم على ألا تعدلوا
و بر ندارد شما را دشمنی گروهی بر آنکه عدل نکنید

اعدلوا هو أقرب للتقوى واتقوا الله إن
عدل کنید که عدل نزدیکترست بپرهیزگاری و بترسید از خدا تعالی هر آینه

الله خبير بما تعملون ۝ وعد الله الذين
خدا تعالی داناست بآنچه میکنید وعده کرده است خدا تعالی آنکسانی که

آمنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة و
گرویدند و کردند عمل شایسته برای ایشان آمرزشی و

أجر عظيم ۝ والذين كفروا وكذبوا بآياتنا
مزدی بزرگ و آنانکه نگرویدند و تکذیب کردند آیتهای ما را

أولئك أصحاب الجحيم ۝ يا أيها الذين آمنوا
آن گروه ملازمان دوزخند ای گروه مومنان

اذكروا نعمت الله عليكم إذ هم قوم أن
یاد کنید نعمت خدا را بر شما چون قصد کرده از قومی آنکه

يبسطوا إليكم أيديهم فكف أيديهم
بگشایند بسوی شما دستهای خود را پس باز داشت دستهای ایشان

عنكم واتقوا الله وعلى الله فليتوكل
از شما و بترسید از خدا تعالی و بر خدا تعالی پس باید که توکل کنند

المؤمنون ۝ ولقد أخذ الله ميثاق بني إسرائيل
مومنان و بدرستیکه گرفت خدا تعالی پیمان بنی اسرائیل

آنچه پیغمبر ذکر نعمت نموده چون
از رسول خدا قبول کردند اهل اسلام
از روی تحقیق واقع شد
همچنین آنکه اهل اسلام را
در وقتیکه اراده کرده بودند که
بمسجد حرام در آیند باز داشتند
گروه مشرکین آن بود که نعمتی
مسلمانان بسبب بازداشتن
از معاملات عدالت نورزند
خداوند تعالی وعده داده
بمومنان و زنان ایشان
یا ایها الذین آمنوا
ترسانیدن ایشان
دیگر بسبب زدن نیشان
ع
عطفان
دیگر آنکه
بعضی از کفار قصد حضرت رسالت
صلی الله علیه و علی آله و صحابه
و سلم در باب

وبعثنا

وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّي
وبر انگیختیم از ایشان دوازده مهتر و گفت خدا تعالی بدرستیکه من
مَعَكُمْ لَئِنْ اَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ
با شمام اگر بپا دارید نماز را و بدهید زکوة
وَاٰمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ
و تصدیق کنید به پیغمبران و تقویت کنید ایشان را و قرض دهید خدا را
قَرْضًا حَسَنًا لَاُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَ
نفقه نیکو هر آئینه درگذرانیم از شما گناهان شما و
لَاُدْخِلَنَّكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ
در آرم شما را بوستانها میرود از زیر آن جویها
فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ
پس هر که کافر شود بعد از این از شما پس بدرستیکه گم کرده است
سَوَاءَ السَّبِيلِ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثٰقَهُمْ لَعَنّٰهُمْ
راه راست پس بشکستن ایشان پیمان خود را لعنت کردیم ایشان را
وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قٰسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ
وگردانیدیم دلهای ایشان را سخت که تغیر کنند کلام
عَنْ مَوَاضِعِهٖ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهٖ وَ
از جایگاه او و ترک کردند بهره از آنچه پند داده شدند بدان و
لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلٰى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ اِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ
همیشه مطلع شوی بر خیانتی از ایشان مگر اندکی از ایشان
فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
پس عفو کن از ایشان و روی گردان بدرستیکه خدا تعالی دوست دارد نیکوکاران را
وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا اِنَّا نَصٰرٰى اَخَذْنَا مِيثٰقَهُمْ
و از آنانکه گفتند بدرستیکه ما نصرانیم گرفتیم پیمان ایشان را
فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهٖ فَاَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
پس ترک کردند بهره از آنچه پند داده شده بودند در افگندیم میان ترسایان دشمنی
وَالْبَغْضَاءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللّٰهُ
و بغض تا روز رستخیز و زود باشد که خبر دهد ایشان را خدا تعالی

بما كانوا يصنعون ۝ يا اهل الكتب قد جاءكم

بانچه ایشان میکنند ای جهودان بدرستیکه آمد شما را

رسولنا يبين لكم كثيرا مما كنتم تخفون

فرستاده ما روشن کرداند برای شما بسیار از آنچه هستید که از آن پنهان دارید

من الكتب ويعفوا عن كثير قد جاءكم

از توریت و درکذرانند از بسیاری بدرستیکه آمد بشما

من الله نور وكتب مبين ۝ يهدي به الله

از خدای تعالی روشنائی و کتابی روشن راه نماید بدان خدای تعالی

من اتبع رضوانه سبل السلم ويخرجهم

آنرا که پیروی خشنودی او راههای سلامت و بیرون آرد ایشانرا

من الظلمت الى النور باذنه ويهديهم الى

از تاریکی بروشنی بارادت خود و راه نماید ایشانرا بسوی

صرط مستقيم ۝ لقد كفر الذين قالوا ان

راه راست بدرستیکه کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه

الله هو المسيح ابن مريم قل فمن يملك من

خدای تعالی اوست عیسی پسر مریم بگوی پس کیست که مالک باشد از

الله شيئا ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم

خدای تعالی چیزی را بدرستیکه اگر خواهد آنکه هلاک کند عیسی پسر مریم

وامه ومن في الارض جميعا ولله ملك

و مادر او و هرکه در زمین است همه و مر خدای راست پادشاهی

السموت والارض وما بينهما يخلق ما

آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست می آفریند آنچه

يشاء والله على كل شيء قدير ۝ وقالت

خواهد و خدای تعالی بر همه چیز توانا است و گفتند

اليهود والنصرى نحن ابنؤا الله واحبؤه

جهودان و ترسایان ما پسران خدایم و دوستداران اویم

قل فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر

بگوی پس چرا عذاب کند شما را بگناهان شما بلکه شما آفریدگانید

مِمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ
از انچه که آفریده می آمرزد هر کرا خواهد و عذاب کند هر کرا
يَشَآءُ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَ
خواهد و مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین و
مَا بَيْنَهُمَا وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ ○ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ
آنچه میان ایشانست و بسوی اوست بازگشت ای یهود و نصاری
قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلٰى فَتْرَةٍ
بدرستیکه آمد شما را فرستاده ما روشن کرداند برای شما بر فتور
مِنَ الرُّسُلِ اَنْ تَقُولُوا مَا جَآءَنَا مِنْ بَشِيرٍ
از ارسال رسل تا نگویند شما نیامد بما هیچ مژده دهنده
وَلَا نَذِيرٍ ○ فَقَدْ جَآءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَ
و نه بیم کننده پس بدرستیکه آمد شما را بشارت دهنده و بیم کننده و
اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ○ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى
خدا تعالی بر هر چیز تواناست و چون گفت موسی ع
لِقَوْمِهِ يٰقَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ
مر قوم خود ای گروه من یاد کنید نعمت خدایرا بر شما چون
جَعَلَ فِيكُمْ اَنْبِيَآءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَاٰتٰكُمْ
کردانید در شما بعضی را از پیغمبر و کردانید شما را پادشاهان و داد شما را
مَا لَمْ يُؤْتِ اَحَدًا مِنَ الْعٰلَمِينَ ○ يٰقَوْمِ ادْخُلُوا
آنچه نداد هیچکس را از عالمیان ای گروه من درآیید
الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا
در زمین پاک کرده شده آن زمین که نوشته است خدا تعالی شما را و بازنگردید
عَلٰى اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خٰسِرِينَ ○ قَالُوا
بپهلو راه که آمدید پس بازگردید زیانکاران گفتند
يٰمُوسٰى اِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَاِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا
ای موسی ع بدرستیکه دران گروهی اند با قوت و بدرستیکه ما در نمی آییم دران
حَتّٰى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاِنَّا
تا بیرون آیند از زمین پس اگر بیرون آیند از ان پس بدرستیکه ما

[illegible]
واذ قال موسی [illegible]
[illegible]
چون گفت موسی
علیه السلام
ع
قوم خود را یاد کنید
نعمت خدا را [illegible]
[illegible]

داخلون ۝ قال رجلان من الذين يخافون انعم
در آیند کانم گفتند دو مرد از آنانکه ترسیدند انعام کرده

الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه
خدا تعالی برایشان در آیید برایشان از باب پس چون در آیید از آن

فانكم غلبون ۝ وعلى الله فتوكلوا ان كنتم
پس بدرستیکه شما غالب آیید و بر خدا تعالی پس توکل کنید اگر هستید

مؤمنين ۝ قالوا يموسى انا لن ندخلها
گروندگان گفتند ای موسی بدرستیکه ما در نمی آییم هرگز

ماداموا فيها فاذهب انت وربك فقاتلا
مادام در آن پس برو تو و پروردگار تو پس جنگ کنید

انا ههنا قعدون ۝ قال رب اني لا املك
بدرستیکه ما اینجاییم نشسته گفت ای پروردگار بدرستیکه من مالک نیستم

الا نفسي واخي فافرق بيننا وبين القوم
مگر نفس خود را و برادر خود را پس جدا کن میان ما و میان گروه

الفسقين ۝ قال فانها محرمة عليهم اربعين
بیرون رفتگان گفت پس بدرستیکه حرامست برایشان چهل

سنة يتيهون في الارض فلا تأس على القوم
سال سرگردان میشوند در زمین پس پشیمان مشو بر گروه

الفسقين ۝ واتل عليهم نبا ابني ادم بالحق
بیرون رفتگان و بخوان برایشان خبر دو پسر آدم براستی

اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل
چون قربان کردند تقرب جستنی پس قبول شد از یکی و قبول نشد

من الاخر قال لاقتلنك قال انما يتقبل الله
از دیگر گفت بکشم ترا گفت جز این نیست که خدا تعالی …

من المتقين ۝ لئن بسطت الي يدك لتقتلني
از پرهیزکاران اگر بکشایی بسوی من دست خود را تا مرا بکشی

ما انا بباسط يدي اليك لاقتلك اني اخاف
نیستم من دراز کننده دست خود را بتو تا ترا بکشم بدرستیکه من میترسم

نصف
ع

اللّٰهَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ اِنِّيْٓ اُرِيْدُ اَنْ تَبُوْٓءَ بِاِثْمِيْ
خدا تعالی پروردگار عالمیان ــ هر آینه من میخواهم که باز گردی تو بعقوبت گناه
وَاِثْمِكَ فَتَكُوْنَ مِنْ اَصْحٰبِ النَّارِ ۚ وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا
و بادرش گناه پس باشی از ملازمان دوزخ و اینست پاداش
الظّٰلِمِيْنَ ۝ فَطَوَّعَتْ لَهٗ نَفْسُهٗ قَتْلَ اَخِيْهِ
ستمکاران ــ پس آسان کرد برقابیل در کشتن برادر ایعنی هابیل
فَقَتَلَهٗ فَاَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝ فَبَعَثَ اللّٰهُ
پس کشت او پس گشت از زیان زدگان ــ پس برانگیخت خدا تعالی
غُرَابًا يَّبْحَثُ فِي الْاَرْضِ لِيُرِيَهٗ كَيْفَ يُوَارِيْ
زاغی را می کاوید زمین بمنقار خود تا نماید چگونه پوشد
سَوْءَةَ اَخِيْهِ ۚ قَالَ يٰوَيْلَتٰٓى اَعَجَزْتُ اَنْ اَكُوْنَ
جثه برادر خود را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم از آنکه باشم
مِثْلَ هٰذَا الْغُرَابِ فَاُوَارِيَ سَوْءَةَ اَخِيْ ۚ فَاَصْبَحَ
مانند این زاغ پس بپوشم تن برادر خود را پس گشت
مِنَ النّٰدِمِيْنَ ۝ مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ ۚ كَتَبْنَا عَلٰى
از پشیمان شدگان ــ بسبب این قتل نوشتیم بر
بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اَنَّهٗ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا ۢبِغَيْرِ نَفْسٍ
بنی اسرائیل آنکه هر که بکشد کسی را نه آنکه او کسی را کشته باشد
اَوْ فَسَادٍ فِي الْاَرْضِ فَكَاَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيْعًا ۭ
و نه آنکه فساد کرده باشد در زمین پس همچنان باشد که همه را کشته باشد
وَمَنْ اَحْيَاهَا فَكَاَنَّمَآ اَحْيَا النَّاسَ جَمِيْعًا ۭ وَ
و هر که را سبب بقاء حیات کسی شود پس همچنان باشد که سبب زندگی همه مردمان شده باشد
لَقَدْ جَاۗءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنٰتِ ۡ ثُمَّ اِنَّ كَثِيْرًا
هر آینه آمدند بسوی بنی اسرائیل فرستادگان ما بمعجزها پس هر آینه بسیاری
مِّنْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ فِي الْاَرْضِ لَمُسْرِفُوْنَ ۝ اِنَّمَا
از ایشان بعد از ارسال رسل در زمین اسراف کنندگان ــ جز این نیست
جَزٰۗؤُا الَّذِيْنَ يُحَارِبُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَسْعَوْنَ
که هست جزاء آنانکه حرب کنند با دوستان خدا تعالی و رسول او و میشتابند

فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَن يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ
در زمین از برای فساد آنکه کشته شوند ایشان را یا بر دار کنند یا

تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم مِّنْ خِلَافٍ أَوْ
ببرند دستهای ایشان را و پایهای ایشان را از خلاف یکدیگر یا

يُنفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا
برانند ایشان را از زمین این مر ایشان راست خواری در دنیا

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ
و مر ایشان راست در آخرت عذابی بزرگ مگر آنانکه

تَابُوا مِن قَبْلِ أَن تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا
توبه کنند پیش از آنکه قادر شوید بر ایشان پس بدانید

أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
آنکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست ای گروه مومنان

اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا
بترسید از خدای تعالی و بطلبید بسوی او وسیله را و جهاد کنید

فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
در راه او شاید که شما رستگار شوید بدرستیکه آنانکه کافر شدند

لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ
اگر باشد ایشان را آنچه در زمین است همه و مانند او با او

لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا
تا آن را فدای نفس خود کنند از عذاب روز قیامت نشود

تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ يُرِيدُونَ
قبول کرده از ایشان و مر ایشان راست عذابی دردناک میخواهند

أَن يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنْهَا
آنکه بیرون آیند از آتش و نیستند ایشان بیرون آیندگان از آن

وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ
و مر ایشان راست عذابی دایم و مرد دزد و زن دزد را

فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ
پس ببرید دستهای ایشان را پاداشت آنچه کسب کرده اند عقوبت از

الله والله

فتنه

اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ
حق تعالی و خدای تعالی غالب و حکم کننده پس هرکه توبه کند از پس
ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ
ستمکاری خود و بصلاح آرد پس بدرستیکه خدای تعالی توبه او قبول کند بدرستیکه
اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ لَهُ
خدای تعالی آمرزنده مهربانست آیا ندانستی آنرا که خدای تعالی مراوراست
مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ
پادشاهی آسمانها و زمین عذاب کند هرکرا خواهد
وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
و آمرزد هرکرا خواهد و خدای تعالی بر هر چیز تواناست
يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ
ای پیغمبر اندوهگین نکرداند ترا آنهاانکه شتابند
فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ
در کفر از آنانکه گفتند ایمان آوردیم بزبانهای ایشان
وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا
و ایمان نیاورده است دلهای ایشان و از آنانکه دین یهودیت دارند
سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ
شنونده‌اند برای آنکه دروغ میگویند شنوندگان برای گروهی دیگر
لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ مَوَاضِعِهِ
نیامده اند بمجلس تو تغیر دهند کلمهای بعد از آنکه وضع کرد خدای تعالی
يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن
میگویند اگر دهد شمارا این پس گیرید آنرا و اگر
لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَن يُرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهُ
نداده شوید پس حذر کنید و هرکرا خواهد خدای تعالی اختلاف
فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا أُولٰئِكَ الَّذِينَ
پس بدست نتوانی آورد او از خدای تعالی چیزی آنگروه آنانند
لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا
که نخواست خدای تعالی آنکه پاک سازد دلهای ایشان را مر ایشان در دنیا

فمن تاب من بعد
سبب نزول آن آن بود
که زنی از دزدی بحد رسید
چون بثبوت شرعی دزد است
دستش را بریدند و او
پیش حضرت رسالت آمد
صلی الله علیه وآله وسلم و گفت
یا رسول الله آیا مرا
بعد از این توبه
هست و فرمود آری توبه
کسی از کرده پشیمان گردد
مقبول است امروز از مادر
بوجود آمدی و در باب
قبول توبه این آیت
آمده است
یا ایها الرسول
بجهت سبب نزول آن بود
که مردی و زنی از یهود
خیبر زنا کردند

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ سَمَّاعُونَ
وایشان را در آخرة عذابی بزرگ است شنوندگان اند
لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ
برای دروغ خورندگان حرام اند در حکم پس اگر بیایند بتو
فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ
پس حکم کن میان ایشان یا روی بگردان از ایشان و اگر رو بگردانی
عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ
از ایشان پس زیان نتوانند رسانید تو چیزی را و اگر حکم کنی پس حکم کن
بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝
میان ایشان بعدل بدرستیکه خدایتعالی دوست دارد عدل کنندگان را
وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا
و چگونه حاکم سازند ترا و نزد ایشان است توریة در ان
حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَمَا
حکم خدایست پس برمیگردند از پس این و نیستند
أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ
این گروه باور دارندگان بدرستیکه ما فرستادیم توریت
فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ
در ان راه نمودن و روشنی حکم کرده اند بتوریة پیغمبران آنانکه
أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ
انقیاد کرده اند برای آنکه شدند اند برین یهودیت و حکم کرده اند علما ربانی و زاهدان
بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا
بانچه مامور شده اند از کتاب خدایتعالی و بودند
عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ
بران گواهان پس مترسید از مردمان و بترسید از من
وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا ۝ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ
و بدل مکنید بآیتهای من بهای اندکی و آنچه حکم نکنند
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ۝ وَكَتَبْنَا
بانچه فرستاد خدایتعالی پس آن گروه ایشان کافرانند و نوشتیم

یهود و محصن بودند
و ایشان بحکم توریت
رجم بودند از ان ترسیده
بمدینه آمدند تا بمیزان آن دین به
حضرت رسالت صلی الله
علیه و آله و صحابه و سلم
رجم ننمایند و هم برین
تازیانه قرار کردند چون
از آنحضرت استفسار
نمودند با علام حضرت
جبرئیل علیه السلام حکم رجم
فرمود یهود انکار کردند
و بدروغ گفتند که در توریت
خدای رجم نفرموده است
آنحضرت صلی الله علیه و سلم
و فرمود که ابن صوریا
را حاضر سازند

عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ ٱلنَّفْسَ بِٱلنَّفْسِ وَٱلْعَيْنَ

بر ایشان در توریت آنکه تن را کشند بقصاص یک تن و چشم

بِٱلْعَيْنِ وَٱلْأَنفَ بِٱلْأَنفِ وَٱلْأُذُنَ بِٱلْأُذُنِ

بچشم و بینی ببینی و گوش بگوش

وَٱلسِّنَّ بِٱلسِّنِّ وَٱلْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن

و دندان بدندان و جراحتها قصاص باشد پس هر که

تَصَدَّقَ بِهِۦ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُۥ وَمَن لَّمْ يَحْكُم

تصدق کند بقصاص پس آن کفارت باشد و آنرا که حکم کرده اند

بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ وَ

بانچه منزل کردانید خدا تعالی پس آن گروه ایشانند ستمکاران و

قَفَّيْنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم بِعِيسَى ٱبْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا

در آوردیم در پی پیغمبران عیسی پسر مریم باور دارنده

لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْإِنجِيلَ

مر آنچیز را که پیش از وی فرستاده بودیم از توریت و دادیم اورا انجیل

فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

در آن راه نمودنیست و روشنی و موافق دارنده مر آنچیز را که پیش از وی بود

مِنَ ٱلتَّوْرَىٰةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

از توریت و راه نماینده و پند دهنده مر پرهیزکاران را

وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ ٱلْإِنجِيلِ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فِيهِ

و باید که حکم کنند اهل انجیل بانچه فرستاد خدا تعالی در آن

وَمَن لَّمْ يَحْكُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ

و آنکه حکم نکند بانچه نازل گردانید خدا تعالی پس آن گروه ایشانند

ٱلْفَٰسِقُونَ وَأَنزَلْنَآ إِلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ

بیرون رفتگان و فرستادیم بسوی تو قرآن را براستی

مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَمُهَيْمِنًا

باور دارنده مر آنرا که پیش از وی بوده از کتب و نگاهدارنده

عَلَيْهِ فَٱحْكُم بَيْنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ

بر کتب پس حکم کن میان ایشان بانچه فرستاده خدا تعالی و از پی مرو

أهواءهم عما جاءك من الحق لكل جعلنا

آرزوهای ایشان از آنچه که بتو آمده است از راست مر هر گروهی را ساختیم

منكم شرعة ومنهاجا ولو شاء الله لجعلكم

از شما شریعتی و راه روشن و اگر خواستی خدا تعالی میساخت شما را

أمة واحدة ولكن ليبلوكم في ما آتاكم

یک امت ولیکن آزماید شما را در آنچه داده است شما

فاستبقوا الخيرات إلى الله مرجعكم جميعا

پس پیشتابید نیکوئیها را بسوی خدا تعالی باز گشتن شما همه

فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون ۝ وأن

پس خبر خواهد کرد شما را آنچه هستید که در آن اختلاف میکنید و اگر

احكم بينهم بما أنزل الله ولا تتبع أهواءهم

حکم کن میان ایشان آنچه فرستاد خدا تعالی و مکن پیروی آرزوهای ایشان

واحذرهم أن يفتنوك عن بعض ما أنزل

و حذر کن از ایشان از آنکه گمراه کنند ترا از بعضی آنچه فرستاده است

الله إليك فإن تولوا فاعلم أنما يريد الله

خدا تعالی بتو پس اگر برگردند پس بدانکه میخواهد خدا تعالی

أن يصيبهم ببعض ذنوبهم وإن كثيرا

اگر برساند بر ایشان برخی از گناهان ایشان و بدرستیکه بسیاری

من الناس لفاسقون ۝ أفحكم الجاهلية

از مردمان فاسقانند آیا حکم جاهلیت را

يبغون ومن أحسن من الله حكما لقوم

میطلبند و کیست نیکوتر از خدا تعالی از جهت حکم برای قومیکه

يوقنون ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا

یقین میدانند ای گروه مومنان فرا مگیرید

اليهود والنصارى أولياء بعضهم أولياء

جهودان و ترسایان دوست برخی از ایشان دوستان

بعض ومن يتولهم منكم فإنه منهم والله

مر برخی را و هر که دوست دارد ایشانرا از شما پس هر آینه او از جمله ایشان است و خدا

لا يهدي القوم الظلمين ۝ فترى الذين
راه نمی نماید گروه ستمکارانرا پس می بینی آنانرا که

في قلوبهم مرض يسارعون فيهم يقولون
در دلهای ایشان بیماریست می شتابند در ایشان میگویند

نخشى أن تصيبنا دائرة فعسى الله أن
میترسیم آنکه برسد ما را از گردش روزگار چیزی پس شاید که خدای تعالی آورد

يأتي بالفتح أو أمر من عنده فيصبحوا على
یارو فتح را یا فرمانی از نزدیک خود پس گردند بر

ما أسروا في أنفسهم ندمين ۝ ويقول
آنچه پنهان داشتند در نفسهای خود پشیمان و گوید

الذين آمنوا أهؤلاء الذين أقسموا بالله
آنانکه گرویدند این گروه آنانکه سوگند میخوردند بخدای تعالی

جهد أيمانهم إنهم لمعكم حبطت أعمالهم
غلیظ ترین سوگندان ایشان بدرستیکه ایشان با شما اند باطل شد اعمال ایشان

فأصبحوا خسرين ۝ يا أيها الذين آمنوا من
پس گشتند زیان زدگان ای گروه مومنان هر که

ثلثه

يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله
برگردد از شما از دین خود پس زود باشد که بیارد خدای تعالی

بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين
قومی را دوست دارد ایشانرا و دوست دارند اورا متواضع بر مومنان

أعزة على الكفرين ۝ يجاهدون في
سخت دلان بر کافران جهاد میکنند در

سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك
راه خدای تعالی و نترسند از ملامت کردن ملامت کننده این

فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع
افزونی خدای تعالی است عطا میدهد بهر که خواهد و خدای تعالی فراخ رحمت

عليم ۝ إنما وليكم الله ورسوله والذين
داناست جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و آنانکه

اٰمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة و
گرویدند آنانکه بپا دارند نماز را و میدهند زکوة
هم راكعون ۝ ومن يتول الله ورسوله
ایشان فروتنی کنند و هرکه دوست دارد خدا را و رسول او
والذين اٰمنوا فان حزب الله هم الغلبون
و آنانکه گرویدند پس بدرستیکه لشکر خدا تعالی ایشانند غالبان
يايها الذين اٰمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا
ای گروه مومنان فرا مگیرید آنانکه گرفته اند
دينكم هزوا ولعبا من الذين اوتوا الكتب
دین شما باستهزا و بازی از آنانکه داده اند کتاب
من قبلكم والكفار اولياء واتقوا الله
پیش از شما و فرا مگیرید کافران را دوستان و بترسید از خدا تعالی
ان كنتم مؤمنين ۝ واذا ناديتم الى الصلوة
اگر هستید گرویدگان و چون ندا میزنند بسوی نماز
اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بانهم قوم
میگیرند نماز را سخریه و بازی این بانکه ایشان گروهی اند
لا يعقلون ۝ قل يااهل الكتب هل تنقمون منا
تعقل نمیکنند بگو ای اهل کتاب آیا عیب میگیرید از ما
الا ان اٰمنا بالله وما انزل الينا وما انزل من
مگر آنکه ایمان آورده ایم بخدا تعالی و بانچه فرستاده اند بما و بانچه فرستاده اند از
قبل وان اكثركم فسقون ۝ قل هل انبئكم بشر
پیش و آنکه بیشتر شما فاسقانند بگو آیا خبر میدهم شما را ببدتر
من ذلك مثوبة عند الله من لعنه الله
از آنچه گفته اند از جزای که ثابت است نزد خدا تعالی آنکه لعنت کرد او را خدا تعالی
وغضب عليه وجعل منهم القردة والخنازير
و خشم گرفت برو و ساخت از ایشان بوزنگان و خوکان و
وعبد الطاغوت اولئك شر مكانا واضل
و مر او گوساله است آن گروه بدتر از مکانی و گمراه تر

ع

[Marginal commentary, partly legible:]
و آن دو رکعت ... / بسجده آمد صحابه ... / بنماز مشغول بود ... در قیام / ... در رکوع ... / ... الحسن ... / ... علی کرم الله وجهه ... / ... [illegible]

عن سواء

عَنْ سَوَآءِ السَّبِيلِ ۝ وَاِذَا جَآءُوكُمْ قَالُوٓا اٰمَنَّا
از راه راست ۝ وچون بیایند منافقان نزد شما گویند ایمان آوردیم

وَقَدْ دَّخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهٖ وَ
وحالانکه درمی آیند بکفر وایشان بیرون میروند باو و

اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ۝ وَتَرٰى كَثِيرًا
خدایتعالی داناترست بآنچه هستند که می پوشند و می بینی بسیاری

مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ
از یهودیان شتاب میکنند در حرام و ظلم و

اَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَوْلَا
خوردن ایشان رشوت را بد چیزیست که ایشان میکنند چرا نمی کنند

يَنْهٰهُمُ الرَّبّٰنِيُّونَ وَالْاَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ
نهی ایشان را علماء ربانی و زاهدان از گفتن ایشان

الْاِثْمَ وَاَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ
دروغ و خوردن ایشان رشوت را هر آینه بد چیزیست که ایشان میسازند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ اَيْدِيهِمْ
وگفتند جهودان دست خدایتعالی بسته است بسته باد دستهای ایشان

وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدٰهُ مَبْسُوطَتٰنِ يُنْفِقُ
ورانده شده اند بآنچه گفتند بلکه دو دست او گشاده است روزی میدهد

كَيْفَ يَشَآءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَّآ اُنْزِلَ
چنانچه میخواهد و زیاده گرداند بسیار را از یهود آنچه فرود آمد

اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَّكُفْرًا وَاَلْقَيْنَا
بتو از پروردگار تو نافرمانی و کفر و افگندیم

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
میان یهود دشمنی و خصومت تا روز قیامت

كُلَّمَآ اَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ اَطْفَاَهَا اللّٰهُ وَ
هرگاه که برافروختند آتش برای حرب کردن فرونشاند آن آتش را خدایتعالی و

يَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَسَادًا وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ
می شتابند در زمین برای تباه کاری و خدایتعالی دوست نمیدارد

الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتٰبِ آمَنُوا وَ
تباه کاران | واگر چنانچه اهل کتاب | ایمان آوردندی بحضرت محمد

اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنٰهُمْ
پرهیز کردندی در میگذرانیدیم از ایشان گناهان ایشان و در آوردیم ایشان را

جَنّٰتِ النَّعِيمِ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرٰىةَ
در بوستانهاء نعمت | واگر آنکه ایشان بجای داشتند احکام توریت

وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا
و انجیل | و آنچه فرود می آمد بایشان | از پروردگار ایشان بخوردندی

مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ
از زبر سر خویش | و از زیر پای خویش | از جهودان گروهی اند

مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ
راست کار | و بسیاری | از ایشان | بدست آنچه میکنند

يٰأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
ای پیغمبر برسان آنچه فرود می آمد تو از پروردگار تو

وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسٰلَتَهُ وَاللّٰهُ يَعْصِمُكَ
و اگر چنین نکردی پس تبلیغ نکرده رسالتهای اورا و خدای تعالی نگاه میدارد ترا

مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِينَ
از مردمان بدرستیکه خدای تعالی راه ننماید گروه کافران

قُلْ يٰأَهْلَ الْكِتٰبِ لَسْتُمْ عَلٰى شَيْءٍ حَتّٰى تُقِيمُوا
بگو ای اهل کتاب نیستید شما بر چیزی تا برپای دارید

التَّوْرٰىةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ
توریت و انجیل و آنچه فرستاده شود بشما از

رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ
پروردگار شما و زیاده میکند بسیارا از ایشان آنچه فرستاده بتو

مِنْ رَبِّكَ طُغْيٰنًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ
از پروردگار تو بیدادی و ناگرویدنی پس اندوهناک مشو بر گروه

الْكٰفِرِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا
کافران بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهودیه کردند

والله يعصمك

[illegible]

[illegible]

والصبؤن

وَالصّٰبِئُوْنَ وَالنَّصٰرٰی مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ

و صابیان و ترسایان هرکه ایمان آرد بخدا تعالی و بروز

الْاٰخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ

قیامت و کند عمل شایسته پس نیست ترسی برایشان و نه ایشان

یَحْزَنُوْنَ ۝ لَقَدْ اَخَذْنَا مِیْثَاقَ بَنِیْٓ اِسْرَآءِیْلَ

اندوهناک شوند بدرستیکه گرفتیم پیمان بنی اسرائیل

وَاَرْسَلْنَآ اِلَیْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ

و فرستادیم بسوی ایشان پیغمبران هرگاه آمدی برایشان رسولی

بِمَا لَا تَهْوٰٓی اَنْفُسُهُمْ فَرِیْقًا كَذَّبُوْا وَفَرِیْقًا

بآنچه نخواست نفسهای ایشان گروهی را تکذیب کردند و گروهی را بودند

یَّقْتُلُوْنَ ۝ وَحَسِبُوْٓا اَلَّا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ فَعَمُوْا

که میکشتند و می پنداشتند که نباشد محنتی مر ایشان پس کور شدند

وَصَمُّوْا ثُمَّ تَابَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ ثُمَّ عَمُوْا وَصَمُّوْا

و کر شدند پس عرض کردند توبه خدا برایشان پس کور و کر شدند

كَثِیْرٌ مِّنْهُمْ وَاللّٰهُ بَصِیْرٌ بِمَا یَعْمَلُوْنَ ۝ لَقَدْ

بسیاری از ایشان و خدا تعالی بیناست بآنچه میکنید بدرستیکه

كَفَرَ الَّذِیْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِیْحُ ابْنُ مَرْیَمَ

کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه خدا تعالی اوست عیسی پسر مریم

وَقَالَ الْمَسِیْحُ یٰبَنِیْٓ اِسْرَآءِیْلَ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّیْ

و گفت مسیح ای بنی اسرائیل بپرستید خدا را پروردگار من

وَرَبَّكُمْ اِنَّهٗ مَنْ یُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ

و پروردگار شما بدرستیکه هرکه شرک آرد بخدا تعالی پس بدرستیکه حرام کرده خدا تعالی

عَلَیْهِ الْجَنَّةَ وَمَاْوٰىهُ النَّارُ وَمَا لِلظّٰلِمِیْنَ

بر او بهشت و جای او دوزخ است و نیست مر ستمکاران را

مِنْ اَنْصَارٍ ۝ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِیْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ

هیچ از یاری بدرستیکه کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه خدا تعالی

ثَالِثُ ثَلٰثَةٍ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّآ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَاِنْ

سیم از سه اله است و نیست ذاتی را مگر خدای یگانه و اگر

لَمْ يَنتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
باز نایستند از آنچه میگویند هر آینه برسد آنانکه نگرویدند

مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ
از ایشان عذابی که الم او دایم بود آیا رجوع نمیکنند بخدای تعالی

وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۞
و آمرزش نمیخواهند ازو و خدای تعالی آمرزنده مهربانست

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن
نیست مسیح پسر مریم مگر فرستاده بدرستیکه گذشته اند از

قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ
پیش فرستادگان و مادر او با صدق بود بودند میخوردند

الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ
طعام بنگر چگونه بیان میکنیم برای ایشان دلایل پس باز نگر

أَنَّى يُؤْفَكُونَ ۞ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
چگونه برگردانیده میشوند بگو آیا میپرستید از جز خدای تعالی

مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
آنرا که مالک نیست برای شما زیانی و نه سودی و خدای تعالی اوست شنوا

الْعَلِيمُ ۞ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ
دانا بگو ای اهل کتاب غلو مکنید در دین خود

غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا
که ناحق باشد و پیروی مکنید هواء قومی را بدرستیکه گمراه شدند

مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ
پیش از بعث و گمراه ساختند بسیاری را و ضلالت جستند از طریق

السَّبِيلِ ۞ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ
راست لعنت کرده شده اند کافران از فرزندان یعقوب

عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا
بر زبان داود ع و عیسی ع پسر مریم این بسبب آن بود

عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ ۞ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ
که نافرمانی کردند و بودند که از حد میگذشتند بودند که نهی نمیکردند

آمده که کافران بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و علی آله و صحبه و سلم [illegible] گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خدای تعالی [illegible] عیسی [illegible] علیه السلام [illegible] ع تعالی [illegible]

وادا سمعوا الخ نجاشی
و دو تن آمد که جعفر رضی
عنه از ... حبشه رفته بود
نمود نجاشی ... خویشان را
از علمای مملکت خود ...
قریش و آنحضرت صلی الله
علیه و آله و صحبه ...
و ... سوره یس ...

عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

از عمل زشت پس میکردند هرآینه بد چیزیست آنچه ایشان میکنند

تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا

می بینی بسیاری را از اهل کتاب دوستی کنند آنانکه کافر شدند

لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ

هرآینه بد چیزیست آنچه پیش فرستاده است برای ایشان نفسهای ایشان آنکه خشم گرفت خدای

عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ۝ وَلَوْ كَانُوا

بر ایشان و در عذاب ایشانند جاودان و اگر باشند

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ

که ایمان آرند بخدای تعالی و پیغمبر خود و آنچه فرستاده شده است بدان

مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ

نگیرند مشرکان را دوستان ولیکن بیشتر از ایشان

فَاسِقُونَ ۝ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً

خارجند از دایره ایمان هرآینه یابی سخت ترین مردمان از روی دشمنی

لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ

آنکسانیکه گرویده اند از جهودان و آنانکه شرک آورده اند و یابی

أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا

نزدیکترین مردمان از دوستی با مومنان آنانکه میگویند

إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَ

بدرستیکه ما ترسایانیم این بسبب آنست که از ایشان دانایان و

رُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَإِذَا سَمِعُوا

عابدان و بسبب آنکه ایشان گردنکشی نمیکنند و چون شنوند

مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ

آنچه فرستاده شد بر رسول می بینی چشمهای ایشان میریزد

مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا

از اشک از آنچه شناختند از سخن راست میگویند ای پروردگار ما

آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَمَا لَنَا لَا

گرویدیم پس بنویس ما را از گواهان و چیست ما را که نیاریم

فرستاد و ایشان ...
در شان ایشان این آیت
نازل شد و حضرت ...
با آنچه عیسی علیه السلام
... شباهت تمام دارد
با یکدیگر گفتند که قرآن
و احکام اسلام قبول کردند
خواندند بسیار گریستند

نُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ

ایمان بخدا تعالی وبآنچه آمد از حق وطمع میداریم

اَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصّٰلِحِيْنَ

آنکه در آرد ما را پروردگار ما با گروه صالحان

فَاَثَابَهُمُ اللّٰهُ بِمَا قَالُوْا جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا

پس جزا داد ایشانرا خدایتعالی بآنچه گفتند بوستانها میرود از زیر آن

الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَذٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِيْنَ

جویها جاوید اند در آن واین است پاداش نیکوکاران

وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ

وآنانکه نگرویدند وتکذیب کردند نشانهای ما آن گروه ملازمان

الْجَحِيْمِ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تُحَرِّمُوْا طَيِّبٰتِ

دوزخ ای گروه مومنان حرام مکنید پاکیزه

مَا اَحَلَّ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا

آنچه حلال کرده خدایتعالی مرشما را ودر مگذرید بدرستیکه خدایتعالی نمیدارد

يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ وَكُلُوْا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ حَلٰلًا

دوست از حد در گذرنده وبخورید ازآنچه روزی داد شمارا خدایتعالی حلال

طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اَنْتُمْ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ

پاک وبترسید از خدایتعالی آنکه شما بدو گرویدگانید

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيْٓ اَيْمَانِكُمْ

مواخذه نمیکند شمارا خدایتعالی بلغو در سوگندان شما

وَلٰكِنْ يُّؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُّمُ الْاَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهٗٓ

ولیکن مواخذه میکند شمارا بآنچه بستید سوگندهارا پس کفارت آن

اِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسٰكِيْنَ مِنْ اَوْسَطِ مَا تُطْعِمُوْنَ

طعام دادن ده مسکین است از میانه آنچه اهل خود را طعام میدهید

اَهْلِيْكُمْ اَوْ كِسْوَتُهُمْ اَوْ تَحْرِيْرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ

یا کفارت پوششش یا آزاد کردن بنده است پس هرکه

لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ ذٰلِكَ كَفَّارَةُ اَيْمَانِكُمْ

نیابد پس روزه سه روزه است این کفارت سوگندان خود

إذا حلفتم واحفظوا أيمانكم كذلك يبين
چون سوگند خورید ونگاه دارید سوگندان خود را همچنین بیان کند
الله لكم آياته لعلكم تشكرون يا أيها
خدای تعالی برای شما نشانهای شرع شاید که شما شکر کنید ای
الذين آمنوا إنما الخمر والميسر والأنصاب
گروه مومنان جز این نیست که خمر وقمار وبتان را
والأزلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه
وتیرهای اقداح پلید است از وسوسه شیطان پس اجتناب کنید
لعلكم تفلحون إنما يريد الشيطان أن
شاید که شما رستگار شوید جز این نیست که میخواهد دیو آنکه
يوقع بينكم العداوة والبغضاء في الخمر و
در افکند میان شما دشمنی وخصومت در خمر و
الميسر ويصدكم عن ذكر الله وعن الصلوة
قمار وباز دارد شما را از یاد کردن خدای تعالی واز گزاردن نماز
فهل أنتم منتهون وأطيعوا الله وأطيعوا
پس هستید شما باز ایستادگان وفرمان برید خدا را وفرمان برید
الرسول واحذروا فإن توليتم فاعلموا أنما
رسول را وحذر کنید پس اگر اعراض کنید پس بدانید که نیست
على رسولنا البلغ المبين ليس على الذين
بر رسول ما مگر رسانیدن روشن نیست بر آنانکه
آمنوا وعملوا الصلحت جناح فيما طعموا إذا ما
گرویدند وکردند شایسته گناهی در آنچه خورده اند چون
اتقوا وآمنوا وعملوا الصلحت ثم اتقوا وآمنوا
پرهیز کنند وبگروید وبکنند عمل شایسته پس بپرهیزید وبگروید
ثم اتقوا وأحسنوا والله يحب المحسنين
پس ثابت باشید بر تقوی ونیکو کنید وخدای تعالی دوست میدارد نیکو کاران را
يا أيها الذين آمنوا ليبلونكم الله بشيء من
ای گروه مومنان می آزماید شما را خدای تعالی بچیزی از

الصيد تناله ايديكم ورماحكم ليعلم الله
صید میرسید بان دستهای شما و نیزهای شما تا ببیند خدا تعالی
من يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك
آنکه ترسد در غیب پس هرکه از حد در گذرد پس ازین
فله عذاب اليم ○ يا ايها الذين امنوا لا
پس مراو را عذابی دردناک ای گروه مومنان
تقتلوا الصيد وانتم حرم ومن قتله
مکشید شکار را و شما محرم باشید و هرکه بکشد صید را
منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم
از شما بعمدا پس بر وی واجب است مانند آنچه کشته است از چهارپایان
يحكم به ذوا عدل منكم هديا بالغ الكعبة
حکم کنند بان دو خداوند عدل از شما رسنده است بکعبه
او كفارة طعام مسكين او عدل ذلك
یا کفارت طعام دادن درویشان است یا برابر آن طعام که میدهد
صياما ليذوق وبال امره عفا الله عما
روزه داشتن تا بچشد سختی کفارت عفو فرمود خدا تعالی از آنچه
سلف ومن عاد فينتقم الله منه والله
گذشته است و هرکه باز گردد پس انتقام کشد خدا تعالی ازو و خدا تعالی
عزيز ذو انتقام ○ احل لكم صيد البحر و
غالب و خداوند انتقام است حلال کرده شد مر شما را شکار دریا
طعامه متاعا لكم وللسيارة وحرم
طعام دریا برای برخورداری شما و برای کاروان شما و حرام کرده شد
عليكم صيد البر ما دمتم حرما واتقوا الله
بر شما شکار صحرا مادام که شما باشید حرام و بترسید از خدا تعالی
الذي اليه تحشرون ○ جعل الله الكعبة
آنکه بسوی او جمع کرده خواهید شد گردانید خدا تعالی کعبه را
البيت الحرام قياما للناس والشهر الحرام
که خانه محرم است سبب قوام امور مردمان و ماه حرام

سعد وقاص شوری خواند
مشتمل بر نیز الطاف عی
بود یکی از نجباء ان نام
سعد شکسته مجلس منغص
گردید سعد شکایت این
حکایت در نزد حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه وعلی آله واصحابه وسلم
نمود و حضرت عمر رضی الله عنه
در آن مجلس بود و گفت
خدایا بیان فرما بر ما
در باب خمر بیانی شافی
و این آیت در حرمت خمر
نازل شد ان ایت

والهدی

وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
و قربانی و قلاید را آنچه گفته شد تا بدانید آنکه خدا تعالی

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ
میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و

أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ
آنکه خدا تعالی بهر چیز داناست بدانید آنکه خدا تعالی

شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
سخت عقوبت است و آنکه خدا تعالی آمرزنده مهربانست

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
نیست بر فرستاده مگر رسانیدن و خدا تعالی میداند آنچه

تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ۝ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ
آشکارا کنید و آنچه پنهان سازید بگو مساوی نیست پلید

وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا
و پاک و اگر بشگفت آرد ترا بسیاری خبیث پس ترسید

اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ يَا أَيُّهَا
از خدا تعالی ای خداوندان عقلها شاید که شما رستگار شوید ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ
گروه مومنان مپرسید از چیزها اگر ظاهر شود

لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ
مر شما اندوهگین کرد و مپرسید از چیزها در وقتیکه فرود آمد

الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ
قرآن آشکارا شود برای شما عفو کرد خدا تعالی از آن و خدا تعالی

غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ
آمرزنده بردبار است بدرستیکه پرسیدند گروهی پیش از شما

ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ۝ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ
پس گشتند بآن از کافران تعین نکرده است خدا تعالی از

بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ
هیچ چیز از ناقه و نه ناقه بحر و نه شاته و نه حمایت کننده

وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ
ولیکن آنانکه کافر شدند افترا کنند بر خدای تعالی

الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ
دروغ را وبیشتر ایشان نمیدانند وچون گویند

لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ
مرایشان را بیایید بسوی آنچه فرستاده است خدای تعالی وبر رسول

قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَ
گویند بس است ما را آنچه یافته ایم بران پدران خود را آیا

لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ
باشند پدران ایشان نمیدانند چیزی را ونمی یابند راه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُم
ای گروه مومنان بر شما باد نفسها شما زیان نرساند شما را

مَّن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ
آنکه گمراه شد چون راه یافته باشید بسوی خدای تعالی بازگشت شما

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
همه پس خبر خواهد داد شما را بآنچه بودید که عمل میکردید ای گروه

آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ
مومنان گواهی در میان شما چون حاضر شود یکی را از شما

الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ
مرگ بهنگام وصیت کردن دو تن خداوندان انصاف از شما

أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي
یا دو تن دیگر از غیر شما چون شما سفر کنید در

الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا
زمین پس برسد شما را رسیدنی مرگ باز میدارید آن

مِن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ
از پس نماز دیگر پس سوگند خورند بخدای تعالی اگر شک دارید در ایشان

لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ
بدل نمیکنیم بآن بهایی و اگر باشد متعلق ونمی پوشیم

ودر عرب چون ناقه
پنج بطن بزادی ونر
بودی گوش او را بشکافتندی
وازسواره ودوشیدن وبار
کردن وغیره منع کردندی
...
بیماری بودی گفتی
شفا ...
...
کردندی ...

شهادة الله انا اذا لمن الاثمين ۝ فان
گواهی خدا تعالی بدرستیکه آنوقت از بزهکاران پس اگر
عثر على انهما استحقا اثما فاخران يقومن
اطلاع یافته شود برآنکه این دو گواه اجتنی گناهی پس دو گواه دیگر برخیزند
مقامهما من الذين استحق عليهم الاوليان
بجای آن دو از آنانکه استحقاق معلوم بجوانند اولیان
فيقسمن بالله لشهادتنا احق من شهادتهما
پس سوگند خورند بخدا تعالی برآنکه گواهی ما را سزاوارتر است از گواهی آن
وما اعتدينا انا اذا لمن الظلمين ۝ ذلك
و از حد در نگذشته ایم بدرستیکه اگر چنین کنیم از ستمکاران باشیم این
ادنى ان ياتوا بالشهادة على وجهها او
نزدیکتر است آنکه بیایند بگواهی بروجهی که حق است یا
يخافوا ان ترد ايمان بعد ايمانهم واتقوا
ترسند آنکه رد کرده شود سوگند پس از سوگندهای ایشان و بترسید
الله واسمعوا والله لا يهدي القوم الفسقين
از خدا تعالی و بشنوید و خدا تعالی راه ننماید گروه فاسقان را
يوم يجمع الله الرسل فيقول ماذا اجبتم
روزیرا که جمع کند خدا تعالی پیغامبران را پس گوید چه چیز اجابت کردید
قالوا لا علم لنا انك انت علام الغيوب ۝
گویند نیست ما را علم بدرستیکه توی داننده نهانیها
اذ قال الله يعيسى ابن مريم اذكر نعمتي عليك
چون گفت خدا تعالی ای عیسی ع پسر مریم یاد کن نعمت مرا بر تو
وعلى والدتك اذ ايدتك بروح القدس
و بر مادر تو چون تقویت کردم ترا بجبرئیل
تكلم الناس في المهد وكهلا واذ علمتك
سخن گوی با مردم در گهواره و در کهولت و چون آموختم ترا
الكتب والحكمة والتورية والانجيل
کتاب و فهم چیزها و توریت و انجیل

و در میان ...
... از ایشان ...
... ایشان صورتهای ...
... از ان ...
و ... بودی ...
... خداوند ...
... از ...
... خان ... علی ...
ع
... بسوره ...
طلاق ... مذکور ...
در سوره ... شود
... حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله و سلم

وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي

وآنرا که میسازی از گل مانند مرغ بدستوری من

فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ

پس بدمی دران پس میشود مرغی بامر من و می آری

الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ

کورمادرزاد را و پاک سازی ابرص را باذن من و چون بیرون آری مردگان را

بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ

بفرمان من و چون بازداشتیم شر بنی اسرائیل از تو وقتیکه آمده بودی ایشانرا

بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا

بمعجزها پس گفتند آنانکه کافر شدند از ایشان نیست این

إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ

مگر جادوی روشن و چون امر کردم بسوی حواریان

أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ

آنکه گروید بمن و بفرستاده من گفتند گرویدیم و تو گواه باش

بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ۝ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى

بآنکه ما گردن نهادگانیم چون گفتند حواریان ای عیسی

ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ

پسر مریم آیا میتواند پروردگار تو آنکه فرو فرستد

عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ۖ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ

برما خوانی از آسمان گفت بترسید از خدا تعالی اگر

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا

هستید گرویدگان گفتند میخواهیم که بخوریم از ان

وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا

و آرام گیرد دلهای ما و بدانیم آنکه تو راست گفتی

وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ قَالَ عِيسَى

و باشیم بر ان مائده از گواهان گفت عیسی

ابْنُ مَرْيَمَ ۝ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ

پسر مریم ای خداوند ما ای پروردگار ما فرو فرست برما خوانی از

نیم و عصای نبوت از شاخ
دیگر درخت بهشت بموسی کنیم
و داود را قصه الحان بحسن نکو دهیم
و این دو کنز را بر کسی
معجز دم بعیسی نمودیم تا دست
در زبان این بهشتند بعد
از آن آورده کم شده را
در دست ایشان [illegible]
[illegible]
دهان [illegible]
[illegible]
دیگر باره بمجلس اشرف
بر حضرت [illegible]
و آمده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

السماء

قال الله

السَّمَاۤءِ تَكُوْنُ لَنَا عِيْدًا لِّاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَ
آسمان که باشد مرا عیدی مر اول زمان اول و پس و

اٰيَةً مِّنْكَ ۚ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ
آیتی از حضرت تو وروزی ده مارا و تو بهترین روزی دهندگانی

قَالَ اللّٰهُ اِنِّيْ مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۚ فَمَنْ يَّكْفُرْ
گفت خدای تعالی بدرستیکه من فرستنده ام بر شما پس هر که کافر شود

بَعْدُ مِنْكُمْ فَاِنِّيْٓ اُعَذِّبُهٗ عَذَابًا لَّآ اُعَذِّبُهٗٓ
بعد از شما پس من عذاب کنم اورا عذابی آن عذاب نکنم

اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ۞ وَاِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسَى
کسی را از جهانیان و چون گفت خدای تعالی ای عیسی

ع

ابْنَ مَرْيَمَ ءَاَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُوْنِيْ وَ
پسر مریم آیا تو گفتی مر مردمانرا بگیرید مارا و

اُمِّيَ اِلٰهَيْنِ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۚ قَالَ سُبْحٰنَكَ مَا
مادر مرا دو خدا از جز خدای تعالی گفت تنزیه میکنم ترا

يَكُوْنُ لِيْٓ اَنْ اَقُوْلَ مَا لَيْسَ لِيْ بِحَقٍّ ۚ اِنْ كُنْتُ
نشاید مرا آنکه گویم سزاوار نباشد مرا اگر بوده ام

قُلْتُهٗ فَقَدْ عَلِمْتَهٗ ۚ تَعْلَمُ مَا فِيْ نَفْسِيْ وَلَآ اَعْلَمُ
که گفتم آنرا پس بدرستیکه دانسته آنرا تو میدانی آنچه در نفس منست و نمیدانم

مَا فِيْ نَفْسِكَ ۚ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ۞
آنچه در ذات تست بدرستیکه تو دانای پوشیده هایی

مَا قُلْتُ لَهُمْ اِلَّا مَآ اَمَرْتَنِيْ بِهٖٓ اَنِ اعْبُدُوا
نگفتم مر ایشانرا مگر آنچه امر کردی مرا آن که پرستید

اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيْدًا مَّا
خدایرا پروردگار من و پروردگار شما و بودم بر ایشان گواه مادام

دُمْتُ فِيْهِمْ ۚ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِيْ كُنْتَ اَنْتَ الرَّقِيْبَ
درمیان ایشان پس آنهنگام که فرا گرفتی بودی تو نگهبان

عَلَيْهِمْ ۚ وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۞ اِنْ
بر ایشان و تو بر هر چیز گواهی اگر

سورة الانعام

تعذبهم فانهم عبادك وان تغفر لهم
عذاب کنی ایشانرا پس بدرستیکه ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی مر ایشانرا
فانك انت العزيز الحكيم قال الله هذا
پس بدرستیکه تو غالب حکم کننده گفت خدای تعالی این
يوم ينفع الصادقين صدقهم لهم
روزیست سود میرساند راست گویانرا راستی ایشان مر ایشانراست
جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها
بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید باشند در آن
ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز
همیشه خشنود شد خدای تعالی از ایشان و خشنود شدند ازو این رستگاری
العظيم لله ملك السموات والارض وما
بزرگست مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه
فيهن وهو على كل شيء قدير
در میان ایشانست و او بر همه چیز تواناست

## سورة الانعام مكية وهي مائة وخمس وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
الحمد لله الذي خلق السموات والارض و
همه ستایش مر خدا راست آنکه بیافرید آسمانها و زمین و
جعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا
پیدا کرد تاریکیها و روشنی پس آنانکه کافر شدند
بربهم يعدلون هو الذي خلقكم من
با پروردگار خود عدول کنند اوست آنکه بیافرید شما را از
طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده
گل پس حکم کرد موتی را و مدتی متعین شده نزدیک اوست
ثم انتم تمترون وهو الله في السموات
پس شما شک آرید و اوست خدا و نیز در آسمانها

وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم
و در زمین میداند پنهان شما و آشکارا را و میداند
ما تكسبون ۝ وما تاتيهم من اية من
آنچه میکنید کسب و نمی آید کافران از آیتها از
ايت ربهم الا كانوا عنها معرضين ۝
آیات پروردگار ایشان مگر هستند ازان اعراض کنندگان
فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف
پس بدرستیکه تکذیب کردند براستی آنهنگام که آمد بر ایشان پس زود باشد
ياتيهم انبؤا ما كانوا به يستهزءون ۝
که بیاید بر ایشان اخبار آنچه بودند که بدان استهزا میکردند
الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من قرن
آیا ندیدند چند هلاک کردیم پیش از ایشان از اهل قرن
مكنهم في الارض ما لم نمكن لكم وارسلنا
آرام دادیم ایشان را در زمین آنچه شما را نداده ایم و فرستادیم باران را
السماء عليهم مدرارا وجعلنا الانهر
از آسمان بر ایشان پی در پی و گردانیده بودیم جویها
تجري من تحتهم فاهلكنهم بذنوبهم
میرود از زیر درختان پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان
وانشانا من بعدهم قرنا اخرين ۝ ولو
و بیرون آوردیم از پس ایشان گروهی دیگر و اگر
نزلنا عليك كتبا في قرطاس فلمسوه
بفرستیم بر تو کتابی در ورقی پس بسایند
بايديهم لقال الذين كفروا ان هذا
بدستهای خود خواهند گفت آنانکه کافر شدند نیست این
الا سحر مبين ۝ وقالوا لولا انزل عليه
مگر جادوی پیدا وگفتند کافران چرا فرستاده نشد بر حضرت محمد
ملك ولو انزلنا ملكا لقضي الامر
فرشته و اگر فرستیم فرشته حکم کرده شود کار

لا ينظرون ۝ ولو جعلنه ملكا لجعلنه رجلا
پس مهلت داده نشوند واگر کردانیدیم رسول را فرشته کردانیدیم اورا بصورت مرد

وللبسنا عليهم ما يلبسون ۝ ولقد
و پوشیده کردانیدیم بر ایشان آنچه بر خود پوشیده و بدرستیکه

استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين
تکذیب نموده اند بانبیامبران پیش از تو پس فرود آورد آنکسانیکه

سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ۝
سخریه کردند از ایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند

قل سيروا في الارض ثم انظروا كيف كان
بگو سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه بوده است

عاقبة المكذبين ۝ قل لمن ما في السموات
آخر کار تکذیب کنندگان بگو مرکراست آنچه در آسمانها

والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة
و زمین است بگو مر خدایراست نوشت بر نفس خود رحمت را

ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه
جمع میکند شمارا تا روز رستخیز نیست شک در آن

الذين خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون
آنانکه زیان کردند در نفسهای خود پس ایشان ایمان نخواهند آورد

وله ما سكن في اليل والنهار وهو السميع
و مر خدایراست آنچه آرام دارد در شب و روز و اوست شنوا

العليم ۝ قل اغير الله اتخذ وليا فاطر السموات
دانا بگو آیا غیر خدایتعالی فراگیرم دوست پدید آرنده آسمانها

والارض وهو يطعم ولا يطعم قل اني امرت
و زمین و او میخوراند و نمی شود روزی داده بگو بدرستیکه من مامور شده

ان اكون اول من اسلم ولا تكونن من المشركين
آنکه باشم اول کسیکه گردن نهد و مباش از مشرکان

قل اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم
بگو بدرستیکه من میترسم اگر عاصی شوم در پروردگار خود از عذاب روز

عظیم

عَظِيمٍ ۝ مَن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ
بزرگ هرکه برگردانیده شود عذاب خدا را ورا از روز پس بدرستیکه
رَحِمَهُ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۝ وَإِن يَمْسَسْكَ
رحمة الله و این رستگاری هویدا است واگر برساند تو
اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ
خدا تعالی نعمتی پس بازدارنده نیست او را مگر او واگر برساند تو
بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ
نیکی پس او بر همه چیز تواناست و اوست قهر کننده
فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۝ قُلْ أَيُّ
بر بندگان و او محکم کار داناست بگو چه چیز است
شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ
بزرگتر از روی شهادت بگو خدا تعالی بزرگتر است از روی شهادت میان من و
بَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُم
میان شما و وحی کرده اند این قرآن تا بیم کنم شما را
بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ
بقرآن و دیگر بیم کنم آیا شما گواهی میدهید آنکه با خدا تعالی
آلِهَةً أُخْرَىٰ قُل لَّا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ
خدایان دیگر بگو گواهی نمیدهم بگو جز این نیست که اوست خدای
وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ۝ الَّذِينَ
یگانه و بدرستیکه من بیزارم از آنکه شریک میدارید آنانکه
آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ
داده ایم ایشان را کتاب می شناسند رسول خدا را همچنانکه میشناسند پسران خود را
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝
آنانکه زیان کار شدند در نفسهای خود پس ایشان ایمان نمی آرند
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ
وکیست ستمکارتر از کسیکه افترا کند بر خدا تعالی دروغ را یا
كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَيَوْمَ
تکذیب کنند آیات او را بدرستیکه رستگار نشوند ستمکاران و روز را که

يحشرهم جميعا ثم نقول للذين أشركوا أين شركاؤكم
حشر کنیم ایشان را همه پس گوییم مر آنانکه شرک آوردند کجا اند که شما شریک می ساختید
الذين كنتم تزعمون ۝ ثم لم تكن فتنتهم إلا
آنانکه می بودید که شمارا شفاعت خواهند کرد پس نباشد معذرت ایشان
أن قالوا والله ربنا ما كنا مشركين ۝
الا که گفتند بخدا تعالی که پروردگار ماست نبودیم ما شرک آورندگان
انظر كيف كذبوا على أنفسهم وضل عنهم
نگر که چگونه دروغ میگویند بر نفسهای خود و گم شد از ایشان
ما كانوا يفترون ۝ ومنهم من يستمع إليك
آنچه بودند که افترا میکردند و از کفار کسی هست که گوش دارد بسوی تو
وجعلنا على قلوبهم أكنة أن يفقهوه وفي آذانهم
و افگندیم بر دلهای ایشان پوششها تا فهم نکنند آنرا و در گوشهای ایشان
وقرا وإن يروا كل آية لا يؤمنوا بها حتى
گرانی و اگر ببینند هر معجزه ایمان نمی آرند بران تا
إذا جاؤك يجادلونك يقول الذين كفروا
چون بیایند بتو خصومت کنند با تو گویند آنانکه کافر بودند
إن هذا إلا أساطير الأولين ۝ وهم ينهون
نیست این مگر افسانه پیشینیان و ایشان نهی کنند
عنه وينأون عنه وإن يهلكون إلا أنفسهم
از ایمان و دور می شوند خودهم از ایمان و هلاک نمیکنند مگر نفسهای خود را
وما يشعرون ۝ ولو ترى إذ وقفوا على النار
و نمیدانند و اگر ببینی چون بازداشته باشند بر آتش
فقالوا يا ليتنا نرد ولا نكذب بآيات ربنا
پس میگویند کاشکی باز گردانیده شدیم و تکذیب نمیکنیم بآیات پروردگار
ونكون من المؤمنين ۝ بل بدا لهم ما كانوا
و باشیم از مومنان بلکه ظاهر شده است مر ایشانرا آنچه بودند
يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا
که می پوشیدند از پیش و اگر باز گردانیده شوند هر آئینه باز گردند بآنچه نهی کرده شده

ومنهم من يستمع اليك

عنه وانهم لكذبون ۝ وقالوا ان هي الا
از ان و بدرستیکه ایشان دروغ گویانند و گفتند نیست این مگر
حياتنا الدنيا وما نحن بمبعوثين ۝ ولو
زندگانی دنیا و نیستیم ما برانگیختگان و اگر
ترى اذ وقفوا على ربهم قال اليس هذا
ببینی چون بازداشته شوند بر حکم خدای تعالی گوید آیا نیست این
بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب
براستی گویند آری و پروردگار ما گوید پس بچشید عذاب
بما كنتم تكفرون ۝ قد خسر الذين كذبوا
بانچه بودید که کافر شدید بدرستیکه زیان کردند آنانکه تکذیب کردند
بلقاء الله حتى اذا جاءتهم الساعة بغتة
دیدن خدا را تا چون بیاید بر ایشان قیامت ناگهان
قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها وهم
گویند ای پشیمانی ما بر آنچه تقصیر کردیم در ان و ایشان
يحملون اوزارهم على ظهورهم الا ساء ما
بردارند گناهان خود را بر پشتهای خود بدانید بد بارست
يزرون ۝ وما الحيوة الدنيا الا لعب ولهو
بار که میکشند و نیست زندگانی دنیا مگر بازی و مشغولی
وللدار الاخرة خير للذين يتقون افلا
و سرای آخرت بهتر است برای کسانیکه پرهیز کنند آیا نمیکنند
تعقلون ۝ قد نعلم انه ليحزنك الذي
تعقل بتحقیق ما میدانیم که ترا اندوهگین میکرداند آنکه
يقولون فانهم لا يكذبونك ولكن الظلمين
میگویند پس بدرستیکه ایشان تکذیب نمیکنند ترا ولیکن ستمکاران
بايت الله يجحدون ۝ ولقد كذبت رسل
بآیات خدای تعالی انکار میکنند و بدرستیکه تکذیب کرده اند پیغمبران را
من قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا
پیش از تو پس شکیبایی نمودند بر آنچه تکذیب کردند و رنج رسانیدند

حَتّٰى أَتٰهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ وَ
تا آمد بایشان یاری ما و نیست تغیر دهنده مر وعده خدای تعالی و

لَقَدْ جَآءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ
و بدرستیکه آمد تو را از خبر فرستادگان و اگر چنانست

كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ
که گران شد بر تو روی گردانیدن ایشان پس اگر میتوانی که

تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَآءِ
بجوئی سوراخی در زمین یا نردبانی پیدا کنی بآسمان

فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى
پس بیاری برای ایشان آیتی و اگر خواستی خدای تعالی جمع کردی همه ایشان بر

الْهُدٰى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجٰهِلِينَ ۝ إِنَّمَا
هدایت پس مباش از نادانان جز این نیست

يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتٰى يَبْعَثُهُمُ
که اجابت میکند آنانکه میشنوند و مردگان را بر انگیزد ایشانرا

اللّٰهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ
خدای تعالی پس بسوی او باز گردانند و گفتند چرا نه فرستاده شد

عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّٰهَ قَادِرٌ عَلٰى
بر حضرت محمد آیتی از پروردگار او بگو بدرستیکه خدای تعالی توانا است بر

أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
آنکه فرستد آیتی ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طٰٓئِرٍ يَطِيرُ
و نیست هیچ جنبنده در زمین و نه پرنده که میپرد

بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي
ببالهای خود مگر امتانند مانند شما فرو نگذاشتیم در

الْكِتٰبِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلٰى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ۝ وَالَّذِينَ
لوح محفوظ هیچ چیز را پس بسوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد و آنانکه

كَذَّبُوا بِآيٰتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمٰتِ مَنْ يَشَإِ
تکذیب کردند بآیتهای ما کرانند و گنگانند در تاریکیها هر کرا خواهد

[illegible]

اللّٰهُ يُضْلِلْهُ

آنحضرت صلی الله علیه وآله
وجهاد وجدال [illegible]
گفت ای محمد ما از تو
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اللّٰهُ يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلٰى صِرَاطٍ
خدا تعالی گمراه کرداند وهرکرا خواهد کرداند بر راه
مُسْتَقِيمٍ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتٰيكُمْ عَذَابُ
راست بگو که چه بینید شما اگر بیاید بشما عذاب
اللّٰهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللّٰهِ تَدْعُونَ
خدا تعالی یا بیاید بشما قیامت آیا غیر خدا تعالی میخوانید
إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ
اگر هستید راستگویان بلکه او را میخوانید
فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ
پس بر برد آنچه میخوانید اورا اگر خواهد و فراموش میکنید
مَا تُشْرِكُونَ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلٰى أُمَمٍ مِنْ
آنچه شریک ساخته اید و بدرستیکه فرستادیم با مّتان پیش از
قَبْلِكَ فَأَخَذْنٰهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ
تو پس گرفتیم ایشانرا بسختی و بیماریها تا مگر ایشان
يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا
زاری کنند پس وقتی که آمد بایشان عذاب ما زاری نکردند
وَلٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ
ولیکن سخت شده بود دلهای ایشان وآراسته بود برای ایشان دیو
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ
آنچه بودند که میکردند پس آنهنگام که فراموش کردند آنچه پند داده بودند
فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتّٰى إِذَا فَرِحُوا
بگشادیم برایشان درهای همه چیزهارا تا چون شاد شدند
بِمَا أُوتُوا أَخَذْنٰهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ
بآنچه داده بودند بگرفتیم ایشانرا ناگهان پس ایشان بعد از عذاب بودند نومید
فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
پس بریده شد آخر آنگروه که ایشان ستمکاران بودند وحمد مر خدارا
رَبِّ الْعٰلَمِينَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّٰهُ سَمْعَكُمْ
پروردگار عالمیان بگو چه بینید اگر بگیرد خدا تعالی شنوائی شمارا

نصف
ع

[illegible]
ارسلنم و بیداو [illegible]
[illegible] خلاص مردم [illegible]
[illegible] ظلم [illegible]
[illegible] ظالمان [illegible]
[illegible]
نازل شد قل ارایتم ان اخذ
در شان او آیت

وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ
و بینائیهای شمارا و مهر نهد بر دلهای شما کدامست خدای که قادر بود
اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ
کرم خود بیارد برای شما انرا بنگر که چگونه میگردانیم آیتهارا
ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ
پس کافران ای بر میگردند بگو چه بینید اگر بیاید بشما
عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا
عذاب خدای تعالی ناگهان یا آشکارا پس هلاک شوند مگر
الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
گروه ستمکاران و نفرستادیم پیغمبرانرا مگر
مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا
بشارت دهندگان و بیم کنندگان پس هرکه ایمان آرد و اصلاح کند پس نیست
خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ
ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند و آنانکه
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
تکذیب کردند آیتهای مارا برسد ایشانرا عذاب بانچه هستند که از تصدیق بیرون روند
قُل لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا
بگو نمیگویم شمارا که نزد منست خزینهای خدای تعالی و نمیدانم
أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ
غیب و نمیگویم شمارا بدرستیکه من فرشته ام نمیکنم
أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ
متابعت مگر آنچیز که وحی کنند بمن بگو آیا یکسان بود نابینا
وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ۝ وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ
و بینا آیا تفکر نمیکنید و بیم کن بان آنکسانرا
يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم
میترسند آنکه حشر کنند ایشانرا بجزاء خداوند نیست مر ایشانرا
مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝
بجز خدای تعالی دوستی و نه شفیعی شاید که ایشان پرهیزند

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدٰوةِ
و مران از مجلس خود آنانرا که میخوانند پروردگار خود را بامداد
وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ مَا عَلَيْكَ مِنْ
و شبانگاه میخواهند خدا را نیست بر تو از
حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم
حساب ایشان چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان
مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّٰلِمِينَ
از چیزی تا تو رانی ایشان را پس باشی از ستمکاران
وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوٓا أَهَٰٓؤُلَآءِ
و همچنانکه پیش از تو آزموده ایم برخی از اشراف برخی تا گویند آیا این گروه
مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ
منت نهاد خدای تعالی بر ایشان از میان ما آیا نیست خدای تعالی دانا
بِالشَّٰكِرِينَ وَإِذَا جَآءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ
بشکر گویندگان و چون بیاید تو آنانکه گروند
بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ
بآیتهای ما پس بگو سلام بر شما نوشت پروردگار شما بر
نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ
نفس خود بخشش آنکه هر که بکند از شما کاری بد بنادانی
ثُمَّ تَابَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
پس توبه کند بعد از آن و صلاح آرد پس او آمرزنده مهربانست
وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْأَيَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ
و همچنین تفصیل میکنیم آیتها و تا روشن شود راه
الْمُجْرِمِينَ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ
گنهکاران بگو بدرستیکه من نهی کرده اند از آنکه پرستم آنانرا که پرستید
مِن دُونِ اللَّهِ قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ قَدْ
از جز خدای تعالی بگو پیروی نمیکنم آرزوهای شما را بدرستیکه
ضَلَلْتُ إِذًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ الْمُهْتَدِينَ قُلْ إِنِّي
گمراه شوم آنهنگام و نیستم من از راه یافتگان بگو بدرستیکه من

ولا تطرد الذین
سبب نزول این آیت آن بود که
صنادید قریش با بوجهل
ابو طالب گفتند که محمد را
بگو که این بندگان و درویشان را
از مجلس خود براند
و این درویشان بلال و صهیب
و عمار یاسر و خباب و سلمان و عبدالله مسعود
و امثال ایشان
و منعم را این بزرگان
و مفلسان را از مجلس خود دور کنی
تا با تو بنشینیم و سخن دین باز
ع
کنیم و ایمان بیاریم
و پیغمبر خواست که ایشان را
بکند تا رسول الله صلی
الله علیه و آله و سلم

عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي
بر دلیلی روشنم از پروردگار من و شما تکذیب میکنید بآن و دلیل دانستید نزد من

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ
آنچه شتاب مینمایید بدان نیست حکم مگر خدای را

يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۝ قُل
میگوید درست و او بهترین کارگزار است بگو

لَّوْ أَنَّ عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ
اگر آنکه نزد من بودی آنچه بدان شتاب میکنید هر آینه گذارده شدی

الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ
کار میان من و میان شما و خدا داناتر است بستمکاران

وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ
و نزدیک اوست خزینهای غیب نمیداند آنرا مگر او و میداند

مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ
آنچه در بیابانست و دریا و نیفتد هیچ برگی

إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ
مگر میداند آنرا و نه دانه در تاریکی زمین و نه تری

وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ۝ وَهُوَ الَّذِي
و نه خشکی مگر در لوح محفوظ روشن است و اوست آنکه

يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ
متوفی گرداند شما را بشب و میداند آنچه کسب کنید بروز

ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ
پس برانگیزاند شما را در آن تا وقتی حکم کرده شود بر شما مرگ پس بسوی او

مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَهُوَ
بازگشت شماست پس خبر کند شما را بآنچه بودید که عمل میکردید و اوست

الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً
قاهر بر بندگان خود و فرستد بر شما فرشتگان

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ
تا چون بیاید یکی از شما مرگ جان او بردارند

التماس ایشان ... قبول فرما ... دلیل بیان ... آنرا ... عندی ما تستعجلون ... و شیطان ... محمد صلی الله علیه و آله و سلم

... ع ... در وقت ... الموت

رسلنا

رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۝ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى
فرشتگان ما و ایشان تقصیر نمیکنند پس باز گردانیده شوند بسوی
اللّٰهِ مَوْلٰىهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ
خدای تعالی خدای ایشان حقست بدانید مر اوراست حکم و اوست شتابکننده ترین
الْحٰسِبِينَ ۝ قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمٰتِ الْبَرِّ
حساب کنندگان بگو کیست میرهاند شمارا از تاریکیهای بیابان
وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجٰىنَا
و دریا میخوانید اورا بجهت رهانیدن خود بزاری و پنهانی اگر نجات دهد مارا
مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّٰكِرِينَ ۝ قُلِ اللّٰهُ
از این البته باشیم از شکر گویندگان بگو خدا
يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ
نجات دهد شمارا ازان و از هر اندوهی پس شما باز شرک میآرید
قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا
بگو اوست توانا برآنکه بفرستد بر شما عذابی
مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ
از زبر شما یا از زیر قدم شما یا بیامیزد شمارا
شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ اُنْظُرْ
باگروهها و بچشاند بعضی را از شما رنج بعضی بنگر
كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۝ وَ
چگونه میگردانیم آیتهارا شاید که ایشان دریابند و
كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ
دروغ میداشتند قرآن را قوم تو و آن درست است بگو نیستم من بر شما
بِوَكِيلٍ ۝ لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
نگهبان مر هر خبری وقتی است و زود باشد که بدانید
وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي اٰيٰتِنَا
و چون ببینی تو آنکسان را که در آیند در آیتهای ما
فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ
پس اعراض کن از ایشان تا در آیند در حدیثی دیگر

وکذّب به قومک
این آیه سببست که حکم
آن منسوخست بآیت
سیف

واذا رأیت
سبب نزول این آیه آن بود
که کفار بمسلمانان
استهزا کنان

وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَٰنُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ
واگر فراموش گرداند ترا دیو پس منشین بعد از آنکه

الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّٰلِمِينَ ۝ وَمَا عَلَى
یاد کردن سخن خدا را با گروه ستمکاران و نیست بر

الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَ
آنانکه پرهیز کنند از شمار ایشان از چیزی و

لَٰكِن ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَذَرِ الَّذِينَ
لیکن پند دادنی شاید که ایشان پرهیز کنند و اعراض کن از آنانکه

اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوٰةُ
گرفتند دین خود را بازی و مشغولی و فریب داده ایشان را زندگانی

الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ
دنیا و پند ده ایشان را بقرآن تا تعلیم کرده شود نفس گرفتار بانچه کرده است

لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَ
نیست مر او را از جز خدا تعالی دوستی و نه شفیعی

إِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَٰئِكَ
اگر فدا دهد هر فدائی فرا گیرد از و آن گروه

الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ
آنکه سپرده شده اند بانچه کسب کرده اند مر ایشان راست آشامیدنی از

حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝
آب گرم و عذابی دردناک بانچه بودند که کافر میشدند

قُلْ أَنَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُنَا وَ
بگو آیا میپرستیم از جز خدا تعالی آنچه سود نکند ما را

لَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَىٰنَا
و نه زیان رساند و آیا باز گردیم بر پاشنهای خود بعد از آنکه راه نمود ما را

اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَٰطِينُ فِي
خدا تعالی مانند کسیکه برده باشد دیوان در

الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَٰبٌ يَدْعُونَهُ إِلَى
زمین سرگشته مر او را یاران میخوانند او را بسوی

نشستندی الذین
فی الحال خوض میکردند در
تکذیب قرآن یا بمعنی کلمات
آن حق تعالی فرمود که چون
کفار تکذیب کنند برخیزید
و از ایشان دور باشید
آمد این آیت و ما علی الذین
سبب نزول ...

الهدی

[illegible]

الهدی ائتنا قل ان هدی الله هو الهدی
راه راست میگویند بدرستیکه دین خدا تعالی اوست راه راست
وامرنا لنسلم لرب العلمین ۝ وان اقیموا
وما را فرموده اند تا گردن نهیم پروردگار عالمیان را و آنکه برپا دارید
الصلوة واتقوه وهو الذی الیه تحشرون
نماز را و بترسید از خدا تعالی و اوست آنکه بسوی او جمع کرده خواهید شد
وهو الذی خلق السموت والارض بالحق
و اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین براستی
ویوم یقول کن فیکون ۝ قوله الحق وله
و روز بر آنکه گویم بباش پس باشد سخن او راست است و مر او راست
الملک یوم ینفخ فی الصور علم الغیب و
پادشاهی روزیکه دمند در صور داننده غیب و
الشهادة وهو الحکیم الخبیر ۝ واذ قال
آشکارا و اوست خداوند حکمت دانا و چون گفت
ابرهیم لابیه ازر اتتخذ اصناما الهة
ابراهیم مر پدر خود را آزر آیا میگیری بتان را خدایان
انی ارىک وقومک فی ضلل مبین ۝ و
بدرستیکه من می بینم ترا و گروه ترا در گمراهی هویدا و
کذلک نری ابرهیم ملکوت السموت و
همچنانکه می نمودیم ابراهیم را ملکوت آسمانها و
الارض ولیکون من الموقنین ۝ فلما جن
زمین و تا باشد از بیگمانان پس چون شب شد
علیه الیل را کوکبا قال هذا ربی فلما افل
و تاریک شد دید ستاره درخشان گفت اینست پروردگار من پس آنگاه که فرو رفت
قال لا احب الافلین ۝ فلما را القمر بازغا
گفت دوست ندارم زوال پذیر پس چون دید ماه را برآمده
قال هذا ربی فلما افل قال لئن لم یهدنی
گفت اینست پروردگار من پس آنگاه که روی بغروب کرد گفت اگر راه ننماید مرا

ثلثه

باو علیه السلام اقتدا نمایند
بهشت باشند تا شنه در توحید
نشنوند و از زمین بر [illegible]
نازل کردن [illegible]
خداوند تعالی قصه او را
بر اهل عالم فخر میکردند
و بمجاورت عبادت خانه
علیه السلام [illegible]

٥

رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ۝ فَلَمَّا
پروردگار من باشم از گروه گمراهان پس چون
رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَا أَكْبَرُ
دید آفتاب را برآینده گفت اینست پروردگار من اینست بزرگتر
فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ
پس چون زوال شد گفت ای گروه من بدرستیکه من بیزارم از آنچه انباز میگیرید
إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ
بدرستیکه من خالص کردم روی خودرا مر کسی را که بیافرید آسمانها و
الْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَحَاجَّهُ
زمین مایلم بدین توحید و نیستم من از شرک آرندگان و حجت جستند
قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ
قوم وی گفت آیا حجت میگوئید در خدای و بدرستیکه راه نموده است
وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي
و نمیترسم از آنچه شرک آورده اید بدان مگر آنکه خواهد پروردگار من
شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
چیزی در رسیده است پروردگار من همه چیزها از علم آیا پند نمیگیرید
وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ
و چگونه بترسم از آنکه انبازی گرفتید و نمی ترسید از آنکه شما
أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ
شرک آرید بخدای آنچیز را که نفرستاده باو بر شما
سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ
حجتی پس کدام ازین دو گروه سزاوارتر بایمن بودن اگر
كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ
هستید که بدانید آنانکه گرویدند و نیامیختند ایمان خودرا
بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ
بشرک آنگروه مر ایشانراست ایمنی و ایشان راه یافتگانند
وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ
و این برهان ما بود دادیم آنرا بابراهیم بر قوم خود

نرفع

نرفع درجت من نشاء إن ربك حكيم عليم
بر میداریم درجها هر کرا بخواهیم بدرستیکه پروردگار تو حکم کننده داناست
ووهبنا له إسحق ويعقوب كلا هدينا
و بخشیدیم مر ابراهیم را اسحاق و یعقوب هر یک راه نمودیم
ونوحا هدينا من قبل ومن ذريته داود
و نوح را راه نمودیم از پیش و از ذریه نوح داود
وسليمن وأيوب ويوسف وموسى و
و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی
هرون وكذلك نجزي المحسنين وزكريا
و هارون و همچنین جزا دهیم نیکوکاران را و زکریا
ويحيى وعيسى وإلياس كل من الصلحين
و یحیی و عیسی و الیاس همه از صالحان
وإسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا
و اسمعیل و یسع و یونس و لوط و همه
فضلنا على العلمين ومن ءابائهم وذريتهم
فضیلت دادیم بر جهانیان و از پدران ایشان و فرزندان ایشان
وإخونهم واجتبينهم وهدينهم إلى صرط
و برادران ایشان و برگزیدیم این پیغمبران را و راه نمودیم ایشان را براه
مستقيم ذلك هدى الله يهدي به من
راست این دین خداست راه مینماید بدان هر کرا
يشاء من عباده ولو أشركوا لحبط عنهم ما
خواهد از بندگان خود و اگر شرک آرند هر آئینه باطل شود از ایشان آنچه
كانوا يعملون أولئك الذين ءاتينهم الكتب والحكم
کرده باشند آن گروه آنانند که دادیم ایشان را کتاب و حکمت
والنبوة فإن يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا
و پیغمبری پس اگر کافر شوند بآن این گروه پس بدرستیکه برگماشتیم
بها قوما ليسوا بها بكفرين أولئك الذين
بدان گروهی نیستند بدین چیزها کافر آن گروه آنانند

هدى الله فبهديهم اقتده قل لا اسئلكم

که راه نمود خدا تعالی پس بطریقه ایشان اقتدا کن بگو نمیخواهم از شما

عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعلمين ○ و

بران مزدی نیست این مگر پندی مر عالمیانرا و

ما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل

نه شناختند قدر خدارا چنانچه سزای او باشد چون گفتند نفرستاده است

الله على بشر من شيء قل من انزل الكتب

خدای بر بشری هیچ چیز بگو که فرستاد کتابرا

الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس

آنکه آورد موسی روشنایی و راه نماینده مر مردمانرا

تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا

گردانیدید اورا صحیفها آشکارا میکنید آنرا و پنهان میکنید بسیاری

وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤكم قل الله

و آموخته شده اید آنچه ندانسته اید شما و نه پدران شما بگو خدای تعالی

ثم ذرهم في خوضهم يلعبون ○ وهذا كتب

پس بگذار ایشانرا در باطل خود بازی میکنند و این قرآن

انزلنه مبرك مصدق الذي بين يديه

فرستاده ایم با برکت باور دارنده آنچه پیش از وی بوده

ولتنذر ام القرى ومن حولها والذين

و تا بیم کنند اهل مکه و هر که گرداگرد مکه است و آنانکه

يؤمنون بالاخرة يؤمنون به وهم على

ایمان آورده اند بآخرت ایمان آرند بکتاب و ایشان بر

صلاتهم يحافظون ○ ومن اظلم ممن افترى

نماز خود محافظت نمایند و کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد

على الله كذبا او قال اوحي الي ولم يوح اليه

بر خدای تعالی دروغی یا گفت من پیغمبر اوم و وحی نکرده اند باو

شيء ومن قال سانزل مثل ما انزل الله

چیزی و هیکفت زود باشد که نازل گردانم آنچه نازل کرد خدای تعالی

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ
واگر ببینی چون باشند ظالمان در سکرات مرگ و فرشتگان
بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ
گستراننده دستهای خود را بیرون آرید روحهای خود را امروز
تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ
جزا داده خواهند شد بعذاب خوار کننده با آنچه بودید که میگفتید
عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ
بر خدا تعالی ناراست بود و بودید که از آیات او گردنکشی میکردید
وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
و بدرستیکه آمدید بسوی ما تنها چنانکه شما را آفریده بودیم اول بار
وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ
و گذاشتید آنچه عطا داده بودیم شما را از پس پشت خود و نمی بینیم
مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ
با شما شفیعان شما را آنانکه گمان بردید که ایشان در تربیت
شُرَكَاءُ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم
خدا اند و بدرستیکه بریده شد میان شما و گم شد از شما
مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ
آنچه بودید که گمان میبردید بدرستیکه خدا تعالی شکافنده دانه است و تخم
يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ
بیرون آرد زنده از مرده و بیرون آرد مرده از زنده
ذَٰلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۝ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ
این کننده الله است پس کجا برگردانیده شوید شکافنده صبح است
وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
و گردانید شب را آرام و آفتاب و ماه نشانهای شمار
ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ وَهُوَ الَّذِي
این تقدیر خداوند غالب و داناست و اوست آنکه
جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ
بیافرید برای شما ستاره تا راه یابید بآنها در تاریکیهای بیابان

بر موسی علیه السلام
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صلی الله علیه وآله وسلم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بر مجلس نازل نشده
ع
آیت آمد
و تعظیم نکردند یهود خدا را
چنانکه سزاوار تعظیم او باشد
چون گفتند نفرستاده
خدای بر هیچ آدمی چیزی
بگو کیست که فرستاده است
آن کتاب را

وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُوْنَ ۝ وَ
و دریا بدرستیکه بیان ساختیم نشانها برای گروهیکه دانند و
هُوَ الَّذِيْ اَنْشَاَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ
اوست آنکه بیافرید شما را از یک تن پس شما را قرارگاهیست
وَّمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَّفْقَهُوْنَ
و جای ودیعتی است بدرستیکه بیان کردیم علامات برای گروهیکه فهم کنند
وَهُوَ الَّذِيْ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاۗءِ مَاۗءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ
و اوست آنکه فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بآن
نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَاَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ
رستنیهای هر چیزی پس بیرون آوردیم از این آب سبز بیرون آریم از این
حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ
دانه بعضی خوشه و از خرمابان از غنچه وی شاخها
دَانِيَةٌ وَّجَنّٰتٍ مِّنْ اَعْنَابٍ وَّالزَّيْتُوْنَ وَالرُّمَّانَ
بر هم پیچیده و بوستانها از انگور و زیتون و انار
مُشْتَبِهًا وَّغَيْرَ مُتَشَابِهٍ اُنْظُرُوْا اِلٰى ثَمَرِهٖ اِذَا
مانند یکدیگر و نه مانند یکدیگر بنگرید بمیوه آن چون
اَثْمَرَ وَيَنْعِهٖ اِنَّ فِيْ ذٰلِكُمْ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ
بیرون آرد و در رسیدن وی بدرستیکه در این نشانهاست برای گروهیکه بگروند
وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَاۗءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوْا
و ساختند برای خدا تعالی انبازان دیوان را و آفریده است ایشان را و بربافتند
لَهٗ بَنِيْنَ وَبَنٰتٍۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى
برای او پسران و دختران بی دانشی پاکست او و برتر است
عَمَّا يَصِفُوْنَ ۝ بَدِيْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنّٰى
از آنچه صفت کنند پدید آرنده آسمانها و زمین از کجا
يَكُوْنُ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَمْ تَكُنْ لَّهٗ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ
باشد مر او را فرزندی و نیست مر او را زنی و بیافرید
كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ
همه چیزها و او بهر چیز داناست این موصوفست خداوند

گرد آورد موسی علیه السلام در حالتیکه نشانها دیدند و رهنمونی ...
شما را و بنمود آنرا اطوارها
در انکار ... بعضی از آن
و پنهان ... بسیار
در آموخته شد ...
شما و پسران شما ...
و از دین ... خود بازی
...
...
... نقص از وی
ع
... بود
... است
...
قرآن

ربکم

رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ

پروردگار شما نیست معبودی مگر او آفریننده همه چیزها پس پرستید او را

وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ

و او بر همه چیز نگاهبان است نرسند او را بصرها و او در یابد چشمها را

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ

و او نیکوکار داناست بدرستیکه آمد شما را نشانهای روشن

مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا

از پروردگار شما پس هر که ببیند منفعت او مر او راست و هر که نابینا شود پس بروست

وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ

و نیستم من بر شما نگاهبان و مثل این میگردانیم

الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

آیتها و تا گویند که تو خوانده و تا بیان کنیم قرآن را برای گروهی که میدانند

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

در پی آن رو که وحی کرده شد بتو از پروردگار تو نیست معبودی مگر او

وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا

و روگردان از شرک آرندگان و اگر خواستی خدا تعالی هرگز شرک نیاوردندی

وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم

و نگردانیده ایم ترا برایشان نگهبان و نیستی تو برایشان

بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن

وکیل و دشنام مدهید آنان را که می پرستند از

دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ

جز خدا تعالی پس ناسزا گویند خدا را از ظلم بنادانی همچنین

زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ

آراستیم برای هر امتی کردارهای ایشان پس بسوی پروردگار ایشان بازگشت ایشان

فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ

پس خبر دهد ایشان را آنچه بودند که عمل میکردند و سوگند خوردند بخدا تعالی

جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ

سخت ترین سوگندان ایشان اگر آید بر ایشان نشانه هر آینه ایمان آرند

واعرض عن المشركين
این آیه حسب که منسوخ است بآیت سیف

وما جعلنك
این آیه حسب که منسوخ بآیه سیف

قُلْ إِنَّمَا الْآيٰتُ عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا
بگو جز این نیست که آیتها نزدیک خداست و چه چیز دانا گردانید شما را بدرستیکه چون
جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ
معجزها بیاید نخواهند گروید و میگردانیم دلهای ایشانرا و
أَبْصٰرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ
دیدهای ایشانرا همچنانکه ایمان نیاوردند بدان نخستین بار و میگذاریم ایشانرا
فِي طُغْيٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ
در پیرامن خود که سرگشته میروند و اگر ما فرستادیم بسوی ایشان
الْمَلٰئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ
فرشتگان و سخن میکنند با ایشان مردگان و جمع میکردیم برای ایشان همه چیزها
قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللّٰهُ وَ
گواهی دهند نیستند ایشان که ایمان آرند مگر آنکه خواهد خدا تعالی و
لٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ۝ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا
لکن بیشتر ایشان نمیدانند و همچنین گردانیدیم
لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيٰطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي
برای هر پیغمبری دشمنی دیو و انس و جن وسوسه میکنند
بَعْضُهُمْ إِلٰى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ
بعضی از ایشان براه برخی سخنان دروغ آراسته و اگر
شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ
خواستی پروردگار تو نمیکردندی این پس بگذار ایشانرا و آنچه می بافند
وَلِتَصْغٰى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
و برای آنکه میل کند با آن دلهای آنکه نمیگروند
بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ
بآخرت و برای آنکه پسندند آنرا و برای آنکه میل کنند آنچه ایشان میل کنندگانند
أَفَغَيْرَ اللّٰهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ
آیا غیر خدا تعالی میطلبم حکمی و اوست آنکه فرستاد بسوی شما
الْكِتٰبَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَعْلَمُونَ
قرآنرا بیان کرده شده و آنانکه داده ایم ایشانرا کتاب میدانند

أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ
که قرآن فرستاده شده است از پروردگار تو براستی پس مباش
مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا
از شک آرندگان و تمام شد سخن پروردگار تو از روی راستی
وَعَدْلًا لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
و از عدالت نیست تبدیل کننده مر احکام او و اوست شنوا دانا
وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن
و اگر فرمان بری بیشتر کسانرا که بروی زمین اند گمراه گردانند ترا از
سَبِيلِ اللَّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ
راه راست پیروی نمیکنند مگر گمان خود را و نیستند ایشان
إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ
مگر دروغ گوینده بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بآنکه گم شود
عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ فَكُلُوا
از راه وی و او داناتر است براه یافتگان پس بخورید
مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُم بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ
از آنچه یاد کرده شده است نام خدا تعالی بروی اگر هستید بآیتهای او گروندگان
وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ
و چیست مر شمارا که نخورید از آنچه یاد کرده شده است نام خدا تعالی بران و
قَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ
بدرستیکه تفصیل کرد برای شما آنچه حرام ساخته بر شما مگر آنچه بیچاره شده باشید
إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ
بسوی آن و بدرستیکه بسیاری گمراه میکنند بآرزوهای خویش بی دانش
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ۝ وَذَرُوا ظَاهِرَ
بدرستیکه پروردگار تو اوست داناتر بآنکه از حد درگذشتگان اند و ترک کنید آشکارا
الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ
گناه و پنهانی بدرستیکه آنانکه کسب کنند گناه را
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا
زود باشد که جزا داده شوند بآنچه هستند که کسب میکنند و مخورید از آنچه

اذن نخ
نازل شوند و بایسند و ادان نیکو
را سد از ز عیده و عید او
نا بر عدل بکلمات تبدیل
از ایشان ان و رسیم اکر
بتحو ایمان این بعوه
نکاه بر ایشان نیم انا عداب
بلا در بل دار و دو الکوب
شد ان انو کبسد تحو
صلی تبو ع کلو و اصحابه
و ا نبا بو کم فتم تحو
ا حنفیه بوز اب تا مر
ولا تاکلوا
سبز و تیی
آن بوذ زمین کان
عرب مردار را حلال
در سندی کفته ای
محمد صلی الله علیه و آله
و سلم

لم يذكر اسم الله عليه وانه لفسق وان

یاد کرده اند نام خدا تعالی بر او وخوردن او فسق است وبدرستیکه

الشيطين ليوحون الى اوليائهم ليجادلوكم

دیوان وسوسه میکنند بر دوستان از کافران تا با شما خصومت کنند

وان اطعتموهم انكم لمشركون ۝ او من كان

واگر فرمان برید ایشان را بدرستیکه شما مشرکان باشید آیا آنکسکه بوده

ميتا فاحيينه وجعلنا له نورا يمشي به في

مرده پس زنده گردانیم آن را ودادیم مر او را نوری میرود بآن در

الناس كمن مثله في الظلمت ليس بخارج

مردمان پس ایچنین کسی باشد در تاریکیها نیست بیرون آینده

منها كذلك زين للكفرين ما كانوا يعملون

از آن همچنین آراسته کرده اند برای کافران آنچه میکنند از عبادت

وكذلك جعلنا في كل قرية اكبر مجرميها

وهمچنین آفریدیم در هر دیهی بزرگان که گنهکاران اند

ليمكروا فيها وما يمكرون الا بانفسهم وما

تا مکر کنند در آن ومکر ایشان راجع است بذات ایشان و

يشعرون ۝ واذا جاءتهم اية قالوا لن نؤمن

نمیدانند وچون بیاید بکفار قریش آیتی گویند ایمان نیاریم

حتى نؤتى مثل ما اوتي رسل الله الله اعلم

تا [illegible] مانند آنکه داده شده پیغمبران خدا تعالی داناتر است

حيث يجعل رسالته سيصيب الذين اجرموا

آنجا که بنهد پیغامهای خویش زود باشد که برسد آنکسانی را که جرم کنند

صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا

خواری نزد خدا تعالی وعذاب سخت بآنچه بودند

يمكرون ۝ فمن يرد الله ان يهديه يشرح

که مکر میکردند پس هر که خواهد خدا تعالی آنکه راه نماید اورا بگشاید

صدره للاسلام ومن يرد ان يضله يجعل

دل او را برای اسلام وهر کرا خواهد آنکه گمراه گرداند اورا گرداند

ع

صدره

صدره ضيقا حرجا كأنما يصعد في السماء
دل اورا تنگ سخت گویی که بالا میرود در آسمان

كذلك يجعل الله الرجس على الذين لا
همچنین میکارد خدایتعالی عذاب بر آنانکه نمی

يؤمنون ○ وهذا صراط ربك مستقيما
گروند و این راه است از پروردگار تو پسندیده

قد فصلنا الآيات لقوم يذكرون ○ لهم
بدرستیکه بیان کردیم آیات قرآنرا برای گروهیکه پند میگیرند مر ایشانراست

دار السلام عند ربهم وهو وليهم بما كانوا
بهشت نزد پروردگار ایشان و او ناصر ایشانست بسبب آنچه بودند

يعملون ○ ويوم يحشرهم جميعا يا معشر الجن
که کردند و روزیکه حشر کنیم ایشانرا همه ای گروه دیوان

قد استكثرتم من الإنس وقال أولياؤهم
بدرستیکه بسیاری یافتند از آدمیان و گویند دوستان شیطان

من الإنس ربنا استمتع بعضنا ببعض و
از آدمیان ای پروردگار ما برخورداری یافت بعضی از ما بعضی دیگر و

بلغنا أجلنا الذي أجلت لنا قال النار
رسیده ایم برای ما وقتیکه مقرر کرده گوید آتش

مثواكم خالدين فيها إلا ما شاء الله إن
آرامگاه شماست جاوید باشید در آن مگر آنچه خواهد خدایتعالی بدرستیکه

ربك حكيم عليم ○ وكذلك نولي بعض
پروردگار تو حکم کننده داناست و همچنین مسلط میگردانیم بعضی

الظالمين بعضا بما كانوا يكسبون ○ يا معشر
از ظالمان بر بعضی بآنچه هستند کسب میکنند ای گروه

الجن والإنس ألم يأتكم رسل منكم يقصون
دیوان و آدمیان آیا نیامد شما را پیغمبری از شما که خوانند

عليكم آياتي وينذرونكم لقاء يومكم هذا
بر شما کتاب مرا و بیم کنند شما را دیدن آن روز که قیامت است

قالوا شهدنا على أنفسنا وغرتهم الحيوة
گویند گواهی میدهیم بر نفسهای خود و فریفته کرده زندگانی
الدنيا وشهدوا على أنفسهم أنهم كانوا
دنیا و گواهی دادند بر نفسهای خود هر آینه ایشان بودند
كفرين ۝ ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى
کافران این برای آنست که نیست آفریدگار تو هلاک کننده دیهها
بظلم وأهلها غفلون ۝ ولكل درجت
بظلمی و اهل آن شهر غافلان باشند و مر هر عمل کننده را مراتبست
مما عملوا وما ربك بغفل عما يعملون ۝
از آنچه کرده اند و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنند
وربك الغني ذو الرحمة إن يشأ يذهبكم
و پروردگار تو بی نیاز خداوند رحمت است اگر خواهد ببرد شما را
ويستخلف من بعدكم ما يشاء كما أنشأكم
و جانشین سازد از پس شما هر کرا خواهد همچنانکه پیدا کرد شما را
من ذرية قوم اخرين ۝ إن ما توعدون
از ذریه قومی دیگر هر آینه آنچه وعده داده اند شما را
لات وما أنتم بمعجزين ۝ قل يقوم اعملوا على
از قیامت و نیستید شما عاجز کنندگان بگو ای کافران عمل کنید بر
مكانتكم إني عامل فسوف تعلمون ۝
حالت خود هر آینه من عمل کننده ام پس زود باشد که بدانید
من تكون له عقبة الدار إنه لا يفلح
آنکس را که باشد مر او را عاقبت بسزا هر آینه رستگار نشوند
الظلمون ۝ وجعلوا لله مما ذرأ من الحرث
ستمکاران و گردانیدند برای خدای تعالی از آنچه آفرید از کشت زار
والأنعام نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم
و چهارپایان بهره پس گفتند این نصیب مر خدایست بدروغ ایشان
وهذا لشركائنا فما كان لشركائهم فلا
واین نصیب برای شریکان ما پس نصیبی که باشد برای بتان ایشان پس نمی

وجعلوا لله
سبب نزول نفی آنچه ذکر شد کافران
عرب از حاصل زمینها آن کشت
زار یا محصول غله تخم کردندی
و آن را همه برای خدای تعالی و یک
و هم برای بتان نشان کردندی
همچنین چهارپایان را نیز
قسمت کردندی و بعضی برای
الله و برخی برای بتان
آنچه نصیب برای خدای
بودی به مهمانان و درویشان
دادندی و آنچه برای بتان بودی
بدادندی به بتان و خادمان
بودی به بتان دادندی
قسمت نمودندی
آنچه زود از برای خدا
ازین نصیب بودی
دو نصیب تسلیم شدی

يصل

يَصِلُ اِلَى اللّٰهِ ۚ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ اِلٰى
رسد بخدا تعالى و آن نصیب که مر خدا راست پس آن میرسد بر
شُرَكَآئِهِمْ ۗ سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ۝ وَكَذٰلِكَ زَيَّنَ
بتان ایشان بد حکمی است که میکنند و مانند این آراینده
لِكَثِيْرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ قَتْلَ اَوْلَادِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ
برای بسیاری از مشرکان کشتن فرزندان ایشان را شریکان ایشان
لِيُرْدُوْهُمْ وَلِيَلْبِسُوْا عَلَيْهِمْ دِيْنَهُمْ ۚ وَلَوْ شَآءَ
تا هلاک کنند ایشان را و تا پوشیده گردانند بر ایشان آیین ایشان را و اگر خواستی
اللّٰهُ مَا فَعَلُوْهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُوْنَ ۝
خدا تعالی نکردندی مشرکان پس بگذار ایشان را و آنچه افترا میگویند
وَقَالُوْا هٰذِهٖٓ اَنْعَامٌ وَّحَرْثٌ حِجْرٌ ۖ لَّا يَطْعَمُهَآ
و گفتند که این چهارپایان و کشت حرامست نخورند آن را
اِلَّا مَنْ نَّشَآءُ بِزَعْمِهِمْ وَاَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُوْرُهَا
مگر آنکه خواهیم بگمان خود و این چهارپایانند که حرام کرده شده است این چهارپایان
وَاَنْعَامٌ لَّا يَذْكُرُوْنَ اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا افْتِرَآءً
و دیگر چهارپایانند یاد نمیکنند نام خدا را بر ذبح آن افترا کردنی
عَلَيْهِ ۗ سَيَجْزِيْهِمْ بِمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ۝ وَقَالُوْا
در ایشان زود باشد که جزا دهد ایشان را بانچه افترا میکنند و گفتند
مَا فِيْ بُطُوْنِ هٰذِهِ الْاَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُوْرِنَا
آنچه در شکمهای این چهارپایانست پاکست برای مردان ما
وَمُحَرَّمٌ عَلٰٓى اَزْوَاجِنَا ۚ وَاِنْ يَّكُنْ مَّيْتَةً فَهُمْ
و حرام کرده شد بر زنان ما و اگر باشد مردار پس ایشان
فِيْهِ شُرَكَآءُ ۗ سَيَجْزِيْهِمْ وَصْفَهُمْ ۗ اِنَّهٗ حَكِيْمٌ
همه شریک باشند زود باشد که پاداش دهد ایشان را وصف ایشان را بدرستیکه او حکم کننده
عَلِيْمٌ ۝ قَدْ خَسِرَ الَّذِيْنَ قَتَلُوْٓا اَوْلَادَهُمْ
دانا است بدرستیکه زیان کردند آنانکه کشتند اولاد خود را
سَفَهًاۢ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّحَرَّمُوْا مَا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ افْتِرَآءً
از بیخردی بی دانستنی و حرام ساختند آنچه روزی داده است ایشان را خدا تعالی افترا

و اگر
چیزی از نصیب
خدای در میان نصیب
بتان افتادی بر
نداشتندی گفتندی
خدای توانگر است
بدین
احتیاج ندارد
و اگر
نصیب بتان
بنصیب خدای مخلوط
شدی بر نداشتندی
و با نصیب بتان ضم کردندی
و گفتندی ایشان فقیر
و محتاج اند

ع

خداوند
تعالی
ازین حال
بفرستادن این آیت
خبر داد

ذکر ادیان
... ... ...
... ... ...
... ... ...

ربع

عَلَى اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَ

بر خدای تعالی بدرستیکه گمراه شدند و نیستند راه یافتگان و

هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنّٰتٍ مَعْرُوشٰتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشٰتٍ

اوست آنکه پیدا کرد بوستانها بر داشته و بر زمین افتاده

وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ

و بیافرید درخت و کشت ها را مختلف است ثمره بر یک و زیتون

وَالرُّمَّانَ مُتَشٰبِهًا وَغَيْرَ مُتَشٰبِهٍ كُلُوا مِنْ

و انار مانند یکدیگر و مانند نیست بخورید از

ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ

میوه بر یک چون میوه پیدا کند و بدهید میوه را روز درویدن زرع

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ وَمِنَ

و از حد در مگذرید بدرستیکه خدای تعالی دوست نمیدارد مسرفانرا و در

الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ

چهارپایان بارکنند و بر زمین افکنده بخورید از انچه روزی داد شمارا خدای تعالی

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

و پیروی مکنید گامهای شیطان بدرستیکه او مر شمارا دشمنی

مُبِينٌ ثَمٰنِيَةَ أَزْوٰجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ

هویداست از چهارپایان بیافرید هشت زوج از انچه پشم دارند

وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ

و از انها که موی دارند گویا هر دو نر حرام کرد یا

الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ

دو ماده را یا حرام ساخته آنرا رحمهای هر دو ماده

نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ۝ وَمِنَ

خبر دهید مرا بعلم اگر هستید راست گویان و از

الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ

شتر دو زوج نر و ماده و از گاو نیز همان گویا هر دو نر حرام کرد

حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ

رحمهای هر دو ماده یا آنرا حرام ساخته رحمهایی

الانثيين

الأنثيين أم كنتم شهداء إذ وصاكم الله
ار دو ماده یا بودید شما حاضران آنهنگام که وصیت کرد شما را خدای تعالی
بهذا فمن أظلم ممن افترى على الله كذبا
بدان پس کیست ظالم‌تر از آنکه افترا کند بر خدای تعالی دروغ را
ليضل الناس بغير علم إن الله لا يهدي
تا گمراه کرد از مردمان را بی‌دانشی هر آینه خدای تعالی راه نماید
القوم الظالمين ۝ قل لا أجد في ما أوحي
گروه ستمکاران بگو نمی‌یابم در آنچه وحی کرده اند
إلي محرما على طاعم يطعمه إلا أن يكون
بمن که حرام کرده شده بر خورنده که خورد آنرا مگر آنکه باشد
ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه
مردار یا خونی روان یا گوشت خوک پس او
رجس أو فسقا أهل لغير الله به فمن اضطر
پلید است یا باشد فسقی آواز برداشته بغیر نام خدای تعالی پس هر که درمانده شود
غير باغ ولا عاد فإن ربك غفور رحيم ۝
نه ستمکار بود و نه از حد درگذشته پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است
وعلى الذين هادوا حرمنا كل ذي ظفر ومن
و بر آنانکه یهود اند حرام کردیم هر جانوری که ناخن دارد و از
البقر والغنم حرمنا عليهم شحومهما إلا ما
گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پیه‌های ایشان مگر آنچه
حملت ظهورهما أو الحوايا أو ما اختلط
برداشته بودی پشتهای ایشان یا چربی که متعلق رودهای ایشان یا آنچه آمیخته بودی
بعظم ذلك جزيناهم ببغيهم وإنا لصادقون
باستخوان این پاداش داده بودیم ایشان را بظلم ایشان و ما راست گوییم
فإن كذبوك فقل ربكم ذو رحمة واسعة
پس اگر تکذیب کنند ترا پس بگو پروردگار شما خداوند بخشایش بسیار
ولا يرد بأسه عن القوم المجرمين ۝ سيقول
و بازداشته نخواهد شد از گروه مجرمان رد کرده شده که گویند

الذين اشركوا لو شاء الله ما اشركنا ولا
آنانکه مشرکانند اگر خواستی خدا تعالی شرک نمی آوردیم ما ونه
اباؤنا ولا حرمنا من شيء كذلك كذب
پدران ما وحرام نمیکردیم از چیزی همچنین تکذیب کردند
الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل هل
آنانکه پیش از ایشان تا چشیدند عذاب ما بگو آیا هست
عندكم من علم فتخرجوه لنا ان تتبعون
نزدیک شما هیچ امری پس بیرون آرید آنرا برای ما نه پیروی میکنید
الا الظن وان انتم الا تخرصون ○ قل
مگر گمان خود را ونیستید شما مگر دروغ میگوئید بگو
فلله الحجة البالغة فلو شاء لهدىكم
پس مر خدا راست حجت رسنده پس اگر خواستی راه نمودی شما را
اجمعين ○ قل هلم شهداءكم الذين
همه بگو بیارید گواهان خود را آنانکه
يشهدون ان الله حرم هذا فان شهدوا
گواهی دهند آنکه خدا تعالی حرام کرده است این پس اگر گواهی دهند
فلا تشهد معهم ولا تتبع اهواء الذين
پس گواهی مده با ایشان وپیروی مکن آرزوهای آنانکه
كذبوا بايتنا والذين لا يؤمنون بالاخرة
تکذیب کردند آیتهای ما وآنانکه نمیگروند بآخرة
وهم بربهم يعدلون ○ قل تعالوا اتل ما
وایشان پروردگار خود برابری میکنند بگو بیائید بخوانیم آنچه
حرم ربكم عليكم الا تشركوا به شيا و
حرام کرده است پروردگار شما بر شما آنکه شریک مسازید بخدا تعالی چیزی را و
بالولدين احسنا ولا تقتلوا اولادكم
با مادر و پدر نیکوئی کنید ومکشید فرزندان خود را
من املاق نحن نرزقكم واياهم ولا
از ترس درویشی ما روزی میدهیم شما را وایشان را ومکنید

قل تعالوا
این آیه سبب کرد از جمله
نقش آیه است که در راه مکه
...

تقربوا

تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن

نزدیکی زشتیها آنچه آشکارا باشد از آن و آنچه پنهان بود

ولا تقتلوا النفس التی حرم الله الا بالحق

و مکشید آن نفس را که حرام کرد خدای تعالی مگر براستی

ذلکم وصیکم به لعلکم تعقلون ۝ ولا

این امر کرد شما را نگاه داشت آن شاید که شما دریابید و مشوید

تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی

نزدیک مال یتیم را مگر بخصلتی که آن نیکوتر است تا

یبلغ اشده واوفوا الکیل والمیزان بالقسط

برسد بقوت خود و تمام پیمائید کیل را و ترازو را بعدل

لا نکلف نفسا الا وسعها واذا قلتم فاعدلوا

تکلیف نمیکنم کسی را مگر آنچه در گنجایش او باشد و چون گوئید پس راستی کنید

ولو کان ذا قربی وبعهد الله اوفوا ذلکم

و اگر باشد خداوند خویشی و بعهد خدای تعالی وفا نمائید این

وصیکم به لعلکم تذکرون ۝ وان هذا

وصیت کرد شما را بآن شاید که شما پند پذیرید و آنچه درین

صراطی مستقیما فاتبعوه ولا تتبعوا السبل

راه منست راه راست پس متابعت کنید او را و پیروی مکنید راههای پراکنده

فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصیکم به

پس از راهها جدا کند شما را از راه حق این فرموده است شما را بحفظ آن

لعلکم تتقون ۝ ثم اتینا موسی الکتب

شاید که شما پرهیزید پس دادیم موسی را توریت

تماما علی الذی احسن وتفصیلا لکل شیء

تمامی بر کسیکه نیکو قیام نماید و بیان هر چیز

وهدی ورحمة لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

و هدایت و بخشایش شاید که ایشان بلقای پروردگار ایشان ایمان آرند

وهذا کتب انزلنه مبرک فاتبعوه واتقوا لعلکم

و این کتابیست فرستادیم او را بسیار نفع پس پیروی کنید او را و پرهیزید شاید که شما

[illegible]

لا نکلف نفس

[illegible]

تُرْحَمُونَ ۝ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَى
رحمت کنند آنکه گویند جز این نیست که فرستاده شده است کتاب بر
طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ
دو گروه پیش از ما و اگر بودیم از قرائت ایشان
لَغَافِلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا
بیخبران یا گویید اگر فرستاده بودی بر ما
الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ
کتاب بودیم راه یافته تر از ایشان پس بدرستیکه آمد بشما
بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ
حجتی از پروردگار شما و راه نماینده و بخشش پس کیست ستمکارتر
مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا
از آنکه دروغ شمرد آیتهای خدا تعالی و اعراض کرد از آن
سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ
زود باشد که جزا دهیم آنانرا که برمیگردند از آیات ما بدترین
الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ
عذاب آنچه بودند که اعراض میکردند آیا انتظار میبرند
إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ
مگر آنکه بیایند ایشان فرشتگان یا بیاید امر پروردگار تو یا
يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ
بیاید بعضی از آیات پروردگار تو روزیکه بیاید بعضی از آیات
رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ
پروردگار تو سود نکند هیچ نفسی را ایمان نفسی را اگر نبوده است که ایمان آورده
قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا
از پیش یا کسب کرده باشد در ایمان خود نیکو بگو انتظار برید
إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ
بدرستیکه منتظرانیم بدرستیکه آنانکه پراکنده کردند دین خود را
وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ
و گشتند گروه گروه نیستی تو از ایشان در چیزی جز این نیست کار ایشان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الی الله

إلى الله ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون ۝ من

باخدایست پس خبر دهد ایشان را آنچه هستند میکنند در دنیا هر که

جاء بالحسنة فله عشر أمثالها ومن

بیاید به نیکوئی پس مر او راست ده مانند آن و هر که

جاء بالسيئة فلا يجزى إلا مثلها وهم

بیاید به بدی پس جزا داده نشود مگر مانند آن و ایشان

لا يظلمون ۝ قل إنني هدىني ربي إلى صراط

ستم کرده نشوند بگو بدرستیکه راه نموده است مرا پروردگار من براهی

مستقيم ۝ دينا قيما ملة إبرهيم حنيفا

راست دینی پاینده که آن ملت ابراهیم است [illegible]

وما كان من المشركين ۝ قل إن صلاتي

و نبود از مشرکان بگو بدرستیکه نماز من

ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العلمين

و قربان و حج من و زندگانی من و آنکه میمیرم مر خدای راست پروردگار عالمیان

لا شريك له وبذلك أمرت وأنا أول

نیست مر او را شریک و بدین مامور شده ام و من اول

المسلمين ۝ قل أغير الله أبغي ربا وهو

مسلمانانم بگو آیا غیر خدا تعالی طلبم پروردگاری و اوست

رب كل شيء ولا تكسب كل نفس إلا عليها

آفریدگار هر چیزی و کسب نکند هیچ تنی مگر وبال آن بر وی باشد

ولا تزر وازرة وزر أخرى ثم إلى ربكم

و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری پس بسوی پروردگار شما

مرجعكم فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون

بازگشت شما پس خبر دهد او شما را آنچه بودید در آن اختلاف کردید

وهو الذي جعلكم خلئف الأرض ورفع

و اوست آنکه گردانید شما را خلیفهای زمین و برداشت

بعضكم فوق بعض درجت ليبلوكم في

بعض از شما زبر برخی دیگر پایهای بلند تا بیازماید شما را در

ولا تزر وازرة
اینچنین سبب نزولش
آنبود که ولید بن مغیره
گفت ای صنادید
عرب متابعت
من

کنید
و گناهان
شما در گردن من
حضرت حق سبحانه
و تعالی جل جلاله
در قول آیت
فرستاد
بست

ما آتيكم ان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم

آنچه داد شما را بدرستیکه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و او آمرزنده مهربانست

## سورة الاعراف مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

المص كتاب انزل اليك فلا يكن في صدرك

کتابیست فرستاده شده بسوی تو پس نباشد در سینه تو

حرج منه لتنذر به وذكرى للمؤمنين

تنگی از و تا بیم کنی بدان و تا پند دهی مرمؤمنان را

اتبعوا ما انزل اليكم من ربكم ولا

پیروی کنید آنچه فرستاده شده بشما از پروردگار شما و مکنید

تتبعوا من دونه اولياء قليلا ما تذكرون

پیروی بجز وی دوستان اندکی پند میگیرید

وكم من قرية اهلكناها فجاءها بأسنا بياتا

و بسیار اهل دیها هلاک کردیم پس آمد بایشان عذاب ما در شب

او هم قائلون فما كان دعواهم اذ جاءهم

یا ایشان خفتگان پس نبود در خواست ایشان وقتی که آمد بایشان

بأسنا الا ان قالوا انا كنا ظالمين

عذاب ما مگر آنکه گفتند بدرستیکه ما بودیم ستمکاران

فلنسئلن الذين ارسل اليهم ولنسئلن

پس بپرسیم آنکسانی را که فرستاده شده اند بسوی ایشان و بپرسیم

المرسلين فلنقصن عليهم بعلم وما كنا

فرستادگان را پس بگوییم بر ایشان بدانش و نبودیم ما

غائبين والوزن يومئذ الحق فمن

پنهان و سنجیدن آنروز درست است پس هر که

ثقلت موازينه فاولئك هم المفلحون

گران بود ترازوی او پس آنگروه ایشانند رستگاران

سوره اعراف تمام مکیست مگر هشت آیه که مدنیست چنانکه در حاشیه آن گفته شود و دویست و

شش آیه ایست که هیچ یکی از آن ناسخ نیست و محکم یک آیه از آن منسوخ است چنانکه در حاشیه معلوم میشود

سبب نزولش تذکیر و موعظت بنی آدم است بتخصیص مؤمنان

ومن خفت

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ
وهرکه سبک باشد ترازوی او پس آن گروه آنانند
خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ
که زیان کردند بهوای نفس خود بانچه بودند بآیتهای ما ستم کردند
وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ
وبدرستیکه جای دادیم شمارا در زمین وآفریدیم برای شما
فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ
در آن اسباب معیشت اندکی شکر میکنید وبدرستیکه
خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ
بیافریدیم جد شمارا آدم پس نقش کردیم شمارا پس گفتیم مر فرشتگان را
اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن
سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس نبود
مِّنَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ
از سجده کنندگان گفت چه چیز باز داشت ترا از آنکه سجده نکردی
إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن
چون فرمودیم ترا گفت من بهترم ازو بیافریدی مرا از
نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ۝ قَالَ فَاهْبِطْ
آتش وآفریدی او از گل گفت فرود آی
مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ
از آسمانها پس روا نباشد مر ترا آنکه گردنکشی کنی در آسمانها پس بیرون رو
إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ۝ قَالَ أَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ
بدرستیکه تو از خوار شدگانی گفت مهلت ده مرا تا روزیکه
يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۝ قَالَ
برانگیخته شوند گفت بدرستیکه تو از مهلت داده شدگان گفت
فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ
بسبب آنکه مرا بی بهره کردی بنشینم فرزندان آدم را براه
الْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
راست پس بیایم ایشانرا از پیش ایشان

از استماع قصهها نشینندگان بپند بپذیرند خصوصا ازشنیدن قصه ع آدم صفی

علیه السلام عبرت گیرند ودر دایره انقیاد اوامر الهی درآیند واز ارتکاب مناهی اجتناب نمایند وبرای این سبب مخصوص معلوم نشد والعلم عندالله

و گفته اند از حضرت حق تعالی
دستان
بچهار بخش مر پاره کردند
و حوا علیهم السلام بر خوردند
پس از آدم علیه السلام
ایشان نمیشد بر دوزخ
که از بهشت عورت
بعد نزول ایشان

وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ
و از پس ایشان و از راست ایشان و از چپ ایشان

وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ اخْرُجْ
و نیابی بیشتر ایشان شکر کنندگان گفت بیرون رو

مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا ۝ لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ
از جنت نکوهیده عیبناک هر که پیروی تو کند از بنی آدم

نصف

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَيَا آدَمُ
هر آئینه پر کنم دوزخ از شما همه وای آدم

اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ
ساکن شو تو و جفت تو در بهشت پس بخورید از هر جا که

شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ
خواهید و نزدیک مشوید این درخت را پس باشید از

الظَّالِمِينَ ۝ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ
ستمکاران پس وسوسه کرد مر آدم و حوا را شیطان تا آشکار کند

لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا
برای ایشان آنچه پوشیده بود از ایشان از عورات ایشان و گفت نه

نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ
باز داشت شما را آفریدگار شما از این درخت مگر آنکه

تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ۝ وَ
باشید دو فرشته یا باشید از جاویدماندگان و

قَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ۝ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ
سوگند خورد و بدرستیکه من مر شما را از نصیحت کنندگانم پس فرود آورد ایشان را از وسوسه

فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا
پس بچشیدند از میوه ظاهر شد مر ایشان عورات ایشان و در ایستادند

يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا
می چسپانیدند بر عورات از برگ درخت بهشت و ندا کرد ایشان را

رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ
پروردگار ایشان آیا نه شما را نهی کرده بودم از خوردن این درخت و نگفته بودم

از آن را جای بازی
که عورت پوشیده بود
و ابلیس در بهشت نمیتوان
در آن سبب از آن زمان
که نشنید و دیدن عورت
و از او معصیت اندازد
بر آن سبب از ایشان

لكما

لکما ان الشیطن لکما عدو مبین ۝ قالا ربنا
شما را بدرستیکه شیطان مر شما دشمنی است ظاهر گفتند ای پروردگار ما

ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا
ستم کردیم بر نفسهای خود و اگر نیامرزی ما را و نبخشایی بر ما

لنکونن من الخسرین ۝ قال اهبطوا بعضکم
هر آینه باشیم از زیان کاران گفت فرو روید بعضی از شما

لبعض عدو ولکم فی الارض مستقر و
مر بعضی را دشمن و مر شما راست در زمین قرارگاه و

متاع الی حین ۝ قال فیها تحیون وفیها تموتون
برخورداری تا هنگام گفت در زمین میزیید و در آن میمیرید

ومنها تخرجون ۝ یبنی ادم قد انزلنا علیکم
و از آن بیرون آورده میشوید ای فرزندان آدم بدرستیکه فرستادیم بر شما

لباسا یواری سواتکم وریشا ولباس التقوی
پوششی می پوشد عورات شما و آنچه بدان آرایش کنید و جامه تقوی

ذلک خیر ذلک من ایت الله لعلهم یذکرون ۝
این بهتر است این از آیات خدای تعالی تا باشد که ایشان پند گیرند

یبنی ادم لا یفتننکم الشیطن کما اخرج
ای فرزندان آدم پرهیز باشید تا در فتنه نیندازد شما را دیو همچنانکه بیرون آورد

ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما
پدر و مادر شما را از بهشت برمیکشید از ایشان جامهای ایشان

لیریهما سواتهما انه یرکم هو وقبیله من
تا بنماید عورات ایشان بدرستیکه ابلیس میبیند شما را او و قبیله او از

حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیطین اولیاء
آنجاکه نمی بینید ایشان را بدرستیکه ما گردانیدیم دیوان را دوستان

للذین لا یؤمنون ۝ واذا فعلوا فاحشة
مر آنان را که ایمان نمی آرند و چون کنند فعلی زشت

قالوا وجدنا علیها اباءنا والله امرنا بها
گویند یافته ایم بر آن پدران خود را و خدای تعالی فرموده است ما را بدین

ع

قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى

بگو بدرستیکه خدایتعالی نمیفرماید بزشتی آیا میگوئید بر

اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ

خدایتعالی آنچه نمیدانید بگو فرموده آفریدگار من بعدل و

أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ

راست کنید رویهای خود نزد هر مسجدی و بخوانید خدایرا

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

کویا کننده باشید برای او دین چنانکه بیافرید شمارا بازخواهید کشت

فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ

کروهی راه نموده وکروهی

إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

بدرستیکه ایشان گرفته اند دیوانرا دوستان از جز خدایتعالی

وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ يَا بَنِي آدَمَ

وگمان بردند که ایشان راه یافتند ای فرزندان آدم

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

فراگیرید جامهای خودرا نزدیک هر مسجدی و بخورید و بیاشامید

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ قُلْ مَنْ

واز حد درمگذرید بدرستیکه خدایتعالی دوست نمیدارد اسراف کنندکانرا بگو که

حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ

حرام کرده آرایش که مقرر کرده خدایتعالی آن زینتیکه بیرون آورده برای بندکان خود و پاکیزه

مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

از روزی بگو این برای آنانکه کرویدند درزندگانی دنیا

خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

پاکیزه روز قیامت همچنین تفصیل میکنیم نشانها

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ

برای گروهیکه دارند فهم بگو جز این نیست که حرام کرد پروردگار من گناهان

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ

آنچه پیداست ازو وآنچه پنهانست وگناه و ستمکاررا بنا حق

وان تشرکوا

وان تشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا وان
و آنکه شرک آرید بخدای تعالی آنچه نفرستاده است خدای تعالی حجتی و دیگر که
تقولوا على الله ما لا تعلمون ۝ ولكل امة
گوئید بر خدای تعالی آنچه نمیدانید و مر هر گروهی راست
اجل فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون ساعة
مدتی پس چون بیاید هلاک ایشان واپس نیایند از آن ساعتی
ولا يستقدمون ۝ يبني ادم اما ياتينكم
و نه پیش گیرند ای فرزندان آدم چون بیاید بشما
رسل منكم يقصون عليكم ايتي فمن اتقى
پیغمبران از شما بخوانند بر شما آیتهای مرا پس هر که پرهیزد
واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝
و صلاح آرد پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک گردند
والذين كذبوا باياتنا واستكبروا عنها
و آنانکه تکذیب کردند آیتهای ما و کبر نمودند از ایمان
اولئك اصحب النار هم فيها خلدون ۝ فمن
آنگروه ملازمان آتش اند ایشان در آن جاویدانند پس کیست
اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب
ستمکارتر از کسیکه بربندد بر خدای تعالی دروغی یا دروغ شمرد
باياته اولئك ينالهم نصيبهم من الكتب حتى
آیتهای اورا آنگروه بمیرسد ایشانرا بهره ایشانرا از لوح محفوظ تا
اذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم قالوا اين ما
چون بیایند فرستادگان ما قبض کنند ارواح ایشانرا گویند کجااند بتان که
كنتم تدعون من دون الله قالوا ضلوا
پرستید میخوانید از جز خدای تعالی گویند گم شدند
عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا كفرين
از ما و گواهی دهند بر نفسهای خود که ایشان بودند کافران
قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم
گوید در آیید در امتان در رستیکه گذشته پیش از شما

ذکر کل آیه
آنچه کرا این آیت
در بیان آنکه بر زبان
آدم علیه السلام
چنانکه

و در سوره بقره بشارت رفت ای فرزندان آدم اگر بیاید بشما پیغمبری از شما بخوانند بر شما

آیتهای مرا پس هر که بپرهیزد و صلاح آرد پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوه غم و وسوسه میخورند

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ

لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ

أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ

عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ

وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ

فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ

بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ

وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ۝ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ

مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ

نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ

مِنْ غِلٍّ

وعذاب دوزخ
بسبب آنکه ایشان بوده
و دیدن بهشت دور از ایشان
و اعراض مردان اعراف
از ایشان که گفته بودی
بعضی خداوند تعالی
امثال ایشان را چون
بلال و عمار و صهیب
بهشت درآرد

مِن غِلٍّ تَجرِي مِن تَحتِهِمُ الأَنهٰرُ وَقَالُوا الحَمدُ لِلّٰهِ
از کینه / میرود از زیر ایشان / جویها / و گویند / ثنا مر خدا راست
الَّذِي هَدٰنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهتَدِيَ لَولَا
آنکه / راه نمود ما را / این / و نبودیم / که راه میتوانستیم یافت / اگر نه
أَن هَدٰنَا اللّٰهُ لَقَد جَاءَت رُسُلُ رَبِّنَا بِالحَقِّ
راه نمودی / خدا تعالی / بدرستیکه آمدند / فرستادهای پروردگار ما براستی
وَنُودُوا أَن تِلكُمُ الجَنَّةُ أُورِثتُمُوهَا بِمَا
و ندا کرده شوند / آنکه / این بهشت / میراث داده شدید از آن / بسبب آنچه
كُنتُم تَعمَلُونَ ۝ وَنَادٰى أَصحٰبُ الجَنَّةِ أَصحٰبَ
بودید که میکردید / و ندا کنند / اهل بهشت / اهل
النَّارِ أَن قَد وَجَدنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا
دوزخ را / آنکه بدرستیکه یافتیم / آنچه وعده کرده بود پروردگار ما / راست
فَهَل وَجَدتُم مَا وَعَدَ رَبُّكُم حَقًّا قَالُوا نَعَم
پس آیا یافتید / آنچه وعده کرده بود پروردگار شما درست / گویند آری
فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَينَهُم أَن لَعنَةُ اللّٰهِ عَلَى
پس آواز دهد آواز دهنده میان ایشان / آنکه لعنت خدا تعالی / بر
الظّٰلِمِينَ ۝ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ
کافران / آنانکه / باز میدارند / از راه / خدا تعالی
وَيَبغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالآخِرَةِ كٰفِرُونَ ۝
و میطلبند / کجی / و ایشان / بآخرت / ناگرویدگان بودند
وَبَينَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الأَعرَافِ رِجَالٌ يَعرِفُونَ
و میان بهشت و دوزخ پرده ایست / و بر اعراف / مردان باشند / بشناسند
كُلًّا بِسِيمٰهُم وَنَادَوا أَصحٰبَ الجَنَّةِ أَن سَلٰمٌ
همه / بعلامتهای ایشان / و ندا کنند / اهل بهشت را / آنکه تحیت حق تعالی
عَلَيكُم لَم يَدخُلُوهَا وَهُم يَطمَعُونَ ۝ وَإِذَا
بر شما / در نیامده باشند / و ایشان / طمع میدارند / و چون
صُرِفَت أَبصٰرُهُم تِلقَاءَ أَصحٰبِ النَّارِ قَالُوا
برگردانند / چشمهای ایشان / بسوی دوزخیان / گویند

ثلثه

و دوزخیان را بیند
و شاد
و آن وقت بهشتیان
تعالی در میان حال این
مر بایشان کند خداوند
شناسان و منکران مارا
سوی کبر و غرور ایشان که خدا
مر ایشان چنین باشد و
و ما را بدوزخ

ع

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الظّٰلِمِينَ ● وَنَادٰى اَصْحٰبُ

ای پروردگار ما مدار ما را با گروه ستمکاران وآواز دهند اصحاب

الْاَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمٰهُمْ قَالُوا

اعراف مردانی که بشناسند علامت ایشان گویند

مَا اَغْنٰى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

دفع نکرد از شما جمع مال که میکردید وآنچه بودید که گردنکشی کردید

اَهٰۤؤُلَاۤءِ الَّذِينَ اَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ

آیا این گروه آنانند که قسم خوردید هرگز نرساند ایشان را خدایتعالی بخشایش

اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَاۤ اَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

درآیید در بهشت نیست ترسی بر شما ونه شما اندوهناک شوید

وَنَادٰىۤ اَصْحٰبُ النَّارِ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اَنْ اَفِيضُوا

وندا کنند دوزخیان بهشتیان را که بریزید

عَلَيْنَا مِنَ الْمَاۤءِ اَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالُوۤا اِنَّ

بر ما از آب یا از آنچه روزی داد شما را خدایتعالی گویند بدرستیکه

اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكٰفِرِينَ ● الَّذِينَ اتَّخَذُوا

خدایتعالی حرام کرده است آن بر کافران آنانکه گرفته اند

دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

دین خود بازی و مشغولی و فریفت ایشان را زندگانی دنیا

فَالْيَوْمَ نَنْسٰهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاۤءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا

پس امروز فروگذاریم چنانکه ایشان گذاشتند دیدن این روز را

وَمَا كَانُوا بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُونَ ● وَلَقَدْ جِئْنٰهُمْ

وآنچه بودند که از روی عناد انکار میکردند وبدرستیکه آوردیم برای ایشان

بِكِتٰبٍ فَصَّلْنٰهُ عَلٰى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً

کتابی که بیان کردیم آن بر دانش راه نماینده وبخشش

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ● هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا تَاْوِيلَهُ

برای گروهی که میگروند آیا انتظار برند مگر عاقبت کتاب

يَوْمَ يَاْتِى تَاْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ

روزی که بیاید عاقبت کتاب گویند آنانکه ترک کردند از آن

اعراف بالا [illegible]

این آیه جبرئیل که در [illegible] [illegible]

قبل

قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا

پیش بدرستیکه آمده بودند فرستادگان آفریدگار ما براستی پس آیا هستند ما را

مِنْ شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ

درخواست کنندگان پس شفاعت کنند برای ما یا بازگردانیده شویم تا کنیم غیر

الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ

آنکه بودیم که عمل میکردیم بدرستیکه زیان کردند در نفسهای خویش و گم شد

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي

ازایشان آنچه بودند که افترا میکردند بدرستیکه پروردگار شما خدایتعالی آنکه

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

بیافرید آسمانها و زمین در شش روز پس

اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ

قصد کرد در آفرینش عرش می پوشد شب روز را یعنی از پی او در آید

حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ

شتاب کننده و آفتاب و ماه و ستاره را رام شده بفرمان او

أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِينَ

بدانید که مر خدایراست آفریدن و فرمان بزرگست خدایتعالی پروردگار عالمیانست

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

بخوانید خدایرا از خوف و امید بدرستیکه خدایتعالی دوست نمیدارد

الْمُعْتَدِينَ ۝ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

از حد درگذرندگان و فساد مکنید در زمین بعد از

إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ

اصلاح آن و بخوانید خدایرا از خوف و امید بدرستیکه رحمت

اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ

خدایتعالی نزدیکست به نیکوکاران و اوست آنکه میفرستد

الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتّٰى إِذَا أَقَلَّتْ

بادها مژده دهندگان پیش از رحمت او که بارانست تا چون برداشتند

سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ

بادها ابرهای گران بار را برانیم ابر را برای زمین مرده پس فرستیم بدین ابر

الماء فأخرجنا به من كل الثمرت كذلك
آب باران پس بیرون آوردیم بدان از هر میوها همچنین
نخرج الموتى لعلكم تذكرون ۝ والبلد الطيب
بیرون آریم مردها شاید که شما دریابید و زمین پاک
يخرج نباته بإذن ربه والذي خبث لا يخرج
بیرون آید رستن او بفرمان خدایتعالی و آنزمین که ناپاک بود بیرون نمی آید
إلا نكدا كذلك نصرف الايت لقوم يشكرون ۝
مگر اندکی همچنین بیان میکنیم نشانها برای گروهی که شکر کنند
لقد أرسلنا نوحا إلى قومه فقال يقوم
بدرستیکه فرستادیم نوح ع بسوی قوم خود پس گفت ای قوم
اعبدوا الله ما لكم من إله غيره إني أخاف
پرستید خدا را نیست شما را معبودی جز او بدرستیکه من میترسم
عليكم عذاب يوم عظيم ۝ قال الملأ من قومه
بر شما از عذاب روز بزرگ گفتند بزرگان از قوم او
إنا لنرىك في ضلل مبين ۝ قال يقوم ليس بي
بدرستیکه ما می بینیم ترا در گمراهی هویدا گفت ای گروه من نیست بمن
ضللة ولكني رسول من رب العلمين ۝
هیچ گمراهی ولیکن من فرستاده ام از پروردگار عالمیان
أبلغكم رسلت ربي وأنصح لكم وأعلم من
میرسانم بشما پیغامهای خدایتعالی و نصیحت میکنم شما را و میدانم از
الله ما لا تعلمون ۝ أوعجبتم أن جاءكم ذكر من
خدایتعالی آنچه نمیدانید آیا شگفت میدارید از آنکه بیاید بشما پیغامی از
ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا
پروردگار شما بر مردی از شما تا بیم کند شما را و تا بپرهیزید
ولعلكم ترحمون ۝ فكذبوه فأنجينه والذين
و شاید که شما بخشیده شوید پس دروغ داشتند نوح را پس نجات دادیم او را و آنان را
معه في الفلك وأغرقنا الذين كذبوا بايتنا
با وی بودند در کشتی و غرق ساختیم آنان را که تکذیب کردند آیتهای ما

لقد ارسلنا چون بقصه آدم علیه السلام آدمیان را پند فرمود

ع

بعد از آن قصه نوح علیه السلام انزال فرمود که آدم ثانیست

و سبب نزولش همانست که در حاشیه از سوره باب قصه مذکور شد

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ۝ وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا

بدرستیکه قوم نوح ع گروهی بودند کوردلان و بسوی عاد برادر ایشان هود

قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ

گفت ای قوم پرستید خدا را نیست شما را معبودی

غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا

جز او آیا نمی پرهیزید گفتند گروهی آنانکه کفر ورزیدند

مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ

از قوم او بدرستیکه ما می بینیم ترا در بیخردی و بدرستیکه گمان میبریم ترا

مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ

از دروغ گویان گفت ای گروه من نیست بمن خفت عقل

وَلَٰكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أُبَلِّغُكُمْ

ولیکن من فرستاده ام از پروردگار عالمیان میرسانم شما

رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ۝ أَوَعَجِبْتُمْ

پیغامهای پروردگار خود و من با شما نصیحت کننده ام امانت دار آیا عجب می آید شما را

أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ

آنکه آید بشما پندی از پروردگار شما بر مردی از شما تا بیم کند شما را

وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ

و یاد کنید نعمت خدا را چون کرد ایشان شما را پس نشینان از پس قوم

نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا

نوح ع و بیفزود شما را در آفرینش توانائی پس یاد کنید

آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ

نعمتهای خدا را شاید که شما رستگار شوید گفتند آیا آمدی با ما که بپرستیم

اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا

خدا را یگانه و دست بداریم آنچه بودند که می پرستیدند پدران ما پس بیار

بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ قَدْ

آنچه ما را وعده کنی اگر هستی از راست گویان گفت بدرستیکه

وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي

واجب شد بر شما از پروردگار شما عذابی و خشمی آیا مجادله میکنید با من

والی عاد اخاهم سبب نزول آیت اینست

ع

برادر ایشان هود یعنی خویشاوند ایشان هود را بعاد کر قبیله‌ایست ابو [illegible] نام پدر هود است وعاد بن عوص بن ارم بن سام بن نوح است علیه السلام ونزد اهل سیر

نام هود عابر است و او بن شالح بن ارفخشد بن سام بن نوح است [illegible]

فِيٓ أَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوهَآ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُم مَّا

در کار این نامها نام نهاده اید ایشان را شما و پدران شما

نَزَّلَ ٱللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَٰنٍ فَٱنتَظِرُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُم

نفرستاده است خدا تعالی بجز آن هیچ حجتی پس منتظر باشید بدرستیکه من با شما

مِّنَ ٱلْمُنتَظِرِينَ ۝ فَأَنجَيْنَٰهُ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ

از منتظر ایم پس نجات دادیم اورا و آنانکه با او بخشش

مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا وَمَا

از ما و ببریدیم بنیاد آنان را که تکذیب کردند بآیتهای ما و

كَانُوا۟ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَٰلِحًا قَالَ

نبودند گرویدگان و بسوی ثمود برادر ایشان صالح ع گفت

يَٰقَوْمِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُۥ قَدْ

ای قوم بپرستید خدا را نیست شما را معبودی جز او بدرستیکه

جَآءَتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمْ

آمد شما را حجتی از پروردگار شما این ناقه خدا است مر شما را

ءَايَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِىٓ أَرْضِ ٱللَّهِ وَلَا

برهانی پس بگذارید اورا بخورد در زمین خدا تعالی در ساند

تَمَسُّوهَا بِسُوٓءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَ

اورا هیچ بدی پس بگیرد شمارا عذابی دردناکی و

ٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنۢ بَعْدِ عَادٍ وَ

یاد کنید چون کرد ایزد شمارا جانشینان از پس قوم عاد و

بَوَّأَكُمْ فِى ٱلْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا

جای داد شمارا در زمین وا گیرید کوشکها برای

قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ ٱلْجِبَالَ بُيُوتًا فَٱذْكُرُوٓا۟

تابستان و میکنید در کوهها خانها پس یاد کنید

ءَالَآءَ ٱللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِى ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝

نعمت خدارا و تباهی مجوئید در زمین تباه کاران

قَالَ ٱلْمَلَأُ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا۟ مِن قَوْمِهِۦ لِلَّذِينَ

گفتند از بزرگان آنانکه تکبر کردند از قوم صالح ع مر آنکسانی را که

قول
از اینها منعم باطل
باشد و قبیله
عاد
مردم تمام ور بودند
و ازایشان ...
در تمام

ع

روی زمین در آن
زمان قبیله عظیم تر
بود و او
مردم
بسیار بودند
و مال و اولاد داشتند
و غیر در پرستش حق
میکردند پس حق
حق سبحانه و تعالی
هود را
بر ایشان
فرستاد پیغمبر هود
علیه السلام
بمیان
قبیله آمد
و ایشان را

استضعفوا

اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا
ضعیفان شمرده بودند مر آنکس را که از ضعیفان شمرده بودند آیا میدانید که آنرا صالح ع
مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ
فرستاده شده از پروردگار او گفتند بدرستیکه ما بدانچه فرستاده شده او بآن گرویده ایم
قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ
گفتند آنانکه سرکشی میکردند بدرستیکه ما بآنچه گرویده اید
بِهِ كَافِرُونَ ۝ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ
بآن ناگرویدگان پس کشتند ناقه را و سرکشی کردند از فرمان
رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ
پروردگار خویش و گفتند ای صالح ع بیار آنچه را که وعده کردی ما را اگر هستی
مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا
از فرستادگان پس گرفت ایشانرا آوازی بزرگ پس گشتند
فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ
در سراهای خود بروی افتادگان پس روی گردانید صالح ع از ایشان و گفت ای قوم
لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ
بتحقیق رسانیدم بشما پیغام پروردگار خود و نصیحت کردم مر شما را
وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ۝ وَلُوطًا إِذْ قَالَ
ولیکن دوست نمیدارید نصیحت کنندگانرا و لوط ع چون گفت
لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا
مر قوم خود را آیا می آیید بعمل زشت پیشی نگرفت شما را بآن
مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
هیچ کس از عالمیان بدرستیکه شما می آیید بر مردان
شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ
از شهوة بدون زنان بلکه شما گروهی اسراف کنندگان
وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ
و نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید اهل لوط را
مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ
از شهرها بدرستیکه ایشان مردمان طلب پاکیزگی کنند پس نجات دادیم او را

نجی
دعوت نمود
حضرت صالح
و نتائج

قصه
او را با
آنحضرت صلی الله
علیه وعلی آله و
اصحابه واحبابه
وسلم

علیهم
داود رحمت
آیت فرستاد
ولوطا اذ قال بعد
از قصه صالح
علیه السلام بقصه
لوط علیه السلام

تذکیر
فرمود که از
احوال آن قوم
عبرت گرفته
از کارهای
ناشایسته
دست

وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ
و کسان او را مگر زن او بود از باقی ماندگان

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
و باران بیدم بر ایشان بارانی پس بنگر چگونه بود عاقبت

الْمُجْرِمِينَ ۝ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ
گنهکاران و بسوی مدین برادر ایشان شعیب ع گفت

يَٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ
ای قوم پرستید خدا را نیست شما را معبودی جز او

قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ
بدرستیکه آمد بشما حجتی از پروردگار شما پس تمام کنید کیل را

وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا
و ترازو را و کم مکنید مردمان را چیزهای ایشان را و مکنید

تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَٰلِكُمْ
خیانت در زمین بعد از اصلاح آن این

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَقْعُدُوا
بهتر است شما را اگر هستید گرویدگان و منشینید

بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
بهر سر راهی که وعید میکنید و باز میدارید از راه

اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا
حق تعالی آنکه ایمان آورده است بخدا تعالی و میجویید کجی و یاد کنید

إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
چون بودید اندکی پس بسیار گردانید شما را و بنگرید چگونه بود

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ
آخر تباه کاران و اگر هست گروهی از شما

آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا
گرویدند بدانچه که فرستاده شده ام بآن و گروهی دیگر نگرویده اند

فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ
پس شکیبائی کنید تا حکم کند خدا تعالی میان ما و او بهترین

الحاکمین

باز دارند و همگی همت بر توبه و استغفار

ع

کافر و سبب نزولش همانست که ذکر یافت والی مدین اخاهم آنچه بعد از

قصه لوط علیه السلام قصه شعیب ع بذکر پیوسته و سبب نزولش همانست که بالا گذشت

و ان کان طائفه سبب نزول آیت آنست

در مدین بن ابرهیم علیه السلام

الجزء التاسع

ع

الحاكمين ۞ قال الملأ الذين استكبروا من
حکم کنندگانست گفتند بزرگان آنانکه گردنکشی کردند از
قومه لنخرجنك يا شعيب والذين آمنوا معك
قوم شعیب هر آینه بیرون کنیم ترا ای شعیب و آنانکه گرویدند با تو
من قريتنا أو لتعودن في ملتنا قال أولو كنا
از دیه خویش یا باز گردید در کیش ما گفت اگرچه باشیم
كارهين ۞ قد افترينا على الله كذبا إن عدنا
ناخواهان بدرستیکه افترا کرده باشیم بر خدا تعالی دروغی اگر باز گردیم
في ملتكم بعد إذ نجانا الله منها وما يكون
در کیش شما بعد از آنکه برهانید ما را خدا تعالی از کفر و نشاید
لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا وسع ربنا
ما را اگر باز گردیم بکفر مگر آنکه خواهد خدا تعالی پروردگار ما رسنده است پروردگار
كل شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح
همه چیزها دانش بر خدا تعالی توکل کردیم خدایا حکم کن
بيننا وبين قومنا بالحق وأنت خير الفاتحين
میان ما و میان قوم ما براستی و تو بهترین حکم کنندگانی
وقال الملأ الذين كفروا من قومه لئن
و گفتند گروهی از اشراف آنانکه کافر شدند از قوم شعیب اگر
اتبعتم شعيبا إنكم إذا لخاسرون ۞ فأخذتهم
متابعت کنید شعیب را هر آینه بدرستیکه شما باشید آنهنگام از زیانکاران پس گرفت ایشانرا
الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين ۞ الذين
زلزله پس گشتند در منزل خود بروی افتادگان آنانکه
كذبوا شعيبا كأن لم يغنوا فيها الذين كذبوا
تکذیب کردند شعیب را گویا نبودند در آن آنانکه تکذیب کردند
شعيبا كانوا هم الخاسرين ۞ فتولى عنهم
شعیب را بودند ایشان زیانکاران پس روی بگردانید از کافران
وقال يا قوم لقد أبلغتكم رسالات ربي و
و گفت ای قوم بدرستیکه رسانیدم بشما پیغامهای پروردگار خود و

نَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسٰى عَلٰى قَوْمٍ كٰفِرِينَ
نصیحت کردم شما را پس چگونه اندوه خورم بر گروه کافران

وَمَا أَرْسَلْنَا فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّبِىٍّ إِلَّا أَخَذْنَا
و نفرستادیم در شهری هیچ پیغامبر مگر بگرفتیم

أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ
اهل آن بسختی و رنج شاید که ایشان زاری کنند

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتّٰى عَفَوا
پس بدل کردیم جای مرض صحت تا بسیار شدند بمال

وَّقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ
و گفتند در رسید پدران ما را رنج و فراخی

فَأَخَذْنٰهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ وَلَوْ
پس گرفتیم ایشان را ناگهان و ایشان نمیدانستند و اگر

أَنَّ أَهْلَ الْقُرٰى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم
چنانچه اهل آن دیهها گرویدند و پرهیز کردند میگشودیم بر ایشان

بَرَكٰتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْ
برکتها از آسمان و زمین و لیکن تکذیب کردند پس گرفتیم ایشان را

نٰهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرٰى أَن
بانچه بودند که کسب میکردند آیا ایمن شدند اهل ده ازانکه

يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيٰتًا وَهُمْ نَائِمُونَ أَوَأَمِنَ
بیاید بر ایشان عذاب ما در شب و ایشان خفته باشند آیا ایمن شدند

أَهْلُ الْقُرٰى أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ
اهل شهرها ازانکه بیاید بر ایشان عذاب ما در چاشت و ایشان

يَلْعَبُونَ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللّٰهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللّٰهِ
بازی کنند آیا ایمن شدند ازناگاه گرفتن خدا تعالی پس ایمن نشوند از مکر خدا تعالی

إِلَّا الْقَوْمُ الْخٰسِرُونَ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ
مگر گروه زیانکاران آیا بیان کرد برای آنانکه میراث گرفتند

الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنٰهُم
زمین را از پس اهل آن اگر خواهیم بگیریم ایشان را

ع

چون ببدی قحط مبتلا شدند گفتند در زمان گذشته گاهی قحط بود

وگاهی صحت بود وگاهی بیماری بود وزمانی در شادی

این نه بسبب کفر وبی‌ایمانی [illegible] طریقت [illegible] که می‌بودیم چون

ع

ایشان [illegible] کفر [illegible] تعالی بعد از قصهٔ انبیا

۸۵ نوبه

بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ○
بگناه ایشان و مهر نهیم بر دلهای ایشان پس ایشان نمی شنوند

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَائِهَا وَلَقَدْ
آن شهرها که خوانیم بر تو از خبرهای آن و بدرستیکه

جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَٰتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا
آمدند بالی آن پیغمبران ایشان بمعجزها پس نبودند که ایمان آرند

بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ
بانچه تکذیب میکردند از پیش همچنین مهر نهد خدایتعالی بر

قُلُوبِ الْكَٰفِرِينَ ○ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ
گروه کافران و نیافتیم ما بر بیشتر ایشان را وفاء

عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَٰسِقِينَ ○ ثُمَّ
عهدی و نیافتیم ما بیشتر ایشان شکننده گان پیمان پس

بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَٰتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ
برانگیختیم از پس این پیغمبران موسی ع بمعجزات بسوی فرعون و

مَلَإِيهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ
و بسوی قوم آن پس ستم کردند بآن پس نگر چگونه بود عاقبت تباه کاران

وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَٰلَمِينَ
و گفت موسی ع ای فرعون بدرستیکه من فرستاده ام از پروردگار عالمیان

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ
سزاوارم بر آنکه نگویم بر خدایتعالی مگر راست بدرستیکه

جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي
آمدم نشانه بحجت از پروردگار شما پس بفرست با من بنی

إِسْرَٰءِيلَ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا
اسرائیل گفت اگر هستی تو آورده معجزه پس بیار آنرا

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّٰدِقِينَ ○ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا
اگر هستی از راست گویان پس بیفکند عصا را پس ناگاه

هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ○ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ
عصا اژدهای ظاهر شد و بیرون کشید دست خود را پس ناگاه آن سفید

حال
البتان
آیات فرستاد
آیت تلك القرى
آنچه سبب نزول ش
آمنود
که آن
کفار مکه کفر
انکار و اصرار نمودند
خاطر مبارک حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه
و آله
و اصحابه و احبابه
و سلم

از
دعوت
ایشان
ملال پذیرفت
حضرت حق سبحانه
برای تسلیه خاطر
عاطر

مبارک
او آیات
فرستاد آیت
فالقی عصاه
سبب نزول
آیت آنست که
آن عصا
اژدها شد

لِلنّٰظِرِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ
مر نگرندگان را · گفتند از بزرگان · از قوم فرعون · بدرستیکه
هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ
این جادوی است دانا · میخواهد · که · بیرون کند شما را · از
أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ
زمین شما · پس چه چیز میفرمائید · گفتند حبس کن او را · و برادر او
وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حٰشِرِينَ ۝ يَأْتُوكَ بِكُلِّ
و بفرست · در شهرها · جمع کنندگان · بیارند · بتو · همه
سٰحِرٍ عَلِيمٍ ۝ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ
ساحری دانا · و آمدند جادوان · فرعون · گفتند · آیا باشد
لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ
مارا مزدی · اگر باشیم · ما · غلبه کنندگان · گفت آری
وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالُوا يٰمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ
و بدرستیکه شما باشید از نزدیکان · گفتند ای موسی ع · یا آنکه
تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۝ قَالَ
تو افگنی · و یا اگر باشیم ما · افگنیم · گفت
أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ
بیفکنید پس آنهنگام که بیفکندند جادو کردند چشمهای مردمان و بترسانیدند مردمان را
وَجَاءُو بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ
و آوردند سحری بزرگ · و وحی کردیم · بسوی موسی ع · آنکه
أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَوَقَعَ
بیفگن عصاء خود را پس انجا آن فرو می برد آنچه تزویر میکردند پس ثابت شد
الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ
راست · و زایل شد آنچه بودند که عمل میکردند · پس مغلوب شدند جادوان انجا
وَانْقَلَبُوا صٰغِرِينَ ۝ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سٰجِدِينَ
و بازگشتند خوار شدگان · و افکنده شدند جادوان سجده کنان
قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝ رَبِّ مُوسَىٰ وَ
گفتند گرویدیم · پروردگار عالمیان · پروردگار موسی ع و

شد دهن گشاد و مابین لحیتین او هشتاد ع ذراع فک اسفل بر زمین نهاد و فک اعلی بر کنگره قصر فرعون و روی بجانب تخت آورد ملازمان بارگاه او بهزیمت رفتند

و فرعون نیز بگریخت و در ازدحام

خلایق آنهنگام بیست هزار آدمی شدند فرعون نعره برکرد یا موسی

علیه السلام سوگند میدهم ترا بدان خدا یکه فرستاده او که عصا بگیری اگر بگیری که من بتو ایمان آورم بنی

هرون

هٰرُونَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنتُم بِهِۦ قَبْلَ أَن
هارون ع گفت فرعون آیا ایمان آوردید بموسی ع پیش از آنکه
ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ
دستوری دهم شما را بدرستیکه این عملی که کرده‌اید ساخته‌اید آنرا در شهر
لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ لَأُقَطِّعَنَّ
تا بیرون کنید ازان اهل آنرا پس زود باشد که بدانید برآینه برم
أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ
دستهای شما و پایهای شما بخلاف یکدیگر پس بردار کشم شما را
أَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ۝
همه گفتند بدرستیکه ما سوی پروردگار خود بازگردندگانیم
وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِـَٔايَٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَا
و تو منکر نشوی از ما مگر آنکه گرویدیم بآیات پروردگار ما هنگامی که آمد بما
رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ۝
ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبائی و بمیران ما را مسلمانان
وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَ
و گفتند بزرگان از قوم فرعون آیا میگذاری موسی ع و
قَوْمَهُۥ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَءَالِهَتَكَ
قوم او تا تباهی کنند در زمین و پرستش تو بگذارد و خدایان ترا
قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَآءَهُمْ وَنَسْتَحْيِۦ نِسَآءَهُمْ
گفت زود باشد که بکشیم پسران ایشان را و زنده بگذاریم زنان ایشان را
وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَٰهِرُونَ ۝ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ
و بدرستیکه ما بر ایشان غالبانیم گفت موسی ع مر قوم خود را
اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ
یاری خواهید از خدا تعالی و صبر کنید بدرستیکه زمین خدا تعالی
يُورِثُهَا مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِۦ وَالْعَٰقِبَةُ
میراث میدهد آنرا هرکرا خواهد از بندگان خود و عاقبت
لِلْمُتَّقِينَ ۝ قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِيَنَا
مر پرهیزگارانست گفتند ما را رنج دادند پیش از آنکه آمدی تو ما را

اسرائیل
را بتو و بمیگذارم
موسی قفا دهن ثعبان را
بگرفت همان عصا شد
پس دست راست را
بگریبان
زیر بغل جیب
در آورد و بیرون
کشید دست خود را
پس آنجا دست او
سفید بود
برای
بینندگان
گفتند بزرگان
از گروه او

ع

بدرستیکه
این موسی علیه
السلام جادوگریست
[illegible]
نازل شد

وقال
الملا
سبب نزول
آیت آنست که
فرعون لعین خلق را
پرستش خود میفرمود
خود پرستنده
کواکب بود

وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ
و پس از آنکه تو بیامدی بما گفت شاید که پروردگار شما آنکه هلاک سازد

عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ
دشمن شمارا و خلیفه کرداند شمارا در زمین پس بنگرد

كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ
چگونه عمل کنند و هر آینه گرفتیم تبع فرعون

بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ
بقحط و بنقصان از میوها شاید که ایشان پند گیرند

فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ وَإِنْ
پس چون آمدی بر ایشان نیکوی گفتند برای ماست این و اگر

تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا
رسیدی بدیشان بدی فال بد گرفتندی بموسی ع و آنکه با او بودند بدانید

إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
جز این نیست که سبب شومی ایشان نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ
نمیدانند و گفتند هر گاه بیاری مارا چیزی از نشانه

لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ فَأَرْسَلْنَا
تا سحر کنی مارا بدان پس نیستیم ما ترا از گروندگان پس فرستادیم

عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ
بر ایشان سیل و ملخ پرنده و ملخ پیاده ناکند و بزغ

وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا
و خون آیتهای از یکدیگر جدا شده پس سرکشی کردند و بودند

قَوْمًا مُجْرِمِينَ ۝ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا
گروهی مجرمان و هر گاه که واقع شد بر ایشان عذاب را گفتند

يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ
ای موسی ع بخوان برای ما پروردگار خود را بآنچه عهد کرده است نزدیک تو اگر

كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ
باز بری از ما عذاب را ایمان آریم ترا و بفرستیم

اصح
الست که او بسوی
خود بتان ساخته بود
و هر یکی از قوم خود را بتی
داده بود که این
را

ع

پرستید تا او شمارا
بمن نزدیک کرداند
و از این سبب میگفت
که انا ربکم
الاعلی
اینها خدایان خورد
تر اند و من خدای
بزرگتر

القصه
اعیان او را
او را تحریص و
ترغیب کردند بر
قتل موسی علیه
السلام

و چون
او فرعون
دانست که
او بر قتل موسی
قادر نیست گفتند
مهتران از گروه
فرعون آیا بگذاری
موسی علیه
السلام
را

معك

و چون روا / تا بیابان گشت در بین / و بیابان در پیش [illegible] / و حیران ماندند / [illegible] / [illegible] / و حیران [illegible] / [illegible] / گفت موسی [illegible]

مَعَكَ بَنِيٓ اِسْرَآئِلَ ۚ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ

با تو بنی اسرائیل — پس آنوقت که بردیم از ایشان عذاب را

اِلٰٓى اَجَلٍ هُمْ بٰالِغُوْهُ اِذَا هُمْ يَنْكُثُوْنَ ۝

تا مدتی — ایشان رسنده آن شدند پس ایشان عهد را می شکستند

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَاَغْرَقْنٰهُمْ فِي الْيَمِّ بِاَنَّهُمْ

پس انتقام کردیم از ایشان پس غرق ساختیم ایشان را در دریا بآنکه ایشان

كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَكَانُوْا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ ۝ وَاَوْرَثْنَا

بدروغ داشتند آیات ما را و بودند از آن بیخبران و میراث دادیم

الْقَوْمَ الَّذِيْنَ كَانُوْا يُسْتَضْعَفُوْنَ مَشَارِقَ

قوم را آنانکه بودند ضعیف در مشارق

الْاَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِيْ بٰرَكْنَا فِيْهَا وَتَمَّتْ

از زمین شام و از زمین غرب آنچه که برکت بدادیم در آن و تمام شد

كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنٰى عَلٰى بَنِيٓ اِسْرَآئِلَ بِمَا صَبَرُوْا

وعده پروردگار تو نیکو بر بنی اسرائیل تا که صبر کردند

وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهٗ وَمَا

و خراب کردیم آنچه کرده بود راست فرعون و قوم او و آنچه

كَانُوْا يَعْرِشُوْنَ ۝ وَجٰوَزْنَا بِبَنِيٓ اِسْرَآئِلَ الْبَحْرَ

بود بر افراشته بودند و گذرانیده بودیم بنی اسرائیل از دریا

فَاَتَوْا عَلٰى قَوْمٍ يَعْكُفُوْنَ عَلٰٓى اَصْنَامٍ لَهُمْ

پس آمدند بر گروهی اقامت کردند بر پرستش تان

قَالُوْا يٰمُوْسَى اجْعَلْ لَنَآ اِلٰهًا كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ قَالَ

گفتند ای موسی بساز برای ما خدای چنانکه ایشان را خدایان هستند گفت

اِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُوْنَ ۝ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ

بدرستیکه شما گروهی که نادانی کنید بدرستیکه این گروه هلاک شدند آنچه ایشان

فِيْهِ وَبٰطِلٌ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝ قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ

در هستند و زایل آنچه هستند که میکنند گفت آیا غیر خدا تعالی

اَبْغِيْكُمْ اِلٰهًا وَّهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ۝

میطلبم برای شما معبود و او فضل داد شما را بر جهانیان

ربع

نشنوی از [illegible] / گفتند مرحبا [illegible] / نیکو [illegible] کار [illegible] / از [illegible] / برات [illegible] / [illegible] / [illegible] / ز قوم [illegible]

وَإِذْ أَنجَيْنَٰكُم مِّنْ ءَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ

و چون برهانیدیم شمارا از تبع فرعون میچشانیدند شمارا

سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَآءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

سختی عذاب می کشتند پسران شمارا و زنده میگذاشتند

نِسَآءَكُمْ وَفِى ذَٰلِكُم بَلَآءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

زنان شمارا و در این نعمتی بود شمارا از پروردگار شما بزرگ

وَوَٰعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَٰهَا

و وعده داده بودیم موسی ع را سی شبان روز و تمام کردیم آن

بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَٰتُ رَبِّهِۦٓ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ

بده پس تمام شد وقتیکه مقرر کرده بود پروردگار خود چهل شبان روز و گفت

مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَٰرُونَ ٱخْلُفْنِى فِى قَوْمِى وَ

موسی ع مر برادر خود را هارون ع خلیفه من باش در قوم من و

أَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ ٱلْمُفْسِدِينَ وَلَمَّا

بصلاح آر و پیروی مکن راه تباه کاران و آن هنگام

جَآءَ مُوسَىٰ لِمِيقَٰتِنَا وَكَلَّمَهُۥ رَبُّهُۥ قَالَ رَبِّ

آمد موسی ع بوقتی ما مقرر کرده بود و سخن گفت پروردگار خود گفت ای پروردگار من

أَرِنِىٓ أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَىٰنِى وَلَٰكِنِ ٱنظُرْ

بنمای مرا تا نظر کنم بسوی تو گفت نتوانی دید مرا و لیکن نگاه کن

إِلَى ٱلْجَبَلِ فَإِنِ ٱسْتَقَرَّ مَكَانَهُۥ فَسَوْفَ تَرَىٰنِى

بکوه نیز پس اگر قرار گیرد بجای خود پس زود که ببینی مرا

فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُۥ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ

پس آن هنگام که تجلی کرد پروردگار موسی ع بر آن کوه گردانید ریزه ریزه و بیفتاد موسی ع

صَعِقًا فَلَمَّآ أَفَاقَ قَالَ سُبْحَٰنَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ

بیهوش پس آن وقت که بهوش آمد گفت تنزیه میکنم ترا بازگشتم بسوی تو و

أَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُؤْمِنِينَ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّى ٱصْطَفَيْتُكَ

من اول گرویدگانم گفت ای موسی ع بدرستیکه من برگزیده ام ترا

عَلَى ٱلنَّاسِ بِرِسَٰلَٰتِى وَبِكَلَٰمِى فَخُذْ مَآ ءَاتَيْتُكَ

بر مردمان به پیغامهای من و سخن من پس فراگیر آنچه عطا کردم ترا

واز پس آنکه تو آمدی
بما گفت موسی
علیه السلام شاید
پروردگار شما
آنکه هلاک
کند

ع

دشمن
شمارا و خلیفه
گرداند شمارا در
زمین پس به بینید که
چگونه عمل میکنید و
هر آینه گرفتیم کسان
فرعون را بقحط هفت
سال

و نقصان
از بعضی میوها
تا باشند که پند گیرند
پس چون آمد بدیشان نیکویی
میگفتند برای ما ست
این و اگر برسد
بدیشان

بدی
فال بد گیرند
بموسی علیه السلام
و آنانکه با او بودند
بدانید که جز این نیست
که خیر و شر از ان
نزدیک

وکن من

وَكُن مِّنَ الشَّٰكِرِينَ ۝ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ
وباش از سپاسگویندگان ونوشتیم برای موسی ع در لوحها
مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ
از هر چیزی پندی و بیان کردنی مر هر چیز را
فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا
پس فراگیر توریت را بجدی تمام و بفرمای گروه خود را فراگیرند بنیکوترین احکام او
سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ۝ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ
زود باشد که بنمایم شما را سرای فاسقان زود بگردانم از آیات من
الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ
آنانکه تکبر کنند در زمین بناحق
إِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا
اگر ببینند هر نشانی ایمان نیارند بدان و اگر ببینند
سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۝ وَإِن يَرَوْا
راه راست نگیرند راه را و اگر ببینند
سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
راه بی راهی راه گیرند و پیروی کنند این سبب آنست که ایشان
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَالَّذِينَ
تکذیب کردند با یتهای ما و بودند از آن بیخبران و آنانکه
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
تکذیب کردند با یتهای ما و دیدن سرای آخرت باطل شد عملهای ایشان
هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَاتَّخَذَ قَوْمُ
آیا جزا داده شوند مگر آنچه بودند که عمل میکردند و فرا گرفتند قوم
مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ
موسی ع از پس رفتن موسی ع از حلیهای ایشان گوساله بدنی مر او را
خُوَارٌ ۚ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ
آوازی بود آیا ندیدند که گوساله سخن نگوید و نمی نماید ایشان را
سَبِيلًا ۘ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ۝ وَلَمَّا سُقِطَ
راهی فرا گرفتند آن و بودند ستمکاران و آنهنگام که افکنده شد

نزدیک است
خدا
ولیکن بیشترین
ایشان نمیدانند یعنی
مواخذه باعمال ایشان
و گفتند هرگاه که بیاری ما
از نشانها تا سحر کنی
ما را بدان پس نیستیم
ما مر ایشان
از گروندگان
پس
فرستادیم
ما بر ایشان
طوفان را
و ملخ پرنده را و
ملخ پیاده و بزغ و
غوکها و خون در جاهی
آیتها را بود پس گردن [illegible]
کردند و بودند گروهی
گنهکاران و

ع

هرگاه
واقع شدی
بر فرعونیان
عذابی گفتند ای
موسی علیه السلام
بخوان برای ما پروردگار
خود را آنچه
عهد
کرده

فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ وَرَأَوۡاْ أَنَّهُمۡ قَدۡ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمۡ
در دستهای ایشان ودیدند آنکه ایشان بتحقیق گمراه شدند گفتند اگر نکند
يَرۡحَمۡنَا رَبُّنَا وَيَغۡفِرۡ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ
رحمت بر ما پروردگار ما واگر نیامرزد ما را باشیم از زیانکاران
وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰٓ إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ غَضۡبَٰنَ أَسِفٗا
وآنهنگام که بازگشت موسی بسوی قوم خود خشمگین اندوهناک
قَالَ بِئۡسَمَا خَلَفۡتُمُونِي مِنۢ بَعۡدِيٓۖ أَعَجِلۡتُمۡ
گفت بد جانشینی کردید مرا بعد از مفارقت من آیا تعجیل کردید
أَمۡرَ رَبِّكُمۡۖ وَأَلۡقَى ٱلۡأَلۡوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأۡسِ أَخِيهِ
فرمان پروردگار خود وبفکند لوحها را وگرفت سر برادر خود را
يَجُرُّهُۥٓ إِلَيۡهِۚ قَالَ ٱبۡنَ أُمَّ إِنَّ ٱلۡقَوۡمَ ٱسۡتَضۡعَفُونِي
بطرف خود میکشید گفت ای هارون بدرستیکه مرا بیچاره دیدند
وَكَادُواْ يَقۡتُلُونَنِي فَلَا تُشۡمِتۡ بِيَ ٱلۡأَعۡدَآءَ
ونزدیک بود که مرا بکشند پس شادمان مگردان بمن دشمنان را
وَلَا تَجۡعَلۡنِي مَعَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ قَالَ رَبِّ
ومدار مرا با گروه ستمکاران گفت ای پروردگار
ٱغۡفِرۡ لِي وَلِأَخِي وَأَدۡخِلۡنَا فِي رَحۡمَتِكَۖ وَأَنتَ
بیامرز مرا وبرادر مرا ودرآر ما را در بخشایش خود وتو
أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ ٱلۡعِجۡلَ
بخشنده ترین بخشایندگانی بدرستیکه آنانکه گرفتند گوساله را
سَيَنَالُهُمۡ غَضَبٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَذِلَّةٞ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ
زود باشد که برسد ایشان را خشمی از پروردگار ایشان وخواری در زندگانی
ٱلدُّنۡيَاۚ وَكَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُفۡتَرِينَ وَٱلَّذِينَ
دنیا وهمچنین جزا دهیم دروغ گویان را وآنانکه
عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِنۢ بَعۡدِهَا وَءَامَنُوٓاْ
کردند بدیها پس بازگشتند از پس آن وگرویدند
إِنَّ رَبَّكَ مِنۢ بَعۡدِهَا لَغَفُورٞ رَّحِيمٞ وَلَمَّا
بدرستیکه پروردگار تو از پس توبه آمرزنده مهربانست وچون

نزدیک تو
اگر بگشایی
برای از ما عذاب
هر آینه ایمان آریم مر ترا
وهر آینه بفرستیم با تو
فرزندان یعقوب را علیه
السلام پس چون بردیم
از ایشان عذاب را
تا زمانی که
ایشان
رسندگان شدند
بدان پس
ایشان عهد
میشکستند پس انتقام
کشیدیم از ایشان پس
غرق کردیم ایشانرا
در دریا بسبب آنکه
ایشان تکذیب ع
میکردند
آیتها
ما را وبودند
از آن بیخبران
ومیراث دادیم قوم را
آنانکه بودند زبون
جهات شرقی را از
زمین شام وجهات
غربی را

سکت

سكت عن موسى الغضب اخذ الالواح وفي
خاموش شد از موسی خشم را فراگرفت الواح را ودر آنها
نسختها هدى ورحمة للذين هم لربهم يرهبون
مکتوب بود دران راه نمودن و بخشایش مر آنانکه ایشان مر پروردگار خودرا میترسند
واختار موسى قومه سبعين رجلا لميقاتنا
و برگزید موسی قوم خود هفتاد مرد از برای میقات ما
فلما اخذتهم الرجفة قال رب لو شئت
پس آنهنگام که گرفت ایشانرا صاعقه گفت ای پروردگار اگر میخواستی
اهلكتهم من قبل واياي اتهلكنا بما فعل
هلاک ایشانرا پیش ازین و مرا آیا هلاک میکنی مارا بسبب آنچه کردند
السفهاء منا ان هي الا فتنتك تضل بها
بیخردان از ما نیست کردار ایشان مگر آزمایش از تو گمراه میکردانی بدان
من تشاء وتهدي من تشاء انت ولينا فاغفر
هرکرا خواهی و راه نمایی هرکرا خواهی توئی یار ما پس بیامرز
لنا وارحمنا وانت خير الغافرين واكتب
مارا و ببخشای مارا و تو بهترین آمرزندگانی و نویس
لنا في هذه الدنيا حسنة وفي الاخرة انا
برای ما دراین دنیا نیکی و در آخرة بدرستیکه ما
هدنا اليك قال عذابي اصيب به من اشاء
بازگشتیم بسوی تو گفت عذاب من میرسانم اورا هرکرا میخواهم
ورحمتي وسعت كل شيء فساكتبها للذين
ورحمت من رسیده است هر چیز را پس زود باشد که ثابت کنم آن برای آنانکه
يتقون ويؤتون الزكوة والذين هم
پرهیز کنند و میدهند زکوة و آنانکه ایشان
باياتنا يؤمنون الذين يتبعون الرسول
بآیتهای ما میگروند آنانکه پیروی کنند پیغمبر
النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا عندهم
نانویسنده آن پیغمبری که یابند صفت اورا نوشته نزدیک خود

ازینی که برکت دادیم درین یعنی زمین شام باشیان داودیم چه یعقبها زعرتیبه والعلم عند الله و تمام شد وعدهٔ پروردگار تو وعدهٔ نیکو برای فرزندان یعقوب علیه السلام بسبب آنکه صبر کردند وجزا

کردیم آنچه بود ساخته فرعون وقوم او و آنچه بودند برافراشته و بکندرانیدیم فرزندان یعقوب را از دریا پس بیامدند بر قومی اقامت میکردند

الرسول يتبعون آنچه سر بزود بر آنچه بوده که بود چون آیات سابق شنیدند تمنای این رحمت بنمودند گفتند ما آیات ایمان آوردیم پس این

فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ
در توریت و انجیل میفرماید ایشان را بنیکویی
وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ
و باز میدارد ایشان را از منکر و حلال میکرداند بر ایشان پاکیزه را
وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ
و حرام میسازد بر ایشان پلید فرو نهد از ایشان بارهای گران
وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا
و غلها آنکه بود بر ایشان پس آنانکه گرویدند
بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي
بوی و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و پیروی کردند آن نور را آنکه
أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ قُلْ
فرستاده شد با او آن گروه ایشانند رستگاران بگو
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا
ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه
الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ
آن خدا آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست معبودی
إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
مگر او زنده کرداند و میمیراند پس بگروید بخدا تعالی و رسول او
النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ
پیغمبر امی آنکه میگرود بخدا تعالی و بسخنان او
وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰ
و پیروی کنید او را شاید که ایشان راه یابند و از قوم موسی
أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَقَطَّعْنَاهُمُ
گروهی هستند راه نمایند براستی و بحق عدل کنند و جدا جدا کردیم ایشان را
اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ
دوازده اسباط گروه گروه و وحی کردیم بسوی
مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب
موسی چون آب خواستند گروه او را آنکه بزن

رحمت
برای ما ثابت خواهد بود
خداوند تعالی
دشنه امید
این را منقطع ساخته
آن رحمت را باین امت
تخصیص داد و در نیاب
آیه نازل شد که آنکه
پیروی کنند رسول و را
یعنی که پیغمبر است
صلی الله
علیه
و
آله
و اصحابه
و سلم را خواهند
و آن نویسنده آن
پیغمبر که می یابید
وصف او نوشته
نزدیک
ایشان در توریت
و انجیل میفرماید ایشان را
بنیکویی و باز
میدارد
ایشان را
از منکر و حلال
میکرداند ایشان را
مطعومات پاکیزه و حرام
سازد بر ایشان خورشها
پلید را و فرو می نهد از
ایشان بار گران
ایشان را

بعصاك

بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ

بعصای خود آن سنگ را پس شکافته گشت از آن دوازده

عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا

چشمه بدرستیکه دانستند همه آدمیان آبشخور خود را و سایبان ساختیم

عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى

بر ایشان ابر را و فرستادیم بر ایشان ترنجبین و مرغ بریان

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا

بخورید از پاکیزه آنچه روزی دادیم شما را و ستم نکردند ما را

وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ

و لیکن بودند بر نفسهای خود ستم کردند و چون گفته شد مر ایشان را

اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ

ساکن شوید درین ده و بخورید از آن هر جا که خواهید

وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ

و بگوئید درخواست ما حطه است و در آیید بدر سجده کنان تا بیامرزیم شما را

خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ

گناهان شما زود که افزون گردانیم نیکوکاران را پس تبدیل دادند

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

آنانکه ستم کردند از ایشان سخن بغیر آنکه گفته شد مر ایشان را

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

پس فرستادیم بر ایشان عذابی از آسمان بآنچه بودند

يَظْلِمُونَ ۝ وَسْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ

که ستم میکردند و بپرس ایشان را از حال ده که بوده است

حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ

نزدیک دریا چون در گذشتند در روز شنبه چون می آمدند ایشان را

حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ

ماهیان ایشان روز شنبه ایشان ظاهر شده و در روزیکه نسبت عمل نمیکنند

لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

نمی آمدند ایشان همچنان بیازمائیم ایشان را بسبب آنچه بودند که بیرون میرفتند

ع

نصف

وإذ قالت أمة منهم لم تعظون قوما الله
و چون گفتند گروهی از ایشان چرا پند میدهید گروهی را که خدای تعالی
مهلكهم أو معذبهم عذابا شديدا قالوا
هلاک کننده ایشانست یا عذاب کننده ایشانرا عذابی سخت گفتند
معذرة إلى ربكم ولعلهم يتقون فلما
این عذر خواستنی است بسوی پروردگار شما و تا باشد که بترسند پس آنهنگام که
نسوا ما ذكروا به أنجينا الذين ينهون
فراموش کردند آنچه پند داده شده بودند بدان برهانیدیم آنانرا که نهی میکردند
عن السوء وأخذنا الذين ظلموا بعذاب
از بدی و بگرفتیم آنانرا که ستم کردند بعذابی
بئيس بما كانوا يفسقون فلما عتوا عن ما
سخت بآنچه بودند که خارج شدند پس آنهنگام که گردن کشیدند از آنچه
نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين
نهی کرده شدند از آن گفتیم مر ایشانرا گردید بوزینگان
وإذ تأذن ربك ليبعثن عليهم إلى يوم القيامة
و چون آگاهی داد پروردگار تو که برانگیزد بر یهود تا بروز رستخیز
من يسومهم سوء العذاب إن ربك لسريع
کسی که میچشاند ایشانرا سخت عذاب بدرستیکه پروردگار تو زود
العقاب وإنه لغفور رحيم وقطعناهم في
عقوبتست و بدرستیکه او آمرزنده مهربانست و پراکنده کردیم بنی اسرائیل
الأرض أمما منهم الصالحون ومنهم دون ذلك
زمین جماعتها از ایشان شایستگانند و از ایشان فرود آن صالحان
وبلوناهم بالحسنات والسيئات لعلهم
و بیازمودیم ایشانرا به نیکویی و به بدیها بود که ایشان
يرجعون فخلف من بعدهم خلف ورثوا
بازگردند پس از پس درآمد صالحانرا پس درآمدگان و میراث برگرفتند
الكتاب يأخذون عرض هذا الأدنى ويقولون
توریت را فرا میگیرند خواسته این جهان فروتر دنیاست و میگویند

سیغفر لنا

سيغفر لنا وان ياتهم عرض مثله ياخذوه
زود باشد که بیامرزند مرا و اگر بیاید بدیشان خواسته از متاع دنیا مثل آن بگیرند آنرا
الم يؤخذ عليهم ميثاق الكتب ان لا يقولوا
آیا گرفته نشده است بر ایشان عهد مذکوره در توریت آنکه نگویند
على الله الا الحق ودرسوا ما فيه والدار
بر خدای تعالی مگر راست و خوانده اند آنچه در وست و سرای
الاخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون ۝
دیگر بهتر است مر آنانرا که پرهیزند آیا تعقل نمیکنند
والذين يمسكون بالكتب واقاموا الصلوة
و آنانکه نگاه میدارند کتاب را و بپای داشتند نماز را
انا لا نضيع اجر المصلحين ۝ واذ نتقنا الجبل
بدرستیکه ما ضایع نمیکنیم مزد صالحان و چون برداشتیم کوه طور را
فوقهم كانه ظلة وظنوا انه واقع بهم خذوا
بر زبر ایشان گوئی که سایبانست بر ایشان و دانستند آنکه فرود آینده است بایشان فرا گیرید
ما اتينكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم
آنچه داده ایم شما را بجد تمام و یاد کنید آنچه در وست شاید که شما
تتقون ۝ واذ اخذ ربك من بني ادم من
پرهیزکاری کنید و چون گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از
ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم
پشتهای ایشان فرزندان ایشانرا و گواه کردانید ایشانرا بر نفسهای ایشان
الست بربكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا
آیا نیستم پروردگار شما گویند آری گواه شدیم ما آنکه گویند
يوم القيمة انا كنا عن هذا غفلين ۝
روز قیامت بدرستیکه ما بودیم از این بیخبران
او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل وكنا
یا آنکه بگویند جز این نیست که شرک آورده پدران ما پیش از ما و بودیم ما
ذرية من بعدهم افتهلكنا بما فعل المبطلون
فرزندان از پس ایشان آیا هلاک میکنی ما را بآنچه کردند بیهودگان

و جای ... ی مخفی نماند
عنقریب از ایشان ... بیرون
... نیکی ... بود
زمانه حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله
و سلم ... نبودند
و از ... ایشان ... بود
... روز ... ایشان
و ... ایشان
بروز ... بود
ع
... قیامت ... ایشان
... کرده ...
... خود ...
ماند ...
... فرستاد
... است

وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

وهمچنین تفصیل کنیم نشانها وشاید که ایشان باز گردند

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ

و بخوان بر ایشان خبر آنکه دادیم اورا آیتهای ما پس بیرون آمد

مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

از ان پس در پیوست شیطان پس گشت از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ

واگر میخواستیم برداشتیم او را بسبب آن ولیکن او میل کرد بسوی زمین

وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ

و پیروی کرد آرزوی خود را پس صفت او مانند صفت سگ اگر حمله کنی

عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَٰلِكَ مَثَلُ

برو زبان است یا اگر بگذاری او را بیرون افگند این مثل

الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ

آن گروهی است که تکذیب کردند بآیتهای ما پس بخوان بر ایشان این خبرها

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ

شاید که ایشان تفکر نمایند بد مثلی است مثل گروه آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ مَنْ

تکذیب کردند بآیتهای ما و بر نفسهای خود بودند که ستم کردند هر کرا

يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ

راه نماید خدا تعالی پس او راه یافته است و هر کرا گمراه سازد

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ

پس آن گروه ایشانند زیان کاران و هر آینه بیافریدیم مر برای دوزخ

كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ

بسیاری از دیوان و آدمیان مر ایشان راست دلها درنمی یابند

بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا

بدان و مر ایشان چشمهاست نمی بینند بآن و مر ایشان گوشهاست نمی

يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ

شنوند بآن آن گروه مانند چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند

بخوان این آیت در باب بلعم
بن باعورا نازل شده در
زمان حضرت موسی علیه
السلام صاحب دعوت اسما
بود و با غوا زن او تبع
فرعون بر موسی علیه السلام
نفرین کرد و کافر شد
[illegible]

اولئك

أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۝ وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ
آن گروه ایشانند بیخبران و مرخدایراست نامهاء نیکو
فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
پس بخوانید اورا بدان و بگذارید آنهاکه میل کنند کجی در نامهاء او
سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا
زود باشد که جزا داده شوند بآنچه بودند میکنند و از آنهاکه آفریده ایم
أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَ
گروهی که راه نمایند بحق و بحق عدل کنند و
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
آنانکه تکذیب کردند بآیتهاء ما زود باشد که بگیریم ایشانرا
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ
از آنجاکه نمیدانند و زمان دهیم ایشانرا هر آینه
كَيْدِي مَتِينٌ ۝ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ
کید من سخت است آیا تفکر نکردند نیست یار ایشانرا
مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَوَلَمْ
هیچ از دیوانگی نیست او مگر بیم کننده روشن آیا نکردند
يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
نظر در ملک عظیم آسمانها و زمین
وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ
و در آنچه آفرید خدای تعالی از چیزی و دیگر ظاهر نکردند آنکه باشد
قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ
بتحقیق نزدیک رسیده مدت اجل ایشان پس بکدام سخن بعد از قرآن
يُؤْمِنُونَ ۝ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ
ایمان خواهند آورد هرکرا گمراه کند خدای تعالی پس نیست هیچ راه نماینده مراورا
وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ
و میگذارد ایشانرا در گمراهی خود سرگردان میپرسند ترا
عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا
از قیامت کی است قایم شدن او بگو جز این نیست که دانستن ساعت

قل لا املك

عِندَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي
نزدیک پروردگارمست آشکارا نکند قیامت را مگر او عظیم است در آسمانها و در
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ
آسمانها وزمین نمی‌آید بشما مگر ناگهان میپرسند ترا
كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ
گویا تو مهربانی سوال ازان بگو جزاین نیست که علم قیامت نزدیک خدا است
وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ قُل لَّا أَمْلِكُ
ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند بگو نمیتوانم
لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ
ازبرای خود منفعتی ونه ضرری مگر آنچه خواهد خدا تعالی واگر
كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا
بودمی دانستمی غیب را هرآینه طلب بسیار کردی از منفعت و
مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ
نرسیده بمن بد نیستم من بیم کننده ومژده دهنده برای گروهیکه
يُؤْمِنُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ
بگروند اوست آنکه بیافرید شمارا از یک تن
وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا
ودگردانید ازجدوی جفت او تا آدم بگیرد بوی پس آنهنگام که بپوشید حوا را
حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت
بارگرفت که نطفهٔ آدم بود پس میگذشت بآن پس آنهنگام که گران شد
دَّعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنَكُونَنَّ مِنَ
بخواندند خدا را که پروردگار ایشانست اگر بدهی ما را فرزند صالح باشیم از
الشَّاكِرِينَ ۝ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ
سپاسداران پس آنهنگام که عطا کرد فرزندی صالح گردانیدند برای خدا انبازان
فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ أَيُشْرِكُونَ
درآنچه داد اولادا پس بزرگست خدا تعالی ازانچه انباز میگیرند آیا انباز میگیرند
مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ
آنچه نیافرید چیزی وایشان آفریده شده ونمی‌توانند

ع

لهم نصرا ولا انفسهم ینصرون ۝ وان تدعوهم
مر ای پرستندگان خود یاری ونه نفسهای خود را یاری ... واگر بخوانید ایشان را
الی الهدی لا یتبعوکم سواء علیکم ادعوتموهم
بسوی دین اسلام پیروی نمیکنند شما را یکسانست بر شما آیا بخوانید ایشان را
ام انتم صامتون ۝ ان الذین تدعون من
یا آیا شما خاموش باشید بدرستیکه آنانکه میپرستید از
دون الله عباد امثالکم فادعوهم
جز حق تعالی بندگانند مثل شما پس بخوانید ایشان را
فلیستجیبوا لکم ان کنتم صدقین ۝ الهم
پس اجابت کنند مر شما را اگر هستید راست گویان آیا مر این بتان را
ارجل یمشون بها ام لهم اید یبطشون بها
پایهاست میروند بدان آیا مر ایشان راست دستهاست فرا گیرند بآن
ام لهم اعین یبصرون بها ام لهم اذان یسمعون
آیا مر ایشان راست چشمهاست می بینند بدان آیا مر ایشان راست گوشهاست شنوند
بها قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون فلا
بدان بگو بخوانید انبازان خود را پس بکوشید پس مدهید
تنظرون ۝ ان ولیی الله الذی نزل الکتب
مرا مهلت بدرستیکه یار من اعتماد آنکه فرستاد قرآن
وهو یتولی الصلحین ۝ والذین تدعون
وحق تعالی دوست دارد بندگان شایسته را وآنانکه میخوانید
من دونه لا یستطیعون نصرکم ولا انفسهم
بدون حق تعالی نمیتوانند یاری دادن شما را ونه نفسهای خود
ینصرون ۝ وان تدعوهم الی الهدی لا یسمعوا
یاری کنند واگر بخوانید کافرا نرا بدین راست نشنوند
وتریهم ینظرون الیک وهم لا یبصرون ۝
و می بینی ایشانرا می نگرند بسوی تو وایشان نمی بینند
خذ العفو وامر بالعرف واعرض عن الجهلین
فرا گیر آسانی و بفرمای به نیکوئی و رو بگردان از نادانان

قل ادعوا
آنجاکه سبب نزول
آیت بود که چون اهل باطل
در زمین بتان را فرو داد
سفاهت و تشنیع بر حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و
سلم و صحابه و احباب او
بالغ و تخویف می کردند
و گفتند خدایان ما را
تا برنجش کمی در جهان آفتی
و رنجی به تو رساند حضرت
حق سبحانه و تعالی در جواب
این سخن این آیه فرستاد
ان ولیی الله این آیه
که علم کردن بر سر آن
از جاهلان یعنی کافران
که از این مفهوم مشود
معلوم است بر سیف

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ
و هرگاه که بر انگیزاند ترا از دیو از جای بردن پس پناه گیر
بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا
بخدا بدرستیکه او شنوا داناست بدرستیکه آنانکه پرهیز کردند
إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ
چون برسد بایشان وسوسه از دیو یاد کنند خدا را پس آنگاه ایشان
مُبْصِرُونَ ۝ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ
بینندگان باشند و برادران کفار میکشند کافرانرا در گمراهی پس
لَا يُقْصِرُونَ ۝ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا
کوتاه نمی کنند و چون نیاری کافرانرا آیتی گویند چرا
اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَى إِلَيَّ مِنْ رَبِّي
بر هم نبافتی آن آیه را بگو جز این نیست که پیروی میکنم آنچه وحی کرده شده بمن از پروردگار من
هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى
این حجتهاست از پروردگار شما و راه نماینده است
وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ
و بخشاینده برای گروهی که میگروند و چون خوانده شود قرآن
فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
پس بشنوید آنرا و خاموش باشید شاید که شما رحمت کرده شوید
وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَ
و یاد کن پروردگار خود در دل خود بزاری و ترسکاری و
دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ
بجز آن از آواز بلند بامداد و شبانگاه
وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ
و مباش از بیخبران بدرستیکه آنانکه نزد پروردگار تو
لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ
گردن میکشند از پرستش خود و تنزیه میکنند اورا و مر اورا سجده کنند

## سورة الانفال مدنية وهي خمس وسبعون آية

فی اسباب

آیه نزول ... بود
... ما آیتها ...
... چون در
نزول آن ... 
... 
... 

واذا قرئ القرآن

سجده

بسم الله

[illegible] سوره انفال [illegible]

ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله و

می پرسند ترا از غنیمتها بگو که غنیمتها مر خدایراست و

الرسول فاتقوا الله واصلحوا ذات بينكم

فرستاده اورا پس بترسید از خدای تعالی و بصلاح آرید آنچه میان شماست

واطيعوا الله ورسوله ان كنتم مؤمنين

و فرمان برید خدایرا و رسول اورا اگر هستید گرویدگان

انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت

جز این نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدای تعالی بترسد

قلوبهم واذا تليت عليهم ايته زادتهم ايمانا

دلهاء ایشان و چون خوانده شود برایشان آیتهای او زیاده کرد ایشانرا ایمان

وعلى ربهم يتوكلون الذين يقيمون الصلوة

و بر پروردگار خود توکل کنند آنانکه بپا میدارند نمازرا

ومما رزقنهم ينفقون اولئك هم المؤمنون

و از آنچه روزی دادیم ایشانرا نفقه کنند آن گروه ایشانند مومنان

حقا لهم درجت عند ربهم ومغفرة ورزق

راست مر مومنانراست مرتبها نزد پروردگار ایشان و آمرزشی و روزی

كريم كما اخرجك ربك من بيتك بالحق

نیکو چنانکه بیرون آورد ترا پروردگار تو از خانه تو براستی

وان فريقا من المؤمنين لكرهون

و بدرستیکه گروهی از گرویدگان ناخوش دارند

يجادلونك في الحق بعد ما تبين كانما

جدال کنند با تو در حق بعد از آنکه روشن شده است گوئیا

يساقون الى الموت وهم ينظرون واذ

رانده شوند بسوی مرگ و ایشان می نگرند و چون

يعدكم الله احدى الطائفتين انها لكم

وعده داد شمارا خدای تعالی یکی از دو گروه آن شماراست

[illegible]

وتودون ان غير ذات الشوكة تكون

وشما دوست میداشتید که غیر خداوند شوکت باشد

لكم ويريد الله ان يحق الحق بكلمته و

شما را و میخواهد خدای تعالی که ثابت کند حق را بکلمات ازلی و

يقطع دابر الكفرين ○ ليحق الحق ويبطل

ببرد بنیاد کافران را تا ظاهر کند دین اسلام را و زایل گرداند

الباطل ولو كره المجرمون ○ اذ تستغيثون

کفر را واگرچه کاره باشند آنرا کافران چون میخواستید

ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف من

پروردگار خود را پس اجابت کرد مر شما را که من مدد کننده ام بهزار از

الملئكة مردفين ○ وما جعله الله الا

فرشتگان در آینده گان و نگردانید خدای تعالی مگر

بشرى ولتطمئن به قلوبكم وما النصر الا

مژدگانی و تا آرام گیرد بدان دلهای شما و نیست نصرت و فتح مگر

من عند الله ان الله عزيز حكيم ○ اذ يغشيكم

از نزد خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی غالب و داناو کاردانست یاد کن آنرا که فرو پوشانید

النعاس امنة منه وينزل عليكم من

خوابی سبک برای ایمنی از نزد او و فرستاد بر شما از

السماء ماء ليطهركم به ويذهب عنكم

آسمان آبی تا پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما

رجز الشيطن وليربط على قلوبكم ويثبت

وسوسه دیو و تا آرام دهد بر دلهای شما و ثابت گرداند

به الاقدام ○ اذ يوحي ربك الى الملئكة اني

بدان قدمهای شما را چون وحی کرد پروردگار تو بسوی فرشتگان که من

معكم فثبتوا الذين امنوا سالقي في قلوب

با شما ام پس استوار سازید مومنان را زود باشد که در افکنم در دلهای

الذين كفروا الرعب فاضربوا فوق الاعناق

آنانکه کافر شدند ترس پس بزنید بر زبر گردنهای ایشان

ودو طرف را در بند
و نصرت و اکرام اهل ایمان
میکرد [illegible]
کشته و غنیمت [illegible]
بعد از آن جامه و بودادند
نوع قصه [illegible]
در میان عاشقان قسمت
کشته و بعضی ربیب الانفال

ع

ان هیچ کس منکر
ازان با شمشیر
خوبی و نیل دراوست
نیز دو جمع عاشق کنندگان
حضرت حق تعالی بار دوئی
ازان ان زمان ابرار با
زود حی [illegible]

واضربوا

واضربوا منهم كل بنان ذلك بانهم شاقوا الله
و بزنید از ایشان همه انگشتان این بسبب آنست که ایشان مخالف کردند خدا را
ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان
و رسول او و هرکه مخالفت کند خدا را و رسول او پس بدرستیکه
الله شديد العقاب ذلكم فذوقوه
خدا تعالی سخت عقوبت کننده است اینست پس بچشید آنرا
وان للكفرين عذاب النار يايها الذين
و آنکه کافرانراست عذاب آتش ای گروه
امنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا
مومنان چون ببینید آنانرا که کافر شدند انبوه پس مگردانید
تولوهم الادبار ومن يولهم يومئذ
برایشان پشتها و هرکه بگرداند برایشان در آن روز
دبره الا متحرفا لقتال او متحيزا الى فئة
پشتها را مگر برگردیده باشد مر جنگ را یا پناه جوی باشد بسوی گروهی
فقد باء بغضب من الله وماوىه جهنم
پس بدرستیکه بازگردد بخشمی از خدا تعالی و بازگشت او دوزخ باشد
وبئس المصير فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم
و بد بازگشتی است پس نکشتید دشمنانرا ولیکن خدا تعالی کشت ایشانرا
وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى وليبلي
و نیفگندی مشت خاک وقتیکه بفگندی ولیکن خدا تعالی بفگند آنرا و تا عطا دهد
المؤمنين منه بلاء حسنا ان الله سميع
مومنانرا از نزد خود عطاء نیکو بدرستیکه خدا تعالی شنوا
عليم ذلكم وان الله موهن كيد الكفرين
داناست اینست کار و آنکه خدا تعالی سست کننده کید کافرانرا
ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا
اگر طلب نصرت کردید پس بدرستیکه آمد شما را فتح و اگر باز ایستید
فهو خير لكم وان تعودوا نعد ولن تغني
پس آن بهترست مر شما را و اگر باز گردید بازگردیم و دفع نکند

[illegible]

عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ ٱللَّهَ مَعَ
از شما جماعت شما چیزیرا واگر بسیار باشند وانکه خدا تعالی با
ٱلْمُؤْمِنِينَ ۝ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ
مومنانست ای گروه مومنان فرمان برید خدایرا
وَرَسُولَهُۥ وَلَا تَوَلَّوْا۟ عَنْهُ وَأَنتُمْ تَسْمَعُونَ ۝
ورسول او و برمگردید از امر او وشما می شنوید
وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ قَالُوا۟ سَمِعْنَا وَهُمْ لَا
ومباشید مانند آنانکه گفتند شنوده ایم ما وایشان نمی
يَسْمَعُونَ ۝ إِنَّ شَرَّ ٱلدَّوَآبِّ عِندَ ٱللَّهِ ٱلصُّمُّ
شنوند بدرستیکه بترین جنبندگان نزد خدا تعالی کرانند
ٱلْبُكْمُ ٱلَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَلَوْ عَلِمَ ٱللَّهُ فِيهِمْ
کنگانند آنانکه درنمی یابند واگر دانستی خدا تعالی در ایشان
خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوا۟ وَّهُم
نیکوی شنوانیدی ایشانرا واگر شنوانیدی ایشانرا برگشتندی از ایمان وایشان
مُّعْرِضُونَ ۝ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱسْتَجِيبُوا۟ لِلَّهِ
اعراض کنندگانند ای گروه مومنان اجابت کنید مر خدایرا
وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ
ومر فرستاده اورا چون بخواند شمارا با آنچه زنده گرداند شمارا و بدانید انکه
ٱللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَقَلْبِهِۦ وَأَنَّهُۥٓ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
خدا تعالی جدا کند میان مرد و دل او وانرا بسوی او محشور خواهید شد
وَٱتَّقُوا۟ فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنكُمْ
وبپرهیزید از گناهی که نرسد بآنانکه ستم کردند از شما
خَآصَّةً وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ۝
خاصه وبدانید که خدا تعالی سخت عقوبت کننده است
وَٱذْكُرُوٓا۟ إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِى
ویاد کنید آنرا که شما اندک بیچارگان در
ٱلْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ فَـَٔاوَىٰكُمْ وَأَيَّدَكُم
زمین است میترسیدند از آنکه بربایند شمارا کفار قریش پس جای داد شمارا و قوت کرد

بنصره

بنصره ورزقكم من الطيبت لعلكم تشكرون
بیاری دادن تو و روزی داد شما را از پاکیزها شاید که شما سپاس دارید
يايها الذين امنوا لا تخونوا الله
ای گروه مومنان خیانت مکنید با خدا تعالی
والرسول وتخونوا امنتكم
در رسول او و خیانت منمایید در امانتها
وانتم تعلمون ۝ واعلموا انما امولكم
و شما میدانید و بدانید آنکه مالهای شما
واولدكم فتنة وان الله عنده اجر
و اولاد شما محنتی و آنکه خدا تعالی نزد اوست مزدی
عظيم ۝ يايها الذين امنوا ان تتقوا الله
بزرگ ای گروه مومنان اگر بترسید از خدا تعالی
يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم سياتكم و
سازد برای شما تفرقه و بپوشاند از شما بدیها شما را و
يغفر لكم والله ذو الفضل العظيم ۝ واذ
بیامرزد شما را و خدا تعالی خداوند فضل بزرگ و چون
يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك او يقتلوك
مکر کردند بتو آنانکه کافر بودند تا حبس کنند ترا یا بکشند ترا
او يخرجوك ويمكرون ويمكر الله والله
یا بیرون کنند ترا و ایشان بدی می سگالند و جزا میدهد خدا تعالی و خدا تعالی
خير المكرين ۝ واذا تتلى عليهم ايتنا قالوا
بهترین جزا دهنده کافت مکاران را و چون خوانده شود بر ایشان آیتها ما گویند
سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا الا اسطير
شنیدیم اگر خواهیم بگوییم مانند این نیست این مگر قصهای
الاولين ۝ واذ قالوا اللهم ان كان هذا هو
پیشینیان و چون گفتند بار خدایا اگر هست این قرآن
الحق من عندك فامطر علينا حجارة من
راست از نزد تو پس بباران بر ما سنگی از

کی شنیدند
و دو روز ... کی آن بیان و شنیدند
و منافقان از ... طلوع
... خبر ... کان
... نزد خدا ...
... ازین خیانت
... و

ع

واذ یمکر
... سبب ... روشن نبود
که چون حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله
و صحابه ... مامور شدند
که چون ... عزم کردند
صحابه را ...
... ذی ...
ابو بکر صدیق ... حضرت

السماء او ائتنا بعذاب اليم ۝ وما كان الله
آسمان یا بیار بما عذابی دردناک ونیست خدا تعالی
ليعذبهم وانت فيهم وما كان الله معذبهم
که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان ونیست خدا تعالی عذاب کننده ایشان
وهم يستغفرون ۝ وما لهم الا يعذبهم الله وهم
وایشان استغفار میکنند وچیست ایشان را آنکه عذاب کند ایشان را خدا تعالی وایشان
يصدون عن المسجد الحرام وما كانوا اولياءه
باز میدارند از مسجد حرام ونیستند ایشان مولیان او
ان اولياؤه الا المتقون ولكن اكثرهم لا
نیستند سزاوار تولیه مسجد حرام مگر پرهیزکاران ولیکن بیشتر ایشان نمی
يعلمون ۝ وما كان صلاتهم عند البيت الا
دانند ونیست دعاء مشرکان نزد خانه کعبه
مكاء وتصدية فذوقوا العذاب بما كنتم
صفیر زدن ودست بر دست کوفتن پس بچشید عذاب بانچه بودید
تكفرون ۝ ان الذين كفروا ينفقون اموالهم
که کفر ورزیدید بدرستیکه آنانکه کافر شدند نفقه میکنند خواستهای خود را
ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم
تا باز دارند از راه خدا تعالی پس زود باشد که نفقه کنند مال خود را پس
تكون عليهم حسرة ثم يغلبون ۝ والذين
باشد بر ایشان پشیمانی پس مغلوب کرده شوند و آنانکه
كفروا الى جهنم يحشرون ۝ ليميز الله الخبيث
کافر شدند بسوی دوزخ رانده شوند تا جدا گرداند خدا تعالی ناپاک را
من الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض
از پاک و گرداند ناپاک را برخی بر برخی
فيركمه جميعا فيجعله في جهنم اولئك
پس بر هم چفسانند همه را پس بگرداند همه را در دوزخ آن گروه
هم الخاسرون ۝ قل للذين كفروا ان ينتهوا
ایشانند زیانکاران بگو مر آنانرا که کافر شدند اگر باز ایستند از کفر

یغفر

يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ

آمرزیده شود مرایشان را آنچه بتحقیق پیش ازین کرده اند واگر بازگردند پس در رستیکه

مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ

گذشته است سنت پیشینیان و کارزار کنید با ایشان تا نباشد فتنه یعنی شرک

وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ

و باشد دین همه مر خدایرا پس اگر باز ایستند پس در رستیکه خدا تعالی

بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ

بآنچه میکنند بیناست و اگر اعراض کنند پس بدانید

اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝

خدا تعالی مددکار شماست نیک یاریست و نیک یاری دهنده

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ

و بدانید آنچه غنیمت گرفته اید از چیزی پس در رستیکه مر خدایراست پنج یک آن

وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ

و مر رسول را و مر خویشان رسول را و یتیمان و درویشان

وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا

و مسافران اگر هستید شما ایمان آورده اید بخدا تعالی و آنچه

أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ

فرستاده ایم بر بنده ما روز بدر روزیکه

الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

روبروی آورده اند دو گروه و خدا تعالی بر همه چیز تواناست

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ

یاد کنید آنگاه بودید بکناره وادی نزدیک بمدینه و دشمنان بکناره وادی دور

الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ

از مدینه و سواران زیر تر از مکان شما و اگر وعده بودی میان شما

لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ ۝ وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا

هرآینه خلاف میکردید در وعده گاه و لیکن تا حکم کند خدا تعالی کاری را

كَانَ مَفْعُولًا ۝ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ

بود آنچه کرده شود آنکه هلاک شود هر که هلاک شود از حجت روشن

وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ
وزنده گردد هرکه زنده شود از حجتی و بدرستیکه خدا تعالی شنوا است دانا
إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ
چون که نمود ایشان را خدا تعالی در خواب تو اندکی و اگر تو نمودی ایشان را
كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ
بسیار بد دل شدندی اصحاب و هر آینه نزاع میکردند در کار و لیکن
اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
خدا تعالی سلامت داشت بدرستیکه او داناست بانچه در سینهاست
وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ
و چون بنمود دشمن را چون ملاقات کردید در چشمهای دشمن
قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا
اندکی و اندک گردانید شمارا در چشمهای دشمن تا براند خدا تعالی حکمی را
كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ يَا أَيُّهَا
هست بودنی و بسوی خدا تعالی باز گردانیده شود کارها ای
الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا
گروه مومنان چون برسید گروهی را پس بایستید و یاد کنید
اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ
خدا را بسیار شاید که شما ظفر یابید و فرمان برید خدا را و
رَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ
رسول او و خلاف مکنید پس از مخالفت بد دل شوید و برود
رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
ریح قوت شما و شکیبائی کنید بدرستیکه خدا تعالی با صابرانست
وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا
و مباشید مانند آنانکه بیرون آمدند از سراها خویش از روی سرکشی
وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
و برای نمایش خلق و باز میدارند از دین خدا تعالی
وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ
و خدا تعالی بانچه میکنند عالم است و یاد کنید آنرا که بیاراست برای کافران

بیان قصه بدر قصه فرست
بیدار و علی الاختلاف
المومنین و اقتدا علم
ادبیهم بهم سبب
نزول نمودن حضرت
رسالت صلی الله علیه و آله
و سلم به جهاد در بدر
ع
در آن سبب کرد روزی
چنانکه در وقع شده بود
در واقع دیده شد
درین راه بینند
در لشکر و دیگر گروه
و لشکر کافران بدر
بسیار دوستان
و دشمنان را
خدا خبر داد

السطن

الشيطن اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم
وبو آراست عملهای ایشان وگفت هیچ غلبه کننده نیست مر شما امروز
من الناس واني جار لكم فلما
از مردمان وبدرستیکه من یاور و رس شما پس آنهنگام که
ترآءت الفئتان نكص على عقبيه وقال
بدید دو گروه بازگشت شیطان بر دو پاشنه خود وگفت
اني بريء منكم اني ارى ما لا ترون اني
بدرستیکه من بیزارم از شما بدرستیکه من می بینم آنچه نمی بینید بدرستیکه من
اخاف الله والله شديد العقاب ۝ اذ يقول
میترسم از خدایتعالی و خدایتعالی سخت عقوبت کننده است چون گفتند
المنفقون والذين في قلوبهم مرض غر
منافقان وآنانکه در دلهای ایشان بیماریست فریفته است
هؤلاء دينهم ومن يتوكل على الله فان
این گروه دین ایشان و هرکه توکل کند بر خدایتعالی پس بدرستیکه
الله عزيز حكيم ۝ ولو ترى اذ يتوفى الذين
خدایتعالی غالب و حکم کننده است واگر ببینی چون قبض کرد ارواح آنانکه
كفروا الملئكة يضربون وجوههم وادبارهم
کافر شدند فرشتگان میزدند رویهای ایشان و پشتهای ایشان
وذوقوا عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت
وبچشید عذاب سوزان این بسبب آنکه از پیش فرستاد
ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد ۝ كداب
دستهای شما وآنکه خدایتعالی نیست ستم کننده مر بندگان را همچون عادت
ال فرعون والذين من قبلهم كفروا بايت
متابعان فرعونست وآنانکه پیش از ایشان کافر شدند بآیات
الله فاخذهم الله بذنوبهم ان الله قوي
خدایتعالی پس گرفت ایشانرا خدایتعالی بگناه ایشان بدرستیکه خدایتعالی با قوت
شديد العقاب ۝ ذلك بان الله لم يك
سخت عقوبت است این بآنکه خدایتعالی نبود

مومنان بودند
از اسلام [illegible]
و بغیر آن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اسلام کرده و با وجود
قدرت بر دولت هجرت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] نسبت ایشان

مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا

تغیر دهنده نعمتی راکه انعام کرده است بر گروهی تا تغیر دهند

مَا بِأَنفُسِهِمْ ۙ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَدَأْبِ

آنچه در نفسهای ایشانست و آنکه خدای تعالی شنواست دانا همچون عادت

آلِ فِرْعَوْنَ ۙ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَذَّبُوا

قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان تکذیب کردند

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا

بآیات پروردگار خود پس هلاک کردیم ایشان را بگناه ایشان و غرق کردانیدیم

آلَ فِرْعَوْنَ ۚ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّ شَرَّ

اتباع فرعون را و هر گروهی بودند ستمکاران بدرستیکه بدترین

الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا

جنبندگان نزد خدای تعالی آنانکه کافر شدند پس ایشان نمی آرند

يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ

ایمان آنانکه عهد بسته اند از ایشان پس می شکنند

عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَإِمَّا

عهد خود را در هر باری و ایشان پرهیز نمیکنند پس اگر

تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ

دریابی ایشان را در جنگ پس رمیده گردان بسبب ایشان آنرا که از پس ایشان

لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ

تا باشد که ایشان پند گیرند و اگر دریابی از گروهی

خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

نقض عهد پس بیفکن بسوی ایشان بنقض عهد بدرستیکه خدای تعالی دوست نمیدارد

الْخَائِنِينَ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا

خیانت کنندگان را و مپندارند آنانکه کافر شدند پیشی گرفتند

إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم

بدرستیکه ایشان عاجز نمیکنند و آماده سازید برای ناقضان عهد آنچه توانید

مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ

از قوة و آماده کنید از اسپان تا بترسانید بدین

عدو الله

عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ وَاٰخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ
دشمن خدا تعالی دوشمنان خود را و دیگر جز از کافران که

لَا تَعْلَمُونَهُمْ اَللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ
نمیدانید ایشان را خدا تعالی میداند ایشان را و آنچه نفقه میکنید از

شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يُوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ
چیزی در راه خدا تعالی تمام کرده خواهد شد بشما و شما

لَا تُظْلَمُونَ ۝ وَاِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ
ستم دیده نخواهید شد و اگر میل کنند مشرکان بصلاح پس تو میل کن بمصالحه و

تَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝
توکل کن بر خدا تعالی بدرستیکه او شنوا و داناست

وَاِنْ يُرِيدُوا اَنْ يَخْدَعُوكَ فَاِنَّ حَسْبَكَ
و اگر خواهند آنکه بفریبند ترا پس بدرستیکه بسنده است ترا

اللّٰهُ هُوَ الَّذِي اَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ
خدا تعالی اوست آنکه قوت داد ترا بیاری کردن خود و بهمه مومنان

وَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِي الْاَرْضِ
و پیوند میان دلهای ایشان اگر خرج میکنی آنچه در زمین است

جَمِيعًا مَا اَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ اَلَّفَ
همه تالیف نمیداری میان دلهای ایشان ولیکن خدا تعالی الفت کرد

بَيْنَهُمْ اِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ
میان ایشان بدرستیکه او غالب و محکم کار است ای پیغمبر بسنده است ترا

اللّٰهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا اَيُّهَا
خدا تعالی و آنانکه پیروی تو کردند از گروید گان ای

النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ اِنْ يَكُنْ
پیغمبر تحریص کن مومنان را بر کارزار کردن اگر باشند

مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ
از شما بیست تن صبر کنند گان غالب شوند بر دویست و

اِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا اَلْفًا مِنَ الَّذِينَ
اگر باشند از شما صد تن غالب شوند بر هزار تن از آنانکه

سبب نزول این آیت آنکه
میان دو قبیله اوس و
خزرج که از کبار بودند
انصار ... 
و ... بودند ... حضرت
... از صحبت
برکت ... ایشان ... 
از صحبت برکت حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه وآله وصحابه
وسلم ...
در میان ایشان الفت
بحکم خداوند تعالی
در بار و دادن این

كفروا بانهم قوم لا يفقهون ۝ الئن خفف

کافر بودند بآنکه ایشان گروهی که نمیدانستند اکنون سبک کرد امر

الله عنكم وعلم ان فيكم ضعفا فان

خدا تعالی از شما ودید آنکه در شما سستی هست پس اگر

يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين و

باشند از شما صد تن شکیبا غالب شوند بر دویست

ان يكن منكم الف يغلبوا الفين باذن الله

اگر باشند از شما هزار تن غالب شوند بر دو هزار باذن خدا تعالی

والله مع الصابرين ۝ ما كان لنبي ان يكون

و خدا تعالی با صابرانست نسزد مر پیغمبر را که باشد

له اسرى حتى يثخن في الارض تريدون

مر او را اسیران تا بسیار بکشند از ایشان در زمین میخواهید

عرض الدنيا والله يريد الاخرة والله عزيز

خواسته دنیا و خدا تعالی خواهد آخرة و خدا تعالی غالب و

حكيم ۝ لولا كتاب من الله سبق لمسكم فيما

حکم کننده است اگر نه حکمی از خدا تعالی پیش گرفته است میرسید شما را از آنچه

اخذتم عذاب عظيم ۝ فكلوا مما غنمتم حلالا

گرفتید عذابی بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید حلال

طيبا واتقوا الله ان الله غفور رحيم ۝

پاکیزه و بترسید از خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده مهربانست

يا ايها النبي قل لمن في ايديكم من الاسرى

ای پیغمبر بگو مر آنکسی را که در دست شما اند از اسیران

ان يعلم الله في قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما

اگر داند خدا تعالی در دلهای شما نیکوئی بدهد شما را بهتر از آنچه

اخذ منكم ويغفر لكم والله غفور رحيم ۝

گرفته از شما و بیامرزد شما را و خدا تعالی آمرزنده مهربانست

وان يريدوا خيانتك فقد خانوا الله من

و اگر خواهند خیانت کردن با تو پس بدرستیکه خیانت کردند با خدا تعالی از

قبل

قبل فامكن منهم والله عليم حكيم ۝ ان

پیش پس توانائی داد بر ایشان و خدای تعالی داناست حکم کننده بدرستیکه

الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم

آنانکه گرویدند و هجرت کردند و جهاد نمودند بمالهای خود

وانفسهم في سبيل الله والذين اووا و

و نفسهای خود در راه خدای تعالی و آنانکه جای دادند و

نصروا اولئك بعضهم اولياء بعض والذين

نصرت کردند آن گروه بعضی از ایشان دوستان برخی دیگر و آنانکه

امنوا ولم يهاجروا ما لكم من ولايتهم

گرویدند و نکردند هجرت نیست مر شما را از تحویل ایشان

من شيء حتى يهاجروا وان استنصروكم

ایچ چیز تا هجرت کنند و اگر نصرت کنند از شما

في الدين فعليكم النصر الا على قوم

در دین پس بر شماست یاری کردن ایشان مگر بر گروهی که باشد

بينكم وبينهم ميثاق والله بما تعملون بصير

میان شما و میان ایشان عهدی و خدای تعالی بآنچه میکنید بیناست

والذين كفروا بعضهم اولياء بعض الا

و آنانکه کافر شدند برخی از ایشان دوستان برخی دیگر اگر

تفعلوه تكن فتنة في الارض وفساد كبير

نکنید آنرا حاصل شود فتنه در زمین و فساد بزرگ

والذين امنوا وهاجروا وجاهدوا في

و آنانکه گرویدند و هجرت کردند و جهاد نمودند در

سبيل الله والذين اووا ونصروا اولئك

راه خدای تعالی و آنانکه جای دادند و یاری کردند آن گروه

هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق

ایشانند مومنان براستی مر ایشانراست آمرزش و روزی

كريم ۝ والذين امنوا من بعد وهاجروا

نیکو و آنانکه گرویدند از پس صلح و هجرت کردند

وَجٰهَدُوا مَعَكُمْ فَاُولٰٓئِكَ مِنْكُمْ وَ

وجهاد نمودند با شما پس آن گروه از شما

اُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِي

خداوند خویشها برخی از ایشان سزاوارترند ببعضی در

كِتٰبِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝

حکم خدا تعالی در ستیکه خدا تعالی بهر چیز داناست

## سورة التوبة مدنية وهي مائة وتسع عشر

بَرَآءَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖٓ اِلَى الَّذِيْنَ عٰهَدْتُّمْ

این بیزاریست از خدا تعالی و رسول او بسوی آنانکه ایمان بسته اید با ایشان

مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ فَسِيْحُوْا فِي الْاَرْضِ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ

از مشرکان پس سیر کنید در زمین چهار ماه

وَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ وَاَنَّ اللّٰهَ مُخْزِي

و بدانید که شما نه آنید که عاجز کنید خدا تعالی باشند و آنکه خدا تعالی رسوا کننده

الْكٰفِرِيْنَ ۝ وَاَذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖٓ اِلَى النَّاسِ

کافرانست و آگاه ساختنیست از خدا تعالی و رسول او بسوی مردم

يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ اللّٰهَ بَرِيْٓءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ

روز حج بزرگ که خدا تعالی بیزارست از مشرکان

وَرَسُوْلُهٗ فَاِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ

و رسول او پس اگر باز گردید از کفر پس آن بهتر باشد مر شما و اگر باز گردید

فَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ وَبَشِّرِ الَّذِيْنَ

پس بدانید که شما نه عاجز کنندگان خدا را و بشارت بیم کن

كَفَرُوْا بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝ اِلَّا الَّذِيْنَ عٰهَدْتُّمْ

کافران را بعذابی دردناک مگر آنانکه عهد کردید با ایشان

مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۝ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوْكُمْ شَيْـًٔا وَّلَمْ

از مشرکان پس ایشان کم نکردند چیزی و نکردند

يُظَاهِرُوْا عَلَيْكُمْ اَحَدًا فَاَتِمُّوْٓا اِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ

یاری بر شما کسی را پس تمام کنید بسوی ایشان عهد ایشان را

إلى مدتهم إن الله يحب المتقين ۝ فإذا

تا مدت عهد ایشان بدرستیکه خدا تعالی دوست دارد متقیان را پس چون

انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين

بگذرد ماههای حرام پس بکشید مشرکان را

حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم

هر جا که بیابید ایشان را و بگیرید ایشان را و باز دارید ایشان

واقعدوا لهم كل مرصد فإن تابوا وأقاموا

از اطراف مسجد و بنشینید برای ایشان در هر مرصد پس اگر باز گردند و بپا دارند

الصلوة وآتوا الزكوة فخلوا سبيلهم إن

نماز را و بدهند زکوة پس خالی کنید راه ایشان را بدرستیکه

الله غفور رحيم ۝ وإن أحد من المشركين

خدا تعالی آمرزنده مهربانست و اگر یکی از مشرکان

استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله ثم

زینهار خواهد از تو پس ایمن ساز او را تا بشنود سخن خدا را پس

أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون

برسان او را بجای امن او این بآنکه ایشان گروهی که نمیدانند

كيف يكون للمشركين عهد عند الله و

چگونه تواند بود مر مشرکان را عهدی نزد خدا تعالی و

عند رسوله إلا الذين عاهدتم عند

نزد رسول او مگر آنانکه عهد بستید نزد

المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقيموا

مسجد حرام پس استقامت ورزند برای شما پس باشید بر همان عهد

لهم إن الله يحب المتقين ۝ كيف وإن يظهروا

برای ایشان بدرستیکه خدا تعالی دوست دارد پرهیزکاران را چگونه باشد و اگر ظفر یابند

عليكم لا يرقبوا فيكم إلا ولا ذمة يرضونكم

بر شما نگاه ندارند در شما قرابت و نه وفای عهدی خشنود میگردانند شما را

بأفواههم وتأبى قلوبهم وأكثرهم فاسقون

بزبانهای خویش و سر باز زنند دلهای ایشان و بیشتر ایشان بیرون اند از فرمان

اشتروا بايت الله ثمنا قليلا فصدوا عن
بدل کردند بآیتهای خدای تعالی بهای اندکی پس اعراض کردند از
سبيله انهم ساء ما كانوا يعملون ۝ لا يرقبون
طاعت خدای تعالی بدرستیکه ایشان بد کاریست آنچه هستند میکنند نگاه نمیدارند
في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم المعتدون
در شان مومنی قرابت و نه عهدی و آن گروه ایشانند از حدود درگذرندگان
فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة
پس اگر بازگردند و بپای دارند نماز و بدهند زکوة
فاخوانكم في الدين ونفصل الايت لقوم
پس برادران شما اند در دین و بیان میکنیم آیتها برای گروهیکه
يعلمون ۝ وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم
فهم کنند و اگر بشکنند سوگندهای خود را از پس آنکه عهد کردند با ایشان
وطعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم
و طعنه زنند در دین شما پس بکشند پیشوایان کفررا بدرستیکه ایشان
لا ايمان لهم لعلهم ينتهون ۝ الا تقاتلون
هیچ نیست مر ایشان شاید که ایشان باز ایستند از کفر آیا کارزار نمیکنید
قوما نكثوا ايمانهم وهموا باخراج الرسول
با گروهی که شکستند پیمانها و قصد کردند به بیرون کردن رسول
وهم بدؤكم اول مرة اتخشونهم فالله
و ایشان کردند نقض عهد را اول بار آیا میترسید شما پس خدای تعالی
احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين ۝ قاتلوهم
سزاوارتر است آنکه بترسید اگر هستید گرویدگان کارزار کنید با مشرکان
يعذبهم الله بايديكم ويخزهم وينصركم
تا عذاب کند ایشانرا خدای تعالی بدستهای شما و رسوا سازد ایشان و نصرت دهد شما را
عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين ۝
بر ایشان و شفا بخشد سینهای گروهی از مومنان
ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على
و ببرد اندوه دلهای آنها را و توبه دهد خدای تعالی بر

من يشاء

مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ
هر که خواهد و خدای تعالی دانا است حکم کننده آیا پنداریدی

أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا
آنکه شما را بگذارند و ندیده خدای تعالی آنانرا که جهاد کنند

مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ
از شما و فرا نگیرند از جز خدای تعالی و بغیر رسول او

وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
و بدون مومنان دوستان و خدای تعالی دانا است بانچه میکنید

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ
نسزد مر مشرکانرا آنکه عمارت کنند مسجدهای خدایرا گواهان

عَلَىٰ أَنفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
بر نفسهای خویش بکفر آنگروه تباه شده است عملهای ایشان

وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ۝ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ
و در آتش ایشان جاوید مانند جز این نیست که عمارت کنند مسجدهای خدایرا

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ
آنکه بگرویده باشد بخدای تعالی و بروز بازپسین و برپای داشته نماز را

وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ
و داده باشد زکوة و نترسیده باشد مگر از خدای تعالی پس شاید آنگروه

أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۝ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ
آنکه باشند از راه یافتگان آیا میدارید

الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ
حاجیانرا آب دادن و عمارت مسجد حرام که ایمان آورده است بخدای تعالی

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا
و بروز قیامت و جهاد کرده است در راه خدای تعالی نیستند

يَسْتَوُونَ عِندَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
برابر نزدیک خدای تعالی و خدای تعالی راه ننماید گروه

الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا
ستمکارانرا آنانکه گرویدند و هجرت کردند و جهاد نمودند

ع

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً
در راه خداى تعالى بمالهاى خود و نفسهاى خود بزرگترين درجه
عِنْدَ اللّٰهِ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝ يُبَشِّرُهُمْ
نزد خداى تعالى و آن گروه ايشانند ظفر يافتگان مژده ميدهد ايشان را
رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ
پروردگار ايشان برحمتى از او و خشنودى و بوستانهاى مر ايشان را
فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللّٰهَ
دران نعمتى دايم جاويد باشند دران هميشه بدرستيكه خداى تعالى
عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
نزديك اوست مزدى بزرگ اى گروه مومنان مرا
تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا
مگيريد پدران خودرا و برادران خودرا دوستان اگر بر گزينند
الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ
كفر را بر ايمان و هركه بر گردد او از ايشان از شما
فَأُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ
پس آن گروه ايشانند ستمكاران بگو اگر هست پدران شما و فرزندان شما
وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
و برادران شما و زنان شما و هم صحبتان شما و مالها كه
اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ
كسب كرديد آنرا و بازرگانى كه ميترسيد ناروا شدن آنرا و
مَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَ
مسكنها كه ميپسنديد آنرا دوست ترست بشما از خداى تعالى و
رَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى
رسول او و جهاد كردن در راه او پس انتظار بريد شما
يَأْتِيَ اللّٰهُ بِأَمْرِهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ
تا بيارد خداى تعالى عقوبت خودرا و خداى تعالى راه ننمايد گروه فاسقان
لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ
بدرستيكه يارى كرد شما را خداى تعالى در مواطنهاى بسيار و روز

ع

حنين

حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنكُمْ
حنین چون شگفت آورد شما را بسیاری لشکر شما پس دفع نکرد از شما
شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ
چیزی را و تنگ شد بر شما زمین با فراخی پس
وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ۝ ثُمَّ أَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
پشت بر دادید گروه که هزیمت کنندگان بودید پس فرستاد خدای تعالی رحمت خود را
عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنزَلَ جُنُودًا
بر فرستاده خود و بر مومنان و فرستاد لشکرها
لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ وَذَٰلِكَ
که ندیدید شما و عذاب کرد آنانکه کافر بودند و این
جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِن بَعْدِ
پاداش ناگرویدگان پس توبه میدهد خدای تعالی از پس
ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝
این بر هرکه خواهد و خدای تعالی آمرزنده مهربانست
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا
ای گروه مومنان جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نشوند
يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا ۚ وَإِنْ
نزدیک مسجد حرام پس ازین سال و اگر
خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ
میترسید ای اهل مکه پس زود باشد که توانگر سازد شما را خدای تعالی از فضل خود
إِن شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ قَاتِلُوا الَّذِينَ
اگر خواهد بدرستیکه خدای تعالی داناست حکم کننده بکشید آنانکه
لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ
منکر شوند بخدای تعالی و نه بروز قیامت و حرام نمیدارند
مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ
آنچه حرام کرده خدای تعالی و رسول او و نمی پذیرند دین حق را
مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ
از آنانکه داده اند کتاب تا بدهند جزیه

[illegible]
[illegible] از اسب [illegible]
نزد [illegible] چون [illegible]
کفار [illegible]
[illegible] غالب آمدند که
در وقت جنگ [illegible]
[illegible] گریختند [illegible]
[illegible]
و بعضی از صحابه گفتند
لشکر اعتماد [illegible]
و گمان غلبه آمد
بر زبان راندند و
[illegible] حنین نام
[illegible]
[illegible]
[illegible] عجب

شمار در خانها بسیار
بسنگها ری کینه بر خوردند
ایمن نشستند ایشان
پادشاهان را داد و بیداد
شدند ان را هر دو تباه
از نظر وان بشنیدی نیخ
ازشک آمام اشناد و
در اول حد نگست

ع

عن يدٍ وهم صغرون ۝ وقالت اليهود عزيرٌ
از دست خود وایشان خوار شدگان باشند وگفتند جهودان عزیر
ابن الله وقالت النصرى المسيح ابن الله
پسر خداست وگفتند ترسایان عیسی ع پسر خداست
ذلك قولهم بافواههم يضاهؤن قول
این گفتن ایشان بدهنهای ایشان مشابهی سازند سخن
الذين كفروا من قبل قاتلهم الله انّى
آنانکه کافر شدند پیش از ایشان لعنت کناد برایشان خدای تعالی چگونه
يؤفكون ۝ اتخذوا احبارهم ورهبانهم
برگردانیده شوند فرا گرفتند علماء خود را وعباد خود را
اربابًا من دون الله والمسيح ابن مريم وما
خدایان از جز خدای تعالی وعیسی ع پسر مریم را ونیستند
امروا الا ليعبدوا الٰهًا واحدًا لا اله الا هو
مامور مگر آنکه وا پرستند یک خدای را نیست معبودی مگر او

نصف

سبحنه عما يشركون ۝ يريدون ان يطفؤا
پاکست او از آنچه انباز میگیرند میخواهند که فرو نشانند
نور الله بافواههم ويابى الله الا ان يتم نوره
نور خدایرا بدهنهای خویش ونمیخواهد خدای تعالی مگر آنکه تمام گرداند دین خود
ولو كره الكفرون ۝ هو الذى ارسل رسوله
واگر کاره باشند کافران اوست آنکه فرستاد فرستاده خود را
بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله
بقرآن ودین درست تا ظاهر گرداند بر همه دینها
ولو كره المشركون ۝ يايها الذين امنوا ان
واگر کاره باشند مشرکان ای گروه مومنان بدرستیکه
كثيرًا من الاحبار والرهبان ليأكلون اموال
بسیاری از علما وزهاد یهود ونصاری هر آینه میخورند مالهای
الناس بالباطل ويصدون عن سبيل الله
مردمان برشوت وبازمیدارند از راه خدای تعالی

ورد در نگاه
بچون ابر اشعار شگفت
بسی نثار بسی بیغ بشمند
ز نثار خبری وزیان آمد
بینی بچه فرخ شده بود
بینخ بینه بیان
دیدیون دیدی عنبر

والذین

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا
و آنانکه گنج می‌نهند زر را و نقره را و نفقه نمی‌کنند آنرا

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝
در راه خدا تعالی پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا
روزیکه برافروخته شود بران گنج در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بآن

جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ
پیشانیهای ایشان و پهلوهای ایشان و بر پشتهای ایشان اینست که گنج نهاده بودید

لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ۝ إِنَّ
برای نفس خود پس بچشید آنچه بودید که ذخیره میکردید بدرستیکه

عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي
شمار ماهها نزدیک خدا تعالی دوازده ماه است در

كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا
لوح محفوظ در روزیکه بیافرید آسمانها و زمین از آن

أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا
چهار ماه حرام است اینست حساب درست پس ستم مکنید

فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا
درین چهار ماه بر نفس خود و کارزار کنید با مشرکان همه چنانکه

يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝
کارزار میکنند با شما همه و بدانید آنکه خدا تعالی با پرهیزگاران است

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ
جز این نیست که تاخیر ماهی بماهی افزونیست در کفر گمراه میکرده اند بدین آنانکه

كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا
کافر شدند حلال میدارند در سالی و حرام دارند سالی را تا موافق سازند

عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ
شمار آنچه حرام کرده است خدا تعالی پس حلال کنند آنچه حرام کرده است خدا تعالی آراسته کرده شده

سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝
بدکردارهای ایشان و خدا تعالی راه ننماید گروه کافران

ان عدة الشهور
سبب نزول آن بود
که چون معاملات اعراب
و عبادات و بیان میعادات
اهل کتاب دایر
بماه قمری و سال شمسی سیصد و
شصت و پنج روز و ربع روز
باشد تفاوت با سال قمری
سیصد و پنجاه و چهار
روز و کسری پس
در هر سه سال
سنه آن
سیزده
ماه
میباشد
و عدد
در حکم خدا
دوازده ماه است
پس خداوند تعالی
بنای اکثر اعمال اهل
اسلام بر شهور نهاد و
احکام صوم و حج و زکوة
و عده و غیر آن بیان مرتب
ساخت و در بیان عدد
آن حضرت
شده است در دل ایشان

حق
سبحانه و تعالی
جل جلاله و عم نواله
و عظم شانه آیت
فرستاد

يَآيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا مَا لَكُمْ اِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا
ای گروه مومنان چیست شمارا چون گویند شمارا بیرون روید
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ اِلَى الْاَرْضِ اَرَضِيتُمْ
در راه خدا تعالی درنگ کنید بسوی زمین آیا راضی شدید
بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْاٰخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ
بزندگانی دنیا از آخرة پس نیست برخورداری زندگانی
الدُّنْيَا فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا قَلِيلٌ ۝ اِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ
دنیا در آخرة مگر اندکی اگر بیرون نروید عذاب کند شمارا
عَذَابًا اَلِيمًا ۝ وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا
عذابی دردناک و بدل کند بقومی غیر شما و نتوانید رسانید
تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
زیان چیزیرا و خدا تعالی بر هر چیز توانا است
اِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ اِذْ اَخْرَجَهُ الَّذِينَ
اگر نصرت ندهید پیغمبر اورا پس بدرستیکه نصرت کرد اورا خدا تعالی آنگاه که قصد بیرون کردن او کردند
كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ اِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اِذْ يَقُولُ
کافر شدند در حالتیکه دوم دو بود نصرت داد وقتیکه بودند هر دو در غار چون گفت پیغمبر
لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ اِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا فَاَنْزَلَ
مر یار خودرا اندوه مخور بدرستیکه خدا تعالی با ما است پس فرستاد
اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَاَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا
خدا تعالی آرامش بر او و قوت داد خدا تعالی بلشکرها ندیدید آنرا
وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلٰى وَكَلِمَةُ
و کرد پست کلمه آنهاکه کافر شدند فروتر و کلمه
اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ اِنْفِرُوا خِفَافًا
خدا تعالی آن بلندتر است و خدا تعالی غالب و محکم کار است بیرون روید سبکباران
وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ
و گرانباران و جهاد کنید بمالهای خود و بنفسهای خود
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝
در راه خدا تعالی این بهتر است مر شمارا اگر هستید که بدانید

يا ايها الذين
الخ سبب نزولش
آنبود که در سال نهم از
هجرت ع که
حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وآله وصحبه
وسلم عازم غزوه تبوک شد
هوا در غایت حرارت بود
و اهل مدینه بسبب خشک
سالی تنگی سیکشیدند
چون فرمان
رسید که
اصحاب
کمر
جهاد
بمیان جان
بسته عنان عزیمت
بدان صوب معطوف
سازند ایشان بسبب
بعد مسافت و کثرت
اعدا و قلت زاد و گرمی
هوا بکراهیت طبع در رفتن
تکاسل میورزیدند در
باب تاکید
این
آیه
آمد
الا تنصروه
الخ سبب نزولش
آنبود که حضرت

لو کان

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ
اگر بودی خواسته دنیاوی نزدیک و سفری میانه بیرون میکردند ترا
وَلَٰكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ
ولیکن دور شد برایشان مسافت و زود باشد که سوگند خورند
بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ
بخدای تعالی اگر توانستی بیرون آمدیم ما با شما هلاک میکنند
أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ عَفَا
نفسهای خود را و خدای تعالی میداند بدرستیکه ایشان دروغ گویانند عفو کناد
اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ
خدای تعالی از تو چرا دستوری دادی درباز ایستادن تا روشن میشد مر ترا
الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ۝ لَا يَسْتَأْذِنُكَ
آنانکه راست گفتند و تا میدانستی دروغ گویان را دستوری نمی‌طلبند از تو
الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ
آنانکه ایمان دارند بخدای تعالی و بروز قیامت از آنکه
يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
جهاد کنند بمالهای خود و بنفسهای خود و خدای تعالی داناست
بِالْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بپرهیزکاران جز این نیست که دستوری میخواهند از تو آنانکه ایمان نیاورند
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ
بخدای تعالی و بروز قیامت و در شک افتاده است دلهای ایشان پس ایشان
فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ۝ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ
در شک خود سرگردان میگردند و اگر خواستندی بیرون آمدن
لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ
آماده میکردندی برای خروج ولیکن کراهیت داشت خدای تعالی برانگیختن ایشان
فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ۝ لَوْ
پس باز داشت ایشان را و گفته شد که بنشینید با نشستگان اگر
خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا ۝ وَلَأَوْضَعُوا
بیرون آمدندی درمیان شما نیفزودندی شما را مگر تباهی و هر آینه درمی‌جستند

رسالت پناه صلی الله علیه وعلی آله واصحابه واحبابه وذریته وسلم علیهم شب مبارک پنجشنبه غره ربیع الاول از شهر مکه برفاقت حضرت

ع

ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیرون آمد و در غار ثور شب گذرانیدند و روز دیگر کفار بطلب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم بیرون آمدند تا بدر غار آوردند و گویند چون بفرمان خدای تعالی بر در غار درخت مغیلان روییده بود و کبوتر بیضه نهاده و عنکبوت تنیده کفار متعرض غار نشدند و ابوبکر گفت یا رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

خِلَٰلَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّٰعُونَ

درمیان شما میجستند برا ایشما فتنه و در شما جاسوسانند مر ایشان را

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّٰلِمِينَ ۝ لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ

و خدا تعالی داناست بستمکاران بدرستیکه طلبیدند فتنه را

مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ

پیش ازین و دیگر گردانیدند برای تو کارها تا بیاید نصرت الهی

وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَٰرِهُونَ ۝ وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ

و غالب شد کار خدا را و ایشان ناخواهان شدند و از ایشان کسی گوید

ائْذَن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا

دستوری ده مرا و در فتنه میفکن مرا بدانکه ایشان در فتنه اند افتاده

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَٰفِرِينَ ۝ إِن تُصِبْكَ

و بدرستیکه دوزخ فراگیرنده است ناگرویدگان را اگر برسد بتو

حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا

نیکوئی اندوهگین کند ایشان را و اگر برسد بتو جراحتی گویند

قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا وَّهُمْ فَرِحُونَ ۝

بدرستیکه گرفتیم ما کار خود را پیش ازین و برگردند و ایشان شادمان باشند

قُل لَّن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَىٰنَا

بگو نرسد ما را مگر آنچه نوشته است خدا تعالی برای ما اوست یار ما

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ هَلْ

و بر خدا تعالی پس باید که توکل کنند مومنان بگو آیا

تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ

چشم میدارید بما مگر یکی از دو چیز نیکو و ما

نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ

چشم میداریم بشما اگر برساند بشما خدا تعالی عذابی از

عِندِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم

نزدیک خود یا بدستهای ما پس انتظار برید بدرستیکه ما با شما

مُّتَرَبِّصُونَ ۝ قُلْ أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن

منتظرانیم بگو نفقه کنید برغبت و بیرغبت نخواهد

اگر یکی ازین
مشرکان در
قدم خود نگاه کنند ما را
به بینند فرمود اندوه مخور
که خدا با ماست و حضرت
حق سبحانه و تعالی
در وقتیکه مومنان
بغزوه
...

بتوک
فرمان حضرت
این نصرت
که بر رسول خود صلی
الله علیه و آله و صحبه
و سلم فرمود با نزال
آیه جهاد ایشان داد
درین باب آیت
نازل شد
اینست
ومنهم من يقول
آنچه سبب نزول آن آمد
که حضرت
رسالت
پناه صلی الله
علیه و آله و صحبه
و سلم جندب بن قیس
فرمود آیا ترا رغبت میشود
که بقتال اهل روم میل
کنی و از ایشان کنیزکان
خوب

یتقبل

کنیزکان
نیکو
بگیری
جد بن
قیس گفتند که انصار
میبینند که من شیفته ام
بنساء ... کر چون
زنان ببینم

الاصفر
را بینم ایمان
صبر نتوانم کرد
و در فتنه افتم حضرت
حق سبحانه و تعالی در وصف
حال آن منافقان
آیت
فرستاد

ومنهم من یلمزک الخ
سبب
نزول این آیت بود
که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله
و سلم
کر
قسمت
غنیمت میفرمود
ابو الجواظ منافق
گفت صاحب خود را
می بینید که صدقات
شما را بر اعیان غنم
میدهد

يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ اِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا فٰسِقِينَ ۝

قبول کرده شد از شما هر آینه شما هستید گروهی بیرون رفتگان

وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقٰتُهُمْ اِلَّآ اَنَّهُمْ كَفَرُوا

و باز نداشت ایشان را از آنکه قبول کرده شود از ایشان نفقهای ایشان مگر آنکه ایشان کافر

بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهٖ وَلَا يَاْتُونَ الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ

بخدای تعالی و بفرستاده او و نمی آیند بنماز مگر ایشان

كُسَالٰى وَلَا يُنفِقُونَ اِلَّا وَهُمْ كٰرِهُونَ ۝ فَلَا

کاهلانند و نفقه نمیکنند مگر ایشان ناخواهانند پس باید که

تُعْجِبْكَ اَمْوٰلُهُمْ وَلَآ اَوْلٰدُهُمْ اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ

نشگفت نیارد ترا مالهای ایشان و نه اولاد ایشان جز این نیست که میخواهد خدای تعالی

لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنفُسُهُمْ

تا عذاب کند ایشان را بآن در زندگانی دنیا و بیرون رود جانهای ایشان

وَهُمْ كٰفِرُونَ ۝ وَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنكُمْ

و ایشان کافران باشند و سوگند میخورند بخدای تعالی هر آینه ایشان از شما

وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ۝

و نیستند ایشان از شما ولیکن ایشان گروهی اند که میترسند

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَاً اَوْ مَغٰرٰتٍ اَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا

اگر بیابند پناهی یا غارها یا سوراخی هر آینه رو گردانیدندی

اِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ۝ وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِى

بدان و ایشان می شتابند و از ایشان کسی هست که عیب میکند ترا در

الصَّدَقٰتِ فَاِنْ اُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَاِن لَّمْ

صدقها پس اگر داده شوند از ان بپسندند آن و اگر داده

يُعْطَوْا مِنْهَا اِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ ۝ وَلَوْ اَنَّهُمْ

نشوند از ان آنگاه ایشان خشم گیرند و اگر آنکه ایشان

رَضُوا مَآ اٰتٰهُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهٗ وَقَالُوا حَسْبُنَا

بپسندند آنچه داد ایشان را خدای تعالی و رسول او و گویند بس است ما را

اللّٰهُ سَيُؤْتِينَا اللّٰهُ مِن فَضْلِهٖ وَرَسُولُهٗ

خدای تعالی زود باشد که بدهد ما را خدای تعالی از فضل خود و رسول او

إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ۞ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ
ورستیم ما بسوی خدا تعالی باز گردندگانیم جز این نیست که صدقها مر درویشانست

وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ
و بیچارگان و عمل کنندگان بر آن و بهم آورده شوند

قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي
دلهای ایشان و برای گشادن گردنهای بندگان و در

سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ
راه خدا تعالی و دیگر راه گذری فرض کرده از خدا تعالی

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۞ وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
و خدا تعالی داناست حکم کننده و از ایشان آنانند آزار دهند

النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ
پیغمبر را و گویند او سخن شنواست بگو او شنونده خیرست مر شما را

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ
تصدیق کند خدا را و تصدیق کند مومنان را و اوست رحمت

لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ
مر آنها که راه گرویدند از شما و آنانکه می آزارند

رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ
فرستاده خدا را مر ایشان عذابیست دردناک سوگند خورند بخدا تعالی

لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ
مر شما تا خشنود گردانند شما و خدا تعالی و رسول او سزاوارتر است که خشنود گردانند او را

إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ۞ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ
اگر هستند مومنان آیا ندانستند که هر کسی که خلاف کند

اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا
با خدا تعالی و رسول او پس سزاوار است که باشد مر او را دوزخ جاوید باشند در آن

ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ۞ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ
این رسوائیست بزرگ حذر میکنند منافقان آنکه

تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ
فرود آورده شود بر ایشان سوره خبر دهد ایشان را آنچه در دلهای ایشان

و گمان برد که عدل میکند در میان انفاق او
ع آیه آمد انما الصدقات این آیه حجت است که ناسخ حکم آیت را
که در سوره بقره گذشته و سبب نزولش آنبود که بیان مصارف صدقات است نادرست که آنچه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اصحابه و ذریته و سلم علیهم در قسمت غنایم کرده عین عدل و محض صواب است
الم یحذر المنفقون سبب نزولش آنبود که منافقان در میان یکدیگر پیغمبر خدا را سخن آزمائی و مسخره میکنند

قل استهزء

ثلثه

قُلِ اسْتَهْزِءُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ
بگو که افسوس دارید بدرستیکه خدا تعالی ظاهر کننده است آنچیزی را که حذر کنید
وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ
واگر بپرسی ایشان را گویند جز این نیست که بودیم که خوض میکردیم و بازی کردیم
قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ
بگو آیا بخدا تعالی و آیتهای او و بفرستادهٔ او بودید که استهزا میکنید
لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ
عذر مگویید بدرستیکه کفر کردید بعد از اظهار ایمان اگر عفو کنیم
عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ
از گروهی از شما عذاب کنیم طایفهٔ دیگر را بدرستیکه ایشان
كَانُوا مُجْرِمِينَ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ
هستند گناه کاران مردان و زنان منافقه

ع

بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ
برخی از ایشان از برخی میفرمایند بکاری زشت و باز میدارند
عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ
از نیکویی و فرا گیرند دستهای خود را فراموش کردند خدا را
فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ
پس فراموش گذاشت ایشان را بدرستیکه منافقان ایشانند بیرون رفتگان
وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ
وعده داده است خدا تعالی مردان و زنان منافقه و ناگرویدگان
نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ
آتش دوزخ جاوید باشند در آن آن بس است ایشان را و دور کرده ایشان را خدا
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
و مر ایشان راست عذابی پاینده مانند آنانکه پیش از شما
كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا
بودند سخت تر از شما از قوت و بیشتر از مال و اولاد
فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ
پس بهره گرفتند بنصیب خود پس تمتع گرفتید شما بنصیب خویش

كما استمتع الذين من قبلكم بخلاقهم و
همچنانکه تمتع یافتند آنانکه پیش از شما بهرهٔ خویش و
خضتم كالذي خاضوا اولئك حبطت اعمالهم
خوض کردید همچون گذشتگان که خوض کردند آن گروه نابود گشت کردارهای ایشان
في الدنيا والاخرة واولئك هم الخسرون
در دنیا و آخرة و آن گروه ایشانند زیان زدگان
الم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح
آیا نیامد بایشان خبر آنانکه پیش از ایشان گروه نوح
وعاد وثمود وقوم ابرهيم واصحب مدين
و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین
والمؤتفكت اتتهم رسلهم بالبينت فما كان
و اهل دیهها آمدند بایشان فرستادهای ایشان بحجتها پس نبود
الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون والمؤمنون
خدایتعالی تا ستم کند برایشان ولیکن بودند بر نفسهای خود ستم کردند و مردان مومن
والمؤمنت بعضهم اولياء بعض يأمرون بالمعروف
و زنان مومنه برخی از ایشان دوستان برخی میفرمایند بنیکویی
وينهون عن المنكر ويقيمون الصلوة ويؤتون
و باز میدارند از بدی و بپای دارند نماز و میدهند
الزكوة ويطيعون الله ورسوله اولئك
زکوة و فرمان برند خدایرا و رسول اورا آن گروه
سيرحمهم الله ان الله عزيز حكيم
زود باشد که رحمت کند ایشانرا خدایتعالی بدرستیکه خدایتعالی غالب است حکم کننده است
وعد الله المؤمنين والمؤمنت جنت تجري
وعده داد خدایتعالی مردان و زنان مومنه بوستانها میرود
من تحتها الانهر خلدين فيها ومسكن طيبة
از زیر آن جویها جاوید اند در آن و مسکنهای پاکیزه
في جنت عدن ورضوان من الله اكبر ذلك
در بهشتهای پاینده و خشنودی از خدایتعالی بزرگترست این

گفت پیغمبر که
ای
مردمان
که میخواهد که
عصاهای شمارا
بگیرد مضمون این
سخن ایشان بنور نبوت
در
یافت
حضرت
صلی الله علیه
وآله واصحابه وسلم
ظاهر شد با عمار یاسر
رضی الله عنه فرمود
که آن قوم را
دریاب و بپرس
که چه میگفتند اگر انکار
نمایند بگو که چنین
گفتند چون
بردیه اینها
وریده
شد
گفتند ما
بر سبیل بهر و
بازی چنانکه وا
رهگذران باشد

هوالغفور

ع

هو الفوز العظيم ۝ يا أيها النبي جاهد الكفار
آن فیروزی بزرگست ای پیغمبر جهاد کن با کافران
والمنافقين واغلظ عليهم ومأواهم جهنم
و منافقان و درشتی کن بر ایشان و بازگشت ایشان دوزخ است
وبئس المصير ۝ يحلفون بالله ما قالوا و
و بد بازگشتی است سوگند میخورند بخدا تعالی نگفته اند و
لقد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد اسلامهم
بدرستیکه گفته اند کلمهٔ کفر را و کفر را ظاهر ساختند بعد از اظهار اسلام
وهموا بما لم ينالوا وما نقموا الا ان اغنىهم
و قصد کردند با آنچه نیافتند و کینه نداشتند مگر آنکه بی نیاز گردانید ایشان را
الله ورسوله من فضله فان يتوبوا يك
خدا تعالی و رسول او از کرم خود پس اگر توبه کنند باشد
خيرا لهم وان يتولوا يعذبهم الله
بهتر مر ایشان را و اگر برگردند
عذابا اليما في الدنيا
عذاب کند ایشان را خدا تعالی عذابی دردناک در دنیا
والآخرة وما لهم في الارض من ولي ولا
و آخرت و نیست مر ایشان را در زمین هیچ دوستی و نه
نصير ۝ ومنهم من عاهد الله لئن آتينا
یاری و از اهل نفاق کسی هست که عهد کرده با خدا تعالی اگر بدهد ما را
من فضله لنصدقن ولنكونن من الصالحين
از کرم خود هر آینه صدقه دهیم و باشیم از شایستگان
فلما آتاهم من فضله بخلوا به وتولوا وهم
پس آنهنگام که داد ایشان را از کرم خود بخیلی کردند با آن و برگردیدند و ایشان
معرضون ۝ فأعقبهم نفاقا في قلوبهم الى
اعراض کنندگان شدند پس از پی در آورد ایشان نفاقی در دلهای ایشان تا
يوم يلقونه بما اخلفوا الله ما وعدوه
روز قیامت تا آنچه خلاف کرده اند با خدا تعالی آنچه وعده کرده بودند او

سخن
میگفتیم
و در شکایت
این حکایت آیت آمد
يحلفون بالله سبب
نزولش آن بود که بوقت
تهیا غزوه تبوک
جلاس بن
سوید بر دراز
گوشی
سوار از جانب
قبا بمدینه می آمد
بنفیر مردم از آن سفر
گفت اگر آنچه محمد
صلی الله
علیه
و آله
و
اصحابه
و سلم آورد
حق باشد ما از این
دراز گوشان که
خواهیم بدتر باشیم
پسر زن او

وبما كانوا يكذبون ۝ الم يعلموا ان الله يعلم

و بانچه بودند که دروغ گفتند آیا نمیدانستند آنکه خدای تعالی میداند

سرهم ونجوىهم وان الله علام الغيوب ۝

پنهان ایشان و راز ایشان و آنکه خدای تعالی داننده نهانها

الذين يلمزون المطوعين من المؤمنين في

آنانکه عیب میکنند افزون دهندگان را از گرویدگان در

الصدقت والذين لا يجدون الا جهدهم

صدقات و آنانکه نمی‌یابند مگر طاقت خود

فيسخرون منهم سخر الله منهم ولهم عذاب

پس افسوس دارند از ایشان جزا دهد خدای تعالی افسوس ایشان را و مر ایشان را عذاب

اليم ۝ استغفر لهم او لا تستغفر لهم

دردناک آمرزش طلب برای ایشان یا آمرزش مطلب برای منافقان

ان تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله

اگر آمرزش طلبی برای ایشان هفتاد بار پس نیامرزد خدای تعالی

لهم ذلك بانهم كفروا بالله ورسوله والله لا

ایشان را این سبب آنست که ایشان کافر شدند بخدای تعالی و رسول او و خدای تعالی

يهدي القوم الفسقين ۝ فرح المخلفون

راه گروه فاسقان شاد گشتند بازپس ماندگان

بمقعدهم خلف رسول الله وكرهوا ان

بنشستن خویش برخلاف رسول خدای و کراهیت داشتند آنرا

يجاهدوا باموالهم وانفسهم في سبيل الله

جهاد کردن بمالهای خود و بنفسهای خود در راه خدای تعالی

وقالوا لا تنفروا في الحر قل نار جهنم اشد

و گفتند بیرون مروید در گرما بگو آتش دوزخ سخت‌تر است

حرا لو كانوا يفقهون ۝ فليضحكوا قليلا و

از روی گرما اگر باشند که بدانند پس بخندید اندکی و

ليبكوا كثيرا جزاء بما كانوا يكسبون ۝ فان

بگریند بسیاری پاداش بآنچه بودند که کسب کردند پس اگر

مصعب آن سخن را بعرض حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم واصحابه وسلم رسانید و آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم جلاس الطلبید بحضور مصعب از آن مقال سوال فرمود و جلاس سوگند یاد کرد که نگفته ام و ع مصعب مناجات کرد که خدایا بر رسول خود بیّنه آیتی نازل گردان که صدق سخن من از آن معلوم گردد حضرت حق سبحانه و تعالی آیت فرستاد انبیه

رجعك

رَجَعَكَ اللّٰهُ اِلٰى طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ
باز آرد ترا خدا تعالی بسوی گروهی از منافقان پس دستوری طلبند از تو
لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ اَبَدًا وَّلَنْ
برای بیرون آمدن پس بگو بیرون نمی آیید با من هرگز و نکنید
تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا اِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ
کارزار در مصاحبت من دشمنی بدرستیکه شما خرسند شدید بنشستن
اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ ۝ وَلَا
اول بار پس بنشینید با باز پس ماندگان و مگذار
تُصَلِّ عَلٰى اَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّاتَ اَبَدًا وَّلَا تَقُمْ
نماز بر هیچ یکی از منافقان که بمیرد هرگز و مایست
عَلٰى قَبْرِهِ اِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا
بر گور وی بدرستیکه ایشان کافر شدند بخدا تعالی و رسول او و بمردند
وَهُمْ فٰسِقُونَ ۝ وَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَاَوْلَادُهُمْ
و ایشان بیرون روندگانند و باید که متعجب نسازد ترا مالهای ایشان و اولاد ایشان
اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُّعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ
جز این نیست که میخواهد خدا تعالی آنکه عذاب کند ایشان را بدان در دنیا و
تَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُونَ ۝ وَاِذَا اُنْزِلَتْ
بیرون رود روحهای ایشان و ایشان کافران باشند و چون فرستاده شود
سُورَةٌ اَنْ اٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ
سوره آنکه بگروید بخدا تعالی و جهاد کنید در خدمت پیغمبر او
اسْتَأْذَنَكَ اُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا
دستوری جویند از تو خداوند مال از منافقان و گویند بگذار ما را
نَكُنْ مَّعَ الْقٰعِدِينَ ۝ رَضُوا بِاَنْ يَّكُونُوا مَعَ
باشیم با نشستگان خرسند شدند با آنکه باشند با
الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ
زنان و پس ماندگان و مهر نهاده بر دلهای ایشان پس ایشان هم نمی فهمند
لٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا
لیکن فرستاده خدا تعالی و آنانکه گرویدند با او جهاد کردند

ولا تقم
اینکه که این
آیه حیثیت که ناسخ
حکم آیه را که در سوره
بنی اسرائیل بیاید در
حاشیه آن

گفته
شود سبب
نزولش آن بود
که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله
و اصحابه و احبابه
و سلم

در
مرض
ابن ابی خبیث
رفت و او از
آنحضرت التماس
نمود که بر من نماز
گذارد و مرا از پیرهن
طلب

چون
عازم شد
که نماز گذارد
در منع این آیت
نازل شد

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ

بمالهای خود و نفسهای خود و آن گروه مر ایشان راست نیکویها

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ

و آن گروه ایشانند فیروزی یافتگان آماده ساخته است خدای تعالی برای ایشان بوستانها

تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ

میرود از زیر آن جویها جاوید هستند در ان آنست

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

رستگاری بزرگ و آمدند عذر گویندگان از بادیه نشینان

لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

تا دستوری دهند مر ایشان را و نشستند آنانکه دروغ گفتند با خدای تعالی و رسول او و زود باشد که برسد

سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ لَّيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ

آنانکه کافر شدند از ایشان عذاب دردناک نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه

وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا

بر آنانکه نیابند چیزی که نفقه کنند گناه چون

نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِن

نیکوخواهی نمایند با خدای تعالی و رسول او نیست بر نیکوکاران هیچ

سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى الَّذِينَ

راهی و خدای تعالی آمرزنده مهربانست و نه بر آنانکه

إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ

چون بیایند بسوی تو تا ایشان را سوار کنی گفتی نمی یابم چیزی که سوار کنم شما را

عَلَيْهِ تَوَلَّوا وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا

بر آن برگشتند و چشمهای ایشان روان میشدند از اشک از اندوه

أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنفِقُونَ ۝ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ

که نمی یابند آنچه صرف کنند جز این نیست که ملامت بر آنانست که

يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا

دستوری جویند از تو و ایشان توانگرانند راضی شدند بآنکه باشند

مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا

با زنان و کودکان و مهر نهاد خدای تعالی بر دلهای ایشان پس ایشان نمی

آیه سبب نزولش آن بود که اکثر اهل اسلام میل کردند و نادر بعض بغزوه تبوک عذرها میکنند یعنی

ع

بنی اسد و غطفان از قلت مال و کثرت عیال عذر میکردند و بعضی بانکه بروم نمی سط اهالی

و موشی مار اغارت میکنند و این عذرها واقعی نبود حضرت حق سبحانه و تعالی آیه فرستاد یعنی

ولا علی الذین

آیه سبب نزولش آن بود که هفت تن بودند که بدرگاه نبوی پناه

يعلمون

يعلمون ۞ يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم

دانند اعتذار خواهند كرد سوى شما چون باز گرديد بسوى ايشان

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم قد نبأنا الله

بگو عذر مخواهيد باور نخواهيم داشت شما را بتحقيق ما را خبر داده خداتعالى

من اخباركم وسيرى الله عملكم و

از خبرهاى شما و ببيند خداتعالى كار شما و

رسوله ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة

رسول او پس باز گردانيده خواهيد شد بسوى داناى پوشيده و آشكارا

فينبئكم بما كنتم تعملون ۞ سيحلفون بالله لكم

پس خبر خواهد داد شما را آنچه بوديد كه ميكرديد زود باشد كه سوگند خورند بخداتعالى براى شما

اذا انقلبتم اليهم لتعرضوا عنهم فاعرضوا

چون باز گرديد بسوى ايشان تا روى گردانيد از ايشان پس اعراض كنيد

عنهم انهم رجس ومأويهم جهنم جزاء بما

از ايشان بدرستيكه ايشان پليدند و جاى ايشان دوزخ است پاداش آنچه

كانوا يكسبون ۞ يحلفون لكم لترضوا عنهم

بودند كه كسب ميكردند سوگند ميخورند منافقان براى شما تا خشنود شويد از ايشان

فان ترضوا عنهم فان الله لا يرضى عن القوم

پس اگر خشنود شويد از ايشان پس بدرستيكه خداتعالى خشنود نشود از گروه

الفسقين ۞ الاعراب اشد كفرا ونفاقا

فاسقان باديه نشينان سخت ترند از كفر و نفاق

واجدر الا يعلموا حدود ما انزل الله على

و سزاوارترند آنكه ندانند اندازهاى كه فرستاده است خداتعالى بر

رسوله والله عليم حكيم ۞ ومن الاعراب

رسول خود و خداتعالى داناست حكم كننده و از اهل باديه

من يتخذ ما ينفق مغرما ويتربص بكم

كه وا گيرد آنچه نفقه مينمايد تاوانى و انتظار ميبرد بشما

الدوائر عليهم دائرة السوء والله سميع

گردشهاى روزگار بر ايشان گردش بد و خداتعالى شنواست

عليم ۝ ومن الاعراب من يؤمن بالله و
دانا است واز اهل بادیه که میگرود بخدا تعالی

اليوم الاخر ويتخذ ما ينفق قربت عند
بروز قیامت ومیگیرند آنچه نفقه کنند اسباب قربت نزد

الله وصلوت الرسول الا انها قربة لهم
خدا تعالی ودعای پیغمبر بدانید که نفقه ایشان نزدیکی است مرایشانرا

سيدخلهم الله في رحمته ان الله غفور
زود باشد که درآرد ایشانرا خدا تعالی در رحمت خود بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده

رحيم ۝ والسبقون الاولون من المهجرين
مهربانست وپیشی گیرندگان پیشینیان از مهاجران

والانصار والذين اتبعوهم باحسان
وازانصار وآنانکه متابعت کردند ایشانرا بایمان

رضي الله عنهم ورضوا عنه واعد لهم
خشنود شد خدا تعالی ازایشان وخشنود شدند ازو وآماده کرد مرایشانرا

جنت تجري تحتها الانهر خلدين فيها ابدا
بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید باشند دران همیشه

ذلك الفوز العظيم ۝ وممن حولكم من الاعراب
اینست پیروزی بزرگ وازانکه گرداگرد شهر شما باشند از اهل بادیه

منفقون ومن اهل المدينة مردوا على
منافقانند واز اهل شهر شما قومی اند بر

النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم
نفاق نمیدانی ایشانرا ما میدانیم ایشانرا زود باشد که عذاب کنیم ایشانرا

مرتين ثم يردون الى عذاب عظيم ۝ و
دوبار پس بازگشته شوند بعذابی بزرگ

اخرون اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا
قومی دیگر اعتراف نمودند بگناهان خود بیامیختند کردار

صلحا واخر سيئا عسى الله ان يتوب عليهم
نیک ودیگر بد شاید خدا تعالی اگر توبه ایشان دریذیرد

چنانکه درباب ایشان آیت آمد و آخرون سبب نزول آن آنبود که از مخلفان اهل اسلام ده تن بسعدی تخلف ورزیده بودند چون تهدید الهی درباره

ع

متخلفان نازل شده بود خبر یافتند هفت تن خود را بستونهای مسجد بستند وسوگند خوردند که بگذارند که کسی ایشانرا نگشاید تا وقتیکه بحکم خدای عز وجل گشاده شوند چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله واصحابه وذریته واحبابه وسلم از تبوک رجوع

ان الله غفور

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ
بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده مهربانست فراگیر از مالهای ایشان
صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ
زکوة تا پاک کردانی ایشانرا و زیاده کردانی نشو و نما بدان و دعا کوی بر ایشان
إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝
بدرستیکه دعای تو آرامش نور دلهای ایشانرا و خدا تعالی شنوا و داناست
أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ
آیا نمیدانند آنکه خدا تعالی اوست که قبول میکند توبه را از بندگان خود
وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ
و فرا میگیرد صدقهای ایشانرا و آنکه خدا تعالی اوست توبه پذیرنده
الرَّحِيمُ ۝ وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ
مهربان و بگو عمل کنید پس زود باشد که بیند خدا تعالی کار شما
وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ
و رسول او و گروهگان و زود باشد که بازگردانیده شوید بسوی دانای
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝
نهان و آشکارا پس خبر کند شمارا بآنچه بودید که عمل میکردید
وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَ
و دیگران تاخیر کرده شدگانند برای فرمان خدا تعالی یا عذاب کند ایشانرا و
إِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝
یا توبه دهد بر ایشان و خدا تعالی داناست حکم کننده
وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا
و آنانکه گرفتند مسجدی برای ضرر و برای کفر و برای تفرقه
بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ
میان مومنان و برای انتظار مر آنکس را که حرب کرد با خدا تعالی و
رَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ
رسول او پیش از نا مسجد و هر آینه سوگند میخورند که ما نخواستیم مگر نیکوی
وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا
و خدا تعالی گواهی میدهد بدرستیکه ایشان دروغ گویانند قیام مکن در آن مسجد هرگز

نوده
بعد نزول
فرمود بعبادت
معهود بمسجد
در آمد
و آنها را دید فرمود
چه کسانند صورت حال
بوقف عرض رسانیدند
حضرت سید سرور
کاینات و مفخر
موجودات
علیه السلام
و
الصلوات
بزبان گهر
بار کلمه فرمودند
که من هم سوگند
میخورم که ایشانرا
نگشایم تا وقتیکه امر
رسد آیت عسی الله
ان یتوب آمد
القصه
بعد
نزول این
آیت حضرت سید
عالم و مفخر اولاد آدم
فرمودند تا ایشانرا
بگشایند

لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ
هرآئینه مسجدی که بنا کرده شده است بر پرهیزکاری از اول روز سزاوارتر است
أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا
آنکه قیام کنی درو دران مسجد مردانند که دوست دارند آنکه پاکی ورزند
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ۝ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ
و خدا تعالی دوست میدارد پاک ورزندگان را آیا هر کسیکه اساس افکند بنای دین خود را
عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ
بر پرهیزکاری از خدا تعالی و خشنودی او بهتر است آیا آنکه
أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ
اساس افکند بنای دین خود را بر کناره رودی پس بجای آن
فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۝ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
در آتش دوزخ است و خدا تعالی راه ننماید گروه ستمکاران
لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ
همیشه هست بنای ایشان آنکه بنا نهاده اند از آن در دلهای ایشان
إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ
مگر آنکه پاره گردد دلهاء ایشان و خدا تعالی داناست حکم کننده بدرستیکه خدا تعالی
اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ
بخرید از گروندگان نفسهای ایشان را و مالهای ایشان را بآنکه
لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
مرایشانراست بهشت کارزار کنند در راه خدا تعالی پس میکشند دشمنان را
وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ
و گاهی کشته شوند وعده دادنی خود بر او ثابت در توریت و انجیل
وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبْشِرُوا
و قرآن و هر که وفا کند بعهد خود از خدا تعالی پس شادمان گردید
بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
بخرید و فروخت خود آنکه سودا کردید با او و آن بیع اوست رستگاری بزرگ
التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ
مومنان پرستندگان ستایندگان حق روزه داران

آن
ازآزادشدگان
بشکرانه نعمت
الهی اموال خود را
بحضرت
نبوت پناه صلی الله
علیه وآله وسلم آورده گفتند
یا رسول الله ما بسبب این
مالها از دولت سلام
وخدمت تو باز
مانده ایم اینها
فراگیر و دور
راه
غزا

ع
تصدق
کن حضرت
خواجه عالم صلی الله
علیه وآله وسلم فرمود
که من با خذ مال شما مامور
نیستم خذ من اموالهم
صدقه دیگر باز نازل شد
این است
افمن
اسس بنیانه
سبب نزولش
آنست که دوازده تن
از منافقان چون
ثعلب بن حاطب
و

الرکعون

الرّٰكِعُونَ السّٰجِدُونَ الْاٰمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

رکوع کنندگان سجده آرندگان فرمان برندگان بایمان

وَالنّٰاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحٰفِظُونَ لِحُدُودِ

و بازدارندگان از کفر و نگاهدارندگان مر احکام

اللّٰهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ مٰا كٰانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ

خدا را و بشارت ده مومنان را نبود مر پیغمبر را و آنکه

اٰمَنُوا اَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كٰانُوا

گرویدند آنکه آمرزش طلبند برای شرک آرندگان و اگر باشند

اُولِي قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مٰا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ

خداوند خویشی از پس آنکه ظاهر شد مر ایشان را آنکه اصحاب شرک ملازمان

الْجَحِيمِ ۝ وَمٰا كٰانَ اسْتِغْفٰارُ اِبْرٰهِيمَ لِاَبِيهِ اِلّٰا

دوزخ اند و نبود آمرزش خواستن ابراهیم ؑ برای پدر خود مگر

عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهٰا اِيّٰاهُ فَلَمّٰا تَبَيَّنَ لَهُ اَنَّهُ

از برای وفا کردن عهد وعده کرده بود مر پدر خود پس آنهنگام که روشن گشت مر ابراهیم ؑ که او

عَدُوٌّ لِلّٰهِ تَبَرَّاَ مِنْهُ اِنَّ اِبْرٰهِيمَ لَاَوّٰاهٌ حَلِيمٌ ۝

از دشمن است مر خدا را بیزار گردید از او بدرستیکه ابراهیم ؑ بسیار آه کشنده بود و بردبار

وَمٰا كٰانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ اِذْ هَدٰيهُمْ

و نیست خدا تعالی که ضایع کند قومی را بعد از آنکه راه نموده است ایشان را

حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مٰا يَتَّقُونَ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

تا روشن گرداند برای ایشان که از آن پرهیز کنند بدرستیکه خدا تعالی بهر چیز

عَلِيمٌ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

داناست بدرستیکه خدا تعالی مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین

يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمٰا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ

زنده گرداند و میمیراند و نیست مر شما را بجز خدا تعالی هیچ

وَلِيٍّ وَلٰا نَصِيرٍ ۝ لَقَدْ تٰابَ اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ

دوستی و نه یاری بدرستیکه بازگشت خدا تعالی بر پیغمبر و

الْمُهٰجِرِينَ وَالْاَنْصٰارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سٰاعَةِ

مهاجران و انصار آنانکه پیروی کردند در ساعت

و ثعلبة بن حاطب
و ودیعة بن ثابت و اخر
ایشان بستند انجمن ابو عامر را
در برابر مسجد قبا مسجد
بنا کردند و ابو عامر راهب
از اشراف قبیله خزرج بود
و در علم توریت و انجیل
مهارتی بسیار داشت
و صفت حضرت رسالت
عالم صلی الله علیه و آله
در کتب دیده بود
میخواند چون آن سرور کاینات
و خلاصهٔ موجودات بمدینه
قدوم میمنت لزوم ارزانی
داشت اهل آن خطه
شیفتهٔ جمال فرخنده
کمال وی بود و صحبت ابو عامر را

[illegible]

العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق
تنگ شد از پس آنکه نزدیک بود میل کند دلهای گروهی
منهم ثم تاب عليهم انه بهم رءوف رحيم
از ایشان پس بازگشت بر ایشان بدرستیکه او بر ایشان بسیار رافت بخشنده است
وعلى الثلثة الذين خلفوا حتى اذا ضاقت
و دیگر توبه پذیرفت مران سه تن را آنانکه تخلف کردند تا چون تنگ شد
عليهم الارض بما رحبت وضاقت عليهم
بر ایشان زمین با وجود وسعت و تنگ شد بر ایشان
انفسهم وظنوا ان لا ملجا من الله الا اليه
دلهای ایشان و دانستند آنکه نیست پناهی از خدا تعالی مگر باز او
ثم تاب عليهم ليتوبوا ان الله هو التواب
پس توبه پذیرفت بر ایشان تا مستقیم شوند بدرستیکه خدا تعالی اوست توبه پذیرنده
الرحيم ۝ يايها الذين امنوا اتقوا الله وكونوا
مهربان ای گروه مومنان بترسید از خدا تعالی و باشید
مع الصدقين ۝ ما كان لاهل المدينة و
با راست گویان نشاید مر اهل مدینه را و
من حولهم من الاعراب ان يتخلفوا عن رسول
آنانکه گرداگرد ایشانند از بادیه نشینان آنکه تخلف کنند از رسول
الله ولا يرغبوا بانفسهم عن نفسه ذلك بانهم
خدا تعالی و نه رغبت کنند بنفسهای خود از نفس او این بسبب آن است
لا يصيبهم ظما ولا نصب ولا مخمصة في سبيل
نرسد ایشان را تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه
الله ولا يطـون موطئا يغيظ الكفار ولا
خدا تعالی و از کفار که لئیم است بخشم آورد کافران را و
ينالون من عدو نيلا الا كتب لهم به عمل
نیابند از دشمن آفتی مگر آنکه نوشته برای ایشان بسبب آن کرداری
صالح ان الله لا يضيع اجر المحسنين ۝ ولا
صالح بدرستیکه خدا تعالی ضایع نکرد اند مزد نیکوکاران را و نمیکنند

ربع

[illegible]

ينفقون

يُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا
نفقه اندک و نه بزرگ و نمیکنند

يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ
قطع هیچ بیابانی مگر نوشته شود برای ایشان تا جزا دهد ایشان را خدای تعالی

أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ
نیکوترین آنچه هستند که میکنند و روا نیست مومنان را

لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ
آنکه بیرون روند همه پس چرا نرود بیرون از هر جمعی از ایشان

طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ
گروهی تا طلب دانش کنند در دین و تا بیم کنند فقها گروه خود را

ع

إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
چون باز گردند بسوی ایشان شاید که ایشان حذر کنند ای گروه

آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ
مومنان کارزار کنید با آنانکه نزدیک شما اند از کفار

وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ
و باید که بیابند کافران در شما درشتی و بدانید آنکه خدای تعالی با

الْمُتَّقِينَ ۝ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَّن
پرهیزگارانست و چون فرستاده شود سوره پس از ایشان که

يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَٰذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ
گوید کیست از شما بیفزود او را این سوره گروندگان پس اما آنانکه

آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝
گرویدند پس زیاده میکرداند ایمان و ایشان شاد میشوند

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا
و اما آنانکه در دلهای ایشان بیماری پس زیاده کرداند ایشانرا کفری

إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ۝ أَوَلَا يَرَوْنَ
بکفر ایشان و بمردند و ایشان کافر بودند آیا نمی بینند

أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ
آنکه ایشان مبتلا شوند در هر سالی یکبار یا دوبار

ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَإِذَا
پس توبه نمیکنند و نه ایشان پند گیرند و چون

مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ
آنچه فرود آید سوره نظر کند برخی از ایشان بسوی برخی آیا

يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُم
می بیند شما را یکی از مسلمانان ثم پس باز گردند گردانیده است خدای تعالی دلهای ایشان

بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ۝ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ
بآنکه ایشان گروهی اند که در نمی یابند بدرستیکه آمد شما را فرستاده

مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ
از جنس شما دشوار است بر او آنچه در رنج افتید حریص است

عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا
بر شما بگروندگان مهربانست بخشاینده پس اگر برگردند

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
پس بگو بسنده است خدای تعالی نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم

وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
و اوست خداوند عرش بزرگ

## سورة يونس مكية وهي مائة وتسع آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۝ أَكَانَ لِلنَّاسِ
یعنی انا الله اری این آیتهای قرآنست که مشتمل است بر حکمت آیا هست مردمان را

عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنذِرِ النَّاسَ
تعجب آنکه وحی کردیم بسوی مردی از ایشان آنکه بیم کن مردمان را

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ
و مژده ده آنانکه گرویدند آنکه مر ایشان راست پیش رو راست

عِندَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ
نزدیک پروردگار ایشان گفتند ناگرویدگان بدرستیکه این جادو است

مُّبِينٌ ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
آشکارا بدرستیکه پروردگار شما الله است آنکه بیافرید آسمانها

والتماس آنکه در این مسجد
نماز گزارد [illegible] این
بود و لیکن [illegible] آنحضرت
علیه الصلوة و التحیة بجنگ تبوک میرفت
و بعد از آن آنحضرت صلی الله
علیه و سلم در جواب ایشان وعده
[illegible] متوجه [illegible]
تا باز آئیم و چون باز [illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

والارض

وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى

و زمین در شش روز پس مستولی شد بر

الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ

آفرینش عرش تدبیر میکند کاری نیست هیچ شفاعت کننده مگر از

بَعْدِ إِذْنِهِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

پس دستوری خداتعالی آنکه خداتعالی پروردگار شماست پس پرستید او را

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعْدَ اللَّهِ

آیا پند نمی گیرند ا بسوی اوست بازگشت شما همه وعده خداتعالی

حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

راست بدرستیکه خداتعالی پیدا آورد خلق را پس زنده کرداند از تا جزا دهد آنان که

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

گرویدند و کردند عمل شایسته بعدل و آنانکه نگرویدند

لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا

مر ایشان راست آشامیدنی از آب گرم و عذابی دردناک بانکه بودند

يَكْفُرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَ

که کافر میشدند اوست آنکه گردانید آفتاب را روشنی و

الْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ

ماه خداوند نور و تقدیر کرد منزلها تا بدانید شمار سالها

وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ

و حساب نیافرید خداتعالی آنچه مذکور شد مگر براستی روشن میکنیم

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ

دلایل قدرت برای گروهیکه میدانند بدرستیکه در آمد شد شب

وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و روز و در آنچه آفرید خداتعالی در آسمانها و زمین

لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

نشانهاست برای گروهیکه ترسند بدرستیکه آنانکه امید ندارند

لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا

ثواب و عقاب ما و خشنود شدند بزندگانی دنیا و آرام گرفتند بران

والذين هم عن اياتنا غفلون ۝ اولئك ماويهم
و آنانکه ایشان از آیتهای ما بیخبر اند آن گروه جای ایشان
النار بما كانوا يكسبون ۝ ان الذين امنوا وعملوا
آتش است بسبب آنچه بوده اند که کسب میکردند بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند
الصلحت يهديهم ربهم بايمانهم تجري من
عمل شایسته راه نماید ایشانرا پروردگار ایشان بایمان ایشان میرود از
تحتهم الانهر في جنت النعيم ۝ دعويهم
زیر ایشان جویها در بوستانهای با نعمت خواندن ایشان را
فيها سبحنك اللهم وتحيتهم فيها سلم
در بهشت پاکی یاد میکنیم ترا بار خدایا و ثنای ایشان در بهشت سلام بود
واخر دعويهم ان الحمد لله رب العلمين
و آخر دعای ایشان آنکه حمد مر خدایرا پروردگار عالمیان
ولو يعجل الله للناس الشر استعجالهم
و اگر تعجیل کند خدای تعالی مر مردمان باجابت دعای بد چنانکه شتافتن ایشان
بالخير لقضي اليهم اجلهم فنذر الذين
بدعای خیر گزارده شود بسوی ایشان اجل ایشان پس میگذاریم آنانرا که
لا يرجون لقاءنا في طغيانهم يعمهون ۝
امید ندارند بعذاب و ثواب ما در بیراهی خود سرگردان میروند
واذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او
و چون برسد آدمی سختی بخواند مارا و تکیه کرده یا
قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه ضره مر كان
نشسته یا ایستاده پس چون بردانیم ازو رنج را برود چنان
لم يدعنا الى ضر مسه كذلك زين للمسرفين
گوییا که او نخوانده است ما را بکشف ضرری که باو رسیده بود همچنان آراسته شده است مر اسرافکنندگان را
ما كانوا يعملون ۝ ولقد اهلكنا القرون
آنچه هستند که میکنند و بدرستیکه هلاک کردیم اهل قرنهارا
من قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلهم
پیش از شما آنهنگام که ستم کردند و آمده بودند بدیشان رسولان ایشان

و از خطاب ان تنعم
بو طالب را خبر کنند و در
جواب ایشان آیت نازل شد
ادرکنا مدوم برزوقی
آنحضرت که حضرت نبوی کرد
صلی الله علیه و آله و صحابه
و احبابه و سلم و نمود که خدایا
و آتی کرم
ع
شرو بکفر قوم عهد کرم ادرک
خلاف شوخوان فرموده
من شر مرسب اولی را
بجای نثر بار خدای مرحم ارحمان بفت
شهر خرم عزاد و دیار و او
دنیا بی قرار ان و ر ب
بکار و سلامت زار کن بان
و در وسیله ترجمان
دنیاست

بالبينة

بِالْبَيِّنٰتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذٰلِكَ نَجْزِي

بحجتهای روشن و نبودند که ایمان آرند همچنین جزا دهیم

الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝ ثُمَّ جَعَلْنٰكُمْ خَلٰٓئِفَ فِي

گروه منکران را پس اگردانیدیم شمارا خلیفها در

الْاَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝

زمین از پس قرنها که هلاک شدند تا ببینیم چگونه خواهید کرد

وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِينَ

و چون خوانده شود برایشان آیتهای ما روشن گویند آنانکه

لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَآ اَوْ

امید ندارند بعقاب و ثواب ما بیار قرآنی را بجز این یا

بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِيٓ اَنْ اُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَآئِ

بدل کن بگو نیست سزاوار مرا آنکه تبدیل کنم قرآن را از قبل

نَفْسِيٓ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوحٰٓى اِلَيَّ اِنِّيٓ اَخَافُ

نفس خود نمیکنم متابعت مگر آنچه بوحی کرده شود بمن بدرستیکه من میترسم

اِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قُلْ

اگر عاصی شوم در پروردگار خود از عذاب روز بزرگ بگو

لَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَآ اَدْرٰىكُمْ بِهٖ

اگر خواستی خدا تعالی آنچه نخواندمی بر شما و نه دانا کردی شمارا بقرآن

فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهٖ اَفَلَا تَعْقِلُونَ

پس بدرستیکه درنگ کردم در شما عمری پیش از قرآن آیا در نمی یابید

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ

پس کیست ستمکارتر از آنکه افترا کند بر خدا تعالی دروغی یا تکذیب کند

بِاٰيٰتِهٖ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ

آیتهای اورا بدرستیکه نیابند نجات مجرمان و میپرستند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَ

بجز خدا تعالی آنچه را که نرساند ضرر ایشانرا و نه سود ایشان و

يَقُولُونَ هٰٓؤُلَآءِ شُفَعَآؤُنَا عِنْدَ اللّٰهِ قُلْ

میگویند این بتان شفیعان ما اند نزد خدا تعالی بگو محمد

بدان نفوذ کنند
جمعی از قوم کردن ...
مطلق ابن ...
... بیارید
گفتند ...
... بخوانند
... ازد ...
... بر ...
... در آنجا ...
... آنحضرت ...
... وحی ...
در رد قول ایشان نزول
عذاب ...
در ... حضرت
حق ... و تعالی
جل جلاله ...
فرشته

أَتُنَبِّئُونَ اللّٰهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي
آیا خبر میدهید خدای را بانچه نمیداند در آسمانها و نه در

الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ
زمین پاکست خدای تعالی و برتر است از آنچه شریک می آرند

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا
و نبودند مردمان مگر امتی یگانه پس اختلاف کردند

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ
و اگر نه سخنی است پیشی گرفته از پروردگار تو حکم کرده شدی میان ایشان

فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ
در آنچه که در آن اختلاف میکنند و میگویند چرا فرستاده نشد

عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ
بر حضرت محمد صلعم معجزه از پروردگار او پس بگو که غیب مر خدای راست

فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ
پس انتظار برید بدرستیکه من با شما از منتظرانم

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ
و چون بچشانیم مردمان را صحتی از پس بیماری

مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللّٰهُ أَسْرَعُ
رسیده باشد ایشان را چون در مکری است در آیتهای ما بگو خدای تعالی زودتر است

مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ هُوَ
جزاء مکر شما بدرستیکه رسولان ما می نویسند آنچه می اندیشید اوست

الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتّٰى إِذَا كُنْتُمْ
آنکه سیر میدهد شما را در خشکی و تری تا چون باشید

فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا
در کشتی و روان شوند با ایشان بادی خوش و شادان شوند

بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ
بدان کشتی بیاید باد سخت و بیاید بدیشان موج

مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ
از هر جانب و یقین کنند آنکه ایشان فرو گرفته شدند

یونس

سبب نزول نیز معلوم نبود چون مشرکان آیه میطلبیدند چرا فرود فرستاده نشد بر محمد صلی الله علیه و آله و صحابه و سلم معجزه از پروردگار او از معجزاتیکه میطلبیدیم نفع و ضرر آن مختص است در ...

ع

نزول آیه ... در ... دیده ... چون ... شدند ... هفت سال بلای قحط ... مبتلا بودند چون ... از ... آن ... حضرت ... صلی الله علیه و آله و سلم

دعوا الله

دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا
بخوانند خدا را که پاک کنندگان برای خدا تعالی دین را اگر نجات دهی ما را

مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّٰكِرِينَ ۝ فَلَمَّا
از این لا باشیم از شکر کنندگان پس چون

أَنْجٰىهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ
باز رهانید ایشان را ناگاه ایشان ستم کنند در زمین ناحق

يٰأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلٰى أَنْفُسِكُمْ
ای مردمان جز این نیست که ستم شما بر نفسهای شماست

مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ
برخورداری زندگانی دنیا پس بسوی ماست بازگشت شما

فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيٰوةِ
پس خبر کنیم شما را بانچه هستید که عمل کنید جز این نیست که مثل زندگانی

الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنٰهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ
دنیا مانند آبیست که فرستادیم آن را از آسمان پس آمیخت

بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ
بآن گیاه زمین از آنچه میخورند آدمیان و چهارپایان

حَتّٰى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ
تا چون فرا گرفت زمین پیرایه خود را و آراسته شد

وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قٰدِرُونَ عَلَيْهَا أَتٰىهَا أَمْرُنَا
وگمان بردند اهل آن که ایشان قادرند بران ناگاه آمد بوی فرمان ما

لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنٰهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَ
در شب یا در روز پس گردانیدیم آن را کشته شده گویا نگشته آبادان

بِالْأَمْسِ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْأٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
دیروز همچنین تفصیل میدهیم دلایل برای گروهی که تفکر کنند

وَاللّٰهُ يَدْعُوا إِلٰى دَارِ السَّلٰمِ وَيَهْدِي مَنْ
و خدا تعالی میخواند بسرای سلامت و راه نماید هر کرا

يَشَاءُ إِلٰى صِرٰطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا
خواهد بسوی راه راست مر آنکسانی را که نیکو کردند

بهشت بران بحکم [illegible] | [illegible] در آیت | ان الظاهرا بمعنی [illegible] | [illegible] فضول و بیهوده | حق سبحانه و تعالی منزه را | [illegible] او را | بکار و سلطنت [illegible] | [illegible]

الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم قتر
مثوبت نیکو بهشت و افزونی و نپوشیده نگردانند روهای بهشتیان را غباری
ولا ذلة اولئك اصحب الجنة هم فيها
و نه خواری آن گروه اهل بهشت ایشان در آن
خلدون ۝ والذين كسبوا السيات جزاء
جاوید باشند و آنانکه کسب کردند بدیها را پاداش
سيئة بمثلها وترهقهم ذلة ما لهم من
بدیست مانند آن و بپوشد ایشان را خواری نباشد مر ایشان را از
الله من عاصم كانما اغشيت وجوههم
خدای تعالی هیچ نگاه دارنده گویا پوشیده شده روهای ایشان
قطعا من اليل مظلما اولئك اصحب النار
پارها از شب که تاریک بود آن گروه ملازمان آتش
هم فيها خلدون ۝ ويوم نحشرهم جميعا ثم
ایشان در آن جاوید باشند و یاد کن روزی که حشر کنیم ایشان را همه پس
نقول للذين اشركوا مكانكم انتم وشركاؤكم
گوییم مر آنانرا که شرک آوردند بجای خود شما و شریکان شما
فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ما كنتم
پس جدا کنیم میان کفار و گویند شریکان ایشان نبودید شما
ايانا تعبدون ۝ فكفى بالله شهيدا بيننا
که ما را پرستیده باشید پس کافیست بخدای تعالی گواه میان
وبينكم ان كنا عن عبادتكم لغفلين ۝
و میان شما اگر بودیم از پرستش شما بیخبران
هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت وردوا
در آن مقام بیازماید هر نفسی آنچه از پیش فرستاده و بازگردانیده شوند
الى الله مولىهم الحق وضل عنهم ما كانوا
بسوی خدای تعالی متولی امر ایشان بحقیقت و گم کرد از کافران آنچه هستند
يفترون ۝ قل من يرزقكم من السماء
که افترا میکنند بگو که روزی دهد شما را از آسمان و

نصف
ع

رضا و [illegible] لقا | سبب [illegible] | و [illegible] اسلام [illegible] | بالا از حضرت رسالت | صلی الله علیه و آله | و صحابه [illegible] | [illegible]

الارض

142

والارض امن يملك السمع والابصار و
و زمین یا کیست که قادر است آوردن شنوائی و دیدها را و
من يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من
کیست که بیرون آورده زنده را از مرده و بیرون آورده مرده را از
الحي ومن يدبر الامر فسيقولون الله
زنده و کیست که تدبیر کند کارها را پس زود باشد که گویند الله است
فقل افلا تتقون ۝ فذلكم الله ربكم الحق
پس بگو آیا نمی‌ترسید پس این صفت الله است پروردگار شما درست
فماذا بعد الحق الا الضلال فانى تصرفون
پس چه چیز پس از درستی مگر گمراهی پس از کجا گردانیده می‌شوید
كذلك حقت كلمت ربك على الذين فسقوا
همچنانکه سزاوار است حکم پروردگار تو بر آنانکه بیرون رفتند از
انهم لا يؤمنون ۝ قل هل من شركائكم من
آنکه ایشان نمیگروند بگو آیا از شریکان شما
يبدؤا الخلق ثم يعيده قل الله يبدؤا الخلق
که پیدا کند خلق را پس زنده سازد بگو که خدا تعالی آورد خلق
ثم يعيده فانى تؤفكون ۝ قل هل من
پس زنده سازد پس از کجا گردانیده شوید بگو آیا هست از
شركائكم من يهدي الى الحق قل الله يهدي
شان شما که راه نماید بسوی حق بگو خدا تعالی راه نماید
للحق افمن يهدي الى الحق احق ان يتبع امن لا
بحق آیا پس که راه نماید بحق سزاوارتر است که متابعت کرده شود آیا کسی که
يهدي الا ان يهدى فما لكم كيف تحكمون
راه نیابد مگر که راه نماید او را پس چیست شما را چگونه حکم میکنید
وما يتبع اكثرهم الا ظنا ان الظن لا يغني
و پیروی نمیکنند بیشتر ایشان مگر گمانی بدرستیکه گمان بی نیاز گرداند
من الحق شيئا ان الله عليم بما يفعلون
از علم چیزی بدرستیکه خدا تعالی داناست بانچه میکنند

[illegible]

وما كان هذا القرآن أن يفترى من دون
ونيست اين قرآن آنكه بربافته شود از جز
الله ولكن تصديق الذي بين يديه و
خدا تعالى وليكن تصديق كننده آنچه بود پيش از وى
تفصيل الكتب لا ريب فيه من رب العلمين
بيان كردن نوشته نيست شك در آن از پروردگار عالميان
أم يقولون افترىه قل فأتوا بسورة مثله
آيا ميگويند بربافته است بگو بياريد سوره مانند آن
وادعوا من استطعتم من دون الله إن
وبخوانيد هركه توانيد از وى يارى خواهيد بجز خدا تعالى اگر
كنتم صدقين بل كذبوا بما لم يحيطوا
هستيد راست گويان بلكه تكذيب كردند بآنچه نرسيده
بعلمه ولما يأتهم تأويله كذلك كذب الذين
بدانش آن وهنوز نيامده بديشان معنى قرآن همچنين تكذيب كردند آنانكه
من قبلهم فانظر كيف كان عاقبة الظلمين
پيش از ايشان پس نگر چگونه بود سرانجام ستمكاران
ومنهم من يؤمن به ومنهم من لا يؤمن
وازايشان كسى هست كه ميگرود بقرآن وازايشان كسى هست كه نميگرود
به وربك أعلم بالمفسدين وإن كذبوك
بآن وپروردگار تو داناست بتباه كاران واگر تكذيب كنند ترا
فقل لي عملي ولكم عملكم أنتم بريئون مما
پس بگو مراست جزاء كردار من ومر شماراست پاداش عمل شما شما بيزاريد ازانچه
أعمل وأنا بريء مما تعملون ومنهم من يستمعون
بكنم ومن بيزارم ازانچه ميكنيد وازايشان كسى هست كه گوش دارد
إليك أفأنت تسمع الصم ولو كانوا لا يعقلون
بتو آيا تو ميشنوانى كرانرا واگر هستند درنمى يابند
ومنهم من ينظر إليك أفأنت تهدي العمي
وازايشان كسى باشد كه نظر كند بسوى تو آيا تو راه مينمايى كورانرا

ع

ولو كانوا

وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ
واگرچه هستند که نمی بینند بدرستیکه خدا تعالی نمی کند ستم بر مردمان
شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَيَوْمَ
هیچ چیز ولیکن مردمان بر نفس خود ستم میکنند وروزیکه
يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ
جمع کنیم ایشانرا گویا که درنگ نکردند مگر ساعتی ازروز
يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ
آشنائی کنند میان ایشان بدرستیکه زیان کردند آنانکه تکذیب کردند بدیدار
اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ
روز حساب ونبودند راه یافتگان واگر بنمایم ترا
بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا
بعضی ازآنچه وعده دادیم کفار را یا متوفی سازیم ترا پس بسوی ماست
مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ۝
بازگشت ایشان پس خدا تعالی گواه است برآنچه میکنند
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ
وهر یک گروهی را فرستاده بود پس چون آمد رسولی برایشان حکم کرده شد
بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ
میان ایشان بعدل وایشان ستم دیده نشوند وگویند که کی باشد
هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُل لَّا أَمْلِكُ
این وعده اگر هستید راست گویان بگو مالک نیستم
لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ
برای نفس خود زیانی ونه سودی مگر آنچه خواهد خدا تعالی برای هر گروهی
أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً
وقتی است چون بیاید اجل ایشان پس واپس نمانند ازیک زمانی
وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ
ونه پیشی گیرند بگو آیا دیدید اگر بیاید شما
عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ
عذاب خدا تعالی بوقت مشغولی یا درروز چه چیز شتاب میکنند ازعذاب

ودیدها
وبسلیم از نقصان ان
بودانند حضرت حق
سبحانه وتعالی حق
بداره در ابلیس دل
مبارک حضرت نبوت
پناه صلی الله علیه وآله
وسلم ونبید بیان کفر
وضلال ایشان ونست
ویقولون متی
انچه کراین آیه
چون منعوز در نفی عذاب
جز برین آیه سابقه
وارد است استدلال
نموده میگویند از کفار
در قبر معذب نمی شوند

المجرمون ۝ اثم اذا ما وقع امنتم به آلئن

گنهکاران آیا چون عذاب واقع شود ایمان آورید بوی آیا اکنون

وقد كنتم به تستعجلون ۝ ثم قيل للذين

و حال آنکه بودید شما از روی تکذیب شتاب می‌طلبید پس گفته مر آنانرا

ظلموا ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون الا

ستم کردند بچشید عذاب جاوید را آیا جزا داده شوید مگر

بما كنتم تكسبون ۝ ويستنبئونك احق

بسبب آنچه بودید که کسب میکردید و خبر پرسند از تو در باب قرآن

قل اي وربي انه لحق وما انتم بمعجزين ۝

بگو آری و بحق پروردگار من هر آینه که دعوی من هست و نیستید شما عاجز کنندگان

ولو ان لكل نفس ظلمت ما في الارض

و اگر باشد مر هر نفسی را که ستم کرده است آنچه در زمین

لافتدت به واسروا الندامة لما راوا العذاب

فدیه دهد آنچه در وست و پوشند پشیمانی خود را آنهنگام که ببینند عذاب را

وقضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ۝

و حکم کرده شد میان مومنان بعدل و ایشان ستم دیده نشوند

الا ان لله ما في السموت والارض الا ان

دانید هر آینه مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمین است بدانید هر آینه

وعد الله حق ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝

وعده خدا تعالی راست است ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

هو يحيي ويميت واليه ترجعون ۝ يايها الناس

اوست زنده گرداند و میمیراند و بسوی او گردانیده خواهید شد ای مردمان

قد جاءتكم موعظة من ربكم وشفاء لما

بدرستیکه آمد بشما پندی از پروردگار شما و صحت مر آنچه

في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين ۝

در دلهای شماست و راه نمونی و رحمت برای گرویدگان

قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا

بگو بفضل الله تعالی و برحمت خدا تعالی پس باین فضل پس باید که شاد شوند

مرکلام ترمزید
بیرون در از آن اینجا مر
سخن مصحف در جواب میگوید
که این مصحف نه سبب صحبت
احوال و شدت احوال
فی شدت او و عذاب
در جنب ع آن
ولیکن نمیروند چون از
خبر است شفقت ایشان در بعید
سیان ایشان بگیرد و خبر از فلان
بن فلان است بنفی بعید
بشنید سخن کو باد بدیدن
منافقت است اندک نموده
و این در اول بعثت
باشد بیان از آن بر
نواند احوال ایشان

هو خیر مما

هو خير مما يجمعون ○ قل ارءيتم ما انزل
فضل بهترست ازانچه جمع کنیم بگو خبر دهید مرا آنچه فرستاد
الله لكم من رزق فجعلتم منه حراما و
خدا تعالی برای شما از روزی پس ساختید ازان حرام و
حلالا قل ءالله اذن لكم ام على الله تفترون ○
حلال بگو آیا خدا تعالی دستوری داد شما را آیا بر خدا تعالی افترا میکنید
وما ظن الذين يفترون على الله الكذب
و چیست گمان آنهارا که برمی بندند بر خدا تعالی دروغ را
يوم القيمة ان الله لذو فضل على الناس
در روز رستخیز هر آینه خدا تعالی صاحب فضل است بر مردمان
ولكن اكثرهم لا يشكرون ○ وما تكون
ولیکن بیشتر ایشان سپاسداری نمیکنند و نباشی تو
في شان وما تتلوا منه من قران ولا تعملون
در کاری و نخوانی ازانچه فرستاده از قرآن و نکنید
من عمل الا كنا عليكم شهودا اذ تفيضون
هیچ کاری مگر هستیم ما بر شما گواهان آنوقت که خوض میکنید
فيه وما يعزب عن ربك من مثقال ذرة
در ان و پوشیده نمیشود از پروردگار تو همسنگ مورچه خورد
في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك
در زمین و نه در آسمان و نه خوردتر ازان
ولا اكبر الا في كتب مبين ○ الا ان اولياء
و نه بزرگتر مگر در کتاب روشن بدانید هر آینه دوستان
الله لا خوف عليهم ولا هم يحزنون ○
خدا تعالی نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند
الذين امنوا وكانوا يتقون ○ لهم البشرى
آنانکه گرویدند و هستند که پرهیزگاری کنند مر ایشان راست مژده کانی
في الحيوة الدنيا وفي الاخرة لا تبديل
در زندگانی دنیا و در دنیا نیست بدل کردن

ان شاء ف
وان شاء بر انقطاع
پدید وانکه بعید نعلمونی
کنند سبب ترک شکر است
که بنده از ترس و دل ایمن دارد
نزدیک الله به کفار رسد
استعمال
ع
عدد رکوع و نه
آیت نازل شد ابن عباس است
الا ان اولیاء بسبب نزول
آیت کتب در عین
المعانی آورده که جماعتی
کو لفات اینها از موجب
یاد کردن خدای باشد
و در بحر الحقایق آورده
که مراد از اولیا

[illegible]

لِكَلِمٰتِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَلَا
مر سخنان خدای را این اوست رستگاری بزرگ و باید که
يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا هُوَ
اندوهگین نکند ترا گفتار کفار بدرستیکه ارجمندی مر خدای راست همه اوست
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ أَلَا إِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ
شنوا دانا بدانید بتحقیق مر خدای راست هر چه در آسمانها
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ
و هر چه در زمین است و چه چیز را متابعت میکنند آنانکه میخوانند
مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
از جز خدای تعالی شریکان را پیروی نمیکنند مگر گمان را
وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
و نیستند ایشان مگر دروغ گوینده اوست آنکه گردانید برای شما
الَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي
شب را تا بیارامید در او و روز روشن ساخت بدرستیکه در
ذٰلِكَ لَآيٰتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۝ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ
این نشانهاست مر گروهی را که بشنوند گفتند که فرا گرفت خدای تعالی
وَلَدًا سُبْحٰنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
فرزندی پاکست خدای تعالی اوست بی نیاز مر اوراست آنچه در آسمانهاست
وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا
و آنچه در زمین است نیست نزدیک شما هیچ حجتی باین
أَتَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قُلْ إِنَّ
آیا میگوئید بر خدای تعالی آنچه نمیدانید بگو بدرستیکه
الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ
آنانکه افترا میکنند بر خدای تعالی دروغ رستگار نمیشوند
مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ
برخورداری اندکست در دنیا پس بسوی ماست بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را
الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ وَاتْلُ
عذاب سخت بسبب آنکه بودند کافر میشدند و بخوان

ثلثه ع

[illegible]

علیهم

عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَٰقَوْمِ إِن كَانَ

بر ایشان خبر نوح ع چون گفت مر قوم خود ای گروه من اگر هست

كَبُرَ عَلَيْكُم مَّقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَٰتِ

بزرگ شده بر شما اقامت من و پند دادن من به آیات

اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوٓا۟ أَمْرَكُمْ وَ

خدا تعالی پس بر خدا تعالی توکل کردم پس همه فراهم آرید کار خود را و

شُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ

انبازیکان خود پس بباید که باشد کار شما بر شما پوشیده پس

اقْضُوٓا۟ إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ۝ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَمَا

او کنید بمن و ورا مهلت مدهید پس اگر روی گردانید پس من

سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَ

نخواستم از شما هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدا تعالی و

أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ فَكَذَّبُوهُ

فرموده شدم اینکه باشم از گردن نهادگان پس تکذیب کردند او را

فَنَجَّيْنَٰهُ وَمَن مَّعَهُۥ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَٰهُمْ

پس نجات دادیم او را و آنانکه با او بودند در کشتی و گردانیدیم ایشان را

خَلَٰٓئِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِآيَٰتِنَا فَانظُرْ

پس ماندگان و غرق کردیم آنانکه تکذیب کردند آیتهای ما پس درنگر

كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ الْمُنذَرِينَ ۝ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن

چگونه بود سرانجام بیم کرده شدگان پس بر انگیختیم نوح را از

بَعْدِهِۦ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَآءُوهُم بِالْبَيِّنَٰتِ فَمَا

پس فرستادگان بسوی قوم ایشان پس آمدند رسولان با حجتهای روشن پس

كَانُوا۟ لِيُؤْمِنُوا۟ بِمَا كَذَّبُوا۟ بِهِۦ مِن قَبْلُ كَذَٰلِكَ

نبودند که ایمان آرند بآنچه تکذیب کردند بدان پیش از بعث رسل مثل آن

نَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ۝ ثُمَّ بَعَثْنَا مِن

مهر نهیم بر دلهای از حد در گذرندگان پس بر انگیختیم از

بَعْدِهِم مُّوسَىٰ وَهَٰرُونَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ

پس ایشان موسی ع و هارون ع بسوی فرعون و اشراف قوم او

[illegible]

بِاٰيٰتِنَا فَاسْتَكْبَرُوْا وَكَانُوْا قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ
با نشانهای ما پس گردنکشی کردند و بودند گروهی گنه کاران

فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوْا اِنَّ
پس آنهنگام که آمد بریشان سخن راست از نزد ما گفتند در حقیقت

هٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِيْنٌ قَالَ مُوْسٰى اَتَقُوْلُوْنَ
این جادویست روشن گفت موسی آیا میگوئید

لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْ اَسِحْرٌ هٰذَا وَلَا يُفْلِحُ السّٰحِرُوْنَ
مر سخن راست آنهنگام که آمد بشما آیا جادویست این و فیروزی نیابند ساحران

قَالُوْا اَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا
گفتند آیا آمده بما تا برگردانی ما را از آنچه یافته ایم بر آنچیز پدران خود

وَتَكُوْنَ لَكُمَا الْكِبْرِيَآءُ فِى الْاَرْضِ وَمَا نَحْنُ
و تا باشد مر شما پادشاهی در زمین و نیستیم ما

لَكُمَا بِمُؤْمِنِيْنَ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُوْنِىْ بِكُلِّ
مر شما از تصدیق کنندگان و گفت فرعون بیارید بمن هر

سٰحِرٍ عَلِيْمٍ فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰى
ساحرے دانا پس آنهنگام که آمدند جادوان گفت مرایشان موسی

اَلْقُوْا مَآ اَنْتُمْ مُّلْقُوْنَ فَلَمَّآ اَلْقَوْا قَالَ مُوْسٰى
بیفکنید آنچه شما افکننده اید پس چون بیفکنند گفت موسی

مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهٗ اِنَّ اللّٰهَ
آنچه آورده اید آن جادویست بدرستیکه خدا تعالی زود که باطل گرداند بدرستیکه

لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ
بصلاح نیارد کار تباه کاران را و ثابت گرداند خدا تعالی حق

بِكَلِمٰتِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ فَمَآ اٰمَنَ لِمُوْسٰى
بسخنان خویش و اگرچه کراهیت دارند کافران پس نیاوردند ایمان بر موسی

اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهٖ عَلٰى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ
مگر فرزندان از قوم موسی بر ترسے از فرعون

وَمَلَا۟ئِهِمْ اَنْ يَّفْتِنَهُمْ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى
و از گروه خود تا گمراه کند ایشان را از دین خود و بدرستیکه فرعون مستکبر در

الارض وما

الأرض وإنه لمن المسرفين ۝ وقال موسى
زمین و بود او از حد رفتگان و گفت موسی
يقوم إن كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا
ای گروه من اگر هستید شما گرویده اید بخدا تعالی پس برو توکل کنید
إن كنتم مسلمين ۝ فقالوا على الله توكلنا
اگر هستید گرویدگان پس گفتند بر خدا تعالی توکل کردیم
ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظلمين ۝
ای پروردگار ما گردان ما را بر وجه عذاب برای گروه ستمکاران
ونجنا برحمتك من القوم الكفرين ۝
و خلاص ده ما را از بخشش خود از گروه ناگرویدگان
وأوحينا إلى موسى وأخيه أن تبوءا لقومكما
و وحی کردیم بسوی موسی و برادر او آنکه فرا گیرید جای بازگشت برای قوم خود
بمصر بيوتا واجعلوا بيوتكم قبلة وأقيموا
در مصر خانها و بسازید خانهای خود را متوجه قبله و بپا دارید
الصلوة وبشر المؤمنين ۝ وقال موسى
نماز را و بشارت ده مومنان را و گفت موسی
ربنا إنك آتيت فرعون وملأه زينة و
ای پروردگار ما بدرستیکه تو دادی فرعون و گروه او را آرایش و
أموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا عن
مالها در زندگانی دنیا ای پروردگار ما گمراه کردانند از
سبيلك ربنا اطمس على أموالهم واشدد
راه تو ای پروردگار ما اثر محو گردان بر مالهای خویش و سخت کن
على قلوبهم فلا يؤمنوا حتى يروا العذاب
بر دلهای ایشان پس ایمان نیاورند تا ببینند عذاب
الأليم ۝ قال قد أجيبت دعوتكما فاستقيما
دردناک گفت بدرستیکه اجابت کرده شد دعای شما پس ثابت باشید
ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون ۝ و
و مکنید پیروی راه آنانکه نمیدانند و

[illegible]

جاوزنا ببني اسرائيل البحر فاتبعهم فرعون

بگذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی در آمد ایشان را فرعون

وجنوده بغيا وعدوا حتى اذا ادركه الغرق

و لشکر او جهة ستم و از حد در گذشتن تا چون دریافت او را غرق شدن

قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به

گفت ایمان آوردم که نیست معبودی مگر آنکه ایمان آورده اند بوی

بنوا اسرائيل وانا من المسلمين ۝ آلئن وقد

بنی اسرائیل و من از گردن نهادگانم آیا اکنون و حالانکه

عصيت قبل وكنت من المفسدين ۝ فاليوم

تو نافرمانی کردی پیش ازین و بودی از گمراه کنندگان پس امروز

ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك اية وان

برهانیم ترا با تن تو تا باشی مر آنکسی را که از پس تو باشد نشانی و هر آینه

كثيرا من الناس عن اياتنا لغفلون ۝ ولقد

بسیاری از مردمان از آیتهای ما بیخبرند و هر آینه

بوانا بني اسرائيل مبوا صدق ورزقنهم من

جای دادیم بنی اسرائیل جای شایسته و روزی دادیم ایشان را از

الطيبت فما اختلفوا حتى جاءهم العلم ان

پاکیزها پس اختلاف نکردند تا آمد بدیشان علم تو هر آینه

ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا

پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند

فيه يختلفون ۝ فان كنت في شك مما انزلنا

در آن اختلاف میکردند پس اگر هستی در گمان از آنچه فرستادیم

اليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

بر تو پس بپرس آنانرا که میخوانند کتاب را پیش از تو

لقد جاءك الحق من ربك فلا تكونن من

هر آینه آمد بتو درست از پروردگار تو پس مباش از

الممترين ۝ ولا تكونن من الذين كذبوا

شک آرندگان و مباش از آنانکه تکذیب کردند

بایات

بِاٰيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخٰسِرِينَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ
با آیتهای خدا تعالی پس باشی از زیان کاران بدرستیکه آنانکه
حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَوْ
واجب شد برایشان سخن پروردگار تو ایمان نمی آرند واگرچه
جَآءَتْهُمْ كُلُّ اٰيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ ۝
آید بایشان هر آیتی تا به بینند عذاب دردناک
فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ اٰمَنَتْ فَنَفَعَهَآ اِيمَانُهَآ اِلَّا
پس چرا نبودند اهل آبادی ایمان آوردند تا سود رسانید ایمان ایشان مگر
قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ اٰمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ
گروه یونس تا آنهنگام که ایمان آوردند برداشتیم از ایشان عذاب
الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنٰهُمْ اِلٰى حِينٍ ۝
رسوائی در زندگانی دنیا و برخوردار گردانیدیم ایشانرا تا اجل
وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَاٰمَنَ مَنْ فِي الْاَرْضِ كُلُّهُمْ
واگر خواستی پروردگار تو ایمان آوردندی هرکه در زمین است همه ایشان
جَمِيعًا اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتّٰى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝
تمامی آیا تو اکراه میکنی مردمانرا تا باشند گرویدگان
وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَ
و نباشد هیچ تن را آنکه ایمان آورد مگر بفرمان خدا تعالی و
يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلِ
میکردانیم غضب خود را بر آنانکه تعقل نمیکنند بگو
انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا تُغْنِي
ببینید چه چیز است در آسمانها و زمین و دفع نمیکند دور
الْاٰيٰتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَهَلْ
آیتها و بیم کنندگان از گروهیکه نمیگروند پس آیا
يَنْتَظِرُونَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ
چشم میدارند مگر مانند واقعهای آنانکه گذشتند پیش از ایشان
قُلْ فَانْتَظِرُوٓا اِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ ثُمَّ
بگو پس انتظار برید بدرستیکه من با شما از منتظرانم پس

را جمعی از جمع
بحضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و سلم برای
آمده بودند که [illegible] صفات
احمدی را در کتب یافته بودند
آن رسول [illegible] شنیدند و
[illegible] بحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم
معصوم و محفوظ است
از شک و شبهات از
آنکه بروی نازل شده از جنبه
قبیل است حضرت حق
سبحانه و تعالی بحضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و سلم قصه
حضرت یونس علیه السلام
یاد داد

نُنجِي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا
برهانیدیم پیغمبران خود را و آنانکه گرویدند همچنانکه وعده درست برما است
نُنجِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي
نجات میدهیم گروندگان را بگو ای مردمان اگر هستید در
شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ
گمان از دین من پس نمی پرستیم آنانرا که می پرستید
مِن دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ
از جز خدای تعالی ولیکن پرستم خدا را آنکه میمیراند شمارا
وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَنْ أَقِمْ
و مامور شده ام بآنکه باشم از گروندگان و آنکه راست گردان
وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
روی خود را برای دین حق و مباش از شرک آرندگان
وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكَ وَلَا
و مخوان از جز خدای تعالی آنچه نه سود کند ترا و نه رساند
يَضُرُّكَ فَإِن فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِّنَ الظَّالِمِينَ
زیان ترا پس اگر بکنی پس بدرستیکه تو آنهنگام از ستمکاران
وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا
و اگر برساند تو خدای تعالی گزندی پس هیچ بردارنده نیست مرآنرا مگر
هُوَ وَإِن يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ
او و اگر خواهد بتو صحت پس هیچ ردکننده نیست مرآن فضل اورا میرساند
بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ
فضل بهرکرا خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان
قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ
بگو ای مردمان بدرستیکه آمد بشما پیغمبر بحق از پروردگار شما
فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن
پس هرکه راه یافت پس جز این نیست که راه یابد برای نفس خود و هرکه
ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ
گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر نفس خود و نیستم من بر شما نگهبان

تا بنظام رسیدن
اجتماعی ایشان و هر قوم
مومن را نگفته
بشنید ع
در الا قوم یونس نفع بود
و نفع ایمان بس مخصوص
شده بایشان قوم و ... منی
باشد از علم این آیه که ...
... بایمان ...
و حضرت ... مصطفی
... ابراهیم ...
ایمان بیاورند ...
معاینه عذاب ...
چون امارات ... علامات
عذاب ... خود را
... ایمان
تا وقت ...

واتبع

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ

و پیروی کن آنچه را که وحی کرده شود بتو و صبر کن تا حکم کند خدای تعالی و او

| سورة هود مكية | خَيْرُ الْحَاكِمِينَ | مائة وثلث وعشرون آية |
| --- | --- | --- |
| | بهترین حکم کنندگان | |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِن لَّدُنْ

... این کتابیست استوار کرده شده آیتهای او پس جدا کرده شد از نزد

حَكِيمٍ خَبِيرٍ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم

حکم کننده دانا آنکه نپرستید مگر خدای را بدرستیکه من مر شما

مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ

از جانب حق بیم کننده و مژده دهنده‌ام و دیگر آمرزش طلبید از پروردگار شما

ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُم مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ

پس توبه کنید بسوی او تا برخورداری دهد شما را برخورداری نیکو تا وقتی

مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن

نام کرده شده و بدهد هر خداوند فضل فضل را و اگر

تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

برگردید پس بدرستیکه من میترسم بر شما از عذاب روز بزرگ

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بسوی خداست بازگشت شما و او بر هر چیز تواناست

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ

آگاه باشید بدرستیکه کافران فراهم میکنند سینهای خود را تا پنهان دارند از خدای

أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ

آنهنگام که در سر کشند جامهای خود را میداند آنچه پنهان میکنند

وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

و آنچه آشکارا کنند بدرستیکه او داناست بآنچه در سینههاست

وَمَا مِن دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خدا است روزی آنرا

وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي

و میداند قرارگاه حیوانات را و آرامگاه او بعد از ممات همه در

كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ○ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَٰوَٰتِ وَ

کتاب روشن و اوست آنکه بیافرید آسمانها و

الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ

زمین در شش روز و بود عرش او بر آب

لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتَ إِنَّكُم

تا بیازماید شما را کدام از شما نیکوترست از عمل و اگر گوئی بدرستیکه شما

مَّبْعُوثُونَ مِن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ

برانگیخته شدگانید از پس مرگ هرآینه گویند آنانکه

كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ○ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا

کفر ورزیدند نیست این مگر سحری که جادوئی هویدا و اگر تاخیر کنیم

عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ

از ایشان عذاب بعضی از اوقات شمرده هرآینه گویند

مَا يَحْبِسُهُ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ

چه چیز باز میدارد عذاب را بدانید آن روز که بیاید عذاب بر ایشان نباشد بازداشته شده از ایشان

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ○ وَلَئِنْ

و احاطه کند بر ایشان آنچه بودند بدان استهزا میکردند و اگر

أَذَقْنَا الْإِنسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ

بچشانیم آدمی را از نزد خود رحمتی پس باز ستانیم آنرا ازو

إِنَّهُ لَيَئُوسٌ كَفُورٌ ○ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ

بدرستیکه او بسیار ناامیدست ناسپاس و اگر بچشانیم اورا توانگری پس از

ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي

سختی که باو رسیده باشد گویند رفت بدیها از من

إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ○ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بدرستیکه او بسیار شادمانست نازنده مگر آنانکه صبر کردند و کردند عمل شایسته

أُولَٰئِكَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ○ فَلَعَلَّكَ

آنگروه مرایشان راست آمرزشی و مزدی بزرگ پس شاید که تو ترک کننده باشی

ع

تارك بعض

تارك بعض ما يوحى اليك وضائق به صدرك
برجی را آنچه وحی کرده شده بتو و تنگ است باظهار آن سینه تو
ان يقولوا لولا انزل عليه كنز او جاء
آنکه گویند چرا فرستاده نشده بر او گنجی یا چرا نیامده
معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء
با او فرشته جز این نیست که تو بیم کننده و خدا تعالی بر هر چیز
وكيل ۝ ام يقولون افتريه قل فأتوا
گواه است بلکه میگویند بر بافته است بگو بیارید
بعشر سور مثله مفتريت وادعوا من
ده سوره مانند قرآن بر بافته شده و بخوانید هرکرا
استطعتم من دون الله ان كنتم صدقين ۝
توانید از جز خدا تعالی اگر هستید راست گویان
فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم
پس اگر اجابت نکنند مر شما را پس بدانید آنچه فرستاده شده است بعلم
الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون ۝
خدا تعالی و بدانید که نیست معبودی مگر او پس آیا هستید شما مر اسلام
من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها نوف
هرکه باشد که خواهد زندگانی دنیا و آرایش او را تمام بازگذاریم
اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون ۝ اولئك
بایشان اعمال ایشان در دنیا و ایشان در دنیا کاسته نشوند آنگروه
الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط
آنانند که نباشد مر ایشان را در آخرت مگر آتش و تباه گشت
ما صنعوا فيها وباطل ما كانوا يعملون ۝
آنچه کردند در آن دنیا و ناپود است آنچه بوده که میکردند
افمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد
آیا کسیکه باشد بر برهانی از پروردگار خود و دلالت کند بطرق صواب
منه ومن قبله كتب موسى اماما ورحمة
از او و پیش از انجیل کتاب موسی پیشوا و بخششی

و در گرفت
لیکن نظر در ایشان کردند
که یونس علیه السلام است
گفتند بو درود و یکی باز داده
گفتند و در او مردی غار بود
تو معرفت که یونس علیه السلام
طلب کنید و صندل ایمان طلب
در دنیا و ثنه نگذاریم گفت
آن یونس علیه السلام
بر رفت خدای او را
که بار ابر دو دعوت مبارک و
با فقیت دو او تا و نشنوا
اکنون ز چاره نیست
ع
الا جاره نیست الاعجوز
و نفع و زاری

أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ
آنگروه میگروند بقرآن و هر که کافر شود بقرآن از گروهی چند
فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ
پس آتش وعده گاه او پس مباش در گمان ازین بدرستیکه او درست
مِنْ رَبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝
از پروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان نمیگروند
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ
وکیست ستمکارتر ازانکه افترا کند بر خدایتعالی دروغ را آنگروه
يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ
اعراض کرده خواهند شد بر پروردگار خود وخواهند گفت گواهان این گروه
الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ
آنانند که تکذیب کردند بر پروردگار خود مرایند که لعنت خدایتعالی بر ستمکاران
الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا
آنانند که بازدارند مردمانرا از راه خدایتعالی و وصف کنند راه را
عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۝ أُولَٰئِكَ لَمْ
کجی وایشان با آخرة ایشان ناگرویدگانند آنگروه که
يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ
نیستند عاجز کنندگان در زمین و نیست مرایشانرا
مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضَاعَفُ لَهُمُ
از جز خدایتعالی هیچ دوستان افزوده شود مرایشانرا
الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا
عذاب نبودند که در دنیا توانستندی شنیدن را و
كَانُوا يُبْصِرُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
نبودند که بدیدندی آنگروه آنانند که زیان کردند
أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝
نفسهای خود را وگم شد ازایشان آنچه بودند که افترا کردند
لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ۝
بیشک آنجماعت در آخرة ایشانند زیانکاران

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ
بدرستیکه آنانکه گرویدند وکردند عمل شایسته وآرام گرفتند بسوی
رَبِّهِمْ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
خدایتعالی آن گروه ملازمان بهشتند ایشان دران جاوید باشند
مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ
صفت دو گروه مانند کور و کر و بینا
وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
و شنوا است آیا برابرند این از صفت آیا پند نمی گیرید

ع

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ
و بدرستیکه فرستادیم نوح ع بسوی گروه خود بدرستیکه من مر شمارا بیم کننده ام
مُبِينٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ
آشکارا آنکه نپرستید مگر خدایتعالی بدرستیکه من میترسم
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ
بر شما از عذاب روز دردناک پس گفتند اشراف قوم آنانکه
كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا
کافر شدند از قوم او نمی بینیم ترا مگر آدمی مانند ما
وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا
و نمی بینیم ترا متابعت کرده باشند مگر آنانکه ایشان فرومایگان
بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
در ظاهر رای و نمی بینیم ترا بر ما از افزونی
بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ
بلکه گمان بریم ترا دروغگویان گفت ای قوم آیا دیدید اگر باشم
عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ
بر حجتی از پروردگار من و داده باشد مرا بخششی از نزد او
فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ
پس پوشیده شد بر شما آیا الزام کنیم شمارا و شما مران کاره
وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ
وای گروه نمی خواهم از شما بران مالی را نیست مزد من

إِلَّا عَلَى اللَّهِ ۚ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا ۚ إِنَّهُم
مگر بر خدا تعالی و نیستم من راننده از نزد خود کسانیکه گرویدند بدرستیکه ایشان
مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ
ملاقات کنند بجزاء پروردگار خود ولیکن من می‌بینم شمارا گروهی که نمیدانند قدر ایشانرا
وَيَا قَوْمِ مَن يَنصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِن طَرَدتُّهُمْ
وای گروه من کیست مرا یاری کند از خدا تعالی اگر برانم ایشانرا
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي
آیا پس پند نمیگیرید و نمیگویم شمارا نزدیک من است
خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي
خزینهای علم خدا تعالی و نمیگویم من میدانم غیب و نمیگویم که من
مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ
فرشته‌ام و نمیگویم مر آنانرا بخواری در نگرد ایشانرا چشمهای شما
لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا ۖ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ
نخواهد داد ایشانرا خدا تعالی نیکوی خدا تعالی داناتر است بآنچه در نفسهای ایشانست
إِنِّي إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ۝ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا
بدرستیکه من آنهنگام از ستمکاران باشم گفتند ای نوح بدرستیکه با ما مجادله کردی
فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ
پس بسیار کردی جدال با ما پس بیار بسبب آنچه وعده داری اگر هستی
مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ
از راست گویان گفت نوح جز این نیست که بیارد بشما آنرا خدا تعالی
إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ۝ وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِي
اگر خواهد و نیستید شما عاجز کنندگان و سود نمیدهد مر شمارا نصیحت من
إِنْ أَرَدتُّ أَنْ أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ
اگر خواهم که نصیحت کنم شمارا اگر هست خدا تعالی که خواهد
أَن يُغْوِيَكُمْ ۚ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝
آنکه غایب کرد از شمارا اوست آفریدگار شما و بسوی او باز گردانیده خواهید شد
أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ ۖ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ
بلکه گفتند که دروغ بافد نوح را بگو اگر بافته‌ام وحی را پس بر منست

جز گرویدن
نزدیکان شرع بر پیغمبر بود
و رفع مطلع شد دلاوران
بر وعده کرد با حفظ گفت
مرا بغیر از این عذاب نیم
و عذاب بر حجت مبدل
گشت اگر من برین نظم
در دوم اگر زشت
دهند و دون نصح ایشان
و قصه رفتن ابر بیا
و نجو بکسر سخن اول در یکی
ایکه در سوره سبا زر صادق
بگو در وحی برسید
فرودگشت از نبیت که چه
رسالت با صدق نبی
علیه و آله و سلم

ع

إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ ۝ وَأُوحِيَ إِلَى
وبال من ومن بیزارم از گناهانی که میکنید ووحی کرده شد بسوی

نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ
نوح که آنکه نخواهد آورد ایمان از گروه تو مگر آنکه بدرستیکه

آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَاصْنَعِ
ایمان آورده پس مباش اندوهگین بآنچه هستند که میکنند و بساز

الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ
کشتی را بنگاهداشت ما ووحی ما وخطاب مکن با من در آنانکه

ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ۝ وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ
ستم کردند بدرستیکه ایشان غرق شوندگانند ومیساخت کشتی و

كُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ
هرگاه که میگذشتند بر او گروه بهتر از قوم او استهزا کردند ازو

قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ
گفت اگر سخریت کنید با ما پس ما استهزا خواهیم کرد بشما چنانکه سخریت میکنید

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ
پس زود باشد که بدانید آنکس که بیاید برو عذابی رسوا کند اورا

وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا
وفرود آید برو عذابی دایم تا چون آمد عذاب ما

وَفَارَ التَّنُّورُ ۝ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ
ودرجوشید تنور گفتیم بردار دران کشتی از هر

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ
زوج دو نسل و در آور کسان خود را مگر آنکس که پیشی گرفته است

عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ
برو گفتار را وهرکه ایمان آورده وایمان نیاورده بودند با او

إِلَّا قَلِيلٌ ۝ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ
مگر اندکی وگفت نوح سوار شوید در کشتی که بنام خدا است

مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
راندن کشتی وهنگام بازداشتن بدرستیکه پروردگار من آمرزنده مهربانست

[illegible]
قصه نوح علیه السلام

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ
وکشتی میرود ایشانرا در موجها مانند کوهها بود و آواز داد نوح
ٱبْنَهُۥ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَٰبُنَيَّ ٱرْكَب مَّعَنَا وَ
مر پسر خود را و بود بر کرانه کشتی ای پسر من سوار شو با ما در کشتی و
لَا تَكُن مَّعَ ٱلْكَٰفِرِينَ ۝ قَالَ سَـَٔاوِيٓ إِلَىٰ جَبَلٍ
مباش با کافران گفت زود باشد که پناه برم سوی کوهی بلند
يَعْصِمُنِي مِنَ ٱلْمَآءِ قَالَ لَا عَاصِمَ ٱلْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ
که نگهدارد مرا از غرق شدن آب گفت نیست نگهدارنده امروز از عذاب
ٱللَّهِ إِلَّا مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا ٱلْمَوْجُ فَكَانَ
خدای تعالی مگر آنکه ببخشد و حایل شد میان پدر و پسر موج پس گشت
مِنَ ٱلْمُغْرَقِينَ ۝ وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ٱبْلَعِي مَآءَكِ وَ
از غرق شدگان و گفت ای زمین فرو بر آب خود را و
يَٰسَمَآءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ ٱلْمَآءُ وَقُضِيَ ٱلْأَمْرُ وَٱسْتَوَتْ
ای آسمان باز گیر آب را و کم کرده شد آب و گذارده شد کار و قرار گرفت کشتی
عَلَى ٱلْجُودِيِّ ۝ وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ
برکوه جودی و گفته شد دوری باد مر گروه ستمکاران
وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبْنِي مِنْ أَهْلِي
و بخواند نوح ع پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار بدرستیکه پسر من از اهل من است
وَإِنَّ وَعْدَكَ ٱلْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ ٱلْحَٰكِمِينَ ۝
و بدرستیکه وعده تو راست است و تو بهترین حکم کنندگانی
قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ
گفت ای نوح ع بدرستیکه او نبود از اهل تو بدرستیکه خداوند کرداری بود نه
صَٰلِحٍ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ إِنِّيٓ أَعِظُكَ أَن
نیک پس مپرس از من آنچه نیست ترا بآن دانش بدرستیکه من پند میدهم ترا از
تَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ
آنکه باشی از جاهلان گفت ای پروردگار من بدرستیکه من پناه میبرم
بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِۦ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي
بتو از آنکه پرسم از تو آنچه نباشد مرا بآن دانشی و اگر نیامرزی مرا

ربع

وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِّنَ الْخَسِرِينَ ۝ قِيلَ يَنُوحُ اهْبِطْ
و نه بخشائی مرا من باشم از زیان کاران گفته شد ای نوح فرود آی
بِسَلَمٍ مِّنَّا وَبَرَكَتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِّمَّن
بسلامتی از حضرت ما و برکتهای ما بر تو و بر گروهی از آنهاکه
مَّعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ
با تو اند و گروهی باشد که برخورداری دهیم ایشانرا پس برسد ایشانرا از ما عذاب
أَلِيمٌ ۝ تِلْكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا
دردناک این از خبرهای غیب است وحی کردیم آنرا بتو نبودی
كُنتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُكَ مِن قَبْلِ هَذَا
تو که بدانی آنرا تو و نه گروه تو پیش از این
فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ
پس شکیبائی کن هر آینه سرانجام نیکوی که پرهیزند و بسوی عاد برادر ایشان
هُودًا قَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ
هود گفت ای قوم پرستید خدای را نیست شما را هیچ
إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ۝ يَقَوْمِ لَا
معبودی بجز ازوی نیستید شما مگر افترا کنندگان ای گروه من
أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي
نخواهم از شما بران مزدی نیست مزد من مگر بر آنکه
فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا
بیافرید مرا آیا فهم نمیکنید وای گروه من استغفار کنید
رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُم
از پروردگار خود پس باز گردید بر او تا بفرستد از آسمان بر شما
مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
باران و بیفزاید شما را قوه با قوت شما و از من بر مگردید
مُجْرِمِينَ ۝ قَالُوا يَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا
بزهکاران گفتند ای هود نیاوردی با ما حجتی و نیستیم
نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ
ما ترک کنندگان عبادت خدایان خود از گفتار تو و نیستیم ما مر ترا

[illegible]
نوح علیه السلام

ع ١

[illegible]
بس نوح علیه السلام

بِمُؤْمِنِينَ ۝ إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا
گرویدگان مگر آنکه رسانیده است بتو برخی از خدایان ما

بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ
برنجی گفت بدرستیکه من گواه سازم خدا را و شما گواه باشید که من بیزارم

مِّمَّا تُشْرِكُونَ مِن دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا
از آنچه انباز میگیرید بجز خدا تعالی پس کید کنید بمن همه

ثُمَّ لَا تُنظِرُونِ ۝ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي
پس مرا مهلت مدهید بدرستیکه من توکل کردم بر خدا تعالی پروردگار من

وَرَبِّكُم مَّا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا
و پروردگار شما نیست هیچ جنبنده مگر خدا تعالی فراگیرنده است موی پیشانی او را

إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ
بدرستیکه پروردگار من بر طریق حق و عدالت پس اگر برگردید پس بدرستیکه

أَبْلَغْتُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ
رسانیدم شما را آنچه فرستاده بودم بدان بسوی شما و جانشین سازد

رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي
پروردگار من گروهی دیگر غیر از شما و زیان نتوانند رسانید حق را چیزی بدرستیکه پروردگار

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا
بر هر چیز نگاهبانست و چون بیامد فرمان ما نجات دادیم

هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنَاهُم
هود را و آنانکه گرویدند باوی بخشایشی از ما و نجات دادیم ایشانرا

مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ
از عذاب زشت و این قبیله عاد است که انکار کردند آیات

رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ
پروردگار خود و عاصی شدند رسولان او را و پیروی کردند فرمان هر گردنکشی

عَنِيدٍ ۝ وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ
ستیزه کار و پیروی کردند در این دنیا دوری از رحمت و روز

الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ
قیامت بدانید که قبیله عاد کافر شدند پروردگار خود را بدانید که دوری است مر عاد را

انتهی ما نقل
در وقت وصال تمام شد
طول او سیصد ذرع بود
قول الحسن و گفته اند هزار و
دویست ذرع و عرض او ششصد
ذرع و بقول ششصد ذرع
و ارتفاع او سی ذرع و بقول
سی و سه ذرع و عرض ازینها
گفته اند و در آن سه طبقه
برتر ساخته بود و بقول
سطح اول در زیر جای درندگان
و وحوش و برتر او انواع
حیوانات جای کرده بود و
طیور را در طبقه علیا
ساخته بود و در طبقه
سطح دوم وسط ازین طبقه
واقع بود و در مقام ویر دوزد
تفسیر عدو

قوم هود

ع

قَوۡمِ هُودٍ ۝ وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحٗاۚ قَالَ يَٰقَوۡمِ
گروه هود و بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم
ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مَا لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرُهُۥۖ هُوَ أَنشَأَكُم
پرستید خدا را نیست شما را معبودی بجز وی اوست بیافرید شما را
مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا فَٱسۡتَغۡفِرُوهُ
از زمین و بقا داد شما را در زمین پس آمرزش خواهید از او
ثُمَّ تُوبُوٓاْ إِلَيۡهِۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٞ مُّجِيبٞ ۝ قَالُواْ
پس رجوع کنید به پرستش او بدرستیکه پروردگار من نزدیک است بامید گفتند
يَٰصَٰلِحُ قَدۡ كُنتَ فِينَا مَرۡجُوّٗا قَبۡلَ هَٰذَآۖ أَتَنۡهَىٰنَآ
ای صالح بدرستیکه بودی در میان ما امیدوار پیش از این آیا نهی میکنی ما را
أَن نَّعۡبُدَ مَا يَعۡبُدُ ءَابَآؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكّٖ
از آنکه پرستیم آنرا که پرستیدند پدران ما و بدرستیکه ما در شکیم
مِّمَّا تَدۡعُونَآ إِلَيۡهِ مُرِيبٖ ۝ قَالَ يَٰقَوۡمِ أَرَءَيۡتُمۡ
از آنچه میخوانی ما را بسوی آن شک افکنده گفت ای قوم خبر دهید مرا
إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٖ مِّن رَّبِّي وَءَاتَىٰنِي مِنۡهُ رَحۡمَةٗ
اگر باشم من بر حجت از پروردگار خود و داده باشد مرا از نزد خود پیغمبری
فَمَن يَنصُرُنِي مِنَ ٱللَّهِ إِنۡ عَصَيۡتُهُۥۖ فَمَا تَزِيدُونَنِي
پس کیست که یاری کند مرا از عذاب خدا تعالی اگر نافرمانی کنم او را پس نمی افزایید مرا
غَيۡرَ تَخۡسِيرٖ ۝ وَيَٰقَوۡمِ هَٰذِهِۦ نَاقَةُ ٱللَّهِ لَكُمۡ ءَايَةٗ
جز زیان کاری و ای گروه من این ناقه است که خدا تعالی برای عبرت شما فرستاد
فَذَرُوهَا تَأۡكُلۡ فِيٓ أَرۡضِ ٱللَّهِۖ وَلَا تَمَسُّوهَا
پس بگذارید او را تا بخورد در زمین خدا تعالی و مرسانید بوی
بِسُوٓءٖ فَيَأۡخُذَكُمۡ عَذَابٞ قَرِيبٞ ۝ فَعَقَرُوهَا
بدی پس بگیرد شما را عذاب نزدیک پس پی کردند ناقه را
فَقَالَ تَمَتَّعُواْ فِي دَارِكُمۡ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٖۖ ذَٰلِكَ وَعۡدٌ
پس گفت برخورید در سراهای خود سه روز این وعده ایست
غَيۡرُ مَكۡذُوبٖ ۝ فَلَمَّا جَآءَ أَمۡرُنَا نَجَّيۡنَا صَٰلِحٗا
بی دروغ پس آن هنگام که آمد فرمان ما نجات دادیم صالح را

وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ
وآنانکه گرویدند با او برحمتی از نزد ما وازرسوایی

يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝
آن روز بدرستیکه پروردگار تو اوست توانا غالب

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي
وگرفت آنانرا که ستم کردند صیحه پس گشتند در

دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا
سراهای خود مرده گان گویا نبودند دران بدانید

إِنَّ ثَمُودَا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِثَمُودَ ۝ وَ
بدرستیکه ثمود انکار کردند پروردگار خودرا بدانید که دوریست مر قوم ثمود را

لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا
بدرستیکه آمدند فرستادگان ما بسوی ابراهیم بمژده فرزند گفتند

سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ
سلام کردنی گفت جواب سلام پس درنگ نکرد آنکه آورد گوساله بریان کرده

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَ
پس آنهنگام که دید دستهای ایشان نمیرسد بران انکار کرد آنرا از ایشان و

أَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا
دردل آورد از ایشان ترسی گفتند مترس بدرستیکه ما فرستاده شده

إِلَى قَوْمِ لُوطٍ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ
بسوی گروه لوط وزن او ایستاده بود پس بخندید

فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ۝
پس بشارت دادیم اورا باسحاق واز پس اسحاق یعقوب

قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي
گفت ای عجبا آیا من بزایم ومن پیره زنم واین شوهر من

شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ۝ قَالُوا أَتَعْجَبِينَ
پیراست بدرستیکه این چیزی عجیب است گفتند آیا شگفت میداری

مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ
از کار خدا تعالی بخشایش خدا تعالی وبرکتهای او برشما

اهل

أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ۝ فَلَمَّا ذَهَبَ

ای اهل بیت ابراهیم ع بدرستیکه اوست ستوده بزرگوار پس آنهنگام که رفت

عَنْ إِبْرٰهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرٰى يُجَادِلُنَا

از ابراهیم ع خوف و آمد بوی بشارت او را مجادله میکرد و

فِي قَوْمِ لُوطٍ ۝ إِنَّ إِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ

در قوم لوط ع بدرستیکه ابراهیم ع بردبار بود بسیار آه کشنده

يَا إِبْرٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هٰذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ

ای ابراهیم ع روبگردان از این بدرستیکه آمده است فرمان

رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ۝

پروردگار تو و بدرستیکه ایشان آینده است عذابی بازناگردیده

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ

و آنهنگام که آمدند فرستادگان بسوی لوط ع اندوهگین شد بدیشان و تنگدل شد

بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ۝ وَ

بدیشان سینه و گفت این روز سخت ترین است و

جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا

آمدند بسوی قوم شتاب میکنند بجانب لوط ع و پیش از این بودند

يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ

که میکردند عملهای بد گفت ای قوم من اینها که دختران من اند ایشان

أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي

پاکیزه ترند برای شما پس بترسید از خدا تعالی و مرا رسوا مکنید در مهمان من

نصف

أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ۝ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ

آیا نیست از شما مردی راه یافته گفتند بدرستیکه میدانی که

مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا

نیست ما را در دختران تو هیچ حاجتی و بدرستیکه تو میدانی آنچه

نُرِيدُ ۝ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلٰى

میخواهیم از تو گفت کاشکی که مرا بودی بر دفع شما قوتی یا پناه گیرم بر رکنی

رُكْنٍ شَدِيدٍ ۝ قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ

سخت گفتند ای لوط ع بدرستیکه ما فرستادگان پروردگار توایم

لن يصلوا اليك فاسر باهلك بقطع من
هرگز نرسند بایذاء تو پس ببر کسان خود را بپاره از
الليل ولا يلتفت منكم احد الا امرأتك
شب و التفات نکند از شما یکی مگر زن تو را
انه مصيبها ما اصابهم ان موعدهم
بدرستیکه رسنده است او را آنچه رسید بدیشان بدرستیکه هنگام عذاب ایشان
الصبح اليس الصبح بقريب ۝ فلما جاء امرنا
صبح است آیا نیست صبح نزدیک پس آن وقت که آمد فرمان ما
جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة
گردانیدیم زبر آن زیر و باران کردیم بر آن شهر سنگ
من سجيل منضود ۝ مسومة عند ربك
از گل سخت شده پی در پی نشان کرده شده نزد پروردگار تو
وما هي من الظالمين ببعيد ۝ والى مدين
و دور آن شهر نبود از ستمکاران دور و بسوی مدین
اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم
برادر ایشان شعیب گفت ای قوم بپرستید خدای را نیست شما را
من اله غيره ولا تنقصوا المكيال والميزان
هیچ معبودی جز او و کم مکنید پیمانه را و ترازو را
اني اراكم بخير واني اخاف عليكم عذاب
بدرستیکه من میبینم شما را با توانگری و من میترسم بر شما از عذاب
يوم محيط ۝ ويا قوم اوفوا المكيال والميزان
روز گرد آینده و ای قوم تمام پیمایید و ترازو
بالقسط ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا
براستی و کم مکنید مردمان را چیزهای ایشان و مجوئید
تعثوا في الارض مفسدين ۝ بقيت الله
تباهی در زمین تباه کاران آنچه باقی گذارد خدای تعالی
خير لكم ان كنتم مؤمنين ۝ وما انا عليكم
بهتر مر شما را اگر هستید گروندگان و نیستم من بر شما

[illegible]

ع

[illegible]

بحفيظ

بحفيظ ۝ قالوا يشعيب اصلوتك تأمرك
نگاهبان گفتند ای شعیب آیا نماز تو میفرماید ترا
ان نترك ما يعبد اباؤنا او ان نفعل
تا ترک کنیم آنچه پرستیدند پدران ما یا درست جدا آنچه میکنیم
في اموالنا ما نشؤا انك لانت الحليم الرشيد
در مالهای خود آنچه میخواهیم بدرستیکه تو بردباری راه یافته
قال يقوم ارءيتم ان كنت على بينة من
گفت ای قوم خبر دهید که اگر باشم بر حجتی از
ربي ورزقني منه رزقا حسنا وما اريد
پروردگار خود وروزی داده است مرا از خود روزی نیکو ونمی خواهم
ان اخالفكم الى ما انهكم عنه ان اريد
آنکه مخالفت کنم شمارا بسوی آنچه نهی کنم شمارا ازان نمی خواهم
الا الاصلاح ما استطعت وما توفيقي الا
مگر بصلاح آوردن تا دام طاقت دارم ونیست توفیق من مگر
بالله عليه توكلت واليه انيب ۝ ويقوم
بهدایت خدا تعالی برو توکل کردم وبسوی او بازمیگردم وای گروه من
لا يجرمنكم شقاقي ان يصيبكم مثل ما
مران مجرم شمارا دشمنی من آنکه برسد شمارا مانند آنچه
اصاب قوم نوح او قوم هود او قوم صلح
رسید گروه نوح یا گروه هود یا گروه صالح
وما قوم لوط منكم ببعيد ۝ واستغفروا
ونیستند گروه لوط از شما دور وطلب آمرزش کنید
ربكم ثم توبوا اليه ان ربي رحيم ودود ۝
از پروردگار خود پس بازگردید بسوی او بدرستیکه پروردگار من بخشنده دوست دار
قالوا يشعيب ما نفقه كثيرا مما تقول وانا
گفتند ای شعیب نمی فهمیم بسیاری از آنچه میگوئی ودرستیکه ما
لنريك فينا ضعيفا ولولا رهطك لرجمنك
بینیم ترا در میان خود بی قوة واگر نه قوم تو هر آینه سنگسار میکردیم ترا

وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ قَالَ يَٰقَوْمِ أَرَهْطِىٓ

و نیستی تو بر ما ارجمند گفت ای قوم آیا عزیز تر

أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ ٱللَّهِ وَٱتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ

عزیز تر نزد بر شما از خدای تعالی و گرفته اید مر خدا را از پس پشت خود

ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّى بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝ وَيَٰقَوْمِ

فراموش شده بدرستیکه پروردگار من بآنچه میکنید احاطه کننده است و ای گروه من

ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ سَوْفَ

عمل کنید بر حالهای خود بدرستیکه من عمل کننده ام زود باشد که

تَعْلَمُونَ ۝ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ

بدانید آنکه بیاید برو عذابی رسوا کننده و بدانید آنکس را

كَٰذِبٌ وَٱرْتَقِبُوٓا۟ إِنِّى مَعَكُمْ رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا

دروغگوست و انتظار برید بدرستیکه من با شما منتظرم و آنهنگام که

جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ

آمد عذاب ما نجات دادیم شعیب را و آنانکه گرویدند با او

بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ٱلصَّيْحَةُ

ببخشش از ما و گرفت آنانرا که ستم کردند آواز جبرئیل

فَأَصْبَحُوا۟ فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ۝ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا۟

پس گشتند در سراهای خود مردگان گویا نبودند

فِيهَآ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ۝ وَلَقَدْ

در آن بدانید که هلاکت قوم مدین آنچنانکه هلاک گشتند ثمود و بدرستیکه

أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلْطَٰنٍ مُّبِينٍ ۝ إِلَىٰ

فرستادیم موسی را بآیتهای ما و بحجت روشن بسوی

فِرْعَوْنَ وَمَلَإِي۟هِۦ فَٱتَّبَعُوٓا۟ أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَآ

فرعون و گروه او پس پیروی کردند فرمان فرعون و نبود

أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ۝ يَقْدُمُ قَوْمَهُۥ يَوْمَ

کار فرعون بصواب پیش روی کند قوم خود را روز

ٱلْقِيَٰمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ ٱلنَّارَ وَبِئْسَ ٱلْوِرْدُ

رستخیز پس در آرد ایشان را در دوزخ و بد مکانیست

نیکی باهم خلق و درستی در همه کارها [illegible] یعنی او نیکی را دوست دارد و نیکان را دوست دارد [illegible] [illegible] جلوه نمود در بیان [illegible]

ع

[illegible] و صالح علیهم السلام

الْمَوْرُودُ ۝ وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَٰمَةِ
درآمد شده  و از پی درآورده شده اند درین سرای لعنت  و روز قیامت

بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ۝ ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَىٰ
و عطاییست داده شده  این  از خبر دیههای هلاک شده

نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ۝ وَمَا
میخوانیم آنرا  بر تو  از آن باقیست و برخی از آن محصود است  و ما

ظَلَمْنَٰهُمْ وَلَٰكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ
ستم بر اهل دیهها  ولیکن  ستم کردند بر نفسهای خود پس نفع نرسانیدند از ایشان

آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ
آن خدایان که  میپرستیدند  از جز  خدای تعالی  از هیچ چیز

لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ۝
وقتیکه آمد  فرمان پروردگار تو  و بیفزودند ایشان  جز زیان کاری

وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ
و مانند این  گرفتن پروردگار تو  چون بگیرد اهل دیهها را  و آن

ظَٰلِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
ظالم باشند  هر آینه گرفتن خدای تعالی دردناک سخت است  هر آینه در  این

لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَٰلِكَ يَوْمٌ
نشانیها  هر کسیرا که ترسد  از عذاب  آخرت  این  روزیست

مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ۝ وَ
که جمع کرده شوند برای آن مردمان  و این روزیست حاضر کرده شده  و

مَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ ۝ يَوْمَ يَأْتِ
باز نمیداریم روز قیامت که برای گذشتن وقت شمرده شده  روزیکه بیاید

لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ
سخن نگوید  هیچ نفسی  که بدستوری خدای تعالی پس بعضی از ایشان بدبخت باشند و بعضی نیکبخت

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ
پس اما  آنانکه  بدبخت شدند  پس در آتش اند مر ایشانرا در آن فریاد

وَشَهِيقٌ ۝ خَٰلِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَٰوَٰتُ
و ناله زار  جاوید باشند  در آن  مادام که باشند  آسمانها

[illegible] ایشان
در دنیا و ملعون گشتند
شهرها و [illegible] ایشان را
[illegible]
[illegible]
علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] قوم هود
که نوح و [illegible] را
یک عذاب هلاک
شدند الا قوم شعیب
و قوم صالح اما قوم
ثمود را صیحه [illegible]
ایشان نابود

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ
و زمین مگر آنچه خواهد پروردگار تو بدرستیکه پروردگار تو کننده است آنچه خواهد

وَأَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ
و اما آنانکه نیک بخت شده‌اند پس در بهشت اند جاوید ماننده

فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوٰتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ
دران مادام که باشد آسمانها و زمین مگر آنچه خواهد

رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۝ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ
پروردگار تو عطا داد ایشانرا نا منقطع پس مباش در گمان

مِمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
از آنچه پرستند این مشرکان نمی پرستند ایشانرا مگر مانند آنچه پرستنده

آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ
پدران ایشان پیش از ایشان و ما تمام رساننده ایم ایشانرا بهره ایشان

غَيْرَ مَنْقُوصٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
که نا کاسته باشد و بدرستیکه دادیم موسی را توریت را

فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ
پس اختلاف کرده شد دران و اگر نه سخن است پیشی گرفته از پروردگار تو

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستیکه کفار در گمان از آن در ریبت افگنند

وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ
و بدرستیکه همه مخالفان از کسانی اند پروردگار تو جزاء کردار ایشان بدرستیکه او

بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ
بآنچه میکنند آگاه است پس مستقیم باش همچنانکه فرموده شد و آنانکه

تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
گشتند از کفر و ایمان آوردند با تو و بیرون مروید بدرستیکه خدا تعالی بآنچه میکنید بیناست

وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ
و میل مکنید بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد شمارا آتش

وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا
و نیست شمارا از جز خدا تعالی از دوستان پس نشوید

والکافرین را
از فوق ایشان در بنیاد
آنچه [illegible] و اما الذین سعدوا
سبب [illegible] بوده [illegible] مگر
آنچه خواهد حق سبحانه تعالی
پروردگار تو کرامت ایشانرا
از نعیم
ع جزو

دنیا [illegible] شند [illegible]
از آن [illegible] دولت
[illegible] از آن
[illegible] انداز
[illegible] عالم است
بجمیع [illegible]
فلا تعلم نفس

تُنصَرُونَ ۝ وَأَقِمِ الصَّلَوٰةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا
یاری داده و بپای دار نماز را در دو طرف روز و ساعات

مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَٰتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّـَٔاتِ
از شب بدرستیکه نکوییها محو سازد بدیها

ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ ۝ وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ
آن پندیست مر یاد کنندگان را و صبر کن پس بدرستیکه خدای تعالی

لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ
ضایع نگرداند اجر نیکوکاران پس چرا نبودند از

الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
قرنها پیش از شما خداوندان عقل باز داشتندی

عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا
از تباهی در زمین مگر اندکی از انها نجات دادیم

مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ
از گروه ایشان و پیروی کردند آنانکه کافر بودند آنچه براه متنعم بودند در آن و

كَانُوا مُجْرِمِينَ ۝ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ
بودند گنه کنندگان و نبود پروردگار تو که هلاک کند

الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ
اهل دهها بشرک و اهل آن بصلاح آرندگان باشند و اگر خواستی

رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا
پروردگار تو گردانیدی مردمان را یک گروه و پیاپی نه

يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَ
زوال اختلاف کنندگان مگر آنانکه رحم کرد پروردگار تو و

لِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ
از بهر آن آفرید ایشان را و تمام شد سخن پروردگار تو پر سازم

جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ وَكُلًّا
دوزخ از دیوان و آدمیان همه و هر چیزی

نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ
میخوانیم بر تو از اخبار پیغمبران آنچه ثابت میگردانیم

ناخوانی الیهم
من نوره مبین بود
ابن وقت و ختم
... بقیه بر سوره
... رضوان ...
... ذکر ... افت
و ... ...
تقصیر در بن ...
بحق ... ازین
و در زاد المسیر آورده
... لا یعلم
و در معالم آورده که
خدای تعالی بر بن
... و ...

فُؤَادَكَ وَجَآءَكَ فِي هٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ

دل ترا وآمده است بتو درین سوره الحق راست است و پندی

وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

و یادکردنی مرگرویدگان را و بگو مر آنانرا که ایمان نمی آرند

اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عٰمِلُونَ ۝ وَانْتَظِرُوا

عمل کنید برحالتیکه بر آن متمکن اید بدرستیکه ما عمل کنندگانیم و چشم دارید

إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ۝ وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

بدرستیکه ما منتظریم و مر خدایراست علم آسمانها و زمین

وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ

و بسوی او بازگردد کارها همه پس پرستش کن اورا و توکل کن

عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝

برو و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه عمل کنید

## سورة يوسف مكية وهي مائة واحدى عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

الٓرٰ ۝ تِلْكَ آيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنٰهُ

این سوره آیات کتاب روشن است بدرستیکه ما فرستادیم

قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ نَحْنُ نَقُصُّ

قرآنی بلغت عرب شاید که شما فهم کنید ما میخوانیم

عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

بر تو بهترین قصها بوحی کردن ما بسوی تو

۝ هٰذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغٰفِلِينَ

این کتاب و تو بودی پیش از این از دانستن این غافل

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يٰٓأَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ

آنوقت که گفت یوسف مر پدر خودرا ای پدر من بدرستیکه خواب دیدم یازده

عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي

ستاره و آفتاب و ماه دیدم آنها که مرا

سجدین

سٰجِدِينَ ۞ قَالَ يٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰٓى

سجده کنندگان بودند گفت ای پسرمن ظاهر مکن خواب خودرا بر

اِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا اِنَّ الشَّيْطٰنَ

برادران خود پس حیله کنند برای تو حیله کردن بدرستیکه دیو

لِلْاِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۞ وَكَذٰلِكَ يَجْتَبِيكَ

مرآدمی را دشمنیست آشکارا وهمچنانکه ترا برگزیند

رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَاْوِيلِ الْاَحَادِيثِ وَ

پروردگار تو ویاموزاند ترا از تعبیر خوابها و

يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلٰٓى اٰلِ يَعْقُوبَ كَمَآ اَتَمَّهَا

تمام کند نعمت خودرا بر تو وبر فرزندان یعقوب همچنانکه تمام نعمت بود

عَلٰٓى اَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ اِبْرٰهِيمَ وَاِسْحٰقَ اِنَّ رَبَّكَ

بر جد تو پیش ازین ابراهیم و اسحاق بدرستیکه پروردگار

ع

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۞ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَاِخْوَتِهِ

داناست استوار بدرستیکه هست در قصه یوسف وبرادران او

اٰيٰتٌ لِلسَّآئِلِينَ ۞ اِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَاَخُوهُ

نشانها مر پرسندگان را چون گفتند هرآینه یوسف وبرادران او

اَحَبُّ اِلٰٓى اَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّ اَبَانَا

دوست تراست بسوی پدر ما از ما وما گروه خورد ساله بدرستیکه پدر ما

لَفِي ضَلٰلٍ مُبِينٍ ۞ اقْتُلُوا يُوسُفَ اَوِ اطْرَحُوهُ

در دور افتاده است هویدا بکشید یوسف را یا بیفکنید اورا

اَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ اَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ

زمین دور تا خالی بماند مر شمارا رضای پدر شما وباشید از

بَعْدِهِ قَوْمًا صٰلِحِينَ ۞ قَالَ قَآئِلٌ مِنْهُمْ لَا

پس او گروهی شایستگان گفت گوینده از ایشان

تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَاَلْقُوهُ فِي غَيٰبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ

بکشید یوسف را وبیفکنید در قعر چاه تا گیرند اورا

بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِينَ ۞ قَالُوا يٰٓاَبَانَا

بعضی از رهگذریان اگر هستید کار کنندگان گفتند ای پدر ما

مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ
چیست ترا که ایمن نداری ما را بر یوسف ع و هر آینه ما مر او را نیکو خواهانیم
أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
بفرست او را با ما فردا بچرد و بخورد و بازی کند و ما مر او را نگاهبانیم
قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ
گفت بدرستیکه مرا اندوهگین دارد آنکه ببرید او را از من و میترسم
أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ
آنکه بخورد او را گرگ و شما از ان بیخبر باشید
قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا
گفتند چگونه بخورد او را گرگ و ما گروهی توانائیم بدرستیکه ما آنگاه
لَخَاسِرُونَ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ
از زیان کاران باشیم پس چون بردند یوسف را ع و رای محکم ساختند تا که
يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ
بیفکنند او را در قعر چاه و وحی کردیم بسوی یوسف ع
لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
هر آینه تو خبر دهی برادران را بدین کار و حالانکه ایشان ندانند
وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا
و آمدند نزد پدر خود شبانگاه گریه کنان گفتند ای پدر ما بدرستیکه ما
ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ
رفتیم بصحرا پیشی میکردیم در دویدن و بگذاشتیم یوسف را ع نزد
مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا
متاع خود پس بخورد او را گرگ و نیستی تو باور دارنده ما را
وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ
و اگرچه هستیم ما راست گویان و آمدند بر بالای پیرهن یوسف بخون
كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ
دروغ گفت بلکه آراسته است برای شما نفسهای شما کاری پس صبری
جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ
کار من و خدای تعالی یاری خواسته است بر آنکه صفت کنید از هلاک او

فهم باز می کند
بمؤمنی که با نفاذ من و
بلطف و بر بوبیت من
در عارفان الطاف
احدیت و رحمت من
در کاذبین [illegible] فهم
[illegible]
[illegible] عملهای [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] آل یعقوب
علیه السلام

وجاءت

زن نام مصر چه بود
در جواب از زبان ابن
سعود از ابن عباس
عشره ثمن بخس
مرحوم یست نیز بود
از یار عیش ابن
نجیب کرده
ابن باره

وجاءت سيارة فارسلوا واردهم فادلى
و آمد کاروانی پس فرستادند آب آورنده را پس فرو گذاشت
دلوه قال يبشرى هذا غلام واسروه بضاعة
دلو خود را گفت ای مژده اینک پسریست و پنهان داشتند بضاعت تجارت
ثلثه ع
والله عليم بما يعملون وشروه بثمن بخس
و خدای تعالی داناست آنچه میکردند و بفروختند او را بهای اندک
دراهم معدودة وكانوا فيه من الزاهدين
درم‌ها شمرده بودند و بودند درباره یوسف از بی‌رغبتان
وقال الذي اشتريه من مصر لامرأته
و گفت آنکه خرید یوسف را از مصر مر زن خود را
اكرمي مثويه عسى ان ينفعنا او نتخذه
گرامی دار جای این غلام شاید آنکه نفع رساند یا بگیریم او را
ولدا وكذلك مكنا ليوسف في الارض
فرزندی و همچنین که جای دادیم یوسف را در زمین
ولنعلمه من تأويل الاحاديث والله غالب
و تا بیاموزیم او را از تعبیر خوابها و خدای تعالی غالب است
على امره ولكن اكثر الناس لا يعلمون
بر کار خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند
ولما بلغ اشده اتيناه حكما وعلما وكذلك
و آنهنگام که رسید بنهایت قوت او دادیم او را حکم و دانش و همچنین
نجزي المحسنين وراودته التي هو في بيتها
پاداش دهیم نیکوکاران را و درخواست یوسف را آن زنی که یوسف در خانه او بود
عن نفسه وغلقت الابواب وقالت هيت
از نفس یوسف و دربست درها و گفت پیش من آی
لك قال معاذ الله انه ربي احسن مثواي
که من ترا ام گفت پناه میگیرم بخدای تعالی بدرستیکه او پروردگار منست نیکو ساخته است منزل مرا
انه لا يفلح الظالمون ولقد همت به وهم
بدرستیکه رستگار نشوند ستمکاران و بدرستیکه قصد کرد زلیخا بخوبی یوسف و قصد کرد یوسف

علیم نبود نام پادشاه
مصر ریان بن ولید
و دو زن نام بادشاه
پس آنکه در مصر آورده
راحیل زن و زنان ...
ن زلیخا بود بنت
در حرم زن او

بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ
برفع آن اگر ندیدی یوسف علیه برهان خداتعالی همچنین نمودیم اورا تا گردانیم
عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا
ازوی بدی و زنا بدرستیکه او از بندگان ما
الْمُخْلَصِينَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ
پاک کرده شده و پیشی گرفتند بسوی در و دریده شد پیراهن یوسف
مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ
از پس و یافتند شوهر زلیخا نزدیک در گفت زلیخا
مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ
چه جزاست کسیکه خواهد باهل تو بدی را مگر آنکه حبس
أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَ
یا عذاب دردناک گفت زلیخا درخواست کرد مرا از نفس من و
شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ
گواهی داد گواه از کسان زلیخا اگر هست گریبان یوسف دریده شده
مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
از پیش پس راست میگوید زلیخا و یوسف از دروغ گویانست
وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَ
واگر هست گریبان یوسف دریده شده از پس پس دروغ میگوید زلیخا
هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ
یوسف از راستگویانست پس آنهنگام که دید پیراهن یوسف را دریده شده
مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ
از پس گفت بدرستیکه این از مکر شما زنانست بدرستیکه مکر شما بزرگست
يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ
ای یوسف علیه اعراض کن ازین سخن وای زلیخا استغفار کن از گناه خود
إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۝ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ
بدرستیکه تو هستی از گناهکاران وگفت گروهی از خویشان مصر در شهر
امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ
زن عزیز طلب کرده است غلام خودرا از نفس او بدرستیکه

شغفها

شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرٰىهَا فِى ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۝
شگافته است غلاف دل او از جهت دوستی بدرستیکه ما می‌بینیم زلیخا را در گمراهی هویدا
فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ اَرْسَلَتْ اِلَيْهِنَّ وَاَعْتَدَتْ
پس چون شنید زلیخا مکر ایشان را فرستاد بسوی ایشان و آماده کرد
لَهُنَّ مُتَّكَاً وَّاٰتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّيْنًا
برای ایشان تکیه گاه و داد هر یک از آن زنان کاردی
وَّقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَاَيْنَهٗ اَكْبَرْنَهٗ
وگفت بیرون آی بر زنان پس آنهنگام که دیدند بزرگ یافتند
وَقَطَّعْنَ اَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ مَا هٰذَا
و ببریدند دستهای خود را وگفتند پاکست خدا تعالی نیست این
بَشَرًا اِنْ هٰذَا اِلَّا مَلَكٌ كَرِيْمٌ ۝ قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ
آدمی نیست این مگر فرشتهٔ گرامی گفت پس این کنعانی است
الَّذِىْ لُمْتُنَّنِىْ فِيْهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُّهٗ عَنْ نَّفْسِهٖ
که ملامت کردید مرا در آن و بدرستیکه مرا دوست کردم او را از نفس او
فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَّمْ يَفْعَلْ مَاۤ اٰمُرُهٗ لَيُسْجَنَنَّ
پس خویش را نگاه داشت و اگر چنانچه نکند آنچه فرمایم او را بزندان کرده شود
وَلَيَكُوْنًا مِّنَ الصّٰغِرِيْنَ ۝ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ
و هر آینه باشد از خوارشدگان گفت ای پروردگار من زندان دوست داری
اِلَىَّ مِمَّا يَدْعُوْنَنِىْۤ اِلَيْهِ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّىْ كَيْدَهُنَّ
نزد من از آنچه میخوانند بسوی آن و اگر نگردانی از من مکر ایشان
اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَاَكُنْ مِّنَ الْجٰهِلِيْنَ ۝ فَاسْتَجَابَ
میل کنم بسوی ایشان و باشم از نادانان پس اجابت کرد
لَهٗ رَبُّهٗ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ
دعای او را پروردگار او پس بازداشت ازو مکر آن زنان را بدرستیکه او شنوا
الْعَلِيْمُ ۝ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَا رَاَوُا الْاٰيٰتِ
داناست پس ظاهر شد مر ایشان را پس از آنکه دیدند دلایل
لَيَسْجُنُنَّهٗ حَتّٰى حِيْنٍ ۝ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ
در زندان کنند او را تا هنگامی و در آمد با او بزندان

فَتَيَانِ قَالَ اَحَدُهُمَا اِنِّيٓ اَرٰىنِيٓ اَعْصِرُ خَمْرًا

دو بنده گفت یکی از ایشان بدرستیکه من میبینم خود را که میفشردم انگور را

وَقَالَ الْاٰخَرُ اِنِّيٓ اَرٰىنِيٓ اَحْمِلُ فَوْقَ رَاْسِيْ خُبْزًا

وگفت دیگری بدرستیکه من دیدم خود را که برمیداشتم بالای سر خود سفره نانرا

تَاْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَاْوِيْلِهٖ اِنَّا نَرٰىكَ

میخوردند مرغان از ان خبر ده ما را بتعبیر او خواب بدرستیکه ما می بینیم ترا

مِنَ الْمُحْسِنِيْنَ ۞ قَالَ لَا يَاْتِيْكُمَا طَعَامٌ

از نیکوکاران گفت نیاید شما خوردنی

تُرْزَقٰنِهٖٓ اِلَّا نَبَّاْتُكُمَا بِتَاْوِيْلِهٖ قَبْلَ اَنْ

روزی داده میشوید مگر خبر دهیم شما را بعاقبت وی پیش از انکه

يَّاْتِيَكُمَا ذٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِيْ رَبِّيْ اِنِّيْ تَرَكْتُ مِلَّةَ

بیاید بشما اینکه گفتیم از انچه بیاموخت مرا پروردگار من بدرستیکه من ترک دادم کیش

قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ

گروهی را که نمیگروند بخدای و ایشان بآخرت ایشان

كٰفِرُوْنَ ۞ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ اٰبَآءِيْٓ اِبْرٰهِيْمَ وَ

ناگرویدگانند و پیروی کردم دین پدران خود را ابراهیم و

اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ مَا كَانَ لَنَآ اَنْ نُّشْرِكَ

اسحاق و یعقوب روا نیست ما را انکه انباز گیریم

بِاللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ذٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا

بخدای هیچ چیزیرا این از فضل خدای تعالی است بر ما

وَعَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُوْنَ

و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان سپاسداری نمیکنند

يٰصَاحِبَيِ السِّجْنِ ءَاَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُوْنَ خَيْرٌ اَمِ

ای یاران زندان آیا خداوندان پراکنده که داریم بهترست یا

اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۞ مَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖٓ

خدای یگانه غالب نمی پرستید بدون خدای تعالی

اِلَّآ اَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّآ

مگر نامهارا نام نهاده اید آنهارا شما و پدران شما

انزل الله

أَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا
نفرستاده خدا تعالی پرستش آنها هیچ حجتی نیست حکم
لِلّٰهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ
خدایرا که فرمان داد آنکه نپرستید مگر اورا اینست دین راست
وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يٰصَاحِبَيِ
ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند ای یاران
السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ
زندان اما یکی از شما پس بیاشاماند تربیت کننده خود را شراب واما آن دیگر
فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ
پس دار آویخته شود پس بخورند مرغان از سر او حکم کرده شد
الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ وَقَالَ لِلَّذِي
کار خواب که شما در آن طلب تاویل کردید و گفت مر آنکس را که
ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسٰهُ
دانست آنکه او رستگار است از آن یاد کن مرا نزد مربی خود پس فراموش کردانید
الشَّيْطٰنُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ
شیطان یاد کردن نزد تربیت کننده پس درنگ کرد یوسف در زندان چند سال
وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرٰى سَبْعَ بَقَرٰتٍ سِمَانٍ
و گفت ملک هر آینه من دیدم در خواب هفت گاو فربه
يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلٰتٍ خُضْرٍ
میخوردند ایشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز
وَأُخَرَ يٰبِسٰتٍ يٰأَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيٰيَ
و دیگر خشک ای گروه کلانان فتوی دهید مرا در تعبیر خواب من
إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ۝ قَالُوا أَضْغٰثُ
اگر هستید شما مر خواب مرا تعبیر کنند گفتند خواب شوریده است
أَحْلٰمٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلٰمِ بِعٰلِمِينَ ۝
و نیستیم ما بتعبیر این دانایان
وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا
و گفت آنکه نجات یافته بود و یاد کرد آن پس از زمانی دور من

یوسف را علیه السلام
از نور کرسی سرشت داریم
وز سرشت حسن بر از نور
عرش منور کرده ایم ز خلقت
خاتم حسن ختم کرده او را
جان بود در آخر زمان تجلی
الله علیه و سلم کمال در شهود
جمال یوسف عاریتی

ع

بر بنده شد و در ظهور
کمال محمدی صلی الله علیه
و آله و اصحابه و حبایبه
زنان را قطع کف
دست زدن روی یوسف
سرها بریده صلوات

أُنَبِّئُكُم بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ۝ يُوسُفُ
خبر دهم شما را بتعبیر این خواب پس بفرستید مرا بزندان ای یوسف
أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ
ای راست گوی فتوی ده ما را در هفت گاو فربه
يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ
بخورند ایشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز
وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ
و دیگر دیرم خشک تا باشد که باز گردم بسوی مردمان شاید که ایشان
يَعْلَمُونَ ۝ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا
بدانند گفت کشت کنید هفت سال از راه
فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِي سُنبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا
پس آنچه بدروید از غلات پس بگذارید آنرا در خوشهٔ آن مگر اندکی
مِّمَّا تَأْكُلُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ
از آنچه میخورید پس بیاید از پس این هفت سال سخت
شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا
بخورند آنچه پیش فرستاده است برای آن سالها مگر اندکی
مِّمَّا تُحْصِنُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ
از آنچه نگهدارید برای تخم پس بیاید از پس این سال
فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ
در آن فریاد رسیده شوند مردمان و در آن بفشرند و گفت ملک
ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ
بیارید یوسف را پس آنگاه که آمد بوی فرستاده گفت بازگرد بسوی
رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ
مهتر خود پس بپرس چه حال بود آن زنان را که بریدند دستها
إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ۝ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ
بدرستیکه پروردگار من بمکر ایشان داناست گفت چه بود حال شما
إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ
وقتیکه طلب کردید یوسف را از نفس وی گفتند پاکست

دریای ... بر ... حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها نقل میکنند که در جمال آنحضرت صلی الله علیه و آله و اصحابه و جوابه گفته است دو بیت ... این است

وقال الملک ائتونی

آنچه ... پادشاه ... این خبر شنید ... حضرت یوسف علیه السلام

لله

لله ما علمنا عليه من سوٓءٍ قالت امرات العزيز
خدا بتحقیقی ما ندانستیم ما بر یوسف علیه السلام هیچ بدی گفت زن عزیز
الئن حصحص الحق انا راودته عن نفسه
اکنون پیدا شد راست من مراودت کردم از نفس او
وانه لمن الصادقين ۝ ذلك ليعلم اني لم
و هر آینه او از راستگویانست این تا بداند که من نکردم
اخنه بالغيب وان الله لا يهدي كيد الخائنين
خیانت در پنهان و آنکه خدای تعالی راه ننماید مکر خیانت کنندگانرا
وما ابرئ نفسي ان النفس لامارة بالسوٓء
و پاک نمیکنم نفس خود را بدرستیکه نفس فرماینده است بدی
الا ما رحم ربي ان ربي غفور رحيم ۝ وقال
مگر وقت رحمت پروردگار من بدرستیکه پروردگار من آمرزنده مهربانست و گفت
الملك ائتوني به استخلصه لنفسي فلما
ملک بیارید بمن یوسف را خلاص گردانم او را برای مهمات خود پس آنگاه که
كلمه قال انك اليوم لدينا مكين امين ۝
سخن گفت با وی گفت بدرستیکه تو امروز نزد ما با جاه و قدر امین
قال اجعلني على خزائن الارض اني حفيظ
گفت گردان مرا حاکم بر خزینهای زمین مصر بدرستیکه من نگهدارنده ام
عليم ۝ وكذلك مكنا ليوسف في الارض
دانا و همچنانکه جای دادیم یوسف را در زمین
يتبوأ منها حيث يشاء نصيب برحمتنا من
تا بود جای میگرفت ازان هر جا که میخواست برسانیم رحمت خود هر که
نشاء ولا نضيع اجر المحسنين ۝ ولاجر الاخرة
میخواهیم و ضایع نمیکنیم مزد نیکوکارانرا و هر آینه مزد آخرة
خير للذين امنوا وكانوا يتقون ۝ وجاء
بهترست مرآنرا که گرویدند و هستند پرهیز میکنند و آمدند
اخوة يوسف فدخلوا عليه فعرفهم وهم
برادران یوسف علیه السلام پس در آمدند بر او پس بشناخت ایشانرا و ایشان

ع

لَهُ مُنكِرُونَ ۝ وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ
مر اورا ناشناسندگان و آنهنگام که ساخت کار ایشان بساز مسافر گفت
ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي
بیارید برادری شمارا از پدر شما آیا نمی بینید که من تمام میدهم
الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ۝ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي
پیمانه را و من بهترین فرود آرندگانم پس اگر نیارید بمن
بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِندِي وَلَا تَقْرَبُونِ ۝
آن برادر را پس نیست کیل شمارا نزد من و نزدیک من مشوید
قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ۝ وَ
گفتند زود که مراودت کنیم از پدر و هر آینه ما کننده کاریم و
قَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ
گفت مر غلامان خود را بنهید بارهای ایشان در بارهای ایشان
لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ
شاید که ایشان بشناسند بضاعت چون باز گردند بسوی کسان خود شاید که ایشان
يَرْجِعُونَ ۝ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا
باز گردند پس آنهنگام که بازگشتند بسوی پدر خود گفتند ای
أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَ
پدر ما منع کرده شد از ما پیمانه پس بفرست با ما برادر ما ابن یامین تا کیل کنیم و
إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا
بدرستیکه ما مر اورا نگاهدارانیم گفت آیا ایمن دارم شمارا بروی
كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ
همچنانکه ایمن ساختم شمارا به برادر وی پیش ازین پس خدا تعالی بهتر است
حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ
از روی نگهداشتن و او بخشنده ترین بخشندگانست و آنهنگام که بگشادند بارهای خود را
وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا
و یافتند بضاعت خود را باز گردانیده شده بدیشان گفتند ای پدر ما
مَا نَبْغِي هَٰذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا
چه چیز طلبیم از احسان وی این بضاعت ما باز داده شده و طعام آریم کسان خود را

خود نشناختند
یوسف ایشان را نواخت
و فرمود و عده داد که الله
عطف قلب الاخ لهم
علیم ... تا ...
یوسف علیه السلام ...
رسالت ... صد ...
علیه السلام ...
و گفت ... بادشاه
... یوسف علیه السلام
... اخلاص ...
... نفس ...
... باز ...
... باز ...

ونحفظ

وَنَحۡفَظُ أَخَانَا وَنَزۡدَادُ كَيۡلَ بَعِيرٍ ۝ ذَٰلِكَ كَيۡلٌ
و نگاه میداریم برادر خود را و زیاده بستانیم پیمانه شتر این کیل
يَسِيرٌ ۝ قَالَ لَنۡ أُرۡسِلَهُ مَعَكُمۡ حَتَّىٰ تُؤۡتُونِ
اندکست گفت نمیفرستم این یامین را با شما تا دهید مرا
مَوۡثِقًا مِّنَ ٱللَّهِ لَتَأۡتُنَّنِي بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يُحَاطَ
پیمانه از خدا تعالی هرآئینه بیارید بمن آن موثق را مگر آنکه گیرد
بِكُمۡۖ فَلَمَّآ ءَاتَوۡهُ مَوۡثِقَهُمۡ قَالَ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ
شما پس آنهنگام که داده شد در پیمان خود گفت خدا تعالی بر آنچه گوییم
وَكِيلٌ ۝ وَقَالَ يَٰبَنِيَّ لَا تَدۡخُلُواْ مِنۢ بَابٍ وَٰحِدٍ
نگهبانست و گفت ای فرزندان من در میایید از یک در
وَٱدۡخُلُواْ مِنۡ أَبۡوَٰبٍ مُّتَفَرِّقَةٍۖ وَمَآ أُغۡنِي
و درآیید از درهای پراگنده و دفع نمیکنم
عَنكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍۖ إِنِ ٱلۡحُكۡمُ إِلَّا لِلَّهِۖ
از شما از خدا تعالی چیزی نیست حکم مگر خدا ایرا
عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَعَلَيۡهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُتَوَكِّلُونَ ۝
بر وی توکل کردم و بر وی باید که توکل کنند توکل کنندگان
وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَهُمۡ أَبُوهُم مَّا
و آنهنگام که درآمدند از آنجا که فرموده بود ایشانرا پدر ایشان نبود
كَانَ يُغۡنِي عَنۡهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيۡءٍ إِلَّا حَاجَةً
که دفع کند از ایشان از خدا چیزی مگر حاجتی بود
فِي نَفۡسِ يَعۡقُوبَ قَضَىٰهَاۚ وَإِنَّهُۥ لَذُو عِلۡمٍ لِّمَا
در دل یعقوب که ظاهر کرد آنرا و او خداوند دانش مر آنچه
عَلَّمۡنَٰهُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ۝
آموختیم او را ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند
وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَخَاهُۖ قَالَ
و آنهنگام که درآمدند بر یوسف که جای داد بسوی خود برادر خود گفت
إِنِّيٓ أَنَا۠ أَخُوكَ فَلَا تَبۡتَئِسۡ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ۝
بدرستیکه منم برادر تو پس اندوهناک مباش با آنچه بودند که کردند

گفت برادر بزرگ
تو را مرد ...
... 
قال لن ارسله گفت
...
...
...
...
...
حضرت رسالت مآب
صلی الله علیه و آله و سلم
که خاتم النبیین و سید
ع
المرسلین
است ...
در آورده ... عذاب
و ... کرده

فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي
پس آنهنگام که کارسازی کرد ایشان را بکارسازی ایشان نهاد سقایه را در
رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ
بار برادر خود پس ندا کرد نداکننده ای کاروانیان
إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ۝ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّا
هر آینه شما دزدانید گفتند وروی آوردند برایشان چه
ذَا تَفْقِدُونَ ۝ قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ
چیز گم کردید گفتند گم کردیم مشربه ملک را
وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۝
وبرای هر کسیکه بیارد آنرا شتروار طعام ومن بآن کفیلم
قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي
گفتند بخدای هر آینه میدانید شما نیامدیم تا تباهی کنیم در
الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۝ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ
زمین ونیستیم ما دزدان گفتند پس چیست جزای دزدی
إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ۝ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ
اگر هستید دروغ گویان گفتند جزای دزدی آنکه یافته شود
فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ
در بار او پس جزای دزدی گرفتن اوست همچنین جزا میدهیم دزدان را
فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ
پس آغاز کرد بجوالهای ایشان پیش از بار برادر ابن یامین پس
اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَٰلِكَ كِدْنَا
بر آورد آنرا از بار برادر او مانند این تعلیم دادیم
لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ
یوسف را نبود که فرا گرفتی برادر خود را در کیش مصر
إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ
مگر آنکه خواهد خدای تعالی برمیداریم درجها هرکرا میخواهیم
وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ۝ قَالُوا إِن
وزبر هر خداوند دانش داناست گفتند اگر

يسرق

يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا
دزدی کند پس بدرستیکه دزدی کرده بود برادر او پیش از این پس پنهان داشت
يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ
یوسف ع در نفس خود و ظاهر نکرد آنرا مر ایشان را گفت
أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ
شما بدترید از جایگاه و خدا تعالی داناترست بآنچه صفت کنید
قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا
گفتند ای عزیز بدرستیکه مر اورا پدریست پیر بزرگ
فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
پس بگیر یکی از ما بجای او بدرستیکه ما میبینیم ترا از نیکوکاران
قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا
گفت پناه میگیریم بخدا تعالی از آنکه بگیریم مگر آنرا که یافتیم
مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّا إِذًا لَّظَالِمُونَ فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا
متاع خود را نزد او بدرستیکه ما آنگاه از ستمکاران باشیم پس آنگاه که نومید شدند
مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا
از یوسف ع باز یک کناره شدند رازگویان گفت بزرگ ایشان آیا نمیدانید
أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ
آنرا که پدر شما بدرستیکه گرفته است بر شما عهدی از خدا تعالی
وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ
و پیش از این تقصیر کردید در یوسف ع پس من جدا نشوم
الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ
از مصر تا دستوری دهد پدر من یا حکم کند خدا تعالی
لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَبِيكُمْ
برای من و او بهترین حکم کنندگانست بازگردید بسوی پدر خود
فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا
پس بگوئید ای پدر بدرستیکه این یامین دزدی کرد و نه گواهی میدهیم
إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ
مگر بآنچه میدانیم و نبودیم مر باطن را نگاه دارندگان

[illegible]

ع

[illegible]

وَسْئَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي
وپرسن از اهل قریه که بودیم دران وپرس از کاروانی که
أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ
روی نهاده بودیم دران وما راست گویانیم گفت بلکه آراسته است
لَكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۝ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي
برای شما کاری پس صبر نیکیست شاید که خدا تعالی آنکه بیارد بمن
بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ وَتَوَلَّى
همه ایشان بدرستیکه اوست دانا درست کار وروگردانید
عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ
از ایشان وگفت ای اندوه من بر یوسف ع وسفید شد
عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ
هردو چشم او از اندوه پس او پری بود از خشم گفتند بخدا که
تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا
همیشه باشی تا یاد کنی یوسف را ع تا باشی بیمار
أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي
یا باشی از هلاک کنندگان گفت جز این نیست که شکایت کنم
وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ يَا بَنِيَّ
غم واندوه او سوی خدا تعالی ومن میدانم از خدا تعالی آنچه نمیدانید ای پسران من
اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ
بروید پس تفحص کنید از یوسف ع وبرادر او
وَلَا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ
ونومید مشوید از رحمت خدا تعالی بدرستیکه ناامید نشود از
رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ۝ فَلَمَّا دَخَلُوا
رحمت خدا تعالی مگر گروه ناگرویدگان پس آنهنگام که درآمدند
عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَ
بر یوسف ع گفتند ای عزیز رسیده است ما را وکسان ما را سختی و
جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ
آورده ایم بضاعتی بی اعتبار پس تمام کن برای ما کیل را

وتصدق

وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ۝
و تصدق کن بر ما زیاده بدرستیکه خدا تعالی پاداش دهد نیکوان را

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ
گفت آیا دانستید آنچه کردید با یوسف ع و برادر او

إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۝ قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ
چون شما بودید نادانان گفتند آیا تو ئی یوسف ع

قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَٰذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا
گفت منم یوسف ع و این برادر منست بدرستیکه منت نهاد خدا تعالی بر ما

إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
بدرستیکه هرکه بترسد و صبر کند پس بدرستیکه خدا تعالی ضایع نکند مزد

الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ
نیکوکاران را گفتند بخدا تعالی سوگند بدرستیکه برگزید ترا خدا تعالی

عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ ۝ قَالَ لَا تَثْرِيبَ
بر ما و بدرستیکه بودیم گنهکاران گفت سرزنش نیست امروز

عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ
بر شما بیامرزد خدا تعالی شما را و او بخشنده ترین

الرَّاحِمِينَ ۝ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلْقُوهُ
بخشایندگانست ببرید این پیرهن مرا پس بیفگنید آنرا

عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ
بر روی پدر من تا بینا گردد بیاورید بمن کسان خود را

أَجْمَعِينَ ۝ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ
همه و آنوقت که جدا شد کاروان گفت پدر ایشان

إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ۝
بدرستیکه من یابم بوی یوسف را اگر مرا بنقصان عقل نسبت نکنید

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ۝ فَلَمَّا
گفتند بخدای بدرستیکه تو در همان حیرت قدیم پس آنهنگام که

أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ
آمد مژده دهنده بیفگند پیرهن بر روی پدر خود پس گشت

بصيرا ۝ قال ألم أقل لكم إني أعلم من الله
بينا گفت آیا نمی گفتم شمارا بدرستیکه من میدانم از خدای تعالی
ما لا تعلمون ۝ قالوا يا أبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا
آنچه نمی دانید گفتند ای پدر ما آمرزش طلب برای ما گناهان مارا
كنا خاطئين ۝ قال سوف أستغفر لكم ربي إنه هو الغفور
بدرستیکه ما بودیم گنهکاران گفت زود باشد آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود بدرستیکه او آمرزنده
الرحيم ۝ فلما دخلوا على يوسف آوى إليه أبويه وقال ادخلوا
مهربانست پس چون در آمدند بر یوسف جای داد بسوی خود پدر و مادر خود را و گفت در آیید
مصر إن شاء الله آمنين ۝ ورفع أبويه
بمصر اگر خواهد خدای تعالی که ایمن باشید و بر داشت پدر و مادر را
على العرش وخروا له سجدا وقال يا أبت هذا
بر تخت و بروی در افتادند سجده کنان و گفت ای پدر من این
تأويل رؤياي من قبل قد جعلها ربي حقا
تعبیر خواب منست که دیدم پیش از این بدرستیکه گردانید آنرا پروردگار من راست
وقد أحسن بي إذ أخرجني من السجن وجاء
و بدرستیکه نیکوئی کرده بمن چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد
بكم من البدو من بعد أن نزغ الشيطان
شمارا از بادیه و از پس آنکه افساد کرد شیطان
بيني وبين إخوتي إن ربي لطيف لما يشاء
میان من و میان برادران من بدرستیکه پروردگار من نیکوکار است برای هر که میخواهد
إنه هو العليم الحكيم ۝ رب قد آتيتني من
بدرستیکه اوست دانا محکم کار ای پروردگار من بدرستیکه دادی مرا از
الملك وعلمتني من تأويل الأحاديث فاطر
مملکت و آموختی مرا از تعبیر خوابها ای پدید آرنده
السماوات والأرض أنت وليي في الدنيا و
آسمانها و زمین توئی یاور من در دنیا و
الآخرة توفني مسلما وألحقني بالصالحين ۝
آخرة بمیران مرا مسلمان و در رسان مرا بپدران شایسته

ربع

ذلك

ذٰلِكَ مِنْ اَنْبَاۤءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ وَمَا
این از خبرهای غیب است وحی کنیم آنرا بتو و نبودی
كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ اَجْمَعُوْٓا اَمْرَهُمْ وَهُمْ
تو نزدیک برادران چون جمع کردند رایهای خود را و ایشان
يَمْكُرُوْنَ ۝ وَمَآ اَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ
مکر میکردند و نیستند بیشتر مردمان و اگرچه حرص بری
بِمُؤْمِنِيْنَ ۝ وَمَا تَسْئَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ
گروندگان و نمیخواهی از ایشان بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست
هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ وَكَاَيِّنْ مِّنْ اٰيَةٍ
در قرآن مگر پندی مر عالمیان و بسا نشانهای قدرت
فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَمُرُّوْنَ عَلَيْهَا وَهُمْ
در آسمانها و زمین میگذرند بران و ایشان
عَنْهَا مُعْرِضُوْنَ ۝ وَمَا يُؤْمِنُ اَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ
ازان روی گردانندگانند و نمیگروند بیشتر ایشان بخدا تعالی
اِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُوْنَ ۝ اَفَاَمِنُوْٓا اَنْ تَاْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ
مگر و ایشان شرک آرندگانند آیا پس ایمن شدگان که بیاید مر ایشان را عقوبت
مِّنْ عَذَابِ اللّٰهِ اَوْ تَاْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً
از عذاب خدا تعالی یا بیاید بدیشان قیامت ناگهان
وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ۝ قُلْ هٰذِهٖ سَبِيْلِىْٓ اَدْعُوْٓا
و ایشان ندانند بگو این راه منست میخوانم مردمان را
اِلَى اللّٰهِ عَلٰى بَصِيْرَةٍ اَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِىْ وَسُبْحٰنَ
براه خدا تعالی که مطلع دیده ورم من و هرکه پیروی کرده است و پاکست
اللّٰهِ وَمَآ اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۝ وَمَآ اَرْسَلْنَا
خدا تعالی و نیستم من از مشرک آرندگان و نفرستادیم
مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا نُّوْحِىْٓ اِلَيْهِمْ مِّنْ اَهْلِ
پیش از تو مگر مردانی که وحی فرستاده شد از اهل
الْقُرٰى اَفَلَمْ يَسِيْرُوْا فِى الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ
شهر آیا سیر نمیکنند کافران در زمین پس ببینید چگونه

كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ حَتَّىٰ
إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ
كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ وَلَا
يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَقَدْ
كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۝
مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ
الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى
وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

## سورة الرعد مدنية وهي ثلث واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
المر ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ
مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝
اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ

هریک میرود تا وقتی نام برده تدبیر کار ملکوت خود را بیان میکند

الْآيٰتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ۝ وَ

آیتها شاید که شما بجزای پروردگار خود بیگمان شوید و

هُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ

اوست آنکه گسترد زمین وآفرید دران کوهها

وَأَنْهٰرًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ

وجویها واز همه میوها گردانید درزمین تلخ و شیرین

اثْنَيْنِ يُغْشِي الَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيٰتٍ

پوشیده میکند شب را بروز هر آینه در این نشانهاست

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجٰوِرٰتٌ

برای گروهیکه تفکر کنند ودر زمین پارهاست پیوسته بیکدیگر

وَجَنّٰتٌ مِنْ أَعْنٰبٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ

وبوستانها از انگور وکشتها ودرختهای خرما چند شاخ از یک شاخ رسته

وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقٰى بِمَاءٍ وٰحِدٍ وَنُفَضِّلُ

بعضی بر شاخ ازین بیخ شاخ دیگر رسته آب داده شود بآب یک وتفضیل دهیم

بَعْضَهَا عَلٰى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ

بعضی را بر بعضی در میوه هر آینه در این

لَآيٰتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ

نشانهاست برای گروهیکه تعقل کنند واگر عجب میداری پس سزاوارست

قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرٰبًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

از قول ایشان آیا باشیم خاک هر آینه باشیم در آفرینش نو

أُولٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولٰئِكَ الْأَغْلٰلُ

آن گروه آنانند که کافر شدند بپروردگار خود وآن گروه غلها

فِي أَعْنٰقِهِمْ وَأُولٰئِكَ أَصْحٰبُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

در گردن ایشانست وآن گروه ملازمان دوزخ ایشان دران

خٰلِدُونَ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ

جاوید باشند وطلب تعجیل کنند از تو بعقوبت قبل از

حروف مقطعه
مختصر اشارت از کلمهایکه
دلالت بر صفتی
الهی کنند که الف
آلاء اوست ولام
لطف وی نهایت
ومیم مهر او ونعیم بلی
ونهایت وراء نوال
او وقدرت بر کمال او
ودوی آن کتاب که بعض
ازرا دلالت بر
اسمای
که ذات و بعضی بر
افعال او اسمای
بیاوفته ما هران
قایم باشد

الحسنة وقد خلت من قبلهم المثلت وان
عاقبت و بدرستیکه گذشته است پیش از ایشان از عقوبتها و بدرستیکه

ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم وان
پروردگار تو خداوند آمرزش برای مردمان بر کفر ایشان و بدرستیکه

ربك لشديد العقاب ۝ ويقول الذين
پروردگار تو سخت عقوبت است و میگویند آنانکه

كفروا لولا انزل عليه اية من ربه انما
کافر شدند چرا فرستاده نشد بر حضرت محمد ص نشانه از پروردگار او جز این نیست

انت منذر ولكل قوم هاد ۝ الله يعلم
که تو بیم کننده و مر هر گروهی را راه نماینده است خدای تعالی میداند

ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما
آنچه بر میدارد هر زنی و میداند آنچه کم میدارد رحمها

تزداد وكل شيء عنده بمقدار ۝ عالم
میداند در رحمها از کودک و هر چیزی نزد او باندازه داننده

الغيب والشهادة الكبير المتعال ۝ سواء
پوشیده ها و آشکارا بزرگوار عظیم الشان یکسان است

منكم من اسر القول ومن جهر به ومن
از شما با بلند مرتبه از رفعت مخلوقات و یکسان است از پیش او و هر که

هو مستخف باليل وسارب بالنهار ۝ له
پنهان رونده است در شب و بیرون شونده در روز مر او را کسانی

معقبت من بين يديه ومن خلفه
پوشیده و فرشتگانند از پیش او و از پس او

يحفظونه من امر الله ان الله لا يغير ما
نگاه میدارند او را بفرمان خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی تغییر نکند آنچه

بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم واذا اراد
با گروهی باشد تا تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشانست و چون خواهد

الله بقوم سوءا فلا مرد له وما لهم من دونه
خدای تعالی بگروهی عقوبت را پس بازگرداننده نیست مر آن را و نیست مر آن قوم را بجز خدای تعالی

ع

من وال

مِن وَالٍ ۝ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ

کرمتولی امر ایشان کند اوست آنکه نماید بشما برق را برای ترس و

طَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۝ وَيُسَبِّحُ

برای طمع و پدید آرد ابرها را که آب گران بار اند و تسبیح میگوید

الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلٰٓئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ

رعد بحمد خدا تعالی و فرشتگان را از هیبت او و فرو فرستد

الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ

صاعقه را پس میرسد آنرا هر کرا خواهد و ایشان جدل کنند

فِي اللّٰهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ۝ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ

در شان خدا تعالی و او سخت قوت مر خدا راست خواندن بحق

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ

و آنانکه میخوانند بجز وی اجابت نمیکنند

لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ

مر ایشانرا بچیزی مگر که بکشاید هر دو کف خود بسوی آب تا برسد

وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي

و نیست او رسنده بدهن و نیست خواندن کافران مگر در

ضَلٰلٍ ۝ وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

گمراهی و مر خدا را سجده میکنند هر که در آسمانها و در زمین

سجدة

طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلٰلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

از روی فرمان برداری و کراهت و سجده میکنند بامداد و شبانگاه

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللّٰهُ قُلْ

بگو کیست آفریدگار آسمانها و زمین بگو خدا تعالی بگو

أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ

آیا وا میگیرید بجز وی معبودان مالک نیستند برای نفس خود

نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمٰى وَ

نه سودی و نه زیانی بگو آیا برابر باشد نابینا و

الْبَصِيرُ ۝ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمٰتُ وَالنُّورُ

بینا آیا برابر باشد تاریکیها و روشنی

[illegible]

أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ
آیا کافران ساختند برای خدا انبازان که بیافریدند مانند آفریدن خدای پس مشابه شد
الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ
آفریده بر ایشان بگوی خدا تعالی آفریننده همه چیز است و او
الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ
یگانه غالب فرستاد از آسمان آبی پس روان شد
أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا
دره‌ها از آب باندازهٔ خود پس برداشت آن آب روان کف بلند را
وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ
و از آنچه در کوره نهاده می افروزند بران در آتش برای طلب پیرایه
أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ
یا برای آلاتی یعنی است مانند آن کف همچنین مثل میزند خدا تعالی
الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً
درست و باطل پس اما کف روی آب پس برود که مطروح باشد
وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ
و اما آنچه سود رساند مردمان را پس بماند در زمین
كَذَلِكَ يَضْرِبُ الْأَمْثَالَ ۝ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا
همچنین میزند مثلها مر آنان را که اجابت نمودند
لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ
مر فرمان پروردگار خود را نیکوست و آنان که اجابت نکردند مر خدا را اگر
أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ
باشد مر ایشان را آنچه در زمین است همه و مانند اینها با آن باشد
لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ
فدا کنند آنرا آن گروه مر ایشان راست بدی حساب
وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ أَفَمَنْ يَعْلَمُ
و بازگشت ایشان دوزخ و بد جایی است آیا پس که میداند
أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ
آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو درست همچو کسیکه او

نصف ع

[illegible]

أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ الَّذِينَ

نابینا باشد جز این نیست که پند پذیرند خداوندان عقلها آنانکه

يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ ۝

وفا کنند به پیمان خدا تعالی و نمی شکنند آن پیمان را

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ

و آنانکه می پیوندند آنچه امر کرده است خدا تعالی به آن که پیوند از صلهٔ رحم

وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۝

و میترسند از پروردگار خود و خوف دارند از سختی حساب

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا

و آنانکه صبر کردند برای طلب رضای پروردگار خود و بپای داشتند

الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

نماز و نفقه کردند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا

وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ

و دفع کنند به نیکوئی بدی را آن گروه برای ایشان است

عُقْبَى الدَّارِ ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن

سرانجام نیکو در آن سرای بوستانها با اقامت در آیند در آن و کسانیکه

صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَ

شایسته باشند از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان و

الْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ۝

فرشتگان در آیند بر ایشان از هر دری

سَلَامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ۝

سلامتی بر شما به آنچه صبر کردید پس نیکو سرانجام آن سرای

وَالَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ

و آنانکه می شکنند پیمان خدا را از پس

مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ

محکم کردن آن و می برند آنچه فرموده است خدا تعالی به آن که پیوند کنند

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ

و تباهی کنند در زمین آن گروه مر ایشان راست دوری از رحمت

در نگاه کرد اراده
منع زدن کردن کردن مرد
بیرون من و اوصال
الفصه چون از دریچه برون
آن ده صفحه بعد از وا
بسوخت به او راه کرده
بیرون عرصه بعد از آن
و بعد بیرون صورت
بعد بیرون بحاکم غرت
آن بر صد ابد عید و اله
و اهل جا به حکم
آن ده و عقد بابان قاسم
قرده ضرا بنو و خیم فرا
ارزم و ابریا یا نوت

وَلَهُمْ سُوٓءُ الدَّارِ ۝ اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
و مرایشانراست بدی سرای خدا تعالی گشاده کرداند روزی را برای هر که
يَّشَآءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوْا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ
خواهد و تنگ کرداند و شادمیشوند بزندگانی دنیا و
مَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِى الْاٰخِرَةِ اِلَّا مَتَاعٌ ۝ وَ
نیست زندگانی دنیا در آخرة مگر برخورداری اندک و
يَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ
گویند آنانکه کافر شدند چرا فرستاده نمیشود برو آیتی
مِّنْ رَّبِّهٖ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ وَيَهْدِيْٓ
از پروردگار بگو بدرستیکه خدا تعالی فروگذارد هرکرا خواهد و راه نماید
اِلَيْهِ مَنْ اَنَابَ ۝ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَتَطْمَئِنُّ
بسوی خود هرکه بازگردد بوی آنانکه گرویدند و آرام یابد
قُلُوْبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ اَلَا بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ
دلهای ایشان بیاد خدا تعالی بدانید که بذکر خدا تعالی آرام میابد
الْقُلُوْبُ ۝ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ طُوْبٰى
دلهای آنانکه گرویدند و کردند عملهای شایسته زندگانی خوش
لَهُمْ وَحُسْنُ مَاٰبٍ ۝ كَذٰلِكَ اَرْسَلْنٰكَ فِىْٓ اُمَّةٍ
ایشانرا و نیکو بازگشت همچنین فرستادیم ترا بسوی امتی
قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَآ اُمَمٌ لِّتَتْلُوَا عَلَيْهِمُ الَّذِيْٓ
که گذشته اند پیش از آن امت تا بخوانی برایشان آنچه را
اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُوْنَ بِالرَّحْمٰنِ قُلْ هُوَ
وحی کردیم بسوی تو و ایشان منکرند بخدای تعالی بگو اوست
رَبِّىْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ مَتَابِ
پروردگار من نیست معبودی مگر او براو توکل کردم و بسوی او بازگشت
وَلَوْ اَنَّ قُرْاٰنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ اَوْ قُطِّعَتْ
و اگر بودی کتابی رانده شدی بآن کوهها یا بریده شدی
بِهِ الْاَرْضُ اَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتٰى بَلْ لِّلّٰهِ الْاَمْرُ
بآن زمین یا سخن در آورده شدی بآن مردگان بلکه خدایراست کارها

جميعا

جمیعا افلم ییأس الذین آمنوا ان لو یشاء

آیا پس نا امید شدند آنانکه گرویدند آنرا که اگر خواهد

الله لهدی الناس جمیعا ولا یزال الذین

خدا تعالی راه نماید همه مردمان و همیشه آنانکه

کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعة او تحل

کافر شدند برسد ایشانرا بانچه کردند سختی یا فرود آید

قریبا من دارهم حتی یأتی وعد الله ان الله

موضعی نزدیک تا بیاید وعده خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی

لا یخلف المیعاد ولقد استهزئ برسل

خلاف نکند وعده و بدرستیکه استهزا کردند به پیغمبران

من قبلک فاملیت للذین کفروا ثم اخذتهم

پیش از تو پس مهلت دادم آنانرا که گرویدند پس بگرفت ایشانرا

فکیف کان عقاب افمن هو قائم علی

پس چگونه بود عقوبت من ایشان آیا کسیکه او باشد نگهبان بر

کل نفس بما کسبت وجعلوا لله شرکاء

هر نفسی بانچه کنند و میسازند برای خدا تعالی انبازان

قل سموهم ام تنبئونه بما لا یعلم فی الارض

بگو نام نهید شرکا را بلکه خبر میدهید خدا تعالی بانچه نمیداند در زمین

ام بظاهر من القول بل زین للذین کفروا

یا نام نهید تا بظاهر سخن بلکه آراسته شده است برای آنانکه کافر شدند

مکرهم وصدوا عن السبیل ومن یضلل

مکر ایشانرا و بازداشته شده اند از راه راست و هر کرا گمراه کند

الله فما له من هاد لهم عذاب فی الحیوة

خدا تعالی پس نیست مر او را راه نماینده مر ایشانرا است عذابی در زندگانی

الدنیا ولعذاب الآخرة اشق وما لهم

دنیا و عذاب آخرة سخت تر است و نیست ایشانرا

من الله من واق مثل الجنة التی وعد المتقون

از خدا تعالی نگهدارنده صفت بهشتی که وعده داده شده پرهیزگاران

ع

تجري من تحتها الانهر اكلها دآئم وظلها
میرود اززیر آن جویها همیشه میوه آن همیشه وسایه آن
تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى الكفرين
آن منتهای کار است آنانکه پرهیزکاری کردند وعاقبت کافران
النار ○ والذين اتينهم الكتب يفرحون
آتش است وآنانکه عطا کردیم ایشانرا کتاب شاد میشوند
بما انزل اليك ومن الاحزاب من ينكر
بآنچه فرستاده شد بتو وازلشکرهای کفر کسی هست که انکار کند
بعضه قل انما امرت ان اعبد الله ولا
بعضی ازآنرا بگو جز این نیست که مامور شده ام باینکه پرستم خدا را ونیارم
اشرك به اليه ادعوا واليه مآب ○ و
شرک بوی بسوی خداتعالی میخوانم خلق را وبسوی اوست بازگشت و
كذلك انزلنه حكما عربيا ولئن اتبعت
همچنانکه فرستادیم کتاب را محکم بلغت عرب واگر متابعت کنی
اهوآءهم بعد ما جآءك من العلم ما لك من
آرزوهای مشرکانرا بعد ازآنکه بتو آمد ازدانش نباشد مرترا از
الله من ولي ولا واق ○ ولقد ارسلنا
خداتعالی هیچ یاری ونه نگهدارنده وهرآینه فرستادیم
رسلا من قبلك وجعلنا لهم ازواجا وذرية
پیغمبران پیش ازتو وداده ایم مرایشانرا زنان وفرزندانرا
وما كان لرسول ان ياتي باية الا باذن الله
ونباشد هیچ فرستاده را آنکه بیارد معجزه مگر باذن خداتعالی
لكل اجل كتاب ○ يمحوا الله ما يشاء ويثبت
مرهر مدتی را نوشته شده محو کند خداتعالی آنچه خواهد وثابت کند آنرا
وعنده ام الكتب ○ واما نرينك بعض الذي نعدهم
ونزد اوست اصل کتاب واگر بنمایم ترا برخی ازآنچه وعده دادیم کافرانرا
او نتوفينك فانما عليك البلغ وعلينا الحساب
یا بمیرانیم ترا پس جز این نیست که برتو رسانیدن پیغام است وبرماست شمار

والذین آتیناهم الکتاب
آنچه مسلمانان شده بودند
از اهل کتاب
چون عبد الله بن سلام و کعب
ابن ربیع و اتباع ایشان
از یهود و نصاری و حبشه
و اتباع ایشان از نصاری
بعضی از آنرا که مخالف
ع

اوراق ۵۳

اولم

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

آیا نمی بینند آنکه ما فرمان آئیم در زمین میکاهیم از کنارهای آن

وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ

و خدا تعالی حکم میکند رد کننده نیست مر حکم او را و اوست زود

الْحِسَابِ ۝ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

حساب کننده و بدرستیکه مکر کردند آنانکه پیش از ایشان

فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَ

پس مر خدا راست جزاء مکر همه میداند هرچه میکند هر نفسی و

سَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ۝ وَيَقُولُ

زود باشد که بدانند کافران که مر کراست عاقبت پسندیده و میگویند

الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا ۝ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ

آنانکه کافر شدند نیستی فرستاده بگو بسنده است خدا تعالی

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ۝

گواه میان من و میان شما و هر کسیکه نزد وی است علم کتاب

## سورة ابرهيم وهي اثنا وخمسون آية

ابراهیم مکیه ۵۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الر ۝ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ

کتابی است که فرستادیم بسوی تو تا بیرون آری مردمان را از

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۝ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ

تاریکی به روشنی بفرمان پروردگار ایشان براه خداوند

الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

غالب و ستوده خدا تعالی آنکه مر او راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ

و آنچه در زمین است و رنج مر ناگرویدگان را از عذابی

شَدِيدٍ ۝ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

سخت آنانکه دوست میدارند زندگانی دنیا

مر کنار زمین [illegible]

[illegible]

ع

عَلَى الْاٰخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ

بر آخرت و باز میدارند مردمان از راه خدای تعالی

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا اُولٰٓئِكَ فِي ضَلٰلٍ بَعِيدٍ

و می طلبند مر آنرا کجی آن گروه در گمراهی دور

وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهٖ

و نفرستادیم هیچ پیغمبری را مگر بزبان قوم او

لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاۤءُ وَيَهْدِي

تا بیان کند برای ایشان پس در گمراه کند خدای تعالی هر کرا خواهد و راه نماید

مَنْ يَشَاۤءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَلَقَدْ

هر کرا خواهد و اوست غالب و محکم کار و بدرستیکه

اَرْسَلْنَا مُوسٰى بِاٰيٰتِنَا اَنْ اَخْرِجْ قَوْمَكَ

فرستادیم موسی را با آیتها که بیرون آری قوم خود را

مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِاَيّٰمِ اللّٰهِ

از تاریکیها بروشنی و پند ده ایشان را بروزهای خدای تعالی

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

بدرستیکه در این نشانهاست مر هر صبر کننده شکر گوینده

وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ

و چون گفت موسی مر گروه خود را یاد کنید نعمتهای خدای را

عَلَيْكُمْ اِذْ اَنْجٰيكُمْ مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ

بر شما آنگه رهانید شما را از کسان فرعون می چشانیدند شما را

سُوۤءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ اَبْنَاۤءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

بدی عذاب و می کشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند

نِسَاۤءَكُمْ وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَاۤءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

زنان شما را و در این آزمایشی از پروردگار شما بزرگ

وَاِذْ تَاَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيدَنَّكُمْ

و چون آگاه کرد پروردگار شما اگر شکر گویید افزون کنیم شما را

وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ وَقَالَ

و اگر ناسپاسی کنید بدرستیکه عذاب من سخت است و گفت

ع

موسی

موسى إن تكفروا أنتم ومن في الأرض
جميعا فإن الله لغني حميد ۝ ألم يأتكم
نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح وعاد و
ثمود ۝ والذين من بعدهم لا يعلمهم
إلا الله جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا
أيديهم في أفواههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم
به وإنا لفي شك مما تدعوننا إليه مريب ۝
قالت رسلهم أفي الله شك فاطر السموت
والأرض يدعوكم ليغفر لكم من ذنوبكم
ويؤخركم إلى أجل مسمى قالوا إن أنتم
إلا بشر مثلنا تريدون أن تصدونا عما
كان يعبد آباؤنا فأتونا بسلطن مبين ۝
قالت لهم رسلهم إن نحن إلا بشر مثلكم
ولكن الله يمن على من يشاء من عباده

ثلثه

وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطٰنٍ إِلَّا بِإِذْنِ

و نیست ما را آنکه بیاریم بر اشما حجت مگر بفرمان

اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا

خدا تعالی و بر خدا تعالی پس باید که توکل کنند گرویدگان و چیست

لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰنَا سُبُلَنَا

ما را در آنکه توکل نکنیم بر خدا تعالی و حال آنکه راه نموده است ما را براههای ما

وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

و سوگند ای که صبر خواهیم کرد بر آنچه ایذا میرسانید ما را و بر خدا تعالی پس باید که توکل کنند

الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ

توکل کنندگان و گفتند آنانکه کافر شدند مر رسولان خود را

لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا

هر آینه بیرون کنیم شما را از زمین خود یا که عود کنید در کیش ما

فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظّٰلِمِينَ ۝ وَ

پس وحی کرد بر ایشان پروردگار ایشان هر آینه هلاک کنیم ستمکاران را و

لَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ لِمَنْ

ساکن کردانیم شما را در زمین از پس هلاک ایشان برای هر که

خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ۝ وَاسْتَفْتَحُوا

ترسید از ایستادن حکم من و برای کسیکه ترسان کردد از وعید من و طلب فتح کردند

وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۝ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ

و بی بهره ماند هر گردنکش ستیزه کننده از پس حیات او دوزخ است

وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ۝ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ

و بیاشامانند از آبی زرد آبهٔ دوزخیان بتکلف خورد جرعه جرعه و نزدیک نباشد که

يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا

فرو بردن آن و بیاید بدو مرگ از هر جایی و نیست

هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۝

او مرده و در پیش اوست عذابی سخت

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ

صفت گروهی آنکه کافر شدند با فریدگار خود کردارهای ایشان همچو خاکستر است

جحود و الحاق تعالی

بیرون شدن نعمت کرد

مزح کنان بوسیلت نبوی با

باستحقاق تفضیلت

نبوت و مشیت

ع

رسالت نبوی با کافران

معجزه که امید بر اعتبار

نفی خود و از روی طمع و

از روی عناد و تعنت

معجزات کرد و نیک بر

سخن اهل دوزخ

عذاب الذین کفروا ابراهیم

ابی ایمان

بیان اعمال کفار ان

تا اشتدت

اشتدت به الريح في يوم عاصف لا

که سخت بگذرد برو باد در روز حزاوند باد تند نتوانند

يقدرون مما كسبوا على شيء ذلك هو

قادر از آنچه کسب کردند بر چیزی این آنت

الضلال البعيد ۝ ألم تر أن الله خلق السموت

گمراهی دور آیا ندیدی که خدای تعالی بیافرید آسمانها

والأرض بالحق إن يشأ يذهبكم ويأت

و زمین براستی اگر خواهد ببرد شمارا و بیارد

بخلق جديد ۝ وما ذلك على الله بعزيز

خلق نو و نیست این بر خدای تعالی دشوار

وبرزوا لله جميعا ۝ فقال الضعفؤا

و ظاهر شوند از قبر برای امر خدای تعالی همه پس گویند عاجزان

للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل

مر آنانرا که تکبر کردند بدرستیکه ما بودیم مر شما پیروان پس آیا هستید

أنتم مغنون عنا من عذاب الله من شيء

شما دفع کنندگان از ما از عذاب خدای تعالی از چیزی

قالوا لو هدانا الله لهدينكم سواء علينا

گویند اگر بنمودی ما را خدای تعالی هر آینه بنمودیمی شما را یکسانست بر ما

أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص ۝ وقال

جزع کنیم یا صبر کنیم نیست ما را هیچ گریزگاهی و گوید

الشيطن لما قضي الأمر إن الله وعدكم

دیو آنهنگام که گزارده شود کار بدرستیکه خدای تعالی وعده کرد شما را

وعد الحق ووعدتكم فأخلفتكم وما كان

وعده راست و من وعده دادم شما را پس وعده کج کردم شما را و نبود

لي عليكم من سلطن إلا أن دعوتكم

مرا بر شما هیچ سلطنتی مگر آنکه من بخواندم شما را

فاستجبتم لي فلا تلوموني ولوموا أنفسكم

پس اجابت کردید مرا پس مرا ملامت مکنید و ملامت کنید نفسهای خودرا

چون برو
باد در روز باد تند بر
باد عصوف است تند باد
باد است که برانداز برو
وصف کردن عذاب
مبالغه است یعنی سخت
[illegible]
[illegible]
ع
نمی پذیرد چون صبر
رحم و از او کردن بنده
و اکرام ایشان نشد
توده خاکستر

مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ

نیستم امروز رهاننده شما و شما نیستید فریادرس من بدرستیکه من امروز کافر شدم

بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ

بآنچه انباز گرفتید پیش ازین بدرستیکه ظالمان مرایشانراست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

عذابی دردناک و درآورده شوند آنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

عمل شایسته بوستانها میرود از زیر آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

جاوید باشند دران بفرمان پروردگار ایشان تحیت ملائکه برایشان در بهشت سلام باشد

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

آیا ندیدی چگونه زد خدایتعالی مثلی کلمه پاکیزه را

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

مانند درخت پاک که بیخ آن در زمین استوار است و شاخهای آن جانب آسمان کشیده

تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ

میدهد میوه خود را در هر وقتی باراده پروردگار آن و میزند

اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَ

خدایتعالی مثلها برای مردمان شاید که ایشان دریابند و

مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ

مثل سخن ناپاک مانند درخت ناپاک [illegible] شده بریده

مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ اللَّهُ

از زبر زمین نیست اورا ثابت ثابت میکند خدایتعالی

الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

آنانرا که گرویدند بسخن راست و محکم در زندگانی دنیا

وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ

و در آخرت و گمراه کند خدایتعالی ظالمانرا و میکند

اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

خدایتعالی آنچه خواهد آیا ننگری بسوی آنانکه تبدیل کردند نعمت خدارا

که بادی محکم نیز آن
گذرد و بهوا برده در اطراف
پراکنده سازد و در شان
ابوجهل بعین نازل شد
این آیت الم تر الی الذین
سبب نزول شد بوده که کفار
اهل مکه حقتعالی [illegible]
[illegible]
ع

١

كفروا واحلوا قومهم دار البوار ۝ جهنم

كفران وفرود آوردند قوم خود را بسراى هلاك دوزخ است

يصلونها وبئس القرار ۝ وجعلوا لله اندادا

درآيند دران وبد آرامگاهيست وكردند براى خداى تعالى همتايان

ليضلوا عن سبيله قل تمتعوا فان مصيركم

تا گمراه كردانند از راه خداى تعالى بگو برخورديد پس بدرستيكه بازگشت شما

الى النار ۝ قل لعبادى الذين امنوا يقيموا

سوى آتش بگو مر بندگان مرا آنانكه ايمان آوردند برپا دارند

الصلوة وينفقوا مما رزقنهم سرا وعلانية

نماز را ونفقه دهند از آنچه روزى داديم ايشان را پنهان وآشكارا

من قبل ان ياتى يوم لا بيع فيه ولا خلل ۝

پيش از آنكه بيايد روزيكه خريد وفروخت نشود دران ونه دوستى كردن با يكديگر

الله الذى خلق السموت والارض وانزل

خداى تعالى آنكه بيافريد آسمانها وزمين وفرستاد

من السماء ماء فاخرج به من الثمرت رزقا

از آسمان آبى پس بيرون آورد بآن از ميوها روزى

لكم وسخر لكم الفلك لتجرى فى البحر بامره

براى شما ورام كردانيد براى شما كشتى تا ميرود در دريا بامر او

وسخر لكم الانهر ۝ وسخر لكم الشمس والقمر

ورام كردانيد براى شما جويها ورام كردانيد براى شما آفتاب وماه

دائبين وسخر لكم اليل والنهار واتىكم

درحالتيكه مستمرند ومسخر كردانيد براى شما شب وروز وبداد شمارا

من كل ما سالتموه وان تعدوا نعمت

از هر آنچه خواستيد ازو واگر شمار كنيد نعمت

الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم كفار ۝

خدا را شمار نتوانيد كرد آن را بدرستيكه آدمى ستمكار است ناسپاس

واذ قال ابرهيم رب اجعل هذا البلد امنا

وچون گفت ابراهيم ع اى پروردگار من بگردان اين شهر مكه را ايمن

عاقبت نيز
عليه السلام وجابر
و ابن عباس و سعيد بن جبير
و ديگران گفتند
لاجرم بنى اميه
و بعضى از
ايشان در جنگ بدر
مغلوب و مقتول
شدند و از حضرت على
مرتضى منقولست كه
مراد ازين دو قبيله اند
ع
كه فاجر
ترين قبايل قريش
بودند

وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ۝ رَبِّ
ای پروردگار من تا ما را از آنکه پرستیم فرزندان مرا و دور گردان مرا

إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ ۖ فَمَنْ تَبِعَنِي
بدرستیکه ایشان گمراه کردند بسیاری را از مردمان پس هرکه پیروی کند مرا

فَإِنَّهُ مِنِّي ۖ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
پس بدرستیکه او از منست و هرکه نافرمانی کند مرا پس بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ
ای پروردگار ما بدرستیکه من ساکن گردانیدم بعضی از فرزندان خود را در وادی نیست خداوند زرع

عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ
نزدیک خانهٔ تو که حرام کرده ای پروردگار ما تا بپا دارند نماز را

فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ
پس گردان دلها بعضی از مردمان که بشتابند بسوی ایشان و روزی ده ایشان را

مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ
از میوه ها شاید که ایشان سپاسداری کنند ای پروردگار ما بدرستیکه تو

تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ
میدانی آنچه پنهان میکنیم و آنچه آشکارا میکنیم و پوشیده نیست بر خدای تعالی

مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ
از چیزی در زمین و نه در آسمان سپاس مر خدای را

الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۚ
آنکه بخشید مرا بر پیری اسمعیل را و اسحاق را

إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ۝ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ
بدرستیکه پروردگار من شنونده دعا را ای پروردگار گردان مرا بپا دارنده

الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ۝
نماز را و از فرزندان مرا نیز ای آفریدگار من و اجابت کن دعای مرا

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ
ای پروردگار ما بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و مر مؤمنان را روزیکه

يَقُومُ الْحِسَابُ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا
قایم شود حساب و مپندار البته خدای را بیخبر

یعنی بنی صلبی
و بنی ابیه که بعثت قوم
بتر گردد و در زنان انبیا ان
[illegible]
ربنا انی اسکنت آنچه گرا این
ذریت که در بار حضرت
اسمعیل و فرزندان او
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
[illegible]
[illegible]

عَمَّا يَعْمَلُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ اِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ

از انچه میکنند ستمکاران جز این نیست که تا خیر میکند عذاب ایشان برای روزی که خیره شود

فِيْهِ الْاَبْصَارُ ۝ مُهْطِعِيْنَ مُقْنِعِيْ رُءُوْسِهِمْ

دران دیده ها کشتابندگان باشند برداشتگان سرهای خود را

لَا يَرْتَدُّ اِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَاَفْـِٕدَتُهُمْ هَوَاۤءٌ ۝ وَ

باز نمیگردد بر ایشان چشمهای ایشان و دلهای ایشان خالی بود از فهم و

اَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَاْتِيْهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُوْلُ

بیم کن مردمان را روزی که بیاید بر ایشان عذاب پس گویند

الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا رَبَّنَاۤ اَخِّرْنَاۤ اِلٰۤى اَجَلٍ قَرِيْبٍ ۝

آنانکه ستم کردند ای پروردگار ما پس بازدار ما را تا مدتی نزدیک

نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ اَوَلَمْ تَكُوْنُوْۤا

تا اجابت کنیم خواندن ترا و پیروی کنیم فرستادگان آیا نبود در شما

اَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِّنْ زَوَالٍ ۝ وَّسَكَنْتُمْ

سوگند میخوردید پیش ازین نباشد شما را زوالی و ساکن بودید شما

فِيْ مَسٰكِنِ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْۤا اَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ

در مسکنهای آنانکه ستم کردند بر نفسهای خود و ظاهر شد بر شما

كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْاَمْثَالَ ۝

چگونه کردیم بر ایشان و زدیم برای شما مثلها

وَقَدْ مَكَرُوْا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللّٰهِ مَكْرُهُمْ

و بدرستیکه کوشش ایشان در حیله نهایت مکر ایشان و نزد خدا تعالی جزای مکر ایشان

وَاِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُوْلَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۝

و اگر بود مکر ایشان تا از جای برود ازان کوهها

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ مُخْلِفَ وَعْدِهٖ رُسُلَهٗ ؕ اِنَّ

پس مپندار خدا را خلاف کننده وعده خود پیغمبران خود را بدرستیکه

اللّٰهَ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝ يَوْمَ تُبَدَّلُ الْاَرْضُ

خدا تعالی غالب و خداوند انتقام است روزیکه بدل کرده شود زمین

غَيْرَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتُ وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ

بزمینی دیگر و آسمانها و ظاهر شوند برای محاسبه خدای یگانه

یوم تبدل الارض

بزمینی دیگر و آسمانها نیز زمین شود سپید و انهار و ...

الْقَهَّارِ ۝ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ

قهر کننده و ببینی گنهکاران را در آن روز با هم پیوسته

فِي الْأَصْفَادِ ۝ سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَ

در بندها پیراهنهای ایشان از قطران و

تَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۝ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا

بپوشد رویهای ایشان آتش تا جزا دهد خدای هر کسی را آنچه

كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ هَذَا بَلَاغٌ

کسب کرده بدرستیکه خدای تعالی زود حساب کننده است این کفایت

لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ

مر مردمان را و تا بیم کرده شوند بدان و تا بدانند که او است خدای

وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝

یکتا و تا پند گیرند خداوندان خرد

## سورة الحجر مكية وهي تسع وتسعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

الر ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۝

این آیات کتاب و قرآن روشن است

رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ

دوست دارند آنانکه کافر شدند کاشکی بودندی مسلمان

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْ

بگذار ایشان را بخورند و برخوردار شوند و مشغول گرداند ایشان را آرزو پس زود

يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا

که بدانند و هلاک نکردیم از اهل دیهی مگر که هلاک ایشان را

كِتَابٌ مَعْلُومٌ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا

زمانی مقرر بود پیشی نگیرند هیچ گروهی در وقت هلاک خود را

وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي

و باز پس نمانند از آن و گفتند ای آن کسیکه

الجزء الرابع والعشرون

نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۝ لَوْ مَا

فرود آمده است بر او قرآن هر آینه تو دیوانه چرا نمی آری

تَأْتِينَا بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

مارا فرشتگان را اگر هستی تو از راستگویان

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا

فرود آورده نشود ملائکه مگر براستی و نبودند

إِذًا مُنْظَرِينَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا

آنهنگام از مهلت دادگان هر آینه ما فرستادیم قرآن را و هر آینه ما

لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي

مر او را نگاهبانیم و هر آینه فرستادیم پیش از تو در

شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ

گروههای پیشین و نیامد بدیشان هیچ فرستاده

إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ كَذَٰلِكَ نَسْلُكُهُ

مگر بودند که بآن استهزا میکردند همچنان در می آریم

فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ

در دلهای کافران ایمان نمی آورند بقرآن و هر آینه

خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ

گذشته است سنت پیشینیان و اگر بگشائیم برایشان

بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ۝

دری از آسمان پس باشند در آن بالا میروند

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ

گویند جز این نیست که بسته اند چشمهای ما بلکه ما گروهی

مَسْحُورُونَ ۝ وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا

جادو کرده ایم و هر آینه آفریدیم در آسمان برجها

وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ۝ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ

و بیاراستیم آنرا برای نگرندگان و نگاه داشتیم آنرا از هر

شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ

دیو رانده مگر کسی که بدزدد شنیدن سخن

---

Margin commentary:

آورده‌ام
در حروف مقطعه آن قول
سیبویه حسن بن اسحاق
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حروف [illegible]
گفته از دروی تحقیق
بگویم متکلف باشم و خدای
تعالی پیغمبر خود را
ع
صلی الله
علیه و سلم فرموده که
بگوی و ما انا من المتکلفین

فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ۝ وَالْاَرْضَ مَدَدْنٰهَا
پس از پی در آید او را ستاره روشن و زمین باز کشیدیم برروی آب

وَاَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَاَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ
وافکندیم دروی کوهها وبرویانیدیم درزمین از هر

شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ
چیز سنجیده وساختیم برای شما درزمین اسباب معیشت وآنراکه

لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ۝ وَاِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا
نیستید شما مرآنرا روزی دهندگان ونیست هیچ چیز مگر نزدیک ماست

خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ اِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ۝
خزینهای او وفرو نمیفرستیم آنرا مگر باندازه دانسته شده

وَاَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ
وفرستادیم بادها را آبستن کننده پس فرستادیم از آسمان

مَاءً فَاَسْقَيْنٰكُمُوهُ وَمَا اَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ۝
آبی پس خورانیدیم شمارا آن آب ونیستید شما مرآن آب نگاهدارندگان

وَاِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ۝
وبدرستیکه ما زنده میکردانیم ومیمیرانیم وما وارثانیم

وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ
وبدرستیکه ما میدانیم پیشی کرفتکانرا از شما وبدرستیکه

عَلِمْنَا الْمُسْتَاْخِرِينَ ۝ وَاِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ
میدانیم پس افتادکانرا وبدرستیکه پروردکار تو او جمع کند ایشانرا

اِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ
بدرستیکه او درست کارست دانا وبدرستیکه بیافریدیم آدمی

مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَاٍ مَسْنُونٍ ۝ وَالْجَانَّ
از کل خشک از کل سیاه بوی کرفته وجان

خَلَقْنٰهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ۝ وَاِذْ
بیافریدیم پیش ازین از آتش بی دود وچون

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ
کفت پروردکار تو مرفرشتکانرا بدرستیکه من آفریننده ام آدمیرا از

ع

صلصال

صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ
گل خشک از لای مصبوب پس چون راست کنم

وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ
و دردمم در وی از روح پس بیفتید مر اورا سجده کنان

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ
پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان تمام مگر ابلیس

أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ يَا إِبْلِيسُ
سر باززد از آنکه باشد با سجده کنندگان گفت ای ابلیس

مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ لَمْ أَكُنْ
چیست ترا از آنکه نباشی با سجده کنندگان گفت نیستم من

لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ
که سجده کنم مر آدمی را که آفریده او را از گل خشک از لای سیاه

مَسْنُونٍ ۝ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ
بوی ناک گفت بیرون رو از آسمان پس بدرستیکه تو رانده شده

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ۝ قَالَ
و بدرستیکه بر تست لعنت تا روز جزا گفت

رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ
ای پروردگار پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند گفت پس بدرستیکه تو

مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝
از مهلت دادگان تا روز قیامت معلوم

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
گفت ای پروردگار من سوگند میخورم باغوای تو مرا بیارایم گناه برای ایشان در زمین

وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ
و گمراه کنم ایشانرا همه مگر بندگان تو از ایشان

الْمُخْلَصِينَ ۝ قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ۝
خالص شدگان گفت این راه است بر من راست است

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ
بدرستیکه بندگان من نیست ترا بر ایشان سلطی مگر آنکسیکه

اتبعك من الغاوين ۝ وان جهنم لموعدهم
متابعت تو کنند از گمراهان و بدرستیکه دوزخ وعده گاه ایشانست

اجمعين ۝ لها سبعة ابواب لكل باب منهم
همه مر دوزخ را هفت در است مر هر دری را از ایشان

جزء مقسوم ۝ ان المتقين في جنت وعيون
بهره ایست قسمت کرده شده بدرستیکه پرهیزکاران در بوستانها اند و چشمها

ادخلوها بسلام امنين ۝ ونزعنا ما في صدورهم
در آیید در آن بسلامت ایمن و بیرون کشیم آنچه در سینهای ایشان

من غل اخوانا على سرر متقبلين ۝ لا يمسهم
از کینه برادران باشند بر تختها روبها یکدیگر آورده نمیرسد ایشانرا

فيها نصب وما هم منها بمخرجين ۝ نبئ عبادي
در بهشت رنجی و نیستند ایشان از آن بیرون کرده شدگان خبرده بندگان مرا

اني انا الغفور الرحيم ۝ وان عذابي هو
بانکه من آمرزنده ام مهربان و آنکه عذاب من آن

العذاب الاليم ۝ ونبئهم عن ضيف ابرهيم
عذابی دردناکست و خبرده ایشانرا از مهمانان ابراهیم

اذ دخلوا عليه فقالوا سلما قال انا منكم
چون در آمدند بر او پس گفتند سلام گفت بر آینه ما از شما

وجلون ۝ قالوا لا توجل انا نبشرك بغلم
ترسانیم گفتند مترس بدرستیکه بشارت میدهیم ترا بپسری

عليم ۝ قال ابشرتموني على ان مسني الكبر
دانا گفت آیا بشارت میدهید مرا بر آنکه رسیده است مرا بزرگی حالی

فبم تبشرون ۝ قالوا بشرنك بالحق فلا تكن
پس چه نوع مژده میدهید مرا گفتند مژده دادیم ترا براستی پس مباش

من القنطين ۝ قال ومن يقنط من رحمة
از ناامیدان گفت و کیست که ناامید شود از رحمت

ربه الا الضالون ۝ قال فما خطبكم ايها
پروردگار خود مگر گمراهان گفت پس چیست کار بزرگ شما ای

ع

صلی الله علیه و علی آله و اصحابه و سلم

ونبئهم عن ضيف ابرهيم

المرسلون

الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوٓا إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

فرستادگان گفتند هر آینه ما فرستاده ام بسوی گروه گناهکاران

إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا امْرَأَتَهُۥ

مگر کسان لوط هر آینه ما نجات دهندگان ایشانرا همه مگر زن او

قَدَّرْنَآ إِنَّهَا لَمِنَ الْغَٰبِرِينَ ۝ فَلَمَّا جَآءَ ءَالَ لُوطٍ

قضا کرده ایم که آن زن از بازماندگان باشد پس آنهنگام که آمدند کسان لوط

الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ۝ قَالُوا

فرستاده شده گفت هر آینه شما گروهی بیگانگانید گفتند

بَلْ جِئْنَٰكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ۝ وَأَتَيْنَٰكَ

بلکه آمده ایم بتو بانچیزی که بودند در ان شک میکردند و آورده ایم ترا

بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ۝ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ

براستی و ما راست گویانیم پس بیرون بر اهل خود را در پاره

مِّنَ الَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَٰرَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ

از شب و تو پیرو پس ایشانرا و باید که باز پس ننگرد از شما

أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۝ وَقَضَيْنَآ

یکی و بروید آنجا که فرموده شده اید و حکم کردیم

إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ مَقْطُوعٌ

سوی او آن کار را که بنیاد این گروه بریده

مُّصْبِحِينَ ۝ وَجَآءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

در حالتیکه بصبح درآیند و آمدند اهل شهر مژده میداد بیکدیگر

قَالَ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ ضَيْفِى فَلَا تَفْضَحُونِ ۝ وَاتَّقُوا

گفت هر آینه این گروه مهمانان منند پس رسوا مکنید مرا و بترسید

اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ۝ قَالُوٓا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَٰلَمِينَ

از خدای و خوار مسازید مرا گفتند آیا نهی نکرده ام ترا از جهانیان

قَالَ هَٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِىٓ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ۝ لَعَمْرُكَ

گفت اینک اینها دختران منند اگر هستید کنندگان بزندگانی تو

إِنَّهُمْ لَفِى سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ

هر آینه ایشان در گمراهی خود سرگردان میشدند پس گرفت ایشانرا صیحه

و مرد و زن ال
از شهر ... بیرون بر
... 
صحابه را گفت
ع
... 
... 
علیه و سلم ... 
و هنوز بحجره نارسیده ام
نازل شد این آیه ...
المرجم ... این آیه
که چون زن لوط مهمانان
صبح موی نیکو روی دید
خبر بقوم فرستاد
تا روز ... مهمانان
گرفتند

مُشْرِقِينَ ۝ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا

در وقت شروق شمس | پس گردانیدیم | زبر آن | زیر | وباریدیم

عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

بر ایشان | سنگ | از گل محکم | بدرستیکه در | این نشانهاست

لِلْمُتَوَسِّمِينَ ۝ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ ۝ إِنَّ

مرخداوندان فراست | وبدرستیکه شهرستان موتفکه | بر راهی دایم | بدرستیکه

فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ

در این | نشانهاست | مرمومنان را | وبدرستیکه بودند | اصحاب

الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ۝ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ

ایکه | ستمکاران | پس انتقام کشیدیم از ایشان | وبدرستیکه اینها بر راهی

مُبِينٍ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ۝

روشن | وبدرستیکه | تکذیب کردند | اهل دیار حجر | فرستادگان را

وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝

ودادیم ایشان را | آیتهای ما | پس بودند | از آن | روی گرداننده گان

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ۝

وبودند | میتراشیدند | از کوهها | خانها | که ایمن بودند

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ۝ فَمَا أَغْنَىٰ

پس گرفت ایشان را | صیحه | بصباح | پس دفع نکرد

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ

از ایشان | آنچه بودند | کسب میکردند | ونیافریدیم | آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَإِنَّ السَّاعَةَ

وزمین | وآنچه میان ایشانست | مگر براستی | وبدرستیکه | قیامت

لَآتِيَةٌ ۖ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ

آینده است | پس درگذر | گذشتنی | نیکو | بدرستیکه پروردگار تو اوست

الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ

خلاق | دانا | وبدرستیکه | دادیم ترا | هفت آیه | از

الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ۝ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ

مثانی | و قرآن | عظیم | مکش | هردو چشم خودرا

الا

ان فی ذلک

ع

اسعل ۸ ۲۸

إلى ما متعنا به أزواجا منهم ولا تحزن
بسوی آنچیز که برخورداری دادیم صنفها را از ایشان و اندوه مخور
عليهم واخفض جناحك للمؤمنين وقل
بر یاران خود و فرا گیر بال خود مر مؤمنان را و بگو
إني أنا النذير المبين كما أنزلنا على المقتسمين
بدرستیکه منم بیم کننده هویدا مثل آن عذاب که فرستادیم بر بخش کنندگان
الذين جعلوا القرآن عضين فوربك
آنانکه ساختند قرآن را پاره پاره پس بحق پروردگار تو
لنسألنهم أجمعين عما كانوا يعملون فاصدع
سوال کنیم ایشان را همه از آنچه بودند که میکردند پس آشکارا کن
بما تؤمر وأعرض عن المشركين إنا كفيناك
بآنچه فرموده امر و روی بگردان از مشرکان بدرستیکه ما کفایت کردیم از تو
المستهزئين الذين يجعلون مع الله إلها
استهزا کنندگان آنانکه میسازند با خدا تعالی خدای
آخر فسوف يعلمون ولقد نعلم أنك يضيق
دیگر پس زود باشد که بدانند و بدرستیکه میدانیم آنکه تنگ شود
صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربك وكن
سینه تو بآنچه میگویند پس تسبیح کن بحمد پروردگار خود و باش
من الساجدين واعبد ربك حتى يأتيك اليقين
از نماز گذارندگان و پرستش کن پروردگار خود تا بیاید موت مرگ

## سورة النحل مكية وهي مائة وثمان وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
أتى أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى
نزدیک رسید فرمان خدا تعالی پس طلب آن نکنید پاکست خدا تعالی و برتر است
عما يشركون ينزل الملائكة بالروح من أمره
از آنچه انباز میگیرند فرو میفرستد فرشتگان بوحی از فرمان خود تعالی

ع ربع

عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ
بر هر که میخواهد از بندگان آنکه اعلام کنید که خدایتعالی نیست معبودی

إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
مگر من پس بترسید بیافرید آسمانها و زمین براستی

تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ
برترست از انچه انباز میگیرید بیافرید آدمی را از نطفه

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ
پس ناگاه او جدال کننده است آشکارا و چهارپایانرا بیافریدیم برای شما

فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا
در ایشان پوشش و منفعتهاست و از ایشان میخورند و مر شمارا در ان

جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ۝ وَتَحْمِلُ
زینت هنگامی که باز می آیند از چرا و بیرون میروند بامداد و بر میدارند

أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ
بارهای گران شما بشهری که نباشید شما رسنده مگر برنج

الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَالْخَيْلَ وَ
که بدرستیکه پروردگار شما مهربانست بخشاینده و بیافرید اسپانرا و

الْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ
استرانرا و خرانرا تا برنشینید آنرا و تا آرایش کنید و بیافریند

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَ
آنچه شما ندانید و بر خدایتعالی بیان راه راست و

مِنْهَا جَائِرٌ ۚ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ هُوَ
بعضی از انها کج و اگر خواستی راه نمودی شمارا همه اوست

الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ
آنکه فرستاد از آسمان آبی برای شما ازو آشامیدنی

وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۝ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ
و ازو درخت در ان میچرانید میرویاند برای شما تا آن آب کشتزار

وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ
و زیتون و خرما بنان و انگور و از هر

الثمرات

الثمرات ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون ۝

میوه بدرستیکه در این نشانهاست مرگروهی راکه تفکر کنند

وسخر لکم الیل والنهار والشمس والقمر و

ورام کرد برای شما شب و روز و آفتاب وماه و

النجوم مسخرات بامره ان فی ذلک لایت لقوم

ستارگان رام شدگان بامر خدای تعالی بدرستیکه در این نشانهاست برای گروهیکه

یعقلون ۝ وما ذرا لکم فی الارض مختلفا

تعقل کنند وآنچه آفریده است برای شما در زمین مختلف است

الوانه ان فی ذلک لایة لقوم یذکرون ۝

الوانش است بدرستیکه در این نشانها برای گروهیکه یاد کنند

وهو الذی سخر البحر لتاکلوا منه لحما طریا

و اوست آنکه رام کرده است دریا را تا بخورید ازان گوشتی تازه

وتستخرجوا منه حلیة تلبسونها وتری

و دیگر عوض میکنید ازو پیرایه که می پوشیدان و می بینی

الفلک مواخر فیه ولتبتغوا من فضله و

کشتیها را روان در دریا وتا بجوئید از فضل او و

لعلکم تشکرون ۝ والقی فی الارض رواسی

شاید که شما شکر کنید و بنهاد در زمین کوهها

ان تمید بکم وانهرا وسبلا لعلکم تهتدون

تا میل نکند شما وجویها وراهها شاید که شما راه یابید

وعلمت وبالنجم هم یهتدون ۝ افمن یخلق

ونشانها و بستارگان ایشان راه می یابند آیا کسیکه می آفریند

کمن لا یخلق افلا تذکرون ۝ وان تعدوا

همچون کسیکه نمی آفریند آیا یاد نمیکنید و اگر بشمارید

نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحیم ۝

نعمت خدا را نتوانید شمرد آن را بدرستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست

والله یعلم ما تسرون وما تعلنون ۝ والذین

و خدای تعالی میداند آنچه پنهان دارید وآنچه آشکارا کنید وآنانکه

افمن یخلق

یعنی خالق را با مخلوق

يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ

میخوانند بجز خدای تعالی نمی آفرینند چیزی را و ایشان

يُخْلَقُونَ ۝ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَآءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ

آفریده شده اند مردگانند نه زندگان و نمیدانند

أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۝ إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ

کی که برانگیخته خواهند شد خدای شما خدای یگانه است پس آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ

نمیگروند بسرای دیگر دلهای ایشان ناشناسنده است و ایشان

مُسْتَكْبِرُونَ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ

سرکشانند نیست شبهه آنکه خدای تعالی میداند آنچه پنهان میسازند

وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۝

و آنچه آشکارا کنند بدرستیکه خدای تعالی دوست نمیدارد متکبران را

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ

و چون گویند مر ایشان را چه چیز فرستاد پروردگار شما گفتند سرگذشتهای

الْأَوَّلِينَ ۝ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

پیشینیان تا بردارند بار گناه خود را تمام روز قیامت

وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَآءَ

و بعضی از گناهان آنانکه گمراه ساختند ایشانرا بیدانش بدانید که بد است

مَا يَزِرُونَ ۝ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى

بار گناه میکنند هر آینه مکر کردند آنانکه پیش از ایشان پس بیامد

اللّٰهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ

فرمان خدای تعالی بآن بناها که برافراشته بودند از جهت اساس پس بیفتاد بر ایشان سقف خانها

مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتٰيهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا

از زبر ایشان و آمد بدیشان عذاب از آنجا که

يَشْعُرُونَ ۝ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ

ندانستند پس روز قیامت رسوا کرداند ایشانرا و گوید

أَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ

کجا اند انبازان من آنانکه بودید شما اختلاف میکردید در ایشان گوید

و اذا قیل لهم ماذا

ع

الذين

الذين اوتوا العلم ان الخزي اليوم والسوء
آنانکه داده شدند علم بدرستیکه خواری این روز و بدی
على الكافرين ○ الذين تتوفيهم الملئكة
بر کافرانست آنانکه فرا گیرند ایشانرا فرشتگان
ظالمي انفسهم فالقوا السلم ما كنا نعمل
ستمکاران بر نفسهای خود پس در اندازند صلح را نبودیم ما که عمل میکردیم
من سوء بلى ان الله عليم بما كنتم تعملون ○
هیچ بدی آری بدرستیکه خدا تعالی داناست بآنچه بودید که میکردید
فادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها فلبئس
پس در آیید بدرهای دوزخ جاوید باشند دران پس بد
مثوى المتكبرين ○ وقيل للذين اتقوا ماذا
مکانیست متکبرانرا و گفته شد مر آنانرا که پرهیزکردند چه
انزل ربكم قالوا خيرا للذين احسنوا في
چیز فرستاده پروردگار شما گفتند نیکویی مر آنانرا که نیکویی کردند در
هذه الدنيا حسنة ولدار الآخرة خير ولنعم
این دنیا نیکویی و سرای دیگر بهتر است و نیکو سرایست
دار المتقين ○ جنات عدن يدخلونها تجري
پرهیزکارانرا بوستانهای پاینده در آیند دران میرود
من تحتها الانهار لهم فيها ما يشاؤن ○ كذلك
از زیر آن جویها مر ایشانرا دران آنچه خواهند مثل این
يجزي الله المتقين ○ الذين تتوفيهم الملئكة
پاداش میدهد خدا تعالی پرهیزکارانرا آنانکه میمیرانند ایشانرا فرشتگان
طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة
که پاک باشند گویند سلام خدا تعالی بر شما در آیید در بهشت
بما كنتم تعملون ○ هل ينظرون الا ان تاتيهم
بآنچه بودید که میکردید آیا انتظار برند مگر آنکه بیایند بایشان
الملئكة او ياتي امر ربك كذلك فعل الذين
فرشتگان یا بیاید فرمان پروردگار تو همچنین کردند آنانکه

فادخلوا ابواب جهنم ... حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم تحقیق کرده ... فرستاده ... کفار

مِن قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ
پیش از ایشان ند وستم کرد برایشان خدا تعالی ولیکن بودند بر نفسهای خود

يَظْلِمُونَ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ
ستم میکردند پس برسید ایشان را جزاء بدیها که کردند وفرود آمد

بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ وَقَالَ الَّذِينَ
برایشان آنچه بودند که بدان استهزا میکردند وگفتند آنانکه

أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِن دُونِهِ
شرک آوردند اگر خواستی خدا تعالی نمی پرستیدیم بجز خدا تعالی

مِن شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِن دُونِهِ
هیچ چیزی ما ونه پدران ما وحرام نکردیم بی حکم خدا

مِن شَيْءٍ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَهَلْ
هیچ چیزی مانند کرد اهل کفر را آنانکه پیش از ایشان پس آیا هست

عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ وَلَقَدْ بَعَثْنَا
بر رسولان مگر رسانیدنی هویدا وهر آینه فرستادیم

فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
در هر گروهی پیغمبری که پرستید خدا را وپرهیز کنید

الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُم
از پرستیدن طاغوت پس از ایشان کسی بود که راه نمود خدا تعالی واز ایشان

مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
کسی بود که واجب شد بر وی گمراهی پس بروید در زمین

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ إِن
پس نیکو بنگرید چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان اگر

تَحْرِصْ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن يُضِلُّ
حرص ورزی بر راه رفتن مشرکان پس بدرستیکه خدا تعالی راه ننماید آنرا که میخواهد گمراهی

وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ
ونیست ایشان را هیچ یاران وسوگند خوردند بخدا تعالی سخت ترین

أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ
سوگندان ایشان برنه انگیزد خدا تعالی آنرا که بمرد آری وعده کرده بر ویست

ع

حقا

این آیه در حق کفار قریش زنده شود و از قول بیجیکس بعد از موت نهی و موسی نازل خلاف از کتب که فرو نیامع

حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ ليبين
راست ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند تا پیدا کند
لهم الذي يختلفون فيه وليعلم الذين
برای ایشان آنچه را که اختلاف میکنند در آن و تا بدانند آنانکه
كفروا انهم كانوا كذبين ۝ انما قولنا لشيء
کافر شدند که ایشان بودند دروغگویان جز این نیست که قول ما مر چیزی را
اذا اردنه ان نقول له كن فيكون ۝ والذين
چون خواهیم آفریدن او آنست که گوییم مر او را باش پس باشد و آنانکه
هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم
هجرت کردند در خدای تعالی از پس آنکه ستم دیده شده بودند هر آینه جای دهیم ایشان را
في الدنيا حسنة ولاجر الاخرة اكبر لو كانوا
در دنیا نیکو و هر آینه مزد آخرت بزرگترست اگر باشند
يعلمون ۝ الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون
که بدانند آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خود توکل کنند
وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحي
و نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که وحی فرستاده میشد
اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون
بر ایشان پس بپرسید اهل کتاب اگر هستید که نمیدانید
بالبينت والزبر وانزلنا اليك الذكر
با معجزهای روشن و کتابهای نوشته و فرستادیم بتو قرآن را
لتبين للناس ما نزل اليهم ولعلهم
تا روشن کنی برای مردمان آنچه فرستاده شد بسوی ایشان و شاید که ایشان
يتفكرون ۝ افامن الذين مكروا السيات
تفکر کنند آیا ایمن شدند آنانکه کردند بدی
ان يخسف الله بهم الارض او ياتيهم العذاب
آنکه فرو برد خدای تعالی ایشان در زمین یا بیاید بر ایشان عذاب
من حيث لا يشعرون ۝ او ياخذهم في
از آنجا که ندانند یا بگیرد ایشان را در

نصف
ع

وما ارسلنا من قبلك
سبب نزول این آیت آن بود که قریش گفتند که خدای ازان بزرگترست که بشری را بپیغمبری فرستد بلکه فرشتگان را مبعوث گرداند تا خلق را بدعوت

تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ۝ اَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلٰى

گشتن ایشان پس نیستند ایشان عاجز کنندگان یا بگیرد ایشانرا

تَخَوُّفٍ فَاِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ اَوَلَمْ يَرَوْا

ترس پس بدرستیکه پروردگار شما مهربانست بخشاینده آیا نمی نگرید

اِلٰى مَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ

بسوی آنچه آفریده است خدا تعالی از چیزی میگردد سایهای او از

الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلّٰهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ

راست و چپ سجده کنند مر خدایرا و ایشان خوارند

وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

و مر خدایرا سجده کنند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین

مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلٰئِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

از جنبنده و فرشتگان و ایشان سرکشی نمیکنند

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا

میترسند از آفریدگار خود از زبر ایشان و میکنند آنچه

يُؤْمَرُونَ ۝ وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوا اِلٰهَيْنِ

فرموده شده اند و گفت خدا تعالی فرا مگیرید دو خدایرا

اثْنَيْنِ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَاِيَّايَ فَارْهَبُونِ

جز این نیست که او معبودیست یکتا پس از من بترسید

وَلَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ

و مر اوراست آنچه در آسمانها و زمین است و مر اوراست طاعت

وَاصِبًا اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَتَّقُونَ ۝ وَمَا بِكُمْ مِنْ

لازم آیا بدون خدا تعالی میترسید و آنچه بشما رسیده از

نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ثُمَّ اِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَاِلَيْهِ

نعمتها پس از خدا است پس چون برسد بشما سختی پس بسوی

تَجْئَرُونَ ۝ ثُمَّ اِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ اِذَا

نالیدن پس چون برسد سختی از شما چون

فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا

گروهی از شما پروردگار خود شرک آرند تا کفران ورزند

[illegible]

سجده

[illegible]

بِمَآ اٰتَیْنٰهُمْ فَتَمَتَّعُوْا فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝

با آنچه دادیم ایشانرا پس بخورید پس زود باشد که بدانید

وَیَجْعَلُوْنَ لِمَا لَا یَعْلَمُوْنَ نَصِیْبًا مِّمَّا رَزَقْنٰهُمْ

و میکنند برای آنها که نمیدانند بهره از آنچه روزی دادیم ایشانرا

تَاللّٰهِ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُوْنَ ۝ وَیَجْعَلُوْ

بخدا تعالی که پرسیده خواهید شد از آنچه هستید که افترا میکنید و میسازند

لِلّٰهِ الْبَنٰتِ سُبْحٰنَهٗ وَلَهُمْ مَّا یَشْتَهُوْنَ ۝

مر خدایرا دختران پاکست خدا تعالی و مر ایشانرا از آنچه آرزو کنند

وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالْاُنْثٰى ظَلَّ وَجْهُهٗ

و چون خبر داده شود یکی از ایشان بولادت دختر گردد روی او

مُسْوَدًّا وَّهُوَ كَظِیْمٌ ۝ یَتَوَارٰى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ

سیاه و او باشد خشم پنهان شود از گروه از

سُوْٓءِ مَا بُشِّرَ بِهٖ اَیُمْسِكُهٗ عَلٰى هُوْنٍ اَمْ یَدُسُّهٗ

بدی آنچه اورا خبر داده شد آیا نگهدارد اورا بر خواری آیا بپوشد اورا

فِی التُّرَابِ اَلَا سَآءَ مَا یَحْكُمُوْنَ ۝ لِلَّذِیْنَ لَا

در خاک بدانید که بدست آنچه حکم کنند مشرکان مر آنانرا که نمی

یُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلّٰهِ الْمَثَلُ

گروند بآخرة صفت بد است و مر خدایراست صفت

الْاَعْلٰى وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ۝ وَلَوْ یُؤَاخِذُ

برتر و اوست غالب و محکم کار و اگر بگیرد

اللّٰهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَّا تَرَكَ عَلَیْهَا مِنْ دَآبَّةٍ

خدای تعالی مردمانرا بکفر ایشان نگذارد بروی زمین هیچ جنبنده

وَّلٰكِنْ یُّؤَخِّرُهُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاِذَا

ولیکن باز پس دارد ایشانرا تا وقتی نام برده شده

جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا یَسْتَاْخِرُوْنَ

پس چون بیاید وقت ایشان باز پس نیافتند

سَاعَةً وَّلَا یَسْتَقْدِمُوْنَ ۝ وَیَجْعَلُوْنَ لِلّٰهِ

ساعتی و پیشی نگیرند و حکم میکنند مر خدایرا

وخصیص زنان
بار آخر در کلام سابق
بیان شد پس تعظیم ایشان
نکنند بجهت تعظیم ایشان
با سبب خوبی در سجده
و در ذکر فوایدیست که اینجا
صنعت و قدرت ذکر است
و اینجا بیان از عبادت
تمجید عبادت صفت بیان
کعبه که بسجود دو دو
ع
بسجود و عبادت
لوح و نعمت و تسبیح است
از زوی بالشش و از آن
سجده غیر فعلست
و در این آیت
سجده باید کرد

ما یکرهون وتصف السنتهم الکذب
آنچه نمیخواهند و بیان میکنند زبانهای ایشان دروغ را
ان لهم الحسنی لا جرم ان لهم النار وانهم
که مر ایشان راست پاداش نیکو حقا چنین است که مر ایشان راست آتش و بتحقیق ایشان
مفرطون ۝ تالله لقد ارسلنا الی امم من قبلک
متروکان بخدای هر آینه فرستادیم پیغمبران بسوی امتان پیش از تو
فزین لهم الشیطن اعملهم فهو ولیهم
پس بیاراست برای ایشان دیو کردارهای ایشان پس آن دوست ایشان
الیوم ولهم عذاب الیم ۝ وما انزلنا علیک
امروز و مر ایشان راست عذابی دردناک و نفرستادیم بر تو
الکتب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه
قرآن را مگر تا بیان کنی مر ایشان را آنچه که اختلاف کردند در آن
وهدی ورحمة لقوم یؤمنون ۝ والله
و راه نمودن و رحمت مر گروهی که میگروند و خدای تعالی
انزل من السماء ماء فاحیا به الارض بعد
فرستاد از آسمان آبی پس زنده گردانید بآن زمین پس از
موتها ان فی ذلک لایة لقوم یسمعون ۝
مرگ او هر آینه در این نشانها برای گروهی که شنوند
وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه
و بدرستیکه مر شما راست در چهارپایان دلالتی که می آشامانیم شما را از آنچه در شکمهای او
من بین فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشربین
از میان سرگین و خون شیری پاک گوارنده مر آشامندگان را
ومن ثمرت النخیل والاعناب تتخذون منه
و از میوهای خرمایان و انگور آنچه میگیرید از او
سکرا ورزقا حسنا ان فی ذلک لایة لقوم
مست کننده و روزی نیکو بدرستیکه در این نشانهاست برای گروهی
یعقلون ۝ واوحی ربک الی النحل ان اتخذی
تعقل کنند و الهام فرستاد پروردگار تو بسوی زنبور عسل آنکه فرا گیر

و این سجده سیوم است در سجدهٔ قرآنی و بقول شیخ قدس سره در فتوحات این را سجود اعلی علیین خوانده که در مقام ذات و خوف ...

ع

من الجبال

مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۝

از کوهها خانها واز درختان وازانچه بنا میکنند

ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ

پس بخور از هر میوها پس برو براههای پروردگار خود

ذُلُلًا يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ

رام شده بیرون آید از شکمهای او آشامیدنی خلاف یکدیگر رنگهای او

فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

دران شفاست مر مردمانرا بدرستیکه در این نشانها برای گروهیکه

يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَ

تفکر کنند وخدا تعالی بیافرید شمارا پس بمیراند شمارا

مِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ

از شما کرد گرده شود بسوی خوارترین سن تا نداند بعد از

عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ فَضَّلَ

دانستن چیزیرا بدرستیکه خدا تعالی داناست توانا وخدا تعالی افزونی داد

بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا

برخی از شما برخی دیگر در روزی پس نیستند آنانکه افزون یافتند

بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ

بازگرداننده روزی ایشان بر آنچه مالک شده است دستهای ایشان پس ایشان

فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝ وَاللَّهُ

دران یکسان پس نعمت خدا تعالی انکار میکنند وخدا تعالی

جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم

بیافرید برای شما از جنس شما زنان وبیافرید برای شما

مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُم

از زنان شما پسران ودختران وروزی داد شمارا

مِّنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ ۝ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ

از پاکیزهها آیا به بیهوده میگروند ونعمت خدا تعالی

هُمْ يَكْفُرُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا

ایشان نمیگروند ومیپرستند از جز خدا تعالی آنچه

ع

لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
مالک نیست برای ایشان روزی دادن از آسمانها و زمین
شَيْـًٔا وَّلَا يَسْتَطِيعُونَ فَلَا تَضْرِبُوا لِلّٰهِ الْأَمْثَالَ
چیزی و هرگز نمیتوانند پس مزنید برای خدا تعالی مثلها
إِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ضَرَبَ اللّٰهُ
بدرستیکه خدا تعالی میداند و شما نمیدانید بزد خدا تعالی
مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَّمَنْ
مثلی بنده درم خریده توانائی ندارد بر چیزی و آنکه
رَّزَقْنٰهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا
روزی دادیم اورا از نزد خود روزی نیکو پس این نفقه میکند ازان پنهان
وَّجَهْرًا هَلْ يَسْتَوٗنَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
و آشکارا آیا برابر اند همه ستایشها مر خدا را بلکه بیشتر ایشان
لَا يَعْلَمُونَ وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا
نمیدانند و آورد خدا تعالی مثلی دو مرد که از ایشان
أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَّهُوَ كَلٌّ عَلٰى مَوْلٰىهُ
گنگست توانائی ندارد بر چیزی و او بار است بر کسیکه متولی امور او
أَيْنَمَا يُوَجِّهْهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ
هر جا که فرستد اورا نیارد نیکوئی آیا برابر است این
وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلٰى صِرٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ
و کسیکه میفرماید براستی و او بر راه راست
وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ
و مر خدا راست نهان آسمانها و زمین و نیست کار قیامت
إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ
مگر مانند گردیدن چشم بلکه آن نزدیکتر است بدرستیکه خدا تعالی بر همه
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهٰتِكُمْ
چیز تواناست و خدا تعالی بیرون آورد شمارا از شکمهای مادران شما
لَا تَعْلَمُونَ شَيْـًٔا وَّجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
نمیدانید چیزیرا و داد شمارا گوش و چشمهارا

والافئدة

والافئدة لعلكم تشكرون ۝ الم يروا
دلها شاید که شما شکر گوئید آیا نمی نگرند

الى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن
بسوی مرغان رام شدگان درمیان ارض و سما نگاه نمیدارد ایشانرا

الا الله ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۝
مگر خدا تعالی بدرستیکه در این نشانها برای گروهیکه میگروند

والله جعل لكم من بيوتكم سكنا
و خدا تعالی ساخت برای شما از خانهای شما آرامگاه

وجعل لكم من جلود الانعام بيوتا
و ساخت مر شمارا از پوست چهارپایان خانها

تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم
سبک می یابید آن وقت سفر و بوقت اقامت شما

ومن اصوافها واوبارها واشعارها اثاثا
و از پشم گوسفند و پشم نرم شتر و موی بز رختها

ومتاعا الى حين ۝ والله جعل لكم
و برخورداری تا هنگامی و خدا تعالی پیدا کرد برای شما

مما خلق ظلالا وجعل لكم من الجبال
از آنچه پیدا کرد سایها و ساخت برای شما از کوهها

اكنانا وجعل لكم سرابيل تقيكم الحر و
پوششها و پیدا کرد برای شما پیرهنها بازدارد از شما حرّ گرما و

سرابيل تقيكم باسكم كذلك يتم نعمته
دیگر ساخت از برای شما از آهن از آنکه نگاه دارد شمارا همچنین تمام نعمت خودرا

عليكم لعلكم تسلمون ۝ فان تولوا فانما
بر شما شاید که شما اسلام آرید پس اگر برگردید پس جز این نیست

عليك البلغ المبين ۝ يعرفون نعمت الله
که بر تو رسانیدن پیغام است آشکارا می شناسند نعمت خدا را

ثم ينكرونها واكثرهم الكفرون ۝
پس انکار میکنند آنرا و بیشتر ایشان ناگرویدگانند

[illegible]
صلی الله علیه وآله وسلم
[illegible]
بن عبد المطلب [illegible]
[illegible]
اِنَّ فی ذلک لآیات
[illegible]
در شأن مؤمنان

ع

وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا
و روزیکه برانگیزیم از هر گروهی گواهی پس نه دهند

يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
دستوری مر آنانرا که کافر شدند و نه ایشان بطالت شوند

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ
و چون ببینند آنانکه شرک آوردند از عذاب پس سبک کرده نشود

عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ
از ایشان و نه ایشان مهلت داده شوند و چون ببینند آنانکه

أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ
شرک آوردند انبازان خود را گویند ای پروردگار ما این گروهند

شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا
شرکاء ما آنکه بودیم که میپرستیدیم بیرون تو پس بفکنند

إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَأَلْقَوْا
بسوی ایشان سخن را هر آینه شما دروغگویانید و بیفکنند

إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا
بخدای در آن روز صلح را و گم گردد از ایشان آنچه

كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا
بودند که افترا میکردند آنانکه کافر شدند و باز داشتند مردمان را

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ
از راه خدای تعالی بیفزاییم ایشان را عذاب بر عذاب

بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ۝ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ
بآنچه بودند که تباهی کردند و روزیکه برانگیزیم در هر

أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا
گروهی گواهی بر ایشان از نفسهای ایشان و بیاریم

بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ
ترا گواه برین گروه و فرستادیم بر تو

الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى
کتاب بیان روشن برای همه چیز و راه نمودن

و رحمة

وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ
وبخشایشی ومژدگانی مر مسلمانان بدرستیکه خداتعالی میفرماید
بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ
براستی وبه نیکوئی وبعطا دادن خویشاوندان نزدیک
وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ
وباز دارد از عمل زشت ومنکر واز ستمکاری پند میدهد شمارا
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ
تا شما پند گیرید ووفا کنید به پیمان خداتعالی
إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ
چون عهد بستید ومشکنید سوگندها بعد از
تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ
استواری آنها وحالانکه ساختید خدارا برشما
كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا
گواه بدرستیکه خداتعالی میداند آنچه میکنید ومباشید
كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا
مانند آن زنیکه بشکافت ریسمان رشته خودرا از پس قوت پاره پاره
تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ
میگیرید پیمان خودرا خیانت میان شما اگر باشد
أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ
گروهی زیاده از گروهی دیگر جز این نیست که آزماید شمارا
اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ
خداتعالی وهرآینه بیان کند براینها روز رستخیز آنچه بودید
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ
که دران اختلاف میکنید واگر خواستی خداتعالی بگردانیدی شمارا
أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي
یک گروه ولیکن فروگذارد هرکرا خواهد وراه نماید
مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا
هرکرا خواهد وسوال کرده خواهید شد از آنچه بودید که میکردید ووفا

تتخذوا ايمانكم دخلا بينكم فتزل

بگیرید سوگندان خودرا مکر میان یکدیگر پس بلغزد

قدم بعد ثبوتها وتذوقوا السوء بما

قدم پس از استواری آن وبچشید بدی بآنکه

صددتم عن سبيل الله ولكم عذاب

باز ایستید از راه خدا تعالی ومرشمارا است عذابی

عظيم ۝ ولا تشتروا بعهد الله ثمنا

بزرگ وبخرید عهدهای خدا تعالی بهایی

قليلا ۝ انما عند الله هو خير لكم ان كنتم

اندکی جز این نیست آنچه نزد خدا است آن بهتر است مرشمارا اگر هستید

تعلمون ۝ ما عندكم ينفد وما

که بدانید آنچه نزد شما است سپری شود وآنچه

عند الله باق ۝ ولنجزين الذين صبروا

نزدیک خدا است همیشه باقی وجزا دهیم آنانکه صبر کردند

اجرهم باحسن ما كانوا يعملون ۝ من

مزد ایشان بنیکوترین آنچه بودند که میکردند هرکه

عمل صالحا من ذكر او انثى وهو

بکند عملی نیک از مرد یا زن واو

مؤمن فلنحيينه حيوة طيبة ولنجزينهم

مؤمن باشد پس زنده کنیم او را زندگانی خوش وجزا دهیم ایشان را

اجرهم باحسن ما كانوا يعملون ۝ فاذا قرأت

مزد ایشان بنیکوترین کاریکه کردند پس چون خوانی

القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم

قرآن را پس پناه جوی بخدا تعالی از دیو رانده

انه ليس له سلطان على الذين امنوا و

بدرستیکه نیست مر ابلیس را تسلطی بر آنانکه گرویدند و

على ربهم يتوكلون ۝ انما

بر پروردگار خود توکل نمایند جز این نیست

ولا تتخذوا ...

سبب نزول ...

صلی الله علیه وآله وسلم ...

سلطنه

سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِيْنَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِيْنَ
که تسلط او بر آنانکه دوست دارند و آنانکه

هُمْ بِهٖ مُشْرِكُوْنَ ۝ وَاِذَا بَدَّلْنَا
ایشان بسبب شیطان شرک آرنده اند و چون بدل کنیم

اٰيَةً مَّكَانَ اٰيَةٍ وَّاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ
آیتی بجای آیتی و خدای تعالی داناترست بآنچه میفرستد

قَالُوْٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ اَكْثَرُهُمْ
گویند جز این نیست که تو افترا کننده بلکه بیشتر ایشان

لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ قُلْ نَزَّلَهٗ رُوْحُ الْقُدُسِ
نمیدانند بگو که فرود آورد اورا روح پاکیزه

مِنْ رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا
از پروردگار تو براستی تا ثابت دارد آنانکه گرویدند

وَهُدًى وَّبُشْرٰى لِلْمُسْلِمِيْنَ ۝ وَ
و هدایت و بشارت مر مسلمانانرا و

لَقَدْ نَعْلَمُ اَنَّهُمْ يَقُوْلُوْنَ اِنَّمَا يُعَلِّمُهٗ
هر آینه میدانیم آنکه ایشان میگویند جز این نیست که آموزاند اورا

بَشَرٌ لِسَانُ الَّذِيْ يُلْحِدُوْنَ اِلَيْهِ
آدمی زبان آنکه تعلیم را باو میگردانند

اَعْجَمِيٌّ وَّهٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِيْنٌ
غیر بیان است و قرآن زبان عربی روشن

اِنَّ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ لَا
هر آینه آنانکه منکر اند بآیات خدای تعالی نمینماید

يَهْدِيْهِمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ اِنَّمَا
راه ایشانرا خدای تعالی و مر ایشانراست عذابی دردناک جز این نیست

يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ
که برمی بافند دروغ را آنانکه منکر اند

بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ
بآیتهای خدای تعالی و آن گروه ایشانند دروغ گویان

مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ

هرکه کافر شود بخدا تعالی از پس ایمان خویش مگر کسیکه

أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلٰكِنْ

اکراه کرده شود و دل او آرمیده باشد بایمان ولیکن

مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ

هرکه بگشاید بکفر سینهٔ او پس برایشانست

غَضَبٌ مِنَ اللّٰهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

خشمی از خدا تعالی و مرایشانراست عذابی بزرگ

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

این بسبب آنست که ایشان دوست داشتند زندگانی دنیا

عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

بر آخرة و آنکه خدا تعالی راه نماید گروه

الْكٰفِرِينَ ۝ أُولٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللّٰهُ

کافران آنگروه آنانند که مهر نهاد خدا تعالی

عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ

بر دلهای ایشان و گوش ایشان و دیدهای ایشان

وَأُولٰئِكَ هُمُ الْغٰفِلُونَ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ

و آنگروه ایشانند غافلان نیست شبهه آنکه ایشان

فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخٰسِرُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ

در آخرة ایشانند زیان زدگان پس بدرستیکه پروردگار تو

لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ

مر آنانراکه هجرت کردند از پس آنکه عذاب کشیده بودند پس

جٰهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا

جهاد کردند و شکیبائی نمودند بدرستیکه پروردگار تو از پس آنکه

لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ

آمرزنده مهربانست روزیکه بیاید هر نفسی

تُجٰدِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَا

جدال کند از نفس خود و تمام داده شود هر نفسی آنچه

يعملون

عملت وهم لا يظلمون ۝ وضرب الله
کرده است وایشان ستم دیده نشوند و بیدا کرد خدا تعالی
مثلا قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها
مثلی دیهی را که بود ایمن آرمیده می آید بدان
رزقها رغدا من كل مكان فكفرت
روزی واخ از هر جای پس کافر شدند
بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع
بنعمتهای خدا تعالی پس چشانید ایشان را خدا تعالی پوشش گرسنگی
والخوف بما كانوا يصنعون ۝ ولقد
وترس بانچه بودند که میکردند و بدرستیکه
جاءهم رسول منهم فكذبوه فأخذهم
آمد بایشان پیغمبری از ایشان پس تکذیب کردند اورا پس گرفت ایشانرا
العذاب وهم ظالمون ۝ فكلوا مما
عذاب وایشان ستمکارانند پس بخورید از آنچه
رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا
روزی داد شمارا خدا تعالی حلال پاک وسپاسداری کنید
نعمت الله إن كنتم إياه تعبدون
نعمت خدارا اگر هستید که خدایرا میپرستید
إنما حرم عليكم الميتة والدم ولحم
جز این نیست که حرام کرد بر شما مرده را وخون وگوشت
الخنزير وما أهل لغير الله به فمن
خوک وآنچه آواز برداشته شود از برای غیر خدا تعالی بدان پس هرکس
اضطر غير باغ ولا عاد فإن الله غفور
بیچاره شود نه طالب لذت ونه خورنده بالای سیری پس بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده
رحيم ۝ ولا تقولوا لما تصف ألسنتكم
مهربانست ومگویید آنچه که وصف کند زبانهای شما
الكذب هذا حلال وهذا حرام
دروغ این حلال است واین حرام است

لتفتروا على الله الكذب ان الذين
تا افترا کنند بر خدا تعالی دروغ را بدرستیکه آنانکه
يفترون على الله الكذب لا يفلحون
افترا کنند بر خدا تعالی دروغ رستگاری نیابند
متاع قليل ولهم عذاب اليم ١١٧ و
برخورداری اندکست ومرایشانرا عذابیست دردناک و
على الذين هادوا حرمنا ما قصصنا
بر آنانکه بردین یهود شدند حرام کردیم آنچه خوانده ایم
عليك من قبل وما ظلمنهم ولكن
بر تو از پیش وستم نکردیم برایشان ولیکن
كانوا انفسهم يظلمون ١١٨ ثم ان ربك
بودند نفسهای خود ستم میکردند پس بدرستیکه پروردگار تو
للذين عملوا السوء بجهالة ثم
مر آنانرا که کردند گناه بنادانی پس
تابوا من بعد ذلك واصلحوا ان
بازگشتند از پس این و بصلاح آوردند کار بدرستیکه
ربك من بعدها لغفور رحيم ١١٩
پروردگار تو از پس توبه آمرزنده مهربانست
ان ابرهيم كان امة قانتا لله
بدرستیکه ابراهیم بود گروهی فرمان بردار مرخدایرا
حنيفا ولم يك من المشركين
مایل بدین اسلام ونبود از شرک آرندگان
شاكرا لانعمه اجتبه وهده
سپاسدار نعمتهای خدا برگزید اورا وراه نمود اورا
الى صراط مستقيم ١٢٠ واتينه في
براه راست دادیم اورا در
الدنيا حسنة وانه في الاخرة
دنیا نیکوئی وبدرستیکه او در آخرة

قوم در آن بود و گفتند
جز پیغمبر رسالت دعوی
کرد عمار یاسر کفر ظاهر
کرد و از دین خود برگشت
حضرت صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم
فرمود که چنین نیست که او
از قدم تا فرق ایمانست

ع

نقل است که ...
...
...
...
...

لمن الصلحين

لمن الصلحين ۞ ثم اوحينا اليك ان

از شایستگان است   پس وحی کردیم   بتو   انکه

اتبع ملة ابرهيم حنيفا وما كان من

پیروی کن کیش ابراهیم را که مایل بود بدین اسلام و نبود از

المشركين ۞ انما جعل السبت على

شرک آرندگان   جز این نیست که نهاده شد تعظیم شنبه بر

الذين اختلفوا فيه وان ربك ليحكم

آنانکه اختلاف کردند در آن و بدرستیکه پروردگار تو حکم خواهد کرد

بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن

يختلفون ۞ ادع الى سبيل ربك

اختلاف میکردند   بخوان   براه   پروردگار خود

بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم

بسخن محکم و پند نیکو و جدال کن با ایشان

بالتي هي احسن ان ربك هو اعلم بمن

بآنچه آن نیکوتر است بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بهرکه

ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين

گمراه شد از راه او و او داناتر است براه یافتگان

وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم

واگر عقوبت کنید پس عقوبت کنید بمانند آنکه عقوبت کرده شدید

به ولئن صبرتم لهو خير للصبرين ۞

بران واگر صبر کنید هر آینه آن بهتر است مر صابران را

واصبر وما صبرك الا بالله ولا تحزن

و شکیبائی ورز و نیست شکیبائی تو مگر بتوفیق خدایتعالی و اندوهناک مباش

عليهم ولا تك في ضيق مما يمكرون ۞

بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنچه می‌سگالند

ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون ۞

بدرستیکه خدایتعالی با آنانکه پرهیزکردند و آنانکه ایشان نیکوکارانند

و صبر [illegible] [illegible] محزون گشت و [illegible]

مکیة و هی مائة و
سورة بنی اسرائیل

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند بخشاینده مهربان
سبحن الذی اسری بعبده
پاکی آنراست که برد بنده خود را
لیلا من المسجد الحرام
شبی از مسجد حرام
الی المسجد الاقصا الذی
بسوی مسجد دورتر آنکه
برکنا حوله لنریه من
برکت کردیم برگرداگرد او تا نمائیم اورا از
ایتنا انه هو السمیع البصیر
دلایل قدرت بدرستیکه خداتعالی اوست شنوا بینا
و اتینا موسی الکتب و
و دادیم موسی را توریة و

احدى وعشرون

جعلنه هدى لبنى اسرائيل

ساختیم آن را نماینده مر بنی اسرائیل

الا تتخذوا من دونى وكيلا

آنکه فرا مگیرید بجز من کارساز

ذرية من حملنا مع نوح

ای ذریت آنکسی که برداشتیم با نوح

انه كان عبدا شكورا

بدرستیکه او بود بنده سپاسدارنده

وقضينا الى بنى اسرائيل

و اعلام دادیم بسوی بنی اسرائیل

فى الكتب لتفسدن فى

در توریت هر آینه فساد کنید در

الارض مرتين ولتعلن

زمین دو بار و بلند خواهید شد

عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَىٰهُمَا بَعَثْنَا

بلند شوندنی بزرگ پس چون بیاید وعده اول برانگیزیم

عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا

بر شما بنده گان مارا که هستند خداوند کارزار سخت پس در آیند

خِلَٰلَ الدِّيَارِ ۚ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا

میان سرایهای و هست وعده کرده شده پس باز گردانیم

لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَٰكُم بِأَمْوَٰلٍ وَ

برا شما دولت را تا غلبه کنید بر ایشان و مدد دهیم شمارا بمالها و

بَنِينَ وَجَعَلْنَٰكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝ إِنْ أَحْسَنتُمْ

پسران و سازیم شمارا بیشتر از روی عدد اگر نیکوی کنید

أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ ۖ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ۚ فَإِذَا

نیکوی کرده باشید با نفسهای خود و اگر بدی کنید پس وبال آن بر شما پس چون

جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ

بیاید وعده عقاب تا بد سازند روبهای شما و

لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ

تا در آیند بیت المقدس چنانکه در آمده اند اول بار

وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ عَسَىٰ رَبُّكُمْ

و تا هلاک سازند آنچه غالب شود بران هلاکت شاید که پروردگار شما

أَن يَرْحَمَكُمْ ۚ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا

آنکه رحمت کند بر شما و اگر باز گردید باز گردیم و کرده ایم

جَهَنَّمَ لِلْكَٰفِرِينَ حَصِيرًا ۝ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْءَانَ

دوزخ را برای کافران زندان بدرستیکه این قرآن

يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ

راه مینماید براهیکه آن راست است و مژده ده گرویدگان را

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّٰلِحَٰتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝

آنانکه میکنند عمل شایسته آنکه مرایشان راست مزدی بزرگ

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا

و بدرستیکه آنانکه نمیگروند بآخرة آماده کردیم

بدانکه این آیت که در احوال انبیاء علیهم السلام نوشته شد چنانست که چون سلطنت بنی اسرائیل ولا بود شدیم نقیض بنی اسرائیل از اولاد سلیمان علیه السلام ... حال ... ملک ... سلیمان ... علیه السلام

لهم عذابا اليما ۝ ويدع الانسان بالشر

برای ایشان عذابی دردناک دعا میکند آدمی ببدی

دعاءه بالخير وكان الانسان عجولا ۝ و

مثل خواندن او بنیکوئی و هست آدمی شتابنده و

جعلنا اليل والنهار ايتين فمحونا اية

گردانیدیم شب و روز را دو علامت پس محو کردیم آیت

اليل وجعلنا اية النهار مبصرة لتبتغوا

شب و ساختیم آیت روز را روشن تا طلب کنید

فضلا من ربكم ولتعلموا عدد السنين

افزونی از پروردگار شما و تا بدانید شمار سالها

والحساب وكل شيء فصلنه تفصيلا ۝ و

و حساب و هر چیز را بیان کرده ایم بیان کردنی و

كل انسان الزمنه طائره في عنقه ونخرج

هر آدمی را الزام کرده ایم او را عمل او در گردن او و بیرون آریم

له يوم القيمة كتبا يلقيه منشورا ۝ اقرا

برای آدمی روز رستخیز نامهٔ خود را ببیند آن بازکشاده بخوان

كتبك كفى بنفسك اليوم عليك حسيبا ۝

نامهٔ خود را بس است نفس تو امروز بر تو شمار کننده

من اهتدى فانما يهتدي لنفسه ومن ضل

هر که راه یابد پس جز این نیست که راه یابد برای نفس خود و هر که گمراه گردد

فانما يضل عليها ولا تزر وازرة وزر

پس جز این نیست که گمراه گردد بر نفس خود و برندارد بردارنده بار گناه

اخرى وما كنا معذبين حتى نبعث

دیگر و نیستیم ما عذاب کننده تا برانگیزیم

رسولا ۝ واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا

فرستاده و چون خواهیم ما آنکه هلاک گردانیم اهل آن دهی بسیار گردانیم

مترفيها ففسقوا فيها فحق عليها القول

منعمان آن پس بیرون روند در آن پس واجب شود بر آن کلمهٔ عذاب

فَدَمَّرْنَٰهَا تَدْمِيرًا ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ

پس خراب ساختیم اشانرا اخراب کردنی وچند هلاک کردیم از اهل قرنها

مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ

از پس قوم نوح ع وبسنده است آفریدگار تو بگناه بندگان خود

خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ

دانا بینا هر که باشد که خواهد شتابنده

عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ

بشتابیم برای او در دنیا آنچه خواهیم ازبرای آنکه خواهیم پس آماده کنیم برای او دوزخ

يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ۝ وَمَنْ أَرَادَ

درآید دران نکوهیده رانده شده وهر که خواهد

الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ

آخرة وشتابد برای آن سعی کند واو مومن باشد پس آنگروه

كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۝ كُلًّا نُمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَ

بت شتافتن ایشان مقبول هریکرا امداد دهیم آنگروه و

هَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ

آنگروه از عطاء پروردگار تو ونباشد عطاء پروردگار تو

مَحْظُورًا ۝ انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ

منع کرده بنگر چگونه افزونی دادیم بعضی آدمیانرا بر

بَعْضٍ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ

بعضی وهرآینه آخرة بزرگترست ازروی درجات وبزرگترست

تَفْضِيلًا ۝ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ

ازروی تفضیل فرا مگیر با خدایتعالی خدای دیگر که بنشینی

مَذْمُومًا مَخْذُولًا ۝ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا

نکوهیده فرو گذاشته وحکم کرد پروردگار تو تا نپرستید

إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ

مگر اورا وبا مادر وپدر نیکوئی اگر برسد

عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ

نزدیک تو بزرگسالی یکی از ایشان یا هردو ایشان پس مگوی

لهما

لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۝

مر ایشانرا اف و مکن بر ایشان مزن و بگو مر ایشان را سخن نیکو

وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ

و فرو گیر مر ایشانرا بال تذلل از بخشش و

قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۝ رَبُّكُمْ

بگو ای پروردگار من بخشش کن مر ایشانرا همچنانکه پروردند مرا خورد پروردگار شما

أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ

داناترست بانچه در نفسهای شماست اگر باشید شایستگان

فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۝ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ

پس بدرستیکه خدای تعالی هست مر توبه کنندگانرا آمرزنده و بده خداوند خویشی

حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ

آنچه حق اوست و درویش را و راه گذریانرا و اسراف مکن

تَبْذِيرًا ۝ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ

پراکنده ساختنی بدرستیکه اسراف کنندگان هستند برادران دیوان

وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ۝ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ

و هست دیو مر پروردگار خودرا منکر و اگر اعراض کنی

عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ

از محتاجان انتظار برد رحمت را از پروردگار خود امید میداری آنرا پس بگو

لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ۝ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً

مر ایشانرا سخن نرم و مساز دست خودرا بربسته

إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ

بگردن خود و مگشای دست اشارت باسراف که بنشینی

مَلُومًا مَحْسُورًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ

ملامت کرده شده درمانده بدرستیکه پروردگار تو کشاده کرداند روزی را

لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا

برای هر که خواهد و تنگ گرداند بدرستیکه او هست به بندگان خود دانا

بَصِيرًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ

بینا و مکشید فرزندان خودرا از ترس

إملاقٍ نحن نرزقهم وإياكم إن قتلهم

درویشی ما روزی میدهیم ایشانرا و شمارا بدرستیکه کشتن ایشان

كان خطأً كبيراً ولا تقربوا الزنى إنه كان

هست خطائی بزرگ و نزدیک مشوید بزنا بدرستیکه زنا هست

فاحشةً وساء سبيلاً ولا تقتلوا النفس التي

عمل زشت و بد راهیست و مکشید آن نفس را که

حرم الله إلا بالحق ومن قتل مظلوماً

حرام کرده است خدای تعالی مگر براستی و هر که کشته شود که ستم رسیده باشد

فقد جعلنا لوليه سلطاناً فلا يسرف في

پس برانگیخته دادیم ما مر وارث اورا تسلطی پس باید که اسراف نکند در

القتل إنه كان منصوراً ولا تقربوا مال

کشتن بدرستیکه او هست یاری داده شده و نزدیک مشوید مال

اليتيم إلا بالتي هي أحسن حتى يبلغ

یتیم را مگر بخصلتی که آن نیکوتر است تا برسد

أشده وأوفوا بالعهد إن العهد كان

بغایت قوة و وفا کنید بعهدی بدرستیکه پیمان هست

مسؤولاً وأوفوا الكيل إذا كلتم وزنوا

سوال کرده شده و تمام بپیمایید کیل را چون بپیمایید و بسنجید

بالقسطاس المستقيم ذلك خير وأحسن

بترازو راست این بهتر است و نیکوتر است

تأويلاً ولا تقف ما ليس لك به علم إن

از جهت آخرة و از پی مرو آنچه نیست ترا آن دانائی بدرستیکه

السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان

گوش و دیده و دلها همه اینها باشد

عنه مسؤولاً ولا تمش في الأرض مرحاً إنك

از نفس خود پرسیده شده و مرو در زمین خداوند تکبر بدرستیکه تو

لن تخرق الأرض ولن تبلغ الجبال طولاً

نتوانی شکافت زمین و نرسی بکوهها از روی درازی

كل ذلك

ع

كل ذلك كان سيئه عند ربك مكروها

همه اینها هست بدی آن نزد پروردگار تو کراهت است

ذلك مما اوحى اليك ربك من الحكمة

این از آنچه وحی کرده است بتو پروردگار تو از علم

ولا تجعل مع الله الها اخر فتلقى في جهنم

و مگردان با خدای تعالی خدای دیگر پس انداخته شوی در دوزخ

ملوما مدحورا ۝ افاصفكم ربكم بالبنين

ملامت کرده دور کرده شوی آیا برگزید شما را پروردگار شما به پسران

واتخذ من الملئكة اناثا انكم لتقولون

و گرفت از فرشتگان دختران بدرستیکه شما میگوئید

قولا عظيما ۝ ولقد صرفنا في هذا القران

سخنی بزرگ و بدرستیکه گردانیدیم در این قرآن

ليذكروا وما يزيدهم الا نفورا ۝

تا اندیشه کنند و نمی افزاید ایشان را مگر رمیدن

قل لو كان معه الهة كما يقولون اذا لا

بگو اگر بودی با خدای تعالی خدایان چنانکه مشرکان میگویند آنگاه که

ابتغوا الى ذي العرش سبيلا ۝ سبحنه و

طلب کردندی بسوی خداوند عرش راهی پاکست خدای تعالی و

تعلى عما يقولون علوا كبيرا ۝ تسبح له السموت

برترست از آنچه میگویند برتری بزرگ تسبیح میکند خدا را آسمانها

السبع والارض ومن فيهن وان من شيء

هفت و زمین و هر که در ایشانست و نیست از هیچ چیز

الا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبيحهم انه

مگر که تسبیح گوید بحمد او ولیکن درنمی یابید تسبیح ایشان را بدرستیکه او

كان حليما غفورا ۝ واذا قرات القران جعلنا

هست بردبار آمرزنده و چون بخوانی قرآن را پیدا کنیم

بينك وبين الذين لا يؤمنون بالاخرة

میان تو و میان آنانکه نمیگروند بآخرت

حِجَابًا مَّسْتُورًا ۝ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً
پرده پوشیده وگردانیدیم بر دلهای ایشان پوششها
أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ
از انکه دریابند قرآن را ودر گوشهای ایشان گرانی وچون یاد کنی
رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ
پروردگار خود را در قرآن یگانه وباز گردند بر پشتهای خود
نُفُورًا ۝ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ
رمندگان ما داناتریم بانچه شنوند قرآن را وقتیکه گوش دارند
إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن
بتو وایشان رازگویند چون گفتند ستمکاران نمیکنند
تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ۝ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا
متابعت مگر مردی سحرکرده شده بنگر چگونه بزنند
لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا
برای تو مثلها پس گمراه شوند پس نتوانند یافتن راه
وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا
وگفتند آیا هنگام که باشیم استخوانهای پوسیده آیا ما
لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۝ قُل كُونُوا حِجَارَةً
برانگیخته شدگان باشیم آفریدن نو بگو باشید سنگ
أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ
یا آهن یا آفریده از انچه بزرگ در سینهای شما
فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ
پس زود باشد که گویند کیست که باز آورد ما را بگو آنکه بیافرید شما را
أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ
اول بار پس زود باشد که بجنبانند بتو سرهای ایشان
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا
وگویند که خواهد بود این بعث بگو شاید اگر باشد نزدیک
يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ
روزیکه بخواند شما را پس اجابت کنید خدا را بستایش وگمان برند

[illegible]

وجعلنا على قلوبهم
[illegible]

ان لبثتم

بیغمبر ابو سفیان
گفت که من بغض ز
تحتان وری ...

ربع

إن لبثتم إلا قليلا ۝ وقل لعبادي يقولوا
آنکه درنگ کردید مگر اندکی و بگو مر بندگان مرا که گویند
التي هي أحسن إن الشيطن ينزغ بينهم
آن کلمه را که بهتر است بدرستیکه دیو دشمنی افگند میان ایشان
إن الشيطن كان للإنسان عدوا مبينا ۝
بدرستیکه دیو هست مر آدمی را دشمنی آشکارا
ربكم أعلم بكم إن يشأ يرحمكم أو إن يشأ
پروردگار شما داناتر است بشما اگر خواهد بخشد بر شما یا اگر خواهد
يعذبكم وما أرسلنك عليهم وكيلا ۝
عذاب کند شما را و نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبانی
وربك أعلم بمن في السموت والأرض ولقد
و پروردگار تو داناتر است بآنکه در آسمانها و زمین و بدرستیکه
فضلنا بعض النبيين على بعض وءاتينا
افزونی دادیم بعضی پیغمبرانرا بر بعضی و دادیم
داود زبورا ۝ قل ادعوا الذين زعمتم
داود را زبور بگو بخوانید آنانرا که گمان بردید
من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم
بجز خدا تعالی پس مالک نمیشوند برداشتن محنتی و بیماری از شما
ولا تحويلا ۝ أولئك الذين يدعون يبتغون
و نمیتوانند نقل دادن آنرا آنگروه آنانند که میخوانند قربت را میجویند
إلى ربهم الوسيلة أيهم أقرب ويرجون
بسوی پروردگار خود وسیله هرکدام ایشان نزدیکترند و امید میدارند
رحمته ويخافون عذابه إن عذاب ربك
بخشش اورا و میترسند از عذاب او بدرستیکه عذاب پروردگار تو
كان محذورا ۝ وإن من قرية إلا نحن مهلكوها
هست سزاوار و نیست هیچ شهری مگر که ما هلاک کننده ایم اهل آنرا
قبل يوم القيمة أو معذبوها عذابا شديدا
پیش از روز قیامت یا عذاب کنند محیط عذابی سخت

در خانه حضرت ابوبکر
لما آنحضرت زنده را
نداون آمد خواست که
در حجره واصحابه وسلم
بنه صلی الله علیه و آله
بطلب حضرت بود
ستا برد رفت

كَانَ ذٰلِكَ فِي الْكِتٰبِ مَسْطُوْرًا ۝ وَمَا مَنَعَنَآ
هست این در لوح محفوظ نوشته شده وباز نمیداریم

اَنْ نُّرْسِلَ بِالْاٰيٰتِ اِلَّآ اَنْ كَذَّبَ بِهَا الْاَوَّلُوْنَ
از انکه فرستیم با آیات مگر آنکه تکذیب کردند بآیات پیشینیان

وَاٰتَيْنَا ثَمُوْدَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوْا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ
و دادیم ثمود را ناقه در حالتیکه بینا بود پس کافر شدند بآیات و نفرستادیم

بِالْاٰيٰتِ اِلَّا تَخْوِيْفًا ۝ وَاِذْ قُلْنَا لَكَ اِنَّ رَبَّكَ
معجزات مگر برای ترسانیدن وچون گفتیم ترا هر آینه پروردگار تو

اَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِيْٓ اَرَيْنٰكَ
فرو گرفت مردمانرا ونگردانیدیم ما آن خواب را که نمودیم ترا

اِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُوْنَةَ فِي الْقُرْاٰنِ
مگر برای آزمایش مردمان ونگردانیدیم درخت که یاد کرده شد در قرآن

وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيْدُهُمْ اِلَّا طُغْيَانًا كَبِيْرًا
و میترسانیم کافرانرا پس نمی افزاید ایشانرا مگر سرکشی بزرگ

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا
وچون گفتیم مر فرشتگانرا که سجود کنید مر آدم را پس سجده کردند

اِلَّآ اِبْلِيْسَ قَالَ ءَاَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ۝
مگر ابلیس گفت آیا سجده کنم مر آنکس را که آفریدی از گل

قَالَ اَرَءَيْتَكَ هٰذَا الَّذِيْ كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ اَخَّرْتَنِ
گفت آیا دیدی این که گرامی کردی برمن بخدا اگر واپس داری مرا

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَاَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهٗٓ اِلَّا قَلِيْلًا
تا روز قیامت مستولی شوم فرزندان او مگر اندکی

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِنَّ جَهَنَّمَ
گفت که برو پس هرکه تابع تو کند ازایشان پس بدرستیکه دوزخ

جَزَآؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُوْرًا ۝ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ
پاداش شماست پاداش تمامی وازجای بجنبان هرکرا

اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَاَجْلِبْ عَلَيْهِمْ
توانی ازایشان بآواز خود وبآواز سخت بخوان برایشان

صبوحی شعر از ده عبه
نکه نه و او بر با دحضرت
رسالت آب صلی الله
علیه وسلم در ابی تشنه
بود

ع

و در آن بخواند ازم قیس
صبوحی بگفت عبد
نوم را بجوه کرده
سازد و می از انتقام سر
را بر زمی زند عند گفت
او نشانه و بیت از زن
بیچاره سی شب بی
گفت کی صبر یا صبر
من سر صبر او بر
و اندکی کردن
من

بخیلک

بخيلك ورجلك وشاركهم في الاموال

سواران وپيادگان خود ومشرکت نما باایشان درمالها

والاولاد وعدهم وما يعدهم الشيطن

ودراولاد ایشان ووعده ده ایشانرا ونمی دهد وعده ایشانرا دیو

الا غرورا ○ ان عبادي ليس لك عليهم سلطن

مگر بفریب بدرستیکه بندگان خالص نیست ترا برایشان تسلطی

وكفى بربك وكيلا ○ ربكم الذي يزجي لكم

وبسنده است پروردگار تو نگاهدارنده پروردگار شما آنکسی است که میراند براشما

الفلك في البحر لتبتغوا من فضله انه كان

کشتی را دردریا تابجوئید از فضل او بدرستیکه هست خداتعالی

بكم رحيما ○ واذا مسكم الضر في البحر ضل

بشما مهربان وچون برسد شمارا سختی دردریا گم شود ازخاطر

من تدعون الا اياه فلما نجكم الى البر

هرکرا میخوانید مگر اورا پس آنهنگام که برهانید شمارا بسوی بیابان

اعرضتم وكان الانسان كفورا ○ افامنتم

برگشتید ازتوحید وهست آدمی ناسپاس آیا که ایمنی یافتید

ان يخسف بكم جانب البر او يرسل عليكم

ازانکه فروبرد شمارا کرانه اززمین یا فرستد برشما

حاصبا ثم لا تجدوا لكم وكيلا ○ ام امنتم ان

بادی پس نیابید برای خود نگاهدارنده آیا ایمن شدید ازانکه

يعيدكم فيه تارة اخرى فيرسل عليكم

بازگرداند شمارا دردریا باری دگر پس فرستد برشما

قاصفا من الريح فيغرقكم بما كفرتم ثم لا

شکننده ازباد پس غرق کرداند شمارا بانچه ناسپاسی کردید پس نیابید

تجدوا لكم علينا به تبيعا ○ ولقد كرمنا بني ادم

برای خود برما بران غرق کردن احدرا وبدرستیکه گرامی کردیم فرزندان آدم را

وحملنهم في البر والبحر ورزقنهم من الطيبت

وبرداشتیم ایشانرا دربیابان ودریا وروزی دادیم ایشانرا از پاکیزه

---

بجز ولد الصلب · وحضرت رسالت پناه · صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم · در باب عبدالله بن عباس · گفت فرزند زاده او به پیشی · ما نه عبدالله بن عباس · بنابر حدیث ابن حجر · عبدالله ابن عباس · دراهی عمرو ابن عباس · وبنی ابن عباس را ماند · السبط از نقیض جاری · کنیه از حسن ونعیم · نحو ابن عباس را · بنی بار یستند واین · آیت ازین بنزل · الامر است

وفضلنهم على كثير ممن خلقنا تفضيلا
و افزونی دادیم ایشانرا بر بسیاری از انچه آفریده ایم افزونی دادنی
يوم ندعوا كل أناس بإمامهم فمن
روزیکه بخوانیم هر گروهی را از مردمان به پیشوایان ایشان پس هرکه
أوتي كتبه بيمينه فأولئك يقرءون كتبهم
داده شود نوشته او بدست راست او پس آن گروه میخوانند کتاب خود را
ولا يظلمون فتيلا ومن كان في هذه أعمى
و ستم کرده نشوند برابر رشته و هرکه هست درین دنیا نابینا
فهو في الآخرة أعمى وأضل سبيلا وإن
پس او در آخرت نابینا است و گمراه تر از نابینا و بدرستیکه
كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا إليك
نزدیک بودند که تا فتنه اندازند از آنچه وحی کردیم بتو
لتفتري علينا غيره وإذا لاتخذوك خليلا
تا افترا کنی بر ما غیر آن و آنگاه فرا گیرند ترا دوست
ولولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم
و اگر نه آنست که ثابت داشتیم ترا بدرستیکه نزدیک بود که میل کنی بسوی ایشان
شيئا قليلا إذا لأذقنك ضعف الحيوة
چیزی میل کردنی اندک آنگاه چشانیدیمی ترا دوچندان عذاب زندگانی دنیا
وضعف الممات ثم لا تجد لك علينا نصيرا
و دوچندان عذاب در آخرت پس نیابی برای خود بر دفع عذاب ما یاری
وإن كادوا ليستفزونك من الأرض ليخرجوك
و بدرستیکه خواستند اهل مکه تا ملغزانند ترا از زمین تا بیرون کنند ترا
منها وإذا لا يلبثون خلفك إلا قليلا
از آن و آنگاه درنگ نکنند پس از رفتن تو مگر اندکی
سنة من قد أرسلنا قبلك من رسلنا
سنت نهادیم برای آنها که فرستادیم پیش از تو از فرستادگان ما
ولا تجد لسنتنا تحويلا أقم الصلوة لدلوك
و نیابی مر سنت ما را تغیر بپای دار نماز را در وقت زوال

الشمس

الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ الَّيْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ ط
آفتاب تا تاریکی شب و بپای دار نماز فجر

اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوْدًا ۝ وَمِنَ الَّيْلِ
بدرستیکه نماز بامداد هست دیده شده و برخی از شب

فَتَهَجَّدْ بِهٖ نَافِلَةً لَّكَ ط عَسٰٓى اَنْ يَّبْعَثَكَ رَبُّكَ
پس بیدار شو بقرآن در حالتیکه زیادتست برای تو در مقام پسندیده بشتایش کنان پروردگار تو

مَقَامًا مَّحْمُوْدًا ۝ وَقُلْ رَّبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ
آن مقام شفاعت است و بگو ای پروردگار در آر مرا در قبر در آوردنی

صِدْقٍ وَّاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّاجْعَلْ
پسندیده و بیرون آر مرا از آن بیرون آوردن ستوده و بگردان

لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا ۝ وَقُلْ جَآءَ
مرا از نزدیک خود حجتی یاری دهنده و بگو آمد

الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ط اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوْقًا ۝
دین اسلام و ناچیز شد باطل بدرستیکه باطل هست نیست شده

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ وَّرَحْمَةٌ
و میفرستیم برتو از قرآن آنچیزیکه آن شفاست و بخشش است

لِّلْمُؤْمِنِيْنَ وَلَا يَزِيْدُ الظّٰلِمِيْنَ اِلَّا خَسَارًا ۝
مرمؤمنان را و نمی افزاید قرآن ستمکاران را مگر زیان کاری

وَاِذَآ اَنْعَمْنَا عَلَى الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهٖ
و چون انعام کنیم بر آدمی رو بگرداند و دور کرداند نفس خود را

وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَـُٔوْسًا ۝ قُلْ كُلٌّ يَّعْمَلُ
و چون برسد بدو بدی یعنی بیماری باشد نا امید بگو هر کس کار میکند

عَلٰى شَاكِلَتِهٖ ط فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى
بر طریقهٔ اعتقاد او پس پروردگار شما داناتر است بآنکه او راه یافته

سَبِيْلًا ۝ وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الرُّوْحِ ط قُلِ الرُّوْحُ
تر است و میپرسند ترا از کیفیت روح بگو روح

مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ وَمَآ اُوْتِيْتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا ۝
از امر پروردگار منست و داده نشده اید شما از دانش مگر اندکی

ولئن شئنا لنذهبن بالذي اوحينا اليك
واگر خواهیم هر اینه ببریم آنچه وحی کردیم
ثم لا تجد لك به علينا وكيلا ۝ الا رحمة
پس نیابی تو با آن بر ما وکیلی مگر رحمت
من ربك ان فضله كان عليك كبيرا ۝ قل
از پروردگار تو بدرستیکه فضل خدایتعالی هست بر تو بزرگ بگو
لئن اجتمعت الانس والجن على ان ياتوا
اگر جمع شوند آدمیان و پریان بر آنکه بیارند
بمثل هذا القران لا ياتون بمثله ولو كان
مانند این قرآن نیارند مانند آنرا واگر باشد
بعضهم لبعض ظهيرا ۝ ولقد صرفنا للناس في هذا
بعضی ازایشان مر بعضی را مددکار وبدرستیکه مقرر کردیم برای مردمان در این
القران من كل مثل فابى اكثر الناس
قرآن از هر نوع صفتی پس سرباز زدند بیشتر مردمان
الا كفورا ۝ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر
مگر ناسپاسی وگفتند نکنیم ما تصدیق ترا تا روان سازی
لنا من الارض ينبوعا ۝ او تكون لك جنة
برای ما از زمین چشمه یا باشد مرترا بوستانی
من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها
از خرما بنان و انگور پس روان کردنی جویها درمیان بوستانها
تفجيرا ۝ او تسقط السماء كما زعمت علينا
روان کردنی یا بیفگنی آسمانرا همچنانکه گمان بردی بر ما
كسفا او تاتي بالله والملئكة قبيلا ۝ او
پاره پاره یا بیاری خدایرا و فرشتگان کفیل
يكون لك بيت من زخرف او ترقى في السماء
باشد مرترا خانه از ذهب یا بالا روی در آسمان
ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا
ونکنیم تصدیق مر برآمدن ترا تا فرودآوری بر ما کتاب را

نقرؤه

ع

نقرؤه قل سبحان ربي هل كنت الا بشرا
بخوانیم آنرا بگو پاکست پروردگار من آیا هستم من مگر آدمی
رسولا ○ وما منع الناس ان يؤمنوا اذ
فرستاده شده وباز داشت مردمان را از آنکه ایمان آورند وقتیکه
جاءهم الهدى الا ان قالوا ابعث الله بشرا
آمد بر ایشان بیان حق مگر آنکه گفتند برانگیخت خدای تعالی آدمی را
رسولا ○ قل لو كان في الارض ملئكة
رسول بگو اگر بودی در زمین فرشتگان
يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء
میرفتند که مقیم بودندی برآینه فرستادیم بر ایشان از آسمان
ملكا رسولا ○ قل كفى بالله شهيدا بيني و
فرشته را پیغمبر بگو بسنده است خدای تعالی گواه میان من و
بينكم انه كان بعباده خبيرا بصيرا ○
میان شما بدرستیکه خدای تعالی هست به بندگان خود دانا بینا
ومن يهد الله فهو المهتد ومن يضلل
وهرکرا راه نماید خدای تعالی پس او راه یافته است وهرکرا خذلان کند
فلن تجد لهم اولياء من دونه ونحشرهم
پس نیابی مر ایشان را دوستان بجز خدای تعالی وحشر کنیم ایشان را
يوم القيمة على وجوههم عميا وبكما و
روز قیامت بر رویهای ایشان نابینا وگنگان و
صما ○ ماوهم جهنم كلما خبت زدنهم
کران باشند جای ایشان دوزخ است هرگاه ساکن شود بیفزائیم ایشان را
سعيرا ○ ذلك جزاؤهم بانهم كفروا بايتنا
آتش دوزخ این پاداش ایشانست بآنکه ایشان کافر شدند بآیتهای ما
وقالوا ءاذا كنا عظما ورفاتا ءانا
وگفتند آیا آنوقت که گردیم ما استخوانها و خاکهای ریزه شده آیا ما
لمبعوثون خلقا جديدا ○ اولم يروا ان الله
برانگیختگان باشیم آفریدنی نو آیا نمی بینند آنرا که خدای تعالی

[illegible]

[illegible]

الذي خلق السموت والارض قادر على

آنکس است که آفرید آسمانها را و زمین توانا است بر

ان يخلق مثلهم وجعل لهم اجلا لا ريب

آنکه بیافریند مانند ایشان و کردانید ایشان را مدتی که نیست شک

فيه فابى الظلمون الا كفورا ۝ قل لو انتم

دران پس سر باز زدند ستمکاران مگر انکار حق بگو اگر شما

تملكون خزاين رحمة ربي اذا لامسكتم

مالک شوید خزینهای روزی پروردگار مرا آنگاه که البته باز ایستید

خشية الانفاق وكان الانسان قتورا ۝

از ترس درویشی و هست آدمی بخیل

نصف

ولقد اتينا موسى تسع ايت بينت فسٔل

و بدرستیکه دادیم موسی را نه آیت روشن پس بپرس

بني اسرءيل اذ جاءهم فقال له فرعون اني

از بنی اسرائیل وقتیکه آمد بدیشان پس گفت موسی را فرعون بدرستیکه من

لاظنك يموسى مسحورا ۝ قال لقد علمت ما

گمان می برم ترا ای موسی جادو کرده گفت بدرستیکه تو دانسته

ع

انزل هؤلاء الا رب السموت والارض بصائر

فرستاد این نه مگر آفریدگار آسمانها و زمین در حالتیکه روشنها

واني لاظنك يفرعون مثبورا ۝ فاراد ان

و بدرستیکه من یقین دانم ترا ای فرعون هلاک کرده شده پس خواست فرعون

يستفزهم من الارض فاغرقنه ومن معه

از زمین پس غرق کردانیدیم او را و هر که با او بودند

جميعا ۝ وقلنا من بعده لبني اسرءيل اسكنوا

تمامی و گفتیم از غرق شدن مر فرزندان یعقوب ع ساکن شوید

الارض فاذا جاء وعد الاخرة جئنا بكم لفيفا

دران زمین پس چون آمد وعده سرای دیگر بیاریم شما را لفیفا آمیخته

وبالحق انزلنه وبالحق نزل وما ارسلنك

و بحق فرستادیم قرآن را و براستی فرود آمدن قرآن و نفرستادیم ترا

[illegible]

الا مبشرا

إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ

مگر مژده دهنده و بیم کننده و قرآن را پراکنده فرستادیم تا بخوانی آن را

عَلَى النَّاسِ عَلَىٰ مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا ۝

بر مردمان بر آهستگی و فرستادیم آن را فرستادنی

قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا

بگو ایمان آرید بقرآن یا ایمان میارید بدرستیکه آنانکه داده شدند

الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ

علم پیش از نزول چون خوانده شود بر ایشان میفتند

لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ۝ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

بروهای خود سجده کننده و میگویند پاکست پروردگار ما

إِن كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ۝ وَيَخِرُّونَ

اگر هست وعده آفریدگار ما کرده شده و می افتند

لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

بر رویهای خود گریه کنان و زیاده میکند ایشان را فروتنی

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَٰنَ أَيًّا مَّا

بگو بخوانید خدا را یا بخوانید رحمن را مقصود از هر دو لفظ ذات واحد است

تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۝ وَلَا تَجْهَرْ

پس مر او راست نامهای نیکو و مکن آشکارا

بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَٰلِكَ

قرائت نماز خود را و آواز فرو مدار و طلب کن میان جهر و خفا

سَبِيلًا ۝ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ

راهی و بگو ثنا آن خدایرا که فرا نگرفت

وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ

فرزندی و نیست مر او را انبازی در پادشاهی و نیست

يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ۝

مر او را دوستی از جهت فروتنی و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

سورة الكهف

سجده

کرده چون ابن سلام

و مانند او از یهود

النجاشی و اصحاب او

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتب و

همه ستایش مرخدایراست آنکه فرستاد بر بنده خود قرآنرا و

لم يجعل له عوجا ۝ قيما لينذر بأسا

نکردانید مرآنرا از کجی تا بیم کند خداتعالی بعذاب

شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين

سخت از نزد خود و تا مژده دهد مرگرویدگانرا

الذين يعملون الصلحت ان لهم اجرا حسنا

آنهاکه میکنند کارهای پسندیده آنکه مرایشانراست مزدی نیکو

مكثين فيه ابدا ۝ وينذر الذين قالوا

در حالتیکه مقیم باشند دران همیشه و بیم کند آنراکه گفتند

اتخذ الله ولدا ۝ ما لهم به من علم ولا

گرفت خداتعالی فرزندی نیست ایشانرا بدان هیچ دانشی و نه

لابائهم كبرت كلمة تخرج من افواههم

دانش بود مر پدران ایشانرا بزرگ است مقاله ایشان بیرون آید از دهنهای ایشان

ان يقولون الا كذبا ۝ فلعلك باخع نفسك

نمیگویند مگر دروغی پس شاید آنکه کشنده نفس خودرا

على اثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث

بر نشانهای بازگشتن اگر ایمان نیاوردند باین سخن

اسفا ۝ انا جعلنا ما على الارض زينة

از اندوه بدرستیکه ما گردانیدیم آنچیزیراکه بر زمین است نباتات

لها لنبلوهم ايهم احسن عملا ۝ وانا

تا بیازماییم مایشانرا کدام ایشان نیکوتر است از کردار و بدرستیکه ما

لجعلون ما عليها صعيدا جرزا ۝ ام حسبت

گردانندیم آنچه بر روی زمین است زمین هامون تو پنداشتی که

ان اصحب الكهف والرقيم كانوا من ايتنا

آنکه اصحاب کهف و رقیم بودند از دلایل ما

عجبا

عجبا ۝ اذ اوى الفتية الى الكهف فقالوا
چیزی شگفت چون جای گرفتند بسوی غار پس گفتند
ربنا اتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من
ای پروردگار ما بده ما را از نزد خود بخششی ومهیا ساز برای ما از
امرنا رشدا ۝ فضربنا على اذانهم فى الكهف
کار ما راستی پس نهادیم ما بر گوشهای ایشان در غار
سنين عددا ۝ ثم بعثنهم لنعلم اى الحزبين
سالهای شمرده پس برانگیختیم ایشان را تا بدانیم کدام از ان دو گروه
احصى لما لبثوا امدا ۝ نحن نقص عليك
تمام [illegible] اندازه مدت ما قصه میخوانیم بر تو
نبأهم بالحق انهم فتية امنوا بربهم وزدنهم
خبر ایشان براستی بدرستیکه ایشان جوانان ایمان آوردند بپروردگار خویش و بیفزودیم ایشان را
هدى ۝ وربطنا على قلوبهم اذ قاموا
راه نمودنی و بستیم بر دلهای ایشان چون بایستادند
فقالوا ربنا رب السموت والارض لن
پس گفتند ای پروردگار ما آفریدگار آسمانها و زمین هرگز
ندعوا من دونه الها لقد قلنا اذا شططا
نخواهیم پرستید بجز وی معبودی را بدرستیکه گفتیم باشیم آنگاه دیگر [illegible]
هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه الهة
این گروه که کسان ما اند فرا گرفتند بجز از خدا تعالی خدایان دیگر را
لولا يأتون عليهم بسلطن بين فمن اظلم
چرا نمی آیند بر پرستش شان بحجتی روشن پس کیست ستمکارتر
ممن افترى على الله كذبا ۝ واذ اعتزلتموهم
از کسیکه افترا کند بر خدا تعالی دروغ و چون یکسو شوید از اهل شرک
وما يعبدون الا الله فأوا الى الكهف
و آنچه میپرستند بجز خدا تعالی پس باز گردید بسوی غار
ينشر لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من
بگستراند برای شما پروردگار شما از بخشش خود و مهیا سازد برای شما از

قریش
سه سوال از یهود [illegible]
[illegible]
[illegible] علیه السلام و
صحابه و
ع
[illegible] پرسیدند
از قصه اصحاب کهف
عجیب تر از عجب
از روی که جوانان دانا
[illegible]
فرستاده قصه این
بیاوردند که اصحاب
غار و رقیم که سیصد و
نه سال

أَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ۝ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَٰوَرُ
کار شما آنچه بدان نفع گیرید و بینی آفتاب چون طلوع کند میل کند
عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت
از غار ایشان که خداوند دست راست و چون غروب کند
تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ
ببرد از ایشان بگردد بسوی چپ و ایشان در فراخی از غار
ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ
این از دلایل حق تعالی است هرکرا راه نماید خدا تعالی پس او راه یافته
وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ۝ وَ
و هرکرا فروگذارد پس نیابی مر اورا دوستی راه نماینده و
تَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ ۝ وَنُقَلِّبُهُمْ
پنداری اصحاب کهف را … و میگردانیم ایشان
ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ
بدست راست و بدست چپ و سگ ایشان گسترده بود
ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ
هر دو بازو بر پیشگاه غار اگر اطلاع یابی بر ایشان بگردانی
مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ۝ وَكَذَٰلِكَ
از ایشان بجهت گریختن و پر کرده شوی از ایشان ترس و همچنانکه
بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ
بر انگیختیم ایشان را تا پرسند میان یکدیگر گفت گوینده از ایشان
كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا
چند درنگ کردید گفتند درنگ کردیم روزی یا پارهٔ از روز گفتند
رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُم
پروردگار شما داناتر است بآنچه درنگ کردید پس بفرستید یکی را
بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا أَزْكَىٰ
با سیم درمها که دارید بشهر پس درنگرد تا کدام پاکیزه تر است
طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا
از طعام پس بیارد آن فرستاده شما را خوردنی از آن و باید که فرستاده نرمی کند

يشعرن

از دلایل قدرت باری تعالی …
ع
ظاهر است چندان عجیب … اصحاب کهف …

يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۝ إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ

خبردار بشما هیچ کس بدرستیکه ایشان اگر مطلع شوند بر شما

يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَن

سنگسار سازند شما را یا بازگردانند شما را در کیش خویش و نیابند

تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ۝ وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ

رستگاری هرگز و همچنانکه بیدار کردیم بر ایشان

لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا

تا بدانند آنکه وعده خدا تعالی راست است و آنکه قیامت نیست

رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا

شک در آن وقتیکه نزاع میکردند میان یکدیگر امر دین خود را پس گفتند

ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا ۝ رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ

بنا نهید بر ایشان دیواری پروردگار ایشان داناتر است بایشان گفتند آنانکه

غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ۝

غالب شدند بر دین ایشان تا بگیریم بر ایشان مسجد را

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ

زود باشد که گویند یهود سه تن بودند چهارم ایشان سگ ایشانست و گویند ترسایان

خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ

پنج تن بودند ششم ایشان سگ ایشان باشد از خفتن بر پوشیده که و گویند مسلمانان

سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم

هفت تن بودند و هشتم ایشان سگ ایشان بگو آفریدگار من داناتر است بشمار ایشان

مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا

نمیدانند ایشان را مگر اندکی پس جدال مکن در شان اصحاب کهف مگر جدال ظاهر

وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَلَا تَقُولَنَّ

و فتوی مجوی در ایشان از اهل کتاب کسی را و مگوی

لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ

هر چیز را بدرستیکه من کننده ام این فردا مگر آنکه خواهد خدا تعالی

وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَن يَهْدِيَنِ

و یاد کن پروردگار خود را چون فراموش کنی آنرا و بگو شاید آنکه دلالت کند مرا

ازرماص
با چونینه کرم اصحاب کهف
ریان رفتم کرده بود ونزداد
درنعذار و تحقید وصد
موضع ازنعمان بر
تشنر بیست که اصحاب
تمیز سن بود وبکر
درکوه برآرخوف باران
نیمی ری پناه برده اند
وسگ بود درغار و بود
ع
آمرند ونیشه
گرنیه برایکر وتنش نیس
جمعی کرده بودند ازدقیم

ربي لاقرب من هذا رشدا ۝ ولبثوا في

پروردگار من که نزدیکتر از اصحاب کهف از روی صواب و درنگ کردند در

كهفهم ثلث مائة سنين وازدادوا تسعا

غار خود سه صد سال و زیاده کردند نه سال دیگر

قل الله اعلم بما لبثوا له غيب السموت و

بگو که خدا تعالی داناتر است بمقداریکه درنگ کردند مر او راست پوشیدهای آسمانها و

الارض ابصر به واسمع ما لهم من دونه

زمین چه بیناست و چه شنواست نیست مر اهل زمین و آسمان را بجز وی

من ولي ولا يشرك في حكمه احدا ۝ واتل

هیچ دوستی و انباز نمیکند خدا تعالی در حکم خود هیچ کس را و بخوان

ما اوحي اليك من كتاب ربك لا مبدل

آنچه وحی کرده شده است بسوی تو از کتاب پروردگار تو هیچ تغیر دهنده نیست

لكلمته ولن تجد من دونه ملتحدا ۝ واصبر

مر سخنان او را و نیابی بجز وی پناهی و باز دار

نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغدوة

نفس خود را با آنکه می پرستند پروردگار خود را بامداد

والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك

و شبانگاه میخواهند رضای او را و باید که در نگذرد چشمهای تو

عنهم تريد زينة الحيوة الدنيا ولا تطع

از ایشان میخواهی تو آرایش زندگانی دنیا و فرمان مبر

من اغفلنا قلبه عن ذكرنا واتبع هويه و

آنرا که غافل گردانیدیم دل او را از یاد کردن من و پیروی کرده است آرزوهای خود را و

كان امره فرطا ۝ وقل الحق من ربكم فمن شاء

هست کار او از حد در گذشتن و بگو قول درست از پروردگار شما پس هر که خواهد

فليؤمن ومن شاء فليكفر انا اعتدنا

ایمان آرد و هر که خواهد پس کافر شود بدرستیکه ما آماده کردیم

للظلمين نارا احاط بهم سرادقها وان يستغيثوا

برای ستمکاران آتش بگرد در آورد سراپرده و اگر فریاد کنند

ومعنی لغت هوای

يغاثوا

يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ

از تشنگی فریاد کنند بآبی مانند روی بسوزد روی‌ها بد

الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ

شرابیست و بد جایی است هر آینه آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ

گرویدند و کردند شایسته هر آینه ما ضایع نکنیم مزد آنکسی که

أَحْسَنَ عَمَلًا ۝ أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي

نیکوتر است از کردار آن گروه مرایشان راست بوستانها با قامت میرود

مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ

از زیر آن جویها پیرایسته شوند در آن از دستوانها

مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ

از زر و میپوشند جامهای سبز از دیبای نازک

وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ

و دیبای سطبر تکیه زدگان باشند در آن بر تختها نیکو

ثلثه ع

الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ

پاداشنیست و نیکوست از تکیه‌گاه و بیان کن برای ایشان

مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ

مثلی دو مرد دادیم هر یکی از ایشان بوستانها از

أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا

انگور محفوف گردانیدیم آنرا بخرما بنان و پیدا کردیم میان آن

زَرْعًا ۝ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ

کشت زاری آن دو باغ بداری خود را تمامی و نکردی ستم

مِنْهُ شَيْئًا ۝ وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ۝ وَكَانَ لَهُ

از میوه چیزی را و روان کردیم میان دو بوستان جوی آب و بود آن کافر را

ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ

همه میوه پس گفت مر یار خود را و او مجادله میکرد من بیشترم

مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ۝ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَ

از تو از مال و عزیزترم از قبل اولاد و در آمد بباغ خود و

هُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَٰذِهِ

او ستم کننده بود مر نفس خود گفت گمان نمیبرم آنکه خراب گردد این بوستان

أَبَدًا ۝ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ

هرگز و گمان نمیبرم قیامت را آینده و اگر باز گردانیده شوم

إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۝ قَالَ

بسوی پروردگار خود هر آینه یابم بهتر ازین جای بازگشتن گفت

لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي

مر او را یار او و او جدال میکرد با او آیا کافر شدی بآنکه

خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ

آفرید ترا از خاک پس از نطفه پس راست کرد ترا

رَجُلًا ۝ لَٰكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي

مردی لیکن من گویم اوست خداوند پروردگار من و نمیگردانم انباز بخداوند

أَحَدًا ۝ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا

هیچکس را و چرا آنگه چون درآمدی به بوستان خود گفتی آنچه

شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ

خواهد خدا نیست قوت مگر بخدا تعالی اگر بینی مرا کمتر

مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ۝ فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ

از تو از مال و فرزند پس شاید که پروردگار من آنکه دهد

خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا

بهتر از بوستان تو و فرستد بر بوستان صاعقها

مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۝ أَوْ يُصْبِحَ

از آسمان پس گردد آن باغ خاک نرم یا گردد

مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۝ وَ

آب وی فرو رفته بزمین پس نتوانی مر آن آب را جستن و

أُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ

احاطه کرده شده بمیوه آن پس میگردانید هر دو کف خود را بر آنچه خرج کرده بود

فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي

در عمارت و بناهای آن افتاده بود بر سقفهای خود و میگفت ای کاشکی

لم اشرک

لَمْ اُشْرِكْ بِرَبِّيْٓ اَحَدًا ۝ وَلَمْ تَكُنْ لَهٗ فِئَةٌ

انباز نمیکردم به پروردگار خود هیچ کس را ۝ و نبود مر او را گروهی

يَنْصُرُوْنَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ۝

که یاری دهند او را بجز خدای تعالی و آنچه بود یاری دهنده

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا

آنجا نصرت دادن مر خدای راست راست او بهتر است از پاداش و بهتر از عاقبت

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنٰهُ

و بیان کن برای ایشان مثل زندگانی دنیا مانند گیاه رسته از آبی که فرستادیم

مِنَ السَّمَآءِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ

از آسمان پس بیامیخت بدان گیاه رسته زمین پس بامداد کرد

هَشِيْمًا تَذْرُوْهُ الرِّيٰحُ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

خشک شده پراکنده کردند او را بادها و هست خدای تعالی بر هر

مُقْتَدِرًا ۝ اَلْمَالُ وَالْبَنُوْنَ زِيْنَةُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

توانا مال و پسران آرایش زندگانی دنیا

وَالْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَّ

و باقیات است کارهای شایسته بهتر نزد پروردگار تو از پاداش و

خَيْرٌ اَمَلًا ۝ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْاَرْضَ

بهتر از امید و روزی که برانیم کوهها و بینی زمین

بَارِزَةً وَّحَشَرْنٰهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ اَحَدًا ۝

ظاهر شده و حشر کنیم همه پس وانگذاریم از ایشان هیچ کس را

وَعُرِضُوْا عَلٰى رَبِّكَ صَفًّا ۝ لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا كَمَا

و عرض کرده شوند بر پروردگار تو صف کشیده بدرستیکه آمدید بما آنچنانکه

خَلَقْنٰكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍۭ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَّجْعَلَ لَكُمْ

آفریده بودیم شما را اول بار بلکه پنداشتید که گمان بردید که نگردانیم برای شما

مَّوْعِدًا ۝ وَوُضِعَ الْكِتٰبُ فَتَرَى الْمُجْرِمِيْنَ

وعده و نهاده شود نوشتها پس بینی گنهکاران را

مُشْفِقِيْنَ مِمَّا فِيْهِ وَيَقُوْلُوْنَ يٰوَيْلَتَنَا

ترسان از آنچه در کتاب است و گویند ای وای بر ما

مَالِ هٰذَا الْكِتٰبِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً

چه بوده است این نامه را که اصلا نگذاشته است گناه خرد و نه بزرگی

اِلَّا اَحْصٰهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا

مگر شمرده است همه آنرا و یافتند آنچه کرده بودند حاضر و نکند

يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ۝ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ

ستم پروردگار تو بر کسی و چون گفتیم مر فرشتگان را

اسْجُدُوا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوٓا اِلَّآ اِبْلِيسَ كَانَ مِنَ

سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از

الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖٓ اَفَتَتَّخِذُونَهٗ وَ

دیو پس بیرون رفت از فرمان پروردگار خود آیا میگیرید اورا و

ذُرِّيَّتَهٗٓ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

فرزندان اورا دوستان بجز من و ایشان مر شما را دشمنانند

بِئْسَ لِلظّٰلِمِينَ بَدَلًا ۝ مَآ اَشْهَدْتُّهُمْ خَلْقَ

بد است مر ستمکاران را بدلی حاضر نکردم شیطان و اولاد اورا بوقت آفرینش

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَا خَلْقَ اَنْفُسِهِمْ وَمَا

آسمانها و زمین و نه بوقت آفرینش ایشان و نیستم

كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ

من فراگیرنده گمراهان مددکاران و روزیکه گوید

نَادُوا شُرَكَآءِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ

بخوانید شریکان مرا آنانکه گمان بردید پس بخواندند ایشان را

فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۝

پس نکنند اجابت اتباع ابلیس و گردانیدیم میان ایشان جای هلاک

وَرَاَ الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوٓا اَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا

و ببینند مجرمان آتش را پس یقین کنند که ایشان افتادگانند در آن

وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا

و نیابند از آن آتش مکانی و بدرستیکه بیان کردیم

فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ

در این قرآن برای مردمان از هر مثلی و هست

الانسان

الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ۝ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ
آدمی بیشتر چیزی از جدل و منع کرد اهل مکه را

أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا
آنکه بگروند وقتیکه آمد بدیشان راه نماینده و آمرزش طلبند

رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ
از آفریدگار خود مگر که انتظار آمد بدیشان عادت پیشینیان یا

يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
بیاید بدیشان عذاب معاینه و نفرستادیم فرستادگان

إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ
مگر مژده دهنده و بیم کننده و مجادله کنند آنانکه

كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا
کافر شدند به بیهوده تا زایل گردانند بآن سخن راست و گرفتند

آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن
آیتهای مرا و آنچه بیم کرده شدند افسوس کرده شده و کیست ستمکارتر از کسیکه

ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ
پند داده شود بآیات پروردگار خود پس روی تافت ازان و فراموش کرد آنچه پیش فرستاده

يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ
هر دو دست او بدرستیکه ما نهادیم بر دلهای ایشان پوششها اگر بیابند قرآن را

وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۝ وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ
و در گوشهای ایشان گرانی و اگر خوانی تو ایشان را بسوی هدایت

فَلَن يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ
پس راه نیابند آنهنگام که دعوت کنی و پروردگار تو خداوند مغفرتست

ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ
خداوند بخشش اگر بگیرد ایشان را بسبب آنچه کردند هر آینه بشتابد

لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن
برای ایشان عذاب بلکه مر ایشان راست وعده که نیابند از

دُونِهِ مَوْئِلًا ۝ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ
جز او پناهی و این دیهها هلاک کردیم اهالی آنرا

لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ۝ وَإِذْ
آنهنگام که ستم کردند و مقرر کرده شدیم برای هلاک ایشان وعده و چون
قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ
گفت موسی ع مرادوم خودرا یوشع همیشه تا برسیم بمجمع
الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ۝ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ
بحرین یا مروم زمان دراز پس چونکه رسیدند مجمع که
بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ
میان هردو دریاست فراموش کردند ماهی خودرا پس گرفت ماهی راه خودرا در دریا
سَرَبًا ۝ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا
مثل سرداب پس وقتیکه درگذشتند گفت جوان مرد خودرا بیار طعام چاشت مارا
لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا ۝ قَالَ
بدرستیکه دیدایم ازین سفر سختی گفت
أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ
خبرداری چون جای گرفته بودیم چشمهٔ الحیات پس من فراموش کردم ماهی را
وَمَا أَنْسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ
ونگردانید فراموش مگر دیو از آنکه یاد دهم ترا وگرفت ماهی
سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۝ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا
راه خودرا در دریا راه عجب گفت این آنچه بود
نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ۝ فَوَجَدَا
که میطلبیدیم پس بازگشتند بر نشانهای خود از پی رفتن پس یافتند
عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا
بنده از بندگان ما دادیم اورا بخشش از نزد خود
وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ۝ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ
وآموختیم اورا از نزد خود علمی گفت مراورا موسی آیا
أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۝ قَالَ
پیروی کنم ترا برآنکه بیاموزانی مرا از آنچه بتو آموخته شد علم گفت حضر ع
إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ وَكَيْفَ تَصْبِرُ
بدرستیکه تو نتوانی بامن صبرکردن وچگونه صبر کنی

ع

وبجا در گشته
گرنانکه کاو فرزند نیز بیهوده
تا زیان کرد هنر تا بن
سخن حق را دو نان گفتند
بنسخ ابنا دم او رحمه
نیم اوده نیز و امو ص
اوده شده و کیست
تسمیکه بیداو ازبند
باهیان دیدود که روییت
بیان دیت بیداو ازان
دوا موش شکس
بزنجی نبی از نیاده ۱۵۵

علی عالم

عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ۝ قَالَ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ

صَابِرًا وَلَآ أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ۝ قَالَ فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِي

فَلَا تَسْـَٔلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّىٰٓ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ

ذِكْرًا ۝ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِي ٱلسَّفِينَةِ

خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ

شَيْـًٔا إِمْرًا ۝ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ

مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا

تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ۝ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا

لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ

بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا ۝ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ

إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ إِن سَأَلْتُكَ

عَن شَيْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصَٰحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن

لَّدُنِّي عُذْرًا ۝ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهْلَ قَرْيَةٍ

ٱسْتَطْعَمَآ أَهْلَهَا فَأَبَوْاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا

فيها جدارا يريد ان ينقض فاقامه قال لو
در نواحی ده دیواری مایل شده میخواست که بیفتد پس راست کرد او را گفت اگر
شئت لتخذت عليه اجرا ۝ قال هذا فراق
خواستی ال ده امیگرفتی برعمل آن مزدی گفت اینست جدایی
بيني وبينك سانبئك بتاويل ما لم تستطع
میان من و میان تو زود باشد که آگاه سازم ترا بتفسیر آنچه نتوانستی
عليه صبرا ۝ اما السفينة فكانت لمسكين
بران صبر کردن اما آن کشتی پس بود مر محتاجان را
يعملون في البحر فاردت ان اعيبها وكان
کار میکردند در دریا پس خواستم که سوراخ سازم او را و هست
وراءهم ملك ياخذ كل سفينة غصبا
در پیش روی ایشان پادشاهی میگرفت هر کشتی درست بغصب
واما الغلام فكان ابواه مؤمنين فخشينا
واما آن پسر پس بودند پدر و مادر او گرویدگان پس ترسیدیم
ان يرهقهما طغيانا وكفرا فاردنا ان يبدلهما
که در رساند برایشان سرکشی و ناپاکی پس خواستیم که بدل دهد ایشان را
ربهما خيرا منه زكوة واقرب رحما ۝ واما
پروردگار ایشان بهتر از وی پاکیزگی و نزدیکتر از بخشایش واما
الجدار فكان لغلمين يتيمين في المدينة
دیوار پس بود برای دو کودک یتیم در شهر
وكان تحته كنز لهما وكان ابوهما صلحا فاراد
و هست در زیر دیوار گنجی برای ایشان و بود پدر ایشان شایسته پس خواست
ربك ان يبلغا اشدهما ويستخرجا كنزهما
پروردگار تو که برسند بقوت و کمال رشد خود و بیرون آورند گنج خود را
رحمة من ربك وما فعلته عن امري ذلك
بخشایش از پروردگار تو و نکردم آنچه تو دیدی از رای خود این
تاويل ما لم تسطع عليه صبرا ۝ ويسئلونك
تفسیر آنچه که نتوانستی بران صبر کردن و میپرسند ترا مشرکان

ع

عن ذي القرنين

عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ

از قصه ذی القرنین بگو زود باشد که بخوانم بر شما از ان

ذِكْرًا إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ

خبری بدرستیکه ما قوت دادیم مر اورا در زمین وعطا کردیم اورا از هر چیزی که

سَبَبًا فَأَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ

محتاج بود پس از پی رفت سبب را تا چون رسیده بجای فرو رفتن

الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ

آفتاب ویافت آفتاب را که فرو رفت در چشمه آب گرم ویافت

عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ

نزدیک آن گروهی گفتیم ما ای ذی القرنین یا آنست که

تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا قَالَ أَمَّا مَنْ

معذب کنی ویا آنکه میگیری درباب ایشان نیکوی گفت اما کسیکه

ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

ستم میکند پس زود باشد که عذاب کنیم اورا پس بازگشته شود بجزای پروردگار خود پس عذاب کند اورا

عَذَابًا نُكْرًا وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ

عذابی منکر واما هر که بگرود وبکند عمل شایسته پس مر اوراست

جَزَاءً الْحُسْنَى وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا

پاداش نیکو وزود باشد که بگوییم مر اورا از فرمان خود آسان

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

پس از پی در آمد سببی را تا چون رسید جای بر آمدن آفتاب ویافت آفتاب را

تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

بر می آمد بر گروهی نگردانیده بودیم برای ایشان از غیر آفتاب پوششی

كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ثُمَّ أَتْبَعَ

همچنان وبدرستیکه ما احاطه کرده بودیم بآنچه نزدیک او بود از روی آگاهی پس از پی در آمد

سَبَبًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ

وسیله را تا چون رسیده در میان دو سد ویافت از

دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

پس آن کوه گروهی را بحیثیت عجمی در یابند سخن را

قالوا يذا القرنين ان يأجوج ومأجوج

گفتند اى ذى القرنين بدرستيكه ياجوج و ماجوج

مفسدون في الارض فهل نجعل لك خرجا

تباهى كنندگانند در زمين پس آيا گردانيم براى تو خرجى

على ان تجعل بيننا وبينهم سدا ○ قال ما

وشرط آنكه كنى ميان ما وميان ايشان بندى گفت آنچه

مكني فيه ربي خير فاعينوني بقوة اجعل

در آنجا قدرت داد مرا پروردگار من بهترست پس يارى دهيد مرا بتوانائى تا بكنم

بينكم وبينهم ردما ○ اتوني زبر الحديد

ميان شما وميان ايشان حجابى بياريد پاره‌هاى بزرگ از آهن

حتى اذا ساوى بين الصدفين قال انفخوا

تا چون مساوى شد ميان دو جانب كوه گفت بدميد

حتى اذا جعله نارا ○ قال اتوني افرغ عليه

تا چون گردانيد آنرا آتش گفت بياريد تا بريزم بالاى آن

قطرا ○ فما اسطاعوا ان يظهروه وما استطاعوا

روى گداخته پس نتوانستند كه بالا روند سد را ونتوانستند

له نقبا ○ قال هذا رحمة من ربي فاذا جاء

آنرا سوراخ كردن گفت اينست بخشايش از پروردگار من پس چون بيايد

وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي حقا

وعده پروردگار من گرداند آنرا هموار وهست وعده پروردگار من درست

وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض و

وميگذاريم بعض ايشان آنروز اضطراب كنند در برخى و

نفخ في الصور فجمعناهم جمعا ○ وعرضنا

دميده شود در صور پس جمع كنيم ايشانرا جمع كردنى وظاهر كنيم

جهنم يومئذ للكفرين عرضا ○ الذين

دوزخ آنروز براى كافران ظاهر كردنى آنانكه

كانت اعينهم في غطاء عن ذكري وكانوا لا

هستند چشمهاى ايشان در پوشش از ياد من وهستند

يستطيعون

يستطيعون سمعا ○ افحسب الذين كفروا
توانند شنودن آیا پندارند آنانکه کرویدند

ان يتخذوا عبادى من دونى اولياء انا اعتدنا
آنکه گیرند بندگان مرا از دون من دوستان بدرستیکه ما آماده کردیم

جهنم للكفرين نزلا ○ قل هل ننبئكم بالاخسرين
دوزخ برای کافران بخشش بگو آیا خبر دهیم شمارا بزیان کارترین

اعمالا ○ الذين ضل سعيهم فى الحيوة الدنيا
از اعمال آنانکه گم شد شتافتن ایشان در زندگانی دنیا

وهم يحسبون انهم يحسنون صنعا ○
و ایشان پندارند آنکه ایشان نیکوی کنند کاردار

اولئك الذين كفروا بايت ربهم ولقائه
آن گروه آنانکه نگرویدند بآیات پروردگار خود و دیدار او

فحبطت اعمالهم فلا نقيم لهم يوم القيمة
پس تباه شد کردارهای ایشان پس اقامت نکو ام مر ایشانرا روز قیامت

وزنا ○ ذلك جزاؤهم جهنم بما كفروا واتخذوا
ترازوی آنست پاداش ایشان دوزخ بآنچه نگرویدند و گرفتند

ايتى ورسلى هزوا ○ ان الذين امنوا وعملوا
آیات من و فرستادهٔ من ترا رنو بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند

الصلحت كانت لهم جنت الفردوس نزلا ○
عمل شایسته هست مر ایشانرا بوستانها فردوس بخشش

خلدين فيها لا يبغون عنها حولا ○ قل لو كان
جاوید باشند دران نجویند از ان بدلی بگو اگر باشد

البحر مدادا لكلمت ربى لنفد البحر قبل ان
دریا سیاهی برای سخنان پروردگار من هر آینه فانی شود دریا پیش

تنفد كلمت ربى ولو جئنا بمثله
از انکه تمام شود سخنان آن پروردگار من و اگر بیاریم مانند آن

مددا ○ قل انما انا بشر مثلكم
سیاهی بگو جز این نیست بدرستیکه ما آدمیم مانند شما

ع

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و تمام انعام [illegible]
و یاجوج و ماجوج [illegible]
یافتند آدمی را عوض آن
بکار [illegible]
هم قبیله [illegible] از اولاد
یافث بن نوح علیه
السلام و در عین المعانی

يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ
وحی کرده شود بسوی من جز این نیست که معبود شما خدای یگانه پس هر که باشد
يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ
امیدوار دیدار آفریدگار خود پس باید که بکند کردار شایسته و انباز نکرد
بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا
در بندگی پروردگار خود یکی

## سوره مریم علیها السلام مکیه و هی ثمان و تسعون آیه

٩٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
كهيعص ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ
یاد کرد بخشایش خداوند تو بنده خود را زکریا چون ندا کرد
رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ
پروردگار خود ندای پنهانی گفت ای پروردگار بدرستیکه من سست شد استخوان
مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُن بِدُعَائِكَ
از من و سپید شده است سر من سپید شدنی و نبوده ام بخواندن ترا
رَبِّ شَقِيًّا وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِن وَرَائِي وَ
ای پروردگار من بی بهره و بدرستیکه من میترسم از بنی اعمام خود از پس مرگ من
كَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا
هست زن من نازاینده پس ببخش مرا از نزد خود فرزندی
يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ
میراث برد و میراث گیرد از آل یعقوب و گردان فرزند مرا ای آفریدگار من
رَضِيًّا يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ
پسندیده ای زکریا بدرستیکه ما بشارت دهیم ترا بپسری نام او
يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا قَالَ
یحیی نیافریدیم مر او را پیش از او همنامی گفت
رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا
ای آفریدگار من چگونه باشد مرا پسری و هست زن من نازاینده
وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا قَالَ كَذَٰلِكَ قَالَ
و بدرستیکه رسیده ام از بزرگ سالی بنهایی گفت همچنین است گفت

ربك

آورده که آدم علیه السلام را
معلوم شد و من از وحی که
آورده گشته ام از آن حال
امروز مناکر شد و حق تعالی
این دو قوم را
ع
از آن خاک
آلوده
بمن ابو بکر بیا فرود
بقول کسی که بود از انبیا
متکلم شنیدند از آن قول
ضعیف بشنو و دیده قبول
داوران آن سان تبدیل
کرده اند از علی مرتضی
کرم شد و جمیع منقول
کرفانیه بعض از آن
بعد از ...

رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ

پروردگار تو این بر من آسان است و بدرستیکه بیافریدم ترا و من از پیش

وَلَمْ تَكُ شَيْـًٔا ۝ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْٓ اٰيَةً ۗ قَالَ

و نبودی تو چیزی گفت ای پروردگار من گردان برای من نشانه گفت

اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۝ فَخَرَجَ

نشانه آنست که سخن نکنی با مردمان سه شبانروز بی دردی پس بیرون آمد

عَلٰى قَوْمِهٖ مِنَ الْمِحْرَابِ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوْا

بر گروه خود از مصلی پس اشارت کرد بایشان که نماز گذارند

بُكْرَةً وَّعَشِيًّا ۝ يٰيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۗ وَاٰتَيْنٰهُ

بامداد و شبانگاه ای یحیی فرا گیر تورات بقوت و دادیم او را

الْحُكْمَ صَبِيًّا ۝ وَّحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوةً ۗ وَ

حکمت در کودکی و مهربانی از نزدیک ما و پاکی و

كَانَ تَقِيًّا ۝ وَّبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا

بود ترسکار و نیکو به پدر و مادر را و نبود سرکش

عَصِيًّا ۝ وَسَلٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوْتُ

نافرمان و سلام برو روزیکه بزاد و روزیکه بمیرد

وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ

و روزیکه برانگیخته شود زنده و یاد کن در قرآن قصه مریم

اِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝

چون دور شد از اهل خود در مکانی شرقی

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ۚ فَاَرْسَلْنَآ اِلَيْهَا

پس گرفت سوای ایشان پرده پس فرستادیم بسوی او

رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۝ قَالَتْ اِنِّيْٓ

روح خود پس متمثل شد باو آدمی تمام خلقت گفت مریم بدرستیکه من

اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۝ قَالَ اِنَّمَآ

پناه میگیرم بخدای تعالی از تو اگر هستی پرهیزگار گفت جز این نیست

اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكِ ۖ لِاَهَبَ لَكِ غُلٰمًا زَكِيًّا ۝

که من فرستاده پروردگار تو تا بخشم مر ترا پسری پاک

ع

واذکر فی الکتاب

قالت انى يكون لى غلم ولم يمسسنى بشر
گفت چگونه بود مرا پسری و نسوده است مرا آدمی
ولم اك بغيا ۝ قال كذلك قال ربك هو على
و نبوده ام زناکار گفت همچنین است گفت پروردگار تو این بر من
هين ولنجعله اية للناس ورحمة منا و
آسانست و تا گردانیم نشانه برای مردمان و بخشش از ما و
كان امرا مقضيا ۝ فحملته فانتبذت به
هست کاری حکم کرده شده پس بار گرفت پس بیرون کشید با او
مكانا قصيا ۝ فاجاءها المخاض الى جذع
مکانی دور پس آورد او را درد زادن بسوی تنهٔ
النخلة قالت يليتنى مت قبل هذا وكنت
درخت خرما گفت کاشکی من مردمی پیش ازین و بودمی
نسيا منسيا ۝ فنادها من تحتها الا تحزنى
فراموش بار گم گشته پس آواز داد او را از زیر او آگاه اندوه مخور
قد جعل ربك تحتك سريا ۝ وهزى اليك
بدرستیکه گردانید پروردگار تو زیر قوم تو جوی آب و میل ده بسوی خود
بجذع النخلة تسقط عليك رطبا جنيا ۝
تنهٔ درخت خرما تا فرو ریزد بر تو خرمای تر و تازه
فكلى واشربى وقرى عينا ۝ فاما ترين من
پس بخور و بیاشام و روشن کن چشم را پس اگر ببینی از
البشر احدا ۝ فقولى انى نذرت للرحمن صوما
آدمیان یکی را پس بگو بدرستیکه من نذر کردم برای خدای تعالی روزه را
فلن اكلم اليوم انسيا ۝ فاتت به قومها
پس سخن نگویم امروز با آدمی پس آورد او را قوم خود
تحمله قالوا يمريم لقد جئت شيئا فريا ۝
برداشته او را گفتند ای مریم بدرستیکه آوردی چیزی شگفت
يا اخت هرون ما كان ابوك امرا سوء وما
ای خواهر هارون نبود پدر تو مردی بد و نبود

قصه مریم علیها السلام بنت عمران [illegible]

ربع

ع

[illegible]

كانت

كانت امك بغيا ۝ فاشارت اليه قالوا كيف
مادر تو زناکار پس اشارت کرد بعیسی ع گفتند چگونه

نكلم من كان في المهد صبيا ۝ قال اني
سخن گوییم هر که باشد در گهواره کودکی گفت بدرستیکه من

عبد الله اتىنى الكتب وجعلنى نبيا ۝ و
بنده خدایم داد مرا کتاب و ساخت مرا پیغمبر و

جعلنى مبركا اين ما كنت واوصنى بالصلوة
کرد مرا با برکت هر جا که باشم و امر کرده مرا بنماز

والزكوة ما دمت حيا ۝ وبرا بوالدتي ولم
و زکوة مادام که باشم زنده و نیکو بمادر من و

يجعلنى جبارا شقيا ۝ والسلام علي يوم
نگردانید مرا گردنکش بدبخت و سلام بر من روز که

ولدت ويوم اموت ويوم ابعث حيا ۝
زادم و روز که بمیرم و روز که برانگیخته شوم زنده

ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي فيه
آنکه عیسی پسر مریم است گفتن درست آنکه در آن

يمترون ۝ ما كان لله ان يتخذ من ولد
شک دارند نیست مر خدا را آنکه بگیرد از فرزندی

سبحنه اذا قضى امرا فانما يقول له كن
پاکست او چون حکم کند کاری را پس جز این نیست که گوید مر او را باش

فيكون ۝ وان الله ربي وربكم فاعبدوه
پس باشد و بدرستیکه خدای تعالی پروردگار من و پروردگار شما پس پرستید او را

هذا صراط مستقيم ۝ فاختلف الاحزاب
این راه است راست پس اختلاف کردند جماعتها

من بينهم فويل للذين كفروا من مشهد
از میان یکدیگر پس وای مر آنان را که کافر شدند از حاضر شدن

يوم عظيم ۝ اسمع بهم وابصر يوم ياتوننا
روز بزرگ چه شنوا باشند و چه بینا روزی که بیایند

لكن الظلمون اليوم في ضلل مبين
لیکن ستمکاران امروز در گمراهی هویدا

وانذرهم يوم الحسرة اذ قضي الامر
و بیم کن ایشان را از روز حسرت چون ساخته شود کار

وهم في غفلة وهم لا يؤمنون انا نحن
وایشان در بیخبری وایشان نمیگروند بدرستیکه ما

نرث الارض ومن عليها والينا يرجعون
میراث زمین را وهرکه بر آنست و بسوی ما بازگردیده شوند

واذكر في الكتب ابرهيم انه كان صديقا
ویاد کن در قرآن قصهٔ ابراهیم ع بدرستیکه او بود راست گوینده

نبيا اذ قال لابيه يابت لم تعبد ما لا
پیغامبری چون گفت مر پدر خود ای پدر چرا میپرستی آنرا که نمی

يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئا
شنود و نمی بیند و دفع نکند از تو چیزی را

يابت اني قد جاءني من العلم ما لم يأتك
ای پدر بدرستیکه من بر آمده است بمن از دانش آنچه نیامده تو

فاتبعني اهدك صرطا سويا يابت لا
پس پیروی کن مرا تا بنمایم ترا راه راست ای پدر من

تعبد الشيطن ان الشيطن كان للرحمن
پرست دیو را بدرستیکه دیو هست مر خدا را

عصيا يابت اني اخاف ان يمسك عذاب
نافرمان ای پدر بدرستیکه من میترسم آنکه برسد تو عذاب

من الرحمن فتكون للشيطن وليا قال
از خدا تعالی پس باشی مر دیو را دوست گفت

اراغب انت عن الهتي يابرهيم لئن لم تنته
آیا روی گردانیده تو از خدایان ای ابراهیم ع اگر باز نه ایستی

لارجمنك واهجرني مليا قال سلام عليك
دشنام دهیم ترا و دور باشی زمانی گفت سلام بر تو

جماعتی بدان که کیم
یهود و نصاری در زمان
عیسی علیه السلام چه در
طریق نسطوریس کرفتند
زیانیان
ع
در جانب افراط
افتادند و بخلف
شدند زیانیان کرم
فرقه شدند نسطوریه
عیسی علیه السلام را
ابن الله گفتند و یعقوبیه
الله دو ملکانیه ثالث
ثلثه حضرت
قدسی ثابت و دیگر اب
ابن و

سَاَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّيْ اِنَّهٗ كَانَ بِيْ حَفِيًّا ۝
زود باشد که آمرزش طلبم برای تو از پروردگار خود هرآینه او هست بمن مهربان
وَاَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ
و کناره گیرم از شما و چیزی که میخوانید از جز خدای تعالی
وَاَدْعُوْا رَبِّيْ عَسٰۤى اَلَّاۤ اَكُوْنَ بِدُعَاۤءِ رَبِّيْ
و میخوانم خدای خود را شاید که نباشم بخواندن خدای خود
شَقِيًّا ۝ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ مِنْ
نا امید پس آنهنگام دور شد و چیزی که میپرستیدند از
دُوْنِ اللّٰهِ وَهَبْنَا لَهٗۤ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَكُلًّا
جز خدای تعالی بخشیدیم اورا اسحاق و یعقوب و همه را
جَعَلْنَا نَبِيًّا ۝ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّنْ رَّحْمَتِنَا وَ
گردانیدیم پیغمبران و بخشیدیم مرایشان را از بخشش خود و
جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ۝ وَاذْكُرْ
دادیم مرایشان را زبان راست بلند و یاد کن
فِي الْكِتٰبِ مُوْسٰۤى اِنَّهٗ كَانَ مُخْلَصًا وَّكَانَ رَسُوْلًا
در قرآن قصه موسی هرآینه او بود پاک کرده شده و بود فرستاده
نَّبِيًّا ۝ وَنَادَيْنٰهُ مِنْ جَانِبِ الطُّوْرِ الْاَيْمَنِ
خبر دهنده و آواز کردیم اورا از جانب طور ایمن
وَقَرَّبْنٰهُ نَجِيًّا ۝ وَوَهَبْنَا لَهٗ مِنْ رَّحْمَتِنَاۤ اَخَاهُ
و نزدیک گردانیدیم اورا و بخشیدیم مر اورا از مهربانی ما برادر او
هٰرُوْنَ نَبِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِسْمٰعِيْلَ
هارون پیغمبر بود و یاد کن در قرآن قصه اسمعیل
اِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُوْلًا نَّبِيًّا ۝
هرآینه او بود راست وعده و بود فرستاده خبر دهنده
وَكَانَ يَاْمُرُ اَهْلَهٗ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ وَكَانَ
و بود میفرمود کسان خود را بنماز و زکوة و بود
عِنْدَ رَبِّهٖ مَرْضِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ اِدْرِيْسَ
نزد پروردگار خود پسندیده و یاد کن در قرآن قصه ادریس

کلمات ... ده
آنچه که ... اینست
در بیان ... ابراهیم
علیه السلام ... پرستیدن
فارغ گردیده و یعقوب
مثل ... اطراف آن
جبال ...
ع
... بود
... در ... نماند
... در
... باز ... ۲
... ز ... آغاز
... ز ... و ... ت
... بآسمان
... فرزندی

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا
بدرستیکه او بود راست پیغمبری و برداشتیم او را مکانی
عَلِيًّا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ
بلند آنگروه آنانند که انعام کرد خدا تعالی بر ایشان از
النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ
پیغمبران از فرزندان آدم و از آنها که برداشتیم با
نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ
نوح ع و از فرزندان او ابراهیم ع و فرزندان یعقوب ع و از آنها که
هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ۚ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَٰنِ
راه نمودیم و برگزیدیم چون خوانده شود بر ایشان آیتهای خدا تعالی
خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝ فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ
بروی افتادند سجده کنان و گریان پس رسیدند از پس ایشان فرزندان
أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ ۖ فَسَوْفَ
و ضایع گذاشتند نماز و پیروی نمودند آرزوها پس زود باشد که
يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا
ببینند جزای گمراهی مگر آنکه بازگشته باشند و گرویدند و کردند کار شایسته
فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا
پس آنگروه درآورده شوند بهشت و ستم کرده نشوند چیزی
جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّهُ
بوستانهای اقامت آنها که وعده کرد خدا تعالی بندگان خود را پوشیده بدرستیکه
كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا
هست وعده او آینده نشنوند در آن بیهوده مگر
سَلَامًا ۖ وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ تِلْكَ
سلام و مر ایشان را روزی ایشان در آن بامداد و شبانگاه آن
الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا ۝
بهشت که میراث میدهیم از بندگان ما هرکه باشد پرهیزکار
وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ۖ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا
و فرود نمی آییم مگر بفرمان پروردگار تو مر او راست آنچه در پیش ماست

سجدة

وما خلفنا

وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ

و آنچه پس گذاشتیم و آنچه درمیان این نیست پروردگار تو

نَسِيًّا ۝ رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

فراموش آفریدگار آسمانها و زمین و آنچه میان ایشان است

فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ

پس پرستش کن او را و شکیبا شو بر پرستش او را آیا میدانی مر او را

سَمِيًّا ۝ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ ءَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ

همنامی و میگوید انسان آیا چون بمیرم هرآئینه زود

أُخْرَجُ حَيًّا ۝ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ

بیرون آورده شوم زنده آیا نمی اندیشد آدمی آنکه ما بیافریدیم او را

مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ۝ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ

پیش ازین و نبود چیزی پس بحق پروردگار تو حشر کنیم ایشان را

وَالشَّيٰطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۝

و دیوان پس حاضر کردانیم ایشان را گرداگرد دوزخ بزانو درآمده

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ

پس بیرون آریم از هر گروهی هرکدام که ایشان سخت

عَلَى الرَّحْمٰنِ عِتِيًّا ۝ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ

بر خدا تعالی از جهت سرکشی پس ما داناتریم بآنکه ایشان

أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ۝ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا

سزاوارتر آن از جهت درآمدن و نیست از شما مگر آنکه در رسنده

كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ۝ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ

هست بر پروردگار تو کاری حکم کرده شده پس نجات دهیم آنانرا که

اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظّٰلِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ

پرهیز کردند و بگذاریم ستمکاران در آن بزانو درآمدگان و چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ

بر ایشان آیتهای ما روشن گویند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که

آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ

گرویدند ای کدام دو گروه بهترند از جهت مکان و نیکوتر

و از بخور بر سخن گفت
و بهشت کی بود
...
ع
ثم لننزعن ...
... بجابر بن عبد الله
رضی الله عنه از حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و علی آله و اصحابه
... و سلم علیهم ...
کرده

نديا ۝ وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم

از مجلس و چند هلاک کردیم پیش از ایشان از گروهی ایشان

احسن اثاثا ورءيا ۝ قل من كان في الضللة

نیکوتر از رخت و زینت بگو هر که هست در گمراهی

فليمدد له الرحمن مدا ۝ حتى اذا راوا ما

پس باید که مدد کند او را خدای تعالی بارکشیدنی تا چون ببینند آنچه

يوعدون اما العذاب واما الساعة فسيعلمون

وعده کرده شدند یا عذاب در دنیا و یا روز قیامت پس زود باشد که بدانند

من هو شر مكانا واضعف جندا ۝ ويزيد

آنکه او بدتر از مکان و ضعیف‌تر از سپاه و افزاید

الله الذين اهتدوا هدى والبقيت الصلحت

خدای تعالی آنان که راه یافته اند راه نمودنی و باقی است کارهای نیک

خير عند ربك ثوابا وخير مردا ۝ افرءيت

بهتر نزد آفریدگار تو از پاداش و بهتر از بازگشت آیا دیدی

الذي كفر بايتنا وقال لاوتين مالا وولدا

آنان که کافر شد بآیتهای ما و گفت هر آینه داده شوم مال و فرزند را

اطلع الغيب ام اتخذ عند الرحمن عهدا ۝ كلا

آیا مطلع شده بر غیب یا فرا گرفته نزد خدای تعالی عهدی نه چنانست

سنكتب ما يقول ونمد له من العذاب مدا ۝

زود باشد که نویسیم آنچه میگوید و باز کشیم از عذاب بارکشیدنی

ونرثه ما يقول ويأتينا فردا ۝ واتخذوا من

و میراث گیریم آنچه میگوید و بیاید بوقت تنها و فرا گرفت از

دون الله الهة ليكونوا لهم عزا ۝ كلا سيكفرون

جز خدای تعالی خدایان تا باشد مر ایشان را عزت نه چنانست زود باشد که کافر شوند

بعبادتهم ويكونون عليهم ضدا ۝ الم تر

بپرستش ایشان و باشند بر ایشان دشمن آیا ندیدی

انا ارسلنا الشيطين على الكفرين تؤزهم

آنکه ما فرستادیم دیوان را بر کافران جنبانند ایشان را

که درود
و نزول آیت در حق ابی
و فاجری بمانند لالاکم
و نبی در آیتها ایشان آمد
بر مومنان سرو درود
سلامت باشند ضمن کلمه
ابراهیم علیه السلام
مویدان قول است
ابن عوف نبی و تعالی
میفرمایند و در تب ب
در شان عاص بن وائل ابن الذی
رنجید نبی در شان بود
ع
الاوان
در بن بن
ربخید عمر او اول
بن وائل

ازا

أَزًّا ۝ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ۝
خواهیدی پس شتاب مکن بر ایشان جز این نیست که شماریم برایشان شمردنی
يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ۝ وَنَسُوقُ
روزی که جمع آریم پرهیزکاران را بسوی خدای تعالی سوار باشند و برانیم
الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ۝ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ
کافران را بسوی دوزخ تشنگان نتوانند درخواست
إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ
مگر کسی که گرفته نزد خدای تعالی پیمانی و گفتند گرفت
الرَّحْمٰنُ وَلَدًا ۝ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ۝ تَكَادُ
خدای تعالی فرزندی بدرستیکه آوردید چیزی زشت نزدیک است
السَّمٰوٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ
که آسمانها شکافته شوند از آن و شکافته شود زمین
وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ۝ أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمٰنِ وَلَدًا ۝
و بیفتد کوهها شکسته از آنکه خواندند مر خدای را فرزند
وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمٰنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ۝ إِنْ كُلُّ
و نسزد مر خدای را آنکه گیرد فرزندی نیست هرکه
مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمٰنِ عَبْدًا
در آسمانها و زمین مگر آینده است خدای تعالی را بنده
لَقَدْ أَحْصٰهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ۝ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ
بدرستیکه همه را دانسته و شمرده ایشان را شمردنی و همه ایشان آینده اند
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَرْدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
روز قیامت تنها بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند
الصّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ۝ فَإِنَّمَا
عمل شایسته زود باشد که پدید کند برای ایشان خدای تعالی دوستی پس جز این نیست
يَسَّرْنٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ
که آسان کردیم قرآن را برای زبان تو تا مژده دهی بدو پرهیزکاران را و بیم کنی
بِهِ قَوْمًا لُدًّا ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ
بآن گروه ستیزه کنان و چند هلاک کردیم پیش از ایشان از اهل زمانی هیچ

[illegible] زن بخو[illegible]
روزی [illegible] دادی
کرد تقاضا کرد
او گفت داد مر او را
باز [illegible] بحمد [illegible]
علیه و آله و صحبه و سلم
[illegible]
[illegible]
١٢. آنحضرت صلی الله
علیه و آله و صحبه و سلم
[illegible] ده و نه زنده روز [illegible]
[illegible] کهف
[illegible] سورت
[illegible]

[illegible]

هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا
می دانی از ایشان یکی را یا میشنوی مرایشانرا آوازی

## سورة طه مكية وهي مائة وخمس وثلثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

طه ۝ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ ۝
ای انسان کامل نفرستاده ایم بتو قرآن را تا رنجه شوی

إِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشَىٰ ۝ تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ
مگر پندی برای کسیکه بترسد فرستادنی ازانکه آفرید

الْأَرْضَ وَالسَّمٰوٰتِ الْعُلَى ۝ الرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ
زمین و آسمانها بلند تر او است خدایتعالی بر عرش

اسْتَوَىٰ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
استوی مراورا است آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است

وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ ۝ وَإِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ
وآنچه میان ایشان وآنچه زیر طبقه ثری واگر آشکارا کنی سخن را

فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ۝ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
پس بدرستیکه او میداند پنهان و خفی خدایتعالی نیست معبودی مگر او

لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ ۝ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ
مراورا است نامهای نیکو وآیا آمده بتو خبر

مُوسَىٰ ۝ إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا
موسی چون دید آتشی پس گفت مراهل خودرا درنگ کنید

إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ
بدرستیکه من دیدم آتشی شاید که بیاورم برای شما ازان بچوبی نار گرفته یا

أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ۝ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَىٰ
بیابم بر آتش رهنمایی پس آنهنگام که بیامد بدان ندا کرده شد یا موسی

إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ
بدرستیکه من پروردگار توام پس دورکن نعلین خودرا بدرستیکه تو بوادی پاکیزه

نصف
ع

[illegible]

طوى

طُوًى ۝ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

اسم طوی و من برگزیدم ترا پس گوش دار مر آنچه وحی شود

إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي ۝ وَأَقِمِ

بدرستیکه منم خدای تعالی نیست معبودی بجز من پس پرستش کن مرا و بر پا دار

الصَّلَوٰةَ لِذِكْرِي ۝ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ

نماز برای یاد کردن من بدرستیکه قیامت آینده است میخواهم

أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ۝ فَلَا يَصُدَّنَّكَ

که پنهان دارم تا مزد داده شود هر تنی آنچه شاید پس باید که باز ندارد ترا

عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

از ایمان بقیامت آنکه نمیگرود بوقوع آن و پیروی کرده است آرزوی نفس خود پس هلاک شوی

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ۝ قَالَ هِيَ عَصَايَ

و چه چیز است بدست راست تو ای موسی گفت این عصای منست

أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا

تکیه کنم بر آن و میریزم بآن عصا برگ گوسفندان خود و مرا در آن

مَآرِبُ أُخْرَىٰ ۝ قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ ۝ فَأَلْقَاهَا

کارهای دیگر است گفت بیفکن ای موسی پس بیفکند او را

فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ۝ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ

پس ناگاه آن ماری بود می شتافت گفت بگیر وی را و مترس

سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ۝ وَاضْمُمْ يَدَكَ

زود باشد که باز کنیم بهیات نخستین و بر دست خود را

إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً

بسوی پهلوی خود تا بیرون آید سفید از بی علتی آیتی

أُخْرَىٰ ۝ لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ۝ اذْهَبْ

دیگر تا بنمایم ترا از نشانهای ما بزرگی برو بدین دو معجزه

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۝ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي

بسوی فرعون بدرستیکه او از حد گذشته است گفت ای پروردگار من گشاده کن برای من

صَدْرِي ۝ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ۝ وَاحْلُلْ عُقْدَةً

سینه من و آسان کن برای من کار من و بگشای گره

یا رسول سوره
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] علیه و آله و
[illegible] و اصحابه و سلم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
[illegible]
آنحضرت صلی الله
علیه و آله و سلم

مِن لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا
از زبان من تا فهم کنند قول مرا وگردان برای من یاری دهنده
مِّنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي
از کسان من هارون برادر من محکم کن به برادر من پشت مرا
وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا
وانباز کن در کار من تا پاکی یاد کنیم ترا بسیار
وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا
و یاد کنیم ترا بسیار بدرستیکه تو هستی باحوال ما بینا
قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ وَلَقَدْ مَنَنَّا
گفت هرآئینه داده شد مطلوب تو ای موسی و بدرستیکه منت نهادیم
عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا
بر تو باری دیگر چون وحی کردیم بسوی مادر تو آنچه
يُوحَىٰ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ
سزاوار وحی بود انکه بیفکن موسی را در صندوق پس بیفکن اورا
فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ
در دریا پس بیفکند دریا بکناره آن تا بگیرد اورا
عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً
دشمنی که مراست و دشمن اورا وافکندم بر تو دوستی
مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ
از من و تا پرورده شوی بر دیده من چون رفت خواهر تو
فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ
پس گفت آیا دلالت کنم شمارا برکسیکه تکفل این پسر کند پس بازگردانیدیم ترا
إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ
بسوی مادر تو تا روشن شود چشم مادر تو و تا غمگین نباشد و بکشتی
نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا
نفسی را پس نجات دادیم ترا از غم و بیازمودیم ترا آزمودنی
فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ
پس درنگ کردی سالها در اهل مدین پس آمدی

عَلٰى قَدَرٍ يّٰمُوْسٰى ۝ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِيْ ۝

بر اندازه ای موسی ۴ و برگزیدم ترا برای محبت خود

اِذْهَبْ اَنْتَ وَاَخُوْكَ بِاٰيٰتِيْ ۝ وَلَا تَنِيَا فِيْ

برو تو و برادر تو بمعجزات من و سستی نکنید در

ذِكْرِيْ ۝ اِذْهَبَا اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ۝ فَقُوْ

ذکر من بروید بسوی فرعون بدرستیکه او در عصیان پس گویید

لَا لَهٗ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى ۝

مراو سخن نرم شاید که او پند گیرد یا بترسد

قَالَا رَبَّنَآ اِنَّنَا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَآ اَوْ اَنْ

گفتند ای پروردگار ما بدرستیکه ما میترسیم آنکه شتاب بر ما یا آنکه

يَّطْغٰى ۝ قَالَ لَا تَخَافَآ اِنَّنِيْ مَعَكُمَآ اَسْمَعُ وَاَرٰى ۝

زیاده کند طغیان گفت مترسید بدرستیکه من با شما ام بشنوم و ببینم

فَاْتِيٰهُ فَقُوْلَآ اِنَّا رَسُوْلَا رَبِّكَ فَاَرْسِلْ مَعَنَا

پس بروید پس گویید بدرستیکه ما فرستاده پروردگار تو پس بفرست با ما

بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۝ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۝ قَدْ جِئْنٰكَ بِاٰيَةٍ

بنی اسرائیل و عذاب مکن بایشان بدرستیکه آوردیم تو معجزه

مِّنْ رَّبِّكَ ۝ وَالسَّلٰمُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى ۝

از پروردگار تو و سلام بر آنکس که پیروی کند راه راست

اِنَّا قَدْ اُوْحِيَ اِلَيْنَآ اَنَّ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ كَذَّبَ

بدرستیکه وحی کرده شد بما بآنکه عذاب بآنکه تکذیب کند

وَتَوَلّٰى ۝ قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمَا يٰمُوْسٰى ۝ قَالَ رَبُّنَا

و برگردد گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی ع گفت پروردگار ما

الَّذِيْٓ اَعْطٰى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهٗ ثُمَّ هَدٰى ۝

آنکه داد هر چیزی شکل او پس راه نمود

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُوْنِ الْاُوْلٰى ۝ قَالَ عِلْمُهَا

گفت پس چیست حال قرنهای نخستین گفت علم آن

عِنْدَ رَبِّيْ فِيْ كِتٰبٍ ۚ لَا يَضِلُّ رَبِّيْ وَلَا يَنْسَى ۝

نزد پروردگار من است در لوح محفوظ خطا نکند پروردگار من و فراموش نکند

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الۡاَرۡضَ مَهۡدًا ۝ وَسَلَكَ لَكُمۡ
آنكه گردانيد براى شما زمين فرشى و روشن كرد براى شما

فِيهَا سُبُلًا ۝ وَاَنۡزَلَ مِنَ السَّمَاۤءِ مَاۤءً فَاَخۡرَجۡنَا
دران راهها و فرستاد از آسمان آبى پس بيرون آورد

بِهٖۤ اَزۡوَاجًا مِنۡ نَبَاتٍ شَتّٰى ۝ كُلُوا وَارۡعَوۡا
بآن اصناف ميوه‌هاى گوناگون از رستنيهاى پراكنده بخوريد و بچرانيد

اَنۡعَامَكُمۡ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِاُولِي النُّهٰى ۝
چهارپايان را بدرستيكه درين نشانها مر خداوندان خردها

مِنۡهَا خَلَقۡنٰكُمۡ وَفِيهَا نُعِيدُكُمۡ وَمِنۡهَا نُخۡرِجُكُمۡ
ازان آفريديم شمارا و دران بازبريم شمارا و ازان بيرون آريم شمارا

تَارَةً اُخۡرٰى ۝ وَلَقَدۡ اَرَيۡنٰهُ اٰيٰتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ
بارى ديگر و بدرستيكه نموديم اورا نشانهاى خود همه پس تكذيب كرد

وَاَبٰى ۝ قَالَ اَجِئۡتَنَا مِنۡ اَرۡضِنَا بِسِحۡرِكَ
و سر باززد گفت آيا آمده اى موسى ع از زمين ما بجادوى خود

يٰمُوسٰى ۝ فَلَنَاۡتِيَنَّكَ بِسِحۡرٍ مِثۡلِهٖ فَاجۡعَلۡ
اى موسى ع پس بياريم بتو سحرى مانند آن پس مقرر كن

بَيۡنَنَا وَبَيۡنَكَ مَوۡعِدًا لَا نُخۡلِفُهٗ
ميان ما و ميان تو وعده گاهى خلاف نكنيم اورا

نَحۡنُ وَلَاۤ اَنۡتَ مَكَانًا سُوًى ۝
ما و نه تو جايى راست كه در وى جا ستر

قَالَ مَوۡعِدُكُمۡ يَوۡمُ الزِّينَةِ وَاَنۡ يُحۡشَرَ
گفت وعدهٔ شما روز آرايش است و آنكه جمع كنند

النَّاسُ ضُحًى ۝ فَتَوَلّٰى فِرۡعَوۡنُ فَجَمَعَ كَيۡدَهٗ
مردمان را در چاشتگاه پس برگشت فرعون پس جمع كرد مكر

ثُمَّ اَتٰى ۝ قَالَ لَهُمۡ مُوسٰى وَيۡلَكُمۡ لَا تَفۡتَرُوا
پس آمد بوعده گاه گفت مرايشان موسى ع واى برشما افترا مكنيد

عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا فَيُسۡحِتَكُمۡ بِعَذَابٍ وَقَدۡ خَابَ
بر خداى تعالى دروغى كه از بيخ بركند شمارا بعذاب و بدرستيكه نوميد شد

ولقد اريناه

ع

مكرر يكبار

من افترى

مَنِ افْتَرَىٰ ۝ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَ
هرکه برگشت پس گفت وگو کردند جادوان در کار خود میان یکدیگر و

أَسَرُّوا النَّجْوَىٰ ۝ قَالُوا إِنْ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ
پنهان داشتند راز گفتن گفتند بدرستیکه این جادوگرانند

يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا
میخواهند آنکه بیرون کنند شارا از زمین شما بجادوی خود

وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ ۝ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ
و ببرند مذهب شمارا که ظاهر است پس جمع کنید مکر خودرا

ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا ۝ وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَىٰ
پس بیایید صف کشیده و بدرستیکه نوز رفت امروز هرکه برتر آمد

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ
گفتند ای موسی ع یا آنکه تو افکنی عصا و یا آنکه ما باشیم نخست

مَنْ أَلْقَىٰ ۝ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ
کسیکه بیفکند گفت بلکه شما افکنید پس از انجا رسنها

وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ
و عصاهای ایشان نموده شد بموسی ع از جادوی ایشان بدرستیکه آنها میدوند

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَىٰ ۝ قُلْنَا
پس یافت در خود خوف موسی ع گفتیم

لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَىٰ ۝ وَأَلْقِ مَا فِي
مترس بدرستیکه توی برتر و بیفکن آنچه در

يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ
دست راست تست تا فرو برد آنچه ساخته اند بدرستیکه آنچه ساخته اند و فریب

سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ۝ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ
جادوگر و رستگاری نیابند جادوان بهر جا که رود پس افکنده جادوان

سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ
درحالتیکه سجده کنندگان گفتند گرویدیم بپروردگار هارون ع و موسی ع

قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ
گفت آیا ایمان آوردید او را پیش ازانکه دستوری دهم شمارا بدرستیکه او بزرگ شماست

موسی علیه السلام
عصا بیفکند فی الحال
ازدهای عظیم شد

معجزه موسی است علیه السلام
کنند بقوت قدرت خدای
سحر سحر دیگر را باطل می
کرد این سحر نیست زیراکه
نشد جادوان دانستند
او را اگر فرستد همان عصا
بجا دیدند موسی علیه السلام
روی بجز

الذی علمکم السحر فلاقطعن ایدیکم و
آنکه بیاموخت شمارا جادو پس ببرم دستهای شما و
ارجلکم من خلف ولاصلبنکم فی جذوع
پایهای شما از خلاف یکدیگر و بیاویزم شمارا بر تنهای درخت
النخل ولتعلمن اینا اشد عذابا وابقی
خرما و تا بدانید کدام از ما سخت تراست از عذاب کردن و پاینده تر
قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من البینت
گفتند نگزینیم ترا بر آنکه آمد بما از معجزات
والذی فطرنا فاقض ما انت قاض انما تقضی
و آنکس که آفرید مارا پس بکن هرچه هستی کننده چنین نیست که حکم کنی
هذه الحیوة الدنیا انا امنا بربنا لیغفر لنا
زندگانی دنیارا بدرستیکه ما گرویدیم بپروردگار خود تا بیامرزد مارا
خطینا وما اکرهتنا علیه من السحر والله
گناهان ما و آنچه اکراه کردی مارا بران از جادو و خدا
خیر وابقی انه من یات ربه مجرما فان
بهتر است و پاینده بدرستیکه هرکه آید پروردگار خود گنهکار پس بدرستیکه
له جهنم لا یموت فیها ولا یحیی ومن یاته مؤمنا
مراوراست دوزخ نمیرد دران و نه زنده و هرکه بیاید بوی که مومن باشد
قد عمل الصلحت فاولئک لهم الدرجت
بتحقیق کرده کارهای ستوده پس آن گروه مرایشانراست درجهای
العلی جنت عدن تجری من تحتها الانهر
بلند بوستانهای پاینده میرود از زیر آن جویها
خلدین فیها وذلک جزاء من تزکی
جاوید باشند دران و این ثواب آنکه باشد پاک
ولقد اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی
و بدرستیکه وحی کردیم ما بسوی موسی که ببر بندگان مرا
فاضرب لهم طریقا فی البحر یبسا لا تخاف
پس فراگیر برای ایشان راهی در دریای خشک نترسی

ثلثه
ع

و به دریا بزند
اولاد ...
ببیند ...
...
...
...

درکه

دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ ۝ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ
از یافتن دشمن و نترسی از غرق شدن پس از پی در آمد بنی اسرائیل را فرعون با لشکر خود

فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ
پس دریافت ایشان را از دریا آنچه یافت ایشان را و گمراه کرد فرعون

قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم
قوم خود را و راه ننمود ایشان را ای بنی اسرائیل هر آینه برهانیدیم شما را

مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ
از دشمن شما و وعده دادیم شما را جانب راست کوه طور

الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ ۝
و فرستادیم بر شما ترنجبین و مرغ بریان

كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا
بخورید از پاکیزه آنچه روزی دادیم شما را و از حد مگذرید

فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ۝ وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ
در آن پس فرود آید بر شما خشم من و هر که فرود آید بر او

غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ ۝ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ
خشم من پس افتاد در هوی و بدرستیکه من آمرزنده ام مر آنکه توبه کرد

وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ۝ وَمَا
و بگرود و بکند کار نیک پس راه یافت و چه چیز

أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ ۝ قَالَ هُمْ أُولَاءِ
شتابان ساخت ترا از گروه خود ای موسی ع گفت ایشان گروه

عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ ۝
بر من برسند و شتافتم بسوی تو ای پروردگار تا خشنود شوی

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ
گفت پس ما در فتنه انداختیم قوم ترا از پس تو و گمراه ساخت ایشان را

السَّامِرِيُّ ۝ فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا ۝
سامری پس بازگشت موسی ع بسوی قوم خود خشمناک اندوهناک

قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۝
گفت ای گروه آیا وعده نداد شما را پروردگار شما وعده نیکو

أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ

آیا دراز شد بر شما مفارقت یا خواستید اگر فرود آید بر شما

غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي قَالُوا

خشمی از پروردگار شما پس خلاف کردید عهد مرا گفتند

مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَٰكِنَّا حُمِّلْنَا

خلاف نکردیم ما وعده ترا بقوت اختیار ولیکن ما برداشته شدیم

أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَٰلِكَ

بارها از پیرایه قوم طلبیان پس افکندیم آنرا پس همچنان

أَلْقَى السَّامِرِيُّ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ

افکندیم سامری پس بیرون آورد برای گوساله کالبدی مرا او را بانگ گوساله

فَقَالُوا هَٰذَا إِلَٰهُكُمْ وَإِلَٰهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ

پس گفتند اینست خدای شما وخدای موسی ع پس فراموش کرد

أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ

آیا نمی بینند اگر باز گرداند بسوی ایشان سخنی را و نمیتواند بایشان

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ

زیانی و نه سودی و بدرستیکه گفت مرایشانرا هارون ع از

قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَٰنُ

پیش ای قوم من جز این نیست که مبتلا شدید بر پرستش او و بدرستیکه پروردگار شما خدای

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ

پس پیروی کنید مرا و گردن نهید فرمان مرا گفتند پیوسته باشیم بر پرستش او

عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ قَالَ يَا هَارُونُ

مجاوران تا باز گردد بسوی ما موسی ع گفت ای هارون

مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ

چه چیز باز داشت ترا چون دیدی ایشانرا گمراه شدند اگر متابعت کنی آیا سرکشیدی

أَمْرِي قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي

فرمان من گفت ای پسر مادر من مگیر محاسن مرا و نه موی سر مرا

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

بدرستیکه من ترسیدم آنکه تو گوی جدا افکندی میان بنی اسرائیل

قوم موسی علیه السلام
گوساله ...
... موسی علیه السلام ...

ع

ولم

وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَٰسَٰمِرِيُّ
ونگاه نداشتی سخن مرا گفت پس چیست کار بزرگ شما ای سامری
قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِۦ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً
گفت بینا شدم بآنچه بینا نبودند بآن پس گرفتم مشتی خاک
مِّنْ أَثَرِ ٱلرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ
از نشان سم اسب رسول پس انداختیم آنرا در گوساله و همچنین بیاراست
لِي نَفْسِي ۝ قَالَ فَٱذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي ٱلْحَيَوٰةِ
برای من نفس من گفت پس بیرون رو پس بدرستیکه مر تراست در زندگانی
أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُۥ
آنکه گوئی مساس مکن مرا و بدرستیکه مر تراست وعده گاهی که خلاف تو [illegible]
وَٱنظُرْ إِلَىٰٓ إِلَٰهِكَ ٱلَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا ۝
و نگاه کن بآن معبودی که بودی پیوسته بر پرستش او مقیم
لَّنُحَرِّقَنَّهُۥ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُۥ فِي ٱلْيَمِّ نَسْفًا ۝ إِنَّمَا
بسوزانیم اورا پس پراکنده سازیم خاکستر او را در دریا پراکنده ساختنی جز این نیست
إِلَٰهُكُمُ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ
که معبود شما خدای است آنکه نیست معبودی مگر او و دانسته است همه چیز را
عِلْمًا ۝ كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنۢبَآءِ مَا قَدْ سَبَقَ
دانا همچنانکه میخوانیم بر تو آنچه گذشته است از امور سابقه
وَقَدْ ءَاتَيْنَٰكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ۝ مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُۥ يَحْمِلُ يَوْمَ
و بدرستیکه دادیم ترا از نزد ما یادی هر که رو بگرداند از وی پس آن بر دارد روز قیامت
ٱلْقِيَٰمَةِ وِزْرًا ۝ خَٰلِدِينَ فِيهِ وَسَآءَ لَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ حِمْلًا ۝ يَوْمَ
باری بر جاوید مانند در آن و بد است برای ایشان روز قیامت بار ایشان که عذاب کفرست روزیکه
يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ وَنَحْشُرُ ٱلْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا
دمیده شود در صور و حشر کنیم گناهکاران را در آن روز کبود چشمان
يَتَخَٰفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝ نَّحْنُ
پنهان با یکدیگر گویند درنگ نکردیم مگر ده شبانروز
أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً
داناتریم بآنچه میگویند چون گوید افضل ایشان از عمل

موسی علیه السلام
[illegible]

ان لبثتم الا يوما ۝ ويسئلونك عن الجبال
درنگ نکردید مگر روزی و میپرسند ترا از کوهها
فقل ينسفها ربي نسفا ۝ فيذرها قاعا صفصفا
پس بگو پراکنده سازد ایشانرا پروردگار من پراکنده ساختنی پس بگذارد ایشانرا زمین خالی هموار
لا ترى فيها عوجا ولا امتا ۝ يومئذ يتبعون
نه بینی دران پستی و نه بلندی در ان روز پیروی کنند
الداعي لا عوج له وخشعت الاصوات
همه مردمان کجی نکند مر ورا و پست شود آوازها
للرحمن فلا تسمع الا همسا ۝ يومئذ لا تنفع
برای رحمن پس نشنوی مگر آواز نرم آن روز سود ندارد
الشفاعة الا من اذن له الرحمن ورضي له
درخواست کسی مگر آنرا که دستوری دهد مر شفاعت اورا خدای تعالی و پسندد برای وی
قولا ۝ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
سخن میداند آنچه پیش از دستهای ایشانست و آنچه از پس ایشان
ولا يحيطون به علما ۝ وعنت الوجوه للحي
و نمیتوانند احاطه کرد بخدای تعالی دانش و خوار شوند رویها مر خدای زنده
القيوم وقد خاب من حمل ظلما ۝ ومن
پاینده و نومید شد هر که بر داشت بار ظلم و هر که
يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف
کند از کارهای ستوده و او مومن باشد پس نترسد از
ظلما ولا هضما ۝ وكذلك انزلناه قرانا
ستم را و نقصان ثواب را و همچنین فرستادیم قرآن
عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم
بلغت عرب و گردانیدیم در و از وعید شاید که ایشان
يتقون او يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله
پرهیزند یا پیدا کند مر ایشانرا پندی پس برتر است خدای تعالی
الملك الحق ولا تعجل بالقران من قبل ان
که پادشاه راست است و شتاب منمای بقرائت قرآن پیش از آنکه

يقضى

ويسئلونك عن الجبال
[illegible]

يقضى اليك وحيه وقل رب زدني علما
گزارده شود بتو فرود آمدن وحی او وبگو ای پروردگار من بیفزای مرا دانش
ولقد عهدنا الى ادم من قبل فنسي ولم
و بدرستیکه ما وحی فرستادیم بسوی آدم ع از پیش پس فراموش کرد و
نجد له عزما واذ قلنا للملئكة اسجدوا
نیافتیم مر او را عزمی و چون گفتیم مر فرشتگان را سجده کنید
لادم فسجدوا الا ابليس ابى فقلنا يادم
مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس سر باز زد پس گفتیم ای آدم ع
ان هذا عدو لك ولزوجك فلا يخرجنكما
بدرستیکه این دشمنیست مر ترا و مر جفت ترا پس باید که بیرون نکند شما را
من الجنة فتشقى ان لك الا تجوع فيها
از بهشت پس در رنج افتی بدرستیکه مر تراست آنکه گرسنه نشوی در آن
ولا تعرى وانك لا تظمؤا فيها ولا تضحى
و برهنه نشوی و آنکه تو تشنه نشوی در بهشت و در آفتاب نمی مانی
فوسوس اليه الشيطن قال يادم هل
پس وسوسه کرد بسوی آدم ع شیطان گفت ای آدم ع آیا
ادلك على شجرة الخلد وملك لا يبلى
دلالت کنم ترا بر درخت جاوید و ملکی که کهنه نشود
فاكلا منها فبدت لهما سوءتهما وطفقا يخصفن
پس بخوردند از آن پس آشکارا شد مر ایشان را عورات ایشان و در استادند که می چسپانیدند
عليهما من ورق الجنة وعصى ادم ربه
بر عورات از برگ درخت بهشت و خلاف کرد آدم ع از پروردگار خود
فغوى ثم اجتبه ربه فتاب عليه
پس بی بهره ماند پس برگزید او را پروردگار او پس قبول کرد توبه او را
وهدى قال اهبطا منها جميعا بعضكم
و راه نمود او را گفت فرود روید از بهشت همه بعضی از شما
لبعض عدو فاما ياتينكم مني هدى فمن
مر بعضی دشمن پس اگر بیاید بشما از نزد من راه نماینده پس هر که

صلی الله علیه و آله

فوسوس الیه الشیطان

تبع هداي فلا يضل ولا يشقى ۝ ومن

پیروی کند آن هدی مرا پس گمراه نشود و در رنج نیفتد و هر که

أعرض عن ذكري فان له معيشة

رو برتابد از پند من پس بدرستیکه مر او راست زیستن

ضنكا ۝ ونحشره يوم القيمة أعمى ۝ قال

تنگ وحشر کنیم آن روز قیامت نابینا گفت

رب لم حشرتني أعمى ۝ وقد كنت بصيرا ۝

ای پروردگار چرا حشر کردی مرا نابینا و بدرستیکه بودم بینا

قال كذلك أتتك آيتنا فنسيتها وكذلك

گوید همچنین آمد ترا آیتهای ما پس ترک کردی آنرا و همچنانکه

اليوم تنسى ۝ وكذلك نجزي من أسرف

امروز ترک کرده شوی و همچنانکه پاداش میدهیم آنرا که از حد گذشته

ولم يؤمن بايت ربه ولعذاب الاخرة

و نگرود بآیات پروردگار خود و عذاب آخرة

أشد وأبقى ۝ أفلم يهد لهم كم أهلكنا

سخت ترست و پاینده تر آیا راه ننمود مر مشرکان را چند هلاک کردیم

قبلهم من القرون يمشون في مسكنهم

پیش از ایشان از قرنها رفتن ایشان در مساکن خود

ان في ذلك لايت لاولي النهى ۝ ولولا كلمة

بدرستیکه در این نشانها مر خداوندان ناهیه را و اگر کلمه است

سبقت من ربك لكان لزاما وأجل مسمى

پیش گرفته از پروردگار تو بودی لازم و وقتی نام برده

فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد ربك

پس صبر کن بر آنچه گویند ونماز گذار بحمد پروردگار تو

قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن اناء

پیش از طلوع آفتاب و پیش از فرو رفتن آن و بعض از ساعتهای

اليل فسبح وأطراف النهار لعلك ترضى ۝

شب پس نماز گذار و طرفهای روز شاید که خشنود شوی

ع

ولا تمدن

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا
وباز مکش چشمهای خود بسوی آنچه برخورداری دادیم آن جفتها را
مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ
از کفره زهره زندگانی دنیا تا بیازمائیم ایشان را در آن و
رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَوٰةِ
روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر وامر کن کسان خود را بنماز
وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۝ نَّحْنُ نَرْزُقُكَ
وصبر کن بر آن نمیخواهیم ترا روزی ما روزی دهیم ترا
وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا
وسرانجام پسندیده مر اهل تقوی را وگفتند چرا نمی آرد بما
بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ
آیتی از پروردگار او آیا نیامد بایشان گواهی آنچه در کتابهای
الْأُولَىٰ ۝ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَٰهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ
پیشین است واگر هلاک کردیم ایشان را بعذاب قبل از ارسال رسول
لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا
هر آینه گفتندی ای پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما فرستاده
فَنَتَّبِعَ آيَٰتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَىٰ
پس پیروی کردیمی آیتهای ترا پیش از آنکه رسوا و خوار نشدیم
قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَٰبُ الصِّرَٰطِ
بگو هر یکی منتظر است پس انتظار برید پس زود باشد که بدانید که کیست خداوندان راه
السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ
راست و کیست راه یافته

## سورة الأنبياء عليهم السلام مكية وهي مائة واثنا عشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ
نزدیک آمد مر مردمان را محاسبه ایشان وایشان در بیخبری اعراض کنندگانند
مَا يَأْتِيهِم مِّن ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِم مُّحْدَثٍ
نیامد بایشان هیچ پندی از پروردگار ایشان منزل

الجزء السابع عشر

ولا تمدن عينيك

إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝ لَاهِيَةً
مگر شنیدند آنرا وایشان بازی کنندگانند درحالتیکه مشغول است

قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ
دلهای ایشان وپوشیده داشتند راز گفتن خود آنانکه ستم کردند راز

هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ
انست مگر آدمی مانند شما آیا میروید بجادوئی وشما

تُبْصِرُونَ ۝ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ
میبینید بگو پروردگار من میداند گفتن در آسمان

وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ بَلْ قَالُوا
ودر زمین واوست شنوا دانا بلکه گفتند

أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ
خوابهای شوریده بلکه بربسته است بلکه او شاعر است

فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ ۝ مَا آمَنَتْ
پس باید که بیارد بما معجزه همچنانکه فرستاده بودند پیشینیان ایمان نیاورد

قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ
پیش از ایشان از هیچ ده که هلاک کردیم ایشانرا آیا مشرکان عرب ایمان می‌آرند

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ
ونفرستادیم پیش از تو مگر مردانی که وحی فرستاده شد بسوی ایشان

فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
پس بپرسید از اهل کتاب اگر هستید که نمیدانید

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ
ونساختیم پیغمبرانرا خداوند جسدی که نان نخورند خوردنی

وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ۝ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ
ونبودند باقی پس درست کردیم ایشانرا وعده

فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ
پس نجات دادیم ایشانرا وهرکرا خواستیم وهلاک کردیم گزاف کارانرا

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا
هرآئینه فرستادیم بسوی شما کتابی که در وی است ذکر شما آیا درنمی‌یابید

تعقلون

ع

تعقلون ۝ وكم قصمنا من قرية كانت ظالمة
و چند در هم شکستیم از ده که بود ستمکاره

وانشأنا بعدها قوما آخرين ۝ فلما احسوا
و پیدا کردیم از پس هلاک آن گروه دیگر پس آنگاه که دریافتند

بأسنا اذا هم منها يركضون ۝ لا تركضوا
عذاب ما ناگاه ایشان از آن بزیمت میگریختند مگریزید

وارجعوا الى ما اترفتم فيه ومسكنكم
و باز گردید سوی آنچه بنعمت شدید در آن و مسکنهای خود

لعلكم تسئلون ۝ قالوا يويلنا انا كنا
تا باشد که رسیده شوید گفتند ای وای بر ما هر آینه ما بودیم

ظلمين ۝ فما زالت تلك دعويهم حتى جعلنهم
ستمکاران پس همیشه بود این خواندن ایشان تا کردیم ایشان را

حصيدا خمدين ۝ وما خلقنا السماء و
همچو گیاه درو کرده و نیافریدیم آسمان و

الارض وما بينهما لعبين ۝ لو اردنا
زمین و آنچه میان ایشانست در حالتیکه بازی کننده بودیم اگر خواستیم ما

ان نتخذ لهوا لاتخذنه من لدنا ان كنا
آنکه فرا گیریم بازی فرا میگرفتیم از نزدیک خود اگر بودیم

فعلين ۝ بل نقذف بالحق على الباطل
کننده بلکه مسلط کنیم حق را بر باطل

فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل
پس فرو شکند آن پس ناگاه او نیست شونده و شما راست حسرت

مما تصفون ۝ وله من في السموت والارض
از آنچه صفت میکنید و مر او راست هر که در آسمانها و زمین است

ومن عنده لا يستكبرون عن عبادته
و کسانیکه نزدیک ویند سرکشی نمیکنند از پرستش او

ولا يستحسرون ۝ يسبحون اليل والنهار
و مانده نمیشوند تسبیح میکنند شب و روز

لا يفترون ۝ ام اتخذوا الهة من الارض

ضعیف نمیشوند — آیا کرفتند — خدایان باطل را — از زمین

هم ينشرون ۝ لو كان فيهما الهة الا الله

ایشان زنده کنند کانند — اکر باشد در آسمان و زمین خدایان — مکر خدای تعالی

لفسدتا فسبحن الله رب العرش عما

تباه شود آسمان و زمین پس تنزیه کن خدای را پروردکار عرش — از آنچه

يصفون ۝ لا يسئل عما يفعل وهم يسئلون

وصف کنند — پرسیده نشود — از آنچه بکند — و ایشان پرسیده شوند

ام اتخذوا من دونه الهة قل هاتوا برهنكم

آیا کرفتند — بجز خدای تعالی خدایان را — بکو بیارید — دلیل خود را

هذا ذكر من معى وذكر من قبلى بل اكثرهم

این یاد کرد کسانی که با منند و یاد کرد پیش از من بلکه بیشتر ایشان

لا يعلمون الحق فهم معرضون ۝ وما

نمیدانند راست را پس ایشان اعراض کنند کانند — و نه

ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحى

فرستادیم پیش از تو هیچ فرستاده — مکر وحی کرده شد

اليه انه لا اله الا انا فاعبدون ۝ وقالوا

بسوی آنکه نیست معبودی مکر من پس مرا پرستید — و کفتند

اتخذ الرحمن ولدا سبحنه بل عباد مكرمون

واکرفت خدای تعالی فرزندی پاکست او بلکه فرشتکان کرامی داشته کان

لا يسبقونه بالقول وهم بامره يعملون

پیشی نکیرند بر رضای تعالی بسخن کفتن و ایشان بفرمان خدای تعالی کار میکنند

يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا

میداند آنچه پیش ایشانست و آنچه پس ایشانست و نمیکنند

يشفعون الا لمن ارتضى وهم من خشيته

درخواست مکر کسیکه پسندد و ایشان از ترس خدای تعالی

مشفقون ۝ ومن يقل منهم انى اله من

ترسانند — و هر که کوید از ملائکه بدرستیکه من خدایم از

دونه

ع

دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي
حق تعالى پس قایل را پاداش دهیم دوزخ را همچنین پاداش دهیم
الظلمين ۝ أولم ير الذين كفروا أن السموت
ستمکاران آیا نه دیدند آنانکه کفر ورزیدند آنکه آسمانها
والأرض كانتا رتقا ففتقنهما وجعلنا
و زمین بودند بسته پس گشادیم ایشان را و پیدا کردیم
من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون ۝ و
از آب هر چیز که زنده است آیا نمی گروند و
جعلنا في الأرض رواسي أن تميد بهم
آفریدیم در زمین کوههای بلند تا نجنبد زمین بسبب آن کوهها
وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلهم يهتدون
و کردانیدیم در آن راهها کشاده تا باشد که ایشان راه یابند
وجعلنا السماء سقفا محفوظا وهم عن ءايتها
و کردانیدیم آسمان را سقفی نگاهداشته و کافران از نشانهای
معرضون ۝ وهو الذي خلق اليل والنهار
اعراض کنندگانند و اوست آنکه پیدا کرد شب و روز
والشمس والقمر كل في فلك يسبحون ۝
و آفتاب و ماه هر یک در چرخی شنا میکنند
وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد أفإين
و نداده ایم آدمی را پیش از تو پاینده گی آیا تو اگر
مت فهم الخلدون ۝ كل نفس ذائقة الموت
بمیری پس ایشان از تو پاینده گی هر نفسی چشنده مرگست
ونبلوكم بالشر والخير فتنة وإلينا ترجعون
و آزمائیم شما را ببدی و به نیکوئی آزمودنی و بسوی ما بازگردانیده خواهید شد
وإذا رءاك الذين كفروا إن يتخذونك
و چون ببینند ترا آنانکه کفر ورزیدند نگیرند ترا
إلا هزوا أهذا الذي يذكر ءالهتكم وهم
مگر بفسوس و استهزا کنند آیا این آنانست که یاد میکند خدایان شما را و کافران

بِذِكْرِ الرَّحْمٰنِ هُمْ كٰفِرُونَ ۝ خُلِقَ الْاِنْسَانُ
بیاد کردن خدا تعالی ایشانند ناگرویدگان آفریده شده است آدمی

مِنْ عَجَلٍ سَاُورِيكُمْ اٰيٰتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ
از شتاب زود باشد که نمایم شما را نشانها پس شتاب مکنید

وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ
و میگویند کی باشد این وعده اگر هستید راست گویان

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ
اگر بدانند آنانکه کافر شدند آنهنگام را که باز نتوانند داشت از

وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ
رویهای خود آتش و نه از پشتهای خود و نه ایشان

يُنْصَرُونَ ۝ بَلْ تَاْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ
یاری داده شوند بلکه آید بر ایشان ناگهان پس متحیر گرداند ایشان را

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ
پس باز نتوانند باز داشتن و نه ایشان مهلت داده شوند

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ
و بدرستیکه افسوس کرده اند بر رسولان پیش از تو پس احاطه کرد

بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
آنانکه سخریه کردند از ایشان آنچه بودند که بدان استهزا میکردند

قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمٰنِ
بگو که نگاه دارد شما را شب و روز از عذاب خدا تعالی

بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ۝ اَمْ لَهُمْ
بلکه ایشان از یاد پروردگار خود روی گردندگانند آیا هست ایشان را

اٰلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ
الهه که باز دارند ایشان را جز ما عذاب را نمیتوانند

نَصْرَ اَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ۝ بَلْ
یاری دادن نفسهای خود را و نه ایشان از عذاب ما نگاه داشته بلکه

مَتَّعْنَا هٰؤُلَاءِ وَاٰبَاءَهُمْ حَتّٰى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ
برخورداری دادیم ایشان را و آباء ایشان را تا دراز شد بر ایشان مدت زندگانی

از ایشان طمع
نی دارد و نی مکلفند بچیزی
و گفتند نبی عبد
مناف هست و بو لهب
هند بن ابی سفیان
فرستاد و این
برادر
آنحضرت
سبحانه و تعالی
ع
مبارک آنحضرت را
صلی الله علیه و آله و سلم
و جابر و سلمان از اهل بیت
معاندان

افلا یرون

أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا
آیا نمی بینند اینکه ما می آریم بر زمین کوتاه میکنیم آن زمین از اطراف آن
أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ
آیا پس ایشان غلبه کنند کانند بگو جز این نیست که بیم کنم شمارا با وحی
وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ ۝
ونمی شنوند گران خواندن چون بیم کرده شوند
وَلَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ
واگر برسند بکفره اندک چیزی ازین عذاب پروردگار تو هرآینه گویند
يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ
ای وای بر ما بدرستیکه ما بودیم ستم کنندگان ووضع کنیم ترازوهای
الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا
داشت برای روز قیامت پس نشود ستم دیده نفسی چیزی را
وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا
واگر باشد همسنگ دانه از سپندان بیاریم
بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ
آنرا وبسنده ایم ما شمار کننده وبدرستیکه دادیم موسی را
وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ
وهارون را دلیلی وروشنی وپندی مر پرهیزکاران را
الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ
آنانکه بترسند از عذاب پروردگار خود بپوشیدگی وایشان از
السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ۝ وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ
قیامت ترسکاران اند واین قرآن با برکت
أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا
فرستادیم اورا آیا شما مر قرآن انکار کنندگانید وبدرستیکه دادیم ما
إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ۝
ابراهیم را راه یافتن پیش از موسی و هارون و بودیم بآن دانایان
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَٰذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي
چون گفت مر پدر خودرا وگروه خودرا چیست این تمثالها که

ونضع الموازين

ع

أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ۝ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا
شما پرستش ایشان مجاور اید گفتند یافتیم ما پدران خودرا مرآنرا
عَابِدِينَ ۝ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي
پرستندگان گفت بحقیقت بودید شما و پدران شما در
ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ
گمراهی روشن گفتند آیا آوردی بما براستی آیا تو
مِنَ اللَّاعِبِينَ ۝ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ
از بازی کنندگان گفت بلکه پروردگار شما آفریدگار آسمانها
وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ
و زمین آنکه آفرید ایشانرا و من برآنکه شما
مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ
از گواهان و سوگند بخدا که هرآینه تدبیر کنم اصنام شمارا
بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ۝ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا
بعد ازانکه روی بگردانید پشت کنندگان پس گردانیدم ایشانرا پاره پاره
إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ۝ قَالُوا
مگر بزرگ مرایشانرا شاید که ایشان بسوی او رجوع کنند گفتند
مَنْ فَعَلَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۝
که کرده است این بخدایان ما بدرستیکه او از ستمکاران است
قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ
گفتند شنیدیم ما که جوانی ذکر میکند ایشانرا میگویند مراورا ابراهیم
قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ
گفتند بیارید اورا برچشمهای مردمان شاید که ایشان گواهی دهند
قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ۝ قَالَ بَلْ
گفتند آیا تو کرده آنرا این بخدایان ما ای ابراهیم گفت بلکه
فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ۝ فَرَجَعُوا
کرده است بزرگ ایشان این پس بپرسید ازیشان اگر هستند که سخن گویند پس بازگشتند
إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ۝ ثُمَّ
باعقول خود پس گفتند بدرستیکه شما ستمکارانید پس

ربع

نكسوا

نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰؤُلَاءِ
نگونسار شدند بر سرهای خود هر آینه تو دانسته که این تان

يَنطِقُونَ ۝ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
سخن نگویند گفت آیا پرستش کنید بجز خدا تعالی

مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا
آن را که سود نرساند شما را چیزی را و زیان نکند شما را زشتی مر شما را و مر آنچه را که

تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝
پرستید بجز خدا تعالی آیا در نمی یابید

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ۝
گفتند بسوزید او را و یاری کنید خدایان خود را اگر هستید کنندگان

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ۝
گفتیم که ای آتش باش سرد با سلامتی بر ابراهیم ؑ

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ۝
و خواستند با ابراهیم ؑ مکری پس گردانیدیم ایشان را زیان کاران

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا
و نجات دادیم ابراهیم ؑ و لوط ؑ بسوی زمینی که برکت کردیم در آن

لِلْعَالَمِينَ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
مر جهانیان را و بخشیدیم مر او را اسحاق ؑ و یعقوب ؑ

نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ۝ وَجَعَلْنَاهُمْ
زیادتی و هر چهار گردانیدیم نیکان و ساختیم ایشان را

أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ
پیشوایان که راه نمایند بفرمان ما و وحی کردیم بسوی ایشان کردن نیکوئی

وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا
و بجای داشتن نماز و دادن زکوة و بودند مارا

عَابِدِينَ ۝ وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ
پرستندگان و لوط ؑ دادیم او را حکمت و دانش و رهانیدیم او را

مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَت تَّعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ
از اهل قریه که بودند که میکردند عملهای ناپاک هر آینه ایشان

كانوا قوم سوء فاسقين ۝ وادخلناه في

بودند گروهی بد بیرون رفتگان ودر آوردیم اورا در

رحمتنا انه من الصالحين ۝ ونوحا اذ نادى

بخشایش خود بدرستیکه لوط ۴ از ستودکان است ونوح ۴ چون نوا کرد

من قبل فاستجبنا له فنجيناه واهله من

پیش ازین پس اجابت کردیم مر دعای اورا پس نجات دادیم اورا وکسان اورا از

الكرب العظيم ۝ ونصرناه من القوم الذين

غمی بزرگ ویاری دادیم اورا از قوم آنانکه

كذبوا بآياتنا انهم كانوا قوم سوء فاغرقناهم

تکذیب کردند با یتهای ما بدرستیکه ایشان بودند گروه بد پس غرق کردیم ایشانرا

اجمعين ۝ وداود وسليمان اذ يحكمان

همه وداود ۴ وسلیمان ۴ چون حکم کردند

في الحرث اذ نفشت فيه غنم القوم وكنا

در کشت چون شب رفته بود دران کشت زار گوسفند گروهی وبودیم ما

لحكمهم شاهدين ۝ ففهمناها سليمان وكلا

بحکم داود ۴ و سلیمان ۴ دانندە پس دادیم اورا حکومت سلیمان ۴ وهر یک

آتينا حكما وعلما وسخرنا مع داود الجبال

دادیم حکم کردن ودانشی ورام کردیم با داود ۴ کوهها را

يسبحن والطير وكنا فاعلين ۝ وعلمناه

تسبیح میکفتند ومرغان وبودیم کننده ویاموختیم اورا

صنعة لبوس لكم لتحصنكم من باسكم

ساختن زره برای شما تا نگهدارد شمارا از کارزار شما

فهل انتم شاكرون ۝ ولسليمان الريح عاصفة

پس آیا هستید شما سپاس گویندگان ومر سلیمانرا باد مسخر کردیم سخت

تجري بامره الى الارض التي باركنا فيها وكنا

میرود بامر او بسوی زمین که برکت کرده ایم درانجا وهستیم ما

بكل شيء عالمين ۝ ومن الشياطين من يغوصون

بهر چیز دانا واز دیوان کسانیکه غواصی کنند

کفتند که وزاعیبش بیرون آی تا بینی که ع دین ودین تا چیز با است ابراهیم علیه السلام بلاد نعم تو بر آن زمین بکفت در وزن که دم فتنه تو است بدو ده را در آتش بیدار بس رفعت آن سفینه فصل آن روز دو زمین بکفتند ابراهیم علیه السلام بنید بر بر آن برون بدنی بود در آمد

له ويعملون

لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ

برای او و میکنند عملی جز این و بودیم ما مر دیوان

حٰفِظِينَ ۝ وَاَيُّوبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهُ اَنِّى مَسَّنِىَ

نگاه دارندگان و ایوب چون بخواند پروردگار خودرا آنکه مرا رسید

الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرّٰحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

رنج و تو بخشنده ترین بخشندگانی پس اجابت کردیم اورا

فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَاٰتَيْنٰهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ

پس برداشتیم آنچه بود ویرا از رنج و دادیم اورا فرزندان وی و مانند ایشان

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعٰبِدِينَ ۝

با ایشان رحمت از نزدیک ما و برای پند پارسایان

وَاِسْمٰعِيلَ وَاِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل همه از

الصّٰبِرِينَ ۝ وَاَدْخَلْنٰهُمْ فِى رَحْمَتِنَا اِنَّهُمْ مِنَ

صبرکنندگان و درآوردیم ایشانرا در بخشش ما بدرستیکه ایشان از

الصّٰلِحِينَ ۝ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا

شایستگان و یونس چون برفت خشمناک

فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمٰتِ

پس گمان برد آنکه تنگ نخواهیم ساخت بروی پس نوا کرد در تاریکی

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ

آنکه نیست معبودی مگر تو پاکی تو بدرستیکه من هستم از

الظّٰلِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْغَمِّ

ستمکاران پس اجابت کردیم مر دعای اورا و نجات دادیم اورا از غم

وَكَذٰلِكَ نُنْجِى الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا اِذْ نَادٰى

و همچنین میرهانیم مومنان و زکریا چون بخواند

رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِى فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوٰرِثِينَ

پروردگار خودرا ای پروردگار من مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰى وَاَصْلَحْنَا لَهُ

پس اجابت کردیم اورا و بخشیدیم مر اورا یحیی و بصلاح آوردیم برای او

---

بنیان بنا
نزد یک زمرد و زبرجد
و غوص میکردند در دریا
از قعر دریا بیرون
و آلات و ادوات
از ظروف و منقش میساختند
در بنا زینت دادند
و ایوب اذ نادی ربه
یعنی ایوب که در بن
آنکه نام پدر ایوب بود
بن اموص بن رازح
بن روم بن عیص
بن اسحاق بن
ابراهیم علیهم السلام

زَوْجَهٗ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسٰرِعُوْنَ فِى الْخَيْرٰتِ وَيَدْعُوْنَنَا
زن ذکریا بدرستیکه ایشان بودند می شتافتند در نیکوییها و میخواندند ما را

رَغَبًا وَّرَهَبًا وَكَانُوْا لَنَا خٰشِعِيْنَ ۝ وَالَّتِىْٓ
از رغبت و ترس و بودند ما را فروتنان و آنکه

اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيْهَا مِنْ رُّوْحِنَا وَ
نگاه داشت فرج خود را پس در دمیدیم در و از روح ما و

جَعَلْنٰهَا وَابْنَهَآ اٰيَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ اِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ
گردانیدیم او را و پسر او را علامتی مر جهانیان را بدرستیکه این ملت شما

اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّاَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْنِ ۝ وَ
ملت یگانه و من آفریدگار شما پس پرستید مرا و

تَقَطَّعُوْٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ اِلَيْنَا رٰجِعُوْنَ ۝
بریدند کار دین خود را در میان خود همه بسوی ما بازگردندگانند

فَمَنْ يَّعْمَلْ مِنَ الصّٰلِحٰتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا
پس هر که کند از عمل پسندیده و او گرویده باشد پس نیست

كُفْرَانَ لِسَعْيِهٖ وَاِنَّا لَهٗ كٰتِبُوْنَ ۝ وَحَرٰمٌ عَلٰى
ناسپاسی مر شتافتن او را و ما مر او را نویسنده ایم و ممتنع است بر

قَرْيَةٍ اَهْلَكْنٰهَآ اَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُوْنَ ۝ حَتّٰٓى اِذَا
اهل دیه که هلاک کردیم آنکه ایشان باز نگردند تا چون

فُتِحَتْ يَاْجُوْجُ وَمَاْجُوْجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ
گشاده شود سد یاجوج و ماجوج و ایشان از هر بلندی

يَّنْسِلُوْنَ ۝ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَاِذَا هِىَ
می شتابند و نزدیک رسید وعده درست پس ناگاه آن

شَاخِصَةٌ اَبْصَارُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يٰوَيْلَنَا قَدْ
خیره مانند دیدهای آنانکه کافر شدند ای وای بر ما بدرستیکه

كُنَّا فِىْ غَفْلَةٍ مِّنْ هٰذَا بَلْ كُنَّا ظٰلِمِيْنَ ۝
بودیم ما در بیخبری از این بلکه بودیم ستمکاران

اِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ حَصَبُ
بدرستیکه شما و آنچه می پرستید از جز خدا تعالی آتش انگیزنده

[illegible]

ع

[illegible]

جهنم انتم لها واردون ۝ لو كان هؤلاء آلهة
دوزخند شما مر آنرا درآیندگانید اگر بودندی آن بتان خدایان
ما وردوها وكل فيها خالدون ۝ لهم
درنیامدندی در آن وهمه در آن جاویدانند مر ایشانراست
فيها زفير وهم فيها لا يسمعون ۝ إن الذين
در آن ناله زار وایشان در آن نمی شنوند بدرستیکه آنانکه
سبقت لهم منا الحسنى أولئك عنها
پیشی گرفته است برای ایشان از ما نیکو آنگروه از دوزخ
مبعدون ۝ لا يسمعون حسيسها وهم في ما
دور کرده شدگانند نمی شنوند آواز آن دوزخ وایشان در آنچه
اشتهت أنفسهم خالدون ۝ لا يحزنهم
آرزو برد دلهای ایشان جاویدانند اندوهگین نمیکند ایشانرا
الفزع الأكبر وتتلقاهم الملائكة هذا
فزع بزرگ وپیش آیند ایشانرا فرشتگان این
يومكم الذي كنتم توعدون ۝ يوم نطوي
روز شماست که بودید وعده داده میشدید روزیکه در پیچیم
السماء كطي السجل للكتب كما بدأنا أول
آسمانرا همچو پیچیدن سجل نوشتها را چنانچه آغاز کردیم نخست
خلق نعيده وعدا علينا إنا كنا فاعلين ۝
آفرینش را باز گردانیم آن وعده برماست بدرستیکه ما بودیم کننده
ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر
وبدرستیکه نوشتیم ما در کتاب داود از پس توریه
أن الأرض يرثها عبادي الصالحون ۝
آنکه زمین میراث گیرد آنرا بندگان شایسته من
إن في هذا لبلاغا لقوم عابدين ۝ وما
بدرستیکه در این کفایتست مر گروه پرستندگانرا ونه
أرسلناك إلا رحمة للعالمين ۝ قل إنما
فرستادیم ترا مگر بخشایش مر جهانیانرا بگو جز این نیست

يُوحَىٰٓ إِلَيَّ أَنَّمَآ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ فَهَلْ أَنتُم
وحی فرستاده شود بمن جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس آیا هستید شما
مُّسْلِمُونَ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنتُكُمْ عَلَىٰ
گردن نهندگان پس اگر برگردند پس بگو آگاه کردم شما برابر
سَوَآءٍ وَإِنْ أَدْرِىٓ أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ
و نمی دانم آیا نزدیک است یا دور است آنچه وعده داده شده
إِنَّهُۥ يَعْلَمُ ٱلْجَهْرَ مِنَ ٱلْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ
بدرستیکه او میداند آشکارا از سخن و میداند آنچه میپوشید
وَإِنْ أَدْرِى لَعَلَّهُۥ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَٰعٌ إِلَىٰ حِينٍ
و نمی دانم شاید که آزمایش است مر اعمال شما را و برخورداری تا اجل
قَٰلَ رَبِّ ٱحْكُم بِٱلْحَقِّ وَرَبُّنَا ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلْمُسْتَعَانُ
گوید ای پروردگار من حکم کن براستی و پروردگار من بسیار رحمت است یاری خواسته شده
عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

## سورة الحج مكية وهي ثمان وسبعون آية

بر آنچه صفت کنند

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ
ای مردمان بترسید از پروردگار خود بدرستیکه جنبانیدن ساعت
شَىْءٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ
چیزی بزرگ است روزیکه ببینید آن غافل شود هر شیر دهنده
عَمَّآ أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا
از آنچه شیر داده و بنهد هر خداوند حمل حمل را
وَتَرَى ٱلنَّاسَ سُكَٰرَىٰ وَمَا هُم بِسُكَٰرَىٰ
و ببینی مردمان را مستان و نباشند ایشان مستان
وَلَٰكِنَّ عَذَابَ ٱللَّهِ شَدِيدٌ ۝ وَمِنَ ٱلنَّاسِ
ولیکن عذاب خدای تعالی سخت است و از مردمان
مَن يُجَٰدِلُ فِى ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَٰنٍ
که جدال کند در کتاب الله بی دانش و پیروی کند هر دیو

نصف
ع

مَرِيدٍ ۝ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ
سرکش نوشته شده بر ان انکه هر که دوست دارد پس انکه او
يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۝
کمراه کرداند ورا و راه نماید اورا بسوی عذاب دوزخ
يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا
ای مردمان اکر هستید در شک از برانگیختن پس ما براستی
خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ
آفریدیم شمارا از خاک پس از نطفه پس از
عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ
خون بسته پس از کوشت پاره تمام خلقت و غیر مصور
لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ
تا بیان کنیم برای شما و قرار میدهیم در رحمها انچه خواهیم
إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا
تا وقتی نام زد پس بیرون آریم شمارا طفل پس تا برسید
أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ
بکمال قوت و از شما که متوفی کرده و از شما که
يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ
رد کرده شود بسوی خوارترین عمر تا نداند بعد از
عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا
دانستن چیزیرا و بینی زمین مرده پس چون فرستادیم
عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ
بر ان آب جنبش کند و بیفزاید و برویاند از
كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ
هر صنفی کیاه تر و تازه این بانکه خدا تعالی اوست ثابت
وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝
و او زنده کرداند مرده و او بر هر چیز توانا است
وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ
و انکه قیامت آینده است نیست شک در ان و انکه خدا تعالی

و با اندکی [illegible] منزل
کنعان [illegible] باران
نبارید و [illegible] او
[illegible]
با یوسف علیه السلام
[illegible]
بن یعقوب علیه السلام
از فرقت او بماند
مدت بیست سال
و بعضی [illegible] روز و بعضی
[illegible]
مبتلا بود و دوم [illegible]
با ده ۱۲ دوازده سال نیز
کفته اند [illegible]

يبعث من في القبور ۝ ومن الناس من

برمی انگیزد کسی را که در گورها اند — و از مردمان کسی است

يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا

جدال کند در کار خدا بی دانشی — و نه راه نماید — و بغیر

كتب منير ۝ ثاني عطفه ليضل عن سبيل

کتاب روشن — در حالیکه پیچنده باشد دامن خود تا گمراه کرداند از راه

الله له في الدنيا خزي ونذيقه يوم القيمة

خدا تعالی مرا ورا است در دنیا رسوایی — و بچشانیم اورا روز قیامت

عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت يداك وان

عذاب آتش سوزنده — این با نچه پیش فرستاده است دستهای تو — و آنکه

الله ليس بظلام للعبيد ۝ ومن الناس من

خدا تعالی نیست ستم کننده مر بندگان — و از مردمان کسی است

يعبد الله على حرف فان اصابه خير اطمان

که پرستد خدا را بر انحراف — پس اگر رسد اورا نیکویی آرام گیرد

به وان اصابته فتنة انقلب على وجهه

بدین — و اگر رسد اورا آزمایشی — برگردد — بر روی خود

خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران

زیان کرد در دنیا — و آخرة — این آنست — زیان

المبين ۝ يدعوا من دون الله ما لا يضره و

هویدا — میخواند بجز خدا تعالی — آنچه که ضرر نرساند و

ما لا ينفعه ذلك هو الضلل البعيد ۝ يدعوا

سود ندهد اورا — این آنست — گمراهی — دور — میپرستند

لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى و

آنرا که ضرر پرستش آن چیز نزدیک ترست از سود او — هرآینه بد یعنی بت

لبئس العشير ۝ ان الله يدخل الذين امنوا

بد هم صحبت — بدرستیکه خدا تعالی درآرد — آنانرا که گرویدند

وعملوا الصلحت جنت تجري من تحتها الانهر

و کردند عمل شایسته — بوستانها — میرود — از زیر آن — جویها

ازنضر و سجاد
و تعالی نشنید و مجادله کرد
حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله
و اصحابه در جدیه و کرم
و تعظیم نماید
ع
و تکبر حالت
اورا آزار کرده
که زبان دو است
این آیت دین بدل
سبب تردد و زحمت بود
که جمعی از عرب
آمدند و مشرف باسلام
در پایند

إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۝ مَنْ كَانَ يَظُنُّ
بدرستیکه خدای تعالی میکند آنچه میخواهد هرکه باشد که گمان برد
أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ
اگر نصرت ندهد اورا خدای تعالی در دنیا و آخرة پس باید که دراز کند
بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ
رسنی بسوی آسمان پس ببرد پس در نگرد آیا
يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ۝ وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ
میبرد حیله آمیز او آنچه او را بخشم آورده است و همچنانکه فرستادیم قرآن را
آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۝
آیتهای روشن و آنکه خدای تعالی راه نماید هرکه خواهد
إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ
بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه یهودی شدند و ستاره پرستان
وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللّٰهَ
و ترسایان و گبران و آنانکه شرک آورده اند بدرستیکه خدای تعالی
يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ
جدا کند میان ایشان روز قیامت بدرستیکه خدای تعالی بر هر
شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي
چیز گواه است آیا نمی بینی آنکه خدای تعالی سجده کند هرکه در
السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ
آسمانها و هرکه در زمین است و آفتاب و ماه و
النُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ
ستارگان و کوهها و درختان و چهارپایان و بسیاری
مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۝ وَمَنْ
از مردمان و بسیاری حکم شده بر و عذاب و هرکرا
يُهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ
خوار گرداند خدای تعالی پس نیست اورا هیچ گرامی کننده بدرستیکه خدای تعالی میکند
مَا يَشَاءُ ۝ هَٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ
آنچه خواهد این دو گروه دشمنان یکدیگر جنگ کردند در دین پروردگار خود

سجده

فالذين كفروا قطعت لهم ثياب من نار يصب
پس آنانکه کافر شدند بریده شد برای ایشان جامها از آتش ریخته میشود
من فوق رءوسهم الحميم ۝ يصهر به ما في
از بر سرهای ایشان آب گرم گداخته شود بآن آنچه در
بطونهم والجلود ۝ ولهم مقامع من حديد
شکمهای ایشانست و گداخته شود پوستهای ایشان و مر ایشان را گرزها باشد از آهن
كلما ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا
هرگاه که خواهند آنکه بیرون آیند ازان از غمی بازگردانیده شوند
فيها وذوقوا عذاب الحريق ۝ ان الله يدخل
دران و بچشید عذاب آتش سوزنده بدرستیکه خدای تعالی در آرد
الذين امنوا وعملوا الصلحت جنت تجري من
آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته بوستانها میرود از
تحتها الانهر يحلون فيها من اساور من ذهب
زیر آن جویها آراسته کرده شوند در بهشت از دستوانها از زر
ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ۝ وهدوا الى
و مروارید و جامهای ایشان دران ابریشم خالص و راه نموده شدند سوی
الطيب من القول وهدوا الى صرط الحميد
پاکیزه از قول و راه نموده شدند سوی دین اسلام
ان الذين كفروا ويصدون عن سبيل الله
بدرستیکه آنانکه کافر شدند و بازداشتند از راه خدای تعالی
والمسجد الحرام الذي جعلنه للناس سواء
و مسجد حرام آنکه ساختیم اورا برای همه آدمیان یکسانست
العاكف فيه والباد ۝ ومن يرد فيه بالحاد
مقیم درو و بیابانی و هرکه خواهد درحرم میل کردن
بظلم نذقه من عذاب اليم ۝ واذ بوانا لابرهيم
بستمکاری بچشانیم او را از عذاب دردناک و چون معین کردانیدیم برای ابراهیم
مكان البيت ان لا تشرك بي شيئا وطهر
جای خانه کعبه را آنکه شرک میاور بمن چیزی را و پاک دار

ع

ع

بیت

بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ
خانهٔ مرا برای طواف کنندگان وبرای مقیمان ورکوع کنندگان

السُّجُودِ ۝ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ
وسجود آرندگان وندا در ده درمردمان به حج تا بیایند ترا

رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ
پیادگان وسوار وبر هر شتر لاغر شده می آیند از هر

فَجٍّ عَمِيقٍ ۝ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ
راهی دور تا حاضر شوند منفعتهای که مر ایشانراست وتا یاد کنند نام

اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ
خدای تعالی در ایام دانسته برآنچه روزی داده است ایشانرا از

بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ
بسته زبانان پس بخورید از آن وبخورانید درمانده

الْفَقِيرَ ۝ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ
محتاج گشته پس تا بگذارند حاجتهای خود را ووفا کنند نذرهای خود را

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝ ذَٰلِكَ وَمَنْ
وتا طواف کنند بخانهٔ آزاد این دین اسلام وهرکه

يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ
بزرگ دارد احکام خدایرا پس آن بهتر مر اورا نزد پروردگار او

وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ
وحلال کرده شد مر شمارا چهارپایان مگر آنچه خوانده شده بر شما

فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا
پس بپرهیزید از پلیدی از بتان واجتناب کنید

قَوْلَ الزُّورِ ۝ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ
از سخن دروغ ازحالتی که مایل باشید بدین خدای تعالی نه شرک آرندگان

بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ
بوی وهرکه شرک آرد بخدای تعالی پس گویا که درافتاده از آسمان

فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ
پس بربایند اورا اجزای متفرقهٔ او مرغان یا بزیر افکند اورا باد در جای

جواب داد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از روی الحسد بدان
ممکن [illegible]
در طرف ما باشد
نجابت شما از ابوذر
غفاری رضی الله
عنه

سحيق ذلك ومن يعظم شعائر الله فانها
دور این وهر که بزرگ دارد نشانهای خدا را پس آن
من تقوى القلوب لكم فيها منافع الى
از پرهیزگاری دلهاست مرشما را دران سودهاست تا
اجل مسمى ثم محلها الى البيت العتيق
وقت نام زد پس جای ذبح چهارپایان بخانه آزاد است
ولكل امة جعلنا منسكا ليذكروا اسم الله
وهر گروهی را دادیم قربانی تا یاد کنند نام خدا را
على ما رزقهم من بهيمة الانعام فالهكم اله
بر آنچه روزی دادیم ایشانرا از چهارپایان پس خدای شما خدای
واحد فله اسلموا وبشر المخبتين الذين
یگانه است پس او را گردن نهید و بشارت ده فروتنانرا آنانکه
اذا ذكر الله وجلت قلوبهم والصابرين
چون یاد کرده شود خدای تعالی و بترسد دلهای ایشان و صبر کنندگان
على ما اصابهم والمقيمي الصلوة ومما رزقناهم
بر آنچه رسد ایشانرا و برپا دارندگان نماز و از آنچه عطا دادیم ایشانرا
ينفقون والبدن جعلناها لكم من شعائر الله
نفقه کنند و شتران ساختیم آنها از نشانهای دین خدا
لكم فيها خير فاذكروا اسم الله عليها صواف
مرشما را دران نیکوئی است پس یاد کنید نام خدا را بر ان در حالتی ایستاده
فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها واطعموا
پس چون بیفتد پهلوهای ایشان پس بخورید از آن و بخورانید
القانع والمعتر كذلك سخرناها لكم لعلكم
قناعت کننده و خواهنده همچنان رام کردیم ایشانرا مرشما شاید که شما
تشكرون لن ينال الله لحومها ولا دماؤها
سپاسداری کنید نمی رسد بخدای تعالی گوشتهای قربانی و نه خونهای ایشان
ولكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها لكم
ولیکن میرسد بخدای تعالی پرهیزگاری از شما همچنین رام کردیم انعام برای شما

منقول است که این آیه در شان شش کس نازل شد که در روز بدر بمبارزت بیرون آمدند ع
بمبارزت از جانب کفار عتبه و شیبه و ولید بودند و از طرف مومنان حمزه و علی و عبیده رضی الله عنهم اجمعین و در بیان آن وارد است از نفس علی نقل کرده اند هذه الآیت

کذلک

لتکبروا الله

فی مبارزت
آنکفار بودبرا سبب
در و سبطا ورده کفرقوم
منزل کرده یعنی یهود
و صابیان و ترسایان
و مجوس و نصاری
یکروه خصمند
مومنان

ثلثه
ع

لِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِيْنَ
تا بزرگی یاد کنید خدای را بر آنچه راه نمود شمارا و بشارت ده نیکوکاران را
اِنَّ اللّٰهَ يُدٰفِعُ عَنِ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِنَّ اللّٰهَ لَا
هر آینه خدای تعالی باز دارد از آنانکه گرویدند هر آینه خدای تعالی دوست ندارد
يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُوْرٍ اُذِنَ لِلَّذِيْنَ يُقٰتَلُوْنَ
دوست هر خیانت کننده ناسپاس دستوری داده شد مر آنانرا که کارزار کنند
بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوْا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرُ
بسبب آنکه ایشان ستم رسیده شده اند و هر آینه خدای تعالی بر یاری دادن ایشان تواناست
الَّذِيْنَ اُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّا اَنْ
آنانکه بیرون کرده شدند از سرایهای خود بناحق مگر آنکه
يَّقُوْلُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ
گویند پروردگار ما خداست و اگر دفع کردن خدای تعالی بودی مردمان
بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَّ
بعضی از ایشان ببعضی هر آینه ویران کرده شدی صومعها و کلیسهای ترسایان و
صَلَوٰتٌ وَّمَسٰجِدُ يُذْكَرُ فِيْهَا اسْمُ اللّٰهِ
کنشتهای جهودان و مسجدهای مسلمانان یاد کرده در آن نام خدای را
كَثِيْرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَّنْصُرُهٗ اِنَّ اللّٰهَ
بسیار و یاری دهد خدای تعالی کسی را که یاری دهد دین خدای را هر آینه خدای تعالی
لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ الَّذِيْنَ اِنْ مَّكَّنّٰهُمْ فِي الْاَرْضِ
تواناست غالب آنانکه جای دهیم ایشانرا در زمین
اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ وَاَمَرُوْا بِالْمَعْرُوْفِ
بپای دارند نماز را و بدهند زکوة و فرمایند به نیکوئی
وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُوْرِ وَ
و باز دارند از زشتی و مر خدای راست نهایت کارها و
اِنْ يُّكَذِّبُوْكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوْحٍ
اگر تکذیب کنند ترا پس هر آینه تکذیب کرده اند پیش از ایشان گروه نوح
وَّعَادٌ وَّثَمُوْدُ وَقَوْمُ اِبْرٰهِيْمَ وَقَوْمُ لُوْطٍ
و عاد و ثمود و گروه ابراهیم و گروه لوط

این شنا زند
کننده در مینز
صدای جنازدی
در وزن و صفت
خصم موسی
خصم و این دو کرده
علیحده کرده

وَأَصْحَٰبُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ

و اصحاب مدين و تكذيب كرده شد موسی پس مهلت دادم

لِلْكَٰفِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

مر ناگرویدگان را پس گرفتم ایشان را پس چگونه بود ناپسندیدن

فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَٰهَا وَهِيَ ظَٰلِمَةٌ

پس چند از اهل قریه هلاک کردیم آنها را و آن ده ستمکار بودند

فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَ

پس آن ده افتاده است بر سقفهای خود و چند چاه دست باز داشته

قَصْرٍ مَّشِيدٍ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ

چند کوشک بلند آیا سیر نمیکنند در زمین پس باشد

لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ

مر ایشان را دلها تعقل کنند بآن یا گوشها که بشنوند

بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَٰرُ وَلَٰكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ

بآن پس قصه این است نابینا نشود دیده ها ولیکن نابینا شود آن دلها

الَّتِي فِي الصُّدُورِ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ

که در سینهاست و شتاب میخواهند از تو بعذاب

وَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِندَ رَبِّكَ

و خلاف نخواهد کرد خدای تعالی وعده خود را و بدرستیکه روزی نزدیک پروردگار تو

كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ

مانند هزار سال از آنچه میشمرید و چندی از دهها

أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَٰلِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ

مهلت داده ام آنرا و آن ده ستمکار بودند پس بگرفتم آن و بسوی منست

الْمَصِيرُ قُلْ يَٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا۠ لَكُمْ

بازگشت بگو ای مردمان جز این نیست که من مر شما را

نَذِيرٌ مُّبِينٌ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّٰلِحَٰتِ

بیم کننده ام هویدا پس آنانکه گرویدند و کردند عملهای شایسته

لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ وَالَّذِينَ سَعَوْا

مر ایشان راست آمرزشی و روزی نیکو و آنانکه شتافتند

در شأن کافران

... ع

فی آیاتنا

فِی اٰیٰتِنَا مُعٰجِزِینَ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِیمِ
در آیتهای ما عاجز کننده اند آن گروه ملازمان دوزخ اند

وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ وَّلَا
و نفرستادیم ما پیش از تو هیچ فرستاده و نه

نَبِیٍّ اِلَّآ اِذَا تَمَنّٰٓی اَلْقَی الشَّیْطٰنُ فِیٓ اُمْنِیَّتِهٖ
نبی مگر چون تلاوت کرد بیفکند دیو نزدیک تلاوت او آنچه خواست

فَیَنْسَخُ اللّٰهُ مَا یُلْقِی الشَّیْطٰنُ ثُمَّ یُحْكِمُ اللّٰهُ
پس زایل کردان خدا تعالی آنچه درافکنده باشد شیطان پس ثابت کند خدا تعالی

اٰیٰتِهٖ وَاللّٰهُ عَلِیمٌ حَكِیمٌ لِّیَجْعَلَ مَا یُلْقِی
آیتهای خود را و خدا تعالی داناست حکم کننده تا کرداند آنچه القا کرد

الشَّیْطٰنُ فِتْنَةً لِّلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ
شیطان فتنه مر آنانکه در دلهای ایشان بیماریست

وَّالْقَاسِیَةِ قُلُوبُهُمْ وَاِنَّ الظّٰلِمِینَ لَفِی شِقَاقٍ
و تاریک شد دلهای ایشان و بدرستیکه ستمکاران در خلاف

بَعِیدٍ وَّلِیَعْلَمَ الَّذِینَ اُوتُوا الْعِلْمَ اَنَّهُ الْحَقُّ
دور و تا بدانند آنانکه داده شوند علم آنکه قرآن حق است

مِنْ رَّبِّكَ فَیُؤْمِنُوا بِهٖ فَتُخْبِتَ لَهٗ قُلُوبُهُمْ
از پروردگار تو پس ایمان آرید بقرآن پس نرم شود مر احکام قرآن دلهای ایشان

وَاِنَّ اللّٰهَ لَهَادِ الَّذِینَ اٰمَنُوٓا اِلٰی صِرٰطٍ مُّسْتَقِیمٍ
و بدرستیکه خدا تعالی راه نماینده است آنانکه گرویدند براه راست

وَلَا یَزَالُ الَّذِینَ كَفَرُوا فِی مِرْیَةٍ مِّنْهُ حَتّٰی
و همیشه آنانکه نگرویدند در شک از قرآن تا

تَاْتِیَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً اَوْ یَاْتِیَهُمْ عَذَابُ
بیاید بدیشان قیامت ناگهان یا بیاید بدیشان عذاب

یَوْمٍ عَقِیمٍ اَلْمُلْكُ یَوْمَئِذٍ لِّلّٰهِ یَحْكُمُ بَیْنَهُمْ
روز عقیم پادشاهی آن روز مر خدا را حکم کند میان ایشان

فَالَّذِینَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فِی جَنّٰتِ النَّعِیمِ
پس آنانکه گرویده اند و کردند عملهای شایسته در بوستانهای نعمت

در مسجد الحرام
در جمع القریش
می خواند در دین
آنجا که توقف کرد
فرمود [illegible]
[illegible]
[illegible]
از تلاوت آیه افرأیتم
اللات والعزی ومنوة
الثالثة الاخری
[illegible] شیطان
در محل [illegible]
[illegible]
[illegible]

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ
و آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند به آیتهای ما پس آن گروه مر ایشان راست

عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ
عذابی خوار کننده و آنانکه هجرت کردند در راه

اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا
خدا تعالی پس کشته شوند یا بمیرند هر آئینه روزی دهد ایشان را خدا تعالی روزی

حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝
نیکو و بدرستیکه خدا تعالی هر آئینه او بهترین روزی دهندگانست

لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ
هر آئینه در آرد ایشان را در آوردنی که بپسندند آنرا و بدرستیکه خدا تعالی

لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا
داناست بردبار این و هر که عقوبت کند مانند آنچه

عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ
عقوبت کرده شد پس ستم کرده شود برو هر آئینه یاری دهد او را خدا تعالی بدرستیکه

اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ
خدا تعالی عفو کننده آمرزنده این بسبب آنست که خدا تعالی در آرد

اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ
شب را در روز و در آرد روز را در شب و آنکه خدا تعالی

سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ
شنوا بینا این بسبب آنست که خدا تعالی اوست حق

أَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ
آنچه میخوانند بجز خدا تعالی اوست باطل و آنکه خدا تعالی

هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
اوست برتر بزرگتر آیا ندیدی آنکه خدا تعالی فرستاد از آسمان

مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ
آبی پس گشت زمین سبز بدرستیکه خدا تعالی لطف کننده

خَبِيرٌ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ
داناست مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

إِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ
بدرستیکه خدای تعالی اوست بی نیاز ستوده آیا ندانستی آنکه خدای تعالی
سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ
رام کرد برای شما آنچه در زمین است و کشتی میرود در دریا
بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ
بفرمان او و نگاه دارد آسمان را آنکه بیفتد بروی زمین
إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَهُوَ
مگر باذن او بدرستیکه خدای تعالی بمردمان مهربان بخشاینده و اوست
الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ
آنکه زنده کرد شما را پس بمیراند شما را پس زنده گرداند شما را بدرستیکه
الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ۝ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا
آدمی ناسپاس است مر هر گروهی را معین ساختیم شریعتی
هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ
ایشان پذیرنده آن دینند پس باید که نزاع نکنند در کار دین و بخوان مردمان را
إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنْ جَادَلُوكَ
بسوی پروردگار تو بدرستیکه تو هر آینه بر راه راستی و اگر جدال نمایند با تو
فَقُلِ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ اللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
پس بگو خدای تعالی داناتر است آنچه میکنید خدای تعالی حکم کند میان شما
يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝
روز قیامت در آنچه که بودید در آن اختلاف میکردید
أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
آیا ندانستی آنکه خدای تعالی میداند آنچه در آسمانها و زمین است
إِنَّ ذٰلِكَ فِي كِتَابٍ ۝ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ
بدرستیکه این در لوح محفوظ بدرستیکه این بر خدای تعالی آسانست
وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ
و می پرستند از جز خدای تعالی آنچه نفرستاده است
بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ
بدان حجتی و نیست مر ایشان را بآنچه دانشی و نیست مر ستمکاران

ع

و شغل انبیاء
ننزل کردند از ان
در آن حضرت سوره حج نزول
صلی الله علیه و آله
و صحابه و اصحابه
در میان مومنان
سجده کردند اکثر
در میان کی از اتفاق
نمودند مسلمانان
علیه السلام فرود
آمد صورت حال
بعرض آنحضرت

مِن نَّصِيرٍ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

هیچ یاری و چون خوانده شود بر کفره ایتهای ما روشن

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنكَرَ يَكَادُونَ

می شناسی تو در رویهای آنانکه کافر شدند انکار را نزدیک باشند

يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ

که کافران حشم گیرند بر آنانکه میخوانند بر ایشان ایتهای ما بگو

أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ النَّارُ ۝ وَعَدَهَا

آیا خبر کنم شمارا به بدتر از آنکه میخواهید آن شر آتش است وعده داده

اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا

خدا تعالی آنانکه کافر شدند و بد بازگشتنی است ای

النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ

مردمان بیان کرده شد مثلی پس بشنوید آنرا بدرستیکه آنانکه

تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَ

میخوانند بجز خدا تعالی نیافرینند مگسی را و

لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا

اگرچه اجتماع کنند مرآنرا و اگر برباید ایشانرا مگس چیزی

لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ

نمی توانند رهانیدن آن از ذباب سست شد بت پرست و

الْمَطْلُوبُ ۝ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ

مشرک نشناختند خدا را سزای شناختن بدرستیکه خدا تعالی

لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ

توانا است غالب خدا تعالی برمیگزیند از فرشتگان

رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝

رسولان و از مردمان بدرستیکه خدا تعالی شنوا است بینا

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ

میداند آنچه پیش ایشان است و آنچه پس ایشان و بسوی خدا تعالی بازگردانیده

الْأُمُورُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا

کارها ای گروه مومنان رکوع کنید و سجود نمایید

ع

واعبدوا

وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ

و بپرستید آفریدگار خود را و بکنید نیکوئی شاید که شما

تُفْلِحُونَ ۝ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ

رستگار شوید و جهاد کنید در راه خدای تعالی چنانچه سزاوار جهاد او است

اجْتَبَيكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ

برگزید شما را و نساخت بر شما در دین هیچ

حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَهِيمَ هُوَ سَمَّيكُمُ الْمُسْلِمِينَ

تنگی کیش پدر خود را ابراهیم او نام نهاد شما را مسلمانان

مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا

پیش از قرآن و در قرآن تا باشد پیغمبر گواه

عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا

بر شما و تا باشید گواهان بر مردمان پس بپای دارید

الصَّلَوةَ وَآتُوا الزَّكَوةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ

نماز را و بدهید زکوة و چنگ در زنید بخدای تعالی

هُوَ مَولَكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝

اوست یار شما پس نیکو یاریست و نیکو مددکاریست

## سورة المؤمنون مكية وهي مائة وثمان عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ

بدرستیکه رستگار شدند مومنان آنانکه ایشان در نماز خود

خَشِعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

ترسکار اند و آنانکه ایشان از بی فایده اعراض کننده اند

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوةِ فَعِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ

و آنانکه ایشان مر زکوة ادا کننده اند و آنانکه ایشان

لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ ۝ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

مر فرجهای خود نگهدارند [illegible] بر زنان خود یا آنچه مالک شده

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ فَمَنِ ابْتَغَىٰ

دستهای ایشان پس ایشان غیر ملامت کرده شده اند پس هر که طلب کند

وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۝ وَ

غیر زنان وکنیزکان پس آنگروه ایشانند از حد گذرندگان و

الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝

آنانکه ایشان مر امانتهای خود را وعهد خود را رعایت کننده اند

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ

وآنانکه ایشان بر نماز خود محافظت کنند آنگروه

هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ

ایشان سزاوارانند آنانکه میراث برند فردوس ایشان

فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ

در آن جاویدانند وبدرستیکه آفریدیم آدم از

سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ

خلاصه از گل پس آفریدیم او را نطفه در قرارگاه

مَكِينٍ ۝ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا

استوار پس گردانیدیم آن نطفه خون سرخ پس آفریدیم

الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا

آن خون را گوشت پاره پس ساختیم آن گوشت را استخوانها

فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ

پس پوشانیدیم استخوان گوشت پس آفریدیم او را آفرینش دیگر پس بزرگیست

اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ

خدا نیکوترین نگاهدارندگان پس بدرستیکه شما بعد از آنکه

لَمَيِّتُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ۝

مردگانید پس بدرستیکه شما روز قیامت برانگیخته شوید

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا

وبدرستیکه آفریدیم بر سر شما هفت آسمان طبقه ونیستیم ما

عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ۝ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

ازین مخلوق بیخبر وفرستادیم از آسمان آبی

بقدر

بِقَدَرٍ فَأَسْكَنّٰهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلٰى ذَهَابٍ
به اندازه پس ساکن کردانیدیم آن در زمین و ما به بردن آن آب

بِهٖ لَقٰدِرُونَ ۝ فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهٖ جَنّٰتٍ مِّنْ
بر آئینه توانا ایم پس پیدا کردیم برای شما به آن باغها از

نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا
خرما بنان و انگور را مر شما راست در آن میوه‌های بسیار و از آن

تَأْكُلُونَ ۝ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ
میخورید و درختی که بیرون آید از کوه زیتا

تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِّلْآكِلِينَ ۝ وَإِنَّ لَكُمْ
می روید به روغن و نان خورش مر خورندگان را و بدرستیکه مر شما راست

فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُمْ مِّمَّا فِي بُطُونِهَا
در چهارپایان عبرتی آشامانیم شما را از آنچه در شکمهای ایشانست

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝
و مر شما راست در آن سودهای بسیار و از آن میخورید

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
و بر آنها و بر کشتی برداشته شوید و بدرستیکه فرستادیم

نُوحًا إِلٰى قَوْمِهٖ فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ
نوح ع را بسوی گروه خود پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را

مَا لَكُمْ مِّنْ إِلٰهٍ غَيْرُهٗ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ فَقَالَ
نیست شما را هیچ معبودی جز او آیا پرهیز نمیکنید پس گفتند

الْمَلَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهٖ مَا هٰذَا إِلَّا
گروه بزرگان آنانکه کافر شدند از قوم او نیست این مگر

بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ
آدمی مانند شما میخواهد آنکه افزونی جوید بر شما

وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ لَأَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً مَّا سَمِعْنَا
و اگر خواستی خدای تعالی هر آئینه فرستادی فرشتگان نشنوده ایم ما

بِهٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ
این در پدران ما نخستین نیست او مگر مردی

ع

بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ قَالَ

برو دیوانگی پس انتظار برید برو تا هنگامی گفت

رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ۝ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ

ای پروردگار من یاری ده مرا بانکه تکذیب کردند مرا پس وحی کردیم ما بنوح ع

أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا

آنکه بساز کشتی بنگاه داشت ما و بوحی ما پس چون

جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ ۝ فَاسْلُكْ فِيهَا

آمد فرمان ما و بجوشید تنور پس در آر تو در کشتی

مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ

از هر جفتی دو و کسان خود را مگر آنکه

سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي

پیشی گرفته برو قول از کسان تو و خطاب مکن مرا

فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ۝ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ

در آنانکه ستم کردند بدرستیکه ایشان غرق خواهند شد پس چون برای تو

أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

و کسیکه با تست بر کشتی پس بگو ستایش مر خدایراست

الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ

آنکه نجات داد ما را از گروه ستمکاران و بگو

رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ

ای پروردگار من فرود آر مرا منزلی مبارک و تو بهترین

الْمُنْزِلِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا

فرود آورندگانی بدرستیکه در این نشانهاست و اگر بودیم ما

لَمُبْتَلِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا

آزمایندگان پس بیافریدیم از پس ایشان گروهی

آخَرِينَ ۝ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ

دیگر پس فرستادیم در ایشان هود ع از ایشان آنکه

اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

پرستید خدا را نیست شما را هیچ معبودی جز او آیا پرهیز نمیکنید

و آن انبوه بود
کی از منصرب و
آبها را دو بیضه بخیل
داده و بعد در مصحف
ایشان فتح طغیان ظاهر
کرد آنرو گفته اند کی
بعد از غرق نوح با جمیع
وی ... بن زمین
زود ... بروند
و بجای ان ... و ...
ابراهیم علیه السلام
و ... و سلیمان
و ... بماند
بود

وقال الملا

ع

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
وگفتند بزرگان از قوم او آنانکه کافر شدند و تکذیب کردند

بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا مَا
بدیدن قیامت و نعمت داده بودیم ایشانرا در زندگانی دنیا نیست

هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ
این مگر آدمی مانند شما میخورد از آنچه میخورید ازان

وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ۝ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا
و میآشامد از آنچه آشامید و اگر فرمان برید مردی را

مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ۝ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ
مانند شما هر آینه شما آنهنگام زیان زده باشید آیا وعده میدهد شمارا آنکه شما

إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ
چون مردید و گشتید خاک و استخوانها هر آینه شما بیرون آورده شدگانید

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا
چه دورست دورست آنچه وعده داده شدید نیست این مگر

حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ
زندگانی دنیا میمیریم و زنده میشویم و نیستیم ما برانگیختگان

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
نیست او مگر مردی که بربست بر خدا تعالی دروغ

وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي
و نیستیم ما مر او را گرویدگان گفت ای پروردگار من یاری ده مرا

بِمَا كَذَّبُونِ ۝ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ
بآنچه تکذیب کردند گفت اندک زمانی زود گردند پشیمان

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً
پس گرفت ایشانرا صیحهٔ جبرئیل براستی پس گردانیدیم ایشانرا چون خاشاک

فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ
پس دوری باد مر گروه ستمکاران را پس پیدا کردیم از

بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ
پس ایشان قرنهای دیگر پیشی نتوانست گرفت هیچ گروهی

[illegible]

أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا
اجل آن ونه باز پس مانند پس فرستادیم فرستادگان خود را
تَتْرَا كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا
پی در پی هرگاه که آمد گروهی را پیغمبر آن تکذیب کردند پس از پی در آوردیم
بَعْضَهُم بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا
بعضی بعض را در هلاک کردن و ساختیم ایشان را سخنان پس دوری باد
لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ
مر گروهی را که ایمان نیارند پس فرستادیم موسی را و برادر او
هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
هارون با نشانهای ما و حجت روشن بسوی فرعون
وَمَلَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ۝
و قوم او پس سرکشی کردند و بودند گروهی گردن کشان
فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا
پس گفتند آیا ایمان آریم دو آدمی مانند ما و گروه ایشان
لَنَا عَابِدُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ
ما را پرستندگانند پس تکذیب کردند آن دو را پس بودند از هلاک کنندگان
وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ
و بدرستیکه دادیم موسی را تورات شاید که ایشان راه یابند
وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا
و ساختیم ما پسر مریم را و مادر او را نشانه و جای دادیم ایشان را
إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ۝ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ
بسوی ربوه خداوند قرار و آب ظاهر ای پیغمبران
كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا
بخورید از پاکیزه و بکنید کار ستوده بدرستیکه من بآنچه
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ وَإِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً
میکنید دانا و بدرستیکه این ملت شما ملتی
وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ۝ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم
یگانه و من پروردگار شمایم پس بترسید از من پس بریدند کار دین خود را

بينهم زبرا كل حزب بما لديهم فرحون

درميان يكديگر پارها هر گروهي بآنچه نزديك ايشانست شادان

فذرهم في غمرتهم حتى حين ايحسبون

پس بگذار ايشانرا در گرداب غفلت تا اجل آيا مي پندارند

انما نمدهم به من مال وبنين نسارع

آنچه عطا دهيم ايشانرا بآن از مال و فرزندان مسارعت

لهم في الخيرات بل لا يشعرون ان الذين

مر ايشانرا در نيكويها بلكه نمي دانند بدرستيكه آنانكه

هم من خشية ربهم مشفقون والذين هم

ايشان از عذاب آفريدگار خود ترسانند و آنانكه ايشان

بآيات ربهم يؤمنون والذين هم بربهم

بآيات پروردگار خود ايمان آرند و آنانكه ايشان بپروردگار خود

لا يشركون والذين يؤتون ما اتوا و

شرك نمي آرند و آنانكه ميدهند آنچه ميدهند و

قلوبهم وجلة انهم الى ربهم راجعون اولئك

دلهاي ايشان ترسانست آنكه ايشان بسوي پروردگار خود بازگردندگانند آن گروه

يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون

مي شتابند در خيرات و ايشان مر آنرا پيشي گيرندگانند

ولا نكلف نفسا الا وسعها ولدينا كتاب

و تكليف نمي كنيم هيچ تن را مگر بقدر طاقت و نزديك ماست لوح محفوظ

ينطق بالحق وهم لا يظلمون بل قلوبهم

سخن گويد براستي و ايشان ستم ديده نشوند بلكه دلهاي ايشان

في غمرة من هذا ولهم اعمال من دون ذلك

در گرداب غفلت ازين كتاب و مر ايشانراست عملهاي ناپاك زير جز اين

هم لها عاملون حتى اذا اخذنا مترفيهم

ايشان مر آنرا كنندگانند تا چون بگيريم متنعمان ايشانرا

بالعذاب اذا هم يجأرون لا تجأروا اليوم

بعذاب آنگاه ايشان فرياد وزاري كنند فرياد مكنيد امروز

إِنَّكُم مِّنَّا لَا تُنصَرُونَ ۝ قَدْ كَانَتْ ءَايَٰتِى تُتْلَىٰ
بدرستیکه شما از ما یاری کرده نخواهید شد بدرستیکه بود آیتهای من خوانده میشد

عَلَيْكُمْ فَكُنتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَٰبِكُمْ تَنكِصُونَ
بر شما پس بودید شما بر پاشنهای خود باز می گردید

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَٰمِرًا تَهْجُرُونَ ۝ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا۟
در حالتی که متکبر بودید بتکذیب قرآن حدیث کنندگان در شب هذیان میگوئید آیا تفکر نمیکنند

ربع

ٱلْقَوْلَ أَمْ جَآءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ ءَابَآءَهُمُ ٱلْأَوَّلِينَ ۝
در قرآن یا آمد بایشان رسول آنچه نیامده بود به پدران پیشین ایشان

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا۟ رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنكِرُونَ
آیا نمی شناختند پیغمبر خود را پس ایشان مر او را منکران

أَمْ يَقُولُونَ بِهِۦ جِنَّةٌۢ ۚ بَلْ جَآءَهُم بِٱلْحَقِّ وَ
آیا میگویند در او دیوانگی است بلکه آمد بایشان براستی و

أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَٰرِهُونَ ۝ وَلَوِ ٱتَّبَعَ ٱلْحَقُّ
بیشتر ایشان مر حق را ناخواهانند و اگر پیروی کردی الله تعالی

أَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلْأَرْضُ وَمَن
آرزوهای ایشان را هر آینه تباه شدی آسمانها و زمین و هر که

فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَٰهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم
در ایشان بلکه آوردیم بایشان کتاب پس ایشان از موعظه خود

مُّعْرِضُونَ ۝ أَمْ تَسْـَٔلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ
روی گردانندگان اند یا آنکه میخواهی از ایشان مزدی پس مزد پروردگار تو

خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ۝ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ
بهتر و او بهترین روزی دهندگان است و بدرستیکه تو میخوانی ایشان را

إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
به راه راست و بدرستیکه آنانکه ایمان نمی آورند

بِٱلْءَاخِرَةِ عَنِ ٱلصِّرَٰطِ لَنَٰكِبُونَ ۝ وَلَوْ رَحِمْنَٰهُمْ
بآخرت از راه راست گردنده اند و اگر بخشائیم ایشان را

وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا۟ فِى طُغْيَٰنِهِمْ
و بر داریم آنچه بایشان است از سختی ستیزه کنند در سرکشی خود

يعمهون

يعمهون ۝ ولقد اخذنهم بالعذاب فما استكانوا
سرگشته میروند و هر آینه که گرفتیم اهل مکه را بعذاب پس فروتنی نکردند
لربهم وما يتضرعون ۝ حتى اذا فتحنا عليهم
مر پروردگار خود را و زاری نکردند تا چون گشادیم بر ایشان
بابا ذا عذاب شديد اذا هم فيه مبلسون ۝
دری خداوند عذاب سخت آنجا ایشان در آن ناامیدان
وهو الذي انشا لكم السمع والابصار
و اوست آنکه آفرید برای شما گوش و دیدها
والافئدة قليلا ما تشكرون ۝ وهو الذي
و دلها اندکی شکر میگذارند و اوست آنکه
ذراكم في الارض واليه تحشرون ۝ وهو الذي
منتشر ساخت شما را در زمین و بسوی او جمع کرده خواهید شد و اوست آنکه
يحيي ويميت وله اختلاف اليل والنهار
زنده کرداند و میمیراند و مراورا ست مخالفت شب و روز
افلا تعقلون ۝ بل قالوا مثل ما قال الاولون
آیا تعقل نمیکنند بلکه گفتند مانند آنکه گفته بودند پیشینیان
قالوا ءاذا متنا وكنا ترابا وعظاما ءانا
گفتند آیا چون بمیریم و باشیم خاک و استخوانها آیا ما
لمبعوثون ۝ لقد وعدنا نحن واباؤنا هذا
برانگیخته شدگانیم هر آینه وعده داده شدیم ما و پدران ما این
من قبل ان هذا الا اساطير الاولين ۝
از پیش نیست این مگر افسانهای پیشینیان
قل لمن الارض ومن فيها ان كنتم تعلمون ۝
بگو مر کراست زمین و هر که در ویست اگر هستید که بدانید
سيقولون لله قل افلا تذكرون ۝ قل
زود باشد که بگویند مر خدایراست بگو آیا پند نمیگیرند بگو
من رب السموات السبع ورب العرش العظيم
کیست آفریدگار آسمانها هفت و پروردگار عرش بزرگ

سيقولون لله قل أفلا تتقون ۝ قل من بيده

زود باشد که گویند مرخدایراست بگو آیا پس نمی ترسید بگو کیست در دست او

ملكوت كل شيء وهو يجير ولا يجار عليه

پادشاهی همه چیز و او زنهار دهد و زنهار داده نشود برو

إن كنتم تعلمون ۝ سيقولون لله قل فأنى

اگر هستید که میدانید زود باشد که گویند مرخدایراست بگو پس از کجا

تسحرون ۝ بل أتيناهم بالحق وإنهم لكاذبون

فریب یافته شوید بلکه آوردیم ایشانرا کتابی براستی و بدرستیکه ایشان دروغ گویانند

ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من

فراگرفت خدایتعالی هیچ فرزندی و نیست با او هیچ

إله إذا لذهب كل إله بما خلق ولعلا

معبودی آنهنگام برد هر خدای آنرا که آفریده بود و برتر شدی

بعضهم على بعض سبحان الله عما يصفون

بعضی الهه بر بعضی پاکست خدایتعالی از آنچه صفت کنند

عالم الغيب والشهادة فتعالى عما يشركون

دانای پوشیده و آشکارا پس برتر است از آنچه شریک میگیرند

قل رب إما تريني ما يوعدون ۝ رب

بگو ای پروردگار من اگر بنمائی مرا آنچه وعده داده شده اند ای پروردگار من

فلا تجعلني في القوم الظالمين ۝ وإنا على

پس مدار مرا در گروه ستمکاران و بدرستیکه ما بر

أن نريك ما نعدهم لقادرون ۝ ادفع

آنکه بنمائیم تو آنچه وعده داده شدیم برآینه توانائیم دفع کن

بالتي هي أحسن السيئة نحن أعلم بما يصفون

بخصلتی که آن نیکوتر است بدیرا ما داناتریم بآنچه صفت میکنند

وقل رب أعوذ بك من همزات الشياطين

و بگو ای پروردگار من پناه گیرم بتو از وسوسهای دیوان

وأعوذ بك رب أن يحضرون ۝ حتى إذا

و پناه گیرم بتو ای پروردگار من از آنکه حاضر شوند تا چون

جاء

234

جَآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ ۝ لَعَلِّیْ
بیاید یکی از ایشان مرگ گوید ای آفریدگار من بازگردان مرا امید تا شاید کنم

اَعْمَلُ صَالِحًا فِیْمَا تَرَکْتُ کَلَّا اِنَّهَا کَلِمَةٌ هُوَ
عمل نیکو در آنچه که بگذاشته ام حقا که بدرستیکه سخنی که او حضرت

قَآئِلُهَا وَمِنْ وَّرَآئِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰی یَوْمِ یُبْعَثُوْنَ
گوینده اوست و از پس ایشان ما نعیت تا وقتیکه برانگیخته شوند

فَاِذَا نُفِخَ فِی الصُّوْرِ فَلَآ اَنْسَابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَّ
پس چون دمیده شود در صور پس نسبها نباشد در روز قیامت و

لَا یَتَسَآءَلُوْنَ ۝ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِیْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ
نپرسند یکدیگر را پس هر که گران آید ترازوی او پس آن گروه

هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِیْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ
ایشانند رستگاران و هر که سبک خواهد شد ترازوی او پس آن گروه

الَّذِیْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فِیْ جَهَنَّمَ خٰلِدُوْنَ ۝
آنانکه زیان کردند نفسهای خود را در دوزخ جاوید شوند

تَلْفَحُ وُجُوْهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِیْهَا کٰلِحُوْنَ ۝ اَلَمْ
میسوزد رویهای ایشان آتش و ایشان در آن ترش رویان آیا

تَکُنْ اٰیٰتِیْ تُتْلٰی عَلَیْکُمْ فَکُنْتُمْ بِهَا تُکَذِّبُوْنَ
نبود آیتهای مرا خوانده میشد بر شما پس بودید بدان تکذیب میکردید

قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَیْنَا شِقْوَتُنَا وَکُنَّا
گویند ای پروردگار ما غالب شد بر ما شقاوت ما و بودیم ما

قَوْمًا ضَآلِّیْنَ ۝ رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا
گروهی گمراهان ای پروردگار ما بیرون آر ما را از آن پس اگر بازگردیم

فَاِنَّا ظٰلِمُوْنَ ۝ قَالَ اخْسَئُوْا فِیْهَا وَلَا تُکَلِّمُوْنِ ۝
پس بدرستیکه ما ستمکاران باشیم گوید خاموش باشید در آن و سخن مگوئید

اِنَّهٗ کَانَ فَرِیْقٌ مِّنْ عِبَادِیْ یَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ
بدرستیکه او هست گروهی از بندگان من میگفتند ای آفریدگار ما

اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَیْرُ الرّٰحِمِیْنَ ۝
گرویدیم پس بیامرز ما را و ببخش ما را و تو بهترین بخشندگانی

ع

فاتخذتموهم سخريا حتى انسوكم ذكرى

پس گرفتید شما سخریه تا فراموش گردانیدند ایشان یاد کردن من

وكنتم منهم تضحكون ۝ انى جزيتهم اليوم

و بودید از ایشان می خندید بدرستیکه من جزا دادم ایشان را امروز

بما صبروا انهم هم الفائزون ۝ قال كم

بانچه صبر کردند آنکه ایشان اند رسیدگان گوید چند

لبثتم فى الارض عدد سنين ۝ قالوا لبثنا

درنگ کردید در زمین چند سال بودید گویند درنگ کردیم

يوما او بعض يوم فسئل العادين ۝ قال ان

روزی یا پاره از روز پس بپرس شمار کنندگان را گوید درنگ

لبثتم الا قليلا لو انكم كنتم تعلمون ۝ افحسبتم

درنگ مگر اندکی اگر آنکه شما بودید که میدانستید آیا پنداشتید

انما خلقنكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون

آنکه آفریدیم شما را برای بازی و آنکه شما بسوی ما بازگردیده نشوید

فتعلى الله الملك الحق لا اله الا هو رب

پس برتر است خدای تعالی پادشاه راست نیست معبودی مگر او آفریدگار

العرش الكريم ۝ ومن يدع مع الله الها

عرش بزرگ و هرکه پرستد میخواند با خدای خدای

اخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه

دیگر نیست حجتی مر او را بآن پس جز این نیست که حساب او نزد خدای اوست

انه لا يفلح الكفرون ۝ وقل رب اغفر وارحم وانت

بدرستیکه رستگار نشوند کافران و بگو ای پروردگار من بیامرز و ببخش و تو

| | | |
|---|---|---|
| سورة النور | خير الرحمين | وهي ستون اية |

بهترین رحمت کنندگانی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

سورة انزلنها وفرضنها وانزلنا فيها ايت بينت

این سوره است فرستادیم آنرا و فرض کردیم آن و فرستادیم در آن آیتهای روشن

لعلكم

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي

شاید که شما پند گیرید زن و مرد زناکننده

فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا

پس بزنید هر یکی را از ایشان صد تازیانه و باید که

تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ

فرا نگیرد شما را مهربانی در فرمان برداری خدا تعالی اگر هستید

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ

که میگروید بخدا تعالی و بروز قیامت و باید که حاضر شوند

عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ الزَّانِي لَا

در وقت عذاب آن گروهی از مومنان مرد زناکننده نکند

يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنكِحُهَا

نکاح مگر زن زناکننده یا مشرک آرنده و زن پلید کار در نکاح نیارد اورا

إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

مگر مرد پلید کار یا مشرک آرنده و حرام کرده شد این بر مومنان

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ

و آنانکه رجم کنند زنان محصنه را پس نیارند چهار

شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا

گواه پس بزنید ایشانرا هشتاد تازیانه و قبول نکنید

لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

مر ایشانرا گواهی همیشه و آن گروه ایشانند بیرون رفتگان

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ

مگر آنانکه توبه کردند از پس این و بصلاح آمدند پس بدرستیکه

اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ

خدا تعالی آمرزنده مهربانست و آنانکه نسبت کنند زنان خود را

وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ

و نباشد ایشان را گواهان مگر نفسهای ایشان پس گواهی

أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

یکی از ایشان چهار گواهی بخدا تعالی بدرستیکه او از راست گویانست

وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ

وگواه پنجم آنکه لعنت خدا تعالی برو اگر باشد از

الْكَاذِبِينَ ۝ وَيَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ

دروغگویان وباز دارد ازان عذاب آنکه

تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

گواهی دهد بچهار گواهی بخدا تعالی بدرستیکه او از دروغگویانست

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ

وگواهی پنجم آنکه خشم خدا تعالی بران اگر باشد

مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

از راست گویان واگر نه فضل خدا تعالی بر شما

وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ

وبخشایش او وآنکه خدا تعالی توبه قبول کننده است حکم کننده بدرستیکه آنانکه

جَاؤُا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا

آوردند دروغی بزرگ را در شان حضرت عایشه گروهی از شما مپندارید آن بدی

لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ

برای شما بلکه آن بهترست برای شما مر هر یکی را از ایشان جزای کسب

مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ

از گناه وآنکسی را که فرا گرفت معظم آن ازان جماعت مر اوراست عذابی

عَظِيمٌ ۝ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ

بزرگ چرا آنگاه که شنیدید گمان بردندی مردان گرویده و

الْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ

زنان گرویده بهم دینان خود نیکوی وگفتندی این دروغی

مُبِينٌ ۝ لَوْلَا جَاؤُا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ

روشن است چرا نیاوردند بران سخن چهار گواه

فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ

پس اکنون نیاوردند گواهان چهارگانه پس آن گروه نزدیک خدا تعالی

هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

ایشانند دروغگویان واگر نه کرم خدا تعالی بر شما

ورحمته

ولولا اذ سمعتموه [illegible]

وَرَحمته فی الدنیا والاخرة لمسکم فی ما

ورحمت او | در دنیا | و آخرة | هر آینه برسیدی شمارا | در آنچه

افضتم فیه عذاب عظیم اذ تلقونه

که خوض کردید | در آن | عذابی | بزرگ | انگاه که می گرفتید

بالسنتکم وتقولون بافواهکم ما لیس لکم

بزبانهای خود | و میگفتید | بدهنهای خود | آنچه نیست مر شما را

به علم وتحسبونه هینا وهو عند الله

بآن علمی | و میپندارید آن | آسان | و آن | نزد | خدا تعالی

عظیم ولولا اذ سمعتموه قلتم ما یکون لنا

بزرگست | و چرا نه چون | شنیدید | میگفتید | نمیسزد | مارا

ان نتکلم بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم

که سخن گوییم | برین | پاکست خدا تعالی | این کلام | افترای بزرگست

یعظکم الله ان تعودوا لمثله ابدا ان کنتم

پند میدهد شمارا خدا تعالی | از آنکه باز گردید | بمثل این سخن | هرگز | اگر هستید

مؤمنین ویبین الله لکم الایات والله

گروندگان | و بیان کرد | خدا تعالی | برا شما | آیتها | و خدا تعالی

علیم حکیم ان الذین یحبون ان تشیع

داناست حکم کننده | هر آینه آنانکه | دوست دارند | آنکه فاش کرده شود

الفاحشة فی الذین امنوا لهم عذاب الیم

زشت نامی | در آنانکه | گرویدند | برای ایشانست عذاب | بزرگ

فی الدنیا والاخرة والله یعلم وانتم لا تعلمون

در دنیا | و آخرة | و خدا تعالی میداند | و شما | نمیدانید

ولولا فضل الله علیکم ورحمته وان الله

و اگر نه فضل خدا تعالی بودی | بر شما | و رحمت او | و آنکه خدا تعالی

رءوف رحیم یا ایها الذین امنوا لا تتبعوا

مهربانست بخشاینده | ای | گروه | مومنان | پیروی مکنید

خطوات الشیطن ومن یتبع خطوات

گامهای | شیطان | و هر که پیروی کند | گامهای

نصف

ع

[illegible]

الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا

شیطان پس بدرستیکه دیو فرماید بکار زشت و ناپسند و اگر نه

فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكٰى مِنْكُمْ

فضل خدا تعالی بر شما و بخشایش او پاک گشتی از شما

مِنْ اَحَدٍ اَبَدًا وَّلٰكِنَّ اللّٰهَ يُزَكِّىْ مَنْ يَّشَآءُ

هیچ یکی هرگز ولیکن خدا تعالی پاک سازد هر کرا خواهد

وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝ وَلَا يَأْتَلِ اُولُوا الْفَضْلِ

و خدا تعالی شنوا و داناست و باید که سوگند نخورند خداوندان فضل

مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ يُّؤْتُوْٓا اُولِى الْقُرْبٰى وَ

از شما و خداوندان توانایی برآنکه ندهند نفقه خویشاوندان و

الْمَسٰكِيْنَ وَالْمُهٰجِرِيْنَ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلْيَعْفُوْا

درویشان و مهاجران در راه خدا تعالی و باید که عفو کنند

وَلْيَصْفَحُوْا اَلَا تُحِبُّوْنَ اَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ وَ

و درگذرانند آیا دوست نمیدارید آنکه بیامرزد خدا تعالی شما را و

اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ يَرْمُوْنَ

خدا تعالی آمرزنده مهربانست هر آینه آنانکه رمی کنند

الْمُحْصَنٰتِ الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ لُعِنُوْا فِى الدُّنْيَا

زنان نگاهدارنده را بیخبران گرویدگان دور کرده شوند در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۝ يَّوْمَ تَشْهَدُ

و آخرة و مر ایشانراست عذابی بزرگ روزیکه گواهی دهد

عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَاَيْدِيْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوْا

بر ایشان زبانهای ایشان و دستهای ایشان و پایهای ایشان بانچه بوده

يَعْمَلُوْنَ ۝ يَوْمَئِذٍ يُّوَفِّيْهِمُ اللّٰهُ دِيْنَهُمُ الْحَقَّ وَ

که میکردند آنروز تمام بدهد ایشانرا خدا تعالی دین ایشان که حق است و

يَعْلَمُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ ۝ اَلْخَبِيْثٰتُ

بدانند آنکه خدا تعالی او ثابت پیدا سخن ناپاکی

لِلْخَبِيْثِيْنَ وَالْخَبِيْثُوْنَ لِلْخَبِيْثٰتِ وَالطَّيِّبٰتُ

مر ناپاکانراست و پلیدان نیز سخنان پلید را و پاکیزگان نیز

رضی الله عنهم [illegible]

ولا یأتل اولوا الفضل سبب [illegible]

للطيبين

لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ

مر سخنان پاک را وکلمات پاکیزه مر مردان پاک راست آنگروه تبرکرده شدگانند

مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

از آنچه میگویند مرایشانراست آمرزشی وروزی نیکو

يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ

ای گروه مومنان درمیایید بخانها جز

بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا

خانهای خود تا دستوری طلبید وسلام کنید براهل آن

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِن

این بهترست مرشما شاید که شما پند گیرید پس اگر

لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ

نیابید دران کسی پس درمیایید تا دستوری دهند

لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ

مرشمارا واگر گویند شمارا که بازگردید پس بازگردید آن پاکیزه ترست

لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ لَّيْسَ عَلَيْكُمْ

شمارا وخدای تعالی بآنچه میکنید داناست نیست برشما

جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ

گناهی که درآیید درخانه که نیست سکون

فِيهَا مَتَٰعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

دران برخورداریست مرشمارا وخدای تعالی میداند آنچه آشکارا میکنید وآنچه

تَكْتُمُونَ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَٰرِهِمْ

میپوشید بگو مرمردان مومن را بپوشند دیدهای خودرا

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ

ونگاه دارید فرجهای خودرا این پاکیزه ترست مرایشانرا بدرستیکه خدای تعالی

خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُل لِّلْمُؤْمِنَٰتِ يَغْضُضْنَ

داناست بآنچه میکنند وبگو مرزنان گرویده را بپوشند

مِنْ أَبْصَٰرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ

دیدهای خودرا ونگاه دارند فرجهای خودرا وآشکارا مکنند

دیگر آنکه وحی
درحیات بود و ریزه
در علم
ع
او دراز حضرت
صدیق اکبر
ام او در حجر سوید
و ده دو ده بر
تبر غار ذوق نقره
ای که ار سلطان
با کرده نعمت
گشته و سلطان باد او
نیکو مر بما قدر
حق سبحانه و تعالی
ابن سفر نفهم

زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ
از زیورها مگر آنچه ظاهر شود از ان و باید که فرو گذارند بچادرها

عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
بر گریبان خود و آشکارا نکنند از زیورها مگر برای شوهران خویش

أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ
یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش یا

أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ
پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش

أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ
یا پسران خواهران خود یا زنان خویش یعنی کنیزکان که مالک شد

أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ
دستهای ایشان یا بی روزگان جز خداوندان حاجت زنان از مردان

أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ
یا طفلان آنانکه مطلع نیستند بر عورات زنان

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ
و باید که نزنند زنان پایهای خلخال دار تا دانسته شود آنچه پنهان دارند از

زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ
پیرایه خود و بازگردید بسوی خدا تعالی همه ای گرویدگان

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَ
شاید که شما رستگار شوید و در نکاح در آرید زنان بی شوهران شما و

الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ
صالحان از بندگان خود و کنیزکان خود اگر

يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ
باشند درویشان غنی گرداند ایشان را خدا تعالی از فضل خود و خدا تعالی

وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا
فراخ بخشایش است دانا و باید که عفت ورزند آنانکه نمی

يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
یابند نکاح تا آنکه توانگر گرداند ایشان را خدا تعالی از فضل خود

وانکحوا الایامی

[illegible]

والذین سعود

وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتٰبَ مِمَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ

و آنانکه میطلبند مکاتب شدن از انچه مالک شده است یمینهای شما

فَكَاتِبُوهُمْ اِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَاٰتُوهُمْ

پس مکاتب کنید ایشانرا اگر دانسته اید در ایشان نیکی و بدهید ایشانرا

مِنْ مَالِ اللّٰهِ الَّذِي اٰتٰىكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيٰتِكُمْ

از مال خدای تعالی آنکه داده شما را و اکراه مکنید کنیزکان خودرا

عَلَى الْبِغَاءِ اِنْ اَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ

بر زنا اگر خواهند با استاده شوند تا خواهید مال

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَاِنَّ اللّٰهَ مِنْ

زندگانی دنیا و هرکه اکراه کند کنیزکانرا پس بدرستیکه خدای تعالی از

بَعْدِ اِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَقَدْ

پس اکراه کردن ایشانرا آمرزنده مهربانست و بدرستیکه

اَنْزَلْنَا اِلَيْكُمْ اٰيٰتٍ مُبَيِّنٰتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ

فرستادیم بسوی شما آیتهای روشن و مثل از آنانکه

خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ۝

گذشته اند پیش از شما و پندی برای پرهیزکاران

ع

اَللّٰهُ نُورُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ

خدای تعالی نور آسمانها و زمین صفت نور الله تعالی است

كَمِشْكٰوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ اَلْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ

مانند روزنه ایست در ان چراغی باشد آن چراغ در قندیلی از آبگینه

اَلزُّجَاجَةُ كَاَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ

آن آبگینه گویا که آن ستاره ایست درخشنده افروخته است از درخت

مُبٰرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ

با برکت که آن زیتونست نه شرقیست و نه در غرب نزدیکست

زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلٰى نُورٍ

روغن آن درخت روشنی دهد و اگرچه نرسیده باشد بوی آتشی روشنی افزوده بر روشنی

يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ

راه نماید خدای تعالی بنور معرفت هرکرا خواهد و میزند خدای تعالی

الامثال للناس والله بكل شيء عليم ۝
مثلها براى مردمان وخداتعالى بهر چيز داناست
في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر
درخانها دستورى داد خداتعالى آنكه برداشته شود وياد كرده شود
فيها اسمه يسبح له بالغدو والاصال ۝
دران نام خداتعالى تسبيح گفته شود مرخدايرا ببامداد وشبانگاه
رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله
مردانيكه مشغول نمى سازد ايشانرا بازرگانى ونه فروختن ازياد كردن خداتعالى
واقام الصلوة وايتاء الزكوة يخافون
وبپاداشتن نمازرا ودادن زكوة ميترسند
يوما تتقلب فيه القلوب والابصار ۝
روزيكه بگردد دران دلها وديدها
ليجزيهم الله احسن ما عملوا ويزيدهم من
تاجزا دهد ايشانرا خداتعالى نيكوترين آنچه كردند وزياده كند ايشانرا از
فضله والله يرزق من يشاء بغير حساب ۝
فضل خود وخداتعالى روزى ميدهد هركرا خواهد بى شمار
والذين كفروا اعمالهم كسراب بقيعة
وآنانكه پوشيدند حق را كردارهاى ايشان مانند سرابيست درزمين هموار
يحسبه الظمان ماء حتى اذا جاءه لم يجده
پندارد آنرا تشنه آب صاف تا چون برسد بموضع نيابد
شيئا ووجد الله عنده فوفيه حسابه و
چيزيرا وبيابد عقاب خداتعالى نزد عمل پس تمام كرد اورا حساب عمل او و
الله سريع الحساب ۝ او كظلمت في بحر لجي
خداتعالى زود حسابست يا مانند تاريكيها درورياى عميق
يغشيه موج من فوقه موج من فوقه
مى پوشد موجى از بالاى موجى ديگر از بالاى آن
سحاب ظلمت بعضها فوق بعض اذا اخرج
ابرى واين تاريكيهاست بعضى بالاى بعضى چون بيرون آرد كسى

يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرٰهَا وَمَنْ لَّمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا

دست خودرا نزدیک نیست که ببیند آنرا وکسی را که مقرر نکرد خدا تعالی مر اورا روشنی

فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهُ

پس نیست مر اورا هیچ روشنی آیا نمی بینی آنکه خدا تعالی تسبیح گوید مر اورا

مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ صٰٓفّٰتٍ

آنکه در آسمانها و زمین است و مرغان صف کشنده

كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ

هریک بدرستیکه دانسته است دعای خودرا و تنزیه خودرا و خدا تعالی داناست

بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ

آنچه میکنند و مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین

وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِي سَحَابًا

و بسوی خدا تعالی است بازگشت آیا نمی بینی آنکه خدا تعالی میراند ابررا

ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى

پس تالیف کند میان او پس میگرداند اورا درهم رسته پس بینی

الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ

باران را میرآید ازمیان ابررا و فرستد از آسمان

مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَّشَآءُ

از کوهها در ان از تگرگ پس میرساند باد هرکرا خواهد

وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَّنْ يَّشَآءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ

و بازمیدارد از هرکه خواهد نزدیک است که روشنی برق ببرد

بِالْاَبْصَارِ ۝ يُقَلِّبُ اللّٰهُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ اِنَّ فِي

دیده هارا میگرداند خدا تعالی شب و روزرا بدرستیکه در

ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّاُولِي الْاَبْصَارِ ۝ وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ

این پندی مرخداوندان دیده ها و خدا تعالی بیافرید هر

دَآبَّةٍ مِّنْ مَّآءٍ فَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِي عَلٰى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ

جنبنده از آب پس از ایشان کسی هست که میرود بر شکم خود و از ایشان

مَنْ يَّمْشِي عَلٰى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّمْشِي عَلٰى

کسی هست که میرود بر دو پای و از ایشان کسی هست که میرود بر

ع

در بیان اعمال کافران و اوصاف آن ... بیان عجائب تکوین ... خدای ...

أربع يخلق الله ما يشاء إن الله على كل شيء
چهار پای می آفریند خدا تعالی هرچه میخواهد بدرستیکه خدا تعالی بر هر چیز
قدير ۝ لقد أنزلنا آيات مبينات والله يهدي
توانا است بتحقیق فرستادیم آیتهای روشن وخدا تعالی راه نماید
من يشاء إلى صراط مستقيم ۝ ويقولون
هرکرا خواهد براه راست ومیگویند
آمنا بالله وبالرسول وأطعنا ثم يتولى فريق
گرویدیم بخدا تعالی وبفرستاده او وفرمان برداری کردیم پس میگردد گروهی
منهم من بعد ذلك وما أولئك بالمؤمنين
از ایشان از پس این ونیستند آنگروه گرویدگان
وإذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم
وچون خوانده شود بکتاب خدا تعالی وبحکم رسول او تا حکم کند میان ایشان
إذا فريق منهم معرضون ۝ وإن يكن لهم الحق
ناگاه گروهی از ایشان اعراض کنندگانند واگر باشد مر ایشان را حکم
يأتوا إليه مذعنين ۝ أفي قلوبهم مرض أم
بیایند بسوی پیغمبر فرمان برندگان آیا در دلهای ایشان بیماریست یا
ارتابوا أم يخافون أن يحيف الله عليهم و
در شک افتادند یا میترسند آنکه حیف کند خدا تعالی بر ایشان و
رسوله بل أولئك هم الظالمون ۝ إنما كان قول
رسول او بلکه آنگروه ایشانند ستمکاران جز این نیست که بود گفتار
المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم
گرویدگان چون خوانده شود بکتاب خدا تعالی ورسول او تا حکم کند
بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا وأولئك
میان ایشان آنکه گویند شنیدیم وفرمان بردیم وآنگروه
هم المفلحون ۝ ومن يطع الله ورسوله ويخش
ایشانند رستگاران وهرکه فرمان برد خدا را ورسول او وبترسد
الله ويتقه فأولئك هم الفائزون ۝ وأقسموا
از خدا تعالی وبپرهیزد پس آنگروه ایشانند فیروزیافتگان وسوگند خوردند

ثلثه ع

بالله

بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ اَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا

بخدا اینها سخت ترین سوگندان خود اگر فرمایی ایشان را بیرون آیند بگو مخورید

تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا

قسم فرمان برداریست شناخته شده هر آینه خدای تعالی داناست بآنچه

تَعْمَلُونَ ۝ قُلْ اَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ

میکنید بگو فرمان برید خدا را و فرمان برید رسول را

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا

پس اگر رو بگردانید پس جز این نیست که بر پیغمبر است آنچه بار کرده شد و بر شماست آنچه

حُمِّلْتُمْ وَاِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ

بار کرده شد و اگر فرمان برید او را راه یابید و نیست بر فرستاده

اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ ۝ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا

مگر رسانیدن ظاهر وعده کرد خدای تعالی آنانکه گرویده اند

مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

از شما و کردند عمل شایسته هر آینه خلیفه گرداند ایشان را

فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

در زمین همچنانکه خلیفه گردانید آنانکه پیش از ایشان

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَ

و تا محکم سازد برای ایشان دین ایشان را آنکه برگزید برای ایشان را و

لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنًا يَعْبُدُونَنِي

بدل دهد ایشان را از پس ترس ایشان ایمنی پرستند مرا

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ

شریک نسازند بمن چیزی را و هر که کفران ورزد بعد ازین پس آنگروه

هُمُ الْفٰسِقُونَ ۝ وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ

ایشانند کافران در فسق و بپا دارید نماز را و بدهید زکوة را

وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ لَا تَحْسَبَنَّ

و فرمان برید رسول را شاید که شما رحمت کرده شوید مپندار

الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْاَرْضِ وَمَاْوٰهُمُ

آنانکه کافر شدند عاجز کنندگان در زمین و بازگشت ایشان

ع

النار ولبئس المصير ۝ يا أيها الذين آمنوا
دوزخ وبد بازگشت ای گروه مومنان
ليستأذنكم الذين ملكت أيمانكم و
بایدکه دستوری طلبند از شما آنانکه مالک است دستهای شما و
الذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرات
آنانکه نرسیدند ببلوغ از شما سه نوبت
من قبل صلوة الفجر وحين تضعون
پیش از نماز بامداد وهنگامی که بنهید
ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة العشاء
جامهای خودرا وقت نماز پیشین و بعد از نماز خفتن
ثلث عورات لكم ليس عليكم ولا عليهم
سه وقت عورت مرشمارا نیست برشما ونه برایشان
جناح بعدهن طوافون عليكم بعضكم
گناهی بعد از سه وقت بندگان طواف کنندگان برشما برخی از شما
على بعض كذلك يبين الله لكم الآيات والله
برخی همچنان روشن کردن خدا برای شما دلایل وخدا
عليم حكيم ۝ وإذا بلغ الأطفال منكم
داناست حکم کننده وچون رسند طفلان از شما
الحلم فليستأذنوا كما استأذن الذين من
محتلم شوند پس طلب دستوری کنند همچنانکه دستوری طلبند آنانکه پیش از
قبلهم كذلك يبين الله لكم آياته والله عليم
ایشان همچنین بیان سازد خدا برای شما آیتها وخدا داناست
حكيم ۝ والقواعد من النساء التي لا يرجون
حکم کننده ونشستگان از زنان آنانکه طمع نکاح ندارند
نكاحا فليس عليهن جناح أن يضعن ثيابهن
پس نیست برایشان گناهی آنکه بنهند جامه
غير متبرجات بزينة وأن يستعففن خير
غیر مظهرات بآرایش وآنکه طلب عفت کردن ایشان بهتر است

[illegible]

لهن

لَهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمٰى
مر ایشانرا وخدای تعالی شنوا داناست ۝ نیست بر نابینا
حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ
گناهی ونه بر لنگ بزه ونه بر بیمار
حَرَجٌ وَلَا عَلٰى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ
گناهی ونه بر نفسهای شما آنکه بخورید از خانهای اولاد
أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
یا خانهای پدران خود یا خانهای مادران خود یا خانهای
إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ
برادران خود یا خانهای خواهران خود یا خانهای برادران پدران خود
أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
یا خانهای خواهران پدران خود یا خانهای برادران مادران خود یا خانهای
خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ
خواهران مادران خود یا از خانهای که مالک شدید شما خزاین آنرا یا از خانهای دوستان
لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا
نیست بر شما گناهی آنکه بخورید باهم یا پراگنده
فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلٰى أَنْفُسِكُمْ
پس چون درآئید بخانها پس سلام کنید بر هم دینان خود
تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذٰلِكَ
سلام کردنی از نزدیک خدای تعالی بابرکت پاک همچنین
يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ إِنَّمَا
بیان میکند خدای تعالی برای شما آیتها شاید که شما تعقل کنید جز این نیست
الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا
گرویدگان آنانند که ایمان آوردند بخدای تعالی ورسول او وچون
كَانُوا مَعَهُ عَلٰى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتّٰى
باشند با او بر کاری مجمع نروند تا
يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولٰئِكَ
دستوری طلبند ازو بدرستیکه آنانکه دستوری طلبند از تو آن گروه

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَرَسُولِهٖ فَاِذَا اسْتَأْذَنُوكَ
آنانکه ایمان می‌آورند بخدای تعالی و رسول او پس چون طلب اذن کنند از تو
لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ
از برای بعضی کار ایشان پس اجازت ده مر هر کرا خواهی از ایشان و طلب آمرزش کن
لَهُمُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ لَا تَجْعَلُوا
برای ایشان از خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست نگردانید
دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ
خواندن رسول میان شما همچو خواندن برخی از شما برخی را بدرستیکه میداند
اللّٰهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ
خدای تعالی آنانرا که بیرون روند از شما پناه گیرنده پس باید که بترسند
الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ اَمْرِهٖ اَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ
آنانکه مخالفت کنند از فرمان خدای تعالی آنکه برسد بدیشان آزمایشی
اَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ اَلَا اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي
یا برسد ایشانرا عذابی دردناک بدانید بدرستیکه مر خدایراست آنچه در
السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا اَنْتُمْ عَلَيْهِ
آسمانها و زمین بدرستیکه میداند آنچه شما بر او
وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ اِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللّٰهُ
و روزیکه بازگردانیده شوند بسوی او پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کردند و خدای تعالی
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝

## سُورَةُ الْفُرْقَانِ مَكِّيَّةٌ وَسَبْعٌ وَسَبْعُونَ

بهر چیز دانا است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلٰى عَبْدِهٖ لِيَكُونَ
بزرگست آنکه فرستاد فرقانرا بر بنده خود تا باشد
لِلْعٰلَمِينَ نَذِيرًا ۝ الَّذِي لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ
مر جهانیانرا بیم کننده آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها
وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ شَرِيكٌ
و زمین و نگرفت فرزندی و نیست مر او را انبازی

في الملك

فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا

در پادشاهی و آفرید همه چیز را پس اندازه کرد اندازه کردنی

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا

و گرفتند بجز خدا تعالی خدایان نمی آفرینند چیزی

وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا

و ایشان آفریده شده اند و نمی توانند برای نفس خود ضرری

وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا

و نه سودی و قادر نیستند بر میرانیدن کسی و نه زنده کردن کسی و نه

نُشُورًا وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا

بعث و گفتند آنانکه کافر شدند نیست این مگر

إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ

دروغی بربافت آنرا و یاری کرد او را بر بافتن آن دروغ قومی دیگر

فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا وَقَالُوا أَسَاطِيرُ

پس بدرستیکه آمده اند بستم و دروغ و گفتند افسانهای

الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً

پیشینیان مینویسند آنرا پس آن املا کرده میشود روز و شب

وَأَصِيلًا قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي

بگو فرستاده است قرآن آنکه میداند پنهان در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

آسمانها و زمین بدرستیکه او هست آمرزنده مهربان

وَقَالُوا مَالِ هَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ

و گفتند چیست این پیغمبر میخورد خوردنی

وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ

و میرود در بازارها چرا نفرستاده اند بسوی او فرشته

فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيرًا أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ

پس باشد با وی بیم کننده یا افکنده شود بروی گنجی یا

تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ

باشد مر او را باغی میخورد از آن و گفتند ظالمان

إن تتبعون إلا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف

پیروی نمیکنید مگر مردی جادوی کرده شده درنگر چگونه

ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا يستطيعون

زدند برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نمیتوانند

سبيلا ۝ تبارك الذي إن شاء جعل لك خيرا

راه بزرگ کسی که اگر خواهد گرداند ترا بهتر

من ذلك جنات تجري من تحتها الأنهار

از این بوستانها میرود از زیر آن جویها

ويجعل لك قصورا ۝ بل كذبوا بالساعة

و میکند ترا کوشکها بلکه تکذیب کردند بقیامت

وأعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرا ۝

و آماده کرده ایم برای کسیکه تکذیب میکنند بساعت آتش افروخته

إذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها

چون ببیند ایشانرا از جای دور بشنوند مر آنرا

تغيظا وزفيرا ۝ وإذا ألقوا منها مكانا

جوشیدن و بانگ و چون انداخته شوند از دوزخ جای

ضيقا مقرنين دعوا هنالك ثبورا ۝ لا

تنگ مقرون کرده بخوانند دران مقام هلاکت نخوانید

تدعوا اليوم ثبورا واحدا وادعوا ثبورا

امروز هلاک یک و بخوانید هلاک

كثيرا ۝ قل أذلك خير أم جنة الخلد التي

بسیار بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاودانی

وعد المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا ۝

وعده داده شده پرهیزکاران هست مر ایشانرا پاداشی و بازگشت

لهم فيها ما يشاءون خالدين كان على ربك

مر ایشانرا دران آنچه خواهند که جاوید باشند هست بر پروردگار تو

وعدا مسئولا ۝ ويوم يحشرهم وما يعبدون

وعده خواسته شده و روزیکه حشر کنیم ایشانرا و آنرا که پرستند

انظر کیف ضربوا

من دون الله

[illegible]

مِن دُونِ اللّٰهِ فَيَقُولُ ءَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي
از جز خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید بندگان مرا
هٰٓؤُلَآءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ قَالُوا سُبْحَانَكَ
این گروه آیا ایشان گمراه کردند راه را گویند پاکی تو
مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَآ أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ
نبود سزاوار ما را که گیریم از جز تو کسی دیگر
أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ وَآبَآءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا
دوستان ولیکن برخوردار کردی ایشان را و پدران ایشان را تا فراموش کردند
الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ۝ فَقَدْ كَذَّبُوكُم
آنچه یاد باید و بودند گروهی هلاک شده پس بدرستی تکذیب کردند شما را
بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا
بآنچه میگوئید پس نمیتوانند گردانیدن و نه
نَصْرًا ۝ وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا
یاری کردن و هر که ستم کند از شما بچشانیم او را عذابی
كَبِيرًا ۝ وَمَآ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ
بزرگ و نفرستادیم پیش از تو از پیغمبران
إِلَّآ إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي
مگر آنکه ایشان هر آینه میخوردند خوردنی و میروند در
الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً
بازارها و گردانیدیم برخی از شما برای برخی آزمایش
أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝ وَقَالَ
آیا صبر میکنید و هست پروردگار تو بینا و گفتند
الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا
آنانکه امید ندارند دیدار ما را چرا فرستاده نشود بر ما
الْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا
فرشتگان یا چرا نمی بینیم پروردگار ما را بخدا که عظیم پنداشتند
فِيٓ أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا ۝ يَوْمَ يَرَوْنَ
در نفسهای خود و درگذشتند از اندازه بسیار آن روز که ببینند

الجزء التاسع عشر
ع

بیرون نشان علو همت
لطف است صبر [illegible]
صبور باش رضوان
[illegible] که بنده شود
[illegible] دوست [illegible]
[illegible] حاجب [illegible]
ای رضوان

الملئكة لا بشرى يومئذ للمجرمين و
فرشتگان را هیچ مژده نیست آن روز مر گناهکاران را و

يقولون حجرا محجورا ۝ وقدمنا الى ما
گویند که لقای خدا تعالی بر شما بازداشته است و قصد کردیم بسوی آنچه

عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورا ۝
کردند از کردار پس گردانیدیم آن ذره های پراکنده

اصحب الجنة يومئذ خير مستقرا و
مجاوران بهشت در آن روز بهتر اند قرارگاه و

احسن مقيلا ۝ ويوم تشقق السماء بالغمام
نیکو از مکان و روزی که شکافته شود آسمان بسبب ابر سفید

ونزل الملئكة تنزيلا ۝ الملك يومئذ
و فرستاده شود فرشتگان فرستادنی پادشاهی در آن روز

الحق للرحمن وكان يوما على الكفرين
ثابت است مر خدا تعالی را و هست آن روز بر کافران

عسيرا ۝ ويوم يعض الظالم على يديه
دشوار و یاد کن روزی که بخاید کافر بر دو دست خود

يقول يليتني اتخذت مع الرسول سبيلا
میگوید کاشکی میگرفتم با پیغمبر راه

يويلتى ليتني لم اتخذ فلانا خليلا ۝ لقد
ای وای کاشکی فرا نمیگرفتم آن را بدوستی هر آینه

اضلني عن الذكر بعد اذ جاءني وكان
گم کرد مرا از یاد کردن کلمه بعد از آنکه آمده بود بمن و هست

الشيطن للانسان خذولا ۝ وقال الرسول
دیو مر آدمی را گمراه کننده و گفت پیغمبر

يرب ان قومي اتخذوا هذا القران مهجورا
ای پروردگار من بدرستیکه قوم من گرفتند این قرآن را فروگذاشته

وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من
و همچنین گردانیدیم مر هر پیغمبری دشمن از

المجرمين

الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا ۝

کافران / دلسنده است پروردگار تو / راه نماینده / و یاری دهنده

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ

و گفتند / آنانکه / کافر شدند / چرا فرستاده نشود بر حضرت محمد ص / قرآن

جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ

جمله / یکبار / همچنان / تا ثابت گردانیم بانفصال وحی / دل ترا

وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ۝ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا

و در تو خوانیم / قرآنرا خواندنی / و نمی آرند / بر تو / مثلی / مگر

جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۝ الَّذِينَ

آریم ترا / سخن راست / و نیکوتر از وی بیان / آنانکه

يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ

حشر کرده شوند / بر روهای خود / بسوی دوزخ / آن گروه

شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا

بدتر اند از مکان / و کج تر اند / از راه / و بدرستیکه / دادیم

مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ

موسی را / توریت / و گردانیدیم / با او / برادر او / هارون ع

وَزِيرًا ۝ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ

مددکار / پس گفتیم / هر دو بروید / بسوی گروه / آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ۝ وَقَوْمَ

تکذیب کردند / آیتهای ما / پس هلاک کردیم ایشانرا / هلاک کردنی / و گروه

نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ

نوح ع / آنهنگام که تکذیب کردند / پیغمبران / غرق ساختیم ایشانرا / و گردانیدیم ایشانرا

لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِينَ عَذَابًا

مردمانرا نشانه / و آماده کردیم / مر ستمکاران / عذابی

أَلِيمًا ۝ وَعَادًا وَثَمُودَا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا

دردناک / و عاد هلاک کردیم / و ثمود / و اصحاب / رس / و قرنها

بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ۝ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ

میان / این / بسیار / و هر یک / زدیم مر ایشانرا / مثلها

[illegible]

وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ۝ وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ
و همه را نیست کردیم نیست کردنی و بدرستیکه آمدند بران دیهی را
الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا
که باراهنیده شد باران بدی آیا نبودند
يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ۝ وَإِذَا
که میدیدند بلکه بودند امید ندارند برانگیختن و چون
رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا ۝ أَهَٰذَا
بینند ترا فرا نمیگیرند ترا مگر سخریه کنند آیا این
الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ۝ إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا
آنکه برانگیخت خدا تعالی فرستاده بدرستی که نزدیک بود گمراه کردی ما
عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا فَسَوْفَ
از خدایان ما اگر نبودی که ما صبر کردیم بر عبادت آن الهه و زود باشد که
يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ
بدانند آنهنگام که ببینند عذاب را کیست گمراه
سَبِيلًا ۝ أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ
از راه آیا دیدی کسی را که گرفت خدای خود هوای خود را آیا تو
تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ۝ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ
باشی بران نگهبانی بلکه گمان میبری آنکه بیشتر ایشان
يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ
می شنوند یا تعقل کنند نیستند ایشان مگر مانند چهارپایان
بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ
بلکه ایشان گمراه ترند از راه آیا نمی بینی بسوی پروردگار خود چگونه
مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ
بکشید سایه را و اگر خواستی گردانیدی آن سایه را ثابت پس
جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ۝ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا
گردانیدیم آفتاب را بر سایه راهنمای پس گرفتیم سایه را بسوی خود
قَبْضًا يَسِيرًا ۝ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ
گرفتنی آسان و اوست آنکه گردانید براشما شب را

ع

لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا
پوششی و خواب را راحت و کردانیدیم روز را پراکنده

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ
و اوست آنکه فرستاد بادرا مژده دهنده پیش از آمدن

رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا
باران و فرستاد از آسمان آبی پاک کننده

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا
تا زنده کنیم بآن زمین مرده و آشامانیم ازان ازانچه آفریدیم

أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ
چهارپایان و آدمیان بسیار و بدرستیکه مکرر کردانیدیم باران را

بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا
میان آدمیان تا پند گیرند پس سرباز زدند بسیار از آدمیان مگر

كُفُورًا وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا
ناسپاسی و اگر میخواستیم برمی انگیختیم در هر دیهی بیم کننده

فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا
پس فرمان مبر کافران را و جهاد کن با ایشان بقرآن جهادی کردنی

كَبِيرًا وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ
بزرگ و اوست آنکه بهم گذاشت دو دریا این شیرین

فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
تشنه نشاننده و این شور تلخی زننده و ساخت میان این دو دریا مانعی

وَحِجْرًا مَحْجُورًا وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا
و حدی مقرر و اوست آنکه بیافرید از آب آدم

فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا
پس کردانید او را نژاد و پیوند و هست پروردکار تو توانا

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا
و میپرستند بجز خدایتعالی آنچه نفع نرساند ایشان را و نه

يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا وَمَا
زیان رساندشان و هست ناگرونده بر نافرمان پروردگار خود هم پشت شیطان و نه

أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ
فرستادیم ترا مگر مژده دهنده و بیم کننده بگو نمیخواهیم شما را
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ
بر تبلیغ رسالة هیچ مزدی مگر ایمان کسی که خواهد آنکه گیرد بسوی پروردگار خود
سَبِيلًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ
راه و توکل کن بران زنده که نمیرد و
سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ۝
تسبیح گوی بستایش او و بسنده است بجزای گناه بندگان خود دانا
الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا
آنکه بیافرید آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست
فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَٰنُ
در شش روز پس استوی شد بر عرش اوست بزرگ بخشاینده
فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا
پس پرس ازو ذات او دانائی را و چون گفته شود مر مشرکان که سجده کنید
لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا
مر خدا تعالی گویند و کیست رحمن آیا سجده کنیم مر آنچه میفرمائی
وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۝ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ
و زیاده میکند ایشان را رمیدن بزرگست آنکه بیافرید در آسمان
بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۝
برجها و بیافرید دران چراغی و ماه روشن
وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ
و اوست آنکه کرد شب و روز را از پس یکدیگر آینده مر کسی را که
أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ۝ وَعِبَادُ
خواهد از آنکه یاد کند یا خواهد سپاسداری و بندگان
الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا ۝ وَإِذَا
خدا تعالی آنانند که میروند بر زمین آهسته و چون
خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ۝ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ
خطاب کنند مر ایشانرا نادانان گویند قولی با سلامتی و آنانکه شب بروز آرند

سجده
ع

لهم

لربهم سجدا وقياما ۝ والذين يقولون

برای رضای پروردگار خود سجده کنند و بپای استادگان و آنانکه گویند

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها

ای پروردگار ما بگردان از ما عذاب دوزخ بدرستیکه عذاب آن

كان غراما ۝ انها ساءت مستقرا ومقاما

هست دایم بدرستیکه آن بد قرارگاهی است و بد جایی

والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا

و آنانکه چون نفقه کردند اسراف نکرده اند و تنگ نگرفته

وكان بين ذلك قواما ۝ والذين لا يدعون

و بود در میان این راست و آنانکه نخوانند

مع الله الها آخر ولا يقتلون النفس التي

با خدای تعالی خدای دیگر و نکشند آن نفس را که

حرم الله الا بالحق ولا يزنون ومن يفعل

حرام کرده است خدای تعالی مگر براستی و زنا نمیکنند و هرکه بکند

ذلك يلق اثاما ۝ يضاعف له العذاب يوم

این بیند جزای گناه دوتو کرده شود مر او را عذاب روز

القيمة ويخلد فيه مهانا ۝ الا من تاب

قیامت و جاوید باشد در آن خوار مگر آنکه توبه کند

وامن وعمل عملا صالحا فاولئك يبدل

و گروید و بکند عمل شایسته پس آن گروه بدل کند

الله سيئاتهم حسنت وكان الله غفورا

خدای تعالی گناهان ایشان نیکوییها و هست خدای تعالی آمرزنده

رحيما ۝ ومن تاب وعمل صالحا فانه

مهربان و هرکه توبه کند و بکند عمل شایسته پس بدرستیکه او

يتوب الى الله متابا ۝ والذين لا يشهدون

باز میگردد بثواب خدای تعالی بازگشتنی و آنانکه نبینند گواهی

الزور واذا مروا باللغو مروا كراما ۝

دروغ و چون بگذرند بچیزی ناپسند بگذرند بزرگواران

ایمان آریم | کرده و ما بیوایم که | ازمنزل این دنیا ... | تو ... پرستش ... | باطل اگر این ... | بیناو بسیار کردیم

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا
و آنانکه چون پند داده شوند بآیات پروردگار ایشان بروی نیفتادند
عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ۝ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ
بران کر شده و کوران و آنانکه میگویند
رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ
ای پروردگار ما ببخش مارا از زنان ما و فرزندان ما روشنی دیدها
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۝ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ
و گردان مارا پرهیزکاران پیشوا آنگروه پاداش داده شوند
الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ
غرفه بانچه صبر کردند و بیینند در بهشت تحیت و
سَلَامًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا
سلام جاویدانند دران نیکو قرارگاه است و جای بودن
قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ
بگو چه وزن نهد شمارا پروردگار من اگر نه خواندن شما پس در ستیکه تکذیب کردید
فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا
پس زود باشد لازم

**سورة الشعراء** | **وهي مائتان وسبع وعشرون آية**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
طسم ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ لَعَلَّكَ
این سوره آیتهای کتاب روشن است مگر تو
بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ نَشَأْ
هلاک کننده نفس خود بانکه نیستند ایشان گرویدگان اگر خواهیم
نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ
فرستیم بر ایشان از آسمان نشانه پس گردد گردنهای ایشان
لَهَا خَاضِعِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ
مر آن انقیاد کنندگان و نیاید مر ایشان از هیچ پندی از
الرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ۝ فَقَدْ
خدای تعالی فرستاده شده وحی مگر باشند از ان روی گردانندگان پس در ستیکه

ربع

كذبوا

كذبوا فسيأتيهم انبؤا ما كانوا به يستهزءون

تکذیب کردند پس زود باشد که بیاید بدیشان خبرهای آنچه بودند که بدان استهزا میکردند

اولم يروا الى الارض كم انبتنا فيها من كل

آیا نمی نگرند بسوی زمین چند برویانیدیم دران از هر

زوج كريم ۝ ان في ذلك لاية وما كان

صنفی گیاه نیکو بدرستیکه در این نشانهاست و نیستند

اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز

بسیاری ایشان گرویدگان و بدرستیکه پروردگار تو اوست غالب و

الرحيم ۝ واذ نادى ربك موسى ان ائت القوم

مهربان و یاد کن آنرا که ندا کرد پروردگار تو موسی را که بیار قوم

الظلمين ۝ قوم فرعون الا يتقون ۝ قال رب

ستمکاران گروه فرعون آیا نمی‌پرهیزند گفت ای پروردگار من

اني اخاف ان يكذبون ۝ ويضيق صدري

بدرستیکه من میترسم آنکه تکذیب کنند مرا و تنگ شود دل من

ولا ينطلق لساني فارسل الى هرون ۝ ولهم علي

و گشاده نشود زبان من پس بفرست بسوی هارون را و مرایشانراست بر من

ذنب فاخاف ان يقتلون ۝ قال كلا فاذهبا

گناهی پس میترسم آنکه بکشند مرا گفت باز ایست ازین کلام پس بروید

بايتنا انا معكم مستمعون ۝ فأتيا فرعون

با نشانهای ما بدرستیکه ما با شماییم شنونده پس بیایید بفرعون

فقولا انا رسول رب العلمين ۝ ان ارسل

پس بگویید که ما فرستاده پروردگار عالمهاییم آنکه بفرست

معنا بني اسرائيل ۝ قال الم نربك فينا وليدا

با ما بنی اسرائیل گفت ای موسی آیا نه پروردیم ترا درمیان ما در حالتیکه طفل بودی

ولبثت فينا من عمرك سنين ۝ وفعلت

و درنگ کردی درمیان ما از عمر خود سالها و کردی تو

فعلتك التي فعلت وانت من الكفرين ۝

قتل قبطی که کردی و تو از ناسپاسندگان نعمت

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ۝ فَفَرَرْتُ

گفت کردم آن کردنی آنهنگام و من از غافلان پس گریختم

مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا

از شما آنهنگام که ترسیدم از شما پس بخشید مرا پروردگار من علم و

وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ

گردانید مرا از فرستادگان و این نعمتی که

تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ قَالَ

منت می نهی آن بر من آنکه بنده کردی بنی اسرائیل گفت

فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ قَالَ رَبُّ

فرعون و چیست پروردگار جهانیان گفت آفریدگار

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ

آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست اگر هستید

مُوقِنِينَ ۝ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

بی گمانان گفت مر آنها که گرداگرد او بود آیا نمی شنوید

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۝ قَالَ

گفت آفریدگار شما و آفریدگار پدران شما پیشین گفت

إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ۝

بدرستیکه فرستاده شما آنکه فرستاده است بشما دیوانه است

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا

گفت آفریدگار مشرق و مغرب و آنچه میان ایشانست

إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ۝ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَٰهًا

اگر هستید که فهم کنید گفت اگر فراگیری معبودی

غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ۝ قَالَ أَوَ

بجز من بیارم ترا از زندانیان گفت اگرچه

لَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ ۝ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ

بیارم ترا چیزی روشن گفت بیار آنچیز را اگر

كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا

هستی تو از راستگویان پس بینداخت عصای خود را پس ناگاه

بره

هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۝ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ

آن اژدهای شد آشکارا و بیرون آورد دست خود را پس ناگاه دست او

بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ۝ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَٰذَا

سفید مر نظر کنندگان را گفت مر اشراف که گرداگرد او بود بدرستیکه این

لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُم

جادوییست دانا میخواهد که بیرون کند شما را از زمین شما

بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ

بجادویی خود پس چه چیز فرمایید گفتند حبس کن اورا و برادر او را

وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝ يَأْتُوكَ بِكُلِّ

و برانگیز در شهرها جمع کنندگان بیارند بهر جا که

سَحَّارٍ عَلِيمٍ ۝ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ

جادوییست دانا پس جمع کرده شد جادوان برای هنگام روزی

مَّعْلُومٍ ۝ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنتُم مُّجْتَمِعُونَ

دانسته شده و گفته شد مر مردمان را آیا هستید فراهم آیندگان

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ۝

تا ما که متابعت نماییم ساحران را اگر باشند ایشان غلبه کنندگان

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا

پس آنهنگام که آمدند جادوان گفتند فرعون را آیا باشد مرا مزدی

إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا

اگر باشیم ما غلبه کنندگان گفت آری و بدرستیکه شما آنهنگام

لَّمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنتُم

از نزدیکان گفت مر ایشان موسی بیفکنید آنچه شما

مُّلْقُونَ ۝ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا

افکننده اید پس بیفکندند رسنها و عصاهای مجوف و گفتند

بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ۝ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ

بزرگی فرعون بدرستیکه ما غلبه کنندگانیم پس بیفکند موسی

عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَأُلْقِيَ

عصای خود را پس آن اژدهای شد فرو می برد آنچه تزویر میکردند پس روی افکنده

السَّحَرَةُ سٰجِدِينَ ۝ قَالُوٓا اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝

ساحران سجده کنندگان گفتند گرویدیم ما بپروردگار جهانیان

رَبِّ مُوسٰى وَهٰرُونَ ۝ قَالَ اٰمَنْتُمْ لَهٗ قَبْلَ

پروردگار موسی ع و هارون ع گفت آیا تصدیق کردید موسی ع پیش

اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّهٗ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

از آنکه دستوری دهم شما را بدرستیکه او مهتر شماست آنکه بیاموخت شما را جادوی

فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ لَاُقَطِّعَنَّ اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ

پس زود باشد که بدانند هر آینه ببرم دستهای شما و پایهای

مِّنْ خِلَافٍ وَلَاُصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا

بخلاف یکدیگر و هر آینه بردار کنم شما را همه گفتند

لَا ضَيْرَ اِنَّا اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۝ اِنَّا نَطْمَعُ

رنجی نیست مر ما بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود گردندگانیم بدرستیکه ما طمع داریم

اَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطٰيٰنَا اَنْ كُنَّا اَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

آنکه بیامرزد ما را پروردگار ما گناهان ما برای آنکه بودیم اول گرویدگان

وَاَوْحَيْنَا اِلٰى مُوسٰى اَنْ اَسْرِ بِعِبَادِي اِنَّكُمْ

و وحی کردیم بسوی موسی ع آنکه ببر بشب بندگان مرا بدرستیکه شما

مُتَّبَعُونَ ۝ فَاَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَآئِنِ

از پی در آینده شوید پس بفرستاد فرعون در شهرستان

حٰشِرِينَ ۝ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ۝

جمع کنندگان لشکر را بدرستیکه این گروه گروهی اند کمند

وَاِنَّهُمْ لَنَا لَغَآئِظُونَ ۝ وَاِنَّا لَجَمِيعٌ حٰذِرُونَ

و بدرستیکه ایشان ما را خشم آرندگانند و بدرستیکه ما همه باسلاح

فَاَخْرَجْنٰهُمْ مِّنْ جَنّٰتٍ وَّعُيُونٍ ۝ وَّكُنُوزٍ وَّمَقَامٍ

پس آوردیم ایشان را از بوستانها و از چشمها و گنجها و از منزلهای

كَرِيمٍ ۝ كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنٰهَا بَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ ۝ فَاَتْبَعُوهُمْ

نیکو همچنین و میراث دادیم فرزندان یعقوب ع پس از پی درآمدند ایشان را

مُّشْرِقِينَ ۝ فَلَمَّا تَرَآءَ الْجَمْعٰنِ قَالَ اَصْحٰبُ

بسوی مشرق پس آنهنگام که بهم برابر کرده گفت یاران

ع

موس

موسى انا لمدركون ۝ قال كلا ان معي ربي

موسی ع بدرستیکه ما دریافته شدگانیم · گفت حاشا که بدرستیکه با من است پروردگار من

سيهدين ۝ فاوحينا الى موسى ان اضرب

زود باشد که راه نماید · پس وحی کردیم · بسوی موسی ع · آنکه بزن

بعصاك البحر فانفلق فكان كل فرق كالطود

بعصای خود · دریای قلزم را · پس بشکافت · پس بود · هر · پاره · همچو کوه

العظيم ۝ وازلفنا ثم الاخرين ۝ وانجينا

بزرگ · و جمع کردیم · آنجا · دیگران را · و نجات دادیم

موسى ومن معه اجمعين ۝ ثم اغرقنا

موسی ع · و هر که با او بود · همه · پس · غرق کردانیدیم

الاخرين ۝ ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم

دیگران · بدرستیکه در · این · نشانهاست · و نبودند · بیشتر ایشان

مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم

گرویدگان · و بدرستیکه پروردگار تو · اوست · غالب و · مهربان

واتل عليهم نبا ابرهيم ۝ اذ قال لابيه

و بخوان · بر ایشان · خبر ابراهیم ع · چون گفت · مر پدر خود را

وقومه ما تعبدون ۝ قالوا نعبد اصناما

و گروه خود را · چیست آنچه پرستید · گفتند · میپرستیم · بتان را

فنظل لها عكفين ۝ قال هل يسمعونكم اذ

پس همیشه باشیم مر او را مجاوران · گفت · آیا · میشنوند · شما را · وقتی که

تدعون ۝ او ينفعونكم او يضرون ۝ قالوا

بخوانید ایشان را · آیا سود رسانند شما را · یا ضرر رسانند · گفتند

بل وجدنا اباءنا كذلك يفعلون ۝ قال افرءيتم

بلکه دریافتیم پدران خود را · همچنین · کردند · گفت · آیا دیدید

ما كنتم تعبدون ۝ انتم واباؤكم الاقدمون

آنچه هستید · که میکردید · شما · و پدران شما · دیرینه

فانهم عدو لي الا رب العلمين ۝ الذي

پس بدرستیکه ایشان دشمن منند مرا · مگر پروردگار عالمیان · آنکه

و نمودار · از ... و ... · از مخالفت بزرگ · و ... · عبدو را ... · و ... · علیه السلام ... · ع · ... و · مبارک نسبت حضرت · ... · ... · ... · ... · بکنت

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ۝ وَالَّذِي هُوَ
يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ۝ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ
يَشْفِينِ ۝ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ۝
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ۝
رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۝
وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ۝ وَاجْعَلْنِي
مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ۝ وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ
كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ۝ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ۝
يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝
وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ۝ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا
كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۝ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ
أَوْ يَنْتَصِرُونَ ۝ فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ۝
وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ۝ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

تَاللَّهِ

حضرت ابراهیم / علیه الصلوة والسلام / بدرگاه رب العزت / مناجات کرد و گفت رب / ارزانی من نادانی / درست در میان / نیکو کاران

تَاللّٰهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِذْ نُسَوِّيكُمْ
بخدای که ما بودیم در گمراهی پیدا چونکه برابر میکردیم
بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ۝
بپروردگار عالمیان و گمراه نکرد ما را مگر بزهکاران
فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ۝ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۝
پس نیست ما را هیچ شفاعت کنندگان و نه دوستی مهربان
فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝
کاشکی هست ما را بازگشتنی بدنیا پس میبودیم از باور دارندگان
إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
بدرستیکه در این نشانهاست و نبود بیشتر ایشان گرویدگان
ع
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ
و بدرستیکه پروردگار تو اوست غالب و مهربان تکذیب کردند قوم
نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا
نوح ع بافرستادگان چون گفت مر ایشان را برادر ایشان نوح ع آیا نمی
تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ
ترسید بدرستیکه من مر شما را فرستاده ام با امانت پس بترسید از خدای تعالی
وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ
و فرمان برید مرا و نمی خواهم از شما بران هیچ مزدی نیست
أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ
مزد من مگر بر پروردگار عالمیان پس بترسید از خدای تعالی و
نصف
أَطِيعُونِ ۝ قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ
فرمان برید مرا گفتند آیا ایمان آریم مر ترا و پیروی تو کردند
الْأَرْذَلُونَ ۝ قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝
فرو مایگان گفت و نیست دانش من بآنچه بودند که میکردند
إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ۝ وَمَا أَنَا
نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر دانند و نیستم من
بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝
راننده مومنان نیستم من مگر بیم کننده آشکارا

که حج ام / بتو اجابت رسیده / آنچه در این دعا / که از که بعد از من / و آوازه من بر زبان / کن مرا و نیکنام / خیر جاری

قالوا لئن لم تنته ينوح لتكونن من المرجومين

گفتند اگر باز نایستی ای نوح باشی از کشته گان

قال رب إن قومي كذبون ● فافتح بيننا

گفت ای پروردگار من بدرستیکه قوم من تکذیب کردند پس حکم کن میان من

وبينهم فتحا ونجني ومن معي من المؤمنين ●

و میان ایشان حکم کردنی و برهان مرا و آنکه با منست از گرویدگان

فأنجينه ومن معه في الفلك المشحون ●

پس نجات دادیم اورا و هرکه با او بود در کشتی پر از آدمی

ثم أغرقنا بعد الباقين ● إن في ذلك

پس غرق ساختیم بعد ازان باقیون دیگران بدرستیکه در این

لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ● وإن

نشانها و نبود بیشتر ایشان گرویدگان و بدرستیکه

ربك لهو العزيز الرحيم ● كذبت عاد

پروردگار تو اوست غالب و مهربان تکذیب کردند قوم عاد

المرسلين إذ قال لهم أخوهم هود ألا

فرستادگان چون گفت مر ایشان برادر ایشان هود آیا نمی

تتقون ● إني لكم رسول أمين ● فاتقوا

ترسید بدرستیکه من برشما را فرستاده امینم پس بترسید

الله وأطيعون ● وما أسألكم عليه من

از خدا تعالی و فرمان برید مرا و نمی طلبم از شما بران هیچ

أجر إن أجري إلا على رب العلمين ● أتبنون

مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمان آیا بنا میکنید

بكل ريع آية تعبثون ● وتتخذون

بهر موضع بلند علامتی بازی میکنید بان و میگیرید

مصانع لعلكم تخلدون ● وإذا

حوضهای آب شاید که شما جاودان خواهید بود و چون

بطشتم بطشتم جبارين ● فاتقوا

سخت میگیرید میگیرید سخت در حالیکه متکبرانید پس بترسید

ع

الله و

اللّٰه واطيعون ۝ واتقوا الذي امدكم

از خدا تعالی و فرمان برید مرا و بترسید آنکه مددکاری کرد شمارا

بما تعلمون ۝ امدكم بانعام وبنين ۝

بانچه می شناسید مددکاری کرد شمارا بچهارپایان و به پسران

وجنت وعيون ۝ اني اخاف عليكم

و بوستانها و چشمها بدرستیکه من میترسم بر شما

عذاب يوم عظيم ۝ قالوا سواء علينا اوعظت

از عذاب روز بزرگ گفتند یکسانست بر ما اپند دهی مارا

ام لم تكن من الواعظين ۝ ان هذا الا خلق

یا نباشی از پند دهندگان نیست این مگر عادت

الاولين ۝ وما نحن بمعذبين ۝ فكذبوه

پیشینیان و نیستیم ما عذاب کرده شدگان پس تکذیب کردند اورا

فاهلكنهم ان في ذلك لاية وما كان

پس هلاک کردیم ایشان را بدرستیکه در این نشانهاست و نبود

اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز

بیشتر ایشان گرویدگان و بدرستیکه پروردگار تو اوست غالب و

الرحيم ۝ كذبت ثمود المرسلين ۝ اذ قال

مهربان تکذیب کردند قوم ثمود فرستادگان را چون گفت

لهم اخوهم صلح الا تتقون ۝ اني لكم

مر ایشان را برادر ایشان صالح آیا نمی ترسید بدرستیکه من مر شمارا

رسول امين ۝ فاتقوا اللّٰه واطيعون ۝

فرستاده ام با امانت پس بترسید از خدا تعالی و فرمان برید مرا

وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا

و نمی طلبم شمارا بر او هیچ مزدی نیست مزد من مگر

على رب العلمين ۝ اتتركون في ما ههنا

بر پروردگار عالمیان آیا گذاشته خواهید شد در آنچه هستید اینجا

امنين ۝ في جنت وعيون ۝ وزروع

ایمن در بوستانها و چشمها و کشتزارها

ع

وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ۝ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ
و خرما ستانها که شکوفه وی نازک است و می تراشید از کوهها

بُيُوتًا فَارِهِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ
خانها در حالتی که خوبیند و ترسندگان پس بترسید از خدا تعالی و فرمان برید مرا

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۝ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ
و اطاعت مکنید امر کارا فزایان را آنانکه تباه کنند

فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ۝ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ
در زمین و اصلاح نمی آرند گفتند جز این نیست که تو از

الْمُسَحَّرِينَ ۝ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ
جادو کرده شدگانی نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیار نشانه

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا
اگر هستی از راست گویان گفت این ناقه است مر او را

شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ وَلَا تَمَسُّوهَا
نصیب و مر شما را نصیب روزی دانسته و مس مکنید وی را

بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝
به بدی پس فرو گیرد شما را عذاب روز بزرگ

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ۝ فَأَخَذَهُمُ
پس پی کردند ناقه را پس گشتند پشیمان پس فرو گرفت ایشان را

الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
عذاب هر آینه در این نشانهاست و نبودند بیشتر قوم

مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝
گروندگان و هر آینه پروردگار تو اوست غالب و مهربان

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ
تکذیب کردند قوم لوط فرستادگان را چون گفت مرایشان

أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
برادر ایشان لوط آیا نمی ترسید هر آینه من مر شما را فرستاده ام

أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ
با امانت پس بترسید از خدا تعالی و فرمان برید مرا و نمی خواهم از شما

علیه من

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعٰلَمِينَ

بروا هيچ مزدى نيست مزد من مگر بر پروردگار عالميان

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعٰلَمِينَ ۝ وَتَذَرُونَ

آيا مى آييد براى مباشرت مردان را از عالميان و ميگذاريد

مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوٰجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ

آنرا كه آفريده است براى شما پروردگار شما از زنان شما بلكه شما گروهيد

عٰدُونَ ۝ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يٰلُوطُ لَتَكُونَنَّ

مِنَ الْمُخْرَجِينَ ۝ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ۝ فَنَجَّيْنٰهُ وَأَهْلَهُ

أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغٰبِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا

الْأٰخَرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ

الْمُنْذَرِينَ ۝ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَأٰيَةً وَمَا كَانَ

أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَ أَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ

أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْـَٔلُكُمْ

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعٰلَمِينَ

برو هيچ مزدى نيست مزد من مگر بر پروردگار عالميان

أوفوا الكيل ولا تكونوا من المخسرين ۝ وزنوا
تمام پیمایید کیل را و مباشید از کاهندگان حقوق و بسنجید

بالقسطاس المستقيم ۝ ولا تبخسوا الناس
ترازو راست و کم مکنید مردمان را

أشياءهم ولا تعثوا في الأرض مفسدين
چیزهای ایشان و تباهی مجویید در زمین در حالتیکه قاصد فساد دارید

واتقوا الذي خلقكم والجبلة الأولين
و حذر کنید آنکسی که بیافرید شما را و گروه پیشینیان

قالوا إنما أنت من المسحرين ۝ وما أنت
گفتند جز این نیست تو از سحر کرده شدگان و نیستی تو

إلا بشر مثلنا وإن نظنك لمن الكاذبين
مگر آدمی مانند ما و اگر گمان بریم ترا از دروغ گویان

فأسقط علينا كسفا من السماء إن كنت
پس فرود آر بر ما پاره از آسمان اگر هستی

من الصادقين ۝ قال ربي أعلم بما تعملون
از راست گویان گفت پروردگار من داناتر است بآنچه میکنید

فكذبوه فأخذهم عذاب يوم الظلة
پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشان را عذاب روز ظله کو سایبان

إنه كان عذاب يوم عظيم ۝ إن في ذلك
هر آینه او بود عذاب روز بزرگ هر آینه در این

لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ۝ وإن
نشانه است و نبودند بیشتر ایشان گرویدگان و هر آینه

ربك لهو العزيز الرحيم ۝ وإنه لتنزيل
پروردگار تو اوست غالب و مهربان و قرآن فرستاده شده

رب العالمين ۝ نزل به الروح الأمين
از پروردگار عالمیان فرو فرستاد قرآن جبرئیل امین

على قلبك لتكون من المنذرين ۝ بلسان
بر دل تو تا باشی از بیم کنندگان بزبان

عربی

عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ۝ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ

عربی بودا و قرآن در کتب پیشینیان بوده

أَوَلَمْ يَكُن لَّهُمْ آيَةً أَن يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

آیا نیست مر منکران را نشانه که بدانند قرآن را دانایان فرزندان یعقوب

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۝ فَقَرَأَهُ

و اگر فرستادیم قرآن بر بعضی عجمیان پس بخواند

عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ۝ كَذَٰلِكَ

بر ایشان نبودندی بدان ایمان آرندگان همچنین

سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا يُؤْمِنُونَ

درآریم انکار را در دلهای منکران نمیگروند

بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ فَيَأْتِيَهُم

بقرآن تا ببینند عذاب دردناک پس بیاید بر ایشان

بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَيَقُولُوا

ناگهان و ایشان نمیدانند پس گویند

هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا هستیم درنگ کرده شدگان آیا بعذاب ما تعجیل میکنند

أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ۝ ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا

آیا دیدی که اگر برخورداری دهیم ایشان را سالها پس بیاید بر ایشان آنچه بودند

يُوعَدُونَ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ

وعده داده شده اند دفع نکند از ایشان آنچه بودند که برخورداری یافته بودند

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذِرُونَ

و هلاک نکردیم هیچ دیهی که اهالی را بیم کنندگان

ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَمَا تَنَزَّلَتْ

برای پند دادن و نیستیم ظالمان و فرود نیایند

بِهِ الشَّيَاطِينُ ۝ وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا

بقرآن دیوان و نشاید مر ایشان را و

يَسْتَطِيعُونَ ۝ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ

نتوانند بدرستیکه ایشان از شنیدن دور شدگان اند

وما تنزلت به ...

فلا تدع مع الله الها اخر فتكون من المعذبين
پس مخوان با خدای دیگر پس باشی از عذاب کرده شدگان
وانذر عشيرتك الاقربين ۝ واخفض
و بترسان خویشان نزدیکتر خود را و فرو گیر
جناحك لمن اتبعك من المؤمنين ۝
بال خود را مر آنرا که پیروی تو کرده است از گروندگان
فان عصوك فقل اني بريء مما تعملون ۝
پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو بدرستیکه من بیزارم از آنچه میکنید
وتوكل على العزيز الرحيم ۝ الذي يريك
و توکل کن بر خدای غالب و مهربان آنکه می بیند ترا
حين تقوم ۝ وتقلبك في السجدين ۝ انه
آنگاه که برخیزی و دیدن گشتن ترا در سجده کنندگان بدرستیکه
هو السميع العليم ۝ هل انبئكم على
اوست شنوا دانا آیا خبر کنم شما را
من تنزل الشيطين ۝ تنزل على كل
آنکه فرود آید دیوان فرود آید بر هر
افاك اثيم ۝ يلقون السمع واكثرهم كذبون
دروغگوی بزه کاری وامی دارند گوش و بیشتر ایشان دروغگویانند
والشعراء يتبعهم الغاون ۝ الم تر انهم في
و شاعران پی روی کنند ایشانرا سفهای عرب آیا نمی بینی ایشانرا در
كل واد يهيمون ۝ وانهم يقولون ما لا
هر وادی سرگردان میشوند و ایشان میگویند آنچه نمی
يفعلون ۝ الا الذين امنوا وعملوا الصلحت
کنند مگر آنانکه گرویدند و کردند شایسته
وذكروا الله كثيرا وانتصروا من بعد
و یاد کردند خدای را بسیار و انتقام کشیدند از ستمکاران از پس
ما ظلموا وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب
آنکه ستم دیده بودند و زود باشد که بدانند آنانکه ستم کردند آن مکانرا که

ينقلبون

کبوده صفا برابده
بدینسان بدان زان نوا
برآرد چون جنگ ندند
و بعهد ادراک الدو بر
بدارد کزو زر برای ن
گروه جمع سوار اند
را نصیب مبارکبد لغند

اصل
که
۹۳

[illegible] ينقلبون [illegible]

کم از خود امنه کشته باشن

# سورة النمل

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده و مهربان

طس ۝ تلك آيات القرآن وكتاب مبين
این سوره آیتهای قرآنست و کتاب روشن

هدى وبشرى للمؤمنين ۝ الذين يقيمون
راه نماینده و مژده دهنده مرگرویدگان را آنانکه بپای دارند

الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة
نماز و میدهند زکوة و ایشان بآخرت

هم يوقنون ۝ إن الذين لا يؤمنون بالآخرة
ایشان بیگمانند بدرستیکه آنانکه نمیگروند بآخرت

زينا لهم أعمالهم فهم يعمهون ۝ أولئك
آراسته برای ایشان اعمال ایشان پس ایشان سرگردان میشوند آنگروه

الذين لهم سوء العذاب وهم في الآخرة
آنانند که مر ایشانراست بدی عذاب و ایشان در آخرت

هم الأخسرون ۝ وإنك لتلقى القرآن من
ایشان زیان کاران و بدرستیکه تلقین کرده شده است قرآن از

لدن حكيم عليم ۝ إذ قال موسى لأهله
نزد خدای راست کار و دانا چون گفت موسی ع مرکسان خود را

إني آنست نارا سآتيكم منها بخبر أو آتيكم
بدرستیکه من دیدم آتشی زود که بیارم برای شما ازان خبری یا بیارم برای شما

بشهاب قبس لعلكم تصطلون ۝ فلما
شعله آتش افروخته شاید که شما گرم شوید پس آنزمانکه

جاءها نودي أن بورك من في النار ومن
آمد موسی ع ندا کرده شد آنکه برکت داده شد کسیکه در طلب آتش است و کسیکه

حولها وسبحان الله رب العالمين ۝ يا موسى
گرداگرد آتش است و پاکست خدا تعالی پروردگار عالمیان ای موسی ع

ثلثه
ع

منوز ادکشنیدند دارو
لیبرا
این سخن نیز گفته شده
بنشنید قوم از اسمان
از غیر از سخن کردد
کمین هم کننده ام شمارا
اری فرموده

إِنَّهُ أَنَا اللهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَأَلْقِ عَصَاكَ

بدرستیکه منم خدای غالب و حکم کننده و بیفکن عصای خود را

فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا

پس چون دید حرکت میکرد گویا ماریست باریک برگردانید

وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ

و باز نگشت ای موسی مترس بدرستیکه منم که نترسند

لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا

نزد من فرستادگان مگر کسیکه ظلم کند پس بدل کند نیکوی

بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَأَدْخِلْ يَدَكَ

پس از بدی پس بدرستیکه منم آمرزنده مهربان و درآر دست خود را

فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي

در گریبان خود تا بیرون آید سفید از بی علتی در

تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا

نه آیت بسوی فرعون و قوم او بدرستیکه ایشان هستند

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً

گروهی بیرون رفتگان پس چون بیامد بایشان آیتهای ما روشن

قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَجَحَدُوا بِهَا وَ

گفتند این جادویست روشن و منکر شدند بدان و

اسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ

یقین بود بدان دلهای ایشان ستمکاری و سرکشی کردند پس ببین چون

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ

بود آخر کار تباهکاران و بدرستیکه دادیم داود را

وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا

و سلیمان ع دانشی و گفتند ستایش مر خدایراست آنکه افزونی داد ما را

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَوَرِثَ

بر بسیاری از بندگان خود گرویدگان و میراث گرفت

سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا

سلیمان ع داود ع و گفت ای مردمان آموخته شدیم

منطق الطير واوتينا من كل شيء ان هذا

گفتار مرغان وداده شدیم از هر چیزها بدرستی که این

لهو الفضل المبين ۝ وحشر لسليمن جنوده

آن افزونیست آشکارا وجمع کرده شد برای سلیمان لشکرهای او

من الجن والانس والطير فهم يوزعون

از دیوان وآدمیان ومرغان پس ایشان رانده میشدند

حتى اذا اتوا على واد النمل قالت نملة

تا وقتیکه بیامدند بر وادی نمل گفت مورچه

يايها النمل ادخلوا مسكنكم لا يحطمنكم

ای مورچگان ودر آیید در مسکنهای خود باید که درهم نشکنند شما را

سليمن وجنوده وهم لا يشعرون ۝ فتبسم

سلیمان ولشکر او وایشان شعور نکنند پس تبسم کرد

ضاحكا من قولها وقال رب اوزعني

خندان از گفتار آن وگفت ای پروردگار من الهام کن مرا

ان اشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى

آنکه شکر کنم آن نعمتی را که انعام کردی بر من وبر

والدي وان اعمل صالحا ترضىه وادخلني

مادر وپدر من وآنکه کنم عمل شایسته پسندی آنرا ودر آر مرا

برحمتك في عبادك الصلحين ۝ وتفقد

به بخشایش خود درمیان بندگان ستوده وباز جست

الطير فقال ما لي لا ارى الهدهد ام كان

مرغانرا پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را آیا هست

من الغائبين ۝ لاعذبنه عذابا شديدا

از غایب شدگان برآینه عذاب کنم اورا عذابی سخت

او لاذبحنه او ليأتيني بسلطن مبين ۝

یا بکشم اورا یا بیارد بمن حجتی روشن

فمكث غير بعيد ۝ فقال احطت بما لم تحط

پس درنگ کرد نه زمانی دیر پس گفت مشاهدت کردم بانچیزیکه نرسیده

بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍۭ بِنَبَإٍ يَقِيْنٍ ۝ اِنِّيْ وَجَدْتُّ

بر آن و آمدم تو را از شهر سبا خبری راست بدرستیکه من دریافتم

امْرَاَةً تَمْلِكُهُمْ وَاُوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَّ

زنی پادشاهی می‌کند بر اهل سبا و داده شده است از هر چیزی و

لَهَا عَرْشٌ عَظِيْمٌ ۝ وَجَدْتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُوْنَ

مر او را تختی بزرگ است و یافتم آن را و گروه آن سجود کنند

لِلشَّمْسِ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ

مر آفتاب را از جز خدا تعالی و آراسته است برای ایشان دیو

اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيْلِ فَهُمْ لَا

کردارهای ایشان پس بازداشته است از راه درست پس ایشان نمی‌یابند

يَهْتَدُوْنَ ۝ اَلَّا يَسْجُدُوْا لِلّٰهِ الَّذِيْ يُخْرِجُ

راه راست آنکه سجده نمیکنند خدا را آنکه بیرون آرد

الْخَبْءَ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُوْنَ

پوشیده را در آسمانها و زمین و میداند آنچه پنهان دارند

وَمَا تُعْلِنُوْنَ ۝ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

و آنچه آشکارا کنند خدا تعالی نیست معبودی مگر او پروردگار عرش

الْعَظِيْمِ ۝ قَالَ سَنَنْظُرُ اَصَدَقْتَ اَمْ كُنْتَ

بزرگ گفت زود باشد که درنگرم آیا راست گفتی یا بودی

مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝ اِذْهَبْ بِّكِتٰبِيْ هٰذَا فَاَلْقِهْ

از دروغگویان ببر این نوشته مرا پس بیفکن

اِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُوْنَ

بر اهل سبا پس رو بگردان از اهل سبا پس ببین بچه چیز باز میگردند

قَالَتْ يٰۤاَيُّهَا الْمَلَؤُا اِنِّيْٓ اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتٰبٌ كَرِيْمٌ

گفت بلقیس ای گروه اشراف بدرستیکه افکنده شده است بسوی من نوشته بزرگ

اِنَّهٗ مِنْ سُلَيْمٰنَ وَاِنَّهٗ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بدرستیکه این از سلیمانست و آنکه او بنام خداوند بخشنده مهربانست

اَلَّا تَعْلُوْا عَلَيَّ وَاْتُوْنِيْ مُسْلِمِيْنَ ۝ قَالَتْ

آنکه بزرگی مکنید بر من و بیائید بمن گردن نهادگان گفت بلقیس

سجدة

ع

يا أيها الملؤا أفتوني في أمري ما كنت قاطعة

اى گروه بزرگان فتوى دهيد مرا در صلاح كار من نيستم من برنده

أمرا حتى تشهدون ◯ قالوا نحن أولوا قوة

كارى را تا نزد من حاضر شويد گفتند ما خداوند قوتيم

وأولوا بأس شديد والأمر إليك فانظري

و خداوندان كارزار سخت و كار مفوض بتست پس ببين

ماذا تأمرين ◯ قالت إن الملوك إذا دخلوا

چه چيز ميفرمائى گفت بدرستيكه پادشاهان چون در آيند

قرية أفسدوها وجعلوا أعزة أهلها

بديهى تباه سازند آنرا و گردانند عزيزان اهل آنرا

أذلة وكذلك يفعلون ◯ وإني مرسلة

خوار و همچنين ميكنند و بدرستيكه من فرستنده ام

إليهم بهدية فناظرة بم يرجع المرسلون

بسوى ايشان بهديه نگرنده ام بچه چيز باز ميگردند فرستادگان

فلما جاء سليمن قال أتمدونن بمال فما

پس آنهنگام كه آمد سليمان گفت مدد ميدهيد مرا بمال پس آنچه

آتني الله خير مما آتاكم بل أنتم بهديتكم

عطا كرد مرا خداتعالى بهترست از آنچه داد شمارا بلكه شما بهديه خود

تفرحون ◯ ارجع إليهم فلنأتينهم بجنود

شاد ميشويد بازگرد بسوى ايشان پس بياريم بايشان لشكرها

لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها أذلة وهم

كه مقاومت نباشد ايشانرا با آن و بيرون كنيم ايشانرا از بلده خوار و ايشان

صاغرون ◯ قال يا أيها الملؤا أيكم يأتيني

خوار شدگان گفت اى بزرگان مجلس كدام از شما مى آرد

بعرشها قبل أن يأتوني مسلمين ◯ قال

تخت بلقيس پيش از آنكه بيايند مرا مسلمانان گفت

عفريت من الجن أنا آتيك به قبل أن تقوم

ديو پليد از قوم ديو من بيارم ترا آنرا پيش از آنكه برخيزى

مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ
از مقام خود و بدرستیکه من بر حمل آن توانایم امین
قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ
گفت آنکسیکه نزدیک او بود دانشی از کتاب من بیارم تو تخت بلقیس پیش
أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا
از آنکه باز گردد بسوی تو چشم تو پس وقتیکه دید تخت قرار گرفته
عِندَهُ قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي
نزد خود گفت این از فضل پروردگار من است تا بیازماید مرا
أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ
آیا شکر میکنم یا ناسپاسی پیش آریم و هرکه سپاسداری کند پس جز این نیست که سپاس دارد
لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ
از برای نفس و هرکه کفران ورزد پس بدرستیکه پروردگار من بی نیاز است کرم کننده
قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ
گفت بگردانید برای بلقیس تخت او را تا ببینیم آیا راه یابد یا باشد
مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ
از آنانکه راه نمی یابند پس آنهنگام که آمد گفتند
أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا
آیا اینچنین است تخت تو گفت گویا که این آنست و داده شد او را
الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۝ وَصَدَّهَا
علم پیش از این و هستیم گردن نهادگان و باز داشت سلیمان
مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ
آنچه بود که می پرستید از جز خدا تعالی بدرستیکه بلقیس بود
مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ
از گروه ناگروندگان گفتند او را درآی در ساحت این قصر
فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا
پس چون دید بلقیس پنداشت آنرا آب بسیار و برکشید جامه خود را از دو ساق
قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ۝ قَالَتْ رَبِّ
گفت بدرستیکه این عرصه ایست ساده از آبگینه گفت ای پروردگار من

سلیمان علیه السلام متفرق شدند داود علیه السلام ملک ربود سلیم از داود بر روز وفات فرمود سلیمان علیه السلام بر تخت نشست ... ... بلقیس ... صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم ...

انی ظلمت

إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ

درستیکه من ستم کردم بر نفس خود واسلام آوردم با سلیمان ع مر خدا را

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ

پروردگار عالمیان وبدرستیکه فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان

صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

صالح آنکه پرستید خدا را پس چون ایشان دو فریق شدند بخصومت در آمدند

قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ

گفت ای قوم چرا شتاب میکنید بنزول عذاب پیش از توبه

لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

چرا استغفار نمیکنید خدا تعالی شاید که شما رحم کرده شوید

قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ

گفتند فال بد گرفتیم بتو وهر که باتست گفت فال شما

عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ۝ وَكَانَ فِي

نزدیک خدا است بلکه شما گروهی آزموده وبوده اند در

الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

شهری نه نفر تباهی میکردند در زمین

وَلَا يُصْلِحُونَ ۝ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ

وصلاح نمی آوردند کار خود را گفتند سوگند خورده بودند بخدا تعالی هر آینه شبیخون کنیم بر

وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ

وکسان او پس میگوییم ولی خون اورا حاضر نبودیم هلاک کردن

أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَ

کسان او وما بدرستیکه راست گوییم ومکر کردند مکر کردنی و

مَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ

مکر کردیم ما مکر کردنی وایشان نمیدانستند پس بنگر چگونه

كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ

بود سرانجام مکر ایشان آنکه ما هلاک کردیم ایشان را وقوم ایشان را

أَجْمَعِينَ ۝ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا

همه پس آن خانهای ایشان خالی بسبب آنکه ستم کردند

[illegible]

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَأَنْجَيْنَا

بدرستیکه در این نشانها مر گروهی را که دانند ۝ و برهانیدیم

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ وَلُوطًا إِذْ

آنانکه گرویدند و بودند پرهیز کردند ۝ و لوط را چون

قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ

گفت مر گروه خود را آیا می آیید بعمل زشت و شما

تُبْصِرُونَ ۝ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً

می بینید ۝ آیا شما می آیید بمردمان از روی شهوة

مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ۝

از جز زنان بلکه شما گروهی اید جاهل

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا

پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید

آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۝

کسان لوط را از ده خود بدرستیکه ایشان مردمانند خود را پاکیزه کویند

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ

پس نجات دادیم اورا و کسان اورا مگر زن لوط را قضا کردیم آنرا از

الْغَابِرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ

باقی ماندگان ۝ و بارانیدیم بر ایشان بارانی پس بد بارانست

مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ۝ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ

باران بیم کنندگان ۝ بگو ستایش مر خدایراست و سلام بر

عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا

بندگان او آنانکه برگزیده است خدای تعالی بهترست یا آنکه

يُشْرِكُونَ ۝ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

انباز گیرند ۝ آیا آنکه بیافرید آسمانها و زمین

وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ

و فرستاد برای شما از آسمان آبی پس برویانیدیم بآن

حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا

بوستانها خداوند خوبی نشود مر شما را آنکه برویانید

شجرها

شَجَرَهَا ءَاِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ
درختان آن آیا هست معبودی با خدا تعالی بلکه ایشان گروهی عدول کنند
اَمَّنْ جَعَلَ الْاَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلٰلَهَا
آیا کیست که کردانید زمین قرارگاهی وکردانید درخلال زمین
اَنْهٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ
جویها وبیافرید مر آن کوههای بلند وکردانید میان
الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ءَاِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ
دو دریا مانعی آیا هست معبودی با خدا تعالی بلکه بیشتر ایشان
لَا يَعْلَمُونَ ۝ اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاهُ
نمیدانند آیا کسی اجابت کند مضطر را چون بخواند او را
وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْاَرْضِ
و بردارد رنج را وکرداند شما را جانشینان
ءَاِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ اَمَّنْ يَهْدِيكُمْ
آیا هست معبودی با خدا تعالی اندکی پند پذیرند آیا کسی راه نماید شما را
فِي ظُلُمٰتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيٰحَ
در تاریکی بیابان و دریا وکسی میفرستد باد
بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ءَاِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ تَعٰلَى اللّٰهُ
مژده دهنده پیش از رحمت او آیا هست معبودی با خدا تعالی برتر است خدا تعالی
عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ اَمَّنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ
از آنچه انباز میکیرند آیا آنکه بیافرید خلق را پس باز آرد او را
وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ ءَاِلٰهٌ
وکه روزی دهد شما را از آسمان و زمین آیا هست معبودی
مَعَ اللّٰهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ
با خدا تعالی بکو بیارید برهان خود اکر هستید
صٰدِقِينَ ۝ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ
راست کویان بکو نمیداند هرکه در آسمانها
وَالْاَرْضِ الْغَيْبَ اِلَّا اللّٰهُ وَمَا يَشْعُرُونَ اَيَّانَ
و زمین است پوشیده مکر خدا تعالی و نمیدانند که کی

يُبعثون ۝ بلِ ادّارك علمهم في الآخرة
مبعوث خواهند شد بلکه دررسید دانش ایشان در آخرت

بل هم في شكٍّ منها بل هم منها عمون ۝
بلکه ایشان در شک اند ازان بلکه ایشان ازان نابینا باشند

وقال الذين كفروا ءاذا كنّا ترابًا وآباؤ
و گفتند آنانکه کافر شدند آیا چون گردیم ما خاک و پدران

نا أئنّا لمخرجون ۝ لقد وعدنا هذا نحن و
ما آیا ما بیرون شدگانیم هر آینه وعده داده شدیم ما این بعث ما و

آباؤنا من قبل إن هذا إلا أساطير الأوّلين
پدران ما از پیش نیست این وعده مگر افسانهای پیشینیان

قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان
بگو بروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود

عاقبة المجرمين ۝ ولا تحزن عليهم ولا
آخر کار کافران و اندوهناک مشو بر ایشان و

تكن في ضيقٍ ممّا يمكرون ۝ ويقولون متى
مباش در تنگی ازانچه مکر کنند و میگویند کی باشد

هذا الوعد إن كنتم صادقين ۝ قل عسى
این وعده اگر هستید راستگویان بگو شاید

أن يكون ردف لكم بعض الذي تستعجلون
اگر باشد پی گیرد شما را برخی ازانچه شتاب کنند

وإنّ ربّك لذو فضلٍ على الناس ولكنّ
و بدرستیکه پروردگار تو خداوند فضل است بر مردمان ولیکن

أكثرهم لا يشكرون ۝ وإنّ ربّك ليعلم ما
بیشتر ایشان سپاسداری نمیکنند و بدرستیکه پروردگار تو میداند آنچه

تكنّ صدورهم وما يعلنون ۝ وما من
پنهان دارد سینهای ایشان و آنچه آشکارا کنند و نیست هیچ

غائبةٍ في السماء والأرض إلا في كتابٍ مبين
پوشیده در آسمان و زمین مگر در کتاب روشن است

ان هذ

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ
أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَهُدًى
وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ فَتَوَكَّلْ
عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ۝ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا
تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۝
وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ
إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۝ وَإِذَا وَقَعَ
الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ
۝ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ
وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ
بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ
أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا

ظلموا فهم لا ينطقون ۝ الم يروا انا جعلنا
ستم کردند پس ایشان سخن نگویند آیا نمی‌بینند آنکه ما کردانیدیم

اليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرا ان في
شب تا آرام گیرند در آن وروز روشن بدرستیکه در

ذلك لايت لقوم يؤمنون ۝ ويوم ينفخ
این نشانهاست مر گروهی را که تصدیق کنند وروزیکه دمیده شود

في الصور ففزع من في السموت ومن في
در صور پس بترسد هرکه در آسمانها وهرکه در

الارض الا من شاء الله وكل اتوه دخرين
زمین است مگر آنکس که خواهد خدا تعالی وهمه آیند بوی خواران

وترى الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر
و ببینی کوهها پنداری آنرا برجای ایستاده وحالانکه میرود

السحاب صنع الله الذي اتقن كل شيء
ابر کرد خدا تعالی آنکه استوار کرد هرچیز

انه خبير بما تفعلون ۝ من جاء بالحسنة
بدرستیکه او داناست بانچه میکنید هرکه بیاید به نیکوی

فله خير منها وهم من فزع يومئذ
پس مر اوراست بهتر از آن وایشان از ترس آن روز

امنون ۝ ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم
ایمنند وهرکه بیاید به بدی پس نگون کرده شود رویهای ایشان

في النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون ۝
در آتش آیا جزاداده شوید مگر آنچه بودید که میکردید

انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة الذي
جز این نیست که فرموده شده ام آنکه پرستش کنم خداوند این شهر را که

حرمها وله كل شيء وامرت ان اكون من
حرام کردانید ومر اوراست هرچیز ومامور شده ام آنکه باشم از

المسلمين ۝ وان اتلوا القران فمن اهتدى
گردن نهادگان وآنکه تلاوت کنم قرآن پس هرکه راه یابد

فانما

فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا
پس جز این نیست که راه یابد برای نفس خود و هر که گمراه شد پس بگو جز این نیست
أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ۝ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ
که من از بیم کنندگانم و بگو سپاس مر خدای را زود باشد که بنماید شما را
آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝
آیتها پس شناسید آن را و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید

## سورة القصص مكية وهي سبع وثمانون آية

القصص مكية ٨٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشنده مهربان
طسم ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ نَتْلُوا
بحق طور سینا این سوره آیتهای کتاب روشن است میخوانیم
عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ
بر تو از خبر موسی و فرعون براستی برای گروهی که
يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ
تصدیق کنند بدرستیکه فرعون برتری جست در زمین و کرد
أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ
اهل مصر را گروه گروه ضعیف کرده گروهی از بنی اسرائیل
يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ
میکشت پسران ایشان را و زنده میگذاشت زنان ایشان را بدرستیکه او
كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى
بود از تباهکاران و میخواهیم آنکه منت نهیم بر
الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
آنانکه زبون گرفته شده بودند در زمین و بگردانیم ایشان را
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ۝ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي
پیشوایان و گردانیم ایشان را وارثان و جای دهیم مر ایشان را در
الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا
زمین و بنمائیم فرعون را و هامان را و لشکرهای ایشان را

ع

دارد — زرد و بار بکرد و دیگ — امراض غبن نفع و بیع — قابله دار دو اورا — طول شصت گز و چهار — دایه او جانور بیست — لیاقت ارض فرعون

مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ
از بنی اسرائیل آنچه بودند که حذر میکردند ازان — و وحی کردیم بسوی مادر
مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ
موسی ع آنکه شیر ده اورا پس چون ترسی برو پس بفکن
فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ
در دریا و مترس و اندوه مبر بدرستیکه ما بازگردانندگانیم
إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَالْتَقَطَهُ
بسوی تو و کردانیدیم اورا از فرستادگان — پس برگرفتند موسی را
آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ
کسان فرعون تا باشد مر فرعونیان را دشمن و اندوه بزرگ بدرستیکه
فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ
فرعون و هامان و لشکرهای ایشان بودند خطاکاران
وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ
و گفت زن فرعون روشنی چشم است مرا و ترا
لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ
مکشید اورا شاید آنکه سود رساند مرا یا بگیریم او فرزندی و
هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ
ایشان نمیدانستند — و گشت دل مادر موسی ع
فَارِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا
خالی بدرستیکه نزدیک شد که تا آشکارا کند قصهٔ موسی را ع اگر آنکه بند نهادیم
عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقَالَتْ
بر دل او تا باشد از گرویدگان — و گفت
لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ
مر خواهر او را در پی برادر خود پس دید برادر خود را از دور و ایشان
لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن
نمیدانستند — و حرام کردیم ما برو شیر دایگان را از
قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ
پیش پس گفت آیا دلالت کنم شمارا بر اهل خانه نگاه دارند اورا

ربع

ودو بر آوردی — بیع و ابتیاع زیتون — منقود و بیع طالب اوراق — درنیا بدرودی او بیم — روی ازو مرز بود اوادر — نمک ب درن — ملوسه

لكم وهم له نٰصحون ○ فرددنه الى امه كى

برای شما و ایشان مر اورا نیکو خواهان پس باز گردانیدیم موسی را ۴ بسوی مادر موسی ۴ تا

تقر عينها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله

روشن شود چشم او و اندوهناک نشود و تا بداند انکه وعده خدا تعالی

حق ولكن اكثرهم لا يعلمون ○ ولما بلغ

راست است ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند و آنهنگام که رسید

اشده واستوى اتينه حكما وعلما و

کمال قوة خود و راست شد دادیم اورا نبوت و دانش و

كذلك نجزى المحسنين ○ ودخل المدينة

همچنین پاداش دهیم نیکوکاران و در آمد موسی ۴ در مصر

على حين غفلة من اهلها فوجد فيها

بر هنگام غفلة از اهل مصر پس یافت در ان شهر

رجلين يقتتلان هذا من شيعته وهذا

دو مرد که خصومت میکردند این یکی از بنی اسرائیل و این یکی

من عدوه فاستغاثه الذى من شيعته

از قبط پس فریاد خواست انکه از گروه او بود

على الذى من عدوه فوكزه موسى فقضى

بر انکس که از دشمنان او پس مشتی زد اورا موسی ۴ پس بکشت اورا

عليه قال هذا من عمل الشيطن انه عدو

گفت این از عمل شیطانست بدرستیکه او دشمن است

مضل مبين ○ قال رب انى ظلمت نفسى

گمراه کننده هویدا گفت ای پروردگار من بدرستیکه من ستم کردم بر نفس خود

فاغفر لى فغفر له انه هو الغفور الرحيم

پس بیامرز مرا پس بیامرز اورا بدرستیکه او آمرزنده مهربانست

قال رب بما انعمت على فلن اكون ظهيرا

گفت پروردگار من بانچه انعام کرده بر من پس نباشم هم پشت و یار

للمجرمين ○ فاصبح فى المدينة خائفا

مر بدکاران پس بامداد کرد در ان شهر ترسان

يترقب فاذا الذي استنصره بالامس يستصرخه
انتظار برد پس ناگاه آنکس که طلب یاری میکرد ازوی دیروز فریاد میکرد او را
قال له موسى انك لغوي مبين ۝ فلما
گفت مر او را موسی ع هر آینه تو مردی گمراهی روشن پس آنهنگام
ان اراد ان يبطش بالذي هو عدو لهما قال
خواست آنکه بگیرد آنکس را که او دشمن است مر دو را گفت
يموسى اتريد ان تقتلني كما قتلت نفسا
ای موسی ع آیا میخواهی آنکه بکشی مرا همچنانکه کشتی نفسی را
بالامس ان تريد الا ان تكون جبارا في
دیروز اگر میخواهی مگر آنکه باشی گردن کشنده در
الارض وما تريد ان تكون من المصلحين ۝
زمین و نمیخواهی آنکه باشی از اصلاح کنندگان
وجاء رجل من اقصا المدينة يسعى قال
و آمد حزبیل از دور جای از شهر شتاب میکرد گفت
يموسى ان الملا يأتمرون بك ليقتلوك
ای موسی ع هر آینه اشراف قوم فرعون مشاورت میکنند در قصاص تو تا بکشند ترا
فاخرج اني لك من النصحين ۝ فخرج منها
پس بیرون آی هر آینه من مر ترا از نیکوخواهانم پس بیرون آمد از آن
خائفا يترقب قال رب نجني من القوم
ترسان انتظار برد گفت ای پروردگار نجات ده مرا از گروه
الظلمين ۝ ولما توجه تلقاء مدين قال
ستمکاران و آنهنگام که متوجه شد بسوی ده شعیب ع گفت
عسى ربي ان يهديني سواء السبيل ۝
شاید پروردگار من آنکه راه نماید مرا راه راست
فلما ورد ماء مدين وجد عليه امة
و آنهنگام که برسید بآب مدین و یافت بر سر آن گروهی
من الناس يسقون ووجد من دونهم
از مردمان آب میدهند مواشی خود را و یافت از فرود ایشان

امرأتين

امرأتين تذودان ۝ قال ما خطبكما قالتا

دو زن زود میرانند گوسفندان گفت چیست حال شما گفتند

لا نسقي حتى يصدر الرعاء وأبونا شيخ

آب نمیدهیم تا باز گردانند شبانان و پدر ما پیری

كبير ۝ فسقى لهما ثم تولى إلى الظل فقال

کهن سال است پس آب داد برای ایشان پس بازگشت بسوی سایه پس گفت

رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير ۝ فجاءته

ای پروردگار من بدرستیکه من مر آنچه فرستادی بسوی من از نیکوئی محتاجم پس بیامد

إحداهما تمشي على استحياء قالت إن أبي

یکی از آن دو زن میرفت بر طریق شرم زده گفت بدرستیکه پدر من

يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا فلما

میخواند ترا تا پاداش دهد مزد آنکه آب دادی اغنام ما را پس آنگاه که

جاءه وقص عليه القصص قال لا تخف

آمد نزد شعیب ع و خواند برو قصه خود را گفت مترس

نجوت من القوم الظالمين ۝ قالت إحداهما

رهائی یافتی از گروه ستمگاران گفت یکی از آن دو زن

يا أبت استأجره إن خير من استأجرت

ای پدر من مزد گیر او بدرستیکه بهترین کسیکه مزدور گیری

القوي الأمين ۝ قال إني أريد أن أنكحك

توانا و امین است گفت بدرستیکه من میخواهم آنکه زن دهم

إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثماني

یکی از این دو دختر که میخواهم بر آنکه اجارت دهی هشت

حجج فإن أتممت عشرا فمن عندك وما

ساله پس اگر تمام کنی ده سال پس آن نزدیک تست و نمی

أريد أن أشق عليك ستجدني إن شاء الله

خواهیم آنکه رنج نهم بر تو زود باشد که یابی مرا اگر خواهد خدای تعالی

من الصالحين ۝ قال ذلك بيني وبينك

از نیکوکاران گفت موسی ع این عهد است میان من و میان شما

أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَ

هرکدام که ازین دو مدت بگذارم پس افزونی نیست بر من و

اللّٰهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝ فَلَمَّا قَضَىٰ

خدا تعالی بر آنچه میگوییم گواه است پس آنهنگام که بگذارد

مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ

موسی ع ده ساله بود و سیر کرد بزن خود دید از طرف

الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ

کوه طور آتشی گفت مرکسان خود را درنگ کنید بدرستیکه من دیدم

نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ

آتشی شاید که بیارم برای شما ازان خبری یا پاره از

النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ۝ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ

آتش شاید که شما خود را گرم کنید پس چون آمد بوی آواز کرده شد

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ

از کناره وادی ایمن در جایگاه برکت داده شده

مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يٰمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِينَ

از درخت عناب آنکه ای موسی ع بدرستیکه منم خدا تعالی پروردگار عالمیان

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ

و آنکه بیفکن عصای خود را پس آنهنگام که دید حرکت میکرد گویا که آن مار است

وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يٰمُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا

و برگشت هزیمت کنان و بازنگشت ندا رسید ای موسی ع پیش آی و

تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ۝ اُسْلُكْ يَدَكَ

مترس بدرستیکه تو از امان یافتگان درآر دست خود را

فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ

در گریبان خود تا بیرون آید سفید از بی علت و جمع کن

إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذٰنِكَ بُرْهَانَانِ

بسوی خود بال خود را ازبرای ترس پس عصا و ید بیضا معجزه

مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا

از پروردگار تو بسوی فرعون و گروه او بدرستیکه ایشان هستند

قوما

[illegible] ع [illegible] سفید [illegible] سلیمن [illegible] علیه السلام [illegible]

قوما فسقين ۝ قال رب اني قتلت منهم
گروهی بیرون رفتگان | گفت ای پروردگار من بدرستیکه من کشته ام از قبطیان
نفسا فاخاف ان يقتلون ۝ واخي هرون
یکی را پس میترسم آنکه مرا بکشند و برادر من هارون
هو افصح مني لسانا فارسله معي ردءا
او فصیح ترست از من از زبان پس بفرست اورا با من مددکار
يصدقني اني اخاف ان يكذبون ۝ قال
تصدیق کند مرا بدرستیکه من میترسم آنکه تکذیب کنند مرا گفت
سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما
زود باشد که بازوی تو ببرادر تو و بدهیم مر شمارا
سلطنا فلا يصلون اليكما بايتنا انتما
تسلطی پس نرسد بشما بآیتهای ما شما
ومن اتبعكما الغلبون ۝ فلما جاءهم
و هرکه پیروی کند شمارا غلبه کنندگانید پس آنگاهکه آمد مرایشانرا
موسى بايتنا بينت قالوا ما هذا الا
موسی ع بآیتهای ما روشن گفتند نیست این مگر
سحر مفترى وما سمعنا بهذا في اباىنا
سحری بربافته و نشنودیم ما این در پدران ما
الاولين ۝ وقال موسى ربي اعلم بمن جاء
پیشین و گفت موسی ع پروردگار من داناترست بآنکسی که آورد
بالهدى من عنده ومن تكون له عاقبة
براه نمودن از نزد حق تعالی و آنکه باشد مر اورا سرانجام
الدار انه لا يفلح الظلمون ۝ وقال فرعون
سرای آخرت رستگار نشوند ستمکاران و گفت فرعون
يايها الملا ما علمت لكم من اله غيري
ای گروه اشراف ندانستم شمارا هیچ خدای جز من
فاوقد لي يهمن على الطين فاجعل لي
پس برافروز آتشی ای هامان بر گل تا پخته شود پس بنا کن برای من

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
وقال فرعون یا ایها الملأ
بیان اینست فرعون
تصور کرده که حق سبحانه
جسم و جسمانیست و در آسمان
مکان دارد و در فوق
بسوی او [illegible]
و بدین معنی دانا
نشده

صَرْحًا لَعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ
کوشکی بلند تا شاید که دیده ور شوم بخدای موسی و من گمان برم موسی را

مِنَ الْكَٰذِبِينَ ۝ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ
از دروغگویان و گردنکشی کرد فرعون و لشکرهای او

فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوٓا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا
در زمین بنا حق و گمان بردند که ایشان بسوی ما

لَا يُرْجَعُونَ ۝ فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَٰهُمْ
باز گردیده نخواهند شد پس گرفتیم اورا و سپاه او پس افگندیم ایشانرا

فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ الظَّٰلِمِينَ
در دریا پس بنگر که چگونه بود عاقبت ستمکاران

وَجَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ
و گردانیدیم ایشانرا پیشوایان میخوانند بسوی آتش و روز

الْقِيَٰمَةِ لَا يُنْصَرُونَ ۝ وَأَتْبَعْنَٰهُمْ فِي هَٰذِهِ
قیامت یاری داده نخواهند شد و از پی در آوردیم ایشانرا در این

الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَٰمَةِ هُمْ مِنَ
دنیا لعنت و روز قیامت ایشان از

الْمَقْبُوحِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَٰبَ
زشت رویان اند و بدرستیکه دادیم موسی را کتاب

ع

مِنْ بَعْدِ مَآ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَآئِرَ
از پس آنکه هلاک کردیم اهل قرنها نخستین بینائیهای روشن

لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ
مر بنی اسرائیل و راه نماینده و بخشاینده شاید که ایشان پند پذیرند

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى
و نبودی تو بطرف وادی غربی چون روان ساختیم بسوی موسی

الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّٰهِدِينَ ۝ وَلَٰكِنَّآ أَنْشَأْنَا
امر و نبودی تو از گواهان ولیکن ما وحی کردیم

قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا
بر اهل القرون پس دراز شد بر ایشان زندگانیها و نبودی تو مقیم

فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَٰكِنَّا

در اهل مدین که بخوانی برایشان آیتهای ما ولیکن ما

كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ

هستیم فرستنده ونبودی تو بطرف طور سینا چون

نَادَيْنَا وَلَٰكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا

ندا کردیم ولیکن بخشیدنی از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که

مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝

نیامد بایشان هیچ بیم کننده پیش از تو شاید که ایشان پند پذیرند

وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ

واگر نه آنکه رسیدی بایشان مصیبتی بسبب آنکه پیش فرستاده اند دستهای ایشان

فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا ۝

پس گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستاده است بسوی ما رسولی

فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝

پس متابعت کردی آیتهای ترا وبودمی از گروندگان

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ

پس آنهنگام که آمد بایشان راست از نزد ما گفتند چرا داده نشد محمد

مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ

مانند آنچه داده شد موسی آیا کافر نشدند بآنچه داده شد

مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا

موسی پیش ازین گفتند دو جادو اند قرآن سحر هم پشت شوند وگفتند

إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ۝ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

بدرستیکه ما بهر یک ازین نا گرونده ایم بگو پس بیارید کتابی از نزد خدای تعالی

هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

آن راه نماینده ازین دو کتاب اگر هستید راست گویان

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ

پس اگر اجابت نکنند ترا پس بدانکه جز این نیست که پیروی کنند

أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ

آرزوهای ایشان وکیست گمراه تر ازآنکه پیروی کند هوای خود را بی

بخواندن

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نصف

هُدًى مِّنَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ
راه نمونى از خداى تعالى بدرستيكه خداى تعالى راه ننمايد گروه
الظّٰلِمِينَ ۝ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ
ستمكاران را و بدرستيكه پيوند داديم براى ايشان سخن را تا شايد ايشان
يَتَذَكَّرُونَ ۝ اَلَّذِينَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ
پند گيرند آنانكه داديم ايشان را توريت پيش از
قَبْلِهٖ هُمْ بِهٖ يُؤْمِنُونَ ۝ وَاِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ
قرآن ايشان بآن ميگروند و چون خوانده شود بر ايشان
قَالُوٓا اٰمَنَّا بِهٖٓ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّنَآ اِنَّا كُنَّا
گويند گرويديم بوى بدرستيكه قرآن راست است از پروردگار ما بدرستيكه ما هستيم
مِنْ قَبْلِهٖ مُسْلِمِينَ ۝ اُولٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ
پيش از او گردن نهادگان آن گروه داده شوند
اَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ
مزد ايشان دوبار بسبب آنكه صبر كردند و دفع كنند بسخن نيكو
السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَاِذَا سَمِعُوا
قبيح را و از آنچه روزى داديم ايشان را نفقه كنند و چون بشنوند
اللَّغْوَ اَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَآ اَعْمَالُنَا وَ
بيهوده اعراض نمايند از آن و گويند ما راست كردارهاى ما و
لَكُمْ اَعْمَالُكُمْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى
مر شما راست اعمال شما سلام بر شما نمى خواهيم
الْجٰهِلِينَ ۝ اِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ اَحْبَبْتَ وَلٰكِنَّ
صحبت جاهلان را بدرستيكه تو راه ننمايى آنرا كه دوست ميدارى وليكن
اللّٰهَ يَهْدِى مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝
خداى تعالى راه نمايد هر كرا خواهد و او داناتر است براه يافتگان
وَقَالُوٓا اِنْ نَّتَّبِعِ الْهُدٰى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ
و گفتند اگر پيروى كنيم طريق ارشاد را با تو ربوده شويم از
اَرْضِنَآ اَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَّهُمْ حَرَمًا اٰمِنًا يُّجْبٰٓى اِلَيْهِ
زمين خود آيا جاى نداديم ايشان را حرمى ايمنى كشيده ميشود بسوى آن حرم

[illegible]

ثمرات كل شيء رزقا من لدنا ولكن اكثرهم
میوهای هر چیزی روزی از نزد ما ولیکن بیشتر ایشان
لا يعلمون ۝ وكم اهلكنا من قرية بطرت
نمیدانند وچند هلاک کردیم از اهل قریه کافر شدند
معيشتها فتلك مسكنهم لم تسكن من
در زندگانی خود پس آن مسکنهای ایشان نشستند از
بعدهم الا قليلا وكنا نحن الوارثين ۝
پس ایشان مگر اندکی وهستیم ما وارثان
وما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث
ونبود پروردگار تو هلاک کننده دیها تا برانگیزد
في امها رسولا يتلوا عليهم ءايتنا وما كنا
در شهر معظم رسولی بخواند بر ایشان ایتهای ما ونیستیم
مهلكي القرى الا واهلها ظلمون ۝ وما
هلاک کننده دیها مگر واهل آن ستمکاران وآنچه
اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا و
داده شدید شما از چیزی پس آن برخورداری زندگانی دنیا و
زينتها وما عند الله خير وابقى افلا تعقلون
آرایش آن وآنچه نزد خدا تعالی بهترست وپاینده آیا اندیشه نمیکنید
افمن وعدنه وعدا حسنا فهو لاقيه كمن
آیا کسیکه وعده دادیم اورا وعده نیکو پس او دریابنده آن مانند کسیکه
متعنه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم
برخورداری دادیم برخورداری زندگانی دنیا پس او روز
القيمة من المحضرين ۝ ويوم يناديهم
قیامت از حاضر کرده شدگان ویادکن آن روزکه بخواند کافرانرا
فيقول اين شركاءي الذين كنتم تزعمون
پس گوید کجا اند شریکان من آنانکه بودید شما که گمان میبردید
قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين
گویند آنانکه واجب شد برایشان سخن ای پروردگار ما این گروه آنانند

أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا

گمراه کردیم گمراه کردیم ایشانرا همچنانکه گمراه کردیم بیزاری کردیم بحضرت تو از آنچه

كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ۝ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ

بودند که ما را پرستیدند و گویند بخوانید انبازان خود را

فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ

پس بخوانند ایشان پس اجابت نکنند مر ایشانرا و ببینند عذاب

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

کاشکی ایشان بودندی راه یافته و روزی که آواز کند ایشانرا

فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَعَمِيَتْ

پس گوید چه جواب دادید فرستادگان را پس پوشیده شود

عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ۝

بر ایشان در آن روز پس ایشان نپرسند

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى

پس اما آنکه توبه کند و بگرود و بکند عمل شایسته پس شاید

أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ۝ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ

که باشد از رستگاران و پروردگار تو آفریند

مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ

آنچه خواهد و برگزیند و نیست مر ایشانرا اختیاری پاکست

اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ

خدای تعالی و برترست از آنچه شرک آرند و پروردگار تو میداند

مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ وَهُوَ

آنچه می پوشند سینهای ایشان و آنچه آشکارا کنند و اوست

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ

خدای تعالی نیست معبودی مگر او مر اوراست حمد درین سرای و در آن سرای

وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

و مر اوراست حکم و بسوی اوست بازگردیده خواهید شد بگو چه بینید

إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ

اگر سازد خدای تعالی بر شما شب را پاینده تا روز

الليل

الْقِيٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاۗءٍ
قیامت کیست خدای بجز الله تعالی بیارد براشما روشنی
اَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝ قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ
آیا نمی شنوید بگوای محمد صلعم که چون بینید اگر کرداند خدا تعالی
عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَنْ
بر شما روز را پاینده تا روز قیامت کیست
اِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ
خدای بجز الله تعالی بیارد براشما شب را تا آرام گیرید
فِيهِ اَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمِنْ رَحْمَتِهٖ جَعَلَ
دران آیا نمی بینید واز بخشایش خود بیافرید
لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا
براشما شب وروز را تا آرام گیرید دران وتا بجوئید
مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ
از روزی خدا تعالی وشاید که شما سپاسداری کنید وروزی که ندا کند ایشانرا
فَيَقُولُ اَيْنَ شُرَكَاۗءِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝
پس گوید کجا اند انبازان من آنانکه بودید که گمان بردید
وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا
وبیرون آریم از هر گروهی گواهی پس گوییم
هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا اَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ
بیارید حجت خود را پس بدانید آنکه راستی مر خدایرا است وگم کرد از ایشان
مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ اِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ
آنچه بودند که دروغ گفتند بدرستیکه قارون بود از
قَوْمِ مُوسٰى فَبَغٰى عَلَيْهِمْ وَاٰتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ
قوم موسی پس افزونی جست بر قوم موسی ع وعطا کردیم از گنجها
مَا اِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوۗاُ بِالْعُصْبَةِ اُولِي الْقُوَّةِ
آنچه کلیدهای آن مال گرانی میکرد بر گروهی خداوند قوت
اِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ
چون گفت مر قارون را قوم موسی ع شادی مکن بدرستیکه خدا تعالی دوست نمیدارد

ع
ان قارون

الفرحين ۝ وابتغ فيما اتىك الله الدار الاخرة
فرح کنندگان را و طلب کن در آنچه عطا کرده است ترا خدا تعالی سرای دیگر

ولا تنس نصيبك من الدنيا واحسن كما
و فراموش مکن بهره خود از دنیا و نیکو همچنانکه

احسن الله اليك ولا تبغ الفساد في الارض
نیکو کرده است خدا تعالی بسوی تو و مجوی تباه کاری در زمین

ان الله لا يحب المفسدين ۝ قال انما اوتيته
بدرستیکه خدا تعالی دوست نمیدارد تباه کاران گفت جز این نیست که داده شدم

على علم عندى اولم يعلم ان الله قد اهلك
بر دانشی که نزد منست آیا نه دانست آنکه خدا تعالی بدرستیکه هلاک کرده است

من قبله من القرون من هو اشد منه
پیش از قارون کسی که او سخت تر است از او

قوة واكثر جمعا ولا يسئل عن ذنوبهم
از توانائی و بیشتر از جمع مال و پرسیده نخواهد شد از گناهان ایشان

المجرمون ۝ فخرج على قومه في زينته قال
گناهکاران پس بیرون آمد بر قوم خود با آرایش خود گفتند

الذين يريدون الحيوة الدنيا يليت لنا
آنانکه میخواستند زندگانی دنیا ای کاشکی بودی ما را

مثل ما اوتى قارون انه لذو حظ عظيم ۝
مانند آنچه داده شده است قارون بدرستیکه او خداوند بهره بزرگست

وقال الذين اوتوا العلم ويلكم ثواب الله
و گفتند آنانکه داده شدند علم وای بر شما پاداش خدا تعالی

خير لمن امن وعمل صلحا ولا يلقىها الا الصبرون
بهتر است مر کسی را که بگرود و کند کردارهای ستوده و تلقین نخواهد کرد مگر صبر کنندگان

فخسفنا به وبداره الارض فما كان له من
پس فرو بردیم قارون را و دار او را زیر زمین پس نبود مر قارون را هیچ

فئة ينصرونه من دون الله وما كان
گروهی یاری کنندی در آن از جز خدا تعالی و نبود

نقل است که قارون پسر عم موسی علیه السلام بود ... قارون ... موسی ... علیه السلام ... بیت ... خوش صورت و ...

من المنتصرين

مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ۝ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ

از منع کرده شدگان و بامداد کردند آنانکه آرزو میبردند جای او را

بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ

دیروز گفتند وای بر تو خدای تعالی گشاده گرداند روزی را

لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ

برای هر که میخواهد از بندگان خود و تنگ سازد اگر نه آنکه منت نهادی

اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

خدای تعالی بر ما فرو بردی ما را وای بر او رستگاری نیابند ناگرویدگان

ع

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ

آن سرای دیگر ساخته ایم آنرا برای آنانکه نمیخواهند

عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

بزرگی در زمین و نه تباه کاری و سرای نیکو پرهیزگاران راست

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ

هر که بیارد حسنه نیکو پس مر او را بهتر از آن و هر که بیارد

بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ

بدی پس جزا داده نشود آنانکه کردند بدیها را

إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ

مگر آنچه بودند که میکردند بدرستیکه آنانکه فرض کرده است بر تو

الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ

قرآن هر آینه باز گرداننده است بر جای باز گشتن بگو پروردگار من داناتر است کسی که

جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝

آمد براه راست و آنکه او در گمراهی هویداست

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا

و نبودی تو که امید داشته باشی آنکه فرستاده شود سوی تو قرآن مگر

رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ

بخشایش از آفریدگار تو پس مباش پشتیبان مر گروه کافران

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ

و باید که باز ندارد ترا از آیتهای خدای تعالی بعد از آنکه فرود آمده است

اليك وادع الى ربك ولا تكونن من المشركين
تو و بخوان بسوی پروردگار خود و مباش از مشرکان
ولا تدع مع الله الها آخر لا اله الا هو
و مخوان با خدای تعالی خدای دیگر نیست معبودی مگر او
كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه
همه چیزها فانیست مگر ذات او مراوراست حکم و بسوی او
ترجعون
بازگشت خواهید شد

سورة العنكبوت وهي تسع وستون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
الم ۝ احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا
ای انا الله اللطیف المجید آیا پنداشتند مردمان آنکه وا گذاشته شوند آنکه گویند
آمنا وهم لا يفتنون ۝ ولقد فتنا الذين
ایمان آوردیم و ایشان آزموده نشوند و بدرستیکه آزمودیم آنانکه
من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا
پیش از این بودند پس ظاهر کرد امر خدای تعالی آنانکه راست کفتند
وليعلمن الكاذبين ۝ ام حسب الذين
و تا ممیز سازد دروغگویان را آیا پندارند آنانکه
يعملون السيئات ان يسبقونا ساء ما
میکنند بدیها آنکه پیشی گیرند بر ما بد است آنچه
يحكمون ۝ من كان يرجوا لقاء الله فان
حکم کنند هر که باشد امیدوار لقای خدای را پس بدرستیکه
اجل الله لآت وهو السميع العليم ۝ ومن
وقت مقرر کرده خدای تعالی آینده است و اوست شنوا دانا و هر که
جاهد فانما يجاهد لنفسه ان الله لغني
جهاد کند پس جز این نیست که جهاد کند برای نفس خود بدرستیکه خدای تعالی بی نیاز است
عن العالمين ۝ والذين آمنوا وعملوا الصا
از عالمیان و آنانکه گرویدند و کردند شایسته

لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ
هر آینه محو کنیم از ایشان بدیهای ایشان و پاداش دهیم ایشان نیکوترین
الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ
آنکه بودند میکردند و امر کردیم آدمی را
بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي
باحسان پدر و مادر و اگر کوشش کنند ترا تا شریک آری بمن
مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ
آنچه نیست ترا بآن دانشی پس فرمان مبر ایشان را بسوی من بازگشت شما
فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا
پس خبر دهم شما را بآنچه هستید که میکنید و آنانکه گرویدند
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ
و کردند شایسته هر آینه داخل کنیم ایشان را در شایستگان
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا
و از مردمان که گوید گرویدیم بخدا تعالی پس چون
أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ
ایذا کرده شود در راه خدا تعالی دارد شمارا رنج آدمیان مانند عذاب
اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا
خدا تعالی و اگر بیاید یاری از پروردگار تو گویند بدرستیکه ما
كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ
بودیم با شما آیا نیست خدا تعالی داناتر بآنچه در دلهای
الْعَالَمِينَ ۝ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ
عالمیان و هر آینه میداند خدا تعالی آنانکه گرویدند و میداند
الْمُنَافِقِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا
منافقان را و گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که گرویدند
اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ
پیروی کنید راه ما را و باید که برداریم گناهان شما را و حال آنکه نیستند بردارندگان از گناهان ایشان
إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا
هیچ چیزی بدرستیکه ایشان دروغگویانند و برخواهند داشت بارهای گران خود را و بارهای دیگر

مع اثقالهم وليسئلن يوم القيمة عما كانوا
بارهای گران خود و هر اینه خواهیم پرسید روز قیامت از آنچه هستند
يفترون ۝ ولقد ارسلنا نوحا الى قومه
دروغ بافتند و هر آینه فرستادیم نوح را سوی قوم خود
فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاما
پس درنگ کرد در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال
فاخذهم الطوفان وهم ظلمون ۝ فانجينه
پس بگرفت قوم او را طوفان و ایشان ستمکاران بودند پس نجات دادیم او را
واصحب السفينة وجعلنها اية للعلمين
و یاران کشتی را و گردانیدیم آن نشانه برای جهانیان
وابرهيم اذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوه
و ابراهیم را چون گفت مر گروه خود را پرستید خدای را و بترسید از او
ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون ۝ انما تعبدون
این بهتر است شما را اگر هستید که دانید جز این نیست که می پرستید
من دون الله اوثانا وتخلقون افكا
از جز خدای تعالی بتان را و می بافید دروغی
ان الذين تعبدون من دون الله لا يملكون
هر آینه آنانکه پرستید از جز خدای تعالی قدرت ندارند
لكم رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه
که شما را روزی داده پس بجوئید نزد خدای تعالی روزی و پرستید او را
واشكروا له اليه ترجعون ۝ وان تكذبوا
و شکر گوئید مر او را بسوی او باز گردانیده خواهید شد و اگر تکذیب کنند
فقد كذب امم من قبلكم وما على الرسول
پس هر آینه تکذیب کردند جماعتی پیش از شما و نیست بر فرستاده
الا البلغ المبين ۝ اولم يروا كيف يبدئ
مگر رسانیدن هویدا آیا نمی بینند که چگونه آشکارا میکردند
الله الخلق ثم يعيده ان ذلك على الله
خدای تعالی آفریدگان را پس باز گرداند بجایت هر آینه این بعث بر خدای تعالی

ع

يسير

ع

يَسِيرٌ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا
آسانست بگو بروید در زمین پس بنگرید

كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ
چگونه بیافرید خلق را پس خدا تعالی ظاهر گرداند آفریدن دیگر را

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يُعَذِّبُ مَنْ
بدرستیکه خدا تعالی بر هر چیز توانائیست عذاب کند هر کرا

يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۝
خواهد و رحم کند هر کرا خواهد و بسوی او بازگردید

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
و نیستید شما عاجز کنندگان در زمین و نه در آسمان

وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝
و نیست شمارا از جز خدا تعالی هیچ دوستی و نه یاری

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ
و آنانکه کافر شدند بآیات خدا تعالی و بدیدار او آن گروه

يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝
نا امید شدند از بخشایش من و آن گروه مرایشان راست عذابی دردناک

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ
پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بکشید اورا یا

حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
بسوزانید اورا پس رهانید اورا خدا تعالی از آتش بدرستیکه در این

لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ
نشانها مر گروهی که میگروند و گفت جز این نیست که گرفتید

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ
از جز خدا تعالی بتان را برای دوستی میان شما در زندگانی

الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ
دنیا پس روز قیامت کافر شود برخی از شما ببرخی

وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا
و لعنت کند برخی از شما برخی را و بازگشت شما آتش است و نیست

لكم من نصرين ۝ فآمن له لوط وقال إني
وگفت بدرستیکه من لوط ۴ پس تصدیق کرد مر ابراهیم ۴ یاری دهندگان مر شما را هیچ
مهاجر إلى ربي إنه هو العزيز الحكيم ۝
هجرت کننده ام سوی پروردگار بدرستیکه اوست غالب و حکم کننده
ووهبنا له إسحق ويعقوب وجعلنا في
و بخشیدیم مر او را اسحاق ۴ و یعقوب ۴ و گردانیدیم در
ذريته النبوة والكتب وآتيناه أجره في
فرزندان او نبوت را و کتاب ها را و دادیم ابراهیم را ۴ مزد او در
الدنيا وإنه في الآخرة لمن الصلحين ۝ و
دنیا و بدرستیکه او در آخرة از شایستگان و
لوطا إذ قال لقومه إنكم لتأتون الفاحشة
لوط ۴ چون گفت مر قوم خود بدرستیکه شما می آیید فاحشه
ما سبقكم بها من أحد من العلمين ۝ أئنكم
هیچ نکرده اید شما بران هیچکس از عالمیان آیا شما
لتأتون الرجال وتقطعون السبيل وتأتون
می آیید مردان را و می برید راه و می آیید
في ناديكم المنكر فما كان جواب قومه
در مجلسهای زشت پس نبود جواب قوم او
إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله إن كنت من
مگر آنکه گفتند بیار برما عذاب خدا تعالی اگر هستی از
الصدقين ۝ قال رب انصرني على القوم
راست گویان گفت ای پروردگار یاری ده مرا بر گروه
المفسدين ۝ ولما جاءت رسلنا إبرهيم
تباه کاران و آنهنگام که آمد فرشتگان ما نزد ابراهیم ۴
بالبشرى قالوا إنا مهلكوا أهل هذه القرية
مژده فرزند گفتند بدرستیکه ما هلاک کننده ایم اهل این قریه
إن أهلها كانوا ظلمين ۝ قال إن فيها لوطا
بدرستیکه اهل آن هستند ستمکاران گفت بدرستیکه در آن لوط است ۴

ع

قالوا نحن

قالوا نحن أعلم بمن فيها لننجينه وأهله إلا
گفتند ما داناتریم بهرکه درو ست رهایی خواهیم داد اورا وکسان او مگر
امرأته كانت من الغابرين ۝ ولما أن جاءت
زن او هست از باقی ماندگان و آنهنگام که آمدند
رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقالوا
رسولان ما بلوط ع اندوهناک شد بایشان وتنگ شد بایشان دل وگفتند
لا تخف ولا تحزن إنا منجوك وأهلك إلا
مترس واندوه مدار بدرستیکه ما رهانندیم ترا وکسان ترا مگر
امرأتك كانت من الغابرين ۝ إنا منزلون
زن تو هست از باقی ماندگان بدرستیکه ما فرود آیندگانیم
على أهل هذه القرية رجزا من السماء بما
بر اهل این ده عذابی از آسمان بانچه
كانوا يفسقون ۝ ولقد تركنا منها آية بينة
بودند فسق میکردند وبدرستیکه بگذاشتیم ازان ده نشانه روشن
لقوم يعقلون ۝ وإلى مدين أخاهم شعيبا
برای گروهیکه تعقل کنند وبسوی مدین برادر ایشان شعیب ع
فقال يا قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم
پس گفت ای قوم پرستید خدا را وامید دارید روز
الآخر ولا تعثوا في الأرض مفسدين ۝ فكذبوه
پسین وتباهی مجویید در زمین تباه کاران پس تکذیب کردند او را
فأخذتهم الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين ۝
پس گرفت ایشانرا زلزله پس بامداد کردند در سراهای خویش مردگان
وعادا وثمودا وقد تبين لكم من مساكنهم
وعاد وثمود وبدرستیکه روشن شده است مرشما از مسکنهای ایشان
وزين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم
وبیاراست برای ایشان دیو کردارهای ایشان پس بازداشت ایشانرا
عن السبيل وكانوا مستبصرين ۝ وقارون
ازراه راست وبودند بینایان وقارون

ثمره او
بود ایمان آوردن او
بود بر پیغامبران
بجز کشنده ام
از بیم برای
کردار ورد
برسیدن بلوط
در باره شعیب علیه السلام
بازداشتی از نفاق نموده
از کوه که بودند فرو
بجز آن دفن شده
از آنجا بود

وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ

وفرعون وهامان وبدرستیکه آمد بایشان موسی

بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا

بحجت روشن پس سرکشی کردند در زمین و نبودند

سَابِقِينَ ۝ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ

پیشی گیرندگان پس همه گرفتیم بگناه او پس ازیشان

مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ

کسیکه فرستادیم براو باد سخت وازیشان کسی بود که

أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ

گرفت اورا صیحه وازیشان کسی بود که فرو بردیم اورا

الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ

بزمین وازیشان کسی بود که غرق ساختیم و نبود خدا تعالی

لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ مَثَلُ

که ستم کند برایشان ولیکن بودند نفسهای خود ستم میکردند مثل

الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ

آنانکه گرفتند بجز خدا تعالی دوستان همچو مثل

الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ

عنکبوت واگرفت خانه وبدرستیکه سستترین خانها

لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ

خانه عنکبوت اگر باشند که دانند وبدرستیکه

اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَ

خدا تعالی میداند آنچه میخوانند از جز او از چیزی

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

اوست غالب و حکم کننده واین مثلها بیان میکرد

لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۝ خَلَقَ

برای مردمان و درنمی یابد مثلرا الا دانایان بیافرید

اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

خدا تعالی آسمانها و زمین براستی بدرستیکه در این

در آورده ابراهیم علیه السلام بفلسطین نزول فرمود و لوط بمؤتفکات رفت صاحب سنی و آورده که ابراهیم در وقت ... نوح ... بود و در همین ... خدا تعالی ... اسمعیل را علیه السلام ... بود ... صد و ... سال

[illegible]

الجزء الحادي والعشرون ع

لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ اُتْلُ مَا اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنَ
مر مومنانرا بخوان آنچه وحی کرده بتو از
الْكِتٰبِ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ اِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى
قرآن و بپای دار نمازرا بدرستیکه نماز بازمیدارد
عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ اَكْبَرُ
از کار زشت و عمل منهی و هر آئینه ذکر خدا تعالی بزرگتر است
وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۝ وَلَا تُجَادِلُوا اَهْلَ
و خدا تعالی میداند آنچه میکنید و مکنید پیکار اهل
الْكِتٰبِ اِلَّا بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا
کتاب مگر بخصلتی که آن نیکوتر است مگر آنانکه ستم کردند
مِنْهُمْ وَقُولُوا اٰمَنَّا بِالَّذِي اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَاُنْزِلَ
از ایشان و بگوئید ایمان آوردیم بآنچه فرستاده بسوی ما و فرستاده
اِلَيْكُمْ وَاِلٰهُنَا وَاِلٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ
بسوی شما و خدای ما و خدای شما یکی است و ما مر او را
مُسْلِمُونَ ۝ وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الْكِتٰبَ
گردن نهادگانیم و همچنانکه فرستادیم بتو کتاب
فَالَّذِينَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ
پس آنانکه دادیم ایشانرا علم میگروند بقرآن و از
هٰؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَا اِلَّا
گروه عرب کسانیکه ایمان آرند بحضرت محمد ص یا بقرآن و منکر نشوند بآیتهای ما مگر
الْكٰفِرُونَ ۝ وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ
کافران و نبودی تو که بخوانی پیش از قرآن هیچ
كِتٰبٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ اِذًا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ
کتابی و نمی نویسی کتابی بدست راست خود آنهنگام در شک افتادندی تباه کاران
بَلْ هُوَ اٰيٰتٌ بَيِّنٰتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ
بلکه آن آیات روشن است در سینهای آنانکه داده اند علم
وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَا اِلَّا الظّٰلِمُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْ
و منکر نشوند بآیتهای ما مگر ستمکاران و گفتند چرا

[illegible]

اتل ما اوحی الیک

لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيٰتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ اِنَّمَا الْاٰيٰتُ
نشود فرستاده بر محمد معجزات از پروردگار او بگو جز این نیست که معجزها

عِنْدَ اللّٰهِ وَاِنَّمَا اَنَا نَذِيْرٌ مُبِيْنٌ ۝ اَوَلَمْ
نزد خدا است و جز این نیست که من بیم کننده ام هویدا آیا نیست

يَكْفِهِمْ اَنَّا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ يُتْلٰى عَلَيْهِمْ
بسنده ایشان را آنکه فرستادیم ما بر تو قرآن خوانده شود بر ایشان

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرٰى لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ
بدرستیکه در این بخشش است و پندی مر گروهی که تصدیق کنند

قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ شَهِيْدًا يَعْلَمُ مَا
بگو بسنده است بخدا تعالی میان من و میان شما گواه میداند آنکه

فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْبَاطِلِ
در آسمانها و زمین و آنانکه گرویدند بناحق

وَكَفَرُوْا بِاللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝ وَ
و کافر شدند بخدا تعالی آن گروه ایشانند زیان کاران و

يَسْتَعْجِلُوْنَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا اَجَلٌ مُسَمًّى
شتاب میکنند کافران تو بعذاب و اگر نه مدت نام برده

لَجَآءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَاْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ
هر آینه آمدی بدیشان عذاب و خواهد آمد بدیشان ناگهان و ایشان

لَا يَشْعُرُوْنَ ۝ يَسْتَعْجِلُوْنَكَ بِالْعَذَابِ وَاِنَّ
نداند طلب تعجیل کنند ترا بعذاب بدرستیکه

جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌ بِالْكٰفِرِيْنَ ۝ يَوْمَ يَغْشٰىهُمُ الْعَذَابُ
دوزخ فراگیرنده است بناگرویدگان روزیکه در یابد ایشانرا عذاب

مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ وَيَقُوْلُ ذُوْقُوْا
از زبر ایشان و از زیر پایهای ایشان و گوید بچشید

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۝ يٰعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ اَرْضِيْ
آنچه بودید که میکردید ای بندگان من آنانکه گرویده اند بدرستیکه زمین

وَاسِعَةٌ فَاِيَّايَ فَاعْبُدُوْنِ ۝ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ
کشاده است پس مرا پرستش نمائید هر نفسی چشنده

ع

الموت

الموت ثم الينا ترجعون ۝ والذين امنوا

مرگست پس بسوی ما بازگردند و آنانکه گرویدند

وعملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة غرفا

وکردند عمل شایسته هرآینه فرود آریم ایشانرا از بهشت منزلهای بلند

تجري من تحتها الانهر خلدين فيها نعم اجر

میرود از زیر آن جویها جاویدانند دران نیکو مزدیست

العملين ۝ الذين صبروا وعلى ربهم

مزد عمل کنندگانرا آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خود

يتوكلون ۝ وكاين من دابة لا تحمل رزقها

توکل کنند و بسا از جنبندگان که بر نمیدارند روزی خود را

الله يرزقها واياكم وهو السميع العليم ۝

خدای تعالی روزی دهد ایشانرا و شمارا واوست شنوا دانا

ولئن سالتهم من خلق السموت والارض

واگر پرسی اهل مکه را که بیافرید آسمانها و زمین

وسخر الشمس والقمر ليقولن الله فانى يؤفكون

ورام کرد آفتاب و ماه هرآینه گویند خدای تعالی پس کجا گردانیده میشوند

الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر

خدای تعالی گشاده کرده روزی برای هرکه خواهد از بندگان خود و تنگ کند

له ان الله بكل شيء عليم ۝ ولئن سالتهم

مرآنرا هرآینه خدای تعالی بهرچیز داناست و اگر پرسی ایشانرا

من نزل من السماء ماء فاحيا به الارض من بعد

که فرستاد از آسمان آبی پس زنده کرد بسبب آن زمین از پس

موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم

مردگی گویند خدای تعالی بگو تمام حمد خدای راست بلکه بیشتر ایشان

لا يعقلون ۝ وما هذه الحيوة الدنيا الا لهو

در نمی یابند و نیست این زندگانی دنیا مگر بازی

ولعب وان الدار الاخرة لهي الحيوان لو

و مشغولی و بدرستیکه سرای دیگر اوست سرای زندگانی اگر

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الذين صبروا وعلى ربهم
[illegible]

كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا
باشند که بدانند · پس چون نشینند · در کشتی · بخوانند

اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجّٰهُمْ إِلَى
خدا را که خالص کنندگان باشند برای او دین · پس آنهنگام نجات دهد ایشان را سوی

الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنٰهُمْ
خشکی · ناگاه ایشان · شرک آرند · تا کافر شوند · بآنچه دادیم ایشان را

وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا
و تا برخوردار شوند · پس زود باشد که بدانند · آیا ندیدند · که ما

جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ
گردانیدیم · حرمی · با امن · و حالانکه ربوده شوند مردمان · از گرداگرد ایشان

أَفَبِالْبٰطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَكْفُرُونَ
آیا پس بباطل · میگروند · و بنعمت خدا تعالی · کافر شوند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا أَوْ
و کیست · ستمکارتر · از آنکه · افترا کند · بر خدا تعالی · دروغ · یا

كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى
تکذیب کند · بقرآن · آنهنگام که آمد بوی · آیا نیست · در دوزخ · جای

لِلْكٰفِرِينَ ۝ وَالَّذِينَ جٰهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ
کافران · و آنانکه · کوشش کنند · در ما · هر آینه راه نمائیم ایشان را

سُبُلَنَا وَإِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۝
راههای · و بدرستیکه خدا تعالی · با نیکوکاران است

## سُورَةُ الرُّومِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتُّونَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام · خدای · بخشنده · مهربان

الٓمٓ ۝ غُلِبَتِ الرُّومُ ۝ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ
مغلوب شدند رومیان · در نزدیکترین · زمین · و ایشان

مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بِضْعِ سِنِينَ
از پس مغلوب شدن ایشان · زود باشد که غالب شوند · در اندک · سالی

لله الامر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح

مر خدایراست حکم پیش از این و از پس و آنروز شاد شوند گروه

المؤمنون ۝ بنصر الله ينصر من يشاء وهو

مومنان بیاری خدای تعالی یاری میدهد هر کرا خواهد و او

العزيز الرحيم ۝ وعد الله لا يخلف الله وعده

غالب و مهربان وعده کرد خدای تعالی خلاف نکند خدای تعالی وعده خود را

ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ يعلمون ظاهرا

ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند میدانند آشکارا

من الحيوة الدنيا وهم عن الاخرة هم

از زندگانی دنیا و ایشان از آخرة ایشان

غفلون ۝ اولم يتفكروا في انفسهم ما خلق

غافلانند آیا تفکر نمیکنند در نفسهای خود نیافرید

الله السموت والارض وما بينهما الا بالحق

خدای تعالی آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست مگر راستی

واجل مسمى وان كثيرا من الناس بلقاى

و وقتی نام برده شده و بدرستیکه بسیاری از مردمان بدیدار

ربهم لكفرون ۝ اولم يسيروا في الارض فينظروا

پروردگار خود منکرانند آیا سیر نمیکنند در زمین پس بنگرند

كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا

چگونه بود عاقبت آنانکه پیش از ایشان بودند

اشد منهم قوة واثاروا الارض وعمروها

سخت تر از ایشان از قوة و بگردانیدند زمین و عمارت کردند

اكثر مما عمروها وجاءتهم رسلهم بالبينت

بیشتر از آنکه عمارت کردند ایشان و آمد بایشان پیغمبران ایشان بحجتها

فما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم

پس نبود خدای تعالی که ظلم کند بایشان ولیکن بودند نفسهای خود

يظلمون ۝ ثم كان عاقبة الذين اساؤا

ستم میکردند پس بود عاقبت آنانکه کردند بدرا

السُّوٓاى اَن كَذَّبُوا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوا بِهَا

نتیجه بد بسبب آنکه تکذیب کردند بآیتهای خدا تعالی و بودند که بدان

يَسْتَهْزِءُوْنَ ۝ اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ

استهزا میکردند خدای تعالی پیدا میکند خلق را پس باز زنده کرده او

ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝ وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ

پس بسوی او باز گردیده شوید و روزیکه قایم شود قیامت

يُبْلِسُ الْمُجْرِمُوْنَ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَآئِهِمْ

خاموش شوند مشرکان و نباشند مرایشان را از انبازان ایشان

شُفَعٰٓؤُا وَكَانُوا بِشُرَكَآئِهِمْ كٰفِرِيْنَ ۝ وَ

درخواست کنندگان و باشند بدان انبازان ایشان کافران و

يَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَّتَفَرَّقُوْنَ ۝

روزیکه قایم گردد رستخیز آنهنگام پراگنده گردند مردمان

فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِيْ

پس اما آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته پس ایشان در

رَوْضَةٍ يُّحْبَرُوْنَ ۝ وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَكَذَّبُوْا

مرغزار شادمان گردیده باشند و اما آنانکه نگرویدند و تکذیب کردند

بِاٰيٰتِنَا وَلِقَآئِ الْاٰخِرَةِ فَاُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ

بآیتهای ما و بلقای آخرت پس آن گروه در عذاب

مُحْضَرُوْنَ ۝ فَسُبْحٰنَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُوْنَ

حاضر شدگانند پس تسبیح گوئید خدا را آنهنگام که بشب در آئید

وَحِيْنَ تُصْبِحُوْنَ ۝ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَ

و هنگام بامداد و مراو راست ثنا در آسمانها و

الْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَّحِيْنَ تُظْهِرُوْنَ ۝ يُخْرِجُ

زمین و آخر روز و بوقت ظهر بیرون آرد

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ

زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده و زنده کند

الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ۝

زمین را پس از مردگی آن و همچنین بیرون آورده خواهید شد

ع

ومن آیته

ومن ءايته أن خلقكم من تراب ثم إذا أنتم
وازنشانهاء او آنکه بیافرید شمارا از خاک پس اکنون شما
بشر تنتشرون ۝ ومن ءايته أن خلق لكم
مردمانید پراگنده شوید وازنشانهاء او آنکه بیافرید برای شما
من أنفسكم أزوجا لتسكنوا إليها وجعل
از نفس شما زنان تا میل کنند بسوی ایشان وساخت
بينكم مودة ورحمة إن في ذلك لايت
میان شما دوستی ومهربانی بدرستیکه در این نشانهاست
لقوم يتفكرون ۝ ومن ءايته خلق السموت
مرگروهی راکه تفکر کنند وازنشانهاء او بیافرید آسمانها
والأرض واختلف ألسنتكم وألونكم إن
وزمین ومخالفت زبانهاء شما ورنگهاء شما بدرستیکه
في ذلك لايت للعلمين ۝ ومن ءايته منامكم
در این نشانهاست مرجهانیان را وازنشانهاء او خواب کردن شما
باليل والنهار وابتغاؤكم من فضله
شب وروز وجستن شما از بخشش او
إن في ذلك لايت لقوم يسمعون ۝ ومن
بدرستیکه در این نشانهاست مرگروهی راکه بشنوند واز
ءايته يريكم البرق خوفا وطمعا وينزل من
نشانهاء او مینماید شما برق از برای ترسیدن وطمع ومیفرستد از
السماء ماء فيحي به الأرض بعد موتها
آسمان آبی پس زنده کرداند بدان زمین پس ازمردن آن
إن في ذلك لايت لقوم يعقلون ۝ ومن
بدرستیکه در این نشانهاست مرگروهیکه تعقل کنند واز
ءايته أن تقوم السماء والأرض بأمره ثم
نشانهاء او آنکه می‌ایستد آسمان وزمین بامراو پس
إذا دعاكم دعوة من الأرض إذا أنتم
چون بخواند شمارا خواندنی از زمین آنگاه شما

ع
در بیان پیغمبران
خبر فارس و روم
شغل مشغول پیغمبر گشت
این خبر ابو بکر گفت
در جواب ابوبکر ابی
گفته بود روم بعد از
مغلوب شدن غالب
شوند پس مرد وبین
با بر ابو بکر این سوره
نازل گشت و وعده
در بیع گشت مشروط

تخرجون ۝ وله من في السموت والارض

بیرون آیند ومراورا ست هرکه در آسمانها وزمین است

كل له قنتون ۝ وهو الذي يبدؤا الخلق

همه اورا فرمان برداران واوست آنکه بیافرید خلق را

ثم يعيده وهو اهون عليه وله المثل

پس باز زنده گرداند اورا وآن آسانتر است بر خدا تعالی ومراوراست صفت

الاعلى في السموت والارض وهو العزيز

برتر در آسمانها وزمین واوست غالب و

الحكيم ۝ ضرب لكم مثلا من انفسكم

محکم کار بیان کند برای شما مثلی از نفسهای شما

هل لكم من ما ملكت ايمانكم من شركاء

آیا هست شمارا از آنچه مالک شده است دستهای شما هیچ انبازان

في ما رزقنكم فانتم فيه سواء تخافونهم

در آنچه داده ایم شمارا پس شما در آن یکسان باشید میترسید از ایشان

كخيفتكم انفسكم كذلك نفصل الايت

مانند ترسیدن از نفسهای شما مانند این تفصیل کنیم دلایل

لقوم يعقلون ۝ بل اتبع الذين ظلموا اهواءهم

مرگروهی را که تعقل کنند بلکه پیروی کنند آنانکه ستم کردند آرزوهای خود

بغير علم فمن يهدي من اضل الله وما لهم

بی دانش پس کیست که راه نماید آنکه فرو گذاشت خدا تعالی ونیست ایشان را

من نصرين ۝ فاقم وجهك للدين حنيفا

هیچ یاری پس راست دار روی خودرا برای عبادت خالص

فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل

بیافرید خدا تعالی آنکه بیافرید مردمان را بران تبدیل نیست

لخلق الله ذلك الدين القيم ولكن اكثر

مرخلق خدا را آنست کیش راست ولیکن بیشتر

الناس لا يعلمون ۝ منيبين اليه واتقوه

مردمان نمیدانند که باز گردانید کانید بسوی او وبترسید ازو

در این سوره سبب نزول غیر از این ظاهر نشد و بعلم عند الله

ع

ضرب لکم مثلا من

سبب نزول این آن بود چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم جدا و جمعی از کفار و جمیع به و سلم این را اجب ... نفر بعضی دیگر این ... فرا بسر ... و ...

واقيموا

ربع

وأقيموا الصلوة ولا تكونوا من المشركين
و بپا دارید نماز را و مباشید از شرک آرندگان

من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعا
از آنانکه جدا کرده اند دین خود را و گشتند گروه گروه

كل حزب بما لديهم فرحون وإذا مس الناس
هر گروهی بآنچه نزد ایشانست شادمانند و چون برسد آدمیان را

ضر دعوا ربهم منيبين إليه ثم إذا أذاقهم منه
سختی بخوانند پروردگار خود را باز گشتگان بسوی حق پس چون بچشاند ایشان را از خود

رحمة إذا فريق منهم بربهم يشركون ليكفروا
رحمتی آنگاه گروهی از ایشان بپروردگار خود شرک آرند تا کافر شوند

بما آتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون أم
بآنچه عطا کردیم ایشان را پس برخوردار شوید پس زود باشد که بدانند آیا

أنزلنا عليهم سلطانا فهو يتكلم بما كانوا به
فرستادیم بر کافران کتابی پس آن سخن گوید بآنچه هستند که بآن

يشركون وإذا أذقنا الناس رحمة فرحوا
شرک آرند و چون بچشانیم مردمان را نعمتی شاد شوند

بها وإن تصبهم سيئة بما قدمت أيديهم إذا
بآن و اگر برسد بدیشان رنجی بآنچه پیش فرستاد دستهای ایشان آنگاه

هم يقنطون أولم يروا أن الله يبسط
ایشان نا امید شوند آیا نمی بینند آنکه خدای تعالی گشاده گرداند

الرزق لمن يشاء ويقدر إن في ذلك لآيات
روزی را برای هرکه خواهد و تنگ گرداند بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست

لقوم يؤمنون فآت ذا القربى حقه و
مر گروهی را که میگروند پس بده خداوند قرابت حق او را و

المسكين وابن السبيل ذلك خير للذين
محتاج را و راه گذری را این بهترست مر آنانکه

يريدون وجه الله وأولئك هم المفلحون
میخواهند روی خدای را و آن گروه ایشانند رستگاران

ظهر الفساد في البر

وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ
وآنچه میدهید از ربا تا بیفزاید در مالهای مردمان
فَلَا يَرْبُوا عِندَ اللَّهِ ۖ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ
پس زیاده نمیشود نزد خدا تعالی وآنچه میدهید از زکوة
تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ
میخواهید ثواب خدا تعالی پس آن گروه ایشانند یابندگان افزونی
اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ
خدا تعالی آنکه بیافرید شمارا پس روزی داد شمارا پس بمیراند شمارا
ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۖ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن
پس زنده گرداند شمارا آیا هست از انبازان شما کسیکه میکند از
ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ
این از چیزی پاکست خدا تعالی و برترست از آنچه شرک آرند
ع
ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي
آشکارا شد تباهی در بیابان و دریا بسبب آنچه کرده است دستهای
النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
مردمان تا بچشاند ایشانرا برخی از آنچه کرده اند شاید که ایشان بازگردند
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
بگو بروید در زمین پس بنگرید چگونه بود عاقبت
الَّذِينَ مِن قَبْلُ ۚ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ
آنانکه پیش از این بودند بیشتر ایشان شرک آرندگان
فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ
پس راست کن بیکسو خود را راست پیش از آنکه بیاید روزی
لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ۖ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ
نیست بازگردانیدن مر اورا از خدا تعالی آن روز که جدا شوند مردم
مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ وَمَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ
هرکه کافر شود پس بر ویست جزاء کفر او و هرکه بکند کردار نیک پس برای نفس خود
يَمْهَدُونَ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ
می گسترند تا آن عمل را تا جزا دهد آنانرا که گرویدند و

عملوا الصالحات

عملوا الصلحت من فضله انه لا يحب الكفرين
کردند کردارهای شایسته از بخشش او هرآینه او دوست نمیدارد کافران را

ومن ايته ان يرسل الريح مبشرت وليذيقكم
و از نشانهای او آنکه فرستد بادها مژده دهنده و تا بچشاند شما را

من رحمته ولتجري الفلك بامره ولتبتغوا
از بخشش خود و تا میرود کشتی بامر او و تا بجوئید

من فضله ولعلكم تشكرون ولقد
از فضل خدا تعالی و شاید که شما شکر کنید و هرآینه

ارسلنا من قبلك رسلا الى قومهم فجاءوهم
فرستادیم پیش از تو رسولان بسوی قوم خود پس آمدند بایشان

بالبينت فانتقمنا من الذين اجرموا و
بحجتها پس انتقام کشیدیم از آنانکه شرک آوردند و

كان حقا علينا نصر المؤمنين الله الذي
بود واجب بر ما یاری مومنان خدا تعالی آنکه

يرسل الريح فتثير سحابا فيبسطه في
فرستد باد پس برانگیزانند ابر را پس گسترد آن ابر را در

السماء كيف يشاء ويجعله كسفا فترى الودق
آسمان چگونه خواهد و گرداند او را پاره پاره پس ببینی باران

يخرج من خلله فاذا اصاب به من يشاء
بیرون آید از میان ابر پس چون برساند خدا تعالی باران را آنکه بخواهد

من عباده اذا هم يستبشرون وان كانوا
از بندگان خود آنگاه ایشان خوشدل شوند و اگر بودند

من قبل ان ينزل عليهم من قبله لمبلسين
از پیش آنکه فرستند باران بر ایشان پیش از سحاب ناامیدان

فانظر الى اثر رحمت الله كيف يحي الارض
پس در نگر بنشانهای رحمت خدا تعالی که چگونه زنده کرد زمین

بعد موتها ان ذلك لمحي الموتى وهو على
پس از مردگی آن هرآینه این زنده کننده مردگان است و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ

بر چیز توانا است واگر بفرستیم بادی پس ببینند آن کشت

مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۝ فَإِنَّكَ

زرد شده بعد از سبز کفران نعمتها دیگر هم کنند پس بدرستیکه تو

لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا

نمیشنوانی مردگان را و نشنوانی کران را خواندن چون

وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۝ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمْيِ

برگردند گریزندگان ونیستی تو راه نماینده کوران

عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا

از گمراهی ایشان نشنوانی مگر آنرا که گرویده است بآیتهای ما

فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ

پس ایشان گردن نهادگانند خدا تعالی آنکه بیافرید شمارا از نطفه

ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ

پس داد از پس سستی شباب پس داد از

بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

پس قوت سستی وپیری می آفریند آنچه میخواهد

وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

واوست دانا توانا وروزیکه قایم شود قیامت

يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ ۝ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ

سوگند خورند مجرمان درنگ کرده اند جز ساعتی

كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا

مثل این هستند برگردانیده شوند وگویند آنانکه داده اند

الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى

دانستن وایمان بدرستیکه درنگ کردید درکتاب خدا تعالی تا

يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ

روز برانگیختن پس اینست روز برانگیختن ولیکن

كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ

بودید شما نمیدانستید پس آنروز سود نکند آنانرا که

ع

ظلموا

ظلموا معذرتهم ولا هم يستعتبون

ستم کردند عذرخواهی ایشان ونه ایشان خشنود کرده شوند

ولقد ضربنا للناس في هذا القرآن

وبرآینه بیان کردیم برای مردمان در این قرآن

من كل مثل ولئن جئتهم بآية ليقولن

از هر مثلی واگر بیاری ای محمد ص معجزه برآینه گویند

الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون كذلك

آنانکه کافر شدند نیستید شما مگر تباه کاران همچنین

يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

مهر مینهد خدا تعالی بر دلهای آنانکه نمیدانند

فاصبر إن وعد الله حق ولا يستخفنك

پس شکیبائی کن بدرستیکه وعده خدا تعالی راست است و باید که سبکساری نیارند ترا

الذين لا **سورة لقمان وهي اربع وثلثون آية** يوقنون ٢٣

آنانکه نشوند بی گمان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

الم تلك آيات الكتاب الحكيم هدى و

این سوره آیتهای قرآن است خداوند حکمت راه نماینده و

رحمة للمحسنين الذين يقيمون الصلوة

بخشایش مر نیکوکاران را آنانکه بپا میدارند نماز را

ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون

ومیدهند زکوة و ایشان بآخرت ایشان بیگمانند

أولئك على هدى من ربهم وأولئك هم

آن گروه بر راه راستند از پروردگار ایشان و آن گروه ایشانند

المفلحون ومن الناس من يشتري

رستگاران و از مردمان کسی هست که میخرد

لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير

سخن بازیے تا گمراه سازد از راه خدا تعالی بے

وازرحمت او
ناامیدشان دیدی
حق اینکه بر فضرت
رسالت تاب
صلی الله علیه وآله
درهیچ باب و درهیچ باب
ودرثبوت و علم علیم
ازین قرآن این

ع

طمع دارد
کربیتم کشت حتی را
وقول تو قبول
نمی نیند وکفر
حلم این ن وازو
زیراد دل ایشان

عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
دانشی و گیرد راه خدا را افسوس آن گروه مر ایشان راست عذاب

مُهِينٌ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا
خوار کننده و چون خوانده شود بر او آیتهای ما روگرداند گردنکشی

كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ
گویا که هرگز نشنیده است گویا در هر دو گوش او گرانیست پس اعلام کن او را

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
بعذابی دردناک بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند عملهای نیک

لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ
مر ایشان راست بهشتهای با نعمت جاوید مانند در آن وعده خدای تعالی

حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
محقق است و او است غالب و راست کار بیافرید آسمانها

بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ
بی ستون می بینید آنرا دیده و نهاد در زمین کوههای بلند

أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَ
تا حرکت نکند شما را و پراکنده کرد در زمین از هر جنبنده و

أَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ
و فرستادیم از آسمان آبی پس برویانیدیم در آن از هر

زَوْجٍ كَرِيمٍ ۝ هَٰذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا
گیاهی نیکو این آفریده خدا است پس بنمایید من چه چیز

خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ
بیافرید آنانکه بدون وی اند بلکه مشرکان در گمراهی

مُّبِينٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ
هویدا و بدرستیکه دادیم ما لقمان را توحید آنکه

اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَن يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ
شکر گوی خدا را و هرکه شکر گوید پس جز این نیست که شکر گوید برای نفس خود

وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ وَإِذْ قَالَ
و هرکه ناسپاسی کند پس بدرستیکه خدای تعالی بی نیاز است ستوده و چون گفت

مرده بهشت [illegible] حق سبحانه و تعالی [illegible] ولقد آتینا [illegible] عظیم [illegible]

ع

[illegible] نفس [illegible] معلوم شد

لقمان

لقمان لابنه وهو يعظه يبني لا تشرك
لقمان مر پسر خود را ‌ و او پند داد ‌ ای پسر من ‌ شرک میار
بالله ان الشرك لظلم عظيم ووصينا
بخدا تعالی ‌ بدرستیکه شرک آوردن ‌ ستم ‌ بزرگ است ‌ و وصیت کردیم
الانسان بوالديه حملته امه وهنا على
آدمی را ‌ با حسان پدر و مادر ‌ برداشته ورنورا مادر او ‌ و سستی بر
وهن وفصاله في عامين ان اشكر لي
سستی ‌ و از شیر در گذشتن دو سال ‌ آنکه شکر میکوی مرا
ولوالديك الي المصير وان جاهداك
و مادر و پدر خود را ‌ بسوی حکم منست باز گشت ‌ و اگر کوشش کنند پدر و مادر
على ان تشرك بي ما ليس لك به علم فلا
بر آنکه شرک آری بمن ‌ نیست ترا ‌ با آن ‌ دانستن ‌ پس مبر
تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا
فرمان ایشان را و مصاحبت کن با ایشان در دنیا بنیکو
واتبع سبيل من اناب الي ثم الي مرجعكم
و پیروی کن در راه دین ‌ هرکه بازگشت بتوحید ‌ پس بسوی من است بازگشت شما
فانبئكم بما كنتم تعملون يبني انها
پس آگاهی خواهم داد شما را بآنچه میکنید ‌ که میکنید ‌ ای پسر من ‌ بدرستیکه
ان تك مثقال حبة من خردل فتكن في
فعل تو ‌ بهمسنگ ‌ دانه ‌ از سپندان ‌ پس باشد ‌ در
صخرة او في السموت او في الارض يأت
صخره سبز ‌ یا در ‌ آسمانها ‌ یا در ‌ زمین ‌ بیارد
بها الله ان الله لطيف خبير يبني اقم
آنرا خدا تعالی ‌ بدرستیکه خدا تعالی باریک داننده دانا ‌ ای پسر من بپا دار
الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنكر
نماز را ‌ و بفرمای ‌ به نیکوئی ‌ و باز دار ‌ از منکر
واصبر على ما اصابك ان ذلك من عزم
و صبر کن ‌ بر آنچه ‌ رسد تو ‌ بدرستیکه این ‌ از واجبات

تفسیر ق
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
در سوره [illegible]
و ذکر این وصیت
در اثنای قصه لقمان
است [illegible]
از شرک

الأمور ۝ ولا تصعر خدك للناس ولا تمش

اموراست و بیکسو مبر روی خودرا مر مردمانرا و مرو

في الأرض مرحا إن الله لا يحب كل مختال

درزمین برای بازی بدرستیکه خدا تعالی دوست نمیدارد هر متکبر

فخور ۝ واقصد في مشيك واغضض

نازنده و درمیانه باش در رفتن خود و کم کن

من صوتك إن أنكر الأصوات لصوت

از آواز خود بدرستیکه زشت ترین آوازها آواز

الحمير ۝ ألم تروا أن الله سخر لكم ما في

خراست آیا نمی بینید آنکه خدا تعالی رام ساخت برای شما آنچه در

السموات وما في الأرض وأسبغ عليكم

آسمانها و آنچه در زمین است و تمام کرد بر شما

نعمه ظاهرة وباطنة ومن الناس من

نعمتی آشکارا و پوشیده و از مردمان که

يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا

خصومت کند در کتاب الله بی دانشی و بی راهنمونی و بی

كتب منير ۝ وإذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل

کتاب روشن و چون گفته شود مرایشانرا پیروی کنید آنچه فرستاد

الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

خدا تعالی گویند بلکه متابعت میکنیم آنچه یافتیم بران پدران خودرا

أولو كان الشيطن يدعوهم إلى عذاب

آیا اگر بود شیطان بخواند ایشانرا بسوی عذاب

السعير ۝ ومن يسلم وجهه إلى الله وهو

آتش افروخته و هرکه تسلیم کند رضای خودرا بسوی خدا تعالی و او

محسن فقد استمسك بالعروة الوثقى

نیکوکارست پس بدرستیکه دست زده باشد بدست آویزی محکم

وإلى الله عقبة الأمور ۝ ومن كفر فلا يحزنك

و بسوی خدا تعالی بازگشت همه کارهاست و هرکه کفر ورزد پس باید که اندوهگین نسازد

نصف
ع

كفره إلينا مرجعهم فننبئهم بما عملوا إن الله
ناگرویدن او را بسوی ماست بازگشت ایشان پس آگاه گردانیم ایشان را بآنچه کردند بدرستیکه خدا
عليم بذات الصدور ۝ نمتعهم قليلا ثم
داناست بآنچه در سینها برخورداری میدهیم ایشان را اندکی پس
نضطرهم إلى عذاب غليظ ۝ ولئن سألتهم
بیاریم ایشان را بسوی عذاب سخت واگر بپرسی کافرانرا
من خلق السموت والأرض ليقولن الله
که پیدا کرد آسمانها و زمین هرآینه گویند خداتعالی
قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون ۝ لله
بگو تمام مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند مر خدا راست
ما في السموت والأرض إن الله هو الغني
آنچه در آسمانها و زمین است بدرستیکه خداتعالی اوست بی نیاز
الحميد ۝ ولو أنما في الأرض من شجرة
ستوده واگر بودی آنچه در زمین است از درختان
أقلام والبحر يمده من بعده سبعة أبحر
قلمها و دریا مداد شدی بعد از تمام شدن آن هفت دریا
ما نفدت كلمت الله إن الله عزيز حكيم
با تمام نیامدی عجاییات خداتعالی بدرستیکه خداتعالی غالب و محکم کار است
ما خلقكم ولا بعثكم إلا كنفس وحدة
نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما مگر مانند یک تن
إن الله سميع بصير ۝ ألم تر أن الله يولج
بدرستیکه خداتعالی شنوا بیناست آیا نمیبینی که خداتعالی در آرد
اليل في النهار ويولج النهار في اليل وسخر
شب را در روز و در آرد روز را در شب و رام کرد
الشمس والقمر كل يجري إلى أجل مسمى
آفتاب و ماه هریک میرود تا وقت نام برده شده
وأن الله بما تعملون خبير ۝ ذلك بأن
واگه خداتعالی بآنچه میکنید داناست این بآنکه

ولو انما فی الارض
[illegible]
[illegible]
نقش کنند کلمات
تمام نشود
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان و اگر بودی
آنچه در زمین است
از درختان قلمها
و دریا مداد بودی

اللّٰه هو الحقّ وانّ ما يدعون من دونه
خدا تعالی اوست ثابت وآنچه شما میخوانید از جز او
الباطل وانّ اللّٰه هو العلیّ الکبیر ○
باطل وآنکه خدا تعالی اوست برتر بزرگتر
الم تر انّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه
آیا ندیدی آنکه کشتی میرود در دریا بنعمت خدا تعالی
لیریکم من ایٰته انّ فی ذلک لایٰت لکلّ صبّار
تا بنماید شمارا از دلایل خود بدرستیکه در این نشانهاست هر صبر کننده
شکور ○ واذا غشیهم موج کالظّلل دعوا
شکر کننده وچون بپوشد ایشانرا موج مانند سایبانها میخوانند
اللّٰه مخلصین له الدّین ○ فلمّا نجّٰهم الی
خدا را در حالتیکه پاک کنندگانند مر او را دین پس آنگاه که برهانید ایشانرا بسوی
البرّ فمنهم مقتصد وما یجحد بایٰتنا
بیابان پس بعضی از ایشان راستند وانکار نکنند نشانهای ما
الّا کلّ ختّار کفور ○ یٰایّها النّاس اتّقوا
مگر هر عذر کننده ناسپاس ای مردمان بترسید
ربّکم واخشوا یوما لا یجزی والد عن ولده
از پروردگار خود وبترسید روزی که دفع نکند پدر از پسر خود
ولا مولود هو جاز عن والده شیٔا انّ
ونه فرزندی که او بازدارنده باشد از پدر خود چیزی را بدرستیکه
وعد اللّٰه حقّ فلا تغرّنّکم الحیٰوة الدّنیا
وعده خدا تعالی راست است پس باید که فریب ندهد شما را زندگانی دنیا
ولا یغرّنّکم باللّٰه الغرور ○ انّ اللّٰه عنده
و باید که مغرور نسازد شما را بخدا تعالی فریبنده بدرستیکه خدا تعالی نزد اوست
علم السّاعة وینزّل الغیث ویعلم ما فی
علم قیامت ومیفرستد باران را ومیداند آنچه در
الارحام وما تدری نفس ما ذا تکسب غدا وما
رحمهاست ونمیداند هیچ نفسی چه چیز کسب کرده است از خیر وشر ومی

تدری

تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
داند نفسی بکدام زمین میمیرد بدرستیکه خداتعالی داناست

## سورة السجدة وهي ثلث وثلثون اية

خَبِيرٌ
آگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

الم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ
فرو فرستاده قرآن نیست شک دران از پروردگار

الْعَالَمِينَ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ
عالمیان آیا میگویند بربافته آنرا بلکه آن راست است

مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ
از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را نیامده است بایشان هیچ بیم کننده

مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ اللَّهُ الَّذِي
پیش از تو شاید که ایشان راه یابند خداتعالی آنکه

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ
بیافرید آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست در شش

أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ
روز پس قصد کرد بر عرش نیست شما را از

دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
جزوی هیچ دوستی و نه درخواست کننده آیا پند پذیر نمیشوید

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ
میسازد کارها از آسمان بسوی زمین پس عروج کند

إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا
بسوی آسمان در روزیکه هست اندازه او هزار سال از انچه

تَعُدُّونَ ذَٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ
شمار میکنید آن دانای پوشیده و آشکارا غالب و

الرَّحِيمُ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ
مهربان آنکه نیکو کرد هر چیز را که بیافرید

وبدأ خلق الانسان من طين ○ ثم جعل
نسله من سللة من ماء مهين ○ ثم سوىه ونفخ
فيه من روحه وجعل لكم السمع والابصار
والافئدة قليلا ما تشكرون ○ وقالوا ءاذا
ضللنا في الارض ءانا لفي خلق جديد ○
بل هم بلقاى ربهم كفرون ○ قل يتوفىكم
ملك الموت الذي وكل بكم ثم الى ربكم
ترجعون ○ ولو ترى اذ المجرمون ناكسوا
رءوسهم عند ربهم ربنا ابصرنا وسمعنا
فارجعنا نعمل صالحا انا موقنون ○ ولو
شئنا لاتينا كل نفس هدىها ولكن حق القول
مني لاملان جهنم من الجنة والناس
اجمعين ○ فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم
هذا انا نسينكم وذوقوا عذاب الخلد

ما لم

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ
آنچه بودید که میکردید جز این نیست که میگروند بآیتهای ما آنانکه
إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ
چون پند داده شوند بدان بروی درآیند سجده کنان و تنزیه کنند بستایش
رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ
پروردگار خود و ایشان سرکشی نمیکنند دور باشد پهلوهای ایشان
عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا
از خوابگاهها میخوانند پروردگار خود را از ترس و امید
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا
و از آنچه روزی دادیم ایشان را نفقه کنند پس نمیداند نفسی آنچه
أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
پنهان کرده شده است مر ایشان را از روشنی چشمها جزا داده شوند بآنچه بودند
يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا
که میکردند آیا کسی که هست گرویده مانند کسیکه هست بیرون رفته
لَّا يَسْتَوُونَ ۝ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
برابر نیستند اما آنانکه گرویدند و کردند عملهای شایسته
فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝
پس مر ایشان راست بوستانهای ماوا پیشکش باشند بآنچه بودند که میکردند
وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا
و اما آنانکه بیرون رفتند پس بازگشت ایشان آتش است هرگاه که
أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ
خواهند آنکه بیرون آیند از آتش بازگردانیده شوند دران و گفته شود
لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ
مر ایشان را بچشید عذاب آتش آنکه بودید که مرآن را تکذیب میکردید
وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ
و هر آینه بچشانیم ایشان را از عذاب نزدیکتر غیر
الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَمَنْ
عذاب بزرگتر شاید که ایشان بازگردند و کیست

سجده

أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا
ستمکارتر از کسیکه پند داده شود بآیتهای پروردکار خود پس روی کرداند از ان
إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا
بدرستیکه ما از مشرکان انتقام کننده کانیم وبدرستیکه دادیم
مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ
موسی را تورت پس مباش در شک از دیدار موسی
وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ
وکردانیدیم ازین راه نما بنده مرجب اسرائیل وکردانیدیم از بنی اسرائیل
أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا ۖ وَكَانُوا
پیشوایان راه نمودند باحکام تورت انهنگام که صبر کردند وبودند
بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ
بآیتهای ما بیکمان بدرستیکه پروردکار تو او حکم کند میان آدمیان
يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝
روز قیامت در آنچه بودند دران اختلاف کردند
أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ
آیا راه نمود ایشانرا چند هلاک کردیم پیش از ایشان از
الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
اهل قرنها میروند در مسکنهای ایشان بدرستیکه در این
لَآيَاتٍ ۖ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ
نشانهاست آیا نمی شنوند آیا نمی بینند انکه ما میرانیم
الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ
آب بسوی زمین خالی پس بیرون آریم ازان کشت زار میخورند
مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ ۖ أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۝
ازان چهارپایان ونفسهای ایشان آیا پس نمی بینند
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
ومیکویند کی باشد این فتح مکه اگر هستید راست کویان
قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ
بکو روز فتح سود نکند آنانراکه نکرویدند کرویدن ایشان

ع

[illegible]

ولاهم

ابن سوره الاحزاب
زینب و حفصه و
عایشه ابن ابی کبشه ازان
مخیم سنیت زوجات
مسعود و حبیب
...
نعمان و ورا حکیم

وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ۝ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانتَظِرْ إِنَّهُم

و نه ایشان مهلت داده شوند پس روگردان از ایشان و منتظر باش بدرستیکه ایشان

سُورَةُ الْأَحْزَابِ | مُنتَظِرُونَ | مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ ثَلَاثٌ وَسَبْعُونَ

منتظرانند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

ع ثلثه

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

ای پیغمبر ثابت باش بر تقوی و فرمان مبر کافران و منافقان

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ

بدرستیکه خدای تعالی هست دانا حکم کننده و پیروی کن آنچه وحی کرده شود

إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

بتو از پروردگار تو بدرستیکه خدای تعالی هست بآنچه میکنید دانا

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ مَا جَعَلَ

و توکل کن بر خدای تعالی و بسنده است خدای تعالی کارساز نیافرید

اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّن قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ

خدای تعالی مرمردی را دو دل در درون او و نکردانید

أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ

زنان شما را آنانرا که ظهار میکنند از ایشان مادران شما

وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُم

و نکردانید پسرخواندگان شما پسر حقیقی شما این سخنی است

بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي

که بزبانهای خود میگویند و خدای تعالی میگوید سخن راست و او راه نماید

السَّبِيلَ ۝ ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِندَ

بطریق حق بخوانید فرزندان را مر پدران ایشان این راست تراست نزد

اللَّهِ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ

خدای تعالی پس اگر ندانید پدران ایشان پس برادران شمااند در دین

وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم

و دوستان شمااند و نیست بر شما گناهی در آنچه خطا کردید

خانه ابن ابی اول
که بدینه آمدند و
بعد از وفات اصحاب
و صحابه و احبابه و سلم
ما پیر صلی الله علیه و سلم
از حضرت رسالت
و ابو الاعور

بِهِ وَلٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللّٰهُ
بآن ولكن آنچه قصد كنند دلهاى شما وهست خداى تعالى

غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِينَ
آمرزنده مهربان پيغمبر سزاوارتر است بگرويدگان

مِنْ اَنفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهُ اُمَّهٰتُهُمْ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ
از نفسهاى ايشان وزنان او مادران مومنانند وخويشاوندان

بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِي كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
برخى از ايشان سزاوارترند برخى در لوح محفوظ از گرويدگان

وَالْمُهٰجِرِينَ اِلَّا اَن تَفْعَلُوا اِلٰى اَوْلِيَائِكُم
واز مهاجران مگر آنكه بكنيد با دوستان خود

مَّعْرُوفًا كَانَ ذٰلِكَ فِي الْكِتٰبِ مَسْطُورًا ۝
نيكوئى هست اين در لوح محفوظ نوشته شده

وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثٰقَهُمْ وَمِنكَ
وآنگاه كه گرفتيم از پيغمبران ميثاق ايشان واز تو

وَمِن نُّوحٍ وَاِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى وَعِيسَى
واز نوح ع وابراهيم ع وموسى ع وعيسى ع

ابْنِ مَرْيَمَ وَاَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثٰقًا غَلِيظًا ۝
پسر مريم وگرفتيم از پيغمبران پيمانى محكم

لِّيَسْئَلَ الصّٰدِقِينَ عَن صِدْقِهِمْ وَاَعَدَّ لِلْكٰفِرِينَ
تا سوال كند راست گويان از راستى ايشان وآماده كرده است مر كافران را

عَذَابًا اَلِيمًا ۝ يٰاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اذْكُرُوا
عذابى دردناك اى گروه مومنان ياد كنيد

نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَاَرْسَلْنَا
نعمت خداى را بر شما چون آمد بشما لشكرها پس فرستاديم

عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللّٰهُ
بر ايشان بادى ولشكر نديد آن را وهست خداى تعالى

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝ اِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ
بآنچه ميكنيد بينا ياد كنيد آنگاه كه آمدند بشما از زبر شما

نمود و نزد او زن خود
رسالت پناه صلى الله
عليه وآله وصحبه وسلم
استغفار كرد و توبه
به بانك روز فضا
ع

ومن اسفل

ومن اسفل منكم واذ زاغت الابصار
و از زیر شما و چون بگشت دیدها
وبلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله
و در رسید دلها بحنجرها و گمان بردید بخدا تعالی
الظنونا ۝ هنالك ابتلي المؤمنون وزلزلوا
گمانها اینجا آزموده شدند مومنان و جنبانیده شدند
زلزالا شديدا ۝ واذ يقول المنافقون و
جنبانیدنی سخت و چون گفتند منافقان و
الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله و
آنانکه در دلهای ایشان بیماریست آنچه وعده داده ما را خدا تعالی و
رسوله الا غرورا ۝ واذ قالت طائفة
رسول او مگر فریب و از آنکه گفتند گروهی
منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا و
از ایشان ای اهل یثرب نیست جای بودن شما پس باز گردید و
يستاذن فريق منهم النبي يقولون ان
دستوری طلبند گروهی از ایشان پیغمبر را میگویند بدرستیکه
بيوتنا عورة وما هي بعورة ان يريدون
خانهای ما خالی اند و نیست آن خالی نمیخواهند
الا فرارا ۝ ولو دخلت عليهم من اقطارها
مگر گریختن و اگر در آینده شوند بر منافقان از جوانب آن
ثم سئلوا الفتنة لاتوها وما تلبثوا بها الا
پس طلب کنند فتنه را هر آینه دهند آن و درنگ نکنند در آن مگر
يسيرا ۝ ولقد كانوا عاهدوا الله من قبل
اندکی و بدرستیکه بودند عهد کردند با خدا تعالی از پیش
لا يولون الادبار وكان عهد الله مسئولا ۝
بنگردانند پشت و هست عهد خدا تعالی پرسیده خواهد شد
قل لن ينفعكم الفرار ان فررتم من الموت
بگو سود ندارد شما را گریختن اگر گریزید از مرگ

أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ مَنْ
یا از کشتن و آنهنگام برخوردار کرده نشوید مگر اندکی بگو کیست
ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا
آنکه نگاه دارد شما را از خدای تعالی اگر خواهد بشما بدی
أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ
یا اگر خواهد بشما بخشش و نمی یابند برای خویش از جز خدای تعالی
وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ
دوستی و نه یاری بدرستیکه میداند خدای تعالی بازدارندگان را
مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا
از شما و گویندگان مر برادران خود را بیایید بسوی ما و نمی
يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا
آیند منافقان بکارزار مگر اندکی در حالتیکه بخیلانند برشما پس چون
جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ
بیاید ترس دشمنان بینی ایشان را که می نگرند بسوی تو میگردد
أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ
چشمهای ایشان مانند کسیکه پوشیده باشند بر وی از مرگ پس چون برود
الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً
ترس برنجانند شما را بزبانهای تیز در حالتیکه بخیلند
عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ
بر غنیمت آن گروه نگرویده اند پس باطل کرد خدای تعالی کردارهای ایشان
وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ يَحْسَبُونَ
و هست این بر خدای تعالی آسان می پندارند
الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ
آن گروهها که باز نگشته اند و اگر بیایند لشکرها
يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ
دوست میدارند و تمنا میکنند آنکه ایشان صحرانشینان باشند در بادیه می پرسند از
أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ۝
خبرهای شما و اگر باشند در شما کارزار نمیکنند مگر اندکی

لقد كان

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّٰهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

بدرستیکه هست مرشما در افعال پیغمبر خدای اقتدای پسندیده

لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَذَكَرَ اللّٰهَ

مر کسی را که هست امیدوار ثواب خدا و روز آخر و یاد کرد خدا را

كَثِيرًا ۝ وَلَمَّا رَاَ الْمُؤْمِنُونَ الْاَحْزَابَ قَالُوا

بسیار و چون دیدند مومنان لشکر کفار گفتند

هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ

اینست آنچه وعده کرد خدا تعالی و رسول او و راست گفت

اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ اِلَّا اِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

خدا تعالی و رسول او و نیفزود ایشانرا مگر ایمان و اسلام

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا

از گرویدگان مردانند راست کردند آنچه عهد کرده بودند

اللّٰهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضٰى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ

با خدا تعالی برآن پس از ایشان کسی هست بگذارد نذر خود و از ایشان

مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ۝ لِيَجْزِيَ اللّٰهُ

کسی هست که انتظار برد و تغیر نداوند عهد را تغیر دادنی تا جزا دهد خدا تعالی

الصّٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنٰفِقِينَ

راست گویان براستی ایشان و عذاب کند منافقانرا

اِنْ شَاءَ اَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا

اگر خواهد یا باز گردد بر ایشان بدرستیکه خدا تعالی هست آمرزنده

رَحِيمًا ۝ وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا

مهربان و باز گردانید خدا تعالی آنانراکه کافر شدند بخشم ایشان نیافتند

خَيْرًا وَكَفَى اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللّٰهُ

غنیمتی و کفایة کرد خدا تعالی مومنانرا جنگ کردن و هست خدا تعالی

قَوِيًّا عَزِيزًا ۝ وَاَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ

توانا غالب و فرود آورد آنانراکه هم پشت شدند ایشانرا

مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي

از اهل توریة از قلعهای ایشان و انداخت در

ع

دلهای ایشان ... برآن ... دادند ... بدرستیکه ... زمین ... از زمین ودرط

بچون نزدیک مقالات بنو [illegible] واجابه وسلم از صلی الله علیه وآله وصحبه و گفت بروم و آن حضرت [illegible] بسلامت بیرون

قلوبهم الرعب فريقا تقتلون وتأسرون
دل ایشان ترس گروهی کشتید و برده میکردید
فريقا ۝ واورثكم ارضهم وديارهم و
گروهی و میراث داد شمارا از زمین ایشان و سراهای ایشان و
اموالهم وارضا لم تطؤها وكان الله على
مال ایشان و زمینی که فراگرفته اید در ان و هست خدا تعالی بر
كل شيء قديرا ۝ يا ايها النبي قل لازواجك
هر چیز توانا ای پیغمبر بگو مر زنان تو را
ان كنتن تردن الحيوة الدنيا وزينتها
اگر هستید شما که خواهید زندگانی دنیا و آرایش آنرا
فتعالين امتعكن واسرحكن سراحا
پس بیایید بهره مند کنم شما را و رها کنم شما را رها کردنی
جميلا ۝ وان كنتن تردن الله ورسوله
نیک و اگر هستید که میخواهید خدا تعالی و رسول او
والدار الاخرة فان الله اعد للمحسنات منكن
و سرای آخرت پس بدرستیکه خدا تعالی آماده کرده است مر زنان نیکوکار از شما
اجرا عظيما ۝ ينساء النبي من يأت منكن
مزدی بزرگ ای زنان پیغمبر هرکسی که بیاید از شما
بفاحشة مبينة يضعف لها العذاب
بکار ناپسند هویدا دوتا کرده شود مر او را عذاب
ضعفين وكان ذلك على الله يسيرا ۝
دو برابر و هست این بر خدا تعالی آسان
ومن يقنت منكن لله ورسوله وتعمل
و هر که فرمان برد از شما بر طاعت خدا تعالی و رسول او و بکند
صالحا نؤتها اجرها مرتين واعتدنا لها
شایسته بدهیم او را اجرها دو بار و آماده کرده ایم برای آن
رزقا كريما ۝ ينساء النبي لستن كاحد من
روزی نیکو ای زنان پیغمبر نیستید شما مانند یکی از

ع

الجزء الثاني والعشرون

حضرت رسالت علیه وآله وصحبه وسلم [illegible] سید جعفر بن [illegible] علیه السلام [illegible] زینب [illegible] و رود [illegible]

النساء ان اتقيتن فلا تخضعن بالقول
زنان اگر بترسید پس نرمی نکنید در سخن گفتن

فيطمع الذي في قلبه مرض وقلن قولا
پس طمع کند آنکه در دل او بیماریست و گویند سخنی

معروفا ۝ وقرن في بيوتكن ولا تبرجن
نیکو و آرام گیرید در خانهای خویش و اظهار پیرایه مکنید

تبرج الجاهلية الاولى واقمن الصلوة و
چون اظهار زنان در جاهلیة اول و بپای دارید نماز را و

اتين الزكوة واطعن الله ورسوله انما يريد
بدهید زکوة و فرمان برید خدا را و رسول او جز این نیست که میخواهد

الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و
خداتعالی تا برد از شما گناهان ای اهل بیت و

يطهركم تطهيرا ۝ واذكرن ما يتلى في
پاک گرداند شما را پاک گردانیدنی و یاد گیرید آنچه خوانده شود در

بيوتكن من ايت الله والحكمة ان الله
خانهای شما از آیات کلام الله و حکمت بدرستیکه خدا تعالی

كان لطيفا خبيرا ۝ ان المسلمين والمسلمت
هست نیکوکار دانا بدرستیکه مردان و زنان مسلمه

والمؤمنين والمؤمنت والقنتين والقنتت
و مردان و زنان مومنه و فرمان بردار از مردان و زنان

والصدقين والصدقت والصبرين و
و راست گویان از ذکور و اناث و صبر کنندگان

الصبرت والخشعين والخشعت والمتصدقين
از هر دو فریق و تواضع کنندگان مردان و زنان و صدقه دهندگان

والمتصدقت والصئمين والصئمت و
از هر دو گروه و روزه داران از رجال و نسا و

الحفظين فروجهم والحفظت والذكرين
نگاه دارنده فرجهای خود را از مردان و زنان و مردان ذکر کننده

ع

اللّٰه كثيرا والذّاكرٰت اعدّ اللّٰه لهم

خدا را بسیار وزنان ذکر کننده آماده کرده خدا تعالی مر ایشان را

مّغفرةً واجرا عظيما ۝ وما كان لمؤمنٍ

آمرزشی ومزدی بزرگ ونباشد مردی گرویده را

ولا مؤمنةٍ اذا قضى اللّٰه ورسوله امرا

ونه زن گرویده چون حکم کرد خدا تعالی ورسول او کاری را

ان يّكون لهم الخيرة من امرهم ومن يّعص

آنکه باشد مر ایشان را اختیار در امر خود از امر خدا ورسول او وهرکه نافرمانی کند

اللّٰه ورسوله فقد ضلّ ضللا مّبينا ۝

خدا ورسول را پس بدرستی که گمراه شود گمراهی هویدا

واذ تقول للّذى انعم اللّٰه عليه وانعمت

وچون گفتی مر آنکسی را که انعام کرده است خدا تعالی بر او وانعام کرده

عليه امسك عليك زوجك واتّق اللّٰه و

برو نگهدار برای خود زن خود را وبترس از خدا تعالی و

تخفى فى نفسك ما اللّٰه مبديه وتخشى

پنهان در نفس خود آنچه خدا تعالی ظاهر کننده وی ترسی

النّاس واللّٰه احقّ ان تخشىه فلمّا قضى زيد

از سرزنش مردم وخدا تعالی سزاوارتر است آنکه باید ترسید از او پس چون برسید زید

مّنها وطرا زوّجنٰكها لكى لا يكون على المؤمنين

از زینب بحاجتیکه داشت ما او را شوهر دادیم تا نباشد بر مومنان

حرج فى ازواج ادعيائهم اذا قضوا منهنّ

تنگی در خواستن زنان پسر خواندگان خود را چون برسند از ایشان

وطرا وكان امر اللّٰه مفعولا ۝ ما كان على

مراد خود وهست امر خدا تعالی بودنی نیست بر

النّبىّ من حرج فيما فرض اللّٰه له سنّة اللّٰه فى

پیغمبر هیچ ورزی در آنچه تقدیر کرده است خدا تعالی برای پیغمبر ص بگه سنت نهاده خدا

الّذين خلوا من قبل وكان امر اللّٰه قدرا

آنانکه گذشتند از پیش وهست امر خدا تعالی حکمی

بگو گرفت بخشد او را دو حورت صلی الله علیه وآله وسلم و فرمود ای فاطمه رضی الله عنها علی کرم الله وجهه هر دو فرزند را بخوان تا بایشان [illegible] با ایشان [illegible] حضرت صلی الله علیه [illegible] داده و [illegible]

مقدورا

مقدورا ○ الذين يبلغون رسلت الله
گزارده شده آنکه ایشان میرسانند پیغامهای خدا تعالی

ويخشونه ولا يخشون احدا الا الله وكفى
و میترسند از او و نمیترسند کسی مگر خدا تعالی و بسنده است

بالله حسيبا ○ ما كان محمد ابا احد من
خدا تعالی شمار کننده نیست حضرت محمد ص پدر کسی از

رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين
مردان شما ولیکن فرستاده خدا است و مهر پیغمبران

وكان الله بكل شيء عليما ○ يايها الذين
و هست خدا تعالی بهر چیز دانا ای گروه

امنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا ○ و
مومنان یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار و

سبحوه بكرة واصيلا ○ هو الذي يصلي
تسبیح گویید او را بامداد و شبانگاه اوست آنکه درود میفرستد

عليكم وملئكته ليخرجكم من الظلمت
بر شما و فرشتگان او تا بیرون آرد شما را از تاریکیها

الى النور وكان بالمؤمنين رحيما ○ تحيتهم
بسوی روشنی و هست خدا تعالی گرویدگان مهربان تحیت مومنان

يوم يلقونه سلم واعد لهم اجرا كريما ○
روزی که ببینند عزرائیل سلامتی و آماده ساخته است برای مومنان مزدی بزرگ

يايها النبي انا ارسلنك شاهدا ومبشرا و
ای پیغمبر ص بدرستیکه ما فرستادیم ترا گواه و مژده دهنده و

نذيرا ○ وداعيا الى الله باذنه وسراجا
بیم کننده و خواننده بپرستش خدا تعالی بفرمان او و چراغی

منيرا ○ وبشر المؤمنين بان لهم من الله
روشن و مژده ده مومنان را بآنکه مراتب زینت از خدا تعالی

فضلا كبيرا ○ ولا تطع الكفرين والمنفقين
بخششی بزرگ و فرمان مبر کافران را و منافقان را

ع

وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ وَكَفَى بِاللّٰهِ
و بگذار رنج ایشان و توکل کن بر خدا تعالی و بسنده است خدا تعالی
وَكِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ
کارساز ای گروه مومنان چون بخواهید زنان گرویده پس
طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ
رها کنید ایشانرا پیش از آنکه مس کنید ایشانرا پس نیست مر شما
عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَ
بر ایشان که شمارید ایام آنرا پس متعه دهید ایشانرا و
سَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا
رها کنید ایشانرا گذاشتنی نیکو ای پیغمبر بدرستیکه ما
أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ
حلال کردیم برای تو زنان تو آنکه دادی تو مهرهای ایشان
وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللّٰهُ عَلَيْكَ وَ
و آن کنیزکانی که مالک شده آنرا دست تو از آنچه بازگردانیده است خدا تعالی بر تو و
بَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَ
دختران عم ترا و دختران عمهای تو دختران خال ترا و
بَنَاتِ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً
دختران خالهای تو آنها که هجرت کردند با تو و زن مومنه
إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ
اگر ببخشد نفسهای خود را مر پیغمبر اگر خواهد پیغمبر که
يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
در نکاح آرد او خالص کرد مر ترا از جز مومنان
قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا
بدرستیکه دانستیم ما آنچه فرض کرده ایم بر ایشان در زنان ایشان و در
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَ
مملوکات داشتن ایشان تا نباشد بر تو تنگی و
كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَ
هست خدا تعالی آمرزنده مهربان باز پس داری هرکرا خواهی از ایشان و

ابو بود که
نقض خداوند تعالی
فرمود بر کسی که
خدای فرستادن
او را و منع کند
پیغمبر او را و فرضت
عوض و دارند
یا رسول شما صلوات
علیه و آله و صحابه و سلم
است برای زن
سعادت نصیبی است
بدرجه
و دارند
از
نیست

تُوِی

وتؤوي اليك من تشاء ومن ابتغيت ممن
وجای دهی بسوی خود هرکرا خواهی وهرکرا خواهی باز طلبی از انها که
عزلت فلا جناح عليك ذلك ادنى ان
ازجا کرده از ایشان پس نیست گناهی بر تو این نزدیکتر است بانکه
تقر اعينهن ولا يحزن ويرضين بما
روشن شود چشمهای ایشان واندوهناک نشوند وخشنود باشند بانچه
اتيتهن كلهن والله يعلم ما في قلوبكم
دهی ایشان را همه وخدا تعالی میداند آنچه در دلها شماست
وكان الله عليما حليما ۝ لا يحل لك النساء من
وهست خدا تعالی دانا بردبار حلال نیست مر ترا زنان از
بعد ولا ان تبدل بهن من ازواج ولو
پس این وحلال نیست آنکه بدل کنی بایشان از زنان دیگر واگر چه
اعجبك حسنهن الا ما ملكت يمينك وكان
بشگفت آورد ترا استغنا از شما مگر آنچه مالک آن شود دست تو وهست
الله على كل شيء رقيبا ۝ يا ايها الذين امنوا
خدا تعالی بر هر چیز نگهبان ای گروه مومنان
لا تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم
درمیایید درخانهٔ پیغمبر مگر آنکه دستوری داده شود شما
الى طعام غير نظرين انه ولكن اذا دعيتم
بخوردن طعام که غیر منتظر باشید ولیکن چون خوانده شوید
فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا ولا مستانسين
پس در آیید پس چون طعام خوردید پس پراکنده شوید و منشینید آرام گرفته کان
لحديث ان ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي
برای حدیث یکدیگر بدرستیکه این هست میرنجانید پیغمبر را پس شرم دارد
منكم والله لا يستحيي من الحق واذا سالتموهن
از شما وخدا تعالی شرم نمیدارد از گفتن راست وچون خواهید از زنان پیغمبر
متاعا فسئلوهن من وراء حجاب ذلكم اطهر
رختی پس بخواهید از ایشان از پس پرده این پاکیزه تر است

این آیت ایذا نازل گشت میشد و در بیت النبی [illegible] خاطر [illegible] [illegible] حکایت

لقلوبكم وقلوبهن وما كان لكم ان تؤذوا
مر دلهای شمارا و دلهای ایشان و نشاید مر شمارا که برنجانید
رسول الله ولا ان تنكحوا ازواجه من
فرستادهٔ خدای را و نه آنکه نکاح کنید زنان اورا از
بعده ابدا ان ذلكم كان عند الله عظيما
پس او هرگز بدرستیکه این هست نزد خدای تعالی بزرگ
ان تبدوا شيئا او تخفوه فان الله كان
اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس بدرستیکه خدای تعالی هست
بكل شيء عليما ۝ لا جناح عليهن في ابائهن
بهر چیز دانا نیست گناه بر ایشان در [illegible] پدران ایشان
ولا ابنائهن ولا اخوانهن ولا ابناء اخوانهن
ونه پسران خویش ونه برادران خویش ونه پسران برادران خویش
ولا ابناء اخواتهن ولا نسائهن ولا ما ملكت
ونه پسران خواهران خویش ونه زنان ایشان ونه آنچه مالک
ايمانهن واتقين الله ان الله كان على كل
دستهای ایشان وبترسید از خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی هست بر هر
شيء شهيدا ۝ ان الله وملائكته يصلون
چیز گواه بدرستیکه خدای تعالی وفرشتگان او درود میفرستند
على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه
بر پیغمبر ص ای گروه مومنان صلوة گوئید بروی
وسلموا تسليما ۝ ان الذين يؤذون الله
وسلام سلام گفتنی بدرستیکه آنانکه میرنجانند خدای را
ورسوله لعنهم الله في الدنيا والاخرة
ورسول اورا دور کرد ایشانرا خدای تعالی در دنیا و آخرة
واعد لهم عذابا مهينا ۝ والذين يؤذون
وآماده کرده است برای ایشان عذابی خوارکننده وآنانکه میرنجانند
المؤمنين والمؤمنات بغير ما اكتسبوا
مومنان را وزنان مومنه بجز آنچه کسب کرده اند

ربع

[illegible]

فقد

فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ۝ يَا أَيُّهَا
پس بر اینکه برداشتند بر گردن خود دروغی بزرگ و گناهی هویدا ای
النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
پیغمبر بگو مرزنان خود را و دختران خود را و زنان مومنان
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ
دو کذارند بر رویهای خود از چادرها این نزدیکترست
أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
آنکه شناخته شوند پس ایذا کرده نشوند و هست خدا تعالی آمرزنده
رَّحِيمًا ۝ لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ
مهربان اگر نه باز ایستند منافقان و آنانکه
فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
در دلهای ایشان بیماریست و آنانکه خبرهای بد افکنند در مدینه
لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا
هر اینه بر گماریم ترا بایشان پس همسایگی نکنند با تو در مدینه مگر اندکی
مَّلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا
رانده شدگان شدند هر جا که یافته شوند گرفته شوند و کشته شدند کشتنی
سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن
سنت نهاده خدا تعالی در آنانکه گذشته اند پیش از ایشان و نیابی
تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ يَسْأَلُكَ النَّاسُ
مر سنت خدا را تغیر دادنی میپرسند ترا مردمان
عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللَّهِ وَمَا
از رستخیز بگو جز این نیست که دانستن آن نزد خداست و چه چیز
يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ۝ إِنَّ
دانا کرد ترا شاید که آمدن قیامت باشد نزدیک هر آینه
اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ۝ خَالِدِينَ
خدا تعالی براند نا گرویدگان را و آماده کرد برای ایشان عذاب افروخته جاوید مند
فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ
در آن همیشه نیابند دوستی و نه یاری روزیکه

ع
ازان منافقان
علی رغم ...
دیگر ...
...
...
...
ورد روحی ... احبابه
ولکم ...
زنان ... ...
...

تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا
گردانیده شود رویهای ایشان در آتش میگویند ای کاشکی
أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا
فرمان بردیم خدایتعالی را و فرمان بردیم رسول را و گفتند ای پروردگار ما بدرستیکه ما
أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا
فرمان بردیم مهتران خود را و بزرگان پس گم کردند راه ما را
رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ
ای پروردگار ما بده ایشانرا دو برابر از عذاب و دور از ایشانرا
لَعْنًا كَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا
راندنی بزرگ ای گروه مومنان مباشید
كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا
مانند آنانکه رنجانیدند موسی را پس پاک گردانید او را خدایتعالی از انچه گفتند
وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
و بود نزد خدایتعالی قربت ای گروه مومنان
اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ
بترسید از خدایتعالی و بگوئید سخن راست تا اصلاح آرد
لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ
برای شما کردارهای شما و بیامرزد شما را گناهان شما و هر که فرمان برداری کند
اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝
خدا را و رسول او پس بدرستیکه بخیر و فیروزی بزرگ
إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
بدرستیکه ما عرض کردیم امانت را بر آسمانها و زمین
وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا
و کوهها پس سر باز زدند آنکه بردارند امانت را و ترسیدند از ان
وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝
و برداشت آنرا آدمی بدرستیکه او بود ستمکار نادان
لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ
تا عذاب کند خدایتعالی مردان و زنان منافق و مردکان مشرک

ع

والمشركت

وَالْمُشْرِكٰتِ وَيَتُوبَ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ
وزنان مشرکه وباز گردد خدا تعالی برمردان مومن و

الْمُؤْمِنٰتِ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝
زنان مومنه وهست خدا تعالی آمرزنده مهربان

## سورة السبا مكية وهي اربع وخمسون

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خدای بخشنده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي
ستایش مرخدایراست آنکه مراوراست آنچه در آسمانها وآنچه در

الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْاٰخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ
زمین است ومراوراست ستایش در آخرت واوست محکم کار

الْخَبِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ
دانا میداند آنچه درآید درزمین وآنچه بیرون آید

مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
ازان وآنچه فرود می آید از آسمان وآنچه بالارود درآسمان

وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
واوست مهربان آمرزنده وگفتند آنانکه کافرشدند

لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلٰى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ
که نمی آید بما قیامت بگو آری وپروردگارمن بیاید براشما

عٰلِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي
داننده پوشیدها دور مشود ازعلم او همسنگ ذره در

السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا
آسمانها ونه درزمین ونه خوردتر ازاین ونه

أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتٰبٍ مُبِينٍ ۝ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اٰمَنُوا
بزرگتر مگر در کتاب روشن است تا پاداش دهد آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ أُولٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
وکردند عمل شایسته آن گروه مرایشانراست آمرزش وروزی

ع

تمام سوره ... سفیان بن حرب ... محمد صلی الله علیه وسلم

كريم ۝ والذين سعو في ءايتنا معجزين أولئك

آنگروه که کوشش کنندگان در آیتهای ما عاجز کنندگان ایشان

لهم عذاب من رجز أليم ۝ ويرى الذين

مرایشان را عذابی از سخت ترین دردناک و می بینند آنانکه

أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو

داده شدند علم آنکه فرستاده است بسوی تو از پروردگار تو او است

الحق ويهدي إلى صراط العزيز الحميد ۝ و

راست و راه نماید بسوی راه خداوند غالب و ستوده و

قال الذين كفروا هل ندلكم على رجل ينبئكم

گفتند آنانکه کافر شدند آیا دلالت کنیم شما را بر مردی خبر دهد شما را

إذا مزقتم كل ممزق إنكم لفي خلق جديد ۝

چون پاره کرده شوید هر پاره ساختنی بدرستیکه شما در آفرینش نو

افترى على الله كذبا أم به جنة بل الذين

آیا بر بندد بر خدای تعالی دروغی را یا بوی دیوانگی است بلکه آنانکه

لا يؤمنون بالآخرة في العذاب والضلل

نمی گروند بآخرت در عذاب و در گمراهی

البعيد ۝ أفلم يروا إلى ما بين أيديهم وما

دور است آیا نمی بینند بسوی آنچه پیش ایشانست و آنچه

خلفهم من السماء والأرض إن نشأ نخسف

پس ایشانست از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بریم

بهم الأرض أو نسقط عليهم كسفا من السماء

ایشان را بزمین یا فرو افکنیم بر ایشان قطعه از آسمان

إن في ذلك لآية لكل عبد منيب ۝ و

بدرستیکه در این نشانهاست مر هر بنده رجوع کننده و

لقد ءاتينا داود منا فضلا يجبال أوبي معه

بدرستیکه دادیم داود را از نزد ما زیادتی ای کوهها بازگردانید با داود

والطير وألنا له الحديد أن اعمل سبغت

و مرغان و نرم گردانیدیم مر او را آهن آنکه بکن زرههای تمام

مسکوید محمد پیغمبر بود و خداوند
تعالی بعد از مرگ زنده گرداند
روز [illegible] در بیان
کلمه علم و [illegible]
[illegible] عزیز
منزل [illegible] در
[illegible] خود [illegible]
ای محمد صلی الله علیه و سلم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ولقد آتینا داود

وقدر

وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
واندازه نگهدار در بافتن زره وبکنید عمل شایسته بدرستیکه من بانچه میکنید
بَصِيرٌ ۝ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَ
بینا ام ومر سلیمانرا باد رفتن بامداد آن یکماه و
رَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ
شبانگاه یکماهست وجاری گردانیدیم برای وی چشمهٔ مس گداخته واز
الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ
دیوان کسیکه عمل کند پیش او بفرمان آفریدگار او و
مَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ
هرکه سرکشی کند ازایشان از فرمان ما بچشانیم اورا از عذاب
السَّعِيرِ ۝ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ
آتش میکردند دیوان برای سلیمان ع آنچه میخواستند از غرفها
وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ
وصورتها ومیکردند کاسها مانند حوضها ودیگها برسه پایه نهاده
اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ
عمل خیر کنید ای آل داود برای سپاس داری واندکی از بندگان من
الشَّكُورُ ۝ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ
سپاس بسیار دارنده پس چون قضا کردیم برو مرگ راه نمود ایشانرا
عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ
برمرگ او مگر چوب خواره که از زمین برآید میخورد عصای اورا
فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
پس آنهنگام که بیفتاد سلیمان ع دانستند دیوان آنکه اگر بودندی که دانستندی
الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ۝ لَقَدْ
غیب را درنگ نکردندی در عذاب خوار کننده بدرستیکه
كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ
بود مر اولاد سبا را در مسکنهای ایشان علامتی دو باغ بودند از راست
وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ
وچپ بخورید از روزی پروردگار خود و شکر گوئید مر خدا را

در بیان قصه
داود و سلیمان
علیهما السلام و در بیان
آنکه دیو کار داود
علیهما السلام ...
...
و ... سبا ...
در ... و ... چهار هزار
تصدق کردی و دو
هزار ... عیب ...
... در باب کوید
... و ...
هزار ... در ...
...

بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ۝ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا
شهر پاکیزه است و پروردگار آمرزنده پس روگردانیدند پس فرستادیم
عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ
بر ایشان سیل صعب و بدل دادیم بباغهای ایشان دو باغ
ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ
خداوندان میوهای تلخ و شوره گز و چیزی از درخت کنار
قَلِيلٍ ۝ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي
اندک این پاداش دادیم ایشان را بانکه کفران ورزیدند و آیا پاداش دهیم
إِلَّا الْكَفُورَ ۝ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى
مگر ناسپاس وگردانیدیم میان اهل سبا و میان آن دیهها
الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا
آنکه برکت دادیم در آن دیهها آشکارا و تقدیر کردیم در آن
السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ۝
رفتن مردم را بروید در آن شب و روزها امان یافتگان
فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا
پس گفتند ای پروردگار ما دوری افکن میان سفرهای ما و ستم کردند
أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ
نفسهای خود را پس گردانیدیم اهل سبا را سخنان و پراکنده ساختیم ایشان را همه
مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝
پراکنده ساختنی بدرستیکه در این نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده
وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ
و بدرستیکه راست یافت بر اهل سبا ابلیس گمان خود را پس پیروی کردند او را
إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ
مگر گروهی از مومنان و نبود مر ابلیس بر ایشان
مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ
هیچ حجتی مگر برای آنکه جدا کنیم کسی را که میگرود بآخرة از کسیکه او
مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ قُلِ
از آخرة در گمانست و پروردگار تو بر هر چیز نگاهبانست بگو

ع

ادعوا

ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون
بخوانید آنانرا که گمان بردید از جز خدای تعالی مالک نمیشوند
مثقال ذرة في السموت ولا في الارض وما
همسنگ ذره در آسمانها و نه در زمین و نیست
لهم فيهما من شرك وما له منهم من ظهير
مرانها را در اینها هیچ شرکی و نیست مر خدا را از ایشان هیچ مددکاری
ولا تنفع الشفاعة عنده الا لمن اذن له حتى
و سود نکند شفاعت کسی نزدیک خدای تعالی مگر کسیرا دستوری داد مر او را تا
اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربكم
چون برداشته شود فزع از دلهای ایشان گویند چه چیز گفت آفریدگار شما
قالوا الحق وهو العلي الكبير قل من يرزقكم
گویند سخن راست و اوست برتر بزرگتر بگو که روزی دهد شما را

نصف

من السموت والارض قل الله وانا او اياكم
از آسمانها و زمین بگو خدای تعالی و درستیکه ما یا شما را
لعلى هدى او في ضلل مبين قل لا تسئلون
بر راه راست یا در گمراهی هویدا بگو پرسیده نخواهید شد
عما اجرمنا ولا نسئل عما تعملون قل يجمع
از آنچه میکنیم ما و پرسیده نخواهیم شد از آنچه میکنید بگو جمع کند
بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق وهو الفتاح
میان ما پروردگار ما پس حکم کند میان ما براستی و اوست حکم کننده
العليم قل اروني الذين الحقتم به شركاء
دانا بگو بنمائید آنانرا که پیوسته اید بخدای تعالی انبازان
كلا بل هو الله العزيز الحكيم وما ارسلنك
نه چنانکه اوست خدای غالب و حکم کننده و نفرستادیم ترا
الا كافة للناس بشيرا ونذيرا ولكن
مگر همه مر مردمانرا مژده دهنده و بیم کننده ولیکن
اكثر الناس لا يعلمون ويقولون متى هذا
بیشتر مردمان نمیدانند و میگویند که باشد این

الوعد ان كنتم صدقين ۝ قل لكم ميعاد

وعده اگر هستید راست گویان گو مر شمارا وعده

يوم لا تستأخرون عنه ساعة ولا تستقدمون

روز آنست باز پس نیایید ازو ساعتی ونه پیش گیرید

وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا

وگفتند آنانکه کافر شدند ایمان نیاریم باین

ع

القرءان ولا بالذي بين يديه ولو ترى

قرآن ونه با آنکه پیش ازو واگر ببینی

اذ الظلمون موقوفون عند ربهم يرجع

چون ستمکاران ایستاده کان نزد پروردگار ایشان باز میگرداند

بعضهم الى بعض القول يقول الذين

برخی از ایشان بسوی برخی سخن را گویند آنانکه

استضعفوا للذين استكبروا لولا انتم

زبون کردگان بودند مر آنانرا که سرکشی کردند اگر نه شما

لكنا مؤمنين ۝ قال الذين استكبروا

هر آینه ما بودیم گرویدگان گویند آنانکه سرکشی کردند

للذين استضعفوا انحن صددنكم عن

مر آنانرا که زبون کردگان بودند آیا ما بازداشتیم شمارا از

الهدى بعد اذ جاءكم بل كنتم مجرمين ۝

ایمان بعد از انکه آمد شما بلکه بودید شما گناهکاران

وقال الذين استضعفوا للذين استكبروا

وگفتند آنانکه ضعیف بودند مر آنانرا که سرکشیدند

بل مكر اليل والنهار اذ تأمروننا ان نكفر

بلکه مکر شما در شب و روز چون میفرمودید مارا بانکه کافر شویم

بالله ونجعل له اندادا واسروا الندامة

بخدای تعالی وکنیم مر اورا همتایان و پنهان کنند پشیمانی خود را

لما راوا العذاب وجعلنا الاغلل في اعناق

آنهنگام که ببینند عذاب را وکنیم غلها در گردنهای

الذين

الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا
آنانکه کافر شدند آیا جزا داده شوند مگر آنچه باشند
يعملون ۝ وما ارسلنا في قرية من نذير
که میکردند و نفرستادیم ما در دیهی ایچ بیم کننده
الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كفرون
مگر گفتند متنعمان آن بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شده اید بدان ناگروندگان
وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن
و گفتند که ما بیشتریم از مال و اولاد و نیستیم ما
بمعذبين ۝ قل ان ربي يبسط الرزق لمن
عذاب کرده شدگان بگو بدرستیکه پروردگار من کشاده گرداند روزی را برای هرکه
يشاء ويقدر ولكن اكثر الناس لا يعلمون
خواهد و تنگ گرداند ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند
وما اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم
و نیست مالهای شما و نه اولاد شما آن خصلتی که نزدیک گرداند شمارا
عندنا زلفى الا من امن وعمل صالحا
نزدیک ما نزدیک گردانیدنی مگر آنکه بگرود و کند عمل شایسته
فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم
پس آن گروه مر ایشانراست جزای دوتو بسبب آنکه کردند و ایشان
في الغرفت امنون ۝ والذين يسعون في
در غرفات جنة ایمنند و آنانکه میشتابند در
ايتنا معجزين اولئك في العذاب محضرون
آیتهای ما که گمان برند عاجز کنند آن گروه در عذاب حاضر آورده شدگانند
قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء من عباده
بگو بدرستیکه پروردگار من کشاده گرداند روزی را برای هرکه خواهد از بندگان خود
ويقدر له وما انفقتم من شيء فهو يخلفه
و تنگ میسازد برای هرکه خواهد و آنچه نفقه کنید از چیزی پس خدا عوض دهد
وهو خير الرزقين ۝ ويوم يحشرهم جميعا
و او بهترین روزی دهندگانست و روزیکه جمع کنیم ایشانرا همه

ع

ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلٰٓئِكَةِ أَهٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا
پس گوید خدای تعالی مر فرشتگان را آیا این گروه مر شما را بودند
يَعْبُدُونَ قَالُوا سُبْحٰنَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ
که می پرستیدند گویند پاکی تراست توی دوست ما از
دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ
جز ایشان بلکه بودند که می پرستیدند دیوان را بیشتر کفار اوبوی
مُؤْمِنُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ
گرویدگان پس امروز مالک نمیشوند بعضی از شما برای بعضی
نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا
سود را و نه زیان را و گوییم مر آنان را که ستم کردند بچشید
عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝ وَإِذَا
عذاب آتش آنکه بودید که بدان تکذیب میکردید و چون
تُتْلٰى عَلَيْهِمْ آيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوا مَا هٰذَا إِلَّا
خوانده شود بر ایشان آیتهای ما روشن گویند نیست قرآن مگر
رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُكُمْ
مردی میخواهد آنکه بازدارد شما را از آنچه بودند میپرستیدند پدران شما
وَقَالُوا مَا هٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ
و گفتند نیست این کلام مگر دروغی بافته شده و گفتند آنانکه
كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ إِنْ هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَ
کافر شدند مر سخن راست چون آمد بایشان نیست این مگر سحر مبین و
مَآ آتَيْنٰهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَآ أَرْسَلْنَا
نداده ایم ایشان را از کتابهای که همواره بخوانند آنرا و نفرستادیم
إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ۝ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ
بسوی ایشان پیش از تو هیچ بیم کننده و تکذیب کردند آنانکه پیش از
قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَآ آتَيْنٰهُمْ فَكَذَّبُوا
ایشان و نرسیدند کفار مکه ده یک آنچه دادیم ایشانرا پس تکذیب کردند
رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ
پیغمبران مرا پس چگونه بود انکار من بگو جز این نیست که پند دهم شما را بیک چیز

ع

ان تقوموا

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا

که برخیزند برای خدای تعالی دو دو و یک یک پس مشاورت کنید

مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ

نیست این یار شما را هیچ دیوانگی نیست او مگر بیم کننده

لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

مر شما را پیش پیش عذاب سخت

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ

بگو آنچه مطلبیم شما را از مزدی پس آن مر شما راست نیست مزد من

إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ قُلْ

مگر بر خدای تعالی و او بر همه چیز گواه است بگو

إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ قُلْ

بدرستیکه پروردگار من افکند سخن راست دانای پوشیده بگو

جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

آمد راست و نمی آغازند باطل و باز نمی گردانند

قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ

بگو اگر بلغزیدم پس جز این نیست که میلغزم بر نفس خود و اگر

اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

براه راست روم پس بسبب آنست که وحی میفرستد سوی من پروردگار من بدرستیکه او شنوا نزدیک

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ

و اگر ببینی چون ترسان شوند پس نباشد فوت و گرفته شوند از

مَكَانٍ قَرِيبٍ وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ

زمینی نزدیک و گویند گرویدیم بخدای تعالی و از کجا بود مر ایشان را

التَّنَاوُشُ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ وَقَدْ كَفَرُوا

دراگرفتن ایمان از جای دور و بدرستیکه نگرویده اند

بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ

بقرآن از پیش و افکنند کافران پوشیده که سخن را از جای

بَعِيدٍ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ

دور و جدا کرده شد میان ایشان و میان آنچه آرزو می بردند

كما فعل باشياعهم من قبل انهم كانوا في شك
چنانکه کرده شد باهمتایان ایشان ازین پیش بدرستیکه ایشان بودند در گمان

سورة الفاطر مكية — مريب — وهي ... آية
بتهمت کننده

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

الحمد لله فاطر السموت والارض جاعل
ستایش مر خدا راست پدید آرنده آسمانها و زمین فرستنده

الملئكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلث وربٰع
فرشتگان رسولان خداوند بالهاء دو دو و سه سه و چهار چهار

يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء
زیاده میکند در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدایتعالی بر هر چیز

قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا
تواناست آنچه بگشاید خدایتعالی مر مردمان را از بخشایش خود پس نیست

ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده
بازگیرنده مر آنرا و آنچه باز گیرد پس نیست فرستنده مر آنرا از پس گرفتن او

وهو العزيز الحكيم يا ايها الناس اذكروا
و اوست غالب و صواب کار ای مردمان یاد کنید

نعمت الله عليكم هل من خالق غير الله
نعمت خدا را بر شما آیا هست هیچ آفریننده بجز خدایتعالی

يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو
روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست معبودی مگر او

فانى تؤفكون وان يكذبوك فقد كذبت
پس از کجا برگردانیده شوید و اگر دروغ دار ندترا پس بدرستیکه تکذیب کرده شدند

رسل من قبلك والى الله ترجع الامور
فرستادگان پیش از تو و بسوی خدایتعالی بازگردانیده شود کارها

يا ايها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنكم
ای مردمان بدرستیکه وعده خدایتعالی راست است پس باید که بازی ندهد شما را

الحيوة

الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور

زندگانی دنیا و فریفته نکند شما را بخدای تعالی فریبنده

ان الشيطن لكم عدو فاتخذوه عدوا

بدرستیکه دیو مر شما را دشمنی است پس گیرید او را دشمن

انما يدعوا حزبه ليكونوا من اصحب السعير

جز این نیست که میخواند گروه خود را تا باشند از یاران دوزخ

الذين كفروا لهم عذاب شديد والذين

آنانکه کافر شدند مر ایشان راست عذابی سخت و آنانکه

امنوا وعملوا الصلحت لهم مغفرة واجر

گرویدند و کردند عمل شایسته مر ایشان راست آمرزشی و مزدی

كبير افمن زين له سوء عمله فراه حسنا

بزرگ آیا کسیکه آراسته شد برای او زشتی عمل پس دیدن آن نیکوست

فان الله يضل من يشاء ويهدي من يشاء

پس بدرستیکه خدای تعالی گمراه کند هرکرا خواهد و راه نماید هرکرا خواهد

ع

فلا تذهب نفسك عليهم حسرت ان الله

پس باید که هلاک نشود نفس تو بر گمراهی ایشان برای حسرتهای بدرستیکه خدای تعالی

عليم بما يصنعون والله الذي ارسل

داناست بانچه میکنند و خدای تعالی آنکه فرستد

الريح فتثير سحابا فسقنه الى بلد ميت

بادها را پس برانگیخت ابر را پس برانیم ابر را بزمینی مرده

فاحيينا به الارض بعد موتها كذلك النشور

پس زنده گردانیم بان زمین پس از مردگی آن همچنین است زنده کردن

من كان يريد العزة فلله العزة جميعا

هرکه باشد که خواهد ارجمندی پس مر خدا راست ارجمندی همه

اليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصلح

بسوی او بالا میرود سخنان پاک و عملی شایسته

يرفعه والذين يمكرون السيات لهم عذاب

برمیدارد آنرا و آنانکه میکنند بدیها مر ایشان راست عذابی

شديد ومكر أولئك هو يبور ۝ والله
سخت و مکر آن گروه آن کاسد شود و خدا تعالی
خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم جعلكم
آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را
أزواجا وما تحمل من أنثى ولا تضع إلا بعلمه
جفت جفت و بار نگیرد هیچ زن و نزاید مگر در علم خدا تعالی
وما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره إلا في
و زندگانی داده نشود هیچ دراز عمری و کم کرده نشود از عمر معمری مگر در
كتاب إن ذلك على الله يسير ۝ وما يستوي
کتاب بدرستیکه این بر خدا تعالی آسانست و مساوی نیستند
البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه و
دو دریا آن آب شیرین گوارنده آشامیدن او و
هذا ملح أجاج ومن كل تأكلون لحما طريا
این دیگر آب شور تلخ کرده شود و از هر یک می‌خورید گوشت تازه
وتستخرجون حلية تلبسونها وترى الفلك
و بیرون می‌آرید پیرایه از لؤلؤ که می‌پوشید آن را و می‌بینی کشتیها را
فيه مواخر لتبتغوا من فضله ولعلكم
در دریا روندگان تا طلب کنید از بخشش خدا تعالی و شاید که شما
تشكرون ۝ يولج الليل في النهار ويولج
سپاس گویید در می‌آرد شب را در روز و در می‌آرد
النهار في الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري
روز را در شب و رام کرد آفتاب و ماه هر یک می‌رود
لأجل مسمى ذلكم الله ربكم له الملك والذين
تا وقت نام برده شده آن خدا است آفریدگار شما او راست پادشاهی و آنانکه
تدعون من دونه ما يملكون من قطمير
بخوانید ایشان را از جز خدا تعالی مالک نشوند پوست خستهٔ خرما را
إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا
اگر بخوانید ایشان را نشنوند خواندن شما را و اگر بشنوند

ما استجابوا

ما استجابوا لكم ويوم القيمة يكفرون
اجابت نکنند شما را و روز قیامت کافر شوند

بشرككم ولا ينبئك مثل خبير ۝ يايها
بشرک آوردن شما و خبر نکنند هیچ خبر کننده مانند دانا ای

الناس انتم الفقراء الى الله والله هو الغني
مردمان شما محتاجانید بسوی خدایتعالی و خدایتعالی اوست بی نیاز

الحميد ۝ ان يشأ يذهبكم ويأت بخلق
ستوده اگر خواهد ببرد شما را و بیارد آفریدگان

جديد ۝ وما ذلك على الله بعزيز ۝ ولا
نو و نیست این بر خدایتعالی دشوار و بر

تزر وازرة وزر اخرى ۝ وان تدع مثقلة
دارد نفس گناه کننده بار دیگر و اگر بخواند نفسی گران بار

الى حملها لا يحمل منه شيء ولو كان ذا قربى
برداشتن آن بار برداشته نشود از گناه او چیزی و اگرچه باشد خداوند خویشی

انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب و
جز این نیست که تو بیم کنی آنانرا که میترسند از پروردگار خود پوشیده و

اقاموا الصلوة ومن تزكى فانما يتزكى
بپای داشتند نماز را و هرکه پاکیزه بود پس جز این نیست که پاکیزه بود

لنفسه والى الله المصير ۝ وما يستوي
برای نفس خود و بسوی خدایتعالی است بازگشت و نیست برابر

الاعمى والبصير ۝ ولا الظلمت ولا النور ۝ و
نابینا و بینا و نه تاریکیها و نه روشنی و

لا الظل ولا الحرور ۝ وما يستوي الاحياء
نه سایه و نه حرارت و برابر نیستند زندگان

ولا الاموات ان الله يسمع من يشاء وما
و نه مردگان بدرستیکه خدایتعالی شنود هرکرا میخواهد و نیستی

انت بمسمع من في القبور ۝ ان انت الا نذير ۝
تو شنونده آنکه در گورهاست نیستی تو مگر بیم کننده

ثلثه ع

إِنَّا أَرْسَلْنَٰكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۝ وَإِن
بدرستیکه ما فرستادیم ترا براستی مژده دهنده و بیم کننده و نبود
مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۝ وَإِن يُكَذِّبُوكَ
از امم سابقه مگر آنکه گذشته در ان بیم کننده واگر تکذیب کنند ترا
فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُم
پس بدرستیکه تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان آمد ویشان پیغمبرانشان
بِالْبَيِّنَٰتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَٰبِ الْمُنِيرِ ۝ ثُمَّ
بحجتها و بصحیفها و بکتابهای روشن پس
أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝
گرفتیم آنانکه کفر ورزیدند پس چگونه بود انکار من
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا
آیا نمی بینی آنکه خداتعالی فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم
بِهِ ثَمَرَٰتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ
بآن میوها مختلف رنگهای ان و از کوهها راههاست
بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ
سفید و سرخ مختلف رنگهای آن و سیاهها بغایت سیاه
وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَآبِّ وَالْأَنْعَٰمِ مُخْتَلِفٌ
و از مردمان و جنبندگان و چهارپایان گوناگونست
أَلْوَٰنُهُ كَذَٰلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ
رنگهای او مانند این جز این نیست که میترسند از خداتعالی از بندگان او
الْعُلَمَٰٓؤُا إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
دانایان بدرستیکه خداتعالی غالبست آمرزنده بدرستیکه آنانکه
يَتْلُونَ كِتَٰبَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا
میخوانند قرآن و بپای دارند نماز را و نفقه کنند
مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَٰرَةً لَّن
از آنچه روزی دادیم ایشانرا پنهان و آشکارا امید میدارند بازرگانی که
تَبُورَ ۝ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ
کاسد تا تمام کند ایشانرا مزدهای ایشان و زیاده کند ایشانرا از بخشش خود

ع

إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده سپاسدار است و آنچه وحی کردیم بتو

مِنَ الْكِتٰبِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

از کتاب اوست راست موافق مر آنچه پیش از و

إِنَّ اللّٰهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ۝ ثُمَّ أَوْرَثْنَا

بدرستیکه خدا تعالی به بندگان خود دانا و بیناست پس میراث دادیم

الْكِتٰبَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ

قرآن آنانرا که برگزیدیم از بندگان ما پس برخی از ایشان

ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ

ستمکار است برای نفس خود و از ایشان میانه رو و از ایشان پیشی کیرنده است

بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

به نیکویها باحکام قرآن این اوست بخشایش بزرگ

جَنّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ

بوستانهای اقامت در آیند در ان پیرایه بسته شوند در ان از دستوانها

مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ۝ وَ

از زر و از مروارید و پوشش این گروه در بهشت دیباست

قَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ

و گویند سپاس مر خدای راست آنکه برد از ما حزن دوزخ را

إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ۝ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ

بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده سپاسدارنده است آنکه فرود آورد ما را بسرای

الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا

اقامت از بخشش خود نمیرسد ما را در ان رنجی و نه

يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ

رسد ما را در ان ماندگی و آنانکه کافر شدند مر ایشان راست

نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضٰى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ

آتش دوزخ حکم کرده نشود بر ایشان تا بمیرند و تخفیف کرده نشود از ایشان

مِنْ عَذَابِهَا كَذٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ۝ وَهُمْ

از عذاب آن مانند این جزا دهیم هر ناسپاس را و ایشان

و در ... / و در انجیل و در پیغمبران دیگر / حضرت حق سبحانه و تعالی / ... / صلی الله علیه و آله و اصحابه / ... / ... جنات عدن / ... / فاروق اعظم رضی الله / عنه میفرماید که از / حضرت رسالت پناه / صلی الله علیه و آله / و اصحابه ...

يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا
فریاد میکنند دران ای پروردگار ما بیرون آر مارا تا کنیم کارهای نیک
غَيْرَ الَّذِى كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ
جز آنکه بودیم که میکردیم آیا زندگانی ندادیم شمارا آنچه پند گیرد
فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيرُ ۝ فَذُوقُوا
دران هرکه پند گیرد وآمد بشما بیم کننده پس بچشید
فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ عَٰلِمُ غَيْبِ
پس نیست مر ستمکاران را هیچ یاری بدرستیکه خدای تعالی داننده پوشیده
السَّمَٰوٰتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُورِ
آسمانها وزمین است بدرستیکه او داناست بآنچه در سینهاست
هُوَ الَّذِى جَعَلَكُمْ خَلَٰٓئِفَ فِى الْأَرْضِ فَمَن كَفَرَ
اوست آنکه گردانید شمارا خلیفها در زمین پس هرکه ناسپاسی کرد
فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ
پس بر اوست جزاء کفر او ونیفزاید ناگرویدگان را کفران نزد
رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَٰفِرِينَ كُفْرُهُمْ
آفریدگار ایشان مگر دشمنی سخت ونیفزاید ناگرویدگان را کفران
إِلَّا خَسَارًا ۝ قُلْ أَرَءَيْتُمْ شُرَكَآءَكُمُ الَّذِينَ
مگر زیان کاری بگو آیا دیدید انبازان خودرا آنانکه
تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِى مَاذَا خَلَقُوا
میخوانید بجز خدا تعالی نمائید مرا چه چیز آفریدند
مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى السَّمَٰوٰتِ أَمْ ءَاتَيْنَٰهُمْ
از زمین آیا هست ایشانرا انبازی در آفرینش آسمانها یا دادیم ایشانرا
كِتَٰبًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِّنْهُ بَلْ إِن يَعِدُ الظَّٰلِمُونَ
کتابی پس ایشان بر حجتهای روشن از ان بلکه وعده نمیدهند مشرکان
بَعْضُهُم بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ
برخی از ایشان برخی مگر فریب بدرستیکه خدای تعالی نگاه میدارد
السَّمَٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَن تَزُولَا ۝ وَلَئِن زَالَتَآ
آسمانها وزمین برآنکه زایل نشوند واگر زایل شود

ان امسكهما

إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ
نگاه دارد ایشان را هیچ کسی از پس زوال دادن ایشان را بدرستیکه او هست
حَلِيمًا غَفُورًا ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ
بردبار آمرزنده و سوگند خوردند بخدا تعالی سخت سوگندی
لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ
اگر آید بدیشان بیم کننده هر آینه باشند راه یافته تر از
إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ
یکی از امتان پس چون آمد بدیشان بیم کننده زیاده نکرد ایشان را
إِلَّا نُفُورًا ۝ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ
مگر رمیدن گردنکشی در زمین و مکر بدی
وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ
و نگردد مکر بد مگر باهل وی پس انتظار نبرند
إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۝ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ
مگر سنت پیشینیان پس نیابی مر سنت خدای را
تَبْدِيلًا ۝ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۝ أَوَلَمْ
تغیری و نیابی مر سنت خدای را گردشی آیا نمیکنند
يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
سیر در زمین پس ببینند که چگونه بود عاقبت
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
آنانکه پیش از ایشان و بودند سخت تر از ایشان از قوة
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ
و نیست خدای تعالی که عاجز گرداند او را هیچ چیز در آسمانها
وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ۝ وَلَوْ
و نه در زمین بدرستیکه او هست دانا توانا و اگر
يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ
مواخذه کردی خدای تعالی مردمان را بانچه کسب کردند نگذاشتی بر
ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
پشت زمین هیچ جنبنده ولیکن باز پس دارد ایشان را تا وقت

[illegible] ... ایام و جهاد [illegible] ... امام ابو اللیث رحمة الله علیه

مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ
نام برده پس چون بیاید هلاک ایشان پس بدرستیکه خدا تعالی هست به بندگان خود

سورة يس مكية — بَصِيرًا — وهي ثلث وثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

يس ۝ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ
ای سید ما و بحق قرآن حکم کننده بدرستیکه تو از فرستادگان

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ
بر راه راست فرستاده غالب و مهربانست

لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ
تا بیم کنی گروهی را بیم کرده نشدند پدران ایشان پس ایشان بیخبرانند

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
بدرستیکه واجب شد قول بر بیشتر ایشان پس ایشان نمیگروند

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ
بدرستیکه ما کرده ایم در گردنهای ایشان غلها پس آن بر زنخدانهای ایشان

فَهُمْ مُقْمَحُونَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
پس ایشان سر بر هوا ماندگانند و گردانیدیم پیش روی ایشان

سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا
دیواری و از پس ایشان پرده پس پوشانیدیم چشمهای ایشان پس ایشان

يُبْصِرُونَ ۝ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ
نمی بینند و یکسانست بر ایشان که بیم کنی ایشانرا یا نکنی

تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ
بیم ایشانرا نمی گروند ایشان جز این نیست که بیم کنی کسی که پیروی

الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
قرآن کند و بترسد از خدا تعالی پوشیده پس مژده ده با آمرزش

وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا
و مزدگی بزرگ بدرستیکه ما زنده کردانیم مردگانرا و مینویسیم آنچه

گفته اند سبب نزول آن است که قریش از هجرت ایمان آوردند و مقصد آنکه بعد از هجرت و بعضی الفتح آورده ع و ظاهر آنکه بعد از فتح مکه بدایره اسلام در آمده در بیان آیت ۱۱

انا جعلنا في اعناقهم
آورده اند که سبب نزول آن بود که ابوجهل لعین سوگند خورد که اگر محمد را بیند سنگ بر سر مبارک او زند
علیه السلام و اصحابه و سلم در نماز بیند سنگ بر سر مبارک او زند

قدموا

[illegible]

قدموا وآثارهم وكل شيء أحصينه
پس فرستاده اند از اعمال صالحه وطالحه و همه چیزها نگاه داشتیم

في إمام مبين ۝ واضرب لهم مثلا أصحب
در دفتری پیشوا و بیان کن برای ایشان مثلی دیه

القرية إذ جاءها المرسلون ۝ إذ أرسلنا
انطاکیه وقتی که آمد بران فرستادگان چون فرستادیم ما

إليهم اثنين فكذبوهما فعززنا بثالث فقالوا
سوی ایشان دو پیغمبر پس تکذیب کردند ایشان را پس غالب کردانیدیم ایشان را بسوی فرستاده سیوم گفتند

إنا إليكم مرسلون ۝ قالوا ما أنتم إلا
بدرستیکه ما بسوی شما فرستادگانیم گفتند نیستید شما مگر

بشر مثلنا وما أنزل الرحمن من شيء إن
آدمی مانند ما و نفرستاده است خدای تعالی از چیزی نیستید

أنتم إلا تكذبون ۝ قالوا ربنا يعلم إنا إليكم
شما مگر دروغ میگوئید گفتند خدای تعالی میداند بدرستیکه ما بسوی شما

لمرسلون ۝ وما علينا إلا البلغ المبين ۝
فرستادگانیم و نیست بر ما مگر رسانیدن آشکارا

قالوا إنا تطيرنا بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم
گفتند بدرستیکه ما فال بد گرفتیم شما را اگر باز نایستید هر آینه سنگسار کنیم شما را

وليمسنكم منا عذاب أليم ۝ قالوا طائركم
و برسد شما را از ما عذابی دردناک گفتند فال بد شما

معكم أئن ذكرتم بل أنتم قوم مسرفون ۝
با شماست آیا پند داده میشوید بلکه شما گروهی از حد گذشتگان

وجاء من أقصا المدينة رجل يسعى قال
و آمد از دور جای شهر مردی تا بر سد گفت

يقوم اتبعوا المرسلين ۝ اتبعوا من لا يسئلكم
ای گروه من پیروی کنید فرستادگان را پیروی کنید کسیکه نخواهد از شما

أجرا وهم مهتدون ۝ وما لي لا أعبد الذي
مزدی و ایشان راه یافتگانند و چیست مرا نمیپرستم آنکسی را که

[illegible]

فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِ

بوجود آورد و بسوی او باز گردانیده خواهید شد آیا میگیرم بجز خدا

ءَالِهَةً إِن يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِ عَنِّي

خدایان دیگر اگر خواهد مرا خدای تعالی گزندی کفایت نمیکنند از من

شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنقِذُونِ ۝ إِنِّي إِذًا

درخواست ایشان چیزی و نه رهانند مرا بدرستیکه من آنگاه

لَّفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ إِنِّي ءَامَنتُ بِرَبِّكُمْ

در گمراهی آشکارا باشم بدرستیکه من گرویدم پروردگار شما

فَاسْمَعُونِ ۝ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ

پس بشنوید گفته شد در آی در بهشت گفت کاشکی

قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ

قوم من دانستندی بآنکه بیامرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا از

الْمُكْرَمِينَ ۝ وَمَا أَنزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِن

نواختگان و نفرستادیم ما بر قوم حبیب از

بَعْدِهِ مِن جُندٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا

پس قتل او هیچ لشکری از آسمان و نبودیم ما

مُنزِلِينَ ۝ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

فرستنده نبود عقوبت ایشان مگر فریادی یک

فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ۝ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا

پس آنگاه ایشان فرومردگان بودند ای دریغ بر بندگان نیامد

يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

بر ایشان هیچ پیغمبری مگر بودند باو استهزا میکردند

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ

آیا نمی بینند که چند هلاک کردیم پیش از ایشان از اهل روزگار

أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝ وَإِن كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ

آنکه هلاک شدگان بسوی ایشان باز نمیگردند و نیستند همه بهم جمع شدگان

لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ وَءَايَةٌ لَّهُمُ الْأَرْضُ

نزدیک ما حاضر شدگان و نشانه ایست مر کافران را زمین

المیتة

الميتة احيينها واخرجنا منها حبا

مرده زنده کردانیدیم انرا و بیرون آوردیم ازو دانه

فمنه يأكلون ۝ وجعلنا فيها جنت من

پس ازان میخورند و گردانیدیم دران بوستانها از

نخيل واعناب وفجرنا فيها من العيون

خرمابنان و انگور و روان کردیم دران زمین از چشمها

ليأكلوا من ثمره وما عملته ايديهم افلا

تا بخورند از میوه آنچه مذکور شد و آنچه کرده است دستهای ایشان آیا پس نمیکنند

يشكرون ۝ سبحن الذي خلق الازوج

شکر پاکست آنکسی که بیافرید همه صنفها

كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما

نوعها آنچه میرویاند زمین و از نفسهای ایشان و از آنچه

لا يعلمون ۝ واية لهم اليل نسلخ منه

نمیدانند و علامتی دیگر مر ایشانراست شب که جدا میکنیم ازو

النهار فاذا هم مظلمون ۝ والشمس تجري

روزرا پس آنگاه ایشان درآیند در تاریکی و آفتاب میرود

لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم ۝

بقرارگاهی که اوراست این تقدیر غالب و داناست

والقمر قدرنه منازل حتى عاد كالعرجون

و ماه را مقرر کردیم در منازل تا میگردد مانند شاخ کهنه

القديم ۝ لا الشمس ينبغي لها ان تدرك

خشک شده باشد نه آفتاب سزد مراورا آنکه دریابد

القمر ولا اليل سابق النهار وكل في فلك

قمررا و نه شب پیشی گیرنده است بروز و همه در کشتی فلکی

يسبحون ۝ واية لهم انا حملنا ذريتهم في

شنا میکنند و نشانه دیگر مرا ورا آنکه ما برداشتیم فرزندان ایشان در

الفلك المشحون ۝ وخلقنا لهم من مثله ما

کشتی پر از مردم و بیافریدیم برای مردمان از مانند او آنچه

يركبون ۝ وان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم

سواری میکنند بران واگر خواهیم سازیم اهل کشتی را پس هیچ فریادرسی نیست ایشانرا

ولا هم ينقذون ۝ الا رحمة منا ومتاعا الى

و نه ایشان رها کرده شوند مگر بخشایش از ما و برخورداری تا

حين ۝ واذا قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم

آن زمان و چون گفته شود کافران را بترسید از عذابی که پیش از شما گذشت

وما خلفكم لعلكم ترحمون ۝ وما

و آنچه از عقب شما شاید که بر شما بخشند ایشان و نیامد

تأتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها

بایشان هیچ آیتی از آیات پروردگار ایشان مگر باشند ازان

معرضين ۝ واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم

روی گردان و چون گفته شود مر ایشانرا که نفقه کنید از آنچه روزی داد

الله قال الذين كفروا للذين امنوا انطعم

خدا تعالی گویند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که گرویدند آیا طعام دهیم

من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلال

آنرا که اگر خواستی خدا تعالی طعام دادی نیستید شما مگر در گمراهی

مبين ۝ ويقولون متى هذا الوعد ان

هویدا و گویند کی است این موعود شما اگر

كنتم صادقين ۝ ما ينظرون الا صيحة

هستید راست گویان انتظار نمیبرند مگر فریاد

واحدة تأخذهم وهم يخصمون ۝ فلا

یک که میگیرد ایشانرا و ایشان بجدال مشغول باشند پس

يستطيعون توصية ولا الى اهلهم يرجعون

نتوانند وصیت کردن و نه بسوی اهل ایشان بازگردند

ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث

و دمیده در صور پس آنگاه ایشان از گورها بیرون آمده

الى ربهم ينسلون ۝ قالوا يويلنا من بعثنا

بسوی پروردگار خود می شتابند گویند ای وای بر ما که برانگیخت ما را

عاجز اند
اگر شما در و او را دو کس بخوانند
من بخوانی شما بردم
این من برم بالین وی
در آمد نزد و عادر و نز صحت
که من یافته بر این
آورد و او حسین بخیارت
که حبیب بنی گویند
و ننشر صد سال عمل از زنان
حضرت رسالت ماب
صلی الله علیه و آله و صحبه
و اصحابه و سلم بود او داده
ع
و بکیار او بیان
سلام سید العصر
خبر این حال رسول

من مرقدنا

مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ

از گورهای ما کرامت آنچه وعده کرده خدای تعالی و راست گفتند

الْمُرْسَلُونَ ۝ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا

پیغمبران نبود این واقعه مگر یک نعره پس آنگاه

هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ

ایشان همه نزدیک ما حاضر شدگانند پس امروز ستم کرده نشود

نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝

هیچ نفسی و پاداش داده نشود مگر آنچه کرده‌اید

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ۝

بدرستیکه اهل بهشت امروز در کاری باشند شادان

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۝

ایشان و زنان ایشان در سایه‌ها بر تختهای تکیه زدگان باشند

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا

مر ایشانراست در بهشت میوه و مر ایشانراست آنچه خواهند تحیت خطاب

مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ۝ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

از پروردگار مهربان جدا شوید امروز ای مشرکان

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا

آیا عهد نکردم با شما ای فرزندان آدم آنکه مپرستید

الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝ وَأَنِ اعْبُدُونِي

شیطان را بدرستیکه او مر شما را دشمنی است آشکارا و آنکه پرستید مرا

هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ

این راه بهشت راست و بدرستیکه گمراه کرد شیطان از شما

جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَٰذِهِ

خلق بسیار را آیا نبودید شما که تعقل کنید این

جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ

دوزخ است آنکه بودید وعده کرده شدید در آیید بدو امروز

بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ

بسبب آنکه بودید که می‌پوشیدید حق را امروز مهر نهیم بر دهنهای ایشان

وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون
وسخن گويند با ما دستهاى ايشان وگواهى دهند پايهاى ايشان آنچه بودند كسب كردند
ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا الصرط
واگر خواهيم نابيدا كنيم برچشمهاى ايشان پس پيش گيرند راه را
فانى يبصرون ولو نشاء لمسخنهم على مكانتهم
پس چگونه بينند آنرا واگر خواهيم مسخ كنيم ايشانرا برجاى ايشان
فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون ومن
پس نتوانند برفتن از پيش ونگردند باز وآنكس راكه
نعمره ننكسه في الخلق افلا يعقلون وما
زندگانى دراز داديم او را نگونسار كنيم در آفرينش آيا در نيابند و
علمنه الشعر وما ينبغي له ان هو الا ذكر
نياموختيم محمد را شعر ونشايد محمد را شعر گفتن نيست آن مگر پند
وقران مبين لينذر من كان حيا و
وكتابى روشن تا بيم كنند آنكسرا كه زنده است و
يحق القول على الكفرين اولم يروا انا خلقنا
واجب شود كلمهٔ عذاب بر كافران آيا نمى بينند آنرا كه آفريديم
لهم مما عملت ايدينا انعاما فهم لها ملكون
براى ايشان از آنچه كرديم بدست خود چهارپايان پس ايشان مر آنرا ضبط كنندگانند
وذللنها لهم فمنها ركوبهم ومنها ياكلون
ورام كرده ايم انعام براى ايشان پس از ايشان مركوب ايشانست واز انها ميخورند
ولهم فيها منافع ومشارب افلا يشكرون
ومر ايشانراست در چهارپايان سودها وآشاميدنيها آيا شكر نميگويند
واتخذوا من دون الله الهة لعلهم ينصرون
وگرفتند از جز خدا خدايان شايد كه ايشان يارى كرده شوند
لا يستطيعون نصرهم وهم لهم جند محضرون
نتوانند يارى دادن ايشانرا وايشان براى ايشان سپاهى اند حاضر كرده شده
فلا يحزنك قولهم انا نعلم ما يسرون وما
پس بايد كه اندوهگين نكند ترا سخن ايشان بدرستيكه ما ميدانيم آنچه پنهان دارند وآنچه

يعلنون

يعلنون ۝ اولم ير الانسان انا خلقنه من

آشکارا می کنند / آیا نه دید ابی بن خلف / آنکه آفریدیم او را / از

نطفة فاذا هو خصيم مبين ۝ وضرب

آب منی / پس آنگاه او جدال کننده / هویدا / و زد

لنا مثلا ونسي خلقه قال من يحي العظام

برای ما مثلی / و فراموش کرد آفریدن ما او را گفت کیست که زنده کند / استخوان

وهي رميم ۝ قل يحييها الذي انشاها اول

و او ریزه گشته / بگو زنده کند او را کسیکه / بیافرید او را / نخست

مرة وهو بكل خلق عليم ۝ الذي جعل لكم

بار / و او بهمه آفریده داناست / آنخدای که پیدا کرد برای شما

من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون

از درخت سبز / آتش / پس انگاه شما ازو درخت می افروزید

اوليس الذي خلق السموت والارض بقدر

آیا نیست آنکسی که / بیافرید / آسمانها / و زمین / توانا است

على ان يخلق مثلهم بلى وهو الخلق العليم

برآنکه بیافریند مانند ایشان آری / و او آفریننده داناست

انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون

جز این نیست که چون خواهد آفریدن چیزی / آنست که گوید مر او را باش پس باشد

فسبحن الذي بيده ملكوت كل شيء واليه

پس پاکی آنکسی که در دست اوست پادشاهی / همه چیز / و بسوی او

ترجعون

باز گردانیده خواهید شد

## سورة الصافات مكية وهي اثنان وثمانون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

ربع

والصفت صفا ۝ فالزجرت زجرا ۝ فالتليت

و حق فرشتگان صف کشنده صف برکشیدنی پس راننده گان راندنی پس خوانندگان

ذكرا ۝ ان الهكم لواحد ۝ رب السموت

وحی / بدرستیکه خدای شما یکی است / آفریدگار آسمانها

والارض وما بينهما ورب المشارق ۝ انا
و زمین و آنچه میان ایشانست و پروردگار مشارق بدرستیکه ما

زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب ۝
بیاراستیم آسمان دنیا را بزینت ستارگان

وحفظا من كل شيطن مارد ۝ لا يسمعون
و نگاه داشتیم از هر دیوی سرکش نمی شنوند

الى الملا الاعلى ويقذفون من كل جانب
بسوی سخنان گروه بلند و انداخته شوند از هر طرفی

دحورا ولهم عذاب واصب ۝ الا من خطف
رانده و مر ایشانراست عذابی سخت مگر کسیکه دربابد

الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ۝ فاستفتهم
یک ربودن پس از پی او درآید اوراکوکبی روشن پس بپرس از این گروه

اهم اشد خلقا ام من خلقنا انا خلقنهم من
آیا ایشان سخت ترند از آفرینش یا آنکه آفریدیم ما بدرستیکه آفریدیم ایشانرا از

طين لازب ۝ بل عجبت ويسخرون ۝ واذا
گل چسبنده بلکه شگفت داشتی و سخریت کنند و چون

ذكروا لا يذكرون ۝ واذا راوا اية
پند داده شوند یاد نکنند و چون ببینند معجزه

يستسخرون ۝ وقالوا ان هذا الا سحر مبين ۝
سخریه کنند و گویند نیست این مگر جادویی هویدا

ءاذا متنا وكنا ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون
آیا چون بمیریم ما و باشیم ما خاک و استخوان آیا ما برانگیختگان باشیم

او اباؤنا الاولون ۝ قل نعم وانتم داخرون ۝
یا پدران نخستین بگو آری و شما بی مقدار باشید

فانما هي زجرة واحدة فاذا هم ينظرون ۝
پس جز این نیست که آن یک راندن بود پس آنجا ایشان می نگرند

وقالوا يويلنا هذا يوم الدين ۝ هذا يوم
و گویند ای وای بر ما اینست روز پاداش اینست روز

فصل

الفصل

الفصل الذی کنتم به تکذبون ○ احشروا

جدائی که بودید با آن تکذیب میکردید جمع کنید

الذین ظلموا وازواجهم وما کانوا یعبدون

آنانرا که ستم کردند و زنان ایشان و آنچه بودند که پرستش میکردند

من دون الله فاهدوهم الی صراط الجحیم ○

از جز خدای تعالی پس دلالت کنید ایشانرا بسوی راه دوزخ

وقفوهم انهم مسئولون ○ ما لکم لا

و بازدارید ایشانرا بدرستیکه ایشان پرسیدگان خواهند شد چیست شمارا که نمیدهید

تناصرون ○ بل هم الیوم مستسلمون ○ و

یاری بلکه ایشان امروز گردن نها دگانند و

اقبل بعضهم علی بعض یتساءلون ○ قالوا

روی آورند بعضی ایشان بر بعضی از یکدیگر می پرسند گویند

انکم کنتم تأتوننا عن الیمین ○ قالوا بل

بدرستیکه شما بودید که می آمدید از روی نصیحت گویند بلکه

لم تکونوا مؤمنین ○ وما کان لنا علیکم

نبودید گرویدگان و نبود مارا بر شما

من سلطان بل کنتم قوما طاغین ○ فحق

هیچ حجتی بلکه بودید شما گروهی از حد درگذشتگان پس واجب شد

علینا قول ربنا انا لذائقون ○ فاغویناکم

بر ما سخن پروردگار ما بدرستیکه ما چشندگان عذاب پس دعوت کردیم شمارا بگمراهی

انا کنا غاوین ○ فانهم یومئذ فی العذاب

بدرستیکه ما بودیم گمراهان پس بدرستیکه ایشان امروز در عذاب

مشترکون ○ انا کذلک نفعل بالمجرمین ○

انبازان باشند بدرستیکه ما همچنین کردیم بمشرکان

انهم کانوا اذا قیل لهم لا اله الا الله یستکبرون

بدرستیکه ایشان هستند که چون گویند مرایشانرا نیست معبودی مگر خدای تعالی سرکشی نمایند

ویقولون ائنا لتارکوا الهتنا لشاعر مجنون ○

و گویند آیا ما ترک کنندگانیم خدایان برای شاعری مجنون

در جواب هم
تا همین کار میکنند ملک
آنهمه گفت ای شنون
تو نمیدانی که این ...
بمیرند و نمیدانی
شنوند و در هیچ قدرت
نداریم شنون ...
گفت ای جوانان
خدای شما ...
که گفت ... مرده را زنده
میکرد ... شنون گفت
از خدای شما این کار
کنند ... کردیم
...

بَلْ جَآءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ۝ اِنَّكُمْ
بلکه آمد براستی ونصدیق کرد فرستادگان را درستیکم شما

لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْاَلِيمِ ۝ وَمَا تُجْزَوْنَ
چشندگان عذاب دردناک وپاداش داده نخواهید شد

اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِينَ
مگر آنچه هستید عمل کنید مگر بندگان خدا تعالی پاک کرده شدگانند

اُولٰٓئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ ۝ فَوَاكِهُ وَهُمْ
آنگروه مرایشانرا روزی دانسته شده آن میوهاست وایشان

مُكْرَمُونَ ۝ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ عَلٰى سُرُرٍ
نوازشکنند در بوستانهای نعمت بر تختها

مُتَقَابِلِينَ ۝ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ
روبروی یکدیگر دور کرده شود برایشان بجامی از خمر

بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ۝ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ
سفید بالذت مرآشامندگانرا نه دران علتی باشد ونه ایشان

عَنْهَا يُنْزَفُونَ ۝ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ
عقل زایل شود ونزدیک ایشان کنیزکان فرو داشته چشم

كَاَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ۝ فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى
گوییا ایشان بیضهای پوشیده اند پس روآورد برخی از بهشتیان بر

بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ۝ قَالَ قَآئِلٌ مِنْهُمْ اِنِّي
بعضی می پرسیند گوید گوینده از ایشان بدرستیکه من

كَانَ لِي قَرِينٌ ۝ يَقُولُ اَئِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ
بود همنشینی میگفت آیا تو از باور دارندگان

اَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا اَئِنَّا لَمَدِينُونَ
آیا چون بمیریم ما وباشیم خاک واستخوان آیا ما پاداش داده شدگان

قَالَ هَلْ اَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ۝ فَاطَّلَعَ فَرَاٰهُ فِي
گوید آیا شما مطلعید پس فرونگریست او را پس میبیند در

سَوَآءِ الْجَحِيمِ ۝ قَالَ تَاللّٰهِ اِنْ كِدْتَّ لَتُرْدِينِ ۝
میان دوزخ گوید بخدای تحقیق بودی تو که مرا هلاک میکردی

کرمی از زرگ
دی کرده بود با مرده
بجهت روز از زنده
از زید بلکه نافع و مؤمن ایمان
آورد زید و برکی از قصد
نبیمان از مومنان از ادم
حیث بی از ... از کفار
در مقام ... الدیار
از ... و مشغول ...
شد و ... حضرت
قال سبحانه و تعالی ...
... از کار ...
این اس ۱۲

لله لکن

مرکز عنها

ملک یقول

دوه

ولولا نعمة ربي لكنت من المحضرين ۝ أفما

واگر نه بخشش پروردگار من بودی از حاضر شدگان آیا نیستیم

نحن بميتين ۝ إلا موتتنا الأولى وما نحن

ما مردگان مگر مردن نخستین ما در دنیا و نیستیم ما

بمعذبين ۝ إن هذا لهو الفوز العظيم

عذاب کرده شدگان بدرستیکه این اوست رستگاری بزرگ

لمثل هذا فليعمل العاملون ۝ أذلك خير نزلا

از برای مثل این نعمتها باید که عمل کنند عمل کنندگان آیا این بهتر است از پیشکش

أم شجرة الزقوم ۝ إنا جعلناها فتنة للظالمين

یا درخت زقوم بدرستیکه ما گردانیدیم محنت مر ظالمان را

إنها شجرة تخرج في أصل الجحيم ۝ طلعها

بدرستیکه درختی است بیرون آید در قعر دوزخ اثمارهای وی

كأنه رءوس الشياطين ۝ فإنهم لآكلون

گویا میوهای آن سرهای دیوانست پس بدرستیکه ایشان خورانند

منها فمالئون منها البطون ۝ ثم إن لهم

ازان پس پرکننده اند ازان شکمها پس بدرستیکه مر ایشان راست

عليها لشوبا من حميم ۝ ثم إن مرجعهم

بران آمیزشی از آب گرم پس بدرستیکه مرجع ایشان

لإلى الجحيم ۝ إنهم ألفوا آباءهم ضالين ۝ فهم

دوزخست بدرستیکه ایشان یافتند پدران خود را گمراهان پس ایشان

على آثارهم يهرعون ۝ ولقد ضل قبلهم

بر پیهای پدران می شتابند و بدرستیکه گمراه گشتند پیش از ایشان

أكثر الأولين ۝ ولقد أرسلنا فيهم منذرين

بیشتر پیشینیان و بدرستیکه فرستادیم در ایشان بیم کنندگان

فانظر كيف كان عاقبة المنذرين ۝ إلا عباد

پس در نگر چگونه بود آخر کار بیم کرده شدگان مگر بندگان

الله المخلصين ۝ ولقد نادانا نوح فلنعم

خدایتعالی پاک شدگان و بدرستیکه بخواند ما را نوح ع پس نیک

الْمُجِيبُونَ ۝ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ
اجابت کنندگانیم ۝ و نجات دادیم اورا و کسان اورا از اندوه

الْعَظِيمِ ۝ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ۝
بزرگ ۝ و ساختیم آن فرزندان ایشان باقیان

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ
و باقی گذاشتیم بر نوح در پیشینان سلام

نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
نوح در عالمیان ۝ بدرستیکه ما همچنین جزا دهیم نیکوکاران را

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ ثُمَّ أَغْرَقْنَا
بدرستیکه نوح از بندگان گرویدگان ماست پس غرق گردانیدیم

الْآخَرِينَ ۝ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ جَاءَ
دیگران را ۝ و بدرستیکه از پیروان نوح ابراهیم است چون آمد

رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ
پروردگار خود با دل پاک چون گفت مر پدر خود و قوم خود را

مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ
چه چیزست که میپرستید آیا از روی دروغی خدایان را جز خدا

تُرِيدُونَ ۝ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
میخواهید ۝ پس چیست گمان پروردگار عالمیان که شما را عذاب نکند

فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۝ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۝
پس درنگریست نگریستنی در ستارگان پس گفت بدرستیکه من بیمارم

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ۝ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ
پس گشتند از ابراهیم برگردندگان پس پنهان باز گشت بسوی بتان ایشان

فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ۝
پس گفت چرا نمیخورید چیست شما را که سخن نمیگویید

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ۝ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ
پس پنهان درآمد برایشان زدن بدست راست پس روی آوردند بسوی او

يَزِفُّونَ ۝ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۝
شتاب میکردند گفت آیا میپرستید آنچه تراشید

والله

306

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ۝ قَالُوا ابْنُوا

و خدا آفریده شما را و آنچه کنید گفتند بنا کنید

لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۝ فَأَرَادُوا بِهِ

برای سوختن ابراهیم ع بنایی پس افکنید ابراهیم ع را در آتش پس خواستند به ابراهیم ع

كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ۝ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ

مکری پس گردانیدیم ایشان را زیرترین و گفت بدرستیکه من رونده ام

إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ۝ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ

بسوی پروردگار خود زود که راه نماید مرا ای پروردگار من بخش مرا فرزندی از

الصَّالِحِينَ ۝ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ۝

شایستگان پس بشارت دادیم او را به پسری بردبار

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ

پس چون برسید با پسر بموضع سعی گفت ای پسر من بدرستیکه من بینم

فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ

در خواب آنکه من ذبح کنم ترا پس نگر چه چیز می بینی

قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ

گفت ای پدر من بکن آنچه فرموده شدی زود باشد که یابی مرا اگر خواهد خدای

مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۝

از صبر کنندگان پس آنگاه گردن نهادند و بیفکند پسر را به پیشانی

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ۝ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا

و آواز کردیم او را آنکه ای ابراهیم ع بدرستیکه راست کردی خواب خود را

إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ

بدرستیکه ما همچنین جزا دهیم نیکوکاران را بدرستیکه این اوست

الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ۝ وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ۝

آزمایش روشن و فدا دادیم او را کشتنی بزرگ

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ

و باقی داشتیم بر ابراهیم ع در پسینان سلام بر

إِبْرَاهِيمَ ۝ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُ مِنَ

ابراهیم ع همچنین پاداش دهیم نیکوکاران را بدرستیکه او از

فائده

از نکته این آیه بدست در بیان قصه ابراهیم علیه السلام و قبیله و قوم در رود و کرد نزد او و قوم او در او دعوت این کرد و در آن جنون پیشی

ع

و تعالی و ... قوم سخن ابراهیم علیه السلام را شنیده این جواب را دو نزدیک روز عید ما ست و بعضی او ... ابراهیم شده ام و از طعامهای ... برایم و ... نوای ... این

عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ
بندگان ما گرویدگان و مژده دادیم اورا بفرزندی اسحاق
نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَ
پیغمبری از شایستگان و برکت دادیم برابراهیم و
عَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ
بر اسحاق و از فرزندان ایشان نیکوکار است و ستمکار است
لِنَفْسِهِ مُبِينٌ ۝ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ
بر نفس خود آشکارا و بدرستی منت نهادیم بر موسی
وَهَارُونَ ۝ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ
و هارون و نجات دادیم ایشانرا و گروه ایشانرا از
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ
اندوه بزرگ و یاری دادیم ایشانرا پس بودند ایشان
الْغَالِبِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ
غلبه کنندگان و دادیم موسی و هارون را توریت هویدا
وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ وَتَرَكْنَا
و راه نمودیم هر دو را راه راست و باقی گذاشتیم
عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ
بر ایشان در پسینان سلام بر موسی و
هَارُونَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
هارون بدرستیکه ما همچنین جزا دهیم نیکوکارانرا
إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ إِلْيَاسَ
بدرستیکه موسی و هارون از بندگان ما گرویدگان و بدرستیکه الیاس
لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ
از فرستادگانست چون گفت مر گروه خودرا آیا نمی‌ترسید
أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ
آیا میخوانید بت را بخدایی و میگذارید عبادت نیکوترین آفرینندگان را
اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۝ فَكَذَّبُوهُ
خدای تعالی پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشین پس تکذیب کردند اورا

307

فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۝ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝
پس بدرستیکه ایشان حاضر کرده کانند مگر بندگان خدا تعالی پاک کرده شدگان

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ
و باقی گذاشتیم بر الیاس ؏ در پسینان سلام بر

إِلْ يَاسِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝
الیاس ؏ بدرستیکه ما همچنین جزا دهیم نیکوکاران را

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ لُوطًا
بدرستیکه او از بندگان ما گرویدگان و بدرستیکه لوط ؏

لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۝
از فرستاده شده است چون نجات دادیم اورا و اهل بیت اورا همه

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ۝
مگر پیرزنی در بازماندگان پس هلاک ساختیم دیگر انرا

وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ۝ وَبِاللَّيْلِ
و بدرستیکه شما میگذرید بر منازل ایشان در صباح و شب

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝
آیا تعقل نمیکنید و بدرستیکه یونس ؏ از فرستادگانست

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ فَسَاهَمَ فَكَانَ
چون گریخت سوی کشتی که مملو بود پس قرعه زد پس گشت

مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۝ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ
از قرعه برافتادگان پس فرو برد اورا ماهی و او

مُلِيمٌ ۝ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ۝ لَلَبِثَ فِي
ملامت کننده نفس خود پس اگر آنست که یونس بود از تسبیح کنندگان هرآینه درنگ کردی در

بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ
شکم ماهی تا روزیکه برانگیخته شوند پس بیفکندیم اورا بزمین هامون

وَهُوَ سَقِيمٌ ۝ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ۝
و او بیمار بود و برویانیدیم بر زبر سر او درختی از کدو

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ۝
و فرستادیم اورا بسوی صد هزار مردم یا زیاده

روزی دیگر بر و بار دیگر کفتند برای ابراهیم ... بسیار بردم ابراهیم علیه السلام پس بشارت دیر ... و مواضع ... ابن القصه ابراهیم علیه السلام ... ع ... پاره کرد ... چنانچه در سوره ... علیهم السلام ... از عیدگاه ... درآمد ... صورت حال ... که ابراهیم علیه السلام ...

فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ۝ فَاسْتَفْتِهِمْ

پس گرویدند پس برخورداری دادیم ایشانرا تا اجل پس بپرس از بت خزاعه

أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ۝ أَمْ خَلَقْنَا

آیا مر پروردگار ترا دختران و مر ایشانرا پسران آیا آفریدیم ما

الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ

فرشتگانرا از زنان و ایشان شاهد بودند بدانکه ایشان

مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ۝ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ

از دروغ خود میگویند ولد زاد خدا تعالی و بدرستیکه ایشان

لَكَاذِبُونَ ۝ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

دروغ گویانند آیا برگزید دختران بر پسران

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

چیست مر شمارا چگونه حکم کنند آیا اندیشه میکنید

أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ۝ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ

آیا مر شمار است حجت روشن پس بیارید آن کتاب

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ

اگر هستید راست گویان و ساختند میان خدا تعالی و میان

الْجِنَّةِ نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ

دیوان خویشی و بدرستیکه میدانند دیوان بدرستیکه ایشان

لَمُحْضَرُونَ ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ إِلَّا

حاضر کرده شدگان باشند پاکست خدا تعالی از آنچه صفت میکنند مگر

عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

بندگان خدا تعالی پاک شدگان پس بدرستیکه شما و آنچه میپرستید

وَمَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ۝ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ

و نیستید شما بر آن گمراه کنندگان مگر آنکه او در آینده

الْجَحِيمِ ۝ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَعْلُومٌ

بدوزخ است و نیست از ما مگر او راست مقامی دانسته شده

وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ۝ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

و بدرستیکه ما صف کشیدگانیم و بدرستیکه ما تسبیح گویندگانیم

وجه ابه

سبب آن زن که ابتدا کرد

جعفر ابن ابی طالب

گفتند که حضرت حق سبحانه

و تعالی با جن مصاهره

کرد و ملایکه از ایشان

متولد شدند خداوند

تعالی جل جلاله و عم نواله

و عظم شانه و لا اله غیره

از ین سخن لیس افضلال

و کافران ازین حرف او

در شعف نه ز بت

و زنادقه در دین

خدای تعالی بسیار دروغ

بستند ... نبی

وإن كانوا

وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ۝ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا
و بدرستی که بودند گفتند اگر بودی نزد ما ذکری

مِنَ الْأَوَّلِينَ ۝ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ
از پیشینیان میبودیم بندگان خدای تعالی پاک کرده شده

فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ سَبَقَتْ
پس کافر شدند بوی پس زود باشد که بدانند و بدرستیکه پیشی گرفته

كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۝ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ
سخن ما برای بندگان ما فرستاده شده بدرستیکه ایشان ایشان یاری کرده شدگان

وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ
و بدرستیکه لشکر ما ایشان غلبه کنندگانند پس رو بگردان از ایشان

حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ
تا اجل و ببین ایشان پس زود باشد که ببینند

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
آیا بعذاب ما شتاب میکنند پس چون فرود آید به پیشگاه ایشان

فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ۝ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ
پس بد باشد صباح بیم کرده شدگان و رو بگردان از کافران

حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۝ سُبْحَانَ
تا آیة السیف نازل شود و ببین پس زود باشد که ببینند پاکست

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
پروردگار تو خداوند غلبه از انچه وصف کنند و سلام بر فرستادگان

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝
و همه ستایش مر خدای را پروردگار عالمیان

## سورة ص مكية وهي ثمان وثمانون آية

نصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

صٓ ۝ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۝ بَلِ الَّذِينَ
و حق قرآن خداوند شرف بلکه آنانکه

ع

كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۝ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ
کافر شدند در سرکشی و عناد چند انکه هلاک کردیم پیش از ایشان

مِن قَرْنٍ فَنَادَوا وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ۝ وَ
از امام گذشته پس نداکردند هنگام رجوع بازگریزگاه

عَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ
شگفت داشتند آنکه آمد بدیشان بیم کننده از ایشان وگفتند کافران

هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۝ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَٰهًا
این جادو است دروغ گوست آیا کرد خدایان را خدای

وَاحِدًا إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۝ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ
یکتا بدرستیکه این چیزیست با تعجب ودلشاد برفتند بزرگان

مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ
از جماعه قریش آنکه بروید وشکیبایی ورزید بر خدایان خود

إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۝ مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ
بدرستیکه این چیزیست که خواسته‌اند نشنیدیم این در ملت

الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ۝ أَأُنزِلَ عَلَيْهِ
بازپسین نیست این مگر برافتن آیا فرستاده اند بر محمد

الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِي
قرآن از میان ما بلکه ایشان در گمان از وحی من

بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ۝ أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ
بلکه نچشیده‌اند عذاب ما آیا نزد ایشانست خزائن

رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝ أَمْ لَهُم مُّلْكُ
رحمت پروردگار تو غالب و بخشنده آیا مر ایشانراست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي
آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست پس باید که بالا روند در

الْأَسْبَابِ ۝ جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ
سببها لشکری اند چه لشکری شکسته از آن گروهها

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ
تکذیب کردند پیش از ایشان گروه نوح و عاد و فرعون

ذُو الْأَوْتَادِ ۝ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
خداوند میخها و ثمود و قوم لوط و اهل

الایکة

الأيكة أولئك الأحزاب ۝ إن كل إلا كذب
شعیب را آنگروه حزبهای کذابان نبودند مگر تکذیب کردند
الرسل فحق عقاب ۝ وما ينظر هؤلاء إلا
فرستادگان پس واجب شد عقوبت من و نمی نگرند این گروه مگر
صيحة واحدة ما لها من فواق ۝ وقالوا
صیحه را که نفخه اولی است نیست آن را هیچ رجوعی و گفتند
ربنا عجل لنا قطنا قبل يوم الحساب ۝
ای پروردگار ما شتاب کن مر ما را عذابی پیش از روز حساب
اصبر على ما يقولون واذكر عبدنا
صبر کن بر آنچه میگویند و یاد کن بنده ما را
داود ذا الأيد إنه أواب ۝ إنا سخرنا الجبال
داود خداوند قوة هر آینه او بازگردنده بود هر آینه ما رام کردیم کوهها را
معه يسبحن بالعشي والإشراق ۝ والطير
با او تسبیح میکردند شبانگاه و بوقت برآمدن آفتاب و مرغان
محشورة كل له أواب ۝ وشددنا ملكه
جمع کرده شده هر یک مر او را بازگردنده و محکم کردیم پادشاهی او را
وآتيناه الحكمة وفصل الخطاب ۝ و
و دادیم او را حکمت و کلام پاکیزه و
هل أتاك نبأ الخصم إذ تسوروا المحراب ۝
آیا آمد بتو خبر دو گروهی که خصومت کردند چون بالا رفتند بدیوار غرفه داود
إذ دخلوا على داود ففزع منهم قالوا لا
چون در آمدند بر داود پس بترسید از ایشان گفتند مترس
تخف خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم بيننا
دو خصمانیم ستم کرد برخی از ما بر برخی پس حکم کن میان ما
بالحق ولا تشطط واهدنا إلى سواء الصراط
براستی و جور مکن و راه نمای ما را براه میانه
إن هذا أخي له تسع وتسعون نعجة ولي نعجة
هر آینه این برادر منست مر او را نود و نه میش است و مرا یک میش

برادرزاده شعیب
چون آنحضرت از ایشان
از سفهای
ع
قوم ما نمیزنید
و دین آنحضرت و آیین
مجد خود را بر ایشان
جلوه میدهد سنگ
تفرقه در میان جمع
افکنده است و در دلها
بدان رسیده است
که دست ندارید از طغیان
این باره عاجز آمد
ابوطالب آنحضرت را
صلی الله علیه وعلی
آله وصحبه واحبابه
وسلم

وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

پس گفت آن میش را نصیب من کن و غلبه کرد بر من در سخن گفتن

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ

گفت بدرستیکه ستم کرد ترا بخواستن میش تو بسوی میشهای خود

وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ

و بدرستیکه بسیاری از شرکا هر آینه ستم کنند بعضی از ایشان

عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بر بعضی مگر آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته

وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ

و اندکی اند از ایشان و گمان برد داود که همانا امتحان کردیم پس طلب مغفرت کرد از

رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ

پروردگار خود را و بیفتاد و رکوع سجده کننده بود و بازگشت بخدا پس بیامرزیم داود را آن تقصیر

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ يَا

و بدرستیکه مر او راست نزدیک ما قربت و نیکی بازگشت ای

دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ

داود بدرستیکه ما گردانیدیم ترا خلیفه در زمین پس حکم کن

بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ

میان مردمان براستی و پیروی مکن هوای نفس را پس گمراه کند ترا

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ

از راه خدا تعالی بدرستیکه آنانکه گمراه شدند از

سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا

راه خدا تعالی مر ایشان راست عذابی سخت بآنکه فراموش کردند

يَوْمَ الْحِسَابِ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ

روز شمار را و نیافریدیم ما آسمان و

الْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ

زمین و آنچه میان ایشان است بباطل این گمان آنانست

كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ أَمْ

که کافر شدند پس وای مر آنانرا که نگرویدند از آتش دوزخ آیا

طلبید گفت
ای محمد صلی الله علیه و آله
و سلم این قوم تو
کرده اند و نشان این دعاست
و یکبار که طرف ابرار مطهر
و در نعمتها ایشان
سجده
تا اول نمای حضرت
ع
صلی الله علیه
و آله وسلم و بعد از آن معرفت
و نیز مسطور است
از مرجع حیرت
و از نقصان
دین با دار کار
و در کذار ...
منوط ...
در نشو ...

نجعل الذين

نجعل الذين امنوا وعملوا الصلحت كالمفسدين

میکردانیم آنانرا که گرویدند وکردند عمل شایسته مانند تباه کاران

في الارض ام نجعل المتقين كالفجار ○ كتب

در زمین آیا میکردانیم نیکوکارانرا مانند بدکاران کتابیست که

انزلنه اليك مبرك ليدبروا ايته وليتذكر

فرستادیم آن بسوی تو برکت داده تا اندیشه کنند در ایتهای او وتا پند پذیر شوند

اولوا الالبب ○ ووهبنا لداود سليمن نعم

خداوندان عقول وبخشیدیم مرداود را سلیمان ع نیکو

العبد انه اواب ○ اذ عرض عليه بالعشي

بنده هر آینه او رجوع کننده چون عرض کرده شد بر سلیمان ع بآخر روز

الصفنت الجياد ○ فقال اني احببت

اسپان ایستاده تیز رو پس گفت هر آینه من دوست داشتم

حب الخير عن ذكر ربي حتى توارت

دوستی مال بسیار از یاد پروردگار خود تا پوشیده شد آفتاب

بالحجاب ○ ردوها علي فطفق مسحا بالسوق

بپرده شب بازگردانید اسپانرا بر من پس در ایستاد شمشیر را سودنی

والاعناق ○ ولقد فتنا سليمن والقينا على

وگردنها وهر آینه که آزمودیم سلیمانرا وانداختیم بر

كرسيه جسدا ثم اناب ○ قال رب اغفر لي

تخت او جسدی پس بازگشت گفت ای پروردگار من بیامرز مرا

وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي

وبخش مرا ملکی نشاید مریکی را از پس من

انك انت الوهاب ○ فسخرنا له الريح تجري

هر آینه که تو بخشنده پس رام کردانیدیم مراورا باد میرود

بامره رخاء حيث اصاب ○ والشيطين

بحکم او نرم نرم هرجا که قصد کرده باشد ودیوان

كل بناء وغواص ○ واخرين مقرنين في

همه بنا کننده وغوص کننده ودیگر باهم بسته در

حضرت صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم فرمود [illegible] ع [illegible] نماز [illegible] کرد [illegible] گفت [illegible] آنحضرت صلی الله علیه وعلی آله واصحابه وسلم فرمود [illegible]

الاصفاد ۝ هذا عطاؤنا فامنن او امسك

ببند اینچنین بخشش ما پس منت نه یا باز دار عطا

بغير حساب ۝ وان له عندنا لزلفى و

بی شمار ودرستیکه مر سلیمان را نزد ما قربت و

حسن مآب ۝ واذكر عبدنا ايوب

نیکو باز گشت ویاد کن بنده ما ایوب را

اذ نادى ربه انى مسنى الشيطن بنصب

چون بخواند آفریدگار خود را بدرستیکه مس میکند مرا دیو بشتواید

وعذاب ۝ اركض برجلك هذا مغتسل بارد

والم بزن پای خود را این جای غسل کردنست سرد

وشراب ۝ ووهبنا له اهله ومثلهم

وآشامیدنی وبخشیدیم مر او را وزن وفرزند را ومانند ایشان

معهم رحمة منا وذكرى لاولى الالباب ۝

با ایشان بخشایش از ما وپندی مر خداوندان عقلها

وخذ بيدك ضغثا فاضرب به ولا تحنث

ودیگر مرست خود دسته چوب از خرما پس بزن بدان وحانث مشو

انا وجدناه صابرا نعم العبد انه اواب

بدرستیکه ما یافتیم ایوب را شکیبا نیکو بنده بدرستیکه او باز گردنده

واذكر عبادنا ابرهيم واسحاق ويعقوب

ویاد کن بندگان مرا ابراهیم ع واسحاق ع ویعقوب ع

اولى الايدى والابصار ۝ انا اخلصناهم

صاحب دستها ودیده ها بدرستیکه برگزیدیم ایشان

بخالصة ذكرى الدار ۝ وانهم عندنا لمن

بخصلتی پاک یاد کردن سرای آخرت وبدرستیکه ایشان نزد ما از

المصطفين الاخيار ۝ واذكر اسمعيل واليسع

برگزیدگان ونیکان ویاد کن اسماعیل را ع والیسع را

وذا الكفل وكل من الاخيار هذا ذكر

وذا الكفل را وهمه از نیکان این یاد کردنست

وان للمتقين

وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ۝ جَنَّاتِ عَدْنٍ
و بدرستیکه پرهیزکارانرا نیکو بازگشتی بوستانهای اقامت
مُفَتَّحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ ۝ مُتَّكِئِينَ فِيهَا
گشاده باشند برای ایشان درهای آن تکیه زدگان باشند در آن
يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ۝ وَ
میخوانند در آن میوهای بسیار و آشامیدن و
عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ۝ هَٰذَا
نزد ایشان باشند کوتاه چشمان همسالان اینست
مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝ إِنَّ هَٰذَا
آنچه وعده داده شدید بان در روز حساب بدرستیکه این
لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ۝ هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ
روزی ماست نیست مر این را هیچ کمی اینست آنچه بهشتیانرا باشد و بدرستیکه مر نافرمانانرا
لَشَرَّ مَآبٍ ۝ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝
بد بازگشت دوزخست درآیند در آن پس بد آرامگاهست
هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۝ وَآخَرُ
اینست پس بچشید آنرا آب گرم است و زهرابه و دیگر
مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ۝ هَٰذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ
از مانند این نوعها این گروه ایشان در سخته با شما
لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ ۝ قَالُوا بَلْ
هیچ مرحبا مباد ایشانرا بدرستیکه ایشان درآیندگانند در آتش گویند بلکه
أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ
شما مباد مرحبا شمارا شما فراپیش داشتید برای ما پس بد
الْقَرَارُ ۝ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ
قرارگاهیست گویند ای پروردگار ما هرکه فراپیش داشت برای ما این کفر پس زیاده کن
عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ۝ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ
عذابی دوباره در آتش و گویند چیست ما را که نمی بینیم
رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ۝ أَتَّخَذْنَاهُمْ
مردانی را که بودیم میشمردیم ایشانرا از بدان آیا گرفتیم ایشانرا

والیسع بن اخطوب را که خلیفه الیاس بود و باخر خلعت پیغمبری یافت و ذو الکفل خداوند نصیب یا پیغمبری را که برین بیعث بوده و صد پیغمبر را که از قتل با سبب بخشید از ملک شده و در پیشان فرموده است که او پسر ایوب است علیه السلام که بعد از پدر مبعوث شده بقومی از شام و صدرا اورا

سخريا ام زاغت عنهم الابصار ۝ ان ذلك

سخريت يا ميل كرد از ايشان چشمهاى ما بدرستيكه اين

لحق تخاصم اهل النار ۝ قل انما انا منذر و

راست است جدل اهل دوزخ بگو جز اين نيست كه من بيم كننده ام و

ما من اله الا الله الواحد القهار ۝ رب

نيست هيچ خداى مگر خداوند يكتا قهر كننده آفريدگار

السموت والارض وما بينهما العزيز الغفار ۝

آسمانها و زمين و آنچه ميان ايشانست كه غالب بود و آمرزگار

قل هو نبؤا عظيم انتم عنه معرضون ۝

بگو آنچه گفتيم خبر بزرگست شما از و روى گردانندگانيد

ما كان لي من علم بالملا الاعلى اذ يختصمون

نبود مرا هيچ دانش بگروه برتر آنگاه كه گفت وشنود ميكردند

ان يوحى الي الا انما انا نذير مبين ۝ اذ قال

وحى كرده نشود بسوى من جز اين نيست كه من بيم كننده ام آشكارا چون گفت

ربك للملئكة اني خالق بشرا من طين ۝

پروردگار تو مر فرشتگان را بدرستيكه من آفريننده ام آدمى را از گل

فاذا سويته ونفخت فيه من روحي فقعوا

پس چون راست كنم اورا و بدم در و از روح پس در افتيد

له سجدين ۝ فسجد الملئكة كلهم اجمعون

براى آدم سجده كنندگان پس سجده كردند فرشتگان همه ايشان تمام

الا ابليس استكبر وكان من الكفرين ۝

مگر ابليس بزرگى داشت خود را و گشت از ناگرويدگان

قال يا ابليس ما منعك ان تسجد لما خلقت

گفت اى ابليس چه چيز باز داشت ترا از آنكه سجده كنى مر آنچه بيافريدم

بيدي استكبرت ام كنت من العلين ۝

بدو دست خود آيا تكبر كردى يا هستى از برتران

قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته

گفت من بهترم از ان بيافريدى مرا از آتش و آفريدى او

من طين

---

ذو الكفل نام
وزنت و بعضى اورا
ع
كه از الياس عليه السلام
عطف صفت بالا
عطف صفت بابر
بر موصوف
ان ذلك لحق
كه ايشان در ميان كفار
سخن

ومجیب ... وجنان
وبلال ازمر الله ... 
زینب کو ... 
...

مِن طِينٍ ۝ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝

از گل گفت پس بیرون رو از جنة پس بدرستیکه تو رانده شده

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ۝ قَالَ

و بدرستیکه بر تست راندن خشم من تا روز که برانگیخته شوند گفت

رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ

ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تا روز که برانگیخته شوند گفت پس بدرستیکه تو

مِنَ الْمُنظَرِينَ ۝ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝

از مهلت داده شدگانی تا بوقت نفخهٔ اولی

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا

گفت پس بعزت تو هر آینه گمراه کنم ایشان را همه مگر

عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۝ قَالَ فَالْحَقُّ وَ

بندگان تو از ایشان پاک شدگان گفت پس راستی از منست و

الْحَقَّ أَقُولُ ۝ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ

راست میگویم هر آینه پر سازم دوزخ را از تو و از انها که پیروی تو کنند

مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

از ایشان همه بگو نمیخواهم از شما بر تبلیغ وحی هیچ

أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا

مزدی و نیستم من از تکلف کنندگان نیست قرآن مگر

ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۝

پندی برای عالمیان و تا بدانید خبر بعد مرگ

## سورة الزمر مكية وهي اثنا وسبعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّا

فرو فرستادن قرآن از خدای غالب و دانا بدرستیکه ما

أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا

فرستادیم بسوی تو قرآن براستی پس پرستش خدا را در حالیکه کننده

ثلثه

ع

ابتدا سوره الزمر مکیست
... نازل ... بود رسید
... تفسیر ... 
... جلوه ...

لَهُ الدِّينُ اَلَا لِلّٰهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۝ وَالَّذِينَ
برای وی دین خود را همه مر خدای راست پرستیدن پاک وآنانکه

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَاۤءَ مَا نَعْبُدُهُمْ
گرفتند بجز خدای تعالی دوستان نمی پرستیم ایشان را

اِلَّا لِيُقَرِّبُونَا اِلَى اللّٰهِ زُلْفٰى اِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ
مگر او را از برای آنکه نزدیک گردانند بسوی خدای تعالی نزدیک کردانیدنی بدرستیکه خدای تعالی حکم کند

بَيْنَهُمْ فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي
میان ایشان در آنچه ایشان در آن خلاف میکردند بدرستیکه خدای تعالی راه ننماید

مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝ لَوْ اَرَادَ اللّٰهُ اَنْ يَتَّخِذَ
آنکسی که او دروغگویست ناسپاس اگر خواستی خدای تعالی آنکه فرا گرفتی

وَلَدًا لَاصْطَفٰى مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاۤءُ سُبْحٰنَهُ هُوَ
ولدی هر آینه اختیار کردی از آنچه آفریند آنچه خواستی پاکست او اوست

اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ
خدای یکتا قهر کننده بیافرید آسمانها و زمین

بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ الَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ
براستی در می آرد شب را در روز و در می آرد روز را

عَلَى الَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
در شب و رام کرد آفتاب و ماه هریک میرود

لِاَجَلٍ مُسَمًّى اَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۝ خَلَقَكُمْ
تا زمان نام برده بدانید خدای تعالی غالبست آمرزنده بیافرید شما را

مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ
از یک تن پس بیافرید از پهلوی چپ او حوا و

اَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْاَنْعَامِ ثَمٰنِيَةَ اَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ
فرستاد برای شما از چهارپایان هشت زوج و ماده می آفریند شما را

فِي بُطُونِ اُمَّهٰتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي
در شکمهای مادران شما آفریدنی از پس آفریدن در

ظُلُمٰتٍ ثَلٰثٍ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ
تاریکی سه این میکند خدای تعالی آفریدگار شما مرا ورست پادشاهی

عمل بنده
که برنیت و نفس او
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
که کفار ان [illegible]
[illegible]
علیه و علی آله و اصحابه
و اصحابه و سلم علیهم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و نصاری [illegible]
علیهم السلام

لا اله

313

لا إله إلا هو فأنى تصرفون ۝ إن تكفروا فإن
نيست معبودی مگر او پس کجا برگردانیده میشوید اگر کافر شوید پس هر آینه
الله غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر
خدا تعالی بی نیاز است از شما و نمی پسندد مر بندگان خود را کفر
وإن تشكروا يرضه لكم ولا تزر وازرة
و اگر سپاسداری کنید بپسندد مر شما و بر ندارد هیچ بردارنده
وزر أخرى ثم إلى ربكم مرجعكم فينبئكم
بار گناه دیگری را پس بسوی پروردگار شما بازگشت شما پس خبر دهد شما را
بما كنتم تعملون ۝ إنه عليم بذات الصدور
با نچه بودید که عمل میکردید هر آینه او داناست با نچه در سینهاست
وإذا مس الإنسان ضر دعا ربه منيبا
و چون برسد آدمی را سختی بخواند پروردگار خود را بازگردنده بسوی
ثم إذا خوله نعمة منه نسي ما كان يدعوا
پس چون بدهد او را راحتی از خود فراموش کند آنچه را باز میخواند
إليه من قبل وجعل لله أندادا ليضل
بسوی پروردگار پیش از آن و گردانید برای خدا تعالی همتایان تا گمراه گرداند
عن سبيله قل تمتع بكفرك قليلا إنك من
از راه خدا تعالی بگو برخوردار باش بکفر خود اندکی هر آینه تو از
أصحاب النار ۝ أمن هو قانت آناء الليل
اهل دوزخی آیا آنکه او فرمان بردار است در ساعتهای شب
ساجدا وقائما يحذر الآخرة ويرجوا رحمة
سجده کننده و ایستاده می ترسد از آخرت و امید میدارد بخشش
ربه قل هل يستوي الذين يعلمون و
پروردگار خود بگو آیا برابرند آنانکه دانند و
الذين لا يعلمون ۝ إنما يتذكر أولوا الألباب
آنانکه نمیدانند جز این نیست که پند پذیرند خداوندان خردها
قل يا عبادي الذين آمنوا اتقوا ربكم
بگو ای بندگان من آنانکه گرویدند بترسید از پروردگار خود

و جمع سند کان
و فرق کو باد راو
بحضر سند و دخترها
و برای او عز گویم وجود
او صفت و باقی باطل
خداوند تعالی دور نعم
ع
ایشان را در اول
این سوره مومنان را
با خلاص در عبادت
فرمود و از اختلاف
ایشان و علم او دن
در آن روز قیامت
را داد و در بعضی
صفحه و نبی آیه
فرستاد و این آیت

للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة و
مر آنهارا که نیکی کردند در این دنیا نیکو و

ارض الله واسعة انما يوفى الصابرون
زمین خدای تعالی گشاده است جز این نیست که تمام داده شوند صبرکنندگان

اجرهم بغير حساب ○ قل اني امرت ان
مزد خود را بی شمار بگو بدرستیکه من مامور شده ام که

اعبد الله مخلصا له الدين وامرت لان
پرستم خدا را پاک کننده برای او دین و مامور شده ام که

اكون اول المسلمين ○ قل اني اخاف ان
باشم اول گردن نهادگان بگو بدرستیکه من میترسم اگر

عصيت ربي عذاب يوم عظيم ○ قل الله
عاصی شوم پروردگار خود از عذاب روز بزرگ بگو خدا را

اعبد مخلصا له ديني فاعبدوا ما شئتم
پرستش میکنم پاک کننده برای او دین پس پرستید آنکه میخواهید

من دونه قل ان الخاسرين الذين خسروا
بجز خدای تعالی بگو بدرستیکه زیانکاران آنانند زیان کردند

انفسهم واهليهم يوم القيامة الا ذلك
نفسهای خود و درکسان خود روز قیامت بدانید که آنست

هو الخسران المبين ○ لهم من فوقهم ظلل
آن زیان هویدا مرایشان راست از زبر ایشان سایه‌ها

من النار ومن تحتهم ظلل ذلك يخوف
از آتش و از زیر ایشان سایه‌ها این میترساند

الله به عباده يا عباد فاتقون ○ والذين
خدای تعالی بدان بندگان خود را ای بندگان من پس بترسید از من و آنانکه

اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها وانابوا
پرهیز کردند از شیطان آنکه پرستند آنرا و بازگشتند

الى الله لهم البشرى فبشر عباد الذين
بفرمان خدای تعالی مر ایشان راست مژده پس مژده ده بندگان آنانکه

يستمعون

يستمعون القول فيتبعون احسنه
می شنوند گفتار را پس پیروی نمایند نیکوتر آن را
اولئك الذين هديهم الله واولئك هم
آن گروه آنانکه راه نمود ایشان را خداتعالی و آن گروه ایشانند
اولوا الالباب ۝ افمن حق عليه كلمة
خداوندان عقول آیا آنکه واجب شد برو کلمه
العذاب افانت تنقذ من في النار ۝
عذاب آیا تو میرهانی آنکسی در آتش است
لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها
لیکن آنانکه بترسند از عذاب پروردگار خود مر ایشانراست غرفها از زبر آن
غرف مبنية تجري من تحتها الانهر وعد
غرفهای بلند میرود از زیر آن جویها وعده کرده است
الله لا يخلف الله الميعاد ۝ الم تر ان الله
خداتعالی خلاف نکند خداتعالی وعده خود آیا نمی بینی آنکه خداتعالی
انزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في
فرستاد از آسمان آبی پس درآورد آن را در چشمها در
الارض ثم يخرج به زرعا مختلفا الوانه
زمین پس بیرون آرد بدان کشت زار گوناگون رنگهارا
ثم يهيج فتريه مصفرا ثم يجعله حطاما
پس خشک شود پس می بینی زرد گشته پس میگرداند اورا ریزه ریزه
ان في ذلك لذكرى لاولي الالباب ۝
هرآئینه در این یادکردنست مر خداوندان عقول
افمن شرح الله صدره للاسلام فهو على
آیا کسیکه گشاده کرده است خداتعالی سینه اورا برای اسلام پس آن بر
نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم
روشنی از پروردگار خود پس وای مر سخت دلانراست که دلهای ایشان
من ذكر الله اولئك في ضلال مبين ۝
از یادکردن خداتعالی آن گروه در گمراهی هویداست

افمن حق
ابو جهل [illegible] ابی لهب
که در حق عتبه بن ابی
لهب نازل شده
است
افمن شرح
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
و در حق حمزه رضی الله عنه
[illegible]
حضرت [illegible]
[illegible]
ع
روشنی [illegible]
[illegible]
[illegible] خداوند تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

اللّٰهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتٰبًا مُتَشٰبِهًا
خدا تعالی فرستاد نیکوترین سخن کتابی مانند یکدیگر
مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ
دوباره می لرزد از آیات پوستهای آنانکه می ترسند
رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ
از پروردگار خود پس نرم شود پوستهای ایشان و دلهای ایشان بسوی یاد کردن
اللّٰهِ ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ
خدا تعالی اینست راه نمودن خدا تعالی راه نماید بدان هرکرا خواهد و
مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ أَفَمَنْ يَتَّقِي
هرکرا فرو گذارد خدا تعالی پس نیست مر او را هیچ راه نماینده آیا باشد هرکه پرهیزد
بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَقِيلَ
بروی خود از شدت عذاب روز قیامت و گویند
لِلظّٰلِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۝
مر ستمکاران را بچشید آنچه بودید که کسب میکردید
كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتٰهُمُ الْعَذَابُ
تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان پس آمد مر ایشان را عذاب
مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَأَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ
از آنجا که نمیدانستند پس چشانید ایشان را خدا تعالی خواری
فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ أَكْبَرُ
در زندگانی دنیا و عذاب آخرة بزرگترست
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي
اگر هستند که میدانند و بدرستیکه بیان کردیم برای مردمان در
هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝
این قرآن از هر مثلی شاید که ایشان پند پذیرند
قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝
قرآنی عربی نه خداوند کج شاید که ایشان پرهیزند
ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ
بیان کرد خدا تعالی مثلی برای مشرک دروی انبازان باشند

الله نزل
سبب نزول این آیت آنکه
که صحابه کرام از حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و علی آله و اصحابه
و اصحابه و سلم پرسیدند ما را
مخفوظ کن شود برای ما
حدیث نازل از بهجاه و تعالی
سخن آیت و کلام
که طلبان ارواح استماع را
۴
بحدیث آیه
نیز رواقی و نزول این
این میان قرآن مخلص
حقیقت آن آیات استماد
این آیات

متشاكسون

الجزء الرابع والعشرون

متشاكسون ورجلا سلما لرجل هل يستوين
ستیزه باشند ومردی سالم از برای مردی آیا مساوی باشند
مثلا الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون
از مانند که سپاس مر خدای را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند
انك ميت وانهم ميتون ثم انكم يوم القيمة
بدرستیکه تو مرده خواهی شد و بدرستیکه مشرکان مردگانند پس بدرستیکه شما روز قیمت
عند ربكم تختصمون فمن اظلم ممن كذب
نزد پروردگار خود خصومت کنند پس کیست ستمکارتر از کسیکه دروغ گوید
على الله وكذب بالصدق اذ جاءه اليس في
بر خدا تعالی و دروغ شمرد سخن راست چون بیاید بوی آیا نیست در
جهنم مثوى للكفرين والذي جاء بالصدق
دوزخ منزل مر ناگرویدگان و آنکه آمد بسخن راست
وصدق به اولئك هم المتقون لهم ما
و راست شمرد آنرا آن گروه ایشانند پرهیزکاران مر ایشانراست آنچه
يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين
خواهند نزد پروردگار ایشان آنست پاداش نیکوکاران
ليكفر الله عنهم اسوأ الذي عملوا ويجزيهم
تا محو کند خدا تعالی از ایشان بدی آنکه کرده باشند و پاداش دهد ایشانرا
اجرهم باحسن الذي كانوا يعملون اليس الله
مزد ایشان به نیکوترین آنچه بودند که میکردند آیا نیست خدا تعالی
بكاف عبده ويخوفونك بالذين من دونه
کفایت کننده بنده خود را و میترسانند ترا از آنانکه پرستند بجز خدا تعالی
ومن يضلل الله فما له من هاد ومن يهد
و هر کرا گمراه سازد خدا تعالی پس نیست مر او را هیچ راه نماینده و هر کرا راه نماید
الله فما له من مضل اليس الله بعزيز ذي انتقام
خدا تعالی پس نیست مر او را هیچ گمراه کننده آیا نیست خدا تعالی غلبه کننده خداوند کینه کشنده
ولئن سالتهم من خلق السموت والارض
و اگر پرسی از مشرکان مکه که بیافرید آسمانها و زمین

لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ
بر آئینه گویند خدا تعالی بگو آیا پس چون بینید آنرا که میخوانید از جز
اللّٰهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ
خدا تعالی اگر خواهد خدا تعالی سختی آیا هستند آن بتان دفع کنندگان
ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ
سختی را یا اگر اراده کرده مرا رحمتی آیا باشند ایشان بازدارندگان
رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ
آن رحمت را بگو بسنده است خدا تعالی بر او توکل میکنند توکل کنندگان
قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ
بگو ای قوم من عمل کنید بران حالتها که دارید بدرستیکه من عمل کننده ام پس زود باشد
تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ
که بدانند آنکس را که بیاید بدو عذابی رسوا گرداند و فرود آید
عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ
بر وی عذابی همیشه بدرستیکه ما فرستادیم بر تو کتاب را
لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ
برای مردمان براستی پس هر که راه یابد پس برای نفس او و هر که
ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ
گمراه گردد پس جز این نیست که گمراه گردد بر نفس خود و نیستی تو بر ایشان نگاهبان
اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ
خدا تعالی قبض میکند نفسها را هنگام موت ایشان و قبض میکند نفسهای را که
تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا
نمرده است در خواب پس نگاه دارد آن نفس که حکم کرده بر و
الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ
مرگ را و فرستد نفس دیگر را تا وقتی نام برده بدرستیکه
فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ أَمِ اتَّخَذُوا
در این نشانهاست برای گروهی که تفکر کنند بلکه فرا گرفته
مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ
از جز خدا تعالی شفیعان بگو آیا شفاعت کنند اگرچه باشند نتوانند ملک

باشد
کافران میگفتند
ایشان میگفتند ما ترسیم
با محمد صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم میترسانیم
که مبادا از ضرر بتان بازآید
بتی را شکسته و
بتان ایشان را بی‌ضرر
تعالی در کتاب خود
ایشان را ابتدای
ایشان
ع
اشمأزت
ایشان در غضب
و از بتان
و ایشان

شیئا و لا

شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا
چیزرا ونه خرد دارند بگو مر خدایراست شفاعت همه آن

لَّهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
واوراست پادشاهی آسمانها وزمین پس بسوی او بازگردیده خواهید شد

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ
وچون یاد کرده شود خدای یگانه برنفرت گیرد دلهای

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ
آنانکه نمیگروند بآخرت وچون یاد کرده شوند آنانکه

مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ قُلِ
بجز خدای اند ناگاه ایشان تازه روی شوند بگو

اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ
بارخدایا ای آفریننده آسمانها وزمین داننده پوشیده ها

وَالشَّهَادَةِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ
وآشکارا تو حکم کنی میان بندگان خود

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ
در آنچه بودند که درو اختلاف کنند واگر باشند مر آنانکه

ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ
کافر شدند آنچه در زمین است همه ومانند آن با او

لَافْتَدَوْا بِهِ مِن سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
هر آینه جزیه دهند با من از بدی عذاب روز قیامت

وَبَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ
وظاهر شود مر ایشان را از عذاب خدای تعالی آنچه نبودند که پنداشتندی

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا
وظاهر شود مر ایشانرا عذاب بدیها آنچه کردند ودر آمد ایشانرا آنچه

كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ
بودند که مرآن استهزا میکردند پس چون برسد کافر را

ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا
سختی بخواند مارا پس چون عطا دادیم اورا بخششی از نزدیک ما میگوید جز این نیست

در معالم
فرموده که مراد
نفس نیست نفس حیات
و نفس تمیز انفس حیات
معارف میکند از روح
نزدیک موت و زوال
او نفس تمیز زایل
میباید و نفس حیات
بیابد وقت خواب
در زوال او نفس حیات
زوال میباید در حقیقت
از این ...
نفس میکند ...
و ... جمع میکنند میان
ارواح احیا

أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

که بمن داده اند بر دانشی چنین نیست بلکه آن آزمایشی ولیکن بیشتر ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

نمیدانند بدرستیکه گفتند آنانکه پیش از ایشان

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝

پس باز نداشت از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا

پس رسید ایشانرا پاداش ناسپاسی که کردند و آنانکه ستم کردند

مِنْ هَٰؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا

از این گروه زود باشد که برسد ایشان پاداش ناسپاسی که کرده اند

وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ۝ أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ

و نیستند ایشان عاجز کنندگان آیا ندانستند آنکه خدا تعالی گشاده کرده

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

روزی را برای هر که خواهد و تنگ کرداند بدرستیکه در این نشانهاست

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا

برای گروهیکه میگروند بگو ای بندگان من آنانکه اسراف کردند

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

بر نفسهای خود نومید مشوید از رحمت خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بیامرزد گناهان همه بدرستیکه اوست آمرزنده مهربان

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ

و باز گردید بسوی پروردگار خود و گردن نهید مر او را پیش از آنکه

يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ۝ وَ

بیاید بشما عذاب پس یاری داده نشوید و

اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ

پیروی نمائید نیکوترین آنچه فرستاده شده بشما از پروردگار شما پیش

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

از آنکه بیاید بشما عذاب ناگهان و شما ندانید

ان تقول

داموات
تا با تکیه بر انت خندانرا
نشان میدید و زنید
زنید نان زنده زند
قل یا عبادی الذین اسب
زوش انفعلکون
از لعمر ترکرد زار
ع بید
فتن از ان
خود را نمود ابوا ب
معاد الا بر الکبید ہوا
نفس بر ادی ادر کار
حق شوده بجمرات
رسالت پناه صلی الله
علیه و اله و صحابه و سلم
عرض کردند

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ
پیش از آنکه گوید نفس ای پشیمانی من بر آنچه که تقصیر کردم
فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ
در کار خدا تعالی و بتحقیق بودم من از افسوس کنندگان
أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ
یا گوید اگر آنکه خدا تعالی راه نماید مرا هر آئینه میبودم از پرهیزگاران
أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً
یا گوید آنگاه که می بیند عذاب را اگر کاش بودی مرا بازگشتی
فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ
پس باشم آنجا از نیکوکاران آری بدرستیکه آمد بشما
آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ
آیتهای من پس تکذیب کردی تو بآن و تکبر کردی و بودی
مِنَ الْكَافِرِينَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ
از ناگرویدگان و روز قیامت می بینی آنانکه
كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ
تکذیب کردند بر خدا تعالی رویهای ایشان را سیاه شود آیا نیست
فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ وَيُنَجِّي اللَّهُ
در دوزخ مقام مر متکبران و رهانید خدا تعالی
الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَ
آنانکه پرهیز کردند برستگاریهای ایشان نرسد ایشان را بدی و
لَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ
نه ایشان اندوهگین شوند خدا تعالی آفریننده همه چیزها و
هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ
او بر همه چیز حفاظت است مر او راست کلیدهای آسمانها
وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ
و زمین و آنانکه نگرویدند بآیات خدا تعالی آن گروه
هُمُ الْخَاسِرُونَ قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي
ایشانند زیان کاران بگو آیا غیر خدا تعالی میفرمایید مرا

مرا نمیخوانید کرد
براق دوزخ [illegible]
نیکوست و بازگشتی
قبول عملم کرده آید
دری که کفرنان آمرزید
میشود بانه در قبول
نمیشود توبه ایشان
فی الغزنویه سبب
نزول آیت مغفرة کفار
زنی حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم
برین ... دعوت
ع
کرد و حضرت
حق سبحانه و تعالی در جواب
این ...

اعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ۝ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ
پرستش کنیم ای نادانان وبدرستیکه وحی کرده شد بسوی تو
وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
وبسوی آنانکه پیش از تو اگر شرک آری
لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝
حبط عمل شود وباشی از زیان کاران
بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝
بلکه خدایرا پرستش کنید وباشی از سپاسداران
وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا
وصفت نکرده خدایرا چنانچه تعظیم وی باشد وزمین همه
قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ
بدست گرفته وی روز قیامت وآسمانها درپیچیده اند
بِيَمِينِهِ ۝ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ
بجانب او پاکست او وبرترست از آنچه شرک آرند
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
ودمیده شود درصور پس بیهوش شود هرکه در آسمانها
وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ
وهرکه در زمین است مگر آنکسی راکه خواهد خدایتعالی پس دمیده شود
فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ۝
درصور نوبتی دیگر پس آنگاه ایشان بپا ایستادگان می نگرند
وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ
وروشن کرده عرصهٔ محشر یعنی نوریکه در آن آفریند ونهاده شود صحایف
وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ
وآورند پیغمبرانرا وگواه وحکم کرده شود میان بندگان
بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا
براستی وایشان ستم دیده نشوند وتمام داده شود هرنفسی آنچه
عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ
کرده وخدایتعالی داناترست آنچه میکنند ورانده شوند آنانکه

كفروا

كفروا الى جهنم زمرا حتى اذا جاءوها فتحت
کافرند سوی دوزخ گروه گروه تا چون بیایند بدوزخ گشاده شود
ابوابها وقال لهم خزنتها الم يأتكم رسل
درهای او وگویند مرایشان را خازنان دوزخ آیا نیامدند بشما رسولان
منكم يتلون عليكم ايات ربكم وينذرونكم
از شما بخوانند برشما آیتهای پروردگار خود وبیم کنند شما را
لقاء يومكم هذا قالوا بلى ولكن حقت
از دیدن این روز گویند آری ولیکن واجب شد
كلمة العذاب على الكفرين ۝ قيل ادخلوا ابواب
سخن بعذاب برناگرویدگان گفته شود که در آیید در درهای
جهنم خلدين فيها فبئس مثوى المتكبرين ۝
دوزخ جاویدان دران پس بد آرامگاهیست متکبران را
وسيق الذين اتقوا ربهم الى الجنة زمرا
ورانده شوند آنانکه بترسیدند پروردگار خود سوی بهشت گروه گروه
حتى اذا جاءوها وفتحت ابوابها وقال لهم
تا چون آیند به بهشت وگشاده باشد درهای آن وگویند مرایشان را
خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خلدين
خازنان بهشت درود باد برشما پاک بودید پس در آیید در بهشت جاوید ماندگان
وقالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا
وگویند سپاس مر خدا را آنکه راست کرد با ما وعده خود با ما ومیراث داد ما را
الارض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم
زمین بهشت جای گیریم از بهشت هرجاکه میخواهیم پس نیکوست
اجر العملين ۝ وترى الملئكة حافين من حول
مزد کارکنندگان وببینی فرشتگان را فروگرفتگان از گرداگرد
العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي بينهم
عرش تسبیح میگویند بستایش پروردگار خود وحکم کرده شود میان ایشان
بالحق وقيل الحمد لله رب العلمين ۝
براستی وگفته شود ستایش مر خدا را پروردگار عالمیان

پیغمبر گفت [illegible]
نخستین [illegible]
گوید این الملک این
الملوک حضرت رسالت
مآب صلی الله علیه وآله
واصحابه وسلم از قول
او منجر شده [illegible]
و موجود [illegible] تعالی
در باب [illegible] این
در صفت [illegible]
[illegible]
وسیق الذین [illegible] این
در آیت [illegible] مسلمان
[illegible] از
[illegible] کرم الله وجهه
منقول است

بنمود و از وی کوری / گشته ظاهر از ایشان نکوئی / بی دریغ رحمت حق / از جحیم بیرون می آیم / در نعیم ... از ... / در بهشت ... / ... بن ...

## سورة المؤمن مكية وهي اثنا وثمانون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
حم ۝ تنزيل الكتب من الله العزيز العليم
فرو فرستادن قرآن از خدای غالب و داناست
غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب
آمرزنده گناهان و پذیرنده توبه سخت عقوبت است
ذي الطول ۝ لا اله الا هو اليه المصير ۝ ما
خداوند عطا نیست معبودی مگر او بسوی اوست بازگشت نکنند
يجادل في ايت الله الا الذين كفروا فلا يغررك
جدال در آیتهای خدا مگر آنانکه کافر شدند پس باید که فریب ندهد ترا
تقلبهم في البلاد ۝ كذبت قبلهم قوم
گردیدن ایشان در شهرها تکذیب کردند پیش از ایشان گروه
نوح والاحزاب من بعدهم وهمت كل
نوح و گروههای دیگر از پس ایشان و قصد کردند هر یکی از امتها
امة برسولهم لياخذوه وجدلوا بالبطل
به پیغمبران تا بگیرند او را و خصومت کردند بسخنان بیهوده
ليدحضوا به الحق فاخذتهم فكيف كان
تا زایل گردانند بآن سخن حق را پس گرفتم ایشان را پس چگونه بود
عقاب ۝ وكذلك حقت كلمت ربك على
عقوبت من و همچنین واجب شد حکم پروردگار تو بر
الذين كفروا انهم اصحب النار ۝ الذين
آنانکه کافر شدند آنکه ایشان یاران دوزخند آنانکه
يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد
بر میدارند عرش را و آنانکه گرداگرد عرش اند تسبیح میکنند بستایش
ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين
پروردگار ایشان و میگروند بآن و آمرزش خواهند برای آنانکه

ع ٢٧

... / ... / ... / ... / ...

امنوا

آمنوا ربنا وسعت كل شيء رحمة وعلما
گرویدند ای پروردگار ما فرا رسیده همه چیز را بخشش و دانش
فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم
پس بیامرز مر آنانرا که توبه کردند و پیروی نمودند راه ترا نگاهدار ایشانرا
عذاب الجحيم ربنا وأدخلهم جنات عدن
از عذاب آتش ای پروردگار ما و در آر ایشانرا در بوستانهای اقامت
التي وعدتهم ومن صلح من آبائهم وأزواجهم
آنکه وعده دادی ایشانرا و هر که شایسته بود از پدران ایشان و زنان ایشان
وذرياتهم إنك أنت العزيز الحكيم وقهم
و فرزندان ایشان هر آینه تو غالب دانا و نگاهدار ایشانرا
السيئات ومن تق السيئات يومئذ فقد
بدیها و هر که باز دارے از بدیها امروز پس هر آینه
رحمته وذلك هو الفوز العظيم إن الذين
بخشیدی مرو و آن نگاهداشت تو آن فیروزی بزرگست هر آینه آنانکه
كفروا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم
کافر بودند ندا کرده شوند هر آینه دشمنی خدای تعالی بزرگست از دشمنی شما
أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمان فتكفرون
مر نفسهای خودرا چون خوانده شدید بسوی گرویدن پس کافر شدید
قالوا ربنا أمتنا اثنتين وأحييتنا اثنتين
گویند ای پروردگار ما بمیرانیدی ما را دوباره و زنده گردانیدی ما را دوباره
فاعترفنا بذنوبنا فهل إلى خروج من
پس اعتراف کردیم بگناهان ما پس آیا هست بسوی بیرون آمدن هیچ
سبيل ذلكم بأنه إذا دعي الله وحده
راهے این کلمه گویند آنجا شما در آید چون خوانده شد خدا را تنها
كفرتم وإن يشرك به تؤمنوا فالحكم
کافر میشدید و چون شرک آورده شد بوی میگرویدید مر شرکان پس کارگذاری
لله العلي الكبير هو الذي يريكم
مر خدایراست برتر بزرگوار تر اوست آنکه مینماید شما را

قالوا ربنا
این دو بار میرانیدن در بار
نخست بر ابتدای حالت
دو بار یعنی از منزل اول
بوقت انقضای اجل
و دو بار زنده کردن اول در
قبر و ابتدای نیز
در قبر و احیا ثانی البعث
ع
در حین بعث و در
بیان آورده که ایشان
از زیادتی ...
...
تحسین ... و در
رحم که نطفه بود زنده
کرد ... پس در دنیا
بمیرانید و در آخرت

ءايٰتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ السَّمَآءِ رِزْقًا وَمَا

نشانهای خود و فرستند برای شما از آسمان روزی را و نشود

يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ۝ فَادْعُوا اللّٰهَ

پند گرفته مگر کسی که باز گردد پس پرستید خدای را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكٰفِرُونَ ۝

در حالتیکه پاک سازنده باشید برای او طاعت و اگرچه کاره باشند کافران

رَفِيعُ الدَّرَجٰتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ

بردارنده درجها خداوند عرش میفرستد جبریل را از

أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

فرمان خود بر هر که خواهد از بندگان خود تا بیم کند جبریل از روز دیدن یکدیگر را

يَوْمَ هُم بٰرِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ

روزیکه عباد آشکارا باشند پوشیده نشود بر خدای تعالی از ایشان چیزی

لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّٰهِ الْوٰحِدِ الْقَهَّارِ ۝ الْيَوْمَ

مر کراست پادشاهی امروز مر خدای راست یگانه است شکننده امروز

تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ

پاداش داده شود هر نفسی بآنچه کرده است نیست ستم امروز

إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ

بدرستیکه خدای تعالی زود شمار است و بیم کن کافران از روز

الْأٰزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كٰظِمِينَ مَا

نزدیک شونده چون دلها نزدیک حلقهای ایشان غم کشیدگان نیست

لِلظّٰلِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ۝ يَعْلَمُ

ستمکاران را هیچ یاری و نه شفیعی که فرمان او برند میداند

خَآئِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ۝ وَاللّٰهُ

خیانت چشمها و آنچه پوشیده ساخته سینها و خدای تعالی

يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ

حکم کند براستی و آنانکه میپرستند بجز خدای تعالی

لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۝ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

حکم نکنند بچیزی بدرستیکه خدای تعالی اوست شنوا بینا

[illegible]

اولم

ع

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ
آیا سیر نمیکنند در زمین پس تا بینند که چگونه بود
عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ
سرانجام آنانکه بودند پیش از کفار بودند ایشان
أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ
سخت تر از ایشان از توانائی و از نشانها در زمین پس بگرفت ایشانرا
اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن
خدای تعالی بگناهان ایشان و نبود مرایشانرا از خدای تعالی هیچ
وَاقٍ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَت تَّأْتِيهِمْ رُسُلُهُم
نگهدارنده این بسبب آنست که آمدند بایشان پیغمبران ایشان
بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ
بحجتها پس کافر شدند پس بگرفت ایشانرا خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی توانا است
شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ
سخت عقوبت است و بدرستیکه فرستادیم موسی ع
بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۝ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
بآیتهای ما و حجتی هویدا بسوی فرعون و هامان
وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُم
و قارون پس گفتند جادوست دروغگویست پس چون آمد بایشان
بِالْحَقِّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ
براستی از نزد ما گفتند بکشید پسران آنانکه
آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ
گرویدند با او و زنده بگذارید دختران ایشانرا و نیست مکر
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي
کافران مگر در گمراهی و گفت فرعون بگذارید مرا
أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ
بکشم موسی را و گو بخواند خدای خود را بدرستیکه من میترسم که او متغیر سازد
دِينَكُمْ أَوْ أَن يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ۝ وَقَالَ
کیش شمارا یا آنکه آشکارا کند در زمین تباهی و گفت

ولادت موسی علیه السلام

مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ
موسى ع بدرستیکه من پناه میگیرم بپروردگار خود و پروردگار شما از هر
مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝ وَقَالَ
گردنکشی نمیگروند بروز شمار وگفت
رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ
مردی گرویده از خویشان فرعون پوشیده کرده بود ایمان خود را
أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ
آیا میکشید مردی را آنکه میگوید آفریدگار من خداست و بتحقیق
جَاءَكُم بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَّبِّكُمْ وَإِن يَكُ
آورده است شما معجزها از پروردگار شما واگر باشد
كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِن يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُم
دروغگوی پس بروباشد وبال دروغ او واگر باشد راست گوی برسد بشما
بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
بعضی از آنچه وعده میدهد شما را بدرستیکه خدا تعالی راه ننماید
مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۝ يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ
کسی را که از حد درگذرنده است دروغ گوینده ای گروه من مر شما راست پادشاهی
الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِن
امروز که غالبانید در زمین پس کیست که یاری دهد ما را از
بَأْسِ اللَّهِ إِن جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ
عذاب خدای تعالی اگر بیاید بما گفت فرعون نمینمودم شما را
إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝
مگر آنچه می بینم ونمی نمایم شما را مگر راه راستی
وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُم
وگفت آنکسکه ایمان آورده بود ای گروه من بدرستیکه من میترسم بر شما
مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝ مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ
مثل روز آن لشکرها مانند حال گروه نوح ع
وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ
و عاد و ثمود و آنانکه از پس ایشان ونیست که خدا تعالی

فرزندان بنی اسرائیل را میکشتند و بعد از ولادت او دست باز داشتند بعضی گفتند که آن علیه السلام با پدر و مادر گروهی از اعوان فرعون گفتند ایشان بنی اسرائیل انفس ... زنان بکشند و موسی را بازی ... تعالی ... کافران ... در بیابان ...

یرید ظلما

يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ ۝ وَيٰقَوْمِ اِنِّيٓ اَخَافُ
خواهد ستم بر بندگان خود ۝ و ای گروه من بدرستیکه من میترسم

عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۝ يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ
بر شما روز خواندن یکدیگر را ۝ روزیکه برگردانیده شوید بازگشتگان

مَا لَكُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۝ وَمَنْ يُّضْلِلِ اللّٰهُ
نباشد شمارا از خدایتعالی نگاه دارنده ۝ و هرکرا فروگذارد خدایتعالی

فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ وَلَقَدْ جَآءَكُمْ يُوسُفُ
پس نیست مراورا هیچ راه نماینده ۝ و بدرستیکه آمد شما را یوسف ع

مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنٰتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا
پیش از موسی ع بحجتها ۝ پس همواره بودید در گمان از آنچه

جَآءَكُمْ بِهٖ حَتّٰىٓ اِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ
آورده بود بشما از امر دین تا آنهنگام که او درگذشت گفتید برنخواهد

يَّبْعَثَ اللّٰهُ مِنْ بَعْدِهٖ رَسُولًا ۝ كَذٰلِكَ يُضِلُّ
انگیخت خدایتعالی از پس او فرستاده ۝ همچنین گمراه سازد

اللّٰهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ۝ اَلَّذِينَ يُجَادِلُونَ
خدایتعالی هرکه او از حد تجاوز کننده است شک دارنده ۝ آنانکه جدال کنند

فِيٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ كَبُرَ مَقْتًا
در آیات خدایتعالی بی حجتی که بایشان آمده باشد بزرگست جدال ایشان

عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ اٰمَنُوا كَذٰلِكَ يَطْبَعُ
نزد خدایتعالی و نزد آنانکه گرویدند ۝ همچنین مهر نهد

اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ
خدایتعالی بر هر دل متکبر خودکام ۝ و گفت فرعون

يٰهَامٰنُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَّعَلِّيٓ اَبْلُغُ الْاَسْبَابَ ۝
ای هامان بکن برای من بنای برافراشته شاید برسم بر رهها

اَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَاَطَّلِعَ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوسٰى وَ
بر راههای آسمانها ۝ پس دیده ور شوم بسوی خدای موسی ع و

اِنِّي لَاَظُنُّهُ كَاذِبًا ۝ وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ
بدرستیکه من گمان برم موسی را دروغگوی ۝ همچنانکه آراسته داده شد فرعون را

ویقوم انی اخاف
آنچه ذکر این آیه کریمه
در بیان یاد دادن
وصف مومنان
اهل اسلام پیشین
قوم نبی علیه السلام
در دور نیست کافران
استعمال کرده نوح
در طوفان بلا و فنا
نزد و کرده ها که
با دوم و مستاصل
گشتند و قوم فرعون که
بایشان محو گردند
ماند آنکه از
اهل ایشان بودند
نصحت اهل ...
که بر ایشان

در بیان دعوی کذب دیستن بگوید این آیه حسنها گذشته و دیگر فرعون جنانچه در آیات سابق بعد از ظاهر کرفت رشتند ولیکن اصحاب ایمان بر رود بر گشت

سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِ ۚ وَمَا كَيْدُ

بدکرداری وباز داشته شد از راه راست و نبود مکر

فِرْعَوْنَ إِلَّا فِى تَبَابٍ ۝ وَقَالَ ٱلَّذِىٓ ءَامَنَ يَٰقَوْمِ

فرعون مگر در تباهی وگفت آنکه گرویده بود ای گروه من

ٱتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ۝ يَٰقَوْمِ

پیروی کنید مرا تا نمایم شمارا راه راست ای گروه من

إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا مَتَٰعٌ وَإِنَّ ٱلْءَاخِرَةَ

جز این نیست که این زندگانی دنیا برخورداری وبدرستیکه آخرة

هِىَ دَارُ ٱلْقَرَارِ ۝ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰٓ

اوست سرای آرام هرکه بکند کرداری بد پس جزا داده نمیشود

إِلَّا مِثْلَهَا ۖ وَمَنْ عَمِلَ صَٰلِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ

مگر مانند آن وهرکه بکند نیکو از مرد یا زن

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ يَدْخُلُونَ ٱلْجَنَّةَ

واو مومن باشد پس آنگروه در آیند بهشت

يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَيَٰقَوْمِ مَا لِىٓ

روزی داده شوند دران بیشمار وای قوم من چیست مرا

أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدْعُونَنِىٓ إِلَى ٱلنَّارِ ۝ تَدْعُونَنِى

میخوانم شمارا بسوی رهائی یافتن وشما میخوانید مرا بسوی آتش میخوانید مرا

لِأَكْفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِۦ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ

تا کافر شوم بخدا تعالی وشریک کردانم بوی آنچیزی که نیست مرا بآن دانشی

وَأَنَا۠ أَدْعُوكُمْ إِلَى ٱلْعَزِيزِ ٱلْغَفَّٰرِ ۝ لَا جَرَمَ

ومن میخوانم شمارا بخدای غالب و آمرزنده نیست جرم

أَنَّمَا تَدْعُونَنِىٓ إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُۥ دَعْوَةٌ فِى ٱلدُّنْيَا

آنکه میخوانید مرا بسوی او نیست مراورا دعوتی در دنیا

وَلَا فِى ٱلْءَاخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلْمُسْرِفِينَ

ونه در آخرة وآنکه بازگشت ما بسوی خدای تعالی است وآنکه گزاف کاران

هُمْ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۝ فَسَتَذْكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمْ

ایشانند یاران دوزخ پس بزودی یاد خواهید کرد آن نصیحت که میگیم شمارا

نصف

ع

فرعون در دروغ در دعوی رسالت یاد دارانکه او از خدای است ... بیان زنان خشن ویاران عمارت وموسی علیه السلام باید و ... واوقف

وَأُفَوِّضُ أَمْرِيٓ إِلَى ٱللَّهِ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرٌۢ بِٱلْعِبَادِ ۝
و میسپرم کار خود را بخدا تعالی هر آینه خدا تعالی بینا ست بامور بندگان چون

فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُوا۟ وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرْعَوْنَ
پس نگاه داشت آن مومن را خدا تعالی از بدیهای آنچه اندیشیده بودند و فرو گرفت کسان فرعون

سُوٓءُ ٱلْعَذَابِ ۝ ٱلنَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا
بدی عذاب آتش عرض کرده شوند بر آتش بامداد

وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدْخِلُوٓا۟ ءَالَ فِرْعَوْنَ
و شبانگاه و روزیکه بر پا شود قیامت گوید در آرید آل فرعون را

أَشَدَّ ٱلْعَذَابِ ۝ وَإِذْ يَتَحَآجُّونَ فِى ٱلنَّارِ فَيَقُولُ
سخت ترین عذاب و چون مخاصمت کنند در آتش پس گویند

ٱلضُّعَفَٰٓؤُا۟ لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا۟ إِنَّا كُنَّا لَكُمْ
بیچارگان مر آنان که سرکش بودند هر آینه ما بودیم مر شما را

تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِّنَ ٱلنَّارِ
پیروان پس آیا هستید شما دفع کنندگان از ما بهره از آتش

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا۟ إِنَّا كُلٌّ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ
گویند آنانکه سرکشان بودند هر آینه ما همه در دوزخیم هر آینه خدا تعالی

قَدْ حَكَمَ بَيْنَ ٱلْعِبَادِ ۝ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِى ٱلنَّارِ
بتحقیق حکم کرده است میان بندگان و گویند آنانکه در آتش

لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدْعُوا۟ رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا
مر خازنان دوزخ بخوانید پروردگار خود را تا تخفیف کند از ما روزی

مِّنَ ٱلْعَذَابِ قَالُوٓا۟ أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُم
از عذاب گویند آیا نبود آمدند شما پیغمبران شما

بِٱلْبَيِّنَٰتِ قَالُوا۟ بَلَىٰ قَالُوا۟ فَٱدْعُوا۟ وَمَا دُعَٰٓؤُا۟
بحجتهای روشن گویند آری گویند بخوانید و نیست دعای

ٱلْكَٰفِرِينَ إِلَّا فِى ضَلَٰلٍ ۝ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا
کافران مگر در گمراهی هر آینه ما یاری میدهیم پیغمبران خود را

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ
و آنانکه گرویدند در زندگانی دنیا و روزیکه قایم شوند

الاشهاد ۝ يوم لا ينفع الظلمين معذرتهم
گواهان روزیکه سود نکند ستمکارانرا عذر آوردن ایشان
ولهم اللعنة ولهم سوء الدار ۝ ولقد
ومر ایشانراست لعنت ومر ایشانراست سرای بد و بدرستیکه
اتينا موسى الهدى واورثنا بني اسراءيل
دادیم موسی را راه نمودن و میراث دادیم بنی اسرائیل
الكتب هدى وذكرى لاولي الالبب ۝ فاصبر
توریت راه نمودن و پند دهنده مر خداوندان عقول پس صبر کن
ان وعد الله حق واستغفر لذنبك وسبح
بدرستیکه وعده خدا تعالی راست است و طلب آمرزش نمای مر گناه امت را و تسبیح گوی
بحمد ربك بالعشي والابكر ۝ ان الذين
بستایش پروردگار خود بشبانگاه و بامداد بدرستیکه آنانکه
يجادلون في ايت الله بغير سلطن اتهم ان
جدال کنند در آیتهای خدا تعالی بی حجتی که آمده باشد ایشانرا نیست
في صدورهم الا كبر ما هم ببالغيه
در سینهای ایشان مگر بزرگی نیستند ایشان رسنده بدان
فاستعذ بالله انه هو السميع البصير
پس پناه گیر بخدا تعالی بدرستیکه اوست شنوا بینا
لخلق السموت والارض اكبر من خلق الناس
هر آینه آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر از آفریدن آدمیان
ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ وما يستوي
ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند و مساوی نیستند
الاعمى والبصير والذين امنوا وعملوا الصلحت
نابینا و بینا و آنانکه گرویدند و کردند شایستها
ولا المسيء قليلا ما تتذكرون ۝ ان الساعة
و نه بدکار اندکی پند می پذیرند بدرستیکه قیامت
لاتية لا ريب فيها ولكن اكثر الناس لا يؤمنون
آینده است نیست شک در آن ولیکن بیشتر مردمان نمیگروند

وقال ربكم

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ

و گفت پروردگار شما بخوانید مرا اجابت کنم شما را بدرستیکه آنانکه

يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

سرکشی نمایند از پرستش من زود باشد که در آیند

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

بدوزخ بیچارگان خدا تعالی آنکه پیدا کرد برای شما

اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ

شب را تا ساکن شوید در و روز را روشن کننده بدرستیکه خدا تعالی

لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان

لَا يَشْكُرُونَ ۝ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

سپاسداری نمیکنند آنکه این کند خدا است پروردگار شما آفریننده همه چیزها

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ۝ كَذَلِكَ يُؤْفَكُ

نیست معبودی مگر او پس چگونه بر گردانیده میشوید همچنانکه بر گردانیده میشوند

الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ

آنانکه هستند بآیات خدا تعالی انکار میکنند خدا تعالی آنکه ساخت

لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ

برای شما زمین آرام و آسمان بنای بر داشته و شکل ساخت شما را

فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

پس نیکو ساخت صورتهای شما و روزی داد شما را از پاکیزه

ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الْحَيُّ

اینچنین تصویر کرد خدا است آفریدگار شما پس برتر است خدا تعالی آفریدگار عالمیان اوست زنده

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

نیست معبودی مگر او پس بپرستید او را پاک سازندگان برای او دین

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ

ستایش مر خدا را پروردگار عالمیان بگو بدرستیکه من نهی کرده شدم از آنکه

أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا

پرستم آنانرا که میپرستید از جز خدا تعالی آنهنگام که

تا دادن
سخن فانی نزد و
حضرت حق تعالی ترک
از هر چه غیر حق میبود
در روز صفت و تسبیح سلطان
و در منت کافران
آیت نازل شد بیست
ان الذین یجادلون
برای ذوقی
ع
آیت بود که
کفار در باب بعث و
قرآن مجادله میکردند
که قرآن سخن خدای
نیست و دیگر بودن
حضرت رسالت
آنرا صلی الله علیه
و آله و اصحابه و سلم

جاءني البينت من ربي وامرت ان

آمده است بمن آیات از پروردگار من و مامور شده ام که

اسلم لرب العلمين ۝ هو الذي خلقكم

گردن نهم مر آفریدگار عالمیان اوست آنکه بیافرید شما را

من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم

از خاک پس از نطفه پس از علقه پس

يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم ثم

بیرون آرد از شما کودکی پس تا برسید بغایت قوة شما پس

لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من

تا گردید پیران و از شما که میرانیده شود پیش از

قبل ولتبلغوا اجلا مسمى ولعلكم تعقلون

بلوغ و تا برسید بمدتی نامزد شده و شاید که شما تعقل کنید

هو الذي يحيي ويميت فاذا قضى امرا فانما

اوست آنکه زنده گرداند و میراند پس چون حکم کند کاری را پس جز این نیست

يقول له كن فيكون ۝ الم تر الى الذين

که گوید مر او را باش پس باشد آیا نمی نگری بسوی آنانکه

يجادلون في ايت الله انى يصرفون ۝

جدال میکنند در آیتهای خدا تعالی چگونه گردانیده میشوند

الذين كذبوا بالكتب وبما ارسلنا به رسلنا

آنانکه تکذیب کردند بقرآن و بآنچه فرستاده ایم با نجز پیغمبران خود را

فسوف يعلمون ۝ اذ الاغلل في اعناقهم

پس زود باشد که بدانند آنگاه که غلها در گردنهای ایشان

والسلسل يسحبون في الحميم ثم في النار

و زنجیرها کشیده میشوند در آب جوشان پس در آتش

يسجرون ۝ ثم قيل لهم اين ما كنتم تشركون

بریان ساخته شوند پس گویند ایشان را کجا اند آنکه بودید که انباز میگرفتید

من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن

از جز خدا تعالی گویند گم شدند از ما بلکه نبودیم

ع

ندعوا

[illegible]

ءايٰتُهُ قُرءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ بَشِيرًا وَ
آیتهای وی قرآنی بلغت عرب برای گروهیکه دانند مژده دهنده و
نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ
بیم کننده پس رو برتافتند بیشتر ایشان پس ایشان نمیشنوند
وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
و گفتند دلهای ما در پوششهاست از آنچه میخوانی ما را بسوی آن چیز
وَفِي ءَاذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ
و در گوشهای ما گرانیست و از میان ما و میان تو پرده ایست
فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ
پس عمل کن بدرستیکه ما عمل کنندگانیم بگو جز این نیست که من آدمیم مانند شما
يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا
وحی کرده شد بمن جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس مستقیم باشید
إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ
بسوی او و آمرزش جوئید ازو و سختی عذاب مر مشرکانراست
الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ
آنانکه نمیدهند زکوة و ایشان بآخرة ایشان
كَافِرُونَ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
ناگرویدگانند بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته
لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ
مر ایشانراست مزدی ناکاسته بگو آیا شما کافر میشوید
بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ
بآنکسیکه بیافرید زمین در دو روز و میسازید
لَهُ أَندَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَجَعَلَ فِيهَا
برای وی همتایان آن خدا که پروردگار عالمیانست و بیافرید در آن
رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا
کوههای بلند از زبر آن و برکت داد در زمین و تقدیر کرد در زمین
أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ
روزیهای اهل زمین در چهار روز یکسان شد مر پرسندگانرا

ثلثه ع

وی متشکل شوند و او را گویند دیوان بصورت ابوبن من گویا آری فی هند زنده کردم از ... گوید را ... بصورت آدمیان بی بی را و دیوان دارد که متمثل شوند باشد

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا
پس قصد کرد بسوی آسمان و وی دخانی بود پس گفت آسمان را

وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا
و زمین را بیایند با آنچه شما را فرمایم گفتند آمدیم

طَائِعِينَ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ
فرمان برداران پس بپرداخت آنرا هفت آسمان در دو روز

وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ
و وحی کرد در هر آسمان الهام فرمود و بیاراستیم آسمان

الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
دنیا بچراغها و نگاهداشتیم این تقدیر غالب و

الْعَلِيمِ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً
داناست پس اگر برگردند از ایمان پس بگو بیم کردم شما را از صاعقه

مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ إِذْ جَاءَتْهُمُ
مثل عذاب عاد و ثمود وقتیکه آمد بر ایشان

الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا
پیغمبران از پیش روی ایشان و از پس ایشان که مپرستید

إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً
مگر خدا تعالی گفتند اگر خواستی خدا تعالی هر آینه فرستادی فرشتگان

فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا
پس ما بآنچه فرستاده شده اید بآن ناگرویدگانیم پس اما عادیان پس گردنکشی کردند

فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا
در زمین بناحق و گفتند کیست سخت تر از ما

قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ
از قوت آیا ندیدند آنکه خدا تعالی که بیافرید ایشانرا سخت تر

مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ فَأَرْسَلْنَا
از ایشان از قوت و بودند بآیتهای ما منکر شدند پس فرستادیم

عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ
بر ایشان بادی باآواز مهیب در روزهای شوم تا بچشانیم ایشانرا

عذاب الخزي

تدعوا من قبل شيئا كذلك يضل الله

كه خوانده شیم پیش ازین چیزرا همچنین فرو گذارد خدای تعالی

الكفرين ۝ ذلكم بما كنتم تفرحون في

کافران را این بسبب آنست که شادی میکردید در

الارض بغير الحق وبما كنتم تمرحون ۝

زمین بناحق وبآنچه بودید که می نازیدید

ادخلوا ابواب جهنم خلدين فيها فبئس

درآیید درهای دوزخ جاوید دران پس بد

مثوى المتكبرين ۝ فاصبر ان وعد الله

آرامگاه است گردنکشان را پس صبر کن بدرستیکه وعده خدای تعالی

حق فاما نرينك بعض الذي نعدهم او

حق است پس اگر بنمایم برخی آنچه وعده دادیم ایشان را یا اگر

نتوفينك فالينا يرجعون ۝ ولقد ارسلنا

بمیرانیم ترا پس بسوی ما بازگردیده خواهند شد وبدرستیکه فرستادیم

رسلا من قبلك منهم من قصصنا عليك

پیغمبران پیش از تو از ایشان آنها که خواندیم قصهای ایشان بر تو

ومنهم من لم نقصص عليك وما كان

واز ایشان که قصه ایشان نخوانده ایم بر تو و نبود

لرسول ان يأتي باية الا باذن الله فاذا

هیچ پیغمبر را آنکه بیارد معجزه مگر بفرمان خدای تعالی پس چون

جاء امر الله قضي بالحق وخسر هنالك

بیاید حکم خدای تعالی حکم کرده شود براستی و زیان کنند آنجا

المبطلون ۝ الله الذي جعل لكم الانعام

مبطلان خدای تعالی آنکه بیافرید برای شما چهارپایان

لتركبوا منها ومنها تاكلون ۝ ولكم فيها منافع

تا سوار شوید ازان وازان میخورید و مر شما راست دران منفعت

ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم و

وتا برسید بران حاجتی در سینهای شما و بر شتران

وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ
و بر کشتی بر داشته میشوید و مینماید شما را نشانها پس کدام
آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي
از آیات قدرت انکار میکنید آیا سیر نکردید در
الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
زمین پس بنگرید که چگونه بود سرانجام آنانکه
مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً
پیش از ایشان بودند بیشتر از ایشان و سخت تر از روی توانائی
وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا
و از نشانها در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه بودند
يَكْسِبُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
که کسب میکردند پس چون آمدند بایشان پیغمبران ایشان بحجتها
فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ
شاد شدند بآنچه که نزد ایشان بود از دانش و احاطه کرد بایشان
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا
آنچه بودند که بدان استهزا میکردند پس آنهنگام که دیدند عذاب ما
قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا
گفتند ایمان آوردیم بخدا تعالی یگانه و کافر شدیم بآنچه بودیم
بِهِ مُشْرِكِينَ ۝ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا
که بدان شرک آرندگان پس نبود که سود کند ایشانرا گرویدن ایشان آنهنگام که دیدند
بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَ
عذاب ما را سنت نهاد خدا تعالی آنکه گذشته است در بندگان وی و
خَسِرَ هُنَالِكَ — سورة حم السجدة مكية — الْمُبْطِلُونَ
زیان کار شدند دران زمان کافران
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
حم ۝ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ كِتَابٌ فُصِّلَتْ
فرو فرستاده شده است از بخشنده مهربان کتابی بیان کرده شد

سکینه ... / و بکور ... / علامات ... / ... / ... / ... / ... بیان ... / ... / ... / و ... / اول آسمان ... / ... / ع / ...

مر

مل

آیته

عذاب الخزي في الحيوة الدنيا ولعذاب

عذاب خواری در زندگانی دنیا و عذاب

الاخرة اخزى وهم لا ينصرون ۝ واما ثمود

آخرت رسواتر و ایشان یاری داده نشوند و اما ثمود

فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى

پس دلالت کردیم براه راست پس برگزیدند نابینایی را بر ایمان

فاخذتهم صاعقة العذاب الهون بما

پس گرفت ایشان را صیحه عذاب خوار کننده بانچه

كانوا يكسبون ۝ ونجينا الذين امنوا وكانوا

بودند که کسب میکردند و رهانیدیم آنانرا که گرویدند و بودند

يتقون ۝ ويوم يحشر اعداء الله الى النار

پرهیز میکردند و روزیکه حشر کرده شود دشمنان خدا تعالی بسوی آتش

فهم يوزعون ۝ حتى اذا ما جاءوها شهد

پس ایشان رانده شوند بدوزخ تا چون بیایند با آتش گواهی دهد

عليهم سمعهم وابصارهم وجلودهم بما

بر ایشان گوشهای ایشان و دیدهای ایشان و پوستهای ایشان بانچه

كانوا يعملون ۝ وقالوا لجلودهم لم شهدتم

بودند که عمل میکردند و گویند کافران مر اندامهای ایشان چرا گواهی دادید

علينا قالوا انطقنا الله الذي انطق كل شيء

بر ما گویند سخن آورد ما را خدا تعالی آنچنانکه سخن آورده است هر چیز را

وهو خلقكم اول مرة واليه ترجعون ۝

و او بیافرید شما را اول بار و بسوی او بازگردیده خواهید شد

وما كنتم تستترون ان يشهد عليكم

و نبودید شما که پوشیده شوید از آنکه گواهی دهند بر شما

سمعكم ولا ابصاركم ولا جلودكم

گوشهای شما و نه دیدهای شما و نه پوستهای شما

ولكن ظننتم ان الله لا يعلم كثيرا مما

ولیکن گمان داشتید آنکه خدا تعالی نداند بسیاری از آنچه

ع

تعملون ۝ وذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم

میکنید و آن ظن شما آنکه گمان می بردید بخدای خود

أرداكم فأصبحتم من الخاسرين ۝ فإن يصبروا

هلاک کرد شما را پس گشتید از زیان کاران پس اگر شکیبائی کنند

فالنار مثوى لهم وإن يستعتبوا فما هم

پس آتش قرارگاه مر ایشان را و اگر خشنودی جویند پس نیستند ایشان

من المعتبين ۝ وقيضنا لهم قرناء فزينوا

از اجابت کرده شده و برانگیختیم برای کافران دوستان پس بیاراستند

لهم ما بين أيديهم وما خلفهم وحق عليهم

برای ایشان آنچه پیش ایشانست و آنچه پس ایشانست و واجب گشت بر کافران

القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجن

سخن عذاب با دمیان که گذشته اند پیش از ایشان از دیوان

والإنس إنهم كانوا خاسرين ۝ وقال الذين

و آدمیان بدرستیکه ایشان هستند زیان زدگان و گفتند آنانکه

كفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه

کافر شدند مشنوید مر شنیدن این قرآن را و سخن لغو را در آن

لعلكم تغلبون ۝ فلنذيقن الذين كفروا

شاید که شما غلبه کنید پس بچشانیم آنانکه کافر شدند

عذابا شديدا ولنجزينهم أسوأ الذي كانوا

عذابی سخت و پاداش دهیم ایشان را پاداش بدترین کار که بودند

يعملون ۝ ذلك جزاء أعداء الله النار لهم فيها دار الخلد

که میکردند آن پاداش دشمنان خدایست آتش مر کافرانست در آن سرای جاوید

جزاء بما كانوا بآياتنا يجحدون ۝ وقال الذين

پاداشی بآنچه بودند بآیتهای ما انکار میکردند و گویند آنانکه

كفروا ربنا أرنا الذين أضلانا من الجن و

کافر شدند ای پروردگار ما بنمای ما را آن دو کس را که گمراه کردند ما را از دیو

الإنس نجعلهما تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين

و آدمی تا در آریم ایشان را در زیر پایهای خود تا گردند از فروتران

وذا اعلم خاسر بندری

دیگر سبب نزول

آن بود که کفار میگفتند

اگر جبرئیل را میدیدیم

خداوند تعالی میداند

ع

ان الذين

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا
بدرستیکه آنانکه گفتند پروردگار ما الله است پس بر آن بایستادند
تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا
فرود آیند بر ایشان فرشتگان که مترسید و مرنجید
تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
از اندوه و شاد شوید بآن بهشتی که بودید وعده داده میشدید
نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ
ماکه خدائیم دوستان شمائیم در زندگانی دنیا و در آخرة
وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا
و مر شمارا است در عقبی آنچه میخواهند نفسهای شما و مر شمارا است در عقبی
مَا تَدَّعُونَ ۝ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ۝ وَمَنْ
آنچه میخواهید مهمانی از آمرزنده مهربان و کیست
أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا
نیکوتر از سخن از آنکه خلق را بخواند بپرستش خدا و بکند کار شایسته
وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَلَا تَسْتَوِي
و گوید بدرستیکه من از گردن نهادگانم و نیست برابر
الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
نیکی و نه بدی دفع کن بخصلتی که آن نیکوتر است
فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ
پس چون آنکس که باشد میان تو و میان او دشمنی گویا او دوست و
حَمِيمٌ ۝ وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا
کارساز بود و نه دهند این خصلت مگر آنانرا که صبر کنند و نکنند
يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ۝ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ
عطا این مگر خداوند بهره مندی بزرگ و اگر برسد بتو
مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ
از دیو وسوسه پس پناه جوی بخدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی اوست
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَ
شنوا دانا و از نشانهای او شب و روز و

بسیت سند که قرآن میخوانند او را بنوعی نشنوید که غلط کنند چون حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم و اصحاب قرآن خواندی جمع در مقام آواز بلند نشنوند سخن زنان درست گرفتند حضرت ... آیت فرستاد

ع

الشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر
آفتاب و ماه سجده مکنید مر آفتاب را و نه ماه را

واسجدوا لله الذی خلقهن ان کنتم ایاه
و سجده آرید مر خدای را آنکه بیافرید شان و روز اگر هستید شما که مر او را

تعبدون فان استکبروا فالذین عند
پرستید پس اگر سرکشی کنند پس آنانکه نزدیک

ربک یسبحون له بالیل والنهار وهم لا
پروردگار تو نماز میکنند مر او را بشب و روز و ایشان نشوند

یسئمون ومن ایته انک تری الارض
ملول و از نشانهای او آنکه بینی زمین را

خاشعة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت
فسرده شده پس چون فرستیم بران آب بارانرا بجنبد در آید

وربت ان الذی احیاها لمحیی الموتی انه علی
و افزون گردد بدرستیکه آنکه زنده کننده مردگانست بدرستیکه او بر

کل شیء قدیر ان الذین یلحدون فی
هر چیز تواناست بدرستیکه آنانکه میل کنند بکجی در

ایتنا لا یخفون علینا افمن یلقی فی النار خیر
آیات ما پوشیده نمیشوند برما آیا کسیکه انداخته شود در آتش بهتر است

ام من یاتی امنا یوم القیمة اعملوا ما شئتم
یا کسیکه بیاید ایمن از دوزخ روز قیامت بکنید هر چه میخواهید

انه بما تعملون بصیر ان الذین کفروا
بدرستیکه او بانچه میکنید بیناست بدرستیکه آنانکه کافر شدند

بالذکر لما جاءهم وانه لکتب عزیز
بقرآن آنهنگام که آمد بدیشان و قرآن کتابیست ارجمند

لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه
نیاید بدو آن باطل از پیش وی و نه از پس وی

تنزیل من حکیم حمید ما یقال لک الا
فرستاده شده از خداوند دانا ستوده نمیگویند ترا مگر

سجده

ما قد

[illegible]

ما قد قيل للرسل من قبلك ان ربك لذو
آنچه گفته شده است مر رسولان را که پیش از تو بدرستیکه پروردگار تو خداوند
مغفرة وذو عقاب اليم ۝ ولو جعلنه قرانا
آمرزش است و خداوند عقوبت دردناک واگر ما فرستادیم قرآن
اعجميا لقالوا لولا فصلت ايته ءاعجمي و
بغیر لغت عرب میگفتند چرا بیان کرده نشد آیتها بزبانی که فهم کنیم و
عربي قل هو للذين امنوا هدى وشفاء
عربی بگو این کتاب مر آنانرا که گرویدند راه نماینده و شفا بخشنده
والذين لا يؤمنون في اذانهم وقر وهو
و آنانکه نمیگروند در گوشهای ایشان گرانیست و آن
عليهم عمى اولئك ينادون من مكان
بر ایشان پوشیده است آن گروه ندا کرده شوند از جای
بعيد ۝ ولقد اتينا موسى الكتب
دور و بدرستیکه دادیم موسی را توریت
فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت من ربك
پس اختلاف کردند در ان و اگر کلمه بودی پیش گفته از پروردگار تو
لقضي بينهم وانهم لفي شك منه مريب ۝
هرآینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستیکه مشرکان در گمانند از توریت کاینده
من عمل صالحا فلنفسه ومن اساء فعليها
هر که بکند عمل شایسته پس برای نفس اوست و هر که بد کند پس برو است
وما ربك بظلام للعبيد ۝ اليه يرد علم
و نیست پروردگار تو ستم کننده مر بندگانرا بسوی خدای تعالی بازگردانیده شود دانستن
الساعة وما تخرج من ثمرت من اكمامها
قیامت و بیرون نیاید هیچ میوه از غلافهای خود
وما تحمل من انثى ولا تضع الا بعلمه ويوم
و بار نگیرد هیچ ماده و نه بار نهد مگر بدانش خدای تعالی و روزیکه
يناديهم اين شركاءي قالوا اذنك ما منا
بخواند مشرکانرا کجااند انبازان من گویند شنیدیم ترا نیست از ما

ع

الجزء الخامس والعشرون

[illegible]

من شهيد ۝ وضل عنهم ما كانوا يدعون
هیچ گواهی وگم شود از ایشان آنچه بودند که میپرستیدند
من قبل وظنوا ما لهم من محيص ۝ لا يسأم
پیش از این وبیقین میدانند نیست ایشانرا هیچ گریزگاهی ملول نشود
الانسان من دعاء الخير وان مسه الشر
کافر از خواهش نیکی واگر برسد ویرا بدی
فيؤس قنوط ۝ ولئن اذقنه رحمة منا من
پس نا امیدست امید بریده واگر بچشانیم کافر را بخشایشی از نزدیک ما از
بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما اظن
پس سختی رسیده باشد هر آینه گوید این برای منست وگمان نمی برم
الساعة قائمة ولئن رجعت الى ربي ان لي
قیامت برخاسته واگر باز گردانیده شوم بسوی پروردگار من بدرستیکه مراست
عنده للحسنى فلننبئن الذين كفروا بما
نزد خدای تعالی آنچه نیکوترست پس خبر دهیم آنانرا که کافر شدند بآنچه
عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ ۝ واذا
کردند وهر آینه بچشانیم ایشانرا از عذابی درشت وچون
انعمنا على الانسان اعرض ونا بجانبه واذا
انعام کنیم بر آدمی رو بگرداند ودور شود از راه حق وچون
مسه الشر فذو دعاء عريض ۝ قل ارءيتم
برسد اورا بلا پس دعاء بزرگ بگو که خبر دهید مرا
ان كان من عند الله ثم كفرتم به من اضل
اگر باشد قرآن از نزد خدای تعالی پس کافر شدید بدان کیست گمراه تر
ممن هو في شقاق بعيد ۝ سنريهم ءايتنا في
از آنکه او در خلافی دور زود باشد که بنمایم کفار نشانهای در
الافاق وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق
کنارهای جهان ودر نفسهای ایشان تا روشن شود مر ایشانرا که رسول حق است
اولم يكف بربك انه على كل شيء شهيد ۝
آیا بسنده نیست پروردگار تو بدرستیکه او بر هر چیز گواه است

الا انهم

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

بدانید که کافران در شک اند از لقاء پروردگار خود بدانید که او بهر چیز

## سورة الشورى مكية | مُحِيطٌ | وهي خمسون آية

فرا رسنده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

حم ۞ عسق ۞ كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ

همچنین وحی میکند خدایتعالی بسوی تو و بسوی آنانکه

مِن قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞ لَهُ مَا فِي

پیش از تو خدایتعالی غالب و داناست مر اوراست آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

آسمانها و آنچه در زمین است و او برتر بزرگ

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ

نزدیک شده آسمانها بشکافند از زبر یکدیگر و فرشتگان

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي

تنزیه کنند بحمد پروردگار ایشان و آمرزش طلبند برای کسانیکه در

الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۞

زمین است بدانید بدرستیکه خدایتعالی اوست آمرزنده مهربان

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ

و آنانکه گرفتند بجز خدایتعالی دوستان خدایتعالی نگهبانست

عَلَيْهِمْ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ۞ وَكَذَٰلِكَ

برایشان و نیستی تو برایشان گماشته شده و همچنان

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ

وحی کردیم بتو قرآنی بلغت عرب تا بیم کنی اهل مکه

وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ

وهرکه گرداگرد آن و بیم کنی بروز قیامت نیست شک در آن

فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۞ وَلَوْ شَاءَ

گروهی در بهشت و گروهی در آتش و اگر خواستی

اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ
خدا تعالی گردانیدی همه خلایق را گروهی یگانه ولیکن در آرد هر کرا
يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظّٰلِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ
خواهد در بهشت خود و ستمکاران نیست مر ایشان را هیچ دوستی
وَلَا نَصِيرٍ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
و نه یاری بلکه گرفتند بجز خدا تعالی دوستان
فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَهُوَ عَلٰى
پس خدا تعالی اوست دوستی و او زنده گرداند مردگان را و او بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ
هر چیز تواناست و آنچه اختلاف کنند دران از چیزی
فَحُكْمُهُ إِلَى اللّٰهِ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبِّي عَلَيْهِ
پس حکم آن بخدا تعالی آنکه خدای بحق است پروردگار من بر او
تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ فَاطِرُ السَّمٰوٰتِ وَ
توکل کردم و بسوی او بازمیگردم آفریننده آسمانها و
الْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ
زمین بیافرید برای شما از جنس شما زنان و از
الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ
چهارپایان صنفها بسیار میکرداند شما را درین تزویج نیست مانند او
شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ
چیزی و او شنوا بیناست مر او راست کلیدهای آسمانها
وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ
و زمین گشاده گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ گرداند
إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ
بدرستیکه او بهر چیز داناست بیان کرد برای شما از طاعت
مَا وَصّٰى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا
آنچه فرمود آنچیز را نوح ع و آنچیز که وحی کردیم بتو و آنچه
وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى وَعِيسٰى أَنْ أَقِيمُوا
امر کرده بودیم بدان ابراهیم ع و موسی ع و عیسی ع آنکه برپا دارید

که بخشم
عموم استغفار
مؤمن و غیر مؤمن
در استغفار مخصوص
منسوخ است و مخصوص
به آیه در سوره مؤمن
ع
در حکم
استغفار خاص مؤمنان
در دو زن جز ایشان
بمانند ایشان نیست
نسبت میکنند بکم
بر دو دکان نعود و امرهن
طلب میکنند الاکه
زین اندازکاه نهیبر
خدا نیکو است
امرزیده

الدين ولا تتفرقوا فيه كبر على المشركين

دین را · و متفرق مشوید · در ان گرانست · بر مشرکان

ما تدعوهم إليه الله يجتبي إليه من يشاء

آنچه میخوانی ایشان را سوی آنچیز · خدایتعالی جمع کند سوی آنچیز هر کرا میخواهد

ويهدي إليه من ينيب ۝ وما تفرقوا

و راه نماید · بدین حق · هر کرا باز گردد · و پراکنده نشدند

إلا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم

مگر · از پس · آنکه آمد بدیشان · دانش · ستمکاری بود میان ایشان

ولولا كلمة سبقت من ربك إلى أجل

و اگر نه · کلمه · سبقت وعده پیشی گرفته · از پروردگار تو · تا زمانی

مسمى لقضي بينهم وإن الذين أورثوا

نام برده شده · حکم کرده شدی میان ایشان · و هر آینه آنانکه · داده شدند

الكتاب من بعدهم لفي شك منه مريب ۝

کتاب · از پس ایشان · در شک اند · ازین · در تهمت افکنده

فلذلك فادع واستقم كما أمرت ولا تتبع

پس این پس بخوان · و مستقیم باش · همچنانکه فرموده شد · و پیروی مکن

أهواءهم وقل آمنت بما أنزل الله من كتاب

آرزوهای ایشانرا · و بگو · گرویدم · بانچه فرستاده است خدایتعالی از کتاب

وأمرت لأعدل بينكم الله ربنا وربكم لنا

و فرموده شدم · تا آنکه عدل کنم · میان شما · خدایتعالی · پروردگار ما · و پروردگار شما · ما راست

أعمالنا ولكم أعمالكم لا حجة بيننا وبينكم

جزای کردار ما و شماراست جزای کردار شما · خصومتی نیست · میان ما · و میان شما

الله يجمع بيننا وإليه المصير ۝ والذين

خدایتعالی جمع کند · میان ما · و بسوی اوست بازگشت · و آنانکه

يحاجون في الله من بعد ما استجيب له حجتهم

جدال ورزند · در دین خدایتعالی · از پس · آنکه اجابت کرده اند مرقول خدای را حجت ایشان

داحضة عند ربهم وعليهم غضب ولهم

باطلست · نزد پروردگار ایشانست · و بر ایشان · خشم خدایتعالی · و مر ایشان

ولکنها
و از گرفتند بحر خدا
راستان بکتاب بست
بر ایشان و بگسترد
بر ایشان منفعت و همچنین
عهد کرده بودیم نوح را و ...
بجو بقرآن بدست
تا از ... کند ...
دیگر کرده ... مسند
و بر ایشان از روی ...
تو در ... بقیه
در ... بشنید
و کرده در ... علم فلذلک
فادع سبب ...
... بمعجزه
بحضرت

وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ اللَّهُ الَّذِي أَنزَلَ
ومر ایشان راست عذابی سخت خدای تعالی آنکه فرستاد

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ۗ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ
قرآن براستی و ترازو و چه چیز دانا کرد ترا شاید که

السَّاعَةَ قَرِيبٌ ۝ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
قیامت نزدیک بود شتاب میکنند بدان آنانکه ایمان نمی آرند

بِهَا ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ
بدان و آنانکه گرویدند ترسانند از قیامت و میدانند

أَنَّهَا الْحَقُّ ۗ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ
آنکه ساعت راست است و بدانید بتحقیق آنانکه خصومت کنند در قیامت

لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ
هر آینه در گمراهی دور خدای تعالی داناست بر بندگان روزی میدهد

مَن يَشَاءُ ۖ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ مَن كَانَ يُرِيدُ
هرکرا خواهد و او توانا غالب است هرکه باشد که خواهد

حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ ۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ
کشت خیر آن سرای بیفزاییم مر او را در نفع آخرت و هرکه باشد که خواهد

حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ
کشت دنیا بدهیم او را از دنیا و نیست مر او را در آخرت

مِن نَّصِيبٍ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُم مِّنَ الدِّينِ
هیچ بهره آیا ایشان شریک است بر نهاده از برای ایشان از کیش آنچه

مَا لَمْ يَأْذَن بِهِ اللَّهُ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ
آنچه دستوری نداده است آن خدای تعالی و اگر نه کلمه راست بودی حکم کرده شده بودی

بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تَرَى
میان ایشان و بدرستیکه مشرکان مر ایشان راست عذابی دردناک ببینی

الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ
مشرکان را ترسان از آنچه کرده باشند و او رسنده است بایشان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ
و آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته در مرغزارهای

الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ هُوَ
بهشتها مرایشانرا آنچه خواهند نزد آفریدگار ایشان این آنست

الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ
فضل بزرگ این آنست مژده میدهد خدایتعالی بندگان خود را

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ
آنانکه گرویدند وکردند عمل شایسته بگو نمیخواهم شمارا

عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ
بران مزدی مگر دوستی در خویشی وهرکه کسب کند

حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
نیکی را زیاده کنیم مراورا دران نیکی بدرستیکه خدایتعالی آمرزنده

شَكُورٌ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
قدردان بلکه میگویند بربافت برخدایتعالی دروغی

فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ
پس اگر خواهد خدایتعالی مهر نهد بردل تو ومحو کند کجی

وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
وآشکارا کند حق را بسخنان خود بدرستیکه او داناست بآنچه در سینهاست

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ
واوست آنکه قبول کند توبه را از بندگان خود ودرگذارد از

السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ وَيَسْتَجِيبُ
بدیها ومیداند آنچه کنید واجابت کند

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ
آنانکه گرویدند وکردند عمل شایسته وزیاده کرد ایشانرا

مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
از فضل خود وناگرویدگان مرایشانراست عذابی سخت

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ
واگر گشاده کردی خدایتعالی روزی را برای بندگان خود ستم کردندی در زمین

وَلَٰكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ
ولیکن میفرستد روزیرا بتقدیر ازلی آنچه میخواهد بدرستیکه خدایتعالی به بندگان خود داناست

قل لا اسئلکم
آنکه خبر رود نفس
از مفوض بحقیقت
رسالت صلی الله
علیه وعلی آله وصحبه
وسلم علاینه امر کار
الفضل بحکم سبب
اعتبار امره کفی مسند
توبه فرمود سعی ودر
دیم بحر سعی نیم
بره را خرابات نوبیارا
وهم کرد اکه ز
قدر از احوال لحظ
نظم نفس روح شرع
مقبول جمع کرده

در جواب ايشان آيت ... حضرت ... فرمان دست ... وخاطر ... [illegible]

بصير ۝ وهو الذي ينزل الغيث من بعد

بينات واوست آنكه فرستد باران از پس

ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد

آنكه نوميد شوند وپراكنده كند رحمت خودرا واوست دوست وستاينده كار

ومن اٰيٰته خلق السموٰت والارض وما بث

وازنشانهاى او آفريدن آسمانها وزمين وآنچه پراكنده

فيهما من دابة وهو على جمعهم اذا يشاء قدير

در آسمان وزمين از جنبندگان واو بر جمع كردن ايشان هرگاه خواهد تواناست

وما اصابكم من مصيبة فبما كسبت ايديكم

وهرچه بشما رسد از مصيبت پس بسبب آنست كه كسب كردند دستهاى شما

ويعفوا عن كثير وما انتم بمعجزين

وعفو كند از بسيارى ونيستيد شما عاجز كنندگان

ع

في الارض وما لكم من دون الله من ولي

در زمين ونيست شمارا از جز خداى تعالى هيچ دوستى

ولا نصير ۝ ومن اٰيٰته الجوار في البحر كالاعلام

ونه يارى وازنشانهاى او كشتيهاى روان در بحر مانند كوهها

ربع

ان يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره

اگر خواهد ساكن گرداند باد پس گردند كشتيها ايستادگان بر پشت آب

ان في ذلك لاٰيٰت لكل صبار شكور ۝

بدرستيكه در اين نشانهاست مر هر صبر كننده سپاسدارنده

او يوبقهن بما كسبوا ويعف عن كثير

يا هلاك كند كشتيهارا بانچه كردند ودرگذرد از بسيارى گناهان

ويعلم الذين يجادلون في اٰيٰتنا ما لهم من

وتا بداند آنها كه خصومت كنند در آيتهاى ما نيست مرايشانرا هيچ

محيص ۝ فما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة

گريزگاهى پس آنچه داده شديد از چيزى پس برخوردارى زندگانى

الدنيا وما عند الله خير وابقى للذين

دنياست وآنچه نزد خداى تعالى بهترست وپاينده تر براى كسانيكه

[illegible]

امنوا وعلى

امنوا وعلى ربهم يتوكلون والذين يجتنبون

گرویدند و بر پروردگار خود توکل کنند و آنانکه پرهیز کنند

كبٰئر الاثم والفواحش واذا ما غضبوا هم يغفرون

از گناهان بزرگ و از کارهای زشت و چون خشم گیرند بر مردمان عفو میکنند

والذين استجابوا لربهم واقاموا الصلوٰة

و آنانکه اجابت کردند پروردگار خود را و بپای داشتند نماز را

وامرهم شورى بينهم ومما رزقنٰهم

و کارهای ایشان با مشورتست میان ایشان و از آنچه روزی دادیم ایشان را

ينفقون والذين اذا اصابهم البغي هم

نفقه کنند و آنانکه چون برسد ایشان را ستم ایشان

ينتصرون وجزٰؤا سيئة سيئة مثلها فمن عفا

انتقام کشند و جزاء کردار بد کرداریست مثل آن پس هر که عفو کند

واصلح فاجره على الله انه لا يحب الظٰلمين

و صلاح آرد پس مزد او بر خداست بدرستیکه او دوست ندارد ستمکاران را

ولمن انتصر بعد ظلمه فاولٰئك ما عليهم

و هر که کینه کشد از ظالم از پس آنکه ستم کرده باشند پس آنگروه نیست بر ایشان

من سبيل انما السبيل على الذين يظلمون

هیچ راهی جز این نیست که معاتبه بر آنانکه ستم کردند

الناس ويبغون في الارض بغير الحق اولٰئك

بر مردمان و افزونی جویند در زمین بناحق آنگروه

لهم عذاب اليم ولمن صبر وغفر ان ذٰلك

برای ایشانست عذابی دردناک و هر که شکیبائی کند و بیامرزد بدرستیکه این

لمن عزم الامور ومن يضلل الله فما له

از بهترین کارهاست و هر که فرو گذارد او را خدا از انجا پس نیست مر او را

من ولي من بعده وترى الظٰلمين لما راوا

هیچ دوستی از پس او و ببینی ستمکاران را آنهنگام که ببینند

العذاب يقولون هل الى مرد من سبيل

عذاب گویند آیا هست بسوی بازگشتن هیچ راهی

والذين يجتنبون
آنچه که این آیه است
که مطابق
حال عمر است
رض

والذين استجابوا
آنچه که این آیه است
که مطابق
حال عثمان است
رضی الله عنه

والذين اذا اصابهم
آنچه که این آیه است
که مطابق حال علی
مرتضی
کرم الله وجهه

فمن عفا
ع
[illegible]
آیه است
که مطابق حال حسن است
رضی الله عنه

ولمن صبر
آنچه که این آیه است
که مطابق حال حسین است
رضی الله عنه

وَتَرَىٰهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ
و می‌بینی کفار را که عرض کرده می‌شوند بر آتش فروتنان از خواری
يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟
می‌نگرند از نگریستن پنهان و گفتند آنانکه گرویدند
إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ
بدرستیکه زیان‌کاران آنانند که زیان کردند در نفسهای خود و در کسان خود
يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِى عَذَابٍ مُّقِيمٍ
روز قیامت بدانید بدرستیکه ستمکاران در عذابی پیوسته اند
وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ
و نباشد مر کافران را از هیچ دوستی یاری کنند ایشان را بجز خدا تعالی
وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن سَبِيلٍ ٱسْتَجِيبُوا۟
و هر که گمراه سازد خدا تعالی پس نیست او را هیچ راهی اجابت کنید
لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ
مر پروردگار خود را پیش از آنکه بیاید روزی که بازگردانیده نیست مر آن را از
ٱللَّهِ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُم
خدا تعالی نیست شما را هیچ پناهی آن روز و نیست شما را
مِّن نَّكِيرٍ فَإِنْ أَعْرَضُوا۟ فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ
هیچ انکاری پس اگر روی گردانند پس نفرستادیم ترا بر ایشان
حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقْنَا
نگاهبان نیست بر تو مگر رسانیدن و بدرستیکه ما چون بچشانیم
ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ
کافر را از خود توانگری خوش شود بدان و اگر برسد ایشان را بدی
بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ كَفُورٌ
بانچه پیش فرستاده است دستهای ایشان پس بدرستیکه کافر ناسپاس است
لِّلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ
مر خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین می‌آفریند آنچه خواهد
يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ
می‌بخشد هر که را خواهد دختران و بخشد هر که را خواهد پسران

الذین خسروا
آنچه که این آیه است
در باب
ابولهب و
زن او علیهم اللعنه
نازل شد

ومن یضلل
آنچه که این آیه است
که مطابق حال
ابوجهل
و عتبه و شیبه
و ولید
پلید
علیهم اللعنه نازل شد
و هر که گمراه کند خدا
پس نیست اورا
راه

از پس او

یعنی

او یزوجهم

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ

یا جفت کرداند ایشانرا هم پسر بخشد و هم دختر و میکرداند هرکرا خواهد

عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ

بی فرزند بدرستیکه او داناست توانا و نشاید مر آدمی را آنکه

يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۝

سخن گوید او را خدا تعالی مگر بوحی یا از پس حجاب

أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ

یا فرستد رسولی پس وحی کند بدستوری خدا تعالی آنچه خواهد بدرستیکه او

عَلِيٌّ حَكِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا

برتر دانا و همچنانکه وحی کردیم بتو قرآن

مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ

از فرمان ما نبودی تو که دانستی چه چیز است قرآن و

لَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ

نه ایمان و لیکن کردانیدیم قرآن روشنائی راه نمائیم بدان هرکرا

نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ

خواهیم از بندگان ما و بدرستیکه تو میخوانی مردمانرا براه

مُسْتَقِيمٍ ۝ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

راست راه خدا است آنکه مر او راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ۝

و آنچه در زمین است مر امید بسوی خدا تعالی بازگردد کارها

## سورة الزخرف مكية وهي تسع وثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

حم ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا

قسم بحیوة الله تعالی و بقرآن روشن بدرستیکه ما فرستادیم کتاب را

عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ

بلغت عرب شاید که شما دریابید . و قرآن در اصل همه کتب

لدينا لعلي حكيم ۝ افنضرب عنكم الذكر
نزدیک ما بزرگوار محکم کرده شده ۝ آیا باز داریم از شما قرآن را

صفحا ان كنتم قوما مسرفين ۝ وكم ارسلنا
باز داشتنی آنکه هستید گروهی شرک آرندگان وچند فرستاده ایم

من نبي في الاولين ۝ وما يأتيهم من نبي
از پیغمبر در پیشینان و نیامد کفار گذشته را هیچ فرستاده

الا كانوا به يستهزءون ۝ فاهلكنا اشد
مگر بودند بدان استهزا مینمودند پس هلاک کردیم ما سخت تر

منهم بطشا ومضى مثل الاولين ۝ ولئن
ازیشان از قوة وگذشته است قصه پیشینان واگر

سألتهم من خلق السموت والارض ليقولن
بپرسی قوم خود را که بیافرید آسمانها و زمین هر آینه گویند

خلقهن العزيز العليم ۝ الذي جعل لكم
بیافرید آنها را خداوند غالب و دانا آنکه ساخت برا شما

الارض مهدا وجعل لكم فيها سبلا لعلكم
زمین را بساطی وبیافرید برا ایشان در زمین راهها شاید که شما

تهتدون ۝ والذي نزل من السماء ماء بقدر
راه یابید وآنخدا است فرستاد از آسمان آب باندازه

فانشرنا به بلدة ميتا كذلك تخرجون ۝ و
پس زنده کردیم بآن زمین مرده همچنین بیرون آورده خواهید شد و

الذي خلق الازواج كلها وجعل لكم من
آنکه بیافرید اجناس همه و ساخت برا شما از

الفلك والانعام ما تركبون ۝ لتستووا على
کشتیها واز چهارپایان آنچه سوار شوید تا راست شوید بر

ظهوره ثم تذكروا نعمة ربكم اذا استويتم
پشتهای آن پس یاد کنید نعمت پروردگار خود چون راست شوید

عليه وتقولوا سبحن الذي سخر لنا هذا وما
بروی وگوئید پاک است آنخدا آنکه رام کرد مر برا ما این را

کرد نیست
در شما ... بود که
هیچ بکر ازان ناسخ نیست
و حکم هر آیه منسوخ شد و
سبب ... گفتن
مشرکان بود مرا الطاف قرآن
اما (معصوم) خدا ...
نشد در خاطر مبارک
حضرت رسول الله صلی الله علیه
و سلم
و اندوهی داد و اصحاب
دیگر ایشان گفتند
بسبب ترک شما قرآن را
ایمان نخواهید آورد
چه ...
پس بیاید ...
... ایشان
عامه کنند

کل

كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۝ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ۝
ما مر او را ضبط کنندگان — و بدرستیکه ما بسوی پروردگار ما باز گردندگانیم
وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ
و حکم کنند کافران مر خدای را از بندگان او نصیبی بدرستیکه کافر
لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ۝ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَ
ناسپاسی آشکارا — آیا گرفت خدای تعالی از آنچه آفریند دختران و
أَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ۝ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم
برگزیده شما را به پسران — و چون خبر داده شود یکی از مشرکان
بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا
بآنچه که بیان کند برای خدای بخشنده مثلی گردد روی او سیاه شده
وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ
و او پر است از کرب — یا آنکه پرورده گردد در پیرایه و او
فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۝ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ
در مجادله نه آشکارا — و نام نهاده اند فرشتگان
الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا ۝ أَشَهِدُوا
آنانکه ایشان بندگان خدای تعالی دختران — حتی یشهدوا
خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ۝
آفریدن مر ایشان را زود باشد نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند
وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم
و گفتند اگر خواستی خدای تعالی نمی پرستیدیم ام ای الملائکه نیست ایشان را
بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ أَمْ آتَيْنَاهُمْ
بآنچه میگویند هیچ دانشی نیستند ایشان مگر مکذبون — آیا داده ایم ایشان را
كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۝ بَلْ
کتابی پیش از قرآن پس ایشان بدان چنگ زدگانند — بلکه
قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ
میگویند بدرستیکه ما یافته ایم پدران خود را بر طریقه و بدرستیکه ما بر
آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا
پیهای ایشان راه یافتگانیم — و همچنین نفرستادیم ما

و بعد از آنکه ذکر افتتاح
سوره و صفت حق ب
کریم فرموده در تعجب
کتاب است انزال نموده
وجعلوا الملئکة تکذیب
نزول نبی محمد حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و علی آله و صحبه
وسلم از کافران ذکر فرشتگان
دختران خدا میگفتند
زیرا که فرشتگان را
که مجاوران صوامع
عبادت و ملازمان و
مجامع عبودیت اند
چرا دختران نام می نهند
که گفتند از پدران خود

مِن قَبلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا
پیش از تو در دیهی هیچ بیم کننده مگر گفتند متنعمان آن دیه
إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم
بدرستیکه ما یافته ایم پدران خودرا بر کیشی و بدرستیکه ما بر عقب ایشان
مُّقْتَدُونَ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَىٰ مِمَّا
اقتدا کنندگانیم گفت اگرچه آورده ام بر اهی راستر از آنچه
وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم
یافته اید بران پدران خودرا گفتند بدرستیکه ما بآنچه فرستاده شده اید
بِهِ كَافِرُونَ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ
بران ناگرویدگانیم پس انتقام کشیدیم از ایشان پس درنگر چگونه بود
عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ
سرانجام تکذیب کنندگان وچون گفت ابراهیم مر پدر خودرا
وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا الَّذِي
و گروه خودرا بدرستیکه من بیزارم از آنچه میپرستید مگر آنکه
فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً
بیافرید مرا پس او مرا ثابت دارد و ساختیم ابراهیم کلمه توحید
بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ بَلْ مَتَّعْتُ
پاینده در فرزندان خود شاید که ایشان بازگردند بلکه برخوردار کردم
هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ
این گروه و پدران ایشان تا آمد بر ایشان سخن حق و پیغمبر
مُّبِينٌ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ
آشکارا و آنهنگام که آمد بر ایشان سخن راست گفتند این جادوئیست
وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَٰذَا الْقُرْآنُ
و بدرستیکه ما بران ناگرویدگانیم و گفتند چرا فرستاده نشد این قرآن
عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ أَهُمْ يَقْسِمُونَ
بر مردی از این دو ده بزرگ آیا ایشان بخش میکنند
رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ
رحمت پروردگار ما قسمت کردیم میان ایشان معیشت ایشان

نصف
ع

في الحيوة

فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ
در زندگانی دنیا و برداشتیم برخی از آدمیان بر بعضی

دَرَجٰتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ
درجها تا گیرند بعضی آدمیان بعضی دیگر را کار کننده و بخشش

رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ۝ وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ
پروردگار تو بهترست از آنچه جمع کنند و اگر نه کشتندی آدمیان

أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ
یک گروه میکردانیدیم برای کسیکه میکروند بخدا ابتدای مر خانهای ایشانرا

سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ۝
سقفها از نقره و نردبانها که بران بر بام آن خانها برآیند

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ ۝ وَ
و ساختیم مر خانهای ایشانرا درها و تختها بران تکیه کنند و

زُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
زینتها و نیست همه آنچه که برخورداریست زندگانی دنیا

وَالْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَمَنْ يَعْشُ
و آخرة نزد پروردگار تو مر پرهیزگاران راست و هر که چشم بپوشد

عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطٰنًا فَهُوَ لَهُ
از یاد خدای تعالی برگماریم بر و دیوی پس آن مر او را

قَرِينٌ ۝ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ
همنشین و بدرستیکه ایشان باز میدارند کفار از راه حق و

يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ حَتّٰى إِذَا جَاءَنَا
می پندارند که ایشان راه یافتگانند تا چون بیا مذ بزدیک ما

قَالَ يٰلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ
گوید ای کاشکی میان من و میان تو دوری مشرق و مغرب بودی

فَبِئْسَ الْقَرِينُ ۝ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ
پس بد همنشینی است و سود نکند شمارا امروز چون ظلم کردید

أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ
انکه شما در عذاب انبازان آیا تو بشنوانی

تقلید ابراهیم علیه السلام بکنید که از آن آبای نماست و در معنی کردند اورا لشمنی طریق توحید و خلاص عبادت بماست منزل گردانید این ست

ع افانت تسمع

بجهت بیرون نیامد که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و اصحابه و صحابه و سلم با ایمان قوم و کسیکه تمام در نیست و صدا کسانیکه بشنوید رسالت بهترین

الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ
کر انرا | یا راه نمای | کور انرا | و انرا که هست | در کمراهی
مُبِينٍ ۝ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ
هویدا | پس اگر ببریم ترا | پس ما از ایشان انتقام کشنده ایم
أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ
یا بنمایم بتو | آنچه | وعده داده ایم ایشانرا پس ما برایشان | توانائیم
فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ
پس تو چنگ در زن | بآنچه که | وحی کرده شده بتو | بر راه
مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَ
راست | و قرآن | موعظه | مر ترا | و مر کروه ترا | و
سَوْفَ تُسْأَلُونَ ۝ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ
زود باشد که پرسیده شود | و بپرس | کسانی را که فرستادیم پیش از تو
مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً
از فرستادکان ما | آیا فرموده ایم که بجز | خدای تعالی | خدایان
يُعْبَدُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا
می پرستند | و بدرستیکه فرستادیم | موسی ع | با معجزات
إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ
بسوی فرعون | و کروه او | پس کفت بدرستیکه من فرستاده ام پروردکار
الْعَالَمِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا
عالمیان | پس آورد موسی ع برایشان نشانها ما | ناکهان ایشان ازان
يَضْحَكُونَ ۝ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ
میخندیدند | و نمی نمودیم بایشان هیچ معجزه | مگر او | بزرکتر بود
مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
ازان معجزه که مثل او بود و کرفتیم ایشانرا | بعذاب | شاید که ایشان بر کردند
وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ
و کفتند | ایمرد جادو | بخوان | برای ما پروردکار خود را | بآنچه عهد کرده
عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ
نزدیک تو | بدرستیکه ما راه یافتکانیم | پس چون بر بردیم | از ایشان

اقامت
و بشنوید غافلان و کوران ایشان
افزون از بود در نیابد
حضرت علی کرم الله وجهه
از ال فرعون ان اب
ولقد ارسلنا ... ابن
... ... ... ...
ع
... ... ...
علیه السلام ... ...
... ... ... ...
کفار ... حضرت ... ایات
... ... ... ...
... ... ... ...
... ... ... ...
... ... ... فرعون
... ... ... علیه السلام

العذاب

الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ۝ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ

عذاب همان زمان ایشان پیمان می شکستند و ندا کرد فرعون

فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ

در قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست مرا مملکت مصر و

هَٰذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝

این جویها میرود از زیر قصر من آیا نمی بینید

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ ۝ وَلَا

بلکه من بهترم از این کسیکه او بیمقدار است و نمی

يَكَادُ يُبِينُ ۝ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ

تواند که روشن گرداند پس چرا انداخته نشود بروی دستوانها از

ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ۝

زر یا چرا نیاوده اند با او فرشتگان همراه بردارا ن

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

پس سبک یافت قوم خود را پس فرمان وی بردند بدرستیکه ایشان بودند گروهی

فَاسِقِينَ ۝ فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ

بیرون رفته پس چون درغضب کردند مارا انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق ساختیم ایشان را

أَجْمَعِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ۝

همه پس کردانیدیم ایشانرا پیش روکاوان و عبرتی مر پسینیان را

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ

و چون زده شد بر پسر مریم مثلی انگاه قوم تو از و

يَصِدُّونَ ۝ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا

فزع کنند و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا عیسی ع نکردند

ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ۝

بیان مثل برای تو مگر برای جدال بلکه ایشان گروهی خصومت کران

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا

نیست عیسی ع مگر بنده که منت نهادیم برو و کردانیدیم اورا آیتی

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً

برای بنی اسرائیل و اگر خواهیم سازیم بدل از شما فرشتگان

خداوند تو که
برای ایشان بیمن فرود
نزول آن در کیستی ابن الزبعری
ولما ضرب ابن | الزبعری
در مجلس حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله
و اصحابه و احبابه و سلم
با جمعی دیگر از کفره
گفت مع حجر بشنید که
او را بدون خدای پرستند
مثل حضرت عیسی
علیه السلام معبود نصاری است
بجز خدای پس طعن بر ایشان
کرد و بنی ملحنت
پس درو مع قوم ندانند
فریفتی ازین بحث

فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ

در زمین از پی و را آیند شما را و بدرستیکه عیسی ع علامت بر ساعت

فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

پس شک مکنید بساعت و پیروی کنید اینست راه راست

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

و باز ندارد شمارا دیو بدرستیکه او مر شمارا دشمن

مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ

آشکارا و آنهنگام که آمد عیسی ع بحجتها گفت بدرستیکه

جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي

آمده ام بشما بحکمت و بیان کنم برا شما بعضی آنچه

تَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ

اختلاف میکنید دران پس بترسید از خدا تعالی و فرمان برید مرا بدرستیکه

اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا

خدا تعالی اوست پروردگار من و پروردگار شما پس پرستید اورا اینست

صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ

راه راست پس مختلف شدند فرقها از

بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ

میان ترسایان پس وای مر آنانکه ستم کردند از عذاب روزی

أَلِيمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ

دردناک آیا چشم میدارند مگر قیامت را آنکه بیاید ایشانرا

بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ

ناگهان و ایشان ندانند دوستان در ان روز

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۝ يَا عِبَادِ لَا

بعضی از ایشان مر بعضی را دشمن باشند مگر پرهیزکاران ای بندگان من نیست

خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝

ترسی بر شما امروز و نه شما اندوهگین شوید

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ادْخُلُوا

آنانکه گرویدند بآیتهای ما و بودند گردن نهادگان در آیید

الجنة

صلی الله علیه و آله

ع

بر جلال

الجنة انتم وازواجكم تحبرون ۝ يطاف
بهشت شما و زنان شما شاد کرده شده بگرد اینند
عليهم بصحاف من ذهب واكواب وفيها
بر ایشان کاسهای پهن از زر وکوزهای بی دسته و در بهشت
ماتشتهيه الانفس وتلذ الاعين وانتم
آنچه آرزو کنند نفس ها را و آنچه لذت یابد از آن چشمها و شما
فيها خالدون ۝ وتلك الجنة التي اورثتموها
در بهشت جاوید باشند کانید و آن بهشتی که میراث داده شده اید
بما كنتم تعملون ۝ لكم فيها فاكهة كثيرة منها
بآنچه بودید که عمل میکردید مر شمارا هست در آن میوه بسیار از آنها
تاكلون ۝ ان المجرمين في عذاب جهنم خالدون
میخورید بدرستیکه کافران در عذاب دوزخ جاوید انند
لا يفتر عنهم وهم فيه مبلسون ۝ وما
سست نکنند از ایشان و ایشان در آن ناامید اند و نکردیم
ظلمناهم ولكن كانوا هم الظالمين ۝ ونادوا
ستم ایشان را ولیکن بودند ایشان ستمکاران و ندا کنند
يا مالك ليقض علينا ربك قال انكم ماكثون
ای مالک تا حکم کند بر ما پروردگار تو گوید بدرستیکه شما درنگ کنندگان
لقد جئناكم بالحق ولكن اكثركم للحق
بدرستیکه آورده ایم شما را براستی ولیکن بیشتر شما مر حق را
كارهون ۝ ام ابرموا امرا فانا مبرمون ۝ ام يحسبون انا
ناخواهان بودید بلکه محکم ساختند کار را پس ما نیز محکم کنندگانیم آیا می پندارند که ما
لا نسمع سرهم ونجواهم بلى ورسلنا لديهم
نمی شنویم سخنهای پنهانی و سرهای ایشان آری و فرستادگان ما نزد ایشان
يكتبون ۝ قل ان كان للرحمن ولد فانا اول
می نویسند بگو اگر باشد مر خدا را فرزندی پس ما اول
العابدين ۝ سبحان رب السموات والارض رب
پرستندگانیم پاکست آفریدگار آسمانها و زمین آفریدگار

و او را بنامیم
عیسی علیه السلام مثلی از
بنی اسرائیل و اگر خواهیم
هر آینه بیافرینیم بدل از شما
فرشتگان در زمین خ
در زمین از شما و بدرستیکه
عیسی علیه السلام علم است
ساعت را پس شک مکنید
بقیامت و پیروی کنید
مرا این است راه راست پس
[illegible]
از میان [illegible]
برای [illegible]
عذاب [illegible]
در بیابان [illegible]
[illegible]
[illegible]
روزی

الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَ

عرش از انچه وصف کنند پس بگذار ایشان را تا سعی کنند در باطل و

يَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

بازی کنند تا ببینند روز را که وعده داده شده اند

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ

و اوست آنکه در آسمانها معبود و در زمین معبود

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ

و اوست راست کار دانا و بزرگوار است آنکه مر اوراست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ

آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست و نزدیک اوست دانستن

السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ

قیامت و بسوی اوست باز گشته و مالک نباشند آنانکه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ

پرستند بدون خدای درخواست کردن مگر کسیکه گواهی داده باشد

بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ

براستی و ایشان میدانند و اگر بپرسی ایشانرا که بیافرید ایشانرا

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ

میگویند الله تعالی پس کجا برگردانیده شوند و آنکه گفت ای پروردگار من

إِنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ

بدرستیکه این گروه نمیگروند پس اعراض کن از ایشان

وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

و بگو سلام بر شما است پس زود بدانند

## سورة الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

حم ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ

و سوگند بکتاب هویدا بدرستیکه ما فرستادیم قرآن در شب

مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ

قدر بدرستیکه ما هستیم بیم کنندگان درین شب جدا کرده شود هر

338

أَمۡرٍ حَكِيمٍ ۝ أَمۡرًا مِّنۡ عِندِنَآ إِنَّا كُنَّا مُرۡسِلِينَ
امری حکم کرده شده امری از نزد خود بدرستیکه ما هستیم وفرستندکان

رَحۡمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ۝
بخشایشی از پروردگار تو بدرستیکه اوست شنوا دانا

رَبِّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِن كُنتُم
آفریدگار آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست اگر هستید

مُّوقِنِينَ ۝ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحۡيِۦ وَيُمِيتُ رَبُّكُمۡ وَ
بی گمانان نیست معبودی مگر او زنده گرداند و میمیراند آفریدگار شما و

رَبُّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ۝ بَلۡ هُمۡ فِي شَكٍّ يَلۡعَبُونَ
آفریدگار پدران شما نخستین بلکه ایشان در گمان اند بازی کنند

فَٱرۡتَقِبۡ يَوۡمَ تَأۡتِي ٱلسَّمَآءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ
پس منتظر باش روزیکه بیاید آسمان بدودی آشکارا

يَغۡشَى ٱلنَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ رَّبَّنَا ٱكۡشِفۡ
فرا گیرد مردمان را اینست عذابی دردناک ای پروردگار ما بردار

عَنَّا ٱلۡعَذَابَ إِنَّا مُؤۡمِنُونَ ۝ أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ
از ما عذاب بدرستیکه ما گرویدگانیم چگونه بود مرایشانرا پند گرفتن

وَقَدۡ جَآءَهُمۡ رَسُولٌ مُّبِينٌ ۝ ثُمَّ تَوَلَّوۡا
و بدرستیکه آمد بدیشان فرستاده آشکارا پس پشت کردند

عَنۡهُ وَقَالُواْ مُعَلَّمٌ مَّجۡنُونٌ ۝ إِنَّا كَاشِفُواْ
ازو و گفتند تعلیم داده میشود دیوانه است بدرستیکه ما بردارنده

ٱلۡعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمۡ عَآئِدُونَ ۝ يَوۡمَ نَبۡطِشُ
عذابیم اندکی بدرستیکه شما بازگردنده اید یاد کن روزیکه بگیریم گرفتن

ٱلۡبَطۡشَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰٓ إِنَّا مُنتَقِمُونَ ۝ وَلَقَدۡ
گرفتن بزرگ بدرستیکه ما انتقام کشنده ایم و بدرستیکه

فَتَنَّا قَبۡلَهُمۡ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ وَجَآءَهُمۡ رَسُولٌ كَرِيمٌ
امتحان کردیم پیش ازیشان گروه فرعون و آمد بدیشان پیغمبری بزرگوار

أَنۡ أَدُّوٓاْ إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِ إِنِّي لَكُمۡ رَسُولٌ أَمِينٌ
آنکه ادا کنید بامن بنی اسرائیل بدرستیکه من مرشما را فرستاده ام امین

[illegible]

آمين ﴿﴾ وان لا تعلوا على الله اني اتيكم

ودیگر آنکه سرکشی مکنید بر خدای تعالی بدرستیکه من آرنده ام شما

بسلطن مبين ﴿﴾ واني عذت بربي وربكم

حجتی روشن وبدرستیکه من پناه کیرم با پروردگار خود وپروردگار شما

ان ترجمون ﴿﴾ وان لم تؤمنوا لي فاعتزلون

از آنکه مرا سنکسار کنید واکر باور نمیدارید مرا پس کرانه کنید از من

فدعا ربه ان هؤلاء قوم مجرمون ﴿﴾ فاسر

پس بخواند موسی ع پروردگار خود را با آنکه این کروه مشرکانند پس ببر

بعبادي ليلا انكم متبعون ﴿﴾ واترك البحر

بندکان مرا بشب بدرستیکه شما از پی درآورده شدکانید وبکذار دریا را

رهوا انهم جند مغرقون ﴿﴾ كم تركوا من

ساکن بدرستیکه ایشان کروهی غرق شدکانند چه بسیار بکذاشتند از

جنت وعيون ﴿﴾ وزروع ومقام كريم

بوستانها وچشمها وکشتها ومنزلهای نیکو

ونعمة كانوا فيها فكهين ﴿﴾ كذلك واورثنها

واسباب تنعم که بودند دران شادی کنان همچنین است ومیراث دادیم

قوما اخرين ﴿﴾ فما بكت عليهم السماء والارض

بقومی دیکر پس نکریست بر ایشان آسمان وزمین

وما كانوا منظرين ﴿﴾ ولقد نجينا بني اسرءيل

ونبودند مهلت دادکان وبدرستیکه برهانیدیم بنی اسرائیل

من العذاب المهين ﴿﴾ من فرعون انه كان

از عذاب خوار کننده از فرعون بدرستیکه او بود

عاليا من المسرفين ﴿﴾ ولقد اخترنهم على علم

سرکشنده از حد درکذرندکان وبدرستیکه برکزیدیم موسی را ع بدانشی

على العلمين ﴿﴾ واتينهم من الايت ما فيه

بر عالمیان وداریم ایشانرا از نشانها آنکه درو

بلؤا مبين ﴿﴾ ان هؤلاء ليقولون ان هي الا

نعمتی ظاهر بود بدرستیکه این کروه میکویند نیست عاقبة کار مکر

ثلثه ع

[illegible]

موتتنا

موتتنا الاولى وما نحن بمنشرين
مرگ نخستین و نیستیم ما زنده شدگان
فأتوا بآبائنا ان كنتم صادقين اهم خير
پس بیارید پدران ما اگر هستید راست گویان آیا قوم ویش بهترند
ام قوم تبع والذين من قبلهم اهلكناهم
یا قوم تبع و آنانکه پیش از ایشان هلاک کردیم ایشان را
انهم كانوا مجرمين وما خلقنا السموات
بدرستیکه ایشان بودند گناهکاران و نیافریدیم آسمانها
والارض وما بينهما لاعبين ما خلقناهما الا
و زمین و آنچه میان ایشانست بازی کنان نیافریدیم ارض و سما مگر
بالحق ولكن اكثرهم لا يعلمون ان يوم
براستی ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند بدرستیکه روز
الفصل ميقاتهم اجمعين يوم لا يغني مولى
فصل هنگام جمع شدن ایشان است روزیکه دفع نکند دوستی
عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم
دوستی وندی چیزیرا و نه ایشان یاری کرده شوند مگر کسیکه بر و بخشید
الله انه هو العزيز الرحيم ان شجرة الزقوم
خدا تعالی بدرستیکه اوست غالب و مهربان بدرستیکه درخت زقوم
طعام الاثيم كالمهل يغلي في البطون
خوردنی گناهکار است مانند مس گداخته که بجوشد در شکمها
كغلي الحميم خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم
مثل جوشیدن آب گرم بگیرید او را پس بکشید بمیانه دوزخ
ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحميم ذق
پس بریزید بر زبر سر او از عذاب آب گرم بچش
انك انت العزيز الكريم ان هذا ما كنتم به
بدرستیکه تو ارجمند بزرگوار بدرستیکه این عذابست که بودید در آن
تمترون ان المتقين في مقام امين في
شک می آوردید بدرستیکه پرهیزگاران در مقام ایمنی در

جنت وعيون يلبسون من سندس
بوستانها وچشمها می پوشند از حریرهای نازك نازك
واستبرق متقبلين كذلك وزوجنهم
واز حریرهای ستبر که مقابل یکدیگر باشند همچنین وقرین میسازیم ایشان
بحور عين يدعون فيها بكل فكهة
بزنان گشاده چشم میخواهند دران هر میوه
امنين لا يذوقون فيها الموت الا الموتة
که ایمن ومیکنند نچشند دران مرگ را مگر ازمرگ
الاولى ووقىهم عذاب الجحيم فضلا من ربك
پیشین ونگاهدارد بهشتیانرا ازعذاب دوزخ فضلی از آفریدگار تو
ذلك هو الفوز العظيم فانما يسرنه بلسانك
این آنست رستگاری بزرگ پس جزاین نیست که آسان کردانیدیم قرآن بزبان تو
لعلهم يتذكرون فارتقب انهم مرتقبون
شاید که قوم تو پند گیرند پس چشم دار مرگ ایشان

## سورة الجاثية مكية وهي ست وثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان
حم تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم
ای حاجی یا مالك فرود آمدن کتاب از خدای غالب و محکم کار است
ان في السموت والارض لايت للمؤمنين
بدرستیکه در آسمانها وزمین نشانهاست مرگرویدگانرا
وفي خلقكم وما يبث من دابة ايت لقوم
ودر آفریدن شما ودرآنچه پراکنده سازد از جنبندگان علامتها مرگروهی راکه
يوقنون واختلف اليل والنهار وما انزل
یقین شوند ودر اختلاف شب وروز وآنچه فرستاد
الله من السماء من رزق فاحيا به الارض بعد
خدا تعالی از آسمان از روزی پس زنده گردانید زمین پس از

و قوم او را زجر
تا عاقبت مخالفت
کردند که تو دروغ زن
باشی ما با تو نمی گرویم
بیع و الالمل الخ ابر بستر
پیش از ایشان خواندن ایشان
درنیامد و زنده کنند
با ایشان امتحان نمیکنیم
و نیز کافر و ادعو امرکما
یمین یعنی عن عجل کل الیدیا
دون
ع
بعض ایشان ان
و اندیر سلطان تو
حق آن را گفت ابر
القصه احاب بر حق
حق باشد درون
افتند

موتها

موتها وتصريف الريح ايت لقوم يعقلون
مردیکه آن و در گردانیدن بادها دلالتهاست مر گروهی را که تعقل کنند

تلك ايت الله نتلوها عليك بالحق فباي
این دلایل قدرت الله تعالی میخوانیم بر تو براستی پس بکدام

حديث بعد الله وايته يؤمنون ويل
سخن بعد از حدیث خدا تعالی و آیات او میگروند و سختی عذاب

لكل افاك اثيم يسمع ايت الله تتلى عليه
مر هر دروغگوی بسیار گناه را میشنود آیات خدا تعالی خوانده میشود بر او

ثم يصر مستكبرا كان لم يسمعها فبشره
پس مصر باشد که گردنکش است گویا که نشنیده است آنرا پس خبر ده او را

بعذاب اليم واذا علم من ايتنا شيئا
بعذابی دردناک و چون بشنود از آیات ما چیزی

اتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين
فرا گیرد آنرا مسخره آن گروه مر ایشانراست عذابی خوار

من ورائهم جهنم ولا يغني عنهم ما كسبوا
از پس ایشان دوزخ است و دفع نکند از ایشان آنچه کسب کرده اند

شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولياء و
چیزی را و نه دفع کند آنچه فرا گرفتند از جز خدا تعالی دوستان و

لهم عذاب عظيم هذا هدى والذين كفروا
مر ایشانراست عذابی بزرگ این قرآن راه نماینده است و آنانکه کافر شدند

بايت ربهم لهم عذاب من رجز اليم الله
بآیات پروردگار خود مر ایشانراست عذابی از سختی الم رساننده خدا تعالی

الذي سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بامره
آنکه رام کرد برای شما دریا تا میرود کشتیها دران بفرمان خدا تعالی

ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
و تا طلب کنند از فضل خدا تعالی و شاید که شما شکر گویند

وسخر لكم ما في السموت وما في الارض جميعا
و رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه

و بسبب آنست
در روز ... مرتد و
کشتیها ایشان در روی
بحر برفتند و در دریا
بر شرف ... عجم بمرد
... نامه ...
بحضرت پیغامبر صلی الله
علیه و آله و اصحابه و سلم
و ... رسول ببعضی ...
... از حضرت ...
... 
ع
... برده و ...
... بعوض
... فرزند ...
... از بنی ...
ابو ایوب انصاری
رضی الله عنه

مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

از وست بدرستیکه در این نشانها برای گروهیکه تفکر کنند

قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

بگو مر آنانرا که گرویدند عفو کنند مر آنانرا که نمی ترسند

أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

از روزهای خدایتعالی تا جزا دهد گروهی را بانچه کسب میکردند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا

هرکه بکند شایسته پس برای نفس او وهرکه بد کند پس برای او

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

پس بسوی پروردگار خود بازگردیده خواهید شد وبدرستیکه ما دادیم بنی اسرائیل

الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ

تورية وحکم کردن وپیغمبری وروزی دادیم ایشانرا از

الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَآتَيْنَاهُمْ

پاکیزه وتفضیل دادیم ایشانرا بر عالمیان وعطا کردیم ایشانرا

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا

دلیلها از کار دین پس اختلاف نکردند مگر از پس آنکه

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي

آمد بایشان دانش حسد که میان ایشان بدرستیکه پروردگار تو حکم کند

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا

پس ساختیم ترا بر راه روشن از کار دین پس متابعت کن آنرا

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّهُمْ لَنْ

ومتابعت مکن آرزوهای آنانکه نمیدانند بدرستیکه ایشان نکنند

يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

دفع از تو از عذاب خدایتعالی چیزی را وبدرستیکه ستمکاران

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ

بعضی از ایشان دوستان بعضی دیگر وخدایتعالی دوست پرهیزکارانست

هذا

بعفو وازیهم
بنوقف عرض ساید
و بخدمت صبر اقدر
علیه واله و حجاب و او حجاب
و بلیه ثروت و سرمو
کرمیابالاخ العلاح بلیه
از من بعد بند بار او و کاهو
سه بدار ایمان به او و صرف
و این کیچاره ونعیال او
اوکار ابسعد عمیران و
ثبت و ثبات اوادن بارث
عمر بن الخطاب از یکی بب
ثروش را بخود کفاری
در نشکم عمر ازار اقدر
عفو ونشسته او از ابی
کسی سخت عمر یعفو عنو
ره او را زیمیرد

هذا بصائر للناس وهدى ورحمة لقوم
این بینایهاست مردمان را وراه نمونست وبخشش مرگروهیکه
یوقنون ۝ ام حسب الذین اجترحوا السیات
یقین میشوند آیا پنداشتند آنانکه کسب کردند بدیها را
ان نجعلهم کالذین امنوا وعملوا الصلحت
آنکه گردانیم ایشان را مانند آنانکه گرویدند وکردند شایسته
سواء محیاهم ومماتهم ساء ما یحکمون
یکسانست زندگانی آدمیان ومرگ ایشان بد حکمیست که ایشان میکنند
وخلق الله السموت والارض بالحق ولتجزی
وبیافرید خدای تعالی آسمانها وزمین براستی وپاداش داده شود
کل نفس بما کسبت وهم لا یظلمون ۝ افرایت
هر کسی را بآنچه کسب کرده باشد وایشان ستم دیده نشوند آیا چون دیدی
من اتخذ الهه هوىه واضله الله علی علم و
آنرا که گرفت خدای خود را هوای خود وگمراه کرد او را خدای تعالی بر دانستنی وگر
ختم علی سمعه وقلبه وجعل علی بصره غشاوة
مهر نهاد بر گوش او ودل او ونهاد بر چشم او پوستی
فمن یهدیه من بعد الله افلا تذکرون
پس که راه نماید از پس اضلال الله تعالی آیا پند نمیگیرند
وقالوا ما هی الا حیوتنا الدنیا نموت ونحیا
وگفتند نیست این مگر زندگانی دنیا میمیریم وزنده میشویم
وما یهلکنا الا الدهر وما لهم بذلک من
وهلاک نمیکند ما را مگر زمان همیشگی ونیست کافران را بآن هیچ
علم ان هم الا یظنون ۝ واذا تتلی علیهم
دانشی نیستند ایشان مگر گمان میبرند وچون خوانده شود بر ایشان
ایتنا بینت ما کان حجتهم الا ان قالوا ائتوا
آیتهای ما روشن نباشد حجت ایشان مگر آنکه گویند بیارید
باباءنا ان کنتم صدقین ۝ قل الله یحییکم ثم یمیتکم
پدران ما را اگر هستید راست گویان بگو خدای تعالی زنده میکرد شما را پس بمیراند شما را

در نقام کشد
و چون بنوز نهفت
بجا و بنود حضرت حق
سبحانه و تعالی بعفو
و بنود درین باب آیت
از زوال ... کرد جواشی
ع
این است
ام حسب الذین اجترحوا
...
از مشرکان ...
گفتند ایچ شما در باب
بعث و حشر بگویید
...
بالا دیدار ...
بر از شما ملک و جاه
افزون خواهیم
بعو

ثم يجمعكم الى يوم القيامة لا ريب فيه ولكن اكثر الناس
پس جمع کند شما را در قبور تا روز رستخیز نیست شک در ان ولیکن بیشتر مردمان
لا يعلمون ۝ ولله ملك السموت والارض
نمیدانند ۝ و مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین
ويوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون
و روزیکه قایم شود قیامت در ان روز زیان کار شوند تباه کاران
وترى كل امة جاثية كل امة تدعى الى
و ببینی هر گروهی را بزانو در افتاده هر گروهی را خوانده شود بسوی
كتابها اليوم تجزون ما كنتم تعملون ۝ هذا
نوشتهای اعمال خود امروز جزا داده خواهید شد آنچه بودید که عمل میکردید ۝ اینست
كتابنا ينطق عليكم بالحق انا كنا نستنسخ
کتاب ما سخن گوید بر شما براستی بدرستیکه ما بودیم نسخه کرفتیم
ما كنتم تعملون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا الصلحت
آنچه بودید که کردید ۝ پس اما آنانکه گرویدند و کردند شایسته
فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك هو الفوز
پس در آرد ایشانرا پروردگار ایشان در رحمت خود این اوست رستگاری
المبين ۝ واما الذين كفروا افلم تكن ايتي
هویدا ۝ و اما آنانکه نگرویدند آیا نبود که آیات من
تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين ۝
خوانده میشود بر شما پس تکبر کردید شما و بودید گروهی گناهکاران
واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لا ريب
و چون گفته میشد بدرستیکه وعده خدا تعالی راست است و قیامت نیست شک
فيها قلتم ما ندرى ما الساعة ان نظن الا
در ان میگفتید ما نمی دانیم چه چیز است قیامت گمان نمی بریم مگر
ظنا وما نحن بمستيقنين ۝ وبدا لهم سيات
گمانی و نیستیم ما بی گمانان ۝ و ظاهر شد مر ایشانرا پاداش بدیها
ما عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون
آنچه کرده اند و فرود آمد بر ایشان آنچه بودند که بران افسوس میداشتند

ویل

وقيل اليوم ننسىكم كما نسيتم لقاء يومكم

و گویند امروز فرو میگذاریم شمارا همچنانکه شما دست بازداشتید دیدن این روز

هذا ومأوىكم النار وما لكم من نصرين

و جایگاه شما آتش است و نیست شمارا هیچ یاران

ذلكم بأنكم اتخذتم ءايت الله هزوا وغرتكم

این بسبب آنست که شما گرفتید آیات خدا تعالی بهزوی و فریفته بود شمارا

الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها ولا هم

زندگانی دنیا پس امروز بیرون آورده نخواهید شد از دوزخ و نه ایشان

يستعتبون فلله الحمد رب السموت ورب

طلب خشنودی کرده شوند پس مر خدایراست ستایش آفریدگار آسمانها و آفریدگار

الأرض رب العلمين وله الكبرياء في

زمین آفریدگار عالمیان و مراوراست بزرگواری

السموت والأرض وهو العزيز الحكيم

آسمانها و زمین و اوست غالب و محکم کار

## سورة الأحقاف مكية وهي أربع وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خداوند بخشاینده مهربان

حم تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

فرو فرستادن کتاب از خدای غالب و محکم کار

ما خلقنا السموت والأرض وما بينهما إلا

نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست مگر

بالحق وأجل مسمى والذين كفروا عما أنذروا

براستی و زمانی نام برده و آنانکه کافر شدند ازانچه بیم کرده شوند

معرضون قل أرءيتم ما تدعون من دون

اعراض کنندگان بگو خبر دهید مرا ازانچه پرستید از جز

الله أروني ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك

خدا تعالی بنمائید من چه چیز آفریده اند از زمین آیا مرایشانراست شرکتی

فِي السَّمٰوٰتِ ائْتُونِي بِكِتٰبٍ مِنْ قَبْلِ هٰذَا أَوْ
در آسمانها بیارید بمن کتابی پیش از آمدن قرآن یا
أَثٰرَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ وَ
بیارید بقیه از دانش اگر هستید راست گویان و
مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَنْ لَا
کیست گمراه تر از کسیکه بخواند بجز خدا تعالی آنرا که نه
يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَهُمْ عَنْ
اجابت کند دعای او را تا روز قیامت و ایشان از
دُعَائِهِمْ غٰفِلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا
خواندن ایشان بیخبرانند و چون حشر کرده شوند مردمان باشند
لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كٰفِرِينَ
مر ایشانرا دشمنان و باشند به پرستش ایشان ناگرویدگان
وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيٰتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالَ الَّذِينَ
و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما روشن گویند آنانکه
كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ
نگرویدند مر سخن حق را آنوقت که آمد ایشانرا این جادویی پیدا
أَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰىهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا
بلکه میگویند بر بسته است آنرا بگو اگر بر بسته باشیم پس
تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ
نتوانید شما مرا از خدا تعالی چیزیرا اوست داناتر بآنچه خوض میکنید
فِيهِ كَفٰى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ
در قرآن بسنده است بخدا تعالی گواه میان ما و میان شما و اوست
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ
آمرزنده مهربان بگو نیستم من نو در آمده از
الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ
پیغمبران و نمیدانم که چه خواهند کرد بمن و نه بشما نمیکنم
أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحٰى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ
پیروی مگر آنچه وحی کرده شود بمن و نیستم من مگر بیم کننده هویدا

سبب ظلم
شدند و به علم عمر نیز
آیه نیز
ان ابیع
سبب نزول این آیه
که عرب دربار ایشان
صحابه بدین آیه
و جماعتی علم دروایت
دیدند که برترین
زنجیر
در حق علمای
صحابه بعد از
این آیه بود
آن شد و
در وفاق
ملکان
از شیخ

ملرادانم

قل ارءيتم ان كان من عند الله وكفرتم
بگوای محمد ص خبر دهید مرا که اگر باشد از نزدیک خدا تعالی وشما کافر شوید
به وشهد شاهد من بني اسرائيل على مثله
بآن وگواهی داده است گواهی از بنی اسرائیل بر مانند این قرآن
فامن واستكبرتم ان الله لا يهدي القوم
پس ایمان آورد وشما سرکشی کردید درستیکه خدا تعالی راه نماید گروه
الظلمين وقال الذين كفروا للذين امنوا
ستمکاران وگفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که گرویدند
لو كان خيرا ما سبقونا اليه واذ لم يهتدوا
اگر بودی نیکو پیشی نگرفتندی مومنان بسوی آن وچون راه نیافتند کافران
به فسيقولون هذا افك قديم ومن
بقرآن پس زود باشد که گویند این قرآن دروغ کهنه است وپیش از
قبله كتب موسى اماما ورحمة وهذا
قرآن کتاب موسی پیشوای ورحمت واین
كتب مصدق لسانا عربيا لينذر الذين
کتابیست باور دارنده بزبان تازی تا بیم کند آنانرا که
ظلموا وبشرى للمحسنين ان الذين
ستم کردند ومژده دهنده مر نیکوکاران را درستیکه آنانکه
قالوا ربنا الله ثم استقاموا فلا خوف عليهم
گفتند پروردگار ما الله است پس بایستادند پس نیست ترسی بر ایشان
ولا هم يحزنون اولئك اصحب الجنة
ونه ایشان اندوهناک شوند آن گروه یاران بهشت اند
خلدين فيها جزاء بما كانوا يعملون ووصينا
جاوید باشند دران پاداشتی بآنچه بودند که میکردند وفرمودیم ما
الانسان بولديه احسانا حملته امه كرها
آدمی را به پدران ومادران خود نیکوی کند برداشته است آدمی را مادر او برنج
ووضعته كرها وحمله وفصله ثلثون
ونهاد و بمشقت ومدت حمل او وزمان از شیر باز کردن سی

شهرا حتى اذا بلغ اشده وبلغ اربعين
ماه است تا چون برسد آدمی بکمال قوة خود و برسد چهل

سنة قال رب اوزعني ان اشكر نعمتك
سالکی گوید ای پروردگار من الهام ده مرا تا شکر گویم نعمتی را

التي انعمت علي وعلى والدي وان اعمل
که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم

صالحا ترضه واصلح لي في ذريتي اني
عمل شایسته تو پسندی آنرا و اصلاح آر برای من در فرزندان من بدرستیکه من

تبت اليك واني من المسلمين اولئك
بازگشتم بسوی تو و بدرستیکه من از گردن نهادگانم آن گروه

الذين نتقبل عنهم احسن ما عملوا ونتجاوز
آنانکه قبول کنیم از ایشان نیکوترین آنچه کردند و درگذرانیم

عن سياتهم في اصحب الجنة وعد الصدق
از گناهان ایشان درمیان اهل بهشت وعده راست

الذي كانوا يوعدون والذي قال لوالديه
آن وعده که در دنیا وعده داده شدند و آنکه گفت پدر و مادر خود را

اف لكما اتعدانني ان اخرج وقد خلت القرون
کراهت مرشمار است آیا وعده میدهید مرا آنکه بیرون آورده شوم و بدرستیکه گذشته قرنها

من قبلي وهما يستغيثان الله ويلك امن
پیش از من و ایشان استغاثه کردند بخدا تعالی وای بر تو ایمان آر

ان وعد الله حق فيقول ما هذا الا اساطير
بدرستیکه وعده خدا تعالی حق است پس آنکه گفت نیست این مگر افسانهای

الاولين اولئك الذين حق عليهم القول في
پیشینیان آن گروه آنانند که واجب شد بر ایشان کلمه عذاب در

امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس
گروهی چند از کفار که گذشتند پیش از ایشان از جن و انس

انهم كانوا خسرين ولكل درجت مما عملوا
بدرستیکه ایشان بودند زیان زده و هر یک را پایهاست از آنچه کردند

بیرون بر بچه
نه بار از رنجها بر بر مرد
و بر رنجش شیر بار بابش
خداوند تعالی در
شکایت بر ما و اولاد
مفسران اینان از ابن
و اشارت این است که
در زنی قال انجه سبب
از ورثش اسلام بند از وی عبد
الرحمن ابن ابی بکر مسلمان بود
عقد و درویکه میبود
بحرف اسلام مشرف
نشده بود و دیگر ان او
دعوت بر این اسلام میکرد
و او از قبول اسلام
ابا میکرد

ولیوفیهم

وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَ
وتا تمام کرداند مرایشانرا جزای کردار ایشان و ایشان ستم دیده نشوند و

يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ
روزیکه عرض کرده شوند آنانکه کافر شدند بر آتش

أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ
کم بردید چیزهای پاکیزه خود در زندگانی دنیا و

اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ
برخورداری یافتید بدان پس امروز جزا داده شوید عذاب خواری

بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ
بآنچه بودید که تکبر کردید در زمین بناحق

وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۝ وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ
و بآنچه بودید پای از دایره بیرون نهادید و یاد کن برادر قوم عاد

إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ
چون بیم کرد قوم خود را بموضع احقاف و حالانکه گذشته بود پیغمبران

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا
پیش از روی او و از پس او آنکه نپرستید

إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝
مگر خدا را هر آینه من میترسم بر شما از عذاب روز بزرگ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا
گفتند آیا آمدی بما تا برگردانی مارا از پرستش بتان پس بیار بما آنچه

تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا
وعده کنی مارا اگر هستی از راستگویان گفت هود جز این نیست

الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ
که علم نزدیک خداست و میرسانم شما آنچه فرستاده شدم بدان

وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهُ
و لیکن من میبینم شمارا گروهی نادانان پس آنوقت که دیدند آنرا

عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ
ابری سایه انداخته و روی آورنده وادیهای ایشان گفتند این ابریست

در آنوقت لیس
در شان او نازل شد
و عقبه بن [illegible] را
مسلمانست و صحیح ست
که در باب [illegible] این
که درو [illegible] عاق
بوده نازل ع
گفته این آیت فلما راوه عارضا
[illegible] این [illegible] در
بیان [illegible]
[illegible]
در نزول عذاب و صول
عاد [illegible]
[illegible] در سوره اعراف
گذشت [illegible] از
عادیان

ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها
باران دهنده بلکه آن چیزیست که شتاب میکرد بوان بادی دران
عذاب اليم تدمر كل شيء بامر ربها فاصبحوا
عذابیست دردناک هلاک کند هر چیزیرا بامر پروردگار پس گشتند
لا يرى الا مسكنهم كذلك نجزي القوم
نه بینند بجز جایگاه ایشان همچنین پاداش دهیم گروه
المجرمين ولقد مكنهم فيما ان مكنكم
کافران وبدرستیکه متمکن کردانیدیم ایشانرا درچیزیکه متمکن نکردانیدیم شمارا
فيه وجعلنا لهم سمعا وابصارا وافئدة
دران ودادیم ایشانرا گوش ودیده ها ودلها
فما اغنى عنهم سمعهم ولا ابصارهم و
پس نکرد دفع از ایشان گوش ایشان ونه دیدهای ایشان
لا افئدتهم من شيء اذ كانوا يجحدون بايت
نه دلهای ایشان از چیزی چون بودند که انکار کردند بایات
الله وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون
خدا تعالی وفرود آمد برایشان آنچه بودند که بدان استهزا میکردند
ولقد اهلكنا ما حولكم من القرى
وبدرستیکه هلاک کردیم آنچه کرداکرد شما بود از دهها
وصرفنا الايت لعلهم يرجعون فلولا
وتکرار کردیم آیتها شاید که ایشان بازگردند پس چرا نکردند
نصرهم الذين اتخذوا من دون الله قربانا
نصرت ایشانرا آنانکه گرفتند از بجز خدا تعالی تقرب خدای
الهة بل ضلوا عنهم وذلك افكهم وما كانوا
خدایان بلکه گم شدند از ایشان واین دروغ ایشانست وآنچه بودند
يفترون واذ صرفنا اليك نفرا من
برمی بافتند وچون بگردانیدیم بسوی تو گروهی از
الجن يستمعون القران فلما حضروه قالوا
دیوان می شنوند قرانرا پس آنوقت که حاضر شدند گفتند

انصتوا

أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ
خاموش باشید پس چون گذارده شد و بازگشت بسوی قوم خود بیم کننده
قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن
گفتند ای گروه ما بدرستیکه ما شنیدیم کتابی فرستاده شد از
بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي
پس موسی باور دارنده مر آنچیز را که پیش از وی راه نماید
إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ يَا قَوْمَنَا
بحق و براهی راست ای گروه ما
أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن
اجابت کنید خواننده خدایتعالی و بگروید بدو بیامرزد شما را از
ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ
گناهان شما و نگاه دارد شما را از عذابی دردناک
وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي
وهرکه اجابت نکند بنده خدا را پس نیست عاجز کننده در
الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ
زمین و نیست مر او را از جز خدایتعالی دوستان آنگروه
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي
در گمراهی هویدا است آیا ندیدند آنکه خدایتعالی که
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ
بیافرید آسمانها و زمین و رنج نرسید او را تا فریدن آنها
بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَن يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ
توانا است بر آنکه زنده گرداند مردگان را آری بدرستیکه او بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا
هر چیز توانا است و روزیکه عرض کرده شوند آنانکه نگرویدند
عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا
بر آتش آیا نیست این براستی گفتند آری و پروردگار ما
قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ
گوید پس بچشید عذاب بسبب آنکه بودید که کافر میشدید

وصحبه وسلم
علیهم بنوازد از جهت
ارتکاب عقوبت نحکم
وزود اهل شکر بخانه
بنجید میکذارد و قرآن
بخواند جمع حیرت کن
از نصیبین بیم فتنه
انجا رسیده آواز قرآن
شنیدند و قدوم آنحضرت
صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم مژده
حضرت حق سبحانه و کی
مومنان از بیم واقعه
جز داد و در بیناب
کتابت فرستاده

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ
پس صبر کن چنانکه صبر کردند خداوندان ثبوت از پیغمبران

وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا
وشتاب مکن بعذاب کفار قریش گویا ایشان آنروز که بینند آنچه

يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ
وعده داده شوند درنگ نکردند مگر ساعتی از روز

بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ
کفایت است پس آیا هلاک کرده شوند مگر گروه فاسقان

سورة محمد صلى الله عليه وسلم مكية وهي ثمان وثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
آنانکه کافر شدند وباز داشتند از راه خدا تعالی را

أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
باطل کرد اعمال ایشان وآنانکه گرویدند وکردند شایسته

وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ
وایمان آوردند بآنچه منزل شد بر حضرت محمد ص واوست راست از

رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ
پروردگار ایشان درگذرانید از ایشان کردارهای ایشان و باصلاح آورد حال ایشان

ذَٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ
این بآنست که کافر شدند باطل را وبدرستیکه آنانکه

آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ
گرویدند پیروی کردند حق را از پروردگار ایشان همچنین بیان میکند

اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ
خدا تعالی برای آدمیان مثلهای ایشان را پس هرگاه بینند آنانکه

كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ
کافر شدند پس بزنید گردنها تا چون بسیار بکشید ایشان را

فشدوا

که رو به عدم طعام
بیاورد و بند و بستن
حضرت سالت پناه
صلی الله علیه و علی آله
و حجاب بر سر عمر
بیاورد و دان کار را
بی سبب تشنه نخوارد
تعالی که ران را ابات
روزه ار

فشدّوا الوثاق فامّا منّا بعد وامّا فداء
پس استوار کنید بند را پس بعد از اسیر یا منت نهید و یا فدیه گیرید
حتّى تضع الحرب اوزارها ذلك ولو يشاء
تا بنهد اهل حرب سلاح حرب را اینست کار و اگر خواستی
الله لانتصر منهم ولكن ليبلوا بعضكم
خدا تعالی انتقام کشیدی از دشمنان و لیکن بیازماید برخی از شما
ببعض والذين قتلوا في سبيل الله فلن
برخی و آنانکه کشته شوند در راه خدا تعالی پس نگرداند
يضلّ اعمالهم سيهديهم ويصلح بالهم
ضایع کردارهای ایشان زود باشد که راه نماید ایشانرا و بصلاح آرد کارهای ایشان
ويدخلهم الجنّة عرّفها لهم يا ايّها الذين
و درآرد ایشانرا در بهشت که تعریف کرده باشد آنرا برای ایشان ای گروه
امنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبّت
مومنان اگر یاری کنید خدا تعالی یاری کند شمارا و ثابت سازد
اقدامكم والذين كفروا فتعسا لهم
قدمهای شمارا و آنانکه کافر شدند خواری باد ایشانرا
واضلّ اعمالهم ذلك بانّهم كرهوا ما انزل
و باطل کرد کردارهای ایشان این بسبب آنست که ایشان کراهیت داشتند آنچه فرستاد
الله فاحبط اعمالهم افلم يسيروا في
خدا تعالی پس باطل کرد کردارهای ایشان آیا سیر نکردند در
الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين
زمین پس بنگرند چگونه بود عاقبت آنانکه
من قبلهم دمّر الله عليهم وللكفرين
پیش از ایشان هلاک کرد خدا تعالی بر ایشان و مر کافران را
امثالها ذلك بانّ الله مولى الذين امنوا
مانند عذاب این بسبب آنست که خدا تعالی دوست آنانکه گرویدند
وانّ الكفرين لا مولى لهم انّ الله يدخل
و آنانکه کافر شدند نیست دوستی ایشانرا هر آینه خدا تعالی درآرد

ربع

وشناخت
ودرآرد بهشت ایشانرا
تصلاح آرد کارهای ایشانرا
بدرجات بزرگ و ثواب و
بکارهای صواب و درآمدن
که راه نماید ایشانرا در دین
در شان مسلمانان رود بکشند
یا ایها الذین امنوا تحلید این آیت

الذين آمنوا وعملوا الصالحات جنات تجري

آنانکه گرویدند وکردند عمل شایسته بوستانها میرود

من تحتها الأنهار والذين كفروا يتمتعون

از زیر درختان جویها وآنانکه نگرویدند برخوردند

ويأكلون كما تأكل الأنعام والنار مثوى

ومیخورند چنانکه میخورند چهارپایان وآتش است مقام

لهم ۝ وكأين من قرية هي أشد قوة من

مرایشانرا وچند از اهل دیهها آن سخت تر بود از قوة

قريتك التي أخرجتك أهلكناهم فلا

از اهل ده تو آن دیهی که بیرون کردند ترا هلاک کردیم ایشانرا پس نبود

ناصر لهم ۝ أفمن كان على بينة من ربه كمن

یاری دهنده ایشانرا آیا هرکه باشد بر حجتی از پروردگار خود مانند کسی

زين له سوء عمله واتبعوا أهواءهم ۝

آراسته است مراورا بد کردار وآرزو کردند آرزوهای خود را

مثل الجنة التي وعد المتقون ۝ فيها أنهار

مثل بهشت که وعده داده شد پرهیزکارانرا دران جویهاست

من ماء غير آسن وأنهار من لبن لم يتغير

از آب غیر متغیر وجویهاست از شیر که بر نگشته است

طعمه وأنهار من خمر لذة للشاربين ۝ وأنهار

طعم او وجویهاست از شراب خوشگوار مر آشامندگانرا وجویهاست

من عسل مصفى ولهم فيها من كل الثمرات

از شهد صاف ومرایشانراست دران از هر میوه

ومغفرة من ربهم كمن هو خالد في النار

وپوشیدن گناهان از پروردگار ایشان آیا هرکه باشد او جاوید در آتش

وسقوا ماء حميما فقطع أمعاءهم ۝ ومنهم

وچشانیده شوند آبی گرم پس پاره کنند رودهای ایشان وبعضی از منافقان

من يستمع إليك حتى إذا خرجوا من عندك

که گوش میدارد به تو تا چون بیرون شوند از نزد شما

قالوا

قالوا للذين اوتوا العلم ماذا قال انفا

گویند مر آنانرا که داده شده اند دانش چه گفت محمد ﷺ اکنون

اولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا

آن گروه آنانند که مهر نهاد خدای تعالی بر دلهای ایشان و در پی افتادند

اهواءهم والذين اهتدوا زادهم هدى

هوای نفسهای خود را و آنانکه راه یافتند زیاده کند ایشان را راه نمودن

واتىهم تقوىهم فهل ينظرون الا الساعة

و بدهد ایشان را از پرهیزگاری پس آیا انتظار می‌برند مگر قیامت را

ان تاتيهم بغتة فقد جاء اشراطها ● فانى

آنکه بیاید بر ایشان ناگهان پس بدرستیکه آمد علامتها پس از کجا شد

لهم اذا جاءتهم ذكرىهم ● فاعلم انه لا اله

مر ایشان را چون بیاید ایشان را پند گرفتن ایشان پس بدان آنکه نیست معبودی

الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين و

مگر خدای تعالی و آمرزش طلب برای گناه خود و مر مومنان را

المؤمنت والله يعلم متقلبكم و

زنان مومنه را و خدای تعالی میداند جای رفتن شما و

مثوىكم ● ويقول الذين امنوا لولا نزلت

موضع قرار شما و میگویند آنانکه گرویدند چرا فرستاده نشود

سورة فاذا انزلت سورة محكمة وذكر

سوره پس چون فرستاده شود سوره روشن و یاد کرده شود

فيها القتال رايت الذين في قلوبهم مرض

در آن جنگ می بینی آنها را که در دلهای ایشان بیماری

ينظرون اليك نظر المغشي عليه من الموت

می نگرند بسوی تو نظر کسیکه فرود آمده باشد بر بیهوشی از مرگ

فاولى لهم طاعة وقول معروف فاذا عزم

پس بهتر است مر مومنان را فرمان برداری و سخن نیکو پس چون لازم شد

الامر فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم ●

امر قتال پس اگر راست گفتندی در اظهار حرص بودی بهتر مر ایشان را

شأن نزول: حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و صحبه و سلم خطبه خواندی و منافقان عبد الله بن ابی ... نفاق بیرون از مسجد بطریق استهزا از علما صحابه می پرسیدند که ع ماذا قال انفا ... از جمله ابن عباس و ابن مسعود ... ویقول الذین امنوا ... ودر ... آن حضرت صلی الله علیه و آله و صحبه و العباد و سلم

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي
پس آیا شاید اگر بگردید که فساد کنید در

الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ۝ أُولَٰئِكَ
زمین و ببرید رحمهای خود را آن گروه

الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَىٰ أَبْصَارَهُمْ ۝
آنانکه لعنت خدا تعالی ایشان را پس کر کرد ایشان را و کور کرد دیدهای ایشان را

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ
آیا چرا فکر نمیکنند در قرآن بلکه بر دلهای ایشان

أَقْفَالُهَا ۝ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن
قفلهای آن بدرستیکه آنانکه برگشتند بر پشت خود از

بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ
پس آنکه روشن کرده مر ایشان را راه نمودن دیو بیارایت

لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ
مر ایشان را و مهلت داد ایشان را این بسبب آنست که ایشان گفتند مر آنان را

كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ
کراهت داشتند از آنچه فرستاد خدا تعالی زود باشد که فرمان بریم شما را در بعضی کارها

وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ۝ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ
و خدا تعالی میداند پنهان ایشان پس چگونه باشد چون قبض کنند ایشان را

الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ۝
ملائکه میزنند بر رویهای ایشان و پشتهای ایشان

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا
این بسبب آنست که ایشان پیروی کردند آنچه بخشم آورد خدا را و کاره بودند

رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۝ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ
خشنودی خدا را پس باطل کرد کردارهای ایشان بلکه پنداشتند آنانکه

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ
در دلهای ایشان بیماری آنکه ظاهر نگرداند خدا تعالی کینهای ایشان را

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُم بِسِيمَاهُمْ ۝
و اگر خواهیم هر آینه بنمائیم بتو ایشان پس بشناسی ایشان را بعلامت ایشان

ما موزنده
باستغفار با آنکه مغفورانند
تا امت وی برایشان است
بعث اقتدا کنند
و دو بیان آورده
که مراد ازین طلب عصمت
کن از خدای تعالی ازین باب
شفاعت دادن ایشان را
ان الذین توبوا الیه باب
سبب زدوده شدن بخود
صفت حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله
ع
و صحابه و اصحابه و سلم
در نبوت خوانده بودند
و صفت نبوت او معلوم
کرده و قبل از بعثت

ولنعرفهم

348

ولتعرفنهم في لحن القول والله يعلم اعمالكم
واگر شناسی ایشانرا در گردانیدن سخن وخدا تعالی میداند کردارها شما
ولنبلونكم حتى نعلم المجاهدين منكم
وهر آیینه آزمایم شمارا تا بدانیم مجاهدانرا از شما
والصابرين ونبلوا اخباركم ان الذين
وصبر کنندگان وتا بیازمایم خبرهای شمارا بدرستیکه آنانکه
كفروا وصدوا عن سبيل الله وشاقوا
کافر شدند وبازداشتند مردم را از راه خدا تعالی ومخالفت کردند
الرسول من بعد ما تبين لهم الهدى
با رسول از پس آنکه روشن شد ایشانرا راه حق
لن يضروا الله شيئا وسيحبط اعمالهم
نتوانند زیان رسانید خدا را چیزی وزود حبط سازد کردارهای ایشان
يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا
ای گروه مومنان فرمان برید خدا را وفرمان برید
الرسول ولا تبطلوا اعمالكم ان الذين
رسول را وبیهوده مسازید عملهای خود را بدرستیکه آنانکه
كفروا وصدوا عن سبيل الله ثم ماتوا
کافر شدند وبازداشتند مردم را از راه خدا تعالی پس بمردند
وهم كفار فلن يغفر الله لهم فلا تهنوا
وایشان کافر بودگان پس نیامرزد خدا تعالی ایشانرا پس سستی مکنید
وتدعوا الى السلم وانتم الاعلون والله
وبخوانید بصلح وشما برترانید وخدا تعالی
معكم ولن يتركم اعمالكم انما
با شما وضایع نکند شما کردارهای شما جز این نیست
الحيوة الدنيا لعب ولهو وان تؤمنوا و
که زندگانی دنیا بازیست ومشغولی واگر بگروید و
تتقوا يؤتكم اجوركم ولا يسئلكم
پرهیزید بدهد شمارا مزدهای شما ونمی خواهد شمارا

صفت نبوت او معلوم کرده و قبل از بعثت صفت آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم وارد در صحایف وکتب سماوی بسیار بگفتند واز ظهور او جمع منتظر بودند و چون آنحضرت مبعوث شد و بمدینه آمد ایشان برگشتند از وی خداوند تعالی با نزول این آیت از حال ایشان خبر داده است بدرستیکه آنانکه برگشتند بر ادبار خود از پس آنکه روشن کرده شد برایشان بیان نبوت در بعثت

اموالكم ان يسألكموها فيحفكم تبخلوا
مالهاء شما اگر بخواهد از شما پس مبالغه کند در خواستن بخیل کنید

ويخرج اضغانكم ۝ هانتم هؤلاء تدعون
وبیرون دهد کینه دلی شما اید ای گروه خوانده شده اید

لتنفقوا في سبيل الله فمنكم من يبخل
تا نفقه کنید در راه خدای تعالی پس از شما کسی که بخل ورزد

ومن يبخل فانما يبخل عن نفسه والله الغني
و هر که بخل کند پس بخل ورزد بر نفس خود و خدای تعالی بی نیاز است

وانتم الفقراء وان تتولوا يستبدل قوما
و شما محتاجانید و اگر رو بگردانید بدل کند گروهی

غيركم ثم لا يكونوا امثالكم ۝
جز از شما پس نباشند مانند شما

## سورة الفتح مدنية وهي تسع وعشرون اية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

انا فتحنا لك فتحا مبينا ۝ ليغفر لك الله
بدرستیکه ما فتح دادیم مر ترا فتحی پیدا تا بیامرزد مر ترا خدای تعالی

ما تقدم من ذنبك وما تاخر ويتم نعمته
آنچه گذشته است از ذنب تو و آنچه مانده است و تمام کند نعمت خود را

عليك ويهديك صراطا مستقيما ۝ وينصرك
بر تو و راه نماید ترا راهی راست و یاری دهد ترا

الله نصرا عزيزا ۝ هو الذي انزل السكينة
یاری کردنی غلبه او است آنکه فرستاد آرامش

في قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم
در دلهای مؤمنان تا زیاده کنند گرویدنی با گرویدن خود

ولله جنود السموات والارض وكان الله
و مر خدا راست لشکر آسمانها و زمین و هست خدای تعالی

آسان کرد برای ایشان و تبلیت
و ایشان از ان ابن اهیم
بسبب انکه گفتند
از آنها که کراهت داشتند
آنچه فرستاد خدای او
باید کرد و بر بر عمل ایشان
که با وحدی
ایشان در زیر آمد

ع

سورة الفتح در میان بلاده
و تفصیل ان
در بیان سبب
فتح باهر
فتح است
خدای

عليما

دارجنبانند
وتمام کنند نعمت خود را
بر تو وبنمایند ترا راه راست
ازجمله صد اکتیر عادله
ودر مراد اسلام ابواب بسته
دولت ظفر وفتح مبین
فاطر جات مزید نصرت وقوت
بیان آن است لطف عمره
متوجه بودند

علیما حکیما ۝ لیدخل المؤمنین والمؤمنت

دانا حکم کننده تا در آرد مردان مومن وزنان مومنه

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها

بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید باشند دران

ویکفر عنهم سیاتهم وکان ذلک عند الله

وبپوشد از ایشان گناهان ایشان وهست این نزد خداتعالی

فوزا عظیما ۝ ویعذب المنفقین والمنفقت

فیروزی بزرگ وعذاب کند منافقان را وزنان منافقه

والمشرکین والمشرکت الظانین بالله ظن

ومردان مشرک وزنان مشرکه گمان برند بخداتعالی گمان

السوء علیهم دائرة السوء وغضب الله

بد بر ایشان گردش بد وخشم گرفت خداتعالی

علیهم ولعنهم واعد لهم جهنم وساءت

بر ایشان ولعنت کرد ایشان را وآماده کرد برای ایشان دوزخ وبد

مصیرا ۝ ولله جنود السموت والارض وکان

بازگشتی است ومر خدایراست لشکر آسمانها وزمین وهست

الله عزیزا حکیما ۝ انا ارسلنک شاهدا

خداتعالی غالب وحکم کننده بدرستیکه فرستادیم ترا گواه

نصف

ومبشرا ونذیرا لتؤمنوا بالله ورسوله

ومژده دهنده وبیم کننده تا تصدیق کنید بخداتعالی ورسول او

وتعزروه وتوقروه وتسبحوه بکرة

وتقویت دهید دین او را وبزرگ دارید فرمان او وتنزیه کنید او را بامداد

واصیلا ۝ ان الذین یبایعونک انما یبایعون

وشبانگاه بدرستیکه آنانکه بیعت کنند باتو جز این نیست که بیعت کردند

الله ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث

خداتعالی قوة خداتعالی بر دستهای ایشانست پس هرکه بشکند پس جز این نیست که بشکند

علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه الله

بر نفس خود وهرکه وفا کند بانچه عهد بسته است بران خداتعالی

آن عمره را از این سال
قبول
کعبه بازگشتند صد ابواب
صلح کرده بعزم زود وصول
وبعد از نوبتی بسیار با کفار
وصول کعبه مانع آمدند
السیر قریش از
وبحب بجربه

فسيؤتيه اجرا عظيما ۝ سيقول لك المخلفون
پس زود که دهد اورا مزدی بزرگ زود باشد که گویند مرترا بازپس ماندگان
من الاعراب شغلتنا اموالنا واهلونا
از اهل بادیه مشغول کرد مارا مالهای ما و فرزندان ما
فاستغفر لنا يقولون بالسنتهم ما ليس في
پس طلب آمرزش برای ما میگویند بزبانهای خود آنچه نیست در
قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله شيئا ان
دلهای ایشان بگو پس کیست که مالک شود مرشمارا از حکم خدا تعالی چیزی را اگر
اراد بكم ضرا او اراد بكم نفعا بل كان الله
خواهد بشما زیانی یا اگر خواهد بشما سودی بلکه هست خدا تعالی
بما تعملون خبيرا ۝ بل ظننتم ان لن ينقلب
بآنچه میکنید دانا بلکه گمان بردید آنکه باز نگردد
الرسول والمؤمنون الى اهليهم ابدا وزين
پیغمبر و مومنان بسوی اهل خود هرگز و آراسته شد
ذلك في قلوبكم وظننتم ظن السوء وكنتم
آن در دلهای شما و گمان بردید گمان بد و بودید
قوما بورا ۝ ومن لم يؤمن بالله ورسوله
گروهی هلاک شدگان و هرکه نگرود بخدا تعالی و رسول او
فانا اعتدنا للكافرين سعيرا ۝ ولله ملك
پس بدرستیکه ما آماده کردیم برای کافران آتش افروخته و مرخدا راست پادشاهی
السموات والارض يغفر لمن يشاء ويعذب
آسمانها و زمین می آمرزد هرکرا خواهد و عذاب کند
من يشاء وكان الله غفورا رحيما ۝ سيقول
هرکرا خواهد و هست خدا تعالی آمرزنده مهربان زود باشد که گویند
المخلفون اذا انطلقتم الى مغانم لتاخذوها
بازپس ماندگان چون بروید بسوی غنیمتها تا بگیرید آنرا
ذرونا نتبعكم يريدون ان يبدلوا كلام
بگذارید مارا تا پیروی کنیم شمارا میخواهند آنکه تغیر دهند سخن

ع

الله قل

اللّٰهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذٰلِكُمْ قَالَ اللّٰهُ مِن
خدا را بگو نخواهید پیروی کرد ما را همچنین که گفت خدا تعالی از
قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا
پیش پس زود باشد که بگویند بلکه حسد میبرید بر ما بلکه هستند
لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ
که در نمی یابند مگر اندکی بگو مر این بازپس ماندگان از اهل بادیه
سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ
زود باشد که خوانده شوید بسوی گروهی خداوند کارزار سخت کارزار کنید با ایشان
أَوْ يُسْلِمُونَ ۝ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللّٰهُ أَجْرًا حَسَنًا
یا مسلمان بشوند پس اگر فرمان برید بدهد شما را خدا تعالی مزدی بزرگ
وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا
و اگر روی بگردانید همچنانکه اعراض کردید پیش ازین عذاب کند شما را عذابی
أَلِيمًا ۝ لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ
دردناک نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ
حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَن يُطِعِ اللّٰهَ
گناه و نه بر بیمار گناهی و هر که فرمان برد خدا را
وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا
و رسول او درآرد او را بوستانها میرود از زیر آن
الْأَنْهَارُ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝
جویها و هر که اعراض کند عذاب کند او را عذابی دردناک
لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ
بدرستیکه خشنود شد خدا تعالی از گرویدگان وقتیکه بیعت کردند با تو
تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ
زیر درخت پس میداند آنچه در دلهای ایشانست پس فرستاد آرامش
عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ۝ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً
بر ایشان و پاداش داد ایشان فتحی نزدیک و غنیمتهای بسیار
يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ وَعَدَكُمُ
فرا گیرید آنرا و هست خدا تعالی غالب و حکم کننده وعده کرده است شما را

بیعت رضا بر
وعدهٔ فتح ورد
شیوهٔ منافقان
بسبب تخلف سفر
رویا و بیان حکمت
و تهدید متخلفان از سفر
حدیبیه و بیان خشنودی
با اهل بیعت بیان سوره
نازل فرموده و تسلیم
عذر بیست نوزدهم اثند
ع
آنچه سبب
نزول این سوره می ب
کرام بحضرت رسالت
صلی الله علیه و آله
و صحابه و سلم

اللهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ
خدای تعالی غنیمتهای بسیار فرا گیرید آنرا پس تعجیل داد شمارا

هٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ
این وباز داشت دستهای مردمان از شما وتا باشد

آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
نشانه مر مومنان را ونماید شمارا راهی راست

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللهُ
ودیگر قادر نشود بر آن بدرستیکه احاطه کرده است خدای تعالی

بِهَا وَكَانَ اللهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا وَلَوْ
بآن وهست خدای تعالی بر هر چیز توانا واگر

قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ
قتال کردندی با شما آنانکه کافر شدند برآینه گردانیدندی پشتهارا پس

لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللهِ
نیابند دوستی ونه یاری سنت نهاد خدای تعالی

الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللهِ
آنکه گذشته است پیش ازین ونیابی مر سنت خدای را

تَبْدِيلًا وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ
تغیری واوست آنکه باز داشت دستهای کفار که از شما

وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ
ودستهای شما از ایشان در وادی مکه از پس آنکه

أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا
ظفر داد شمارا بر ایشان وهست خدای تعالی بآنچه میکنید بینا

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ
ایشان آنانند که کافر شدند وباز داشتند شمارا از مسجد

الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَ
حرام ومنع کرده شتری آنرا در حالتیکه باز داشته بودند از آنکه برسیدی بمکان او و

لَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ
اگر نبودندی مردان گرویده وزنان گرویده نه دانسته اید

تعلموهم

در روز ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
صلی الله علیه وعلی آله
وصحابه ...
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ
ایشانرا — آنکه پایمال کنید ایشانرا — پس برسد شمارا — از جهت ایشان

مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ
مکروهی — بی دانستن — تا داخل کند — خدای تعالی — در رحمت خود

مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا
هرکرا خواهد — اگر جدا شدندی — هر آئینه عذاب کردیم — آنانکه کافر شدند

مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
از ایشان — عذابی دردناک — چون کردند — آنانکه کافر شدند

فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ
در دلهای ایشان — تعصب — ننگ — جاهلیه — پس فرستاد

اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ
خدای تعالی — آرامش — بر پیغمبر خود — و بر مومنان

وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا
و ثابت داشت ایشانرا — کلمه — تقوی — و هستند — سزاوارتر بدان

وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ لَقَدْ
و اهل آن — و هست — خدای تعالی — بهر چیز — دانا — بدرستیکه

صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ
راست کرد خدای تعالی — فرستاده خود — خواب — براستی — هر آئینه در آیید

الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ
مسجد — حرام — اگر خواهد — خدای تعالی — ایمن باشند — تراشندگان

رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ
سرهای خود — و چینندگان بودند — نترسند — پس داند — آنچه

تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ۝ هُوَ الَّذِي
ندانید — پس ساخت — پیش از این — فتحی — نزدیک — اوست آنکه

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
فرستاد رسول خودرا — براه نمودن — و دین — درست — غالب کرداندش

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ مُحَمَّدٌ
بر — دین — همه — و بسنده است بخدای تعالی — گواه — حضرت محمد

علیه و
[illegible]
ع
[illegible]
صلی الله علیه وسلم

رَسُولُ اللّٰهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
فرستاده خدا تعالی و آنانکه با او سخت دل بر کافران

رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
مهربان میان ایشان می بینی ایشانرا رکوع و سجود آرندگان می طلبند

فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ
افزونی از خدا تعالی و خشنودی علامت ایشان در رویهای ایشان

مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ
از اثر سجده کردن این صفت ایشانست در توریت

وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ
و صفت ایشان در انجیل مانند کشتی است بیرون آرد شاخ خود را

فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ
پس قوی کرد آنرا پس سطبر شود پس ایستد بر شاخهای خود

يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللّٰهُ
شگفت آرد مزارعان را تا خشم آرد بیاران پیغمبر ص کافرانرا وعده کرد خدا تعالی

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَ
آنانکه گرویدند و کردند عمل شایسته از ایشان آمرزش و

## سورة الحجرات مدنية وهي ثمان عشرة آية

أَجْرًا عَظِيمًا
مزدی بزرگ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ
ای گروه مومنان پیشی مگیرید پیش از قول خدا تعالی

وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
و رسول او و بترسید از خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی شنوا داناست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ
ای گروه مومنان بلند مکنید آوازهای خود برزبر

صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ
آواز پیغمبر و بلند ندا مکنید مر او را سخن را همچو آشکارا کردن برخی از شما

وقف غفران
صلی الله علیه و آله و سلم
ایشان را از اول اندک بودند و
و بعد از آن بسیار شدند و
سورة الحجرات
کرد ایشانرا
چنین که کشت ده برآید
سبب آن روئیدن شد
خدا تعالی اسلام را بسبب ایشان بزرگ
تعلیم ادب فرمود خدا
گرد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله
ع
وحی بوسیلم در رادو
پیش از ایشان سخن مکنید
آواز بلند خطاب
سخن و دراز مانند کسی خطاب

بعض

لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

مر برخی را آنکه باطل شود کردارهای شما و شما نمیدانید

اِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ

بدرستیکه آنانکه فرو میدارند آوازهای خود را نزدیک رسول

اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوٰى

خدای آنگروه آنانند که امتحان کرده است خدا تعالی دلهای ایشان برای پرهیزگاری

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ عَظِيمٌ اِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ

مر ایشانراست آمرزشی و مزدی بزرگ بدرستیکه آنانکه ندا کنند ترا

مِنْ وَرَآءِ الْحُجُرَاتِ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ

از پس حجرها بیشتر ایشان نمیدانند واگر

اَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا

آنکه ایشان صبر کردند تا بیرون آری بسوی ایشان بودی بهتر

لَهُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

مر ایشانرا و خدا تعالی آمرزنده مهربانست ای گروه مومنان

اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوا اَنْ تُصِيبُوا

اگر بیاید بشما دروغ گوئی بخبری پس نیکو تفحص کنید تا زیان نکردی

قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

گروهی بنادانی پس گردند برآنچه کرده‌اید پشیمانان

وَاعْلَمُوا اَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللّٰهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي

و بدانید آنکه در شما رسول خداست اگر فرمان برد شما در

كَثِيرٍ مِنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَيْكُمُ

بسیاری از کارها هرآیینه در رنج افتید ولیکن خدا تعالی دوست کردانیده بسوی شما

الْاِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ اِلَيْكُمُ الْكُفْرَ

گرویدن را و آراسته ایمانرا در دلهای شما و مکروه کرده بسوی شما پوشیدن حق را

وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ

و بیرون شدن از راه راست و نافرمانی کردن آنگروه ایشان راه یابندگانند

فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

فضلست از خدا تعالی و بخششی و خدا تعالی داناست حکم کننده

نزول آیه بعد
بیم نفرستادن صدوقه معاذ
ابن بت نمایند در حضور تبیه
در میان ایشان خانه جنگ
واقع شود صلاح آن
بجنگ قسم کرده از
آن شهر با هم در جنگ
بر نهادن و عیب کردن
و طعن کردن و بد گفتن
بر دیگری فخر کردن
منع کرده و ضعیف الایمان
از ضعف ایمان
نهفتند در جناب
حضرت نبی صلعم
که بشر فرستاده
است

بمجادله رفت و بران
وعلی آله وصحبه وسلم
رسالت صلی الله علیه
ای تعصب آنحضرت
رواه رضی الله عنه وان
تجوز او میان عبد
... زن نبید ...
وان طائفتان

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا
واگر دو گروه از گرویدگان باهمدیگر قتال جویند

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى
پس صلح کنید میان ایشان پس اگر افزونی جوید یکی ازین دو گروه بران دیگری

فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ
پس قتال کنید بآن گروه ستم تا باز گردد آن گروه بحکم خدا تعالی پس اگر باز گردند

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ
پس بصلاح آرید میان برادران خود براستی و داد کنید بدرستیکه خدا تعالی

يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ
دوست میدارد عدل کنندگان را جز این نیست که مومنان برادرانند

فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
پس بصلاح آرید میان برادران خود و بترسید از خدا تعالی شاید که شما

تُرْحَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ
رحمت کرده شوید ای گروه مومنان باید که افسوس نکنند گروهی از

قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ
گروهی شاید آنکه باشند بهتر از ایشان و نه زنان

مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا
از زنان دیگر شاید آنکه باشند بهتر از ایشان و عیب مکنید

أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ
نفسهای خود و مخوانید یکدیگر را بلقبهای ناخوش ... مانند بود دوست

الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ
گفتن پس از ایمان و هر که توبه نکند پس آن گروه

هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا
ایشانند ستمکاران ای گروه مومنان پرهیزید

كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا
بسیاری از گمان بدرستیکه بعضی از گمانها ... و جاسوسی مکنید

وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ
و باید که غیبت نکنید برخی از شما بعضی دیگر آیا دوست میدارد یکی از شما

ثلث
ع

ابی بسیار از
... میدوان ...
... از نفس ...
... بغیر آن شرو ...
... تجاوز ...
... آنان ...
... ابن ...

ان یاکل

أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ
اگر بخورد گوشت برادر خود مرده پس کراهت دارید آنرا و
اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
بترسید از خدا تعالی بدرستیکه خدا تعالی توبه پذیرنده مهربان است ای مردمان
إِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ
بدرستیکه ما آفریدیم شما را از مرد و ماده و گردانیدیم شما
شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ
جماعتها و قبیلها تا بشناسید بدرستیکه بزرگترین شما نزد
اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ قَالَتِ
خدا تعالی پرهیزکارترین شما بدرستیکه خدا تعالی داناست خبردار گفتند
الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِن قُولُوا
اهل بادیه ایمان آوردیم بگو ایمان نیاورده اید ولیکن بگوئید
أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن
اسلام آورده ایم وحالانکه در نیامده است ایمان در دلهای شما واگر
تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ
فرمان برید خدا را و رسول او کم نگرداند شما را از کردار شما
شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ
چیزی بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده مهربان است جز این نیست که مومنان
الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
آنانکه ایمان آوردند بخدا تعالی و رسول او پس شک نکردند
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
و جهاد کردند بمالهای خود و بنفسهای خود در راه خدا تعالی
أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ
آنگروه ایشانند راست گویان بگو آیا خبر کنید خدا را
بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
بکیش خود و خدا تعالی میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ
زمین است و خدا تعالی بهر چیز داناست منت مینهند منافقان برتو

یا ایها الناس
آنکه سبب نزول [illegible]
روز فتح که حضرت [illegible]
بود که بلال رضی الله
عنه بر بام بیت الحرام
[illegible] بتعظیم باذان
مشغول شد و [illegible]
و دیگران از سخن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بجز این [illegible]
و در [illegible]
و دو مان [illegible]
از یک پدر و مادرند
بی [illegible]

أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ

بانکه اسلام آرند بگو منت منهید بر من اسلام خود بلکه خدای تعالی

يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ

منت نهد بر شما اگر راه نمود شمارا بسوی ایمان اگر هستید

صَادِقِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَ

راست گویان بدرستیکه خدا تعالی میداند پوشیده آسمانها و

الْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

زمین و خدا تعالی بیناست بانچه میکنید

## سورة ق مكية وهي خمس واربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ۝ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ

بحق قرآن مجید بلکه عجب داشتند از آنکه بیامد بدیشان

مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ

بیم کننده از ایشان پس گفتند ناگرویدگان این چیزیست

عَجِيبٌ ۝ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ

شگفت است آیا چون بمیریم و گردیم خاک این بازگشتن

بَعِيدٌ ۝ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ

دورست بدرستیکه میدانیم آنچه کم کرداند زمین از ایشان

وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا

و نزدیک ما کتابیست لوح محفوظ بلکه تکذیب کردند بقرآن آنگاه که

جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ۝ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى

آمد بدیشان پس ایشان در کار ریب شوریده آیا نمی نگرند بسوی

السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا

آسمان زبر ایشان چگونه بنا کرده ایم آنرا و بیاراسته ایم آنرا و نیست

لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ۝ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا

آنرا شکافها و زمین گستردیم براب وافکندیم

فيها

فيها رواسي وأنبتنا فيها من كل زوج
دران کوههای بلند و برویانیدیم دران از هر گونه نباتی آراسته

بهيج ۝ تبصرة وذكرى لكل عبد منيب
نیکو بینایی و پند گرفتن هر بنده بازگردنده

ونزلنا من السماء ماء مباركا فأنبتنا
و فرستادیم از آسمان آبی بسیار پس برویانیدیم

به جنات وحب الحصيد ۝ والنخل باسقات
بدان بوستانها و دانه که بدروند و درختان خرما بزرگ

لها طلع نضيد ۝ رزقا للعباد ۝ وأحيينا
مر آن غلاف درهم رسته روزی برای بندگان و زنده کردیم

به بلدة ميتا كذلك الخروج ۝ كذبت قبلهم
بدان زمین مرده همچنین بیرون آمدن تکذیب کردند پیش از ایشان

قوم نوح وأصحاب الرس وثمود ۝ وعاد و
گروه نوح و اصحاب چاه و ثمود و عاد و

فرعون وإخوان لوط ۝ وأصحاب الأيكة
فرعون و برادران لوط و اصحاب ایکه

وقوم تبع كل كذب الرسل فحق وعيد ۝
و گروه تبع همه تکذیب کردند پیغمبران پس لازم شد وعده

أفعيينا بالخلق الأول بل هم في لبس من
آیا ما عاجز شده ایم از آفرینش اول بلکه ایشان در شک از

خلق جديد ۝ ولقد خلقنا الإنسان ونعلم
آفرینش نو و بدرستیکه آفریدیم انسان و میدانیم

ما توسوس به نفسه ونحن أقرب إليه من
آنچه وسوسه میکند اورا نفس او و ما نزدیکتر بسوی او از

حبل الوريد ۝ إذ يتلقى المتلقيان عن اليمين
رگ گردن چون گیرند دو فرشته از راست

وعن الشمال قعيد ۝ ما يلفظ من قول إلا
و از چپ همنشین بیرون نیفکند هیچ سخنی مگر

در وی ما را
بنگرد [illegible] و آمید
که خداوند تعالی [illegible]
[illegible] آن که بعث
این بوده و نزد [illegible]
این بعث و نزلنا من السماء
[illegible] نزول [illegible]
در روز قول کاف این
[illegible] مرده همچنین [illegible]
بیرون آمدن شما از قبر [illegible]
زنده گشتن [illegible]
ع
[illegible]
[illegible] کند [illegible]
[illegible] در
[illegible]
[illegible]

لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ

نزدیک او نگاهبانی بوده ستیزنده بیامد بیهوشی مرگ

بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي

براستی این آنچه بودی که ازوی میگریختی و دمیده شود در

الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ

صور این روز وعید است و می آید هر

نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ كُنْتَ

نفسی با او راننده و گواه بدرستیکه بودی تو

فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ

در بیخبری از این پس برداشتیم از تو پوشش غفلت

فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا

پس دیده تو امروز تیز است و گوید همنشین او اینست

مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ

آنچه نزد من بود از دفترها بیفگنید در دوزخ هر کافری

عَنِيدٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ۝ الَّذِي

گردن کشی منع کننده مر خیر را در گذرنده شک آرنده آنکه

جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ

گردانید با خدا خدای دیگر پس افگنید او را در عذاب

الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَ

سخت گوید قرین او ای پروردگار ما بی راه نکردم او را و

لَٰكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا

لیکن بود در گمراهی دور گوید مخاصمه مکنید

لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۝ مَا يُبَدَّلُ

نزدیک من و بتحقیق پیش فرستاده بودم بسوی شما وعده خود را تغیر داده نشود

الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ

سخن نزدیک من و نیستم من ستم کننده مر بندگان روزیکه

نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ

گوییم مر دوزخ را آیا پر شدی و گوید آیا هیچ

ع

مَزِيدٍ

مزيد ۝ وازلفت الجنة للمتقين غير بعيد
زيادتى هست ونزديك كرده شود بهشت مر متقيانرا نه دور
هذا ما توعدون لكل اواب حفيظ ۝
اينست آنچه وعده داده شده براى هركه بازگردنده نگاهدارنده
من خشى الرحمن بالغيب وجاء بقلب منيب ۝
هركه بترسد از خدايتعالى پوشيده كه وبيارد دلى بازگشته
ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود ۝ لهم
درآييد در بهشت بسلامتى اين روز بقاء مر ايشانرا
ما يشاؤن فيها ولدينا مزيد ۝ وكم
آنچه خواهند دران ونزديك ما زيادتى وچند
اهلكنا قبلهم من قرن هم اشد منهم
هلاك كرديم پيش از ايشان از اهل قريه ايشان سخت‌تر از كفار مكه
بطشا فنقبوا فى البلاد هل من محيص ۝
از قوة پس راه بريدند در شهرها آيا هيچ گريزگاهى يا جايى
ان فى ذلك لذكرى لمن له قلب او القى
هرآينه درين پندى مركسى را كه باشد مراورا دلى يا فرادارد
السمع وهو شهيد ۝ ولقد خلقنا السموات
گوش واو حاضر باشد وهرآينه آفريديم آسمانها
والارض وما بينهما فى ستة ايام ۝ وما
وزمين وآنچه ميان ايشانست در شش روز و
مسنا من لغوب ۝ فاصبر على ما يقولون
نرسيد مارا هيچ رنجى پس صبر كن بر آنچه ميگويند
وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل
ونماز گذار پروردگار پيش از طلوع آفتاب وپيش از
الغروب ۝ ومن اليل فسبحه وادبار
غروب وبعضى از شب پس نماز گذار وپس از
السجود ۝ واستمع يوم يناد المناد من مكان
سجدها وگوش دار روزيكه ندا كند نداكننده از جاى

واصحاب بحاه يامه ... معطله ... قوم ... حنظله بن صفوان عليه السلام وقوم ثمود صالح را عليه السلام وقوم عاد هود را عليه السلام وفرعون موسى را عليه السلام ... لوط را ... عليه السلام واصحاب ايكه شعيب را عليه السلام وقوم تبع ... در سوره دخان ... حكايت ... واخبار ...

قريب يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك

نزدیک روزیکه بشنوند صیحه براستی این

يوم الخروج انا نحن نحي ونميت والينا

روز بیرون آمدنست بدرستیکه ما زنده کردانیم ومیمرانیم وبسوی ماست

المصير يوم تشقق الارض عنهم سراعا

بازگشت روزیکه بشکافد زمین از ایشان شتابنده

ذلك حشر علينا يسير نحن اعلم بما يقولون

این جمع کردنست برما آسان ما داناتریم بانچه میگویند

وما انت عليهم بجبار فذكر بالقران من

ونیستی تو برایشان تسلطی بجبر پس پند کوی بقرآن کسیکه

يخاف — سورة الذاريات مكية وهي ستون اية — وعيد

ترسد — از بیم من

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

والذاريات ذروا فالحاملات وقرا فالجاريات

وقسم بپراکنده کنندکان پراکنده کردنی پس بردارندکان بارکران پس روندکان

يسرا فالمقسمات امرا انما توعدون

باسانی پس بخش کننده کان کار بدرستیکه آنچه وعده داده شده اند

لصادق وان الدين لواقع والسماء

هر آینه راست است وبدرستیکه حساب بودنیست وآسمان

ذات الحبك انكم لفي قول مختلف يؤفك

خداوند سترست بدرستیکه شما در کفتار مختلفید کردانیده میشود

عنه من افك قتل الخراصون الذين هم

از ایمان هرکه کردانیده شد لعنت کرده شد دروغ کویان آنکه ایشان

في غمرة ساهون يسالون ايان يوم الدين

در کرداب جهالت غافلانند میپرسند که کی خواهد بود روز جزا

يوم هم على النار يفتنون ذوقوا فتنتكم

روزیکه کافران بر آتش سوخته شوند بچشید عذاب خود

هذا الذی

هذا الذي كنتم به تستعجلون ۝ إن المتقين
اینست آنکه بودید بدان شتاب میکردید بدرستیکه پرهیزکاران

في جنات وعيون ۝ آخذين ما آتاهم ربهم
در بوستانها و چشمها پذیرندگان آنچه عطا کرده است ایشان پروردگار

إنهم كانوا قبل ذلك محسنين ۝ كانوا
بدرستیکه ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران بودند

قليلا من الليل ما يهجعون ۝ وبالأسحار
اندکی از شب خواب کردندی و بسحرها

هم يستغفرون ۝ وفي أموالهم حق
ایشان طلب آمرزش کردندی و در مالهای ایشان بهره

للسائل والمحروم ۝ وفي الأرض آيات للموقنين
مر خواهنده را و بی بهره را و در زمین نشانها مر یقین دارندگان

وفي أنفسكم أفلا تبصرون ۝ وفي السماء
و در نفسهای شما آیا نمی بینید و در آسمان

رزقكم وما توعدون ۝ فورب السماء و
روزی شما و آنچه وعده داده اند پس پروردگار آسمان و

الأرض إنه لحق مثل ما أنكم تنطقون ۝
زمین بدرستیکه آن راست مانند آنکه شما سخن میگوئید

هل أتاك حديث ضيف إبراهيم المكرمين
آیا آمد ترا سخن مهمانان ابراهیم ؑ مهمانان بزرگ

إذ دخلوا عليه فقالوا سلاما قال سلام قوم
چون در آمدند بر ابراهیم ؑ پس گفتند سلام بر تو گفت سلام برشما گروهی آمدید

منكرون ۝ فراغ إلى أهله فجاء بعجل سمين
ناشناخته پس بازگشت بسوی کسان خود پس بیاورد گوساله فربه بریان

فقربه إليهم قال ألا تأكلون ۝ فأوجس منهم
پس نزدیک کرد آن بر ایشان گفت نمیخورید پس یافت از ایشان

خيفة قالوا لا تخف وبشروه بغلام عليم ۝
ترسی گفتند مترس و بشارت دادند او را بپسری دانا

حاصل آنکه
از آن مستوجب
و نعمت ابد مستحق
آن و بسیار دانش
که بود از لطف و کرم ایشان
حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم
سخنان مختلف در زنان
ع
...

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَ

پس روی بجانب نهاد زن او در فریاد پس طپانچه زد روی خود را و

قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝ قَالُوا كَذَٰلِكِ قَالَ

گفت آیا بزاید پیره زنی نازاینده گفتند همچنین گفت

رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ

خدای تو بدرستیکه اوست حکم کننده دانا گفت پس چیست کار بزرگ شما

أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

ای فرستاده شدگان گفتند بدرستیکه ما فرستاده ایم بسوی گروه

مُجْرِمِينَ ۝ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ

گناهکاران تا فرستیم بر ایشان سنگی از گل

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ فَأَخْرَجْنَا

نشان کرده شده نزد پروردگار تو برای مسرفان پس بیرون خواهیم آورد

مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَمَا وَجَدْنَا

هرکه باشد در ان از گرویدگان پس نخواهیم یافت

فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَتَرَكْنَا فِيهَا

در ان مگر جز یکی خانه از گرویدگان وبگذاشتیم در ان

آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ وَفِي

نشانه مر انانکه میترسند از عذاب دردناک و در

مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

قصه موسی چون فرستادیم او بسوی فرعون بحجت روشن

فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝

پس برگشت بقوة خود وگفت جادوست یا دیوانه است

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ

پس گرفتیم اورا و لشکر اورا پس بینداختیم ایشانرا در دریا واو

مُلِيمٌ ۝ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ

سزاوار ملامت و در قوم عاد چون فرستادیم بر ایشان بادی

الْعَقِيمَ ۝ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ

بی نفع نگذاشت هیچ چیزرا که بگذشت بروی مگر آنکه گردانید او را

كَالرَّمِيمِ ۝ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا
مثل گیاه خشک و در قوم ثمود چون گفته شد مر ایشان برخوردید

حَتَّىٰ حِينٍ ۝ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ
تا هنگام پس سر کشیدند از فرمان پروردگار خود پس گرفت ایشان را

الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنظُرُونَ ۝ فَمَا اسْتَطَاعُوا
عذاب هلاک کننده و ایشان می نگرند پس نتوانستند

مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ ۝ وَقَوْمَ
از خواستن و نبودند کینه کشنده گان و قوم

نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ
نوح ع از پیش بدرستیکه ایشان بودند گروهی بیرون رفتگان

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ۝
و آسمان بنا کردیم بقوه و بدرستیکه ما توانائیم

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ۝ وَ
و زمین بگسترانیدیم پس نیک گسترانندگان و

مِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ
از هر چیزی بیافریدیم دو صنف باشد که شما

تَذَكَّرُونَ ۝ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ
پند پذیر شوید پس گریزید بسوی خدا تعالی بدرستیکه من مر شما را از عذاب او ترساننده

مُّبِينٌ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ إِنِّي
هویداست و مگیرید با خدا تعالی خدای دیگر بدرستیکه من

لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ
مر شما را از خدا تعالی ترساننده هویداست همچنین نیامد آنانکه

مِن قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ
پیش از ایشان هیچ فرستاده مگر گفتند جادوست یا دیوانه است

أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ فَتَوَلَّ
آیا وصیت کردند پیشینیان بلکه ایشان گروهی نافرمان بردارند پس روی بگردان

عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ ۝ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَىٰ
از ایشان پس نیستی تو ملامت زده و پند ده پس بدرستیکه پند دادن تو

هلاک شوند
و همچنین سنگ
باران هلاک کردند
بر قبیله ابراهیم علیه
السلام معلوم معمول
که بر نقیضه بود ...
کردن قوم لوط
و ال ابراهیم ...
...
و ازان ...
و ...
...
او و ...
ازان قوم

تنفع المؤمنين ۝ وما خلقت الجن والانس

سودمند باشد مؤمنان را و نيافريدم پريان و آدمى

الا ليعبدون ۝ ما اريد منهم من رزق

مگر تا پرستند مرا نميخواهم از ايشان هيچ روزى

وما اريد ان يطعمون ۝ ان الله هو الرزاق

و نميخواهم كه طعام دهند مرا بدرستيكه خداى تعالى اوست روزى دهنده

ذو القوة المتين ۝ فان للذين ظلموا ذنوبا

خداوند قوة استوار پس بدرستيكه مر آنانرا كه ستم كردند بهره

مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون ۝

مثل بهره ياران ايشان پس بايد كه شتاب نكنند

فويل للذين كفروا من يومهم الذى يوعدون

پس واى مر آنانرا كه كافر شدند از عذاب روز ايشان كه وعده داده شده

## سورة الطور مكية وهى اربع واربعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشنده مهربان

والطور ۝ وكتب مسطور ۝ فى رق منشور

و سوگند بكوه طور سينا و كتابهاى نوشته شده در صحيفه گسترده

والبيت المعمور ۝ والسقف المرفوع ۝ والبحر

و كعبه آبادان و سقف بلند و درياى

المسجور ۝ ان عذاب ربك لواقع ۝ ما له

پر آمده بدرستيكه عذاب پروردگار تو بودنى است نيست اورا

من دافع ۝ يوم تمور السماء مورا ۝ وتسير

هيچ دفع كننده روزيكه بگردد آسمان گرديدنى و روان گردند

الجبال سيرا ۝ فويل يومئذ للمكذبين

كوهها رانده پس واى آن روز مر كذبان

الذين هم فى خوض يلعبون ۝ يوم يدعون

آنانكه ايشان در شروع گفتار بازى كنند روزيكه افكنده شوند

دعا

دَعًّا ۝ هٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝

سوی آتش دوزخ افکندنی این آتشی است آنکه بودید که بدان تکذیب میکردید

أَفَسِحْرٌ هٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۝ اِصْلَوْهَا

آیا سحر است این عذاب یا شما نمی بینید درآیید آنرا

فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ

پس صبر کنید یا صبر نکنید برابر است بر شما

إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ

جز این نیست که جزا داده شوید آنچه بودید که میکردید بدرستیکه پرهیزکاران

فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۝ فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ

در بوستانها و نعمتها اند شادان بآنچه عطا کرده ایشانرا پروردگار ایشان

وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝ كُلُوا وَاشْرَبُوا

و نگاهداشت ایشانرا پروردگار ایشان از عذاب دوزخ بخورید و بیاشامید

هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ

گوارنده بآنچه بودید که میکردید تکیه زدگان بر تختها

مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۝ وَالَّذِينَ

بافته زر و جفت گردانیدیم ایشانرا بزنان گشاده چشم و آنانکه

آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ

گرویدند و از پی درآمدند ایشانرا فرزندان ایشان با ایمان برسانیم بایشان در بهشت

ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ

فرزندهای ایشان و کم نکنیم پدرانرا از کردارهای ایشان از چیزی

كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ۝ وَأَمْدَدْنَاهُمْ

هر مردی بآنچه کسب کرده است در گرو و افزاییم مر متقیانرا

بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ يَتَنَازَعُونَ

میوه ها و گوشت از آنچه آرزو برند یکدیگر را جام شراب دادن

فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ۝ وَيَطُوفُ

در بهشت کاسها نه سخن بیهوده وران و نه بزه مند کردند و طواف کنند

عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ۝

بر ایشان خادمان برای ایشان گویا ایشان مروارید پوشیده اند

مطعم
نبی بود هر صبح از قرآن
من سماع این سوره
در عذاب رحم او زینهار کی
السلام و حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و اصحابه و سلم
کرد بعد و الذین آمنوا
این آیه را حسین کرد
محبت این را
در حاشیه ترجمه
سوره نجم نوشته
شوده

واقبل بعضهم على بعض يتساءلون ۝ قالوا
وروآورد بعضی از ایشان بر بعضی از یکدیگر می پرسند گویند
انا كنا قبل في اهلنا مشفقين ۝ فمن
بدرستیکه ما بودیم پیش ازین در اهل خود ترسندگان پس منت نهاد
الله علينا ووقىنا عذاب السموم ۝ انا كنا
خدا تعالی بر ما ونگاهداشت ما را از عذاب آتش همچون سموم بدرستیکه ما بودیم
من قبل ندعوه انه هو البر الرحيم ۝
پیش ازین می پرستیدیم خدا را بدرستیکه او نیکوکار مهربان است
فذكر فما انت بنعمت ربك بكاهن ولا
پس پند ده پس نیستی تو بنعمت پروردگار خود کاهن ونه
مجنون ۝ ام يقولون شاعر نتربص به
دیوانه بلکه میگویند شاعر است انتظار می بریم بوی
ريب المنون ۝ قل تربصوا فاني معكم
حادثه روزگار بگو انتظار برید پس من با شما
من المتربصين ۝ ام تأمرهم احلامهم
از منتظرانم آیا میفرماید ایشان را عقلهای ایشان
بهذا ام هم قوم طاغون ۝ ام يقولون
باین بلکه ایشان گروهی اند از حد گذشتگان بلکه میگویند
تقوله بل لا يؤمنون ۝ فليأتوا بحديث
بربافته است قرآن را بلکه نمی گروند پس بیارید سخنی
مثله ان كانوا صادقين ۝ ام خلقوا من غير
مانند قرآن اگر هستید راست گویان یا آفریده شده اند از بی
شيء ام هم الخالقون ۝ ام خلقوا السموات
چیزی یا ایشان آفرینندگانند یا آفریدند آسمانها
والارض بل لا يوقنون ۝ ام عندهم خزائن
وزمین بلکه یقین نمیرسند آیا نزد ایشان است خزینهای
ربك ام هم المصيطرون ۝ ام لهم سلم يستمعون
پروردگار تو یا ایشان غالبانند آیا مرایشانرا نردبانی است که می شنوند

فیه

فيه فليأت مستمعهم بسلطان مبين
دران کلام پس بیارد شنونده ایشان حجتی روشن را
ام له البنات ولكم البنون ام تسئلهم
آیا مر خدا راست دختران و مر شما راست پسران آیا میخواهی ایشانرا
اجرا فهم من مغرم مثقلون ام عندهم
مزدی پس ایشان از تاوان گران بار شوند آیا نزد ایشانست
الغيب فهم يكتبون ام يريدون كيدا فالذين
غیب پس ایشان می نویسند بلکه میخواهند مکری پس آنانکه
كفروا هم المكيدون ام لهم اله غير الله
کرویدند ایشان کید کرده شدگان آیا مر ایشانراست خدایی جز خدا تعالی
سبحن الله عما يشركون وان يروا كسفا
پاکست خدا تعالی از انچه شرک آرند و اگر ببینند پاره
من السماء ساقطا يقولوا سحاب مركوم
از آسمان فرود آینده گویند ابریست درهم بسته
فذرهم حتى يلقوا يومهم الذي فيه
پس دست بدار از ایشان تا ببینند روز خود آنکه دران روز
يصعقون يوم لا يغني عنهم كيدهم
هلاک کرده شوند روزیکه دفع نکند از ایشان مکر ایشان
شيئا ولا هم ينصرون وان للذين ظلموا
چیزیرا و نه ایشان یاری داده شوند و بدرستیکه آنانکه کافر شدند
عذابا دون ذلك ولكن اكثرهم لا يعلمون
عذابی جز این ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند
واصبر لحكم ربك فانك باعيننا و
و صبر کن مر حکم پروردگار خود را پس بدرستیکه تو در نگهداشت مایی و
سبح بحمد ربك حين تقوم ومن اليل فسبحه
نماز گذار بفرمان پروردگار خود وقتیکه برخیزد و بعضی از شب پس نماز گذار
وادبار النجوم
و در عقب رفتن ستارگان

سورة النجم مکیة

---

وادبار و کسفا

ابجد نسبت دو نبی
آن تعجب که کفار قریش
گفتند حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه
وعلی آله واصحابه وبارک
و دو دختر و دو پسر نبوده
و عمر نه نو عمر نبود کیم
علیهم بگفتند پاره
از آسمان درهم فرود
آورد آن در وعده عذاب
در شکوه کسی حضرت
حق سبحانه و تعالی
دربیا بدین
فرستاده

سورة النجم

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشنده مهربان

والنجم اذا هوى ۝ ما ضل صاحبكم وما

وبحق ستاره چون غروب نمايد گمراه نشد صاحب شما ونگرد

غوى ۝ وما ينطق عن الهوى ۝ ان هو

خطا وسخن نميگويد از آرزوى نفس خود نيست آن

الا وحى يوحى ۝ علمه شديد القوى

مگر وحى كه فرود آمده شود بوى دانا ساخته او را سخت با قوه

ذو مرة فاستوى ۝ وهو بالافق الاعلى

خداوند صورت نيكو پس راست بايستاد جبرئيل ع واو بكناره بلند بود

ثم دنا فتدلى ۝ فكان قاب قوسين

پس نزديك آمد پس فرود آمد محمد ص پس بود مسافت مقدار دو كمان

او ادنى ۝ فاوحى الى عبده ما اوحى ۝ ما

بلكه نزديكتر پس وحى كرد جبرئيل ع بسوى بنده خداى آنچه كرد نگفت

كذب الفؤاد ما رأى ۝ افتمارونه على ما

دروغ دل محمد ص در آنچه ديد آيا مجادله ميكنيد با محمد ص بر آنچه

يرى ۝ ولقد رآه نزلة اخرى ۝ عند

ديد وبدرستيكه ديد جبرئيل را ع يكبار ديگر نزد درخت

سدرة المنتهى ۝ عندها جنة المأوى

سدرة المنتهى نزديك آن بهشتى جاى شهيدانست

اذ يغشى السدرة ما يغشى ۝ ما زاغ البصر

آنهنگام كه پوشيده بود سدره را آنچه پوشيده بود ميل نكرد چشم محمد ص

وما طغى ۝ لقد رأى من آيات ربه الكبرى

ودرنگذشت بجدى بخدا كه ديد از قدرتهاى آفريدگار خود قدرتهاى بزرگتر

افرأيتم اللات والعزى ۝ ومناة الثالثة الاخرى

خبر دهيد مرا كه لات و عزى ومنات سيم ديگر است

الكم الذكر وله الانثى ۝ تلك اذا قسمة

آيا مر شما راست نر ومر خدا را ماده اين آنهنگام قسمتى بود

ع

[illegible]

افرايتم اللات

ضيزى

ضيزى ۝ ان هي الا اسماء سميتموها انتم
خوار نيست اين مگر ناميها نهاده ايد آنرا شما

وآباؤكم ما انزل الله بها من سلطن ۝
و پدران شما نفرستاده خداتعالی بران هيچ سلطى

ان يتبعون الا الظن وما تهوى الانفس
پيروی نميکنند مگر گمان و متابعت ميکنند کرنفسها

ولقد جاءهم من ربهم الهدى ۝ ام
و بدرستيکه آمد بديشان از پروردگار ايشان هدايت آيا

للانسان ما تمنى ۝ فلله الآخرة والاولى ۝
مرآدمی را آنچه آرزو برد پس مر خدا راست درين سرای و در آن سرای

وكم من ملك في السموت لا تغني شفاعتهم
و بسياری از فرشته در آسمانها سود نکند خواهش ايشان

شيئا الا من بعد ان يأذن الله لمن يشاء و
چيزی مگر از پس آنکه دستوری دهد خداتعالی مرکه خواهد و

يرضى ۝ ان الذين لا يؤمنون بالآخرة
پسندد بدرستيکه آنانکه نميگروند باخرة

ليسمون الملئكة تسمية الانثى ۝ وما
هرآينه نام مينهند فرشتگان را نام نهادن مادگان و نيست

لهم به من علم ان يتبعون الا الظن وان
مرايشان را بان هيچ دانشی در پی نميروند مگر گمان و بدرستيکه

الظن لا يغني من الحق شيئا فاعرض عن من
گمان سود نکند از سخن حق چيزی را پس روی گردان از آنکه

تولى ۝ عن ذكرنا ولم يرد الا الحيوة الدنيا
ميگرداند از ذکر ما و نخواست مگر زندگانی دنيا

ذلك مبلغهم من العلم ان ربك هو اعلم
اين رسيدن گاه ايشانست از دانش بدرستيکه پروردگار تو او داناترست

بمن ضل عن سبيله ۝ وهو اعلم بمن اهتدى ۝
بآنکه گمراه شود از راه او و او داناترست بآنکه راه يابد

صلی الله علیه وعلی آله
واصحابه واحبابه وسلم
حضرت رسالت پناه
گفتند او صید است
کودکی ابن صعود ازدی
زدوزن آمنو کرم اگاه
هو اعلم بمن اتقی
سبب
این وقت درین آیت
خرطه

ربع

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ لِيَجْزِيَ

وهر خدا راست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است تا جزا دهد

الَّذِينَ اَسَاۤءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا

آنانرا که بد کردند بانچه کردند وپاداش دهد آنانرا که نیکوی کردند

بِالْحُسْنٰى ۝ اَلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبٰۤئِرَ الْاِثْمِ

به نیکوی آنانکه پرهیز کنند از گناه کبیره را

وَالْفَوَاحِشَ اِلَّا اللَّمَمَ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ

وزشتیها مگر آنچه خرد باشد بدرستیکه پروردگار تو بسیار آمرزش است

هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاِذْ

او داناتر است بشما چون پیدا کرد شمارا از زمین وانوقت

اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ اُمَّهٰتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا

شما خردان بودید در شکم مادران خود پس ستایش مکنید

اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ۝ اَفَرَءَيْتَ الَّذِي

نفسهای خودرا او داناتر است بکسی که تقوی ورزد آیا دیدی آنکه

ع

تَوَلّٰى ۝ وَاَعْطٰى قَلِيلًا وَاَكْدٰى ۝ اَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ

روی گردانید وعطا کرد اندکی بازداشت مال را آیا نزد اوست دانستن پوشیده

فَهُوَ يَرٰى ۝ اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسٰى ۝

پس او می بیند آیا خبر کرده نشده اورا بانچه در صحفهای موسی

وَاِبْرٰهِيمَ الَّذِي وَفّٰى ۝ اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ

وابراهیم آنکه وفا کرد آنکه برندارد بردارنده گناه

اُخْرٰى ۝ وَاَنْ لَيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى ۝ وَاَنَّ

دیگر وآنکه نیست مر آدمی را مگر آنچه سعی کند وآنکه

الفوکه
٥٥

سَعْيَهُ سَوْفَ يُرٰى ۝ ثُمَّ يُجْزٰيهُ الْجَزَاۤءَ الْاَوْفٰى ۝

سعی خودرا زود نموده شود پس پاداش دهد اورا پاداش تمامی

وَاَنَّ اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ۝ وَاَنَّهُ هُوَ اَضْحَكَ

وآنکه بسوی پروردگار تست نهایت وآنکه خدا تعالی او میخنداند

وَاَبْكٰى ۝ وَاَنَّهُ هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيٰى ۝ وَاَنَّهُ خَلَقَ

ومیگریاند وآنکه خدا تعالی او میمیراند وزنده سازد وآنکه خدا تعالی پیدا کرد

شنیده
فرمود که بجهود زرع میکنید
جمع مولود وزینت درآن
نادر آن آله او نفس را
با سعید از نفس خضرات
رسالت پناه صلی الله
علیه وآله دعا ... بر
الروحین

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۝ مِن نُّطْفَةٍ
دو صنف نر و ماده از نطفه
إِذَا تُمْنَىٰ ۝ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ ۝
وقتیکه ریخته شود وآنکه برخدا ایست آفریدن دیگر
وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ۝ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ
وآنکه خدا تعالی او توانگر کند و سرمایه دهد وآنکه خدا تعالی اوست آفریدگار
الشِّعْرَىٰ ۝ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ۝ وَثَمُودَ
شعری وآنکه خدا تعالی هلاک کرد قوم عاد نخستین و ثمود
فَمَا أَبْقَىٰ ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا
پس باقی نگذاشت و قوم نوح پیش از عاد بدرستیکه ایشان بودند
هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ ۝ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ۝
ایشان ستمکارتر و از حد گذرنده تر و اهل شهرستان لوط را برداشت
فَغَشَّاهَا مَا غَشَّىٰ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ
پس پوشانید آن شهر را آنچه پوشانید پس بکدام از نعمتهای آفریدگار خود شک آری
هَٰذَا نَذِيرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْأُولَىٰ ۝ أَزِفَتِ الْآزِفَةُ
این حضرت محمد بیم کننده از پیغمبران نخست است نزدیک شد نزدیک شونده
لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۝ أَفَمِنْ هَٰذَا
نیست مر آنرا بجز خدا تعالی نیک ظاهر کننده آیا ازین
الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ
سخن شگفت آرید و میخندید و نمی گریید
وَأَنتُمْ سَامِدُونَ ۝ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ۩
وشما بازی کنندگانید پس سجده کنید مر خدا را و او را پرستید

## سُورَةُ الْقَمَرِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ خَمْسٌ وَخَمْسُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ الْقَمَرُ ۝ وَإِن يَرَوْا
نزدیک شد قیامت و شکافته شد ماه و اگر ببینند

سجده

ع

آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ۝ وَكَذَّبُوا

نشانه اعراض کنند و گویند جادو یست دایم و تکذیب کردند

وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ ۝

و پیروی نمایند آرزوهای خود را و هر کاری واقعست

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ

و بدرستیکه آمد بدیشان از خبرها آنچه دران بازداشتن بود

حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ

حکمت تامست پس نفع نکند انذار بیم کنندگان پس رو گردان از ایشان

يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكُرٍ ۝ خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ

آنروز که بخواند خواننده بسوی چیزی زشت در حالیکه فرو افتاده باشد چشمهای ایشان

يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ

بیرون آیند از قبرهای گویا ایشان ملخهای

مُنْتَشِرٌ ۝ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ

پراکنده شتاب کنندگان بسوی خواننده میگویند کافران

هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ

این روز دشوارست ما تکذیب کردند پیش از ایشان گروه نوح

فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ۝

پس تکذیب کردند بنده مارا و گفتند دیوانه است بازداشته شده

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝ فَفَتَحْنَا

پس بخواند پروردگار خود را که من مغلوب شدم پس انتقام کش پس بکشادیم

أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ۝ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ

درهای آسمان بآبی ریزان و بکشادیم زمین را

عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ۝ وَ

چشمها پس ملاقات شد آب زمین برکاریکه قضا کرده شده بود و

حَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ ۝ تَجْرِي

برداشتیم نوح را بر کشتی خداوند تختها و میخها میرفت

بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ۝ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا

بنگاهداشت ما یادداشتی برای آنکسیکه نگرویده بود و بدرستیکه گذاشتیم آن

آيةً فهل من مدّكرٍ ۝ فكيف كان عذابي
نشانه پس هست هیچ پندگیرنده پس چگونه بود عذاب من
ونذرِ ۝ ولقد يسّرنا القرآن للذّكر فهل
و بیم کردن و بدرستیکه آسان کردیم قرآن برای یاد کردن پس آیا هست
مدّكرٍ ۝ كذّبت عادٌ فكيف كان عذابي
پندگیرنده تکذیب کردند قوم عاد پس چگونه بود عذاب من
ونذرِ ۝ إنّا أرسلنا عليهم ريحًا صرصرًا في
و بیم کردن بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان بادی سخت سرد در
يوم نحسٍ مستمرٍّ ۝ تنزع النّاس كأنّهم
روز شوم مستحکم بیفکند قوم عاد گویا ایشان
أعجاز نخلٍ منقعرٍ ۝ فكيف كان عذابي ونذرِ
درخت خرما اند رکنده از بیخ پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن
ولقد يسّرنا القرآن للذّكر فهل من مدّكرٍ ۝
و بدرستیکه آسان کردیم قرآن برای یاد کردن پس آیا هست پندگیرنده
كذّبت ثمود بالنّذرِ ۝ فقالوا أبشرًا منّا واحدًا
تکذیب کردند قوم ثمود بیم کردن پس گفتند آیا آدمی از جنس ما یگانه
نتّبعه إنّا إذًا لفي ضلالٍ وسعرٍ ۝ ءَأُلقي
پیروی کنیم او را بدرستیکه ما آنهنگام در گمراهی و در جنون آیا القا کرده شد
الذّكر عليه من بيننا بل هو كذّابٌ أشرٌ ۝
پند بر و از میان ما بلکه او دروغگوییست ستیزنده
سيعلمون غدًا من الكذّاب الأشر ۝ إنّا
زود باشد که بدانند فردا از دروغگوی ستیزنده بدرستیکه ما
مرسلوا النّاقة فتنةً لهم فارتقبهم واصطبر ۝
بیرون آرنده ناقه برای امتحان مر ایشان را پس نگاهبان ایشان باش و صبر کن
ونبّئهم أنّ الماء قسمةٌ بينهم كلّ شربٍ
و آگاه کن ایشان را آنکه آب بخش کرده میان ایشان هر نصیبی
محتضرٌ ۝ فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر ۝
حاضر کرده شده است پس خواندند یاران خود را پس گرفت شمشیر پس پی کرد ناقه را

قرار گرفت
و بکر بیجه و بکر یعقوب
دیگر رفت باز گفت
با تو باهم شود اشاره کرد
هر دو قسم هم پیوستند
بهبودی ایمان آوردند
و ابو جهل گفت او
پیغمبر ما را سحر کرده است
و قمر امتیق بحال خود
از جا عرض آوردن
آن قوم بیرسد سوال
کنیم تا این زیره
بیاید جون از بیزده
ورود زده

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان
صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۝ وَلَقَدْ
صیحه یگانه پس گشتند مانند گیاه درهم شکسته و بدرستیکه
يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝
آسان کردیم قرآن برای یاد کردن پس آیا هست هیچ پندگیرنده
كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
تکذیب کردند قوم لوط بیم کردن را بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان
حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ نِعْمَةً مِنْ عِنْدِنَا
ابری سنگ بارنده مگر لوط و دختران وی را برهانیدیم ایشان را سحری با نعمتی از نزد ما
كَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ۝ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ
همچنین جزا دهیم هر که سپاس دارد و بدرستیکه ترسانیده قوم لوط را
بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ۝ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ
از گرفتن ما پس شک آورده اند آن بیم کردن و هر آینه طلب کردند لوط را
عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي
از مهمانان وی پس محو کردیم چشمهای ایشان پس بچشید عذاب من
وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ
و بیم کردن و بدرستیکه بامداد آمد بقوم لوط عذاب قرار گرفته
فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ
پس بچشید عذاب من و بیم کردن و بدرستیکه آسان کردیم قرآن
لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ وَلَقَدْ جَاءَ
برای یاد کردن پس آیا هست هیچ پندگیرنده و بدرستیکه آمد
آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ۝ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ
بفرعون و قوم او بیم کنندگان تکذیب کردند آیتهای ما همه پس گرفتیم ایشان را
أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ ۝ أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولَٰئِكُمْ
گرفتن غالب توانا آیا کافران شما بهتر اند ازین گروه مکیان
أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ ۝ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ
یا آنکه شما راست برائت در کتابهای سماوی یا میگویند ما

جمع

جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ۝ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ

همه یاری دهنده زود باشد که هزیمت کرده شود جمع ایشان و برگردانند

الدُّبُرَ ۝ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ

پشتها بلکه قیامت وعده گاه ایشان و عذاب قیامة

أَدْهَى وَأَمَرُّ ۝ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

سختر و تلخ‌تر هر آینه گناهکاران در گمراهی و غذاب

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا

روزیکه کشیده شوند در آتش بر رویهای ایشان بچشید

مَسَّ سَقَرَ ۝ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ۝

سودن دوزخ هر آینه ما همه چیز آفریده ایم باندازه

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ۝ وَلَقَدْ

و نیست فرمودن ما مگر یک کلمه مانند دیدن بچشم و هر آینه

أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ وَكُلُّ

هلاک کردیم امثال شما پس آیا هست هیچ پند گیرنده و هر

شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ۝ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ

چیزیکه کرده اند در لوح محفوظ و هر خوردی و بزرگی

مُسْتَطَرٌ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

نوشته شده است هر آینه پرهیزکاران در بوستانها و جویها

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ۝

در مکان پسندیده نزدیک ملک توانا

## سُورَةُ الرَّحْمٰنِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

نام خدای بخشنده مهربان

الرَّحْمٰنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ

خداوند بخشایش بیاموخت قرآن را بیافرید انسان را بیاموخت آن

الْبَيَانَ ۝ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝ وَالنَّجْمُ

روشن کردن آفتاب و ماه بحساب معلوم و گیاه

نزول شده
صدوق لیس عم
مصعب بن عمیر را
بو صد
و تنزه
نامزد فزار این
کرده
نا قبکین
نا قدر
اول بمصعب رسید
وادو
نا قدر
ع
فزار
کبین گاه
و نسبتر

وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ
ودرخت فرمان برند خدا را و آسمان برداشت بالای زمین و نهاد

الْمِيزَانَ ۝ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۝ وَأَقِيمُوا
ترازو آنکه از حد در مگذرید در ترازو و بپای دارید

الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۝ وَ
سنجیدن بعدل و کم مکنید ترازو و

الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۝ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ
زمین بگسترانید برای آدمیان دران میوهاست و خرمابنان

ذَاتُ الْأَكْمَامِ ۝ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ
خداوند غلاف و دانهاست خداوند برگ و ریحان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ
پس بکدام نعمت پروردگار خود را تکذیب میکنید بیافرید آدمی

مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۝ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ
از گل خشک مانند سفال پخته و بیافرید جان را از

مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝
زبانهٔ صافی از آتش پس بکدام نعمت آفریدگار خود را تکذیب میکنید

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ
آفریدگار دو مشرق و آفریدگار دو مغرب پس بکدام نعمت

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۝
پروردگار خود را تکذیب میکنید راه داد دو دریا بیکدیگر رسند

بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
میان آن مانعی افزونی نمی جویند پس بکدام نعمت پروردگار خود را

تُكَذِّبَانِ ۝ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۝
تکذیب میکنید بیرون آید ازان مروارید کلان و مروارید ریزه

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ وَلَهُ الْجَوَارِ
پس بکدام نعمت پروردگار خود را تکذیب میکنید و مر خدای راست روان

الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
کشتیها در دریا مانند کوهها پس بکدام نعمت پروردگار خود را

[illegible]

تكذبن

تكذبن ۝ كل من عليها فان ۝ ويبقى وجه
تکذیب میکنند هر کسیکه بر زمین است هالک اند و باقی ماند ذات

ربك ذو الجلال والاكرام ۝ فباي الاء
پروردگار تو خداوند بزرگی و کرامی پس بکدام نعمت

ربكما تكذبان ۝ يسئله من في السموت و
پروردگار خودرا تکذیب میکنید میخواهند ازو هر که در آسمانها و

الارض كل يوم هو في شان ۝ فباي الاء ربكما
زمین است هر روز او در شان خلق پس بکدام نعمت پروردگار خودرا

تكذبن ۝ سنفرغ لكم ايه الثقلن ۝ فباي
تکذیب میکنید زود که حساب کنیم شمارا ای دو گروه بزرگ پس بکدام

الاء ربكما تكذبان ۝ يمعشر الجن والانس
نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید ای گروه جن و آدمی

ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموت
اگر توانید آنکه بیرون روید از کنارهای آسمانها

والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطن
و زمین پس بیرون روید بیرون نمی توانید شد مگر بقوت

فباي الاء ربكما تكذبن ۝ يرسل عليكما
پس بکدام نعمت آفریدگار خودرا تکذیب کنید و فرستاده شود بر شما

شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران ۝ فباي
زبانه خالص از آتش و دود پس نصرت نخواهید کرد پس بکدام

الاء ربكما تكذبان ۝ فاذا انشقت السماء
نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید پس چون شکافته شود آسمان

فكانت وردة كالدهان ۝ فباي الاء ربكما
پس گردد سرخ مانند ادیم احمر پس بکدام نعمت پروردگار خودرا

تكذبان ۝ فيومئذ لا يسئل عن ذنبه انس ولا
تکذیب میکنید پس آن روز پرسیده نشود از گناه او آدمی و نه

جان ۝ فباي الاء ربكما تكذبن ۝ يعرف المجرمون
پری پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب کنید شناخته شوند کافران

[illegible] ولمن خاف [illegible]

بِسِيمٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ فَبِأَيِّ
بعلامت ایشان پس گرفته شوند بموی پیشانی و بقدمها پس بکدام
آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ
نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید این آن دوزخ است که تکذیب کردند
بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ
بآن کافران طواف کنند میان آن و میان آب گرم
آنٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وَلِمَنْ
گرمی بغایت پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب کنید و برای کسیکه
خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
بترسد از ایستادن پروردگار دو بهشت پس بکدام نعمت پروردگار خودرا
تُكَذِّبَانِ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تکذیب میکنید دو بوستان خداوند شاخها پس بکدام نعمت پروردگار خودرا
تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ
تکذیب میکنید درین دو جنت دو چشمه میرود پس بکدام نعمت
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ
پروردگار خودرا تکذیب میکنید درین دو جنت از هر میوه دو صنف
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ
پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید تکیه زده بر
فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ
فرشها که استرآن از دیبایی محکم و میوه درختان این دو جنت
دَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ
نزدیک است پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید در آنها
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ
کوتاه چشمان نسوده باشند آدمی پیش از ایشان و نه جنیان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ
پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید گویا ایشان یاقوت اند و
وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
مرواريد پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید

نصف ع

[illegible]

٩٦

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ

آیا جزا است نیکی کردن مگر نیکویی کردن پس بکدام نعمت

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ۝

پروردگار خودرا تکذیب میکنید و از جز این دو بستان دو بستان دیگر است

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ مُدْهَامَّتَانِ ۝

پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید دو بهشت سبز

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِمَا عَيْنَانِ

پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید درین دو بهشت دو چشمه باشند

نَضَّاخَتَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِمَا

جوشنده پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید درین دو

فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

میوه بسیار و خرمابنان و انار پس بکدام نعمت پروردگار خودرا

تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ

تکذیب میکنید درین دو بهشت نیکو رویان پس بکدام نعمت

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ۝

پروردگار خودرا تکذیب میکنید حوران نهان شده در خیمها

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ

پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید نسوده است ایشانرا

إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

آدمی پیش ازایشان و نه جنیان پس بکدام نعمت پروردگار خودرا

تُكَذِّبَانِ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ

تکذیب میکنید تکیه زدگان باشند بر فرشهای سبز و بساطهای قیمتی

حِسَانٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝

در غایت نیکویی پس بکدام نعمت پروردگار خودرا تکذیب میکنید

تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۝

بزرگست نام پروردگار تو خداوند جلال و اکرام

## سُورَةُ الْوَاقِعَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتٌّ وَتِسْعُونَ آيَةً

دهند صلح
دهند چهار پاره بهشت
که هر یکی ازینها صد
ساله راه طول و عرض باشد
که در میان هر یکی خیمه باشد
خوش و هر خیمه در کجی دهند
بل جزاء الاحسان که کار نیک کند
بهشت
هر که گوید لا اله الا الله
محمد رسول الله بهشت
که بهشت وجای اوست
آنست که جزا دهند
نیکی بهشت بس جزا
دهند طاعات و درجات
و لطافات کنند شکر را
بزیاده و نقوص را
بفوج دو ثمره را

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
إذا وقعت الواقعة ليس لوقعتها كاذبة
چون واقع شود قيامت نيست مر آمدن او دروغی
خافضة رافعة إذا رجت الأرض رجا
فرو برنده است بر دارنده چون جنبانيده شود زمين جنبانيدنی
وبست الجبال بسا فكانت هباء منبثا
و رانده شوند كوهها راندنی پس باشند غباری پراكنده
وكنتم أزواجا ثلثة فأصحب الميمنة ما
و باشيد اصناف سه گانه پس اصحاب دست راست چه اند
أصحب الميمنة وأصحب المشأمة ما أصحب
اصحاب دست راست و اصحاب دست چپ چه اند اصحاب
المشأمة والسبقون السبقون أولئك
دست چپ و پيشی گيرندگان پيشی گيرندگانند آن گروه
المقربون في جنت النعيم ثلة من الأولين
نزديكان در بوستانهای نعمت گروهی از پيشينيان
وقليل من الآخرين على سرر موضونة
و اندكی از پسينيان بر تختها بزر بافته
متكئين عليها متقبلين يطوف عليهم
تكيه زدگان بر ان برابر يكديگر ميگردند بر ايشان
ولدن مخلدون بأكواب وأباريق وكأس
كودكان جاويد ماندگان بكوزها و ابريقها و جامها
من معين لا يصدعون عنها ولا ينزفون
از شراب روان است درد سر نكنند از ان و نه بی عقل شوند
وفكهة مما يتخيرون ولحم طير مما
و ميوه ها از انچه اختيار كنند و گوشت مرغ از انچه
يشتهون وحور عين كأمثل اللؤلؤ المكنون
آرزو برند و زنان سفيد روی مانند مرواريد پوشيده

بقبول
و عبارها جات
و سؤال العطا
ع
و استغفار را
بنعوذ بالله من ...
... سورة الواقعة ...
صلى الله عليه
و على آله واصحابه وسلم
عليهم اجمعين

جزاء

جزاءً بما كانوا يعملون ۝ لا يسمعون فيها
پاداش میدهیم آنچه بودند که میکردند نشنوند در آن

لغواً ولا تأثيماً ۝ إلا قيلاً سلاماً سلاماً ۝ وأصحب
بیهوده و نه گناه باشد مگر آنکه پیوسته یکدیگر سلام کنند و اصحاب

اليمين ما أصحب اليمين ۝ في سدر مخضود
دست راست چه اند اصحاب دست راست در زیر درخت کنار

وطلح منضود ۝ وظل ممدود ۝ وماء مسكوب
و درخت موز بود و سایه کشیده باشد و آب ریزان

وفكهة كثيرة ۝ لا مقطوعة ولا ممنوعة ۝
و میوها بسیار نه بریده شده و نه منع کرده شده

وفرش مرفوعة ۝ إنا أنشأنهن إنشاء ۝
و گستردنیها بر داشته شده بدرستیکه بیافریدیم ایشان را آفریدنی

فجعلنهن أبكاراً ۝ عرباً أتراباً ۝ لأصحب اليمين ۝
پس گردانیدیم ایشان را باکره دوستداران همزادان برای اصحاب دست راست

ثلة من الأولين ۝ وثلة من الآخرين ۝ و
گروهی اند از پیشینیان و گروهی اند از پسینیان و

أصحب الشمال ما أصحب الشمال ۝ في سموم
اصحاب دست چپ چه اند اصحاب دست چپ در آتش سوزان

وحميم ۝ وظل من يحموم ۝ لا بارد ولا كريم ۝
و آب گرم و سایه از دود گرم نه خنک و نه بود رساننده

إنهم كانوا قبل ذلك مترفين ۝ وكانوا يصرون
بدرستیکه ایشان بودند پیش ازین بناز و نعمت پرورده شدگان و بودند که اصرار میکردند

على الحنث العظيم ۝ وكانوا يقولون أئذا متنا
بر گناه بزرگ و بودند که میگفتند آیا وقتیکه بمیریم

وكنا تراباً وعظاماً أءنا لمبعوثون ۝ أوآباؤنا
و گردیم خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته شدگانیم آیا پدران

الأولون ۝ قل إن الأولين والآخرين ۝
پیشینیان بگو بدرستیکه پیشینیان و پسینیان

جزای مؤمنان در راه نازل
شد و بود و ذکر بهشت
که ظلم بلاگیره ازان
مستوجب است و یکی از بهشت
دوبار نسخ ذکر بهشت زودتر
آن بود که در سوره رحمن
ذکر بهشت ایمان و
به ایمان و بیان
ع
جزای کافران
و ذکر اصحاب مؤمنان و نمود
و در این سوره این گروه را
قسمت نمود بر سه قسم
اصحاب دست راست
و اصحاب دست
چپ

لمجموعون ۝ الى ميقات يوم معلوم ۝

هر آینه جمع شدگانند برای وقت روز معلوم

ثم انكم ايها الضالون المكذبون ۝ لاكلون

پس بدرستیکه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان هر آینه خورندگانید

من شجر من زقوم ۝ فمالـٔون منها البطون

از درختی که زقوم است پس پر کننده اید از ان بوه شکمها

فشربون عليه من الحميم ۝ فشربون شرب

پس آشامنده اید بر بالای آن از آب گرم پس آشامنده اید آشامیدن

الهيم ۝ هذا نزلهم يوم الدين ۝ نحن

تشنگی زده این پیشکشی ایشانست روز جزا ما

خلقنكم فلولا تصدقون ۝ افرءيتم ما

آفریدیم شما را پس چرا باور نمیدارید آیا خبر دهید از

تمنون ۝ ءانتم تخلقونه ام نحن الخلقون

آبی که میریزید آیا شما می آفرینید یا ما آفریدگانیم

نحن قدرنا بينكم الموت وما نحن بمسبوقين

ما تقدیر کردیم میان شما مرگ و نیستیم ما پیشی گرفته شده

على ان نبدل امثالكم وننشئكم في ما لا تعلمون

بر آنکه بدل کنیم مانند شما اند و بیافرینیم شما را در آنچه نمیدانید

ولقد علمتم النشاة الاولى ۝ فلولا تذكرون

و بدرستیکه دانسته اید شما آفرینش نخستین پس چرا باور نمیکنید

افرءيتم ما تحرثون ۝ ءانتم تزرعونه ام

اخبار نمائید از آنچه کشت کنند آیا شما میرویانید آیا

نحن الزرعون ۝ لو نشاء لجعلنه حطاما

ما رویانندگانیم اگر خواهیم هر آینه گردانیم آن گیاهی درهم شکسته

فظلتم تفكهون ۝ انا لمغرمون ۝ بل نحن

پس همه روز باشند در شگفت بدرستیکه ما تاوان زدگانیم بلکه ما

محرومون ۝ افرءيتم الماء الذي تشربون

بی بهره اخبار نمائید از آبی که می آشامید

ربنا القیان من ان زبان
الی میقات یوم
وانسدار علیم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
از نشیبیان و ازانه
از بیبیان [illegible]
از بیبیان ان وکفت
عمده ورکرا ان [illegible]
با رسول [illegible]
علیه وآله واصحابه
وذریته وسلم [illegible]
[illegible]
وار بابهشت [illegible]
[illegible]
[illegible]

ءانتم

نجم بیر بت
... نزول ... از ... 
... من ... ابن ...
... ابن عباس ...
... صلی الله علیه وسلم
[illegible]

ءَاَنْتُمْ اَنْزَلْتُمُوْهُ مِنَ الْمُزْنِ اَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُوْنَ
آیا شما فرستاده اید آنرا از ابر سفید آیا ما فرستاده ایم

لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنٰهُ اُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُوْنَ
اگر خواهیم گردانیم آن آب تلخ و شور پس چرا شکر نمی گویید

اَفَرَءَيْتُمُ النَّارَ الَّتِىْ تُوْرُوْنَ ءَاَنْتُمْ اَنْشَاْتُمْ
اخبار کنید از آتشی که بیرون می آرید آیا شما پیدا کرده اید

شَجَرَتَهَآ اَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُوْنَ نَحْنُ جَعَلْنٰهَا تَذْكِرَةً
درخت آتش را آیا ما آفریده ایم ما گردانیده ایم آتش را یادگردنی

وَّمَتَاعًا لِّلْمُقْوِيْنَ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ
و برخورداری مر مسافران پس تسبیح گوی بنام پروردگار بزرگ

فَلَآ اُقْسِمُ بِمَوٰقِعِ النُّجُوْمِ وَاِنَّهٗ لَقَسَمٌ لَّوْ
پس سوگند یاد کنم بمواقع نجوم و بدرستیکه او سوگندیست اگر

تَعْلَمُوْنَ عَظِيْمٌ اِنَّهٗ لَقُرْاٰنٌ كَرِيْمٌ فِىْ
دانید بزرگ تر بدرستیکه او قرآنیست بزرگوار در

كِتٰبٍ مَّكْنُوْنٍ لَّا يَمَسُّهٗٓ اِلَّا الْمُطَهَّرُوْنَ
کتابی پوشیده نساید او را مگر پاکیزگان

تَنْزِيْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ اَفَبِهٰذَا الْحَدِيْثِ
فرستاده شده است از آفریدگار جهانیان آیا بدین سخن

اَنْتُمْ مُّدْهِنُوْنَ وَتَجْعَلُوْنَ رِزْقَكُمْ اَنَّكُمْ
شما نا گرویدگانید و میسازید بهره شما آنکه شما

تُكَذِّبُوْنَ فَلَوْلَآ اِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُوْمَ وَ
تکذیب کنید پس چرا چون برسد روح بحنجره گلو و

اَنْتُمْ حِيْنَئِذٍ تَنْظُرُوْنَ وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ
شما آنهنگام می بینید و ما نزدیکتریم بسوی آن

مِنْكُمْ وَلٰكِنْ لَّا تُبْصِرُوْنَ فَلَوْلَآ اِنْ كُنْتُمْ
از شما ولیکن نمی بینید پس چرا اگر هستید

غَيْرَ مَدِيْنِيْنَ تَرْجِعُوْنَهَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ
غیر جزا داده شدگان باز گردانید روح را اگر هستید راست گویان

ثلثه
ع

... نازل ... بیان ... 
... علم ... 
ابن ... 
فی ... علم ... 
... 
بعد از نزول این

سورة الحديد

فَاَمَّآ اِنْ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ۝ فَرَوْحٌ وَّرَيْحَانٌ

پس اما اگر باشید از نزدیک شدگان پس مراد راحت و ریحان

وَّجَنَّتُ نَعِيْمٍ ۝ وَاَمَّآ اِنْ كَانَ مِنْ اَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ

و بوستان نعمت واما اگر باشد از اصحاب دست راست

فَسَلٰمٌ لَّكَ مِنْ اَصْحٰبِ الْيَمِيْنِ ۝ وَاَمَّآ اِنْ كَانَ

پس سلام مر تراست از اصحاب دست راست واما اگر باشد

مِنَ الْمُكَذِّبِيْنَ الضَّآلِّيْنَ ۝ فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيْمٍ

از تکذیب کنندگان گمراهان پس مراد هست بخشش از آب گرم

وَّتَصْلِيَةُ جَحِيْمٍ ۝ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِيْنِ

و در آوردن در آتش سوزان هر آینه این هر آینه آن حق یقین است

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيْمِ ۝

پس تسبیح گو بنام پروردگار بزرگ

## سُوْرَةُ الْحَدِيْدِ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانَ عَشَرَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ

نماز گذارد مر خدا را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب

الْحَكِيْمُ ۝ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُحْيِيْ

محکم کار است مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده کرداند

وَيُمِيْتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ هُوَ الْاَوَّلُ

و میمیراند و او بر هر چیز تواناست اوست اول

وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ

و آخر و ظاهر و باطن و او بهر چیز داناست

هُوَ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِيْ سِتَّةِ

اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین در شش

اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ

روز پس قصد کرد بر عرش میداند آنچه در آید

ع

في الارض

فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
در زمین و آنچه برمی آید از آن و آنچه فرود آید از
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ
آسمان و آنچه بالا رود در آن و او با شما هرجا که
مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ
باشید و خدا تعالی بآنچه میکنید بیناست مر او راست پادشاهی
السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
آسمانها و زمین و بسوی خدا تعالی باز گردانیده شود عاقبت کار
يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
در آرد شب را در روز و در آرد روز را در شب
وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آمِنُوا بِاللَّهِ
و او داناست بآنچه در سینهاست بگروید بخدا تعالی
وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ
و رسول او و نفقه دهید از آن مالی که کرده اند شما را پس نشینان
فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ
در آن پس آنانکه گرویدند از شما و نفقه کردند مر ایشان راست مزدی
كَبِيرٌ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ
بزرگ و چیست شما را که نمیگروید بخدا تعالی و رسول او
يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ
میخواند شما را تا ایمان آرید بپروردگار خویش و بدرستیکه گرفت پیمان شما
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ
اگر هستید باور دارندگان اوست آنکه فرستد بر بنده خود
آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ
آیتهای روشن تا بیرون آرد شما را از تاریکیها بروشنی و
إِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ وَمَا لَكُمْ أَلَّا
بدرستیکه خدا تعالی بشما مهربانست بخشنده و چیست شما را آنکه
تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمٰوٰتِ
نفقه نکنید در راه خدا تعالی و مر خدا راست میراث آسمانها

آمنوا بالله
این حکم از آن ایمان است
در بیان احکام ایمان
آرید ای کافران
بخدا و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
واجب و [illegible]
[illegible]
و [illegible]
[illegible] شما را
[illegible]
[illegible]
[illegible]

وَالْاَرْضِ لَا يَسْتَوِى مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ
وزمين برابر نيست از شما هركه نفقه كند پيش از
قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ اُولٰٓئِكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً
فتح مكه وكارزار كند آن گروه بزرگتر از درجه
مِنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوْا وَكُلًّا
از آنانكه نفقه كنند از پس وكارزار نمايند وهمه
وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ
وعده كرده است خداى تعالى بهشت وخداى تعالى بانچه ميكنيد دانا است
مَنْ ذَا الَّذِىْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ
كيست آنكه وام دهد خدا را قرضى نيكو پس زياده گرداند
لَهٗ وَلَهٗ اَجْرٌ كَرِيْمٌ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ
براى او ومزدى بزرگ روزيكه بينى مردان وزنان گرويده
يَسْعٰى نُوْرُهُمْ بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ
ميرود روشنائى ايشان در پيش ايشان وبراستهاى ايشان
بُشْرٰىكُمُ الْيَوْمَ جَنّٰتٌ تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ
مژده شما امروز باغهاست ميرود از زير آن جويها
خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ يَوْمَ
جاويد باشند در آن اين آنست رستگارى بزرگ روزيكه گويند
يَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالْمُنٰفِقٰتُ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا انْظُرُوْنَا نَقْتَبِسْ
مردان وزنان منافقه مر آنانرا كه گرويدند نظر كنيد با تا بگيريم
مِنْ نُوْرِكُمْ قِيْلَ ارْجِعُوْا وَرَآءَكُمْ فَالْتَمِسُوْا
از نور شما گفته شود بازگرديد پس خويش پس بجوئيد
نُوْرًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُوْرٍ لَهٗ بَابٌ بَاطِنُهٗ
نورى را كه پس زده باشد ميان منافقان ديوارى مراورا درى باطن بود
فِيْهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهٗ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ يُنَادُوْنَهُمْ
درو رحمت بود وظاهر سور پيش از و عذاب بخوانند ايشانرا
اَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوْا بَلٰى وَلٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ
آيا نبوديم با شما گويند آرى وليكن شما درفتنه انداختيد

ع

حضرت ابوبكر صديق رضى الله عنه

انفسكم

أَنفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ
نفسهای خودرا و تا چیز کردید و شک آوردید و فریب داد شمارا

الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُم بِاللَّهِ
آرزوها تا بیامد فرمان خدا تعالی و فریب داد شمارا بخدا تعالی

الْغَرُورُ ۝ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا
فریبنده پس امروز گرفته نشود از شما فدیه و نه

مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ
از آنانکه کافر شدند جای شما دوزخ آن سزاوارتر است شما

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَن
و بد بازگشت است آیا وقت نیامد مر آنانرا که گرویدند آنکه

تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ
نرم شود دلهای ایشان برای یاد کردن خدا تعالی و آنچه فرستاده از

الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
راستی و نباشید مانند آنانکه داده اند کتاب

مِن قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
از پیش پس دراز شد برایشان زمان پس سخت شد

قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝
دلهای ایشان و بسیاری ازایشان خارجند

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
بدانید آنکه خدا تعالی زنده گرداند زمین پس از مردن آن

قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝
بدرستیکه بیان کردیم برای شما آیتها شاید که شما تعقل کنید

إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ
بدرستیکه صدقه دهندگان مردان و زنان و قرض دهند خدا را

قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ
قرض نیکو دو چند کرده اند برای ایشان و مر ایشانراست مزد

كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ
بزرگ و آنانکه گرویدند بخدا تعالی و رسول او آنگروه

هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَآءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ
ایشانند راست گویان و ایشانند گواهان نزد پروردگار خود
لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
مر ایشانراست مزد ایشان و روشنی ایشان و آنانکه کافر شدند
وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ
و تکذیب کردند آیتهای ما آن گروه یاران دوزخ اند
اِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ
بدانید آنکه زندگانی دنیا بازیست و بیهوده و آرایش
وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ
و مفاخرت کردن یکدیگر میان شما و بسیار طلبیدن در مالها و
الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ
و فرزندان مانند باران شگفت آرد مر زارعانرا آنچه رسته باشد ازو پس
يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي
خشک گردد پس بینی آنرا زرد شده پس گردد درهم شکسته و در
الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ
آخرت عذابیست سخت و آمرزش از خدا تعالی
وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ
و خشنودی و نیست زندگانی دنیا مگر متاع فریبنده
سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
پیشی گیرید بسوی آمرزش از پروردگار شما و بسوی بهشتی که پهنای آن
كَعَرْضِ السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا
مانند عرض آسمان و زمین است آماده کرده شد برای کسانیکه گرویدند
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَآءُ
بخدا تعالی و رسول او این فضل خدایست میدهد آنرا هرکرا خواهد
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ
و خدا تعالی خداوند فضل بزرگست نرسد از غم
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ
در زمین و نه در نفسهای شما مگر در لوح محفوظ پیش از آنکه

ان نبراها

أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِكَيْلَا

تا بیافریدیم آن را بدرستیکه این بر خدا تعالی آسانست تا نشوید

تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

اندوهگین بر آنچه فوت شد شما را و شادمان نگردید بآنچه داد شما را

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ

و خدا تعالی دوست نمیدارد هر متکبر را نازنده آنانکه بخل کنند

وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ

و امر کنند مردمان را ببخیلی و هر که رو گرداند پس بدرستیکه

اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا

خدا تعالی اوست بی نیاز ستوده بدرستیکه فرستادیم فرستادگان را

بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

بحجت و فرستادیم با ایشان کتابها و ترازو

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ

تا قایم شوند آدمیان بعدل و فرستادیم آهن در آن

بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ

کارزار سخت هست و سودهاست مر مردمان را و تا ببیند خدا تعالی

مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

آنکس را که یاری دین او کند و رسول او را بپوشیده بدرستیکه خدا تعالی توانا است

عَزِيزٌ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَ

غالب و بدرستیکه فرستادیم نوح را و ابراهیم را و

جَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ

نهادیم در فرزندان ایشان پیغامبری و کتابها

فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

پس بعضی از ایشان راه یافتگانند و بسیاری از ایشان بیرون رفتگانند

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى

پس از پی آوردیم بر عقب نوح و ابراهیم فرستادگان ما و از پی آوردیم عیسی

ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ

پسر مریم و دادیم او را انجیل و افکندیم در دلهای

---

زنان
ولی تحقیق بدانکه
ایشان در بیگانگی
از زنان ... چیز
میزنند ... خدای
زیرا که روز ... بعد از
مردگی ...
کردیم ...
... ولقد ارسلنا نوحا
... قصه نوح و ابراهیم علیهما السلام
ع
...
و ابراهیم خبر را
علیه السلام ...
و ...
...
... عیسی
علیه السلام

الذين اتبعوه رأفة ورحمة ورهبانية

آنانکه پیروی کردند اورا مهربانی وبخشایش ورهبانیه را

ابتدعوها ما كتبناها عليهم الا ابتغاء

پیش خود نو در آوردند فرض نکرده بودیم آن بر ایشان لیکن بطلب

رضوان الله فما رعوها حق رعايتها فآتينا

خشنودی خدای تعالی پس رعایت نکردند آنرا چنانچه سزاوار نگاه داشتن آن بود پس دادیم

الذين آمنوا منهم أجرهم وكثير منهم

آنانکه گرویدند از ایشان مزد ایشان و بسیاری از ایشان

فاسقون ۝ يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله و

بیرون آمدگانند ای گروه مومنان بترسید از خدای تعالی و

آمنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته

بگروید برسول او بدهد شمارا دو بهره از بخشش خود

ويجعل لكم نورا تمشون به ويغفر لكم

و دهد برای شما روشنی که روید بر آن و بیامرزد شمارا

والله غفور رحيم ۝ لئلا يعلم أهل الكتاب

و خدای تعالی آمرزنده مهربان است تا بدانند اهل کتاب

ألا يقدرون على شيء من فضل الله وأن

و رستگار قادر نشوند بر چیزی از فضل خدای تعالی و آنکه

الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل

فضل بدست خدای تعالی میدهد آنرا هرکرا خواهد و خدای تعالی خداوند فضل

## سورة المجادلة مدنية | العظيم | وهي اثنا وعشرون آية

بزرگست

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها

بتحقیق بشنود خدای تعالی سخن آن زنانکه جدال کرد در کار شوهر خود

وتشتكي إلى الله والله يسمع تحاوركما

و ناله کرد بسوی خدای تعالی و خدای تعالی بشنود سخن بازگردانیدن شما

إِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ

بدرستیکه خدا تعالی شنوا است بینا آنانکه اظهار میکنند

مِنكُم مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ

از شما از زنان خود نیستند ایشان مادران ایشان نیستند مادران ایشان

إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا

مگر آنزنانی بزادند ایشانرا وبدرستیکه ایشان گویند ناشناخت

مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

از سخن ودروغی وبدرستیکه خدا تعالی عفوکننده آمرزنده است

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ

وآنانکه مظاهرت کنند اززنان خود پس بازگردند

لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا

بآنچه گفتند پس بروست آزاد کردن بنده پیش ازانکه مس کنند

ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

این حکم پند داده شوند بدان وخدا تعالی بانچه میکنید آگاه است

فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن

پس هرکه نیابد بنده پس بروست روزه دوماه پی در پی پیش

قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ

ازانکه بیکدیگر رسند پس هرکه نتواند پس طعام دادن

سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَ

شصت مسکین این تا تصدیق کنید بخدا تعالی و

رَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ

رسول او واین حدهای خدا است ومرناگرویدگانرا عذابی

أَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ

دردناک بدرستیکه آنانکه مخالفت کردند خدا را ورسول او را

كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا

نگونسار شوند همچنانکه ذلیل شدند آنانکه پیش از ایشان وبدرستیکه فرستادیم ما

آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

آیتهای روشن ومرناگرویدگانرا عذابیست خوار کننده

مدنیست
وبیست ودو آیه است
وچهل [illegible] از آن
منسوخ است دو یکی
ناسخ آن [illegible]
آن بود و گفته شود
وسبب نزول این
سوره آن بود که در
اوس بن صامت [illegible]
[illegible] بود [illegible]
بنت ثعلبه که زن او
بود [illegible]
[illegible]
[illegible] گفت [illegible]
[illegible]
و [illegible]

يوم يبعثهم الله جميعا فينبئهم بما عملوا
روز که برانگیزد ایشانرا خدای تعالی همه پس خبر کند ایشانرا آنچه کرده باشند
احصه الله ونسوه والله على كل شيء شهيد
نگاه داشت آنرا خدای تعالی و فراموش کردند و خدای تعالی بر هر چیز گواه است
الم تر ان الله يعلم ما في السموت وما في
آیا نمیدانی آنرا که خدای تعالی میداند آنچه در آسمانها و آنچه در
الارض ما يكون من نجوى ثلثة الا هو رابعهم
زمین است نباشد راز گوینده از سه تن مگر خدای تعالی چهارم ایشانست
ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من ذلك
و نه پنج تن مگر الله تعالی ششم ایشانست و نه کمتر از آن
ولا اكثر الا هو معهم اين ما كانوا ثم
و نه بیشتر مگر الله تعالی با ایشانست هر کجا باشند پس
ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل
خبر دهد ایشانرا آنچه کردند روز قیامت بدرستیکه خدای تعالی بهر
شيء عليم الم تر الى الذين نهوا عن النجوى
چیز داناست آیا نمی بینی بسوی آنانکه باز داشته شدند از راز گفتن
ثم يعودون لما نهوا عنه ويتناجون
پس باز میگردند بآنچه نهی کرده شدند از آن و راز میگویند
بالاثم والعدوان ومعصيت الرسول و
بگناه و بیداد و نافرمانی پیغمبر و
اذا جاءوك حيوك بما لم يحيك به الله و
چون بیایند بسوی تو تحیت گویند ترا آنچه تحیت نگفت ترا بآن خدای تعالی و
يقولون في انفسهم لولا يعذبنا الله بما
میگویند در میان یکدیگر چرا عذاب نمیکند ما را خدای تعالی بآنچه
نقول حسبهم جهنم يصلونها فبئس المصير
میگوییم بس است ایشانرا دوزخ در آیند در آن پس بد بازگشت است
يايها الذين امنوا اذا تناجيتم فلا تتناجوا بالاثم
ای گروه مومنان چون راز میگویید با یکدیگر پس راز مگویید بگناه

انکار نمایند
در رجا بیت طارق
داده بعبود و خرت
بناه
ع
صلی الله علیه و اله
و صحابه و اصحابه و سلم
آمده و در بنا بر ...
منصور و اخفش
صلی الله علیه و اله
و صحابه و سلم علیکم
فرمود و جواب گفت
رسول الله صلی الله
علیه و اله و صحبه و سلم
بن طلاق بداده
فرمود که ...
...

والعدوان

والعدوان ومعصيت الرسول وتناجوا

و بدی و نافرمانی پیغمبر و رازگویید

بالبر والتقوی واتقوا الله الذی الیه تحشرون

به نیکوی و پرهیزکاری و بترسید از خدا تعالی آنکه بسوی او جمع کرده خواهید شد

انما النجوی من الشیطن لیحزن الذین امنوا

جز این نیست رازگفتن از وسوسه شیطانست اندوهناک گرداند مومنان را

ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله وعلی

و نیست ضرررساننده ایشانرا چیزی مگر باذن خدا تعالی و بر

الله فلیتوکل المؤمنون ۝ یایها الذین

خدا تعالی پس باید توکل کنند مومنان ای گروه

امنوا اذا قیل لکم تفسحوا فی المجلس فافسحوا

مومنان چون گفته شود مرشمارا جای فراخ کنید در مجلسها پس گشاده کنید

یفسح الله لکم واذا قیل انشزوا فانشزوا

تا گشاده کند خدا تعالی شمارا و چون گفته شود برخیزید و روید پس برخیزید

یرفع الله الذین امنوا منکم والذین اوتوا

تا بردارد خدا تعالی آنانکه ایمان آوردند از شما و آنانکه داده شده

العلم درجت والله بما تعملون خبیر ۝ یایها

علم درجها و خدا تعالی بآنچه میکنید خبردارست ای

الذین امنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا

گروه مومنان چون خواهید که رازگویید بارسول پس پیش فرستید

بین نجوکم صدقة ذلک خیر لکم واطهر

پیش ازرازگفتن خود صدقه این بهترست شمارا و پاکیزه تر

فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم ۝

پس اگر نیابید پس بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده مهربانست

ءاشفقتم ان تقدموا بین یدی نجوکم

آیا بترسیدید آنکه پیش نهید پیش ازرازگفتن خود

صدقت فاذ لم تفعلوا وتاب الله علیکم

صدقها را پس چون نکرد و بازگشت خدا تعالی بر شما

---

تو بود و هم
شتری خود از جهت کثرت
اطفال و فقر دی از ایشان
در معارض ... ایشان برید
نبی من عنا رشد
دیگر باره سخن با آنحضرت
صلی الله علیه و آله و صحبه
و اصحابه و سلم باز کردند
و بهمان وارشدند
و در میان زیادت
کرد گفت آیتم ان
... البکر
آیت آمد
ابتنا
ه

الم تر الى الذين

فاقيموا الصلوة واتوا الزكوة واطيعوا الله
پس بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و فرمان برید خدا را
ورسوله والله خبير بما تعملون ○ الم تر الى
و رسول او و خدای تعالی داناست بانچه میکنید آیا نمی نگری سوی
الذين تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم
آنانکه دوست داشتند گروهی خشم گرفت خدای تعالی بر ایشان نیستند ایشان
منكم ولا منهم ويحلفون على الكذب
از شما و نه از یهودان و سوگند میخورند بر دروغ
وهم يعلمون ○ اعد الله لهم عذابا شديدا انهم
و ایشان میدانند آماده کرده است خدای تعالی مر ایشان عذابی سخت بدرستیکه ایشان
ساء ما كانوا يعملون ○ اتخذوا ايمانهم
بد است آنچه هستند که میکنند فرا گرفتند سوگند خود را
جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب
سپری پس باز داشتند از راه خدای تعالی و مر ایشان را عذابی
مهين ○ لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم
سخت دفع نکند از ایشان خواستهای ایشان و نه فرزندان ایشان
من الله شيئا اولئك اصحب النار هم فيها
از خدای تعالی چیزی را آن گروه یاران آتش اند ایشان در ان
خلدون ○ يوم يبعثهم الله جميعا فيحلفون
جاوید اند روزیکه برانگیزاند ایشان را خدای تعالی همه پس سوگند خورند
له كما يحلفون لكم ويحسبون انهم على شيء الا
برای خدای تعالی همچنانکه سوگند خورند بر اشما و می پندارند که ایشان بر چیزی اند بدانید
انهم هم الكذبون ○ استحوذ عليهم
بدرستیکه ایشان دروغگویانند غلبه کرد بر ایشان
الشيطن فانسهم ذكر الله اولئك حزب
دیو پس فراموش گردانید ایشان را یاد کردن خدای تعالی آن گروه لشکر
الشيطن الا ان حزب الشيطن هم الخسرون
دیو اند آگاه باشید بدرستیکه لشکر دیو ایشانند زیانکاران

اینجهت بسته شد درین آیت ابو بکر
عمر و عثمان و علی
منافقان بودند که با رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم
حضرت رسالت میرفتند
گروهی سخنان آنحضرت
با یهودان آنجا میرسانیدند
حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله وسلم
و اصحاب بعضی از ایشان
لعنت فرمود و بعضی
جمعی از اصحاب ابن ابی
لعنت فرمودند
و رابعه

إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحَآدُّونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ أُو۟لَٰٓئِكَ
بدرستیکه آنانکه خلاف کنند امر خدا تعالی و رسول او را آن گروه

فِى ٱلْأَذَلِّينَ كَتَبَ ٱللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا۠ وَرُسُلِىٓ إِنَّ
در خواران نوشت خدا تعالی بر آینه غالب شوم من و پیغمبران من بدرستیکه

ٱللَّهَ قَوِىٌّ عَزِيزٌ ۝ لَّا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ
خدا تعالی توانا غالب است نیابی گروهی میگروند بخدا تعالی

وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ يُوَآدُّونَ مَنْ حَآدَّ ٱللَّهَ وَ
و روز آخرت دوست میدارند آنرا که خلاف کنند امر خدا را و

رَسُولَهُۥ وَلَوْ كَانُوٓا۟ ءَابَآءَهُمْ أَوْ أَبْنَآءَهُمْ
رسول او و اگرچه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان

أَوْ إِخْوَٰنَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُو۟لَٰٓئِكَ كَتَبَ فِى قُلُوبِهِمُ
یا برادران ایشان یا خویشان ایشان آن گروه نوشته است در دلهای ایشان

ٱلْإِيمَٰنَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ
ایمان و تقویت داد ایشان را رحمتی از نزد خود و در آرد ایشان را

جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا
بوستانها میرود از زیر آن جویها جاوید باشند در آن

رَضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ أُو۟لَٰٓئِكَ حِزْبُ
خشنود شد خدا تعالی از ایشان و خشنود شدند از او آن گروه لشکر

ٱللَّهِ أَلَآ إِنَّ حِزْبَ ٱللَّهِ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ۝
خدا تعالی اند آگاه باشید بدرستیکه لشکر خدا تعالی ایشانند رستگاران

## سورة الحشر مدنية وهي اربع وعشرون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ وَهُوَ
تسبیح گفت مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ۝ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَخْرَجَ ٱلَّذِينَ
غالب و محکم کار است اوست آنکه بیرون کردند آنانکه

بدشنام وی
کردن او و سرکشی حکم
نمودند نظر سلطان ناظر
باشند ناگاه لبس بند
در آید حضرت رسالت را
صلی الله علیه و آله و صحابه
وسلم و منظر کردند چرا
دشنام میدهید فلان
و فلان از راهی نیز اسم
بنشنود که خود رود باز
حضور آورده تا سوگند
خوردند که ما سخن نی
ادبی نکرده ایم آیت
نازل شد
ع
آیت سورة حشر مدنی
و بیست و بیست و چهار
آیه است

كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِاَوَّلِ
کفر ورزیدند از اهل توریه از مدینه در اول

الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ اَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا اَنَّهُمْ
راندن ایشان گمان نداشتید آنکه بیرون روند وگمان بردند آنکه ایشان

مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللّٰهِ فَاَتٰىهُمُ اللّٰهُ مِنْ
منع کننده ایشان حصارهای ایشان از خدا تعالی پس بیامد بایشان عذاب خدا تعالی از

حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ
آنجا که گمان نبردند و بیفکند در دلهای ایشان ترس

يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِاَيْدِيهِمْ وَاَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ
خراب کردند خانهای خود را بدستهای خود را و بدستهای مومنان

فَاعْتَبِرُوا يٰاُولِي الْاَبْصَارِ ۝ وَلَوْلَا اَنْ كَتَبَ اللّٰهُ
پس عبرت گیرید ای خداوندان دیده ها و اگر نه آنکه نوشته خدا تعالی

عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ
بر ایشان بیرون شدن از خان و مان عذاب کردی ایشان را در دنیا و مر ایشان در آخرة

عَذَابُ النَّارِ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ
عذاب آتش این بسبب آنکه ایشان دشمنی کردند با خدا تعالی و رسول او

وَمَنْ يُشَاقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝
و هر که دشمن دارد خدا را پس هر آینه خدا تعالی سخت عقوبت است

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ اَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلٰى
آنچه بریدید از خرما بنان یا بگذاشتید آنرا ایستاده بر

اُصُولِهَا فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفٰسِقِينَ ۝
اصل خود پس امر خدا تعالی است و برای آنکه خوار گرداند بیرون رفتگان

وَمَا اَفَاءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا اَوْجَفْتُمْ
و آن مالی که باز گردانید خدا تعالی بر رسول خود از بنی النضیر پس نتاختید بتحصیل آن

عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ
هیچ اسپی و نه شتری و لیکن خدا تعالی مسلط میسازد

رُسُلَهُ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
پیغمبران خود را بر هر که خواهد و خدا تعالی بر هر چیز تواناست

ما افاء

اختیار
کنید و در جنگ سواری
و در نه یکبار تیغ بکار نبردیم
حق تعالی را اختلاف
اراده است و قسمت ان مقدار اول
جمع کردن لشکر غنیمت
بر وجوه الفقراء مورد
نامها وارد

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ
آنچه بازگردانید خدای تعالی بر رسول خود از اهل دیهها پس خدایراست
وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
و مر رسول را و مر خداوندان قرابت و بی پدران را و مسکینان را
وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ
و راه گذریان را تا نباشد گردیدن دست بدست میان اغنیاء
مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا
شما و آنچه بدهد شما را رسول پس بگیرید او را و آنچه
نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
نهی کند شما را از وی پس باز ایستید و بترسید از خدای تعالی بدرستیکه خدای سخت
الْعِقَابِ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا
عقوبت کننده است مر درویشان هجرت کننده آنانکه بیرون کرده شدند
مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ
از سرایهای ایشان و از مالهای خود میطلبند بخشایش از
اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ
خدای تعالی و خشنودی و یاری کنند دین خدایرا و رسول او آن گروه
هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ
ایشانند راست گویان و آنانکه در دیار خود
وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ
ایمان آورده اند پیش از هجرت مهاجران دوست میدارند هر که هجرت کند بسوی ایشان
وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا
و نیابند در دلهای خود دغدغه از آنچه داده شوند
وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ ۝
و ایثار میکنند بر نفسهای خویش و اگر چه هست ایشانرا حاجتی
وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
و هر که نگاه داشته شود از بخل نفس او پس آن گروه ایشانند رستگاران
وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا
و آنانکه آمدند از پس مهاجر و انصار میگویند پروردگار ما

که به غیر قتال نیست
فی شد و حق ارزانی نیست
نامها و اموال ایشان
و دیگر از جمیع جهات اجتماع
نفاق را نشستند و نفل
اختیار کردند و سخن الله
و جلای وطن

اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان

بیامرز مارا و برادران مارا آنانکه پیشی کردند بایمان

ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا

و مکردان در دلهای ما کینه برای آنانکه گرویدند ای پروردگار ما

إنك رءوف رحيم ۝ ألم تر إلى الذين نافقوا

بدرستیکه تو مهربان بخشنده آیا نگاه نکردی بسوی آنانکه نفاق ورزند

يقولون لإخوانهم الذين كفروا من أهل

میگویند مر برادران خودرا آنانکه کافر شدند از اهل

الكتاب لئن أخرجتم لنخرجن معكم ولا

کتاب اگر بیرون کرده شوید از دیار خود بیرون آییم با شما و نبرد

نطيع فيكم أحدا أبدا وإن قوتلتم لننصرنكم

فرمان در شما هیچ یکرا هرگز و اگر کارزار کرده شوید یاری کنیم شمارا

والله يشهد إنهم لكاذبون ۝ لئن أخرجوا

و خدای تعالی گواهی میدهد بدرستیکه ایشان دروغگویان اگر بیرون کرده شوند

لا يخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ينصرونهم

بیرون نمیروند با ایشان و اگر کارزار کنند یاری نمیدهند ایشانرا

ولئن نصروهم ليولن الأدبار ثم لا ينصرون

و اگر یاری دهند ایشانرا هر آیینه باز گردند و پشت دهند پس یاری کرده نشوند

لأنتم أشد رهبة في صدورهم من الله

هر آیینه شما که مومنانید سخت ترید از ترس در دلهای ایشان از خدای تعالی

ذلك بأنهم قوم لا يفقهون ۝ لا يقاتلونكم

این بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمیدانند کارزار نمیکنند با شما

جميعا إلا في قرى محصنة أو من وراء جدر

همه ایشان مگر در دیهای استوار کرده یا از پس دیوارها

بأسهم بينهم شديد ۝ تحسبهم جميعا

کارزار ایشان میان یکدیگر سخت است می پنداری ایشانرا همه

وقلوبهم شتى ۝ ذلك بأنهم قوم لا يعقلون

و دلهای ایشان پراکنده این بسبب آنست که ایشان گروهی اند تعقل نکنند

کمثل

مسلمانان

افتند حضرت اسمعیل

برادران مسلمانان باد و

فی بیان نفس مرد

ع

و از ارادهٔ منافقان

خبر داد و ربنا بر حضرت

حق تعالی نبی صلی الله

فرستاد و این سخن

الم تر الی الذین نافقوا الخ

سبب و این سخن بود و این

ایشان و این بد سخن و

ولی ایشان از منافقان

دشمنان ایشان

نبیان نصر سید شود

که ایشان نامه شود

خبر داده محمد صلی الله

علیه و آله و سلم

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ

مثل آنانست پیش از ایشان بودند نزدیک بچشیدند عاقبت

اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ كَمَثَلِ الشَّيْطٰنِ اِذْ

کار خود و مر ایشان راست عذابی دردناک مثل ابلیس چون

قَالَ لِلْاِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ اِنِّي بَرِيءٌ

گفت مر آدمی را کافر شو پس چون کافر شد گفت بدرستیکه من بیزارم

مِنْكَ اِنِّي اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعٰلَمِينَ ۝ فَكَانَ

از تو بدرستیکه من میترسم از خدای تعالی پروردگار عالمیان پس هست

عَاقِبَتَهُمَا اَنَّهُمَا فِي النَّارِ خٰلِدَيْنِ فِيهَا وَذٰلِكَ

آخر کار شیطان آنکه ایشان در آتش جاوید اند در آن و این

جَزٰٓؤُا الظّٰلِمِينَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ

جزاء ظالمان ای گروه مومنان بترسید از خدای تعالی

وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ

و باید که بنگرد هر نفس آنچه پیش فرستاده است برای فردا و بترسید از خدای تعالی بدرستیکه

اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

خدای تعالی داناست بآنچه میکنید و مباشید مانند آنانکه

نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسٰهُمْ اَنْفُسَهُمْ اُولٰٓئِكَ هُمُ

بگذاشتند خدا را پس فراموش کردانید خدای تعالی ایشان را نفسهای ایشان آن گروه ایشانند

الْفٰسِقُونَ ۝ لَا يَسْتَوِيٓ اَصْحٰبُ النَّارِ وَ

بیرون رفتگان برابر نیستند یاران دوزخ و

اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَآئِزُونَ ۝ لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا

یاران بهشت ایشانند رستگاران اگر میفرستیم ما این

الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خٰشِعًا مُتَصَدِّعًا

قرآن بر کوهی تو میدیدی او را ترسنده و فرمان برنده

مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا

از ترس خدای تعالی و این مثلها بیان کنیم

لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَآ اِلٰهَ

برای آدمی شاید که ایشان اندیشه کنند اوست خدای تعالی آنکه نیست معبودی

إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

مگر او داناى پوشیده و آشکارا اوست بزرگ بخشایش مهربان

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس

اوست خداى تعالى آنکه نیست معبودى مگر او پادشاه پاک

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

سالم ایمن کننده گواه بر خلق غالب بزرگوار مستحق کبر

سبحان الله عما يشركون ۝ هو الله الخالق

پاکست خداى تعالى از آنچه انباز گیرند اوست خداى تعالى آفریننده

البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له

آفریدگار صورت کننده مر او راست نامهاى نیک پاکى یاد میکند

ما في السماوات والأرض وهو العزيز الحكيم ۝

آنچه در آسمانها و در زمین است و اوست غالب و حکم کننده

## سورة الممتحنة مدنية وهي ثلث عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خداى بخشنده مهربان

يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوي و

اى گروه مومنان فرا مگیرید دشمن مرا و

عدوكم أولياء تلقون إليهم بالمودة

دشمن خود دوستان القا میکنید بسوى دشمنان بسبب دوستى

وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون الرسول

و بدرستیکه کافر شدند بآنچه آمد شما را از قرآن بیرون کنند پیغمبر را

وإياكم أن تؤمنوا بالله ربكم إن كنتم

و شما را براى آنکه میگروید بخداى تعالى پروردگار شما اگر هستید

خرجتم جهادا في سبيلي وابتغاء مرضاتي

بیرون آمده از بهر جهاد در راه من و براى طلب خشنودى من

تسرون إليهم بالمودة وأنا أعلم بما أخفيتم

راز میگوید بسوى ایشان بدوستى و من داناترم بآنچه پنهان میکنید

وما أعلنتم

وما أعلنتم ومن يفعله منكم فقد ضل
و آنچه ظاهر سازید و هرکه کند از شما پس بدرستیکه گمراه کرده است
سواء السبيل ۝ إن يثقفوكم يكونوا
راه راست اگر بیابند کفار مکه شما را باشند
لكم أعداء ويبسطوا إليكم أيديهم و
مر شما دشمنان و بگشایند بسوی شما دستهای خود و
ألسنتهم بالسوء وودوا لو تكفرون ۝ لن
زبانهای خود ببدی و دوست دارند که کافر شوند نخواهند
تنفعكم أرحامكم ولا أولادكم يوم القيامة
سود داشت شما را خویشان شما و نه فرزندان شما روز قیامت
يفصل بينكم والله بما تعملون بصير ۝
جدائی کند میان شما و خدای تعالی بآنچه میکنید بیناست
قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم و
بدرستیکه هست مر شما سنتی نیکو در سخنان ابراهیم ع و
الذين معه إذ قالوا لقومهم إنا برآء منكم
آنانکه با او چون گفتند مر قوم خود بدرستیکه ما بیزاریم از شما
ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم و
و از آنچه میپرستید از جز خدای تعالی کافر شدیم بدین شما و
بدا بيننا وبينكم العداوة والبغضاء
آشکارا شد میان ما و میان شما دشمنی و بغض
أبدا حتى تؤمنوا بالله وحده إلا قول إبراهيم
همیشه تا بگروید بخدای یگانه مگر سخن ابراهیم ع
لأبيه لأستغفرن لك وما أملك لك من
مر پدر خود را هر آینه آمرزش خواهم برای تو و نمی توانم که دفع کنم مر تو از عذاب
الله من شيء ربنا عليك توكلنا وإليك
خدای تعالی از چیزی ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو
أنبنا وإليك المصير ۝ ربنا لا تجعلنا فتنة
بازگشتیم و بسوی تو بازگشت ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایشی

و سبب نزول آن
آنست که در سال
ششم از هجرت حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و علی آله و اصحابه
و احبابه وسلم بطریق
اخفاء عزیمت مکه داشت
حاطب بن ابی بلتعه
رضی الله عنه مکتوبی
بقریش مکه نوشت
و از عزیمت حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه وسلم
اعلام داد جبرئیل
علیه السلام آنحضرت
صلی الله علیه وسلم
خبر فرمود

لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنتَ
مر آنان را که کافر شدند و بیامرز ما را ای پروردگار ما بدرستیکه تو
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ
غالب و محکم کار بدرستیکه هست مر شما را در ابراهیم
أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
سنة حسنه مر کسی را که باشد امیدوار باشد رضای خدایتعالی و روز آخر
وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝
و هر که روی گرداند پس بدرستیکه خدایتعالی اوست بی نیاز ستوده
عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ
شاید که خدایتعالی آنکه گرداند میان شما و میان آنانکه
عَادَيْتُم مِّنْهُم مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ
دشمن داشتید ایشان را دوستی و خدایتعالی تواناست و خدایتعالی آمرزنده
رَّحِيمٌ ۝ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ
مهربانست نهی نمیکند شما را خدایتعالی از آنانکه کارزار نکردند با شما
فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن
در دین و بیرون نکردند شما را از سراهای شما از آنکه
تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ
نیکوئی کنید با ایشان و عدل کنید بسوی ایشان بدرستیکه خدایتعالی دوست دارد
الْمُقْسِطِينَ ۝ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ
عدل کنندگان را جز این نیست که نهی کند شما را خدایتعالی از آنانکه
قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن
کارزار کردند با شما در دین و بیرون کردند شما را از
دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ
سراهای شما و هم پشت شدند بر بیرون کردن شما از آنکه دوستی کنید ایشان را
وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝
و هر که دوست دارد ایشان را پس آن گروه ایشانند ستمکاران
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ
ای گروه مومنان چون بیاید شما زنان گرویده

و اما امیر المومنین
علی رضی و زبیر و مقداد را
رضی الله عنهم اجمعین
طلب فرمود که بروید در روضه خاخ
زنی است بر اسپ
که نامه ابن ابی بلتعه که بمکه میبرد
از او بستانید
بحضرت آوردند پس حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و اصحابه و سلم
حاطب را طلبید و منع
کرد از چنین کار پس
گفت یا رسول الله صلی الله
علیه و آله و سلم منافق نشده ام
و مومنم بخدا و رسول
و از دین اسلام

مهران

مُهَٰجِرَٰتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ
هجرت کننده پس بیازمایید ایشانرا خدا ایتعالی داناترست بگرویدن ایشان

فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ
پس اگر دانستید مومنانند پس باز مگردانید ایشانرا

إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ
بسوی ناگرویده نه ایشان حلالند مرایشان ونه ایشان حلال شوند

لَهُنَّ وَآتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
مرایشان وبدهید شوهران ایشانرا آنچه خرج آن زن کرده باشند ونیست گناه برشما

أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا
آنکه بخواهید ازنان مهاجره چون بدهید ایشانرا مزدهای ایشان ومزنید

تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ
چنگ بعصمتهای کافره وبجوئید آنچه خرج کردید

وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَٰلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ
وبجویند آنچه خرج کردند این حکم خدا است حکم میکند

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ
میان شما وخدا ایتعالی داناست محکم کار واگر فوت شود شمارا چیزی

مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا
ازرنان شما بسوی کفار پس غنیمت گیرید پس بدهید

الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا
آنانراکه رفته اند زنان ایشان مانند آنچه نفقه کرده اند

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا
وبترسید ازخدا ایتعالی آنکه شما بدو گرویدگانید ای

النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ
پیغمبر چون بیایند بتو زنان گرویده بیعت کنند باتو بر آنکه

لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ
شرک نیارند بخدا ایتعالی چیزی ودزدی نکنند وزنا نکنند

وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ
ونکشند فرزندان خودرا ونیارند بدروغی

ابن ندام
لطیف تر زنم بازا
نفس این زن و مجلس دیگر
بداریم او این زن پیش دو تن
و پس من نباید بجا ف
با جامع کرد اینجا آورد
وازین خود شیم کرد اعتق
ازین زن نا بت کردد
بعد ازین حظ ان می نمایند
اوم من کس حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و صحابه و سلم
فرمود کرای یاران
غالب باشما را
گفت حضرت فاروق
رضی الله عنه

يفترينه بين ايديهن وارجلهن ولا
که بر بافند اورا میان دستها و پایهای خود و نافرمانی نکنند
يعصينك في معروف فبايعهن واستغفر لهن
عاصی ترا در نیکوئی پس بیعت کن با ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان
الله ان الله غفور رحيم ○ يايها الذين
از خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی آمرزنده مهربانست ای گروه
امنوا لا تتولوا قوما غضب الله عليهم قد
مومنان دوستی مکنید با گروهی خشم گرفت خدای تعالی برایشان هر آینه
يئسوا من الاخرة كما يئس الكفار من
نومید شدند از آخرت همچنانکه نومید شدند کافران از

## سورة الصف مكية | اصحب القبور | وهي اربع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
سبح لله ما في السموت وما في الارض و
پاکی یاد کرد مر خدایرا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و
هو العزيز الحكيم ○ يايها الذين امنوا
اوست غالب و درست کار ای گروه مومنان
لم تقولون ما لا تفعلون ○ كبر مقتا عند
چرا میگوئید آنچه نخواهید کرد بزرگست :: نزدیک
الله ان تقولوا ما لا تفعلون ○ ان الله يحب
خدای تعالی آنکه بگوئید آنچه نخواهید کرد بدرستیکه خدای تعالی دوست دارد
الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم
آنانرا که کارزار کنند در راه خدای تعالی صف زده گوئیا که ایشان
بنيان مرصوص ○ واذ قال موسى لقومه
بنااند ریخته و چون گفت موسی ع مر گروه خود را
يقوم لم تؤذونني وقد تعلمون اني رسول
ای قوم چرا میرنجانید مرا و بتحقیق میدانید آنکه من فرستاده

الله

و نفرمان برده
گفت یا رسول الله
صلی الله علیه و آله و اصحابه
و سلم مرا امر کن تا گردن
این منافق را بزنم گردن
رسالت صلی الله علیه
و اصحابه و سلم گفت ای
عمر او از آن جماعت کارزار اهل
ع
بدر است
و نمیدانی ...
ابتدای سوره الصف ...
...
سبب نزول ...
...
العلیم

اللّٰهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوٓا أَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ
خدایم بسوی شما پس آنهنگام که کشتند بگردانید خدا تعالی دلهای ایشان
وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ
و خدا تعالی راه ننماید گروه بیرون رفتگان و چون گفت
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِيٓ إِسْرٰٓءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ
عیسی ع پسر مریم ای فرزندان یعقوب بدرستیکه من فرستاده خدایم
إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ
بسوی شما باور دارنده مر آنچیزی را که پیش منست از توریت
وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ
و مژده دهنده ام بفرستاده که می آید از پس من نام او حضرت محمد
فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ
پس آنهنگام که آمد ایشان بحجت روشن گفتند این جادو ست
مُبِينٌ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ
روشن و کیست ستمکارتر از کسیکه بر بندد بر خدا تعالی
الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعٰىٓ إِلَى الْإِسْلٰمِ وَاللّٰهُ لَا
دروغ و او خوانده میشود بسوی اسلام و خدا تعالی ننماید
يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِـُٔوا
راه گروه ستمکاران میخواهند تا فرو نشانند
نُورَ اللّٰهِ بِأَفْوٰهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ
نور دین اسلام بدهنهای خود و خدا تعالی تمام کننده است نور دین و اگرچه
كَرِهَ الْكٰفِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِيٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى
کراهت دارند کافران اوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را بسبب هدایت
وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ
و دین درست تا غالب گرداند آنرا بر دین همه و اگرچه کاره بند
الْمُشْرِكُونَ ۝ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلٰى
مشرکان ای گروه مومنان آیا دلالت کنم شما را بر
تِجٰرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ
بازرگانی که باز رهاند شما از عذاب دردناک ایمان آرید

نصف

ع

الصف
١٤

بالله ورسوله وتجاهدون في سبيل الله

بخدای تعالی و رسول او و جهاد نمایید در راه خدای تعالی

بأموالكم وأنفسكم ذلكم خير لكم إن كنتم

بمالهای خود و بنفسهای خود این بهترست مر شما را اگر هستید

تعلمون ۝ يغفر لكم ذنوبكم ويدخلكم

که بدانید بیامرزد شما را گناهان شما و در آرد شما را

جنت تجري من تحتها الأنهر ومسكن طيبة

بوستانها میرود از زیر آن جویها و مسکنهای پاکیزه

في جنت عدن ذلك الفوز العظيم ۝ و

در بوستانهای جاوید این رستگاری بزرگ و

أخرى تحبونها نصر من الله وفتح قريب

دیگر دوست میدارید یاری از خدای تعالی و فتح نزدیک

وبشر المؤمنين ۝ يأيها الذين امنوا كونوا

و بشارت ده مومنان را ای گروه مومنان باشید

أنصار الله كما قال عيسى ابن مريم للحواريين

نصرت کنندگان دین خدای تعالی همچنانکه گفت عیسی پسر مریم مر حواریان را

من أنصاري إلى الله قال الحواريون نحن

کیست نصرت کنندگان سوی خدای تعالی گفتند حواریان ما

أنصار الله فامنت طائفة من بني إسرائيل

ناصران دین خدای تعالی پس ایمان آوردند گروهی از بنی اسرائیل

وكفرت طائفة فأيدنا الذين امنوا على

و کافر شدند گروهی پس قوت دادیم آنانرا که گرویدند بر

عدوهم فأصبحوا ظاهرين

دشمنان ایشان پس گشتند غلبه کنندگان

## سورة الجمعة

مدنية … | احد عشر …

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

يسبح لله ما في السموت وما في الأرض الملك

یاد میکنند مر خدای را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه

القدوس

الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ
پاکی ارجمند حکم کننده اوست آنکه برانگیخت
فِي الْأُمِّيِّنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
در امیان فرستاده از ایشان میخواند بر ایشان
ءَايٰتِهِۦ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ
آیات کلام خدا تعالی و پاک سازد ایشان را و آموزاند ایشان را قرآن و احکام شریعت
وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ۝
و اگر چه بودند پیش از بعثت محمد در گمراهی ظاهر
وَءَاخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ
و دیگر از مومنان نرسیده اند بدیشان و اوست غالب و
الْحَكِيمُ ۝ ذٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ
خداوند حکمت این افزونیست از خدا تعالی میدهد آنرا بر که خواهد
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا
و خدا تعالی خداوند فضل بزرگست مثل آنانکه تحمیل کرده شدند
التَّوْرٰىةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا
توریه را پس برنداشتند بار را همچو دراز گوشی بردارد کتابها
بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِـَٔايٰتِ اللَّهِ وَاللَّهُ
بد مثلیست گروه یهود تکذیب کردند بآیات خدا تعالی و خدا تعالی
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ۝ قُلْ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ
راه ننماید گروه ستمکاران بگو ای آنانکه
هَادُوٓا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَآءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ
یهود شدید اگر گمان میبرید آنکه شما دوستان اید بجز مردمان
فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صٰدِقِينَ ۝ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُۥٓ
پس آرزو برید مرگ را اگر هستید راست گویان و تمنا نکنند مرگ را
أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظّٰلِمِينَ ۝
هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا تعالی داناست ستمکاران
قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُۥ مُلٰقِيكُمْ
بگو بدرستیکه آن مرگی که شما میگریزید از او پس بدرستیکه آن رسنده است شما

ثم تردون الی عالم الغیب والشهادة فینبئکم
پس بازگردانیده شوید بسوی دانای پوشیده و آشکارا پس خبر دهد شما را
بما کنتم تعملون ۝ یا ایها الذین امنوا اذا نودی
بآنچه بودید که کردید ای گروه مومنان چون خوانده شود
للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر
بسوی نماز از روز جمعه پس بشتابید سوی یاد کردن
الله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم
خدای تعالی و بگذارید خرید و فروخت را این بهترست شما را اگر هستید
تعلمون ۝ فاذا قضیت الصلوة فانتشروا
که میدانید پس چون گزارده شود نماز پس پراکنده شوید
فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله
در زمین و بجویید از فضل خدای تعالی و یاد کنید خدای را
کثیرا لعلکم تفلحون ۝ واذا راوا تجارة
بسیار شاید که شما رستگار شوید و چون ببینند بازرگانی
او لهوا انفضوا الیها وترکوک قائما قل ما
یا بشنوند آواز طبل متفرق گردند بسوی آن و بگذارند ترا ایستاده بگو آنچه
عند الله خیر من اللهو ومن التجارة والله
نزد خدای تعالی بهترست از لهو و از تجارت و خدای تعالی

سورة المنافقین — خیر الرازقین — وهی احدی عشرة آیة
بهترین روزی دهندگانست

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشنده مهربان

اذا جاءک المنافقون قالوا نشهد انک لرسول الله
چون بیایند نزد تو منافقان گویند گواهی دهیم بدرستیکه تو فرستاده خدای
والله یعلم انک لرسوله والله یشهد ان
و خدای تعالی میداند بدرستیکه تو فرستاده اویی و خدای تعالی گواهی دهد بدرستیکه
المنافقین لکذبون ۝ اتخذوا ایمانهم جنة
منافقان دروغ گویانند گرفتند سوگندان خود سپر

فصدوا

فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا

پس بازداشتند مردمان از راه خدا تعالى بدرستيكه ايشان بد عملست آنچه هستند

يَعْمَلُونَ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا

كه ميكنند اين بسبب آنست كه ايشان گرويدند پس كافر شدند

فَطُبِعَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ وَاِذَا رَاَيْتَهُمْ

پس مهر نهاده شد بر دلهاى ايشان پس ايشان نميدانند و چون ببينى ايشانرا

تُعْجِبُكَ اَجْسَامُهُمْ وَاِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ

شگفت آرد ترا اجسامهاى ايشان و چون سخن گويند گوش كنى بسخنان ايشانرا

كَاَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ

گوييا ايشان چوبهاى خشك شده اند بديوار باز نهاده مى پندارند هر فرياد كه برآيد

عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ

بر ايشان است ايشان دشمنان اند ترا پس حذر كن از ايشان هلاك كناد ايشانرا خدا تعالى

اَنّٰى يُؤْفَكُونَ ۝ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا

چگونه بر گردانيده ميشوند و چون گويند منافقانرا بياييد

يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ

آمرزش طلبد براى شما فرستاده خدا تعالى بپيچند سرهاى خودرا

وَرَاَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

و تو مى بينى ايشانرا اعراض كنند و ايشان گردن كشانند

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ

يكسان است بر ايشان اگر آمرزش طلبيد مر ايشانرا يا طلب آمرزش نكنى

لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ

براى ايشان نيامرزد ايشانرا خدا تعالى بدرستيكه خدا تعالى راه ننمايد گروه

الْفٰسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا

فاسقان ايشان آنانند كه ميگويند نفقه مكنيد

عَلٰى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفَضُّوا وَلِلّٰهِ

بر كسانيكه نزد فرستاده خدا اند تا متفرق گردند و مر خدايراست

خَزَائِنُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنٰفِقِينَ

خزاين آسمانها و زمين و ليكن منافقان

ازان نامحنت
و سبب نزول نفی آن بود
که در سفر غزوه که از
هجرت که حضرت
رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و صحبه وسلم
از غزوه برمیگشت
بر سر چاهی نزول فرمود
میان سنان بن وبر حلیف
بنی عمرو بن عوف و جهجاه
خدمتکار عمر فاروق
بود بسیار نزدیکی است
ع که جدال میان
مهاجر و انصار ابن ابی
منافق در آنمجلس بود
و گفت از جا که

لا يفقهون ۝ يقولون لئن رجعنا الى المدينة

نميدانند ميگويند اگر بازگرديم بسوی مدينه

ليخرجن الاعز منها الاذل ولله العزة و

هرآينه بيرون كنند يعنی من كه عزيزم خوارتر و مر خدايراست عزت و

لرسوله وللمؤمنين ولكن المنفقين لا

مر رسول او و مر گرويدگان را وليكن منافقان نمی

يعلمون ۝ يا ايها الذين امنوا لا تلهكم

دانند ای گروه مومنان بايد كه مشغول نگرداند شما را

اموالكم ولا اولادكم عن ذكر الله ومن

مال شما و نه فرزندان شما از ياد كردن خدا تعالی و هر كه

يفعل ذلك فاولئك هم الخسرون ۝ و

بكند اين پس آن گروه ايشانند زيان كاران و

انفقوا مما رزقنكم من قبل ان ياتي احدكم

نفقه كنيد از آنچه روزی داد شما را پيش از آنكه بيايد يكی از شما

الموت فيقول رب لولا اخرتني الى اجل

مرگ پس گويد ای پروردگار من چرا باز پس نيفكنی تا زمان

قريب ۝ فاصدق واكن من الصلحين

نزديك تا صدقه كنم و باشم از نيكو كاران

ولن يؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها والله خبير

و باز پس نيفكند خداتعالی نفسی چون بيايد اجل آن و خداتعالی داناست

بما تعملون

بآنچه ميكنيد

## سورة التغابن — مدنية وهي ثماني عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

يسبح لله ما في السموت وما في الارض له الملك

ستايش مينمايند مر خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است مراوراست پادشاهی

وله الحمد وهو على كل شيء قدير ۝ هو الذي

و مراوراست ستايش و او بر هر چيز تواناست اوست آنكه

بيامر ابن
از مدينه بيرون زند و
بيرون بدين مدينه باز آوردم
ليكن عزيز و ارادتم
ابن ابی نم محتاج بيچاره شوند
رسالت پناه صلی الله
عليه وآله واصحابه وسلم
آمده از بنوز اخبار
منافقان خبر ... ميكند
عليه وآله واصحابه وسلم
بچون نشكنند بين ...
در كمال وروز و زكوة
امر موده اند ابدار بر
ع
بن نصر
رضی الله عنه ...
مضمون ... سلم
و ورده

خلقكم

در زمان جاهلیت عالم حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله در معامله وداد ولی با رسول حسد نقض را نیمی ونزد ابراهیم نسبت بجانب منکران صلی الله علیه وآله وسلم

خلقكم فمنكم كافر ومنكم مؤمن
آفرید شمارا پس از شما ناگرویده است وازشما گرویدگان
والله بما تعملون بصير ۝ خلق السموت و
وخدا تعالی آنچه میکنید بیناست بیافرید آسمانها و
الارض بالحق وصوركم فاحسن صوركم
زمین براستی وصورت داد شمارا پس نیکو کرد شکلهای شمارا
يعلم ما في السموت والارض ويعلم ما تسرون
میداند آنچه در آسمانها وزمین است ومیداند آنچه پوشید
وما تعلنون والله عليم بذات الصدور
وآنچه آشکارا کنید وخدا تعالی داناست آنچه در سینهاست
الم يأتكم نبؤا الذين كفروا من قبل
آیا نیامد بشما خبر آنانکه نگرویدند از پیش
فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم ۝
پس بچشیدند عقوبت کار خود ومرایشانراست عذابی دردناک
ذلك بانه كانت تأتيهم رسلهم بالبينت
این بسبب آنست که بودند که آمدند بایشان پیغمبران ایشان بحجتهای روشن
فقالوا ابشر يهدوننا فكفروا وتولوا واستغنى
پس گفتند آیا آدمیان راه می نمایند ما را پس کافر شدند ورو بگردانیدند وبی نیاز است
الله والله غني حميد ۝ زعم الذين كفروا
خدا تعالی وخدا تعالی بی نیاز ستوده است گمان بردند آنانکه نگرویدند
ان لن يبعثوا قل بلى وربي لتبعثن ثم لتنبؤن
ازانکه برانگیخته نخواهند شد بگو آری وپروردگار من برانگیخته خواهید شد پس خبر داده شوید
بما عملتم وذلك على الله يسير ۝ فامنوا بالله
آنچه کرده اند واین بر خدا تعالی آسان است پس بگروید بخدا تعالی
ورسوله والنور الذي انزلنا والله بما تعملون
ورسول او وبآن روشنی که فرستادیم وخدا تعالی بآنچه میکنید
خبير ۝ يوم يجمعكم ليوم الجمع ذلك يوم
داناست روز برانگیزد شمارا برای روز جمع این روز

ثلث

فرستاد واین نقشبندی قول در اسوره منم حضرت ضا او زنی ... بن ارقم را رفیع بحرف دروغ زبان ملامت کنند ... آن جز نو کند خود دو دو م آمد ورنفر

التغابن ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا
زیان شدنست وهرکه بگرود بخدا تعالی وکند کار شایسته
يكفر عنه سيئاته ويدخله جنت تجري من
بپوشد ازو بدیهای وی ودرآرد اورا بوستانها میرود از
تحتها الانهر خلدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم
زیر آن جویها جاوید اند دران همیشه این رستکاری بزرکست
والذين كفروا وكذبوا بايتنا اولئك اصحب
وآنانکه کرویدند وتکذیب کردند بآیتهای ما آنگروه ملازمان
النار خلدين فيها وبئس المصير ما اصاب
دوزخ جاوید اند دران وبد بازگشتی است نرسد هیچکس
من مصيبة الا باذن الله ومن يؤمن بالله
از مصیبتی مگر بامر خدا تعالی وهرکه بگرود بخدا تعالی
يهد قلبه والله بكل شيء عليم و
راه نماید دل او وخدا تعالی بهر چیز داناست و
اطيعوا الله واطيعوا الرسول فان توليتم
فرمان برید خدا را وفرمان برید رسول را پس اگر روی گردانید
فانما على رسولنا البلغ المبين الله لا اله
پس جز این نیست که بر فرستادهٔ ما رسانیدن آشکارا خدا تعالی نیست معبودی
الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون
مگر او وبر خدا تعالی پس باید که توکل کنند مومنان
يايها الذين امنوا ان من ازوجكم واولدكم
ای گروه مومنان بدرستیکه بعض از زنان شما وفرزندان شما
عدوا لكم فاحذروهم وان تعفوا وتصفحوا
دشمنند مر شما را پس بپرهیزید ایشان واگر عفو کنید ودرگذرید
وتغفروا فان الله غفور رحيم انما امولكم
وبپوشید پس بدرستیکه خدا تعالی آمرزنده مهربانست جز این نیست که اموال شما
واولدكم فتنة والله عنده اجر عظيم
واولاد شما آزمایش اند وخدا تعالی نزد اوست مزدی بزرکی

فاتقوا

فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَاَطِيعُوا
پس بترسید از خدا تعالی آنچه توانید و بشنوید و فرمان برید

وَاَنْفِقُوا خَيْرًا لِاَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ
و نفقه کنید بهتر است مر نفسهای شما و هر که نگاه داشته شود

شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ اِنْ تُقْرِضُوا
از بخل نفس او پس آن گروه ایشانند رستگاران اگر قرض دهید

اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ
خدای را وامی نیکو زیاده گرداند برای شما و بیامرزد شما را

وَاللّٰهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ۝ عٰالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهٰادَةِ الْعَزِيزُ
و خدا تعالی جزا دهنده سپاس دار است دانای پوشیده و آشکارا غالب

## سُورَةُ الطَّلَاقِ مدنية — الْحَكِيمُ — وَهِيَ اثْنَا عَشَرَ آية

حکم کننده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

يٰاَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ
ای پیغمبر هرگاه طلاق دهید زنان را پس طلاق دهید

لِعِدَّتِهِنَّ وَاَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمْ
در عدت ایشان و شمار کنید عدت زنان را و بترسید از خدا تعالی پروردگار شما

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ اِلَّا
بیرون نکنید زنان مطلقه را از خانهای ایشان و باید که بیرون نروند مگر

اَنْ يَاْتِينَ بِفٰاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ
آنکه بیایند بزنا هویدا و این حکمهای

اللّٰهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ
خدا تعالی و هر که درگذرد از حدود خدا تعالی پس بدرستیکه جور کرده باشد بر نفس خود

لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللّٰهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذٰلِكَ اَمْرًا ۝
زیرا که نمیدانی شاید که خدا تعالی پیدا گرداند بعد این کار را

فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
پس چون برسند بعدت خود پس رجعت کنید ایشان را بلطف

حضرت [illegible] این سوره الطلاق مدنیست دوازده آیه است [illegible] ازان [illegible] ازان

ع

[illegible] عبدالله بن عمر رضی الله عنه زن خود را در حالت حیض [illegible] داد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ

یا جدا شوید از ایشان با منفعه وگواه گیرید خداوندان

عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ

عدل را از شما واقامت کنید شهادة برای خدا تعالی این

يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

پند داده شوید بدان هرکس که هست میگرود بخدا تعالی وبروز آخر

وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ

وهرکه بترسد از خدا تعالی گرداند برای او بیرون شدنی وروزی دهد اورا

مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

از انجا که گمان نمی برد وهرکه توکل کند بر خدا تعالی

فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ

پس خدا تعالی بسنده است بدرستیکه خدا تعالی رساننده کار خود است بدرستیکه گردانید خدا تعالی

لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝ وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ

مر هر چیز اندازه وان زنانیکه ناامیدند از حیض

مِن نِّسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ

از زنان شما اگر در شک افتادید پس عدت ایشان سه ماه

وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ

وان زنانیکه حایض نشده اند وخداوندان بارها مدتهای ایشان

أَن يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ

آنکه بنهند بار خود را وهرکه بترسد از خدا تعالی گرداند برای متقی

مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ۝ ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنزَلَهُ إِلَيْكُمْ

از کار او آسانی این حکم خداست فرستاده است او را از شما

وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ

وهرکه بترسد از خدا تعالی بپوشد از او بدی را وبزرگ سازد برای او

أَجْرًا ۝ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنتُم مِّن وُجْدِكُمْ

مزد را ساکن گردانید زنان مطلقه را از انجا که ساکن بشوید از وسع خود

وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِن كُنَّ

وضرر مرسانید مطلقات را تا تنگ گردانید بر ایشان واگر باشند

قومی از صحابه که عزم کرده بودند که از طلاق ... ذکر کردند ... زیرا که ... ابن عباس ... اگر ... سالت رسول الله ... ابو بکر گفت ... بچه حامله ... نماید

أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

خداوند بار پس نفقه کنید برایشان تا بنهند بار خود را

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ

پس اگر شیر دهند مر فرزندان شما پس بدهید ایشان را اجرهای ایشان را

وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ

و مشورت کنید میان یکدیگر به نیکوئی و اگر دشوار کنید

فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ

پس زود باشد که شیر دهد برای فرزند انی دیگر باید که نفقه دهند خداوندان فراخی از

سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا

غنای وهرکه تنگ کرده شده بر او روزی او پس باید که نفقه کند از آنچه

آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا

داده است او را خدا تعالی تکلیف نکند خدا تعالی آن نفس را مگر آنچه عطا کرده است

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۝ وَكَأَيِّنْ مِنْ

زود باشد که پدید آرد خدا تعالی بعد از دشواری آسانی و بسیار ست از

قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا

اهل قریه سر باز زدند از فرمان آفریدگار خویش و امر رسول پس حساب کردیم

حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا ۝

حسابی سخت و عذاب کردیم ایشان را عذابی درشت

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا

پس چشیدند عقوبت کار خود را و بود عاقبت کار آن ده

خُسْرًا ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۝

زیان کاری آماده کرده است خدا تعالی برای ایشان عذابی سخت

فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا

پس بترسید از خدا تعالی ای خداوندان خرد آنانکه گرویدند

قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ۝ رَسُولًا يَتْلُو

بدرستیکه فرستاد خدا تعالی بسوی شما قرآن فرستاده بخواند

عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا

بر شما آیتهای خدا تعالی روشن تا بیرون آرد آنانکه گرویدند

بار بهم
فقر و فاقه پیدا شد
رسید و به آنحضرت شکایت
نمود از بعد فقر و شدت
آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرمود که بگو بسیار
و [illegible] و تو
ع
مادر او
بسیار بگوئید لا حول
ولا قوة الا بالله
العلی العظیم عوف
رضی الله عنه با زن خود
بقول حضرت [illegible]
بناه صلی الله علیه
و آله و اصحابه
وسلم علیهم

وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ط وَمَنْ
وکردند کارشایسته از تاریکیها بسوی روشنی وهرکه
يُّؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُّدْخِلْهُ جَنّٰتٍ
گرويد بخدا تعالی وکند کارشایسته درآوردورا بوستانها
تَجْرِىْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَآ اَبَدًا ط قَدْ
میرود از زیر آن جویها جاوید باشند دران همیشه بتحقیق
اَحْسَنَ اللّٰهُ لَهٗ رِزْقًا ۝ اَللّٰهُ الَّذِىْ خَلَقَ سَبْعَ
نیکو کرده است خدا تعالی برای مومن روزی خدا تعالی آنکه بیافرید هفت
سَمٰوٰتٍ وَّمِنَ الْاَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْاَمْرُ
آسمان واز زمین مانند آسمان فرود می آید فرمان
بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ ۝
میان آسمانها و زمینها تا بدانید آنکه خدا تعالی بر هر چیز تواناست
وَّاَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَىْءٍ عِلْمًا ط ۝
وآنکه خدا تعالی بدرستیکه احاطه کرده است بهر چیز داناست

## سُوْرَةُ التَّحْرِيْمِ مَدَنِيَّةٌ وَهِىَ اِثْنَا عَشَرَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝
بنام خدای بخشنده مهربان
يٰٓاَيُّهَا النَّبِىُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَآ اَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ ۚ تَبْتَغِىْ
ای پیغمبر ص چرا حرام کنی آنچه حلال کرده است خدا تعالی مر ترا درحالیکه طلب
مَرْضَاتَ اَزْوَاجِكَ ۚ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝
خشنودی زنان خود را وخدا تعالی آمرزنده مهربانست
قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ اَيْمَانِكُمْ ۚ وَاللّٰهُ مَوْلٰىكُمْ ۚ
بتحقیق فرض کرد خدا تعالی برای شما کشادن سوگندهای شما و خدا تعالی دوست شماست
وَهُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ۝ وَاِذْ اَسَرَّ النَّبِىُّ اِلٰى
واو داناست محکم کار وچون پنهان گفت پیغمبر ص بسوی
بَعْضِ اَزْوَاجِهٖ حَدِيْثًا ۚ فَلَمَّا نَبَّاَتْ بِهٖ وَاَظْهَرَهُ
بعضی از زنان خود سخنی را پس آنهنگام که خبر کرد حفصه رض مرعائشه را رض بآن و آشکارا کرد آنرا

اللّٰهُ عَلِيْمٌ

عماد شقیم
از دریای رفض گسترده
عون از تیر [illegible]
خلاص یافتند وجهان [illegible]
کوشیدند [illegible]
[illegible]
وانه بنا [illegible]
سورة التحریم
[illegible]
بکار [illegible]
ع
سنفع [illegible]
[illegible]
صلی الله علیه وآله وصحبه
واحبابه [illegible]
علیهم
اجمعین

اللّٰه عليه عرّف بعضه واعرض عن بعض
خدا تعالی برو شناسا کردانید پیغمبر ص و اعراض کرد از بعضی
فلمّا نبّاها به قالت من انباك هذا
پس آنهنگام که خبر داد حفصه را گفت که خبر داد ترا این
قال نبّانى العليم الخبير ۝ ان تتوبا الى
گفت خبر داد مرا دانا آگاه اگر توبه کنید بسوی
اللّٰه فقد صغت قلوبكما وان تظاهرا
خداتعالی پس بدرستیکه گشت دلهای شما و اگر هم پشت شوید
عليه فانّ اللّٰه هو مولىه وجبريل و
برو پس بدرستیکه خداتعالی او مددکار او و جبریل و
صالح المؤمنين والملئكة بعد ذلك
شایسته مومنان و فرشتگان بعد ازین
ظهير ۝ عسى ربّه ان طلّقكنّ ان يبدله
مددکاران شاید پروردگار او اگر طلاق دهد شما را آنکه بدل دهد اورا
ازواجا خيرا منكنّ مسلمت مؤمنت
زنان بهتر از شما زنان مسلمه مومنه
قنتت تئبت عبدت سئحت ثيبت
فرمان برداران بازگشتگان عبادت کنندگان هجرت کنندگان شوهر دیدگان
وابكارا ۝ يايّها الذين امنوا قوا انفسكم
و بی شوهر ای گروه مومنان نگاه دارید نفسهای خود را
واهليكم نارا وقودها الناس و
و اهل خود را از آتش که هیزم آن مردم اند و
الحجارة عليها ملئكة غلاظ شداد لا
سنگها بر آنند فرشتگان درشت سخت نکنند
يعصون اللّٰه ما امرهم ويفعلون ما
نافرمانی خدا را آنچه فرماید ایشان را و میکنند آنچه
يؤمرون ۝ يايّها الذين كفروا لا تعتذروا
میفرمایند ای آنانکه کافر شدند عذر مگوئید

در تخفیف
صلی الله علیه و آله و صحبه
وسلم سری را کی فاطمه [illegible]
از ایشان [illegible]
در امر [illegible] در تخفیف
صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم
سری از اسرار خود
با بعض از ازواج اظهار
ع
[illegible]
کتمان آنکه مبالغه
کرد آن زوجه در
اظهار مخفی آنحضرت
صلی الله علیه و آله
و اصحابه وسلم

الْيَوْمَ اِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۝

امروز جز این نیست که جزا داده شوند آنچه بودید که میکردید

يٰاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا تُوْبُوْا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً

ای گروه مومنان توبه کنید بسوی خدای تعالی توبه

نَّصُوْحًا عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّكَفِّرَ عَنْكُمْ

خالص شاید پروردگار شما آنکه دور کند از شما

سَيِّاٰتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ

گناهان شما و در آرد شما را بوستانها میرود از

تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللّٰهُ النَّبِيَّ وَ

زیر آن جویها روزیکه خجل نکند در قبول شفاعت و

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ نُوْرُهُمْ يَسْعٰى بَيْنَ

آنانکه گرویدند با او نور ایشان رود پیش

اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنَا

ایشان و راست ایشان میگویند ای پروردگار ما تمام کن ما را

نُوْرَنَا وَاغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

روشنی و بیامرز ما را بدرستیکه تو بر هر چیز توانا

يٰاَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكٰفِرِيْنَ وَالْمُنٰفِقِيْنَ

ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان

وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ

و درشتی کن برایشان و ماوای ایشان دوزخ است و بد

الْمَصِيْرُ ۝ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوا

بازگشت است بیان کرد خدای تعالی مثلی برای آنانکه کافر شدند

امْرَاَتَ نُوْحٍ وَّامْرَاَتَ لُوْطٍ كَانَتَا تَحْتَ

زن نوح و زن لوط بودند زیر

عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتٰهُمَا

دو بنده از بندگان ما صالح پس خیانت کردند

فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَّقِيْلَ ادْخُلَا

پس دفع نکرد از ایشان از خدای تعالی چیزی را و گفته شد درآیید

النار

سورهٔ تبارک

النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ۝ وَضَرَبَ اللَّهُ
باتش با درآیندگان و زد خدا تعالی
مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ
مثلی مر آنان را که گرویدند زن فرعون چون
قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ
گفت ای پروردگار بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت
وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ
و نجات ده مرا از فرعون و عمل او و نجات ده مرا از
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ
گروه ستمکاران و مریم دختر عمران
الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا
آنکه نگاه داشت فرج خود را پس دمیدیم در و از روح ما
وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ
و باور داشت بسخنان پروردگار خود و کتابهای او و بود از
الْقَانِتِينَ
فرمانبرداران

## سُورَةُ الْمُلْكِ مكية وهي احدى وثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
بزرگست آنکه بدست اوست پادشاهی و او بر هر چیز
قَدِيرٌ ۝ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ
توانا است آنکه بیافرید مرگ و زندگانی تا بیازماید شما را
أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ
کدام از شما نیکوتر است از عمل و اوست غالب و آمرزنده
الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۝ مَا تَرَىٰ
آنکه بیافرید هفت آسمان طبقه طبقه نه بینی
فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ
در آفریدن خدا تعالی هیچ خللی پس بگردان چشم

سبع الجزء التاسع والعشرين ع

کلام کفار
ممنوع داشتن شیاطین
رجم شیاطین بستارگان
آفرینش صفات آسمان
بشارت خداوند تعالی در بیان
مشغول باشند و افتتاح

هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ ۝ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ
آیا می بینی هیچ شکافی پس برگردان دیده را
كَرَّتَيْنِ يَنقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ
کرتی بعد از کرتی تا باز گردد سوی تو چشم تو رد زیافتن واو
حَسِيرٌ ۝ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ
مانده بود و بدرستیکه بیاراستیم آسمان دنیا بچراغها
وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا
و گردانیدیم ستارگان رانندگان مر دیوان را و آماده کردیم
لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ۝ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا
برای ایشان عذاب آتش و مر آنانکه کافر شدند
بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ إِذَا
با خدای کار ایشان عذاب دوزخ و بد بازگشتی است چون
أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ۝
انداخته شوند دران بشنوند از دوزخ آوازی و او می جوشد
تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ
نزدیک است که پاره شود از خشم هرگاه که افکنده شوند در دوزخ گروهی
سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ۝
سوال کنند ایشان را خازنان دوزخ آیا نیامد شما را بیم کننده
قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ ۝ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا
گویند آری بدرستیکه آمد بما بیم کننده پس تکذیب کردیم و گفتیم
مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ
نفرستاده است خدای تعالی هیچ چیزی نیستید شما مگر در گمراهی
كَبِيرٍ ۝ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ
بزرگ و گویند اگر بودیم که می شنودیم یا تعقل کردیم
مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝ فَاعْتَرَفُوا
نمی بودیم در اهل دوزخ پس اقرار کردند
بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِّأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝ إِنَّ
بگناه خویش پس دوری باد مر اهل دوزخ را بدرستیکه

نیم شب شاید بعد از [illegible] کافر این [illegible] مومنان فرمود در بنای [illegible] این آیت [illegible] آیه نزدیک [illegible] شهود آن [illegible] در باب حضرت [illegible] علی [illegible] اصحاب [illegible] گفتند [illegible] نزول [illegible] قرآن

الذين

الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة
آنانکه ترسند از پروردگار خود چو پوشیده از ایشان ذات او مر ایشان راست آمرزش

وأجر كبير ۝ وأسروا قولكم أو اجهروا
و مزدی بزرگ و پنهان دارید سخن گفتن خود را یا آشکارا کنید

به إنه عليم بذات الصدور ۝ ألا يعلم
آنرا بدرستیکه او داناست به آنچه در سینه‌هاست آیا نداند

من خلق وهو اللطيف الخبير ۝ هو الذي
آنکس که بیافرید و او داناست آگاه اوست آنکه

جعل لكم الأرض ذلولا فامشوا في مناكبها
گردانید برای شما زمین نرم پس بروید در اطراف زمین

وكلوا من رزقه وإليه النشور ۝ أأمنتم
و بخورید از روزی او و بسوی خدا تعالی بازگشت شما آیا ایمن شدید

من في السماء أن يخسف بكم الأرض فإذا
هر که در آسمان است آنکه فرو برد شما را زمین پس آنگاه که

هي تمور ۝ أم أمنتم من في السماء أن
زمین میلرزد آیا ایمن شدید تو که در آسمان است آنکه

يرسل عليكم حاصبا فستعلمون كيف
فرستد بر شما سنگ ریزه پس زود که بدانید چگونه بود

نذير ۝ ولقد كذب الذين من قبلهم
بیم کردن و بدرستیکه تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان

فكيف كان نكير ۝ أولم يروا إلى الطير
پس چگونه بود عقوبت من آیا نمی‌نگرید بسوی مرغان

فوقهم صافات ويقبضن ما يمسكهن إلا
زبر ایشان صفها زگشند و فراهم گیرند نگاه نمیدارد ایشان را مگر

الرحمن إنه بكل شيء بصير ۝ أمن هذا
خدای بدرستیکه او بهر چیز بیناست آیا کیست

الذي هو جند لكم ينصركم من دون
آنکه او مدد کار شما یاری میدهد شما را از جز

ع

محمد صلی الله علیه و آله و صحابه و اصحابه و سلم

۱۱

قل ارأیتم ان اهلکنی الله

الرحمن ان الكافرون الا في غرور ۝ امن
خدا تعالی فریبنده کافران مگر در فریب آیا کیست
هذا الذي يرزقكم ان امسك رزقه
او آنکس است روزی دهد شما را اگر بازدارد روزی خود را
بل لجوا في عتو ونفور ۝ افمن يمشي على
بلکه ستیزه کردند در عناد و نفرت آیا کسیکه میرود بر
وجهه اهدى امن يمشي سويا على صراط
روی خود راه یابنده است آیا آنکسیکه میرود راست بر راه
مستقيم ۝ قل هو الذي انشاكم وجعل
راست بگو او است آنکه بیافرید شما را و بداد
لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما
شما را شنوائی و دیده ها و دلها اندکی آنچه
تشكرون ۝ قل هو الذي ذراكم في الارض
شکر میکویند بگو او است آنکه پراکنده ساخت شما در زمین
واليه تحشرون ۝ ويقولون متى هذا
و بسوی او بازگردانیده خواهید شد و گویند کی باشد این
الوعد ان كنتم صادقين ۝ قل انما العلم
وعده اگر هستید راست گویان بگو جز این نیست که علم
عند الله وانما انا نذير مبين ۝ فلما
نزد خدا تعالی است و جز این نیست که من بیم کننده ام آشکارا پس آن هنگام که
راوه زلفة سيئت وجوه الذين كفروا
بینند نزدیک خود بد گردد رویها آنانکه کافر شدند
وقيل هذا الذي كنتم به تدعون ۝ قل
و گفته شد این که بود شما که بود تمنا میکردید بگو
ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او
خبر دهید اگر هلاک کند خدا تعالی و آنکه با منند یا
رحمنا فمن يجير الكافرين من عذاب
بخشد بر ما پس که زنهار دهد کافران را از عذاب

الیم

أَلِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الرَّحْمٰنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ
دردناک بگو اوست خدای گرویدیم بوی و بر او
تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ
توکل کردیم پس زود باشد که بدانند آنکه او در گمراهی
مُبِينٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ
روشن بگو چه دیدید اگر گردد آب شما
غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ۝
فرو رفته پس کیست که بیارد بشما آب ظاهر

## سورة القلم مكية وهي اثنا وخمسون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
نٓ ۝ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ۝ مَا أَنْتَ
سوگند دوات و قلم و آنچه نویسند نیستی تو
بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ۝ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ
بنعمت پروردگار خود دیوانه و بدرستیکه ترا مزدی نا نهاده
مَمْنُونٍ ۝ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ۝ فَسَتُبْصِرُ
منت و بدرستیکه تو بر خوی بزرگ پس زود که ببینی
وَيُبْصِرُونَ ۝ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ۝ إِنَّ رَبَّكَ
و ببینند بکدام است از شما فتنه بدرستیکه پروردگار تو
هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ
او داناتر است بآنکه گمراه شد از راه او و او داناتر است
بِالْمُهْتَدِينَ ۝ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ۝ وَدُّوا
براه یافتگان پس فرمان مبر تکذیب کنندگان دوست دارند
لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ۝ وَلَا تُطِعْ كُلَّ
تا نرمی کنند و طعنه نزنند و فرمان برداری منت ای بر
حَلَّافٍ مَهِينٍ ۝ هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ۝ مَنَّاعٍ
سوگند خوار سست رای عیب کننده رونده بسخن چینی دروغ منع کننده

سورة القلم
مکیست و پنجاه و
دو آیت است و سیصد
...
ازان منسوخ است
و سیزده در منسوخ
ع
علیه و آله و
اصحابه ... محمد
صلی الله علیه و آله
و اصحابه و سلم ...
... روی سخن او را
این سوره
...

لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ● عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ

بعد ازین عیبها سخن گوی بسیار گناه از ستم درگذرنده مر خیرا

زَنِيمٍ ● أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ● إِذَا

چون پسران و مال صاحب اگر هست حرام زاده

تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ●

پیشینیانست افسانهای گویند آیتهای ما بر ایشان خوانده شود

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ● إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ

بدرستیکه ما آزمودیم اهل مکه را بر بینی او داغ کنیم

كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا

از فقرا وارثان باغ چون قسم خوردند اهل باغ چنانکه آزمودیم

مُصْبِحِينَ ● وَلَا يَسْتَثْنُونَ ● فَطَافَ عَلَيْهَا

پس بیامد بران باغ وان شاء الله نگفتند در وقت اصباح

طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ● فَأَصْبَحَتْ

پس گشت باغ وایشان خفتگان بودند از پروردگار تو بلاے

كَالصَّرِيمِ ● فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ● أَنِ اغْدُوا

اگر بیرون آیید در صباح پس ندا کردند مانند بی میوه

عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنتُمْ صَارِمِينَ ● فَانطَلَقُوا

پس برفتند برندگان اگر هستید سوی درویدن کشت

وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ● أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ

امروز آنکه درنیاید وایشان آهسته میگفتند

عَلَيْكُم مِّسْكِينٌ ● وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ

توانا برمنع مساکین وبامداد برفتند درویشی بر شما

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ● بَلْ نَحْنُ

بلکه ما بدرستیکه ما گم کردگانیم راه گفتند پس آنهنگام که دیدند

مَحْرُومُونَ ● قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ

آیا نگفتم شمارا گفت فاضل‌تر ایشان بے بهرگانیم

لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ● قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا

بدرستیکه ما بودیم خدایا پاکست گفتند چرا یاد نمیکنید

و آنحضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله و صحبه [illegible] بخلق عظیم ستوده [illegible]

قطعه [illegible]

[illegible] در ولایت یمن [illegible] باغی [illegible] نمیکنند

ظلمين

ظٰلِمِينَ ۝ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ

ستمکاران پس روی آوردند بعضی بر بعضی ملامت میکردند

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ۝ عَسَىٰ

گفتند ای وای بر ما که ما بودیم از حد درگذرندگان شاید

رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا

پروردگار ما آنکه بدل دهد ما را بهتر از آن بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود

رَاغِبُونَ ۝ كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ

رغبت کنندگان همچنین عذاب جهان و عذاب

الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ

آخرة بزرگتر است اگر باشند که بدانند بدرستیکه

لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝

مر پرهیزکاران را نزد پروردگار ایشان بوستانهای با نعمت

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝ مَا لَكُمْ

آیا خواهیم کرد مسلمانان را مانند مشرکان چیست شما را

كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

چگونه حکم کنید آیا مر شما راست کتابی که در آن میخوانید

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۝ أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ

بدرستیکه مر شما راست در آن آنچه خواهید برگزینید آیا مر شما راست پیمانها

عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ

بر ما بنهایت تاکید تا روز رستخیز بدرستیکه مر شما راست

لَمَا تَحْكُمُونَ ۝ سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ

آنکه حکم کنید بپرس از ایشان کدام از ایشان بآن حکم پایندان

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا

آیا مر ایشان راست شریکان پس باید بیارند بشریکان خود اگر هستند

صَادِقِينَ ۝ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَ

راست گویان روزیکه پرده برداشته شود از کاری و

يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

خوانده شوند مردمان بسوی سجده کردن پس نتوانند

و بر سوی کر
در ان زمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
ع
دوه یکی
بر آن از قصد زمین داران
قسم کردی چمن
آن عزیز وفات
یافت پسران او
گفتند ما ایزکنت
و عیش بسیار از یاد بود
کنیم که پدر ما میکرد
معیشت بر ما تنگ
کرده

خاشعة أبصارهم ترهقهم ذلة وقد
فروتن باشند چشمهای ایشان فرو گیرد ایشان را خواری و بدرستی که

كانوا يدعون إلى السجود وهم سالمون
بودند خوانده می شدند بسوی سجده و ایشان بودند قادران

فذرني ومن يكذب بهذا الحديث
پس بگذار مرا و هر که تکذیب کند باین قرآن

سنستدرجهم من حيث لا يعلمون
زود که بگیریم ایشان را از آنجا که نمیدانند

وأملي لهم إن كيدي متين أم تسألهم
و مهلت دهیم ایشان را بدرستیکه عقوبت من محکم است آیا میطلبی از ایشان

أجرا فهم من مغرم مثقلون أم عندهم
مزدی پس ایشان از تاوان گران بار اند آیا نزد ایشان است

الغيب فهم يكتبون فاصبر لحكم ربك و
غیب پس ایشان می نویسند پس صبر کن مر حکم پروردگار خود

لا تكن كصاحب الحوت إذ نادى وهو مكظوم
مباش همچو یونس چون بخواند و او پر شده بود از خشم

لولا أن تداركه نعمة من ربه لنبذ بالعراء
اگر نه دریافتی نعمت از پروردگار او افکنده شدی بصحرای خالی

وهو مذموم فاجتباه ربه فجعله
و او ملامت کرده شده بودی پس برگزید او را پروردگار او پس گردانید او را

من الصالحين وإن يكاد الذين كفروا
از شایستگان و بودند نزدیک آنانکه کافر شدند

ليزلقونك بأبصارهم لما سمعوا الذكر
برآینه بلغزانند ترا بچشمهای خویش آنهنگام که شنیدند قرآن

ويقولون إنه لمجنون وما هو إلا ذكر
و گویند برآینه این مرد دیوگرفته است و نیست قرآن مگر پندی

للعالمين
مر عالمیان را

سورة الحاقة مكية | وهي خمسون وإثنتان آية

مبارک
درون نماز خبر یافتند
بر هم دیگر بیوه بر بین
بر بین سوکند تو رو به
و از نان باغ نامهمان
از فقرا برد بیوی
مرزا ادرکا بسکر
از انشنیدو وفا
بر چیز بیاید و نیکاه
صباح بعض
بیر چیزی سوختند
بر اسنا بر دو
شنفند اند انتشار
شکرکه این نیست
سو کردند و خفتند و نطر
از ایشان

بسم الله

سورة الحاقة
مکیست و پنجاه و دو
آیت و دویست و پنجاه [illegible]
[illegible]

ربع

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
الحاقة ۝ ما الحاقة ۝ وما ادريك ما الحاقة
قیامت چه قیامت است و چه چیز دانا کرد ترا چه چیزست حاقه
كذبت ثمود وعاد بالقارعة ۝ فاما ثمود
تکذیب کردند ثمود و عاد بروز قیامت پس اما ثمود
فاهلكوا بالطاغية ۝ واما عاد فاهلكوا
پس هلاک شدند بسبب سرکشی خود و اما عاد پس هلاک کشته
بريح صرصر عاتية ۝ سخرها عليهم سبع
بباد سرد از حد گذشته مسخر کرد بر ایشان هفت
ليال وثمنية ايام حسوما ۝ فترى القوم
شب و هشت روز پیاپی پس ببینی قوم عاد
فيها صرعى ۝ كانهم اعجاز نخل خاوية ۝
در آن جای افتاده گویا ایشان بیخهای درخت خرما اند بر زمین افتاده
فهل ترى لهم من باقية ۝ وجاء فرعون و
پس هیچ می بینی مر ایشان را هیچ کسی باقی مانده و آمد فرعون و
من قبله والمؤتفكت بالخاطئة ۝ فعصوا
آنها که پیش از وی بودند و اهل دیههای قوم لوط با شرک پس عاصی شدند
رسول ربهم فاخذهم اخذة رابية ۝ انا
فرستاده پروردگار خود را پس گرفت ایشان را گرفتنی سخت ما
لما طغا الماء حملنكم في الجارية ۝ لنجعلها
آنهنگام که طغیان کرد آب برداشتیم شما را در کشتی تا گردانیم آن
لكم تذكرة وتعيها اذن واعية ۝ فاذا
برای شما پندی و نگهدارد آن گوشهای نگاه دارنده پس چون
نفخ في الصور نفخة واحدة ۝ وحملت الارض
دمیده شود در صور دمیدنی یک و برداشته شود زمین
والجبال فدكتا دكة واحدة ۝ فيومئذ
و کوهها پس درهم شکسته شوند شکستنی یک پس آن روز

کلام
این سورت
[illegible] و [illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] دیندار
و از الحاقه قیامت
[illegible]

وقعت الواقعة ۝ وانشقت السماء فهي
واقع شود قیامت   وبشکافد   آسمان   پس آسمان
يومئذ واهية ۝ والملك على ارجائها
آنروز   سست بود   وفرشتگان   برکنارهای آسمان باشند
ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ
وبردارد   عرش   پروردگار تو   برزبر ملایکه   آنروز
ثمنية ۝ يومئذ تعرضون لا تخفى منكم
هشت فرشته   وامروز جهار شوید   پنهان نمی ماند از شما
خافية ۝ فاما من اوتي كتبه بيمينه
هیچ پوشیده   پس اما هرکه داده شود   نامهٔ او را بدست راست
فيقول هاؤم اقرءوا كتبيه ۝ اني ظننت
پس گوید   بیائید بخوانید   کتاب مرا   بدرستیکه من یقین دانستم
اني ملق حسابيه ۝ فهو في عيشة راضية
آنکه من بیننده ام حساب خود را   پس آنکه او در عیش   پسندیده
في جنة عالية ۝ قطوفها دانية ۝ كلوا
در بهشتی   بلند   میوهای آن نزدیک   بخورید
واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام
وبیاشامید   گوارنده   آنچه عمل کردید   درروزهای
الخالية ۝ واما من اوتي كتبه بشماله
گذشته   واما هرکه داده شود   نامهٔ او بدست چپ
فيقول يليتني لم اوت كتبيه ۝ ولم ادر
پس گوید کاشکی   داده نشدی   کتاب مرا   وندانستمی
ما حسابيه ۝ يليتها كانت القاضية ۝
چیست حساب من   کاشکی   بودی   حکم کننده
ما اغنى عني ماليه ۝ هلك عني سلطنيه
دفع نکرد   ازمن   مال ودولت من   گم گشته ازمن   تسلط من
خذوه فغلوه ۝ ثم الجحيم صلوه ۝ ثم في
بگیرید این را پس غل کنید   پس در آتش درافکنید اورا   پس در

ع

سلسلة

سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

زنجیری که گز آن هفتاد گز باشد پس در آرید اورا

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ وَلَا يَحُضُّ

بدرستیکه آنکه ایمان نیاورد بخدای بزرگ و حرص نمی کرد

عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا

بر طعام درویش پس نیست مر اورا امروز اینجا خویشی

حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝ لَا يَأْكُلُهُ

حمایت کننده و نیست اورا خوردنی مگر از غساله دوزخیان نمی خورد آن

إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا

مگر گنهکاران پس سوگند میخورم بآنچه می بینید و آنچه

لَا تُبْصِرُونَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝

نمی بینید بدرستیکه قرآن قول رسول کریم است

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ۝

و نیست قرآن سخن شاعر اندکی تصدیق کنند

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝

و نیست سخن کاهن اندکی پند گیرند

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَوْ تَقَوَّلَ

فرستاده است از پروردگار عالمیان و اگر افترا کند

عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

بر ما بعضی سخنان را بگیریم ازو بتوانایی

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۝ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ

پس ببریم ازو رگ دل پس نیست از شما هیچکس

عَنْهُ حَاجِزِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۝

ازو دفع کنندگان و قرآن پندیست مر پرهیزگاران را

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ وَإِنَّهُ

و ما میدانیم آنکه از شما تکذیب کنندگانند و قرآن

لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ

حسرتست بر کافران و بتحقیق قرآن راستی است بی گمان

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ سورة المعارج مكية وهي اربع واربعون آية

پس تسبیح گوی بنام پروردگار بزرگ خود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ

درخواست خواهنده نضر عذابی راکه بود نیست برای کافران نیست

لَهُ دَافِعٌ ۝ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ۝ تَعْرُجُ

مران عذاب دفع کننده از خدا تعالی خداوند درجها بالا روند

الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ

فرشتگان و جبرئیل بسوی او در روزیکه باشد اندازهٔ او

خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ۝

پنجاه هزار سال پس شکیبایی کن صبری نیکو

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ۝ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ۝ يَوْمَ

بدرستیکه ایشان می بینند دور و میبینیم آن نزدیک روزیکه

تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ۝ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ۝

گردد آسمان مانند مس گداخته و گردد کوهها مانند پشم رنگین

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ۝ يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ

و پرسیده نشود هیچ خویشی از گناه خویش بینا کرده شوند ایشان بخویشان خود

لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ۝

آرزو کند گنهگار اگر فدیه دهد از عذاب آن روز به پسران

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ۝ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي

وزن خود و برادر خود را و خویشان خود را که

تُؤْوِيهِ ۝ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ۝

جای دادند او را و کسانیکه در زمین اند همه پس برهاند او را

كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ ۝ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ۝ تَدْعُو مَنْ

نی رهد از عذاب بدرستیکه دوزخ زبانه است خالص کننده میخواند کسی راکه

أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ۝ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ

پشت بر حق کرده و روگردانید و جمع کرد پس نگاه داشت بدرستیکه آدمی

خلق

سورة المعارج

تکبست درجهی چهار ... ازین تکمیع ارزان نامع نیفزود علم و ... ع ارزان ... بهجز ... کو ... سجده ... گفت خدا ... صلی الله علیه وآله وسلم ... و ... ببارآن ... بعد البیر

خُلِقَ هَلُوعًا ۝ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۝

آفریده شده حریص چون برسد اورا بد فریاد کننده باشد

وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۝ إِلَّا الْمُصَلِّينَ

و چون برسد اورا نیکی منع کننده نفع خود را مگر نمازگزارندگان

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۝ وَ

آنانکه ایشان بر نماز خود پیوسته کنند و

الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ۝ لِلسَّائِلِ

آنانکه در اموال ایشان حقیست دانسته شده برای خواهنده

وَالْمَحْرُومِ ۝ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

و برای محتاج و آنانکه تصدیق کرده اند بروز جزا

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

و آنانکه ایشان از عذاب پروردگار خود ترسندگانند

إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ

بدرستیکه عذاب پروردگار ایشان نیست مامون و آنانکه ایشان

لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۝ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ

مر فرجهای خود را نگاه دارندگانند مگر بر زنان خود

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ

یا مالک شده دستهای ایشان پس ایشان نیستند ملامت کردگان

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

پس هرکه طلب کند جز این پس آنگروه ایشانند از حد گذرندگان

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آنانکه ایشان مر امانت خود و پیمان خود رعایت کنندگانند

وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ۝ وَالَّذِينَ

و آنانکه ایشان بگواهی خود ایستادگانند و آنانکه

هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ فِي

ایشان بر نماز خود محافظت کنند آنگروه در

جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ ۝ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ

بوستانها اند گرامی کرده شدگان پس چیست مر آنانرا که کافر شدند بسوی تو

ع

مُهطِعِينَ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۝ اَيَطْمَعُ كُلُّ
شتابندگانند از راست و از چپ گروه گروه آیا طمع دارد هر

امْرِئٍ مِنْهُمْ اَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۝ كَلَّا
مردی از ایشان آنکه در آورده شود در بوستانهای با نعمت انچنین است

اِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ۝ فَلَا اُقْسِمُ بِرَبِّ
هر آئینه ما آفریدیم ایشانرا از آنچه میدانند پس سوگند خورم با پروردگار

الْمَشٰرِقِ وَالْمَغٰرِبِ اِنَّا لَقٰدِرُونَ ۝ عَلٰى اَنْ
مشرقها و مغربها هر آئینه ما توانائیم بر آنکه

نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝
بدل کنیم بهتر از این کفار و نیستیم ما مسبوق شدگان

فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتّٰى يُلٰقُوا
پس بگذار ایشانرا تا خوض کنند و بازیها مشغول شوند تا ملاقات کنند

يَوْمَهُمُ الَّذِى يُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ يَخْرُجُونَ
روز خودرا آنکه وعده داده شده اند روزیکه بیرون آیند

مِنَ الْاَجْدَاثِ سِرَاعًا كَاَنَّهُمْ اِلٰى نُصُبٍ
از گورها شتابان گویا ایشان بسوی علمها

يُوفِضُونَ ۝ خٰشِعَةً اَبْصٰرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ
برابر ده شتابند ذلیل باشند چشمهای ایشان پوشد ایشانرا

ذِلَّةٌ ذٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِى كَانُوا يُوعَدُونَ ۝
خواری این روزیست آنکه بودند وعده داده شده اند

## سُورَةُ النُّوحِ مَكِّيَّةٌ وَهِىَ ثَمَانٌ وَعِشْرُونَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

اِنَّا اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلٰى قَوْمِهٖ اَنْ اَنْذِرْ قَوْمَكَ
هر آئینه ما فرستادیم نوح ع بسوی قوم او آنکه بیم کن گروه خودرا

مِنْ قَبْلِ اَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ قَالَ يٰقَوْمِ
پیش از آنکه بیاید بر ایشان عذابی دردناکی گفت ای گروه

انی لکم

إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ

بدرستیکه من مرشما را بیم کننده آشکارا آنکه پرستید خدا را

وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ۝ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

و بترسید ازو و فرمان برید مرا بیامرزد شما را از گناهان شما

وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ

و باز پس دارد شما را تا مرگ بدرستیکه مرگی که مقرر کرده

اللّٰهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝

خدا تعالی چون بیاید باز پس نماند اگر هستید که می دانید

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ۝

گفت ای پروردگار بدرستیکه من خواندم قوم خود را بشب و روز را

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ۝ وَإِنِّي كُلَّمَا

پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر رمیدن و من همه

دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي

بخواندم ایشان را تا بیامرزی ایشان را آوردند انگشتهای خود در

آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا

گوشهای خود و بر درکشیدند جامها و ایستادند

وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ۝ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ

و سرکشی کردند سرکشی کردنی پس من خواندم ایشان را

جِهَارًا ۝ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ

آشکارا پس من آشکارا کردم ایشان را و پنهان کردم

لَهُمْ إِسْرَارًا ۝ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ

ایشان را پنهان گفتنی پس گفتم آمرزش طلبید پروردگار خود را بدرستیکه او

كَانَ غَفَّارًا ۝ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۝

هست آمرزنده بفرستد آسمان بر شما باران

وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ

و مدد کند شما را بمالها و پسران و بدهد

لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۝ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ

شما را بوستانها و گرداند برای شما جویها چیست شما را که امید ندارید

---

ابن المنذر

الحسن بن ابراهیم ... ابن ابراهیم ... عیر ابن ... اعمال ... کرد از جمله ... نوح علیه السلام ... آنکه ... ایشان ... بنجاه سال ... دعوت ... کردن و ... بر ... نوح علیه السلام ... بیشتر آمد

وجعل الشمس سراجا

لله وقارا ۝ وقد خلقكم اطوارا ۝ الم

مر خدایرا بزرکی وبدرستیکه بیافریدیم شمارا گونه گونه آیا

تروا كيف خلق الله سبع سموات طباقا

نمی بینید که چگونه آفرید خدای تعالی هفت آسمان طبقه بالای طبقه

وجعل القمر فيهن نورا ۝ وجعل الشمس

وکرد اینید ماه در ایشان نوری وکردانید آفتاب

سراجا ۝ والله انبتكم من الارض نباتا

چراغی وخدای تعالی برویانید شمارا از زمین رستنی

ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا ۝

پس خواهد برد شمارا در آن وبیرون آرد شمارا بیرون آوردنی

والله جعل لكم الارض بساطا ۝ لتسلكوا

وخدای تعالی کردانید برای شما زمین مانند فرش تا میروید

منها سبلا فجاجا ۝ قال نوح رب انهم عصوني

از آن براهها کشاده کفت نوح ع ای پروردکار بدرستیکه ایشان نافرمانی

واتبعوا من لم يزده ماله وولده الا خسارا

وپیروی کردند آنرا که زیاده نکرد مال وفرزند او مکر زیان کاری

ومكروا مكرا كبارا ۝ وقالوا لا تذرن

ومکر کردند مکری بزرک وکفتند دست باز مدارید

الهتكم ولا تذرن ودا ولا سواعا ۝

از خدایان خود ومکذارید بت ود ونه سواع

ولا يغوث ويعوق ونسرا ۝ وقد اضلوا كثيرا

ونه یغوث ویعوق وبت نسر وبدرستیکه کمراه کردند بسیاری

ولا تزد الظالمين الا ضلالا ۝ مما خطيئاتهم

ومیفزای ستمکاران را مکر هلاک از انچه کناهان خود

اغرقوا فادخلوا نارا ۝ فلم يجدوا لهم من

غرق شوند پس در آوروه شدند باتش پس نیافتند برای خود از

دون الله انصارا ۝ وقال نوح رب لا تذر

جز خدای تعالی یاران وکفت نوح ع ای پروردکار مکذار

من دون الله انصارا

على الارض

حضرت نوح ... علیه السلام خبر کرد ...

عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكٰفِرِينَ دَيَّارًا ۝ إِنَّكَ إِنْ

بر زمین از کافران دور کننده بدرستیکه تو اگر

تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا

بگذاری ایشان را گمراه کنند بندگان ترا و نزایند مگر

فَاجِرًا كَفَّارًا ۝ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

فجور کنندگان ناسپاس ای پروردگار بیامرز مرا و پدر و مادر مرا

وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَ

و هر که درآید در خانه من مومن و مردان مومن و

الْمُؤْمِنٰتِ وَلَا تَزِدِ الظّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ۝

زنان مومنه و میفزای ستمکاران را مگر هلاک سخت

سُورَةُ الْجِنِّ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانٍ وَعِشْرُونَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا

بگو وحی کرده شد بسوی من بدرستیکه شنیدند قرآن گروهی از جن پس گفتند

إِنَّا سَمِعْنَا قُرْاٰنًا عَجَبًا ۝ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ

بدرستیکه ما شنیدیم قرآن را بشگفت راه نماید بر راستی

فَاٰمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ۝ وَأَنَّهُ

پس گرویدیم بوی و انباز نگیریم پروردگار خود یکی را و بدرستیکه

تَعٰلَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا

بزرگست ملک آفریدگار ما فرا نگرفت زن و نه

وَلَدًا ۝ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى

فرزند و بدرستیکه میگوید جاهل بر

اللّٰهِ شَطَطًا ۝ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ

خدا تعالی سخت دور و ما پنداشتیم آنکه نگویند آدمی

وَالْجِنُّ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا ۝ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ

و جنیان بر خدا تعالی دروغ و بدرستیکه بود مردان از

... مناجات کرده ... نازل شد سوره الجن ...

الانس يعوذون برجال من الجن فزادوهم
آدمیان پناه گرفتندی بمردان از جنیان پس بیفزودند ایشان را

رهقا ۝ وانهم ظنوا كما ظننتم ان لن
استفاده و بدرستیکه کفار گمان بردند چنانکه گمان بودید شما آنکه هرگز

يبعث الله احدا ۝ وانا لمسنا السماء فوجدنها
انگیزد خدا هیچ یکی را و بدرستیکه ما مس کردیم آسمان پس یافتیم آسمان را

ملئت حرسا شديدا وشهبا ۝ وانا كنا
پر کرده شده از پاسبانان قوی و ستارگان و بدرستیکه بودیم ما

نقعد منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان
می نشستیم از آسمان در نشستنگاهها برای شنیدن پس هرکه بشنود اکنون

يجد له شهابا رصدا ۝ وانا لا ندري اشر
یابد مر او را آتش نگاهبان و بدرستیکه ما نمیدانیم آیا بدی خواسته شد

اريد بمن في الارض ام اراد بهم ربهم
بکسانیکه در زمین است یا خواسته است بایشان آفریدگار ایشان

رشدا ۝ وانا منا الصلحون ومنا دون
نیکی و آنکه از جنس ما شایستگان هستند و از ما فرود

ذلك كنا طرائق قددا ۝ وانا ظننا ان
این [illegible] خداوند طریقها متفرقه و آنکه یقین دانستیم آنکه

لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه هربا
عاجز نتوانیم ساخت خدا را در زمین و عاجز نسازیم او را

وانا لما سمعنا الهدى امنا به فمن يؤمن
و آنکه ما آنهنگام شنیدیم قرآن گرویدیم بوی پس هرکه بگرود

بربه فلا يخاف بخسا ولا رهقا ۝ وانا
بپروردگار خود پس نترسد بنقصان و نه از ستم و آنکه

منا المسلمون ومنا القسطون فمن اسلم
از ما گردن نهادگان و از ما ستمکاران پس هرکه گردن نهاد

فاولئك تحروا رشدا ۝ واما القسطون
پس آن گروه قصد کردند راه [illegible] و از ما ستمکاران

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم نماز صبح میکردند و قرآن میخواندند جماعتی از جن آن را شنیدند و ایمان آوردند و بقوم خود [illegible] ایشان ایمان آن [illegible] و [illegible] با آنها [illegible]

وانا لما سمعنا الهدى

[illegible] بیان [illegible]

فكانوا لجهنم حطبا ○ وان لو استقاموا

پس باشند برای دوزخ هیزم و آنکه اگر استقامت کردندی

على الطريقة لاسقينهم ماء غدقا ○

بر راه راست بچشانیم ایشانرا آب بسیار

لنفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه

تا بیازمائیم ایشانرا دران و هرکه اعراض کند از یاد پروردگار خود

يسلكه عذابا صعدا ○ وان المسجد لله

در آرد اورا عذابی سخت و آنکه مسجدها مر خدایراست

فلا تدعوا مع الله احدا ○ وانه لما قام

پس مخوانید با خدای تعالی یکی و آنکه چون برخاست

عبد الله يدعوه كادوا يكونون عليه

بنده خدای تعالی میخواند خدایرا نزدیک بود که باشند بروی

لبدا ○ قل انما ادعوا ربي ولا اشرك به

چفسیدگان بگو جز این نیست که میخوانم پروردگار خود و انباز نمیگیرم بان

احدا ○ قل انى لا املك لكم ضرا ولا رشدا

یکیرا بگو بدرستیکه من نیستم مالک مرشما ضرری و نه چیزی

قل انى لن يجيرنى من الله احد ولن اجد

بگو بدرستیکه من خلاص نشاند از عذاب خدای تعالی یکی را و نیابم هرگز

من دونه ملتحدا ○ الا بلغا من الله و

از جز وی پناهی لیکن میرسانم از خدای تعالی و

رسلته ومن يعص الله ورسوله فان له

پیامهای فرستاده و هرکه نافرمانی کند خدایرا و رسول او پس بدرستیکه مر او

نار جهنم خلدين فيها ابدا ○ حتى اذا راوا

آتش دوزخ جاوید باشند دران همیشه تا چون ببینند

ما يوعدون فسيعلمون من اضعف

آنچه وعده داده شده اند پس زود که بدانند کیست ناتوان تر

ناصرا واقل عددا ○ قل ان ادرى اقريب

از یاری و کمتر از عدد بگو بدرستیکه نمیدانم نزدیک است

ع

مَا تُوعَدُونَ اَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّيٓ اَمَدًا ۝ عَالِمُ
آنچه وعده داده شده اند آیا مقرر کرده خدا از برای او زمانه دور دانندهٔ
الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى غَيْبِهٖٓ اَحَدًا ۝ اِلَّا مَنِ
پوشیده ها پس آشکارا نکند بر غیب خود کسی را مگر آنرا که
ارْتَضٰى مِنْ رَّسُولٍ فَاِنَّهٗ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ
پسندد از فرستاده خود پس او در آرد از پیش
يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا ۝ لِيَعْلَمَ اَنْ قَدْ
روی آن و از پس آن نگاهبانان تا بداند آنکه
اَبْلَغُوا رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَ
برسانیدند فرستادهای پروردگار خود و گرفته است آنچه نزدیک رسل و
اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ۝

## سورة المزمل مكية ثمان عشرة آية وهي عشرون آية

شمرده است همه چیز از روی عدد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
يٰٓاَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ الَّيْلَ اِلَّا قَلِيلًا ۝ نِصْفَهٗٓ
ای گلیم در خود پیچیده برخیز شب نماز مگر اندکی نیمه شب
اَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۝ اَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ
یا کم کن از نیمه شب اندکی یا زیاده کن بر نیمه شب و بخوان
الْقُرْاٰنَ تَرْتِيلًا ۝ اِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا
قرآن را روشن کردنی هر آینه ما زود در افگنیم بر تو سخنی
ثَقِيلًا ۝ اِنَّ نَاشِئَةَ الَّيْلِ هِيَ اَشَدُّ وَطْاً وَّ
گران هر آینه طاعت شب این سخت ترست از رنج و
اَقْوَمُ قِيلًا ۝ اِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۝
راست تر از مقال هر آینه مر ترا در روز آمد شدن درازست
وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝
و یاد کن نام پروردگار خود و بریده شو بسوی او بریده شدنی
رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ
خداوند مشرق و مغرب نیست معبودی مگر او پس بگیر او را

وكيلا

وكيلا ۝ واصبر على ما يقولون واهجرهم
کارساز و صبر کن برآنچه میگویند و هجران کن ایشان
هجرا جميلا ۝ وذرني والمكذبين اولي النعمة
هجرانی نیکو وبگذار مرا و دروغ دارندگان خداوندان نعم
ومهلهم قليلا ۝ ان لدينا انكالا وجحيما
ومهلت ده ایشان را اندکی بدرستیکه نزدیک ماست بندهای گران و آتشی
وطعاما ذا غصة وعذابا اليما ۝ يوم
وخوردنی چون گلوگیر وعذابی دردناک روزیکه
ترجف الارض والجبال وكانت الجبال
بلرزد زمین و کوهها وگردد کوهها
كثيبا مهيلا ۝ انا ارسلنا اليكم رسولا ۱۸
ریگهاء ریگ پراگنده بدرستیکه ما فرستادیم بسوی شما پیغمبری
شاهدا عليكم كما ارسلنا الى فرعون
گواه بر شما چنانکه فرستادیم بسوی فرعون
رسولا ۝ فعصى فرعون الرسول فاخذناه
پیغمبر را پس عاصی شد فرعون رسولی پس گرفتیم او
اخذا وبيلا ۝ فكيف تتقون ان كفرتم
گرفتنی سخت پس چگونه نگاه دارید خود را اگر باینید در کفر
يوما يجعل الولدان شيبا السماء منفطر
از روزیکه گرداند کودکان پیر وآسمان شکافته باشد
به كان وعده مفعولا ۝ ان هذه تذكرة
بآن روز هست وعده خدا بودنی بدرستیکه این پندی
فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا ۝ ان ربك
پس هرکه خواهد گیرد بسوی پروردگار خود راهی بدرستیکه پروردگار تو
يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و
میداند که تو برمیخیزی کمتر از دو حصه شب
نصفه وثلثه وطائفة من الذين معك
نصف شب وسه یکی ازوی وگروهی از آنانکه باتو اند

ع

وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن
وخداتعالی اندازه میکند شب و روز داند که هرگز

تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ
طاقت ... پس بازگشت بر شما پس بخوانید آنچه آسان بود

مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ
از قرآن داند که زود باشد از شما بیماران

وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ
و دیگر سفر کنند در زمین میطلبند

مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ
از فضل خداتعالی و دیگر آنکه کارزار کنند در راه

اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ
خداتعالی پس بخوانید آنچه میسر شود از قرآن و بپای دارید نماز را

وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
و بدهید زکوة را و قرض دهید خدا را قرضی نیکو

وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ
و آنچه پیش فرستید برای نفس خود از نیکی یابید آنرا

عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا
نزد خداتعالی او بهتر است و بزرگتر از مزد و طلب آمرزش کنید

اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
از خداتعالی بدرستیکه خداتعالی آمرزنده مهربانست

## مكية خمسون سورة المدثر خمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنذِرْ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ
ای جامه در پوشیده قیام نمای پس بیم کن و پروردگار خود تعظیم کن

وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ وَلَا
و جامه خود را پاک ساز و از همه گناهان کناره کن و مده

تَمْنُن تَسْتَكْثِرُ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ فَإِذَا
عطا تا بیشتر ستانی و مر پروردگار خود صبر کن پس چون

نُقِرَ

نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۝ فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ
دمیده شود در صور پس این در آن روز روزی
عَسِيرٌ ۝ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ۝
دشوار است بر کافران نه آسان
ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ۝ وَجَعَلْتُ
بگذار مرا و هر که آفریدم تنها و دادم اورا
لَهُ مَالًا مَمْدُودًا ۝ وَبَنِينَ شُهُودًا ۝
مالی بسیار و پسران حاضر
وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ۝ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ
و گستردم برای او گستردنی پس طمع دارد آنکه زیاده کنم
كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا ۝ سَأُرْهِقُهُ
نه چنانست بدرستیکه وی بود مر آیتها را ستیزه کننده زود که در رسانم اورا
صَعُودًا ۝ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝ فَقُتِلَ كَيْفَ
بالا رفتن بدرستیکه او فکر کرد و اندازه کرد پس لعنت کرده باد چگونه
قَدَّرَ ۝ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝ ثُمَّ عَبَسَ وَ
اندازه کرد پس لعنت کرده باد چگونه اندازه کرد پس روی ترش کرد و
بَسَرَ ۝ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۝ فَقَالَ إِنْ
پیشانی درهم کشید پس روی گردانید و تکبر کرد پس گفت نیست
هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ ۝ إِنْ هَٰذَا إِلَّا قَوْلُ
این مگر جادوی که فرا گرفته شود از سحر نیست این مگر سخن
الْبَشَرِ ۝ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ
آدمی زود که درآرم اورا در دوزخ و چه چیز دانا کرد ترا
مَا سَقَرُ ۝ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ۝ لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ
چیست سقر باقی نگذارد و دست باز ندارد آتشی سیاه کننده پوست آدمی
عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ۝ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ
بر آن نوزده ملک و نگردانیدیم خازنان
النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً ۝ وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ
دوزخ مگر فرشتگان و نگردانیدیم شمار ایشان

إلا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين
مگر سبب فتنه مر آنانرا که کافر شدند تا یقین کنند آنانکه
أوتوا الكتب ويزداد الذين آمنوا
داده شدند توریة و تا بیفزاید آنانرا که گرویدند
إيمانا ولا يرتاب الذين أوتوا الكتب
گرویدنی و شک نیارند آنانرا که داده شدند توریت
والمؤمنون وليقول الذين في قلوبهم
و گرویدگان و تا بگویند آنانکه در دلهای ایشان
مرض والكفرون ماذا أراد الله بهذا
بیماریست و کافران چه چیز خواسته خدای تعالی باین
مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي
عدد اندک همچنین گمراه کند خدای تعالی هرکرا خواهد و راه نماید
من يشاء وما يعلم جنود ربك إلا هو وما
هرکرا خواهد و نمیداند لشکرهای پروردگار ترا مگر او و نیست
هي إلا ذكرى للبشر ۝ كلا والقمر ۝ والليل
سقر مگر پندی برای مردمان نه چنین است و ماه و شب
إذ أدبر ۝ والصبح إذا أسفر ۝ إنها لإحدى
چون بیاید از عقب و صبح چون روشن گردد او بدرستیکه سقر یکی از
الكبر ۝ نذيرا للبشر ۝ لمن شاء منكم أن
بزرگ بیم کننده برای آدمیان مر آنکسی را که خواهد از شما آنکه
يتقدم أو يتأخر ۝ كل نفس بما كسبت
پیش رود طاعت یا باز ایستد هر نفسی بانچه کرده بود
رهينة ۝ إلا أصحب اليمين ۝ في جنت يتساءلون
گرو است مگر اصحاب دست راست در بوستانها می پرسند
عن المجرمين ۝ ما سلككم في سقر ۝
از گناهکاران کدام چیز در آورد شما در دوزخ
قالوا لم نك من المصلين ۝ ولم نك نطعم
گویند نبودیم از نماز گذاران و نبودیم ما طعام دهیم

و من اثر [illegible]
در آن حال محروم [illegible] حضرت
[illegible] الجلال اول این
سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] نبی [illegible]
[illegible]
ای [illegible] حال
محمد صلی الله علیه [illegible]
[illegible]

از مسکینان
نفشند با محمد صلى الله
علیه و على آله و صحابه
بسم بیا ... بیده ا
... ابر ... سر
گناه کردی با ...
ان صحیفه ...
گناه او

الْمِسْكِينَ ۝ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ۝
درویشان را و بودیم شروع میکردیم با شروع کنندگان
وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ۝ حَتَّىٰ أَتَانَا
و بودیم تکذیب میکردیم بروز جزا تا آمد ما را
الْيَقِينُ ۝ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ۝
مرگ پس سود نکند کافران را شفاعت شفیعان
فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ ۝ كَأَنَّهُمْ
پس چیست ایشان را از قرآن اعراض کنندگان گویا ایشان
حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ۝ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ۝
خری وحشی اند گریخته باشند از شیر
بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا
بلکه میخواهد هر مردی از ایشان آنکه داده شود نامها
مُنَشَّرَةً ۝ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ۝ كَلَّا
سرگشاده نه چنانست بلکه نمی ترسند از آخرت حقا
إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ۝ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ وَمَا يَذْكُرُونَ
بدرستیکه قرآن پندیست پس هر که خواهد پند گیرد و پند نگیرند
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ۝
مگر آنکه خواهد خدای تعالی اوست سزاوار تقوی و اهل آمرزش

## سورة القيامة مكية وهي اربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ۝ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ۝
قسم میخورم بروز قیامت و قسم میخورم بنفس ملامت کننده
أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ۝ بَلَىٰ
آیا پندارد آدمی آنکه جمع نخواهیم کرد استخوان آری
قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ۝ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ
توانایانیم برآنکه راست کنیم سرهای انگشتان بلکه خواهد کافر

ع ثلثه

ودروی مکتوب
نامه ای از آسمان
تا بنام هر یک از ما کتابی
بیاورند تا بخوانیم ایمان بیاریم
برای ما منشر جزئی بیار
آن در روی نوشته
دکفار

لیفجر امامه ○ یسئل ایان یوم القیمة

تا دروغ گوید انچه در پیش است او را میپرسد که باشد روز قیامت

فاذا برق البصر ○ وخسف القمر ○ وجمع

پس چون خیره شود چشم و تیره گردد ماه و جمع ساخته

الشمس والقمر ○ یقول الانسان یومئذ

آفتاب و ماه گوید آدمی آنروز

این المفر ○ کلا لا وزر ○ الی ربک یومئذ

کجاست جای گریختن نه پناه گاهی مرکافرانرا بسوی پروردگار آنروز

المستقر ○ ینبؤا الانسان یومئذ بما

قرارگاه خلق خبر کرده شود آدمی آنروز بانچه

قدم واخر ○ بل الانسان علی نفسه

پیش فرستاده و انچه پس است بلکه آدمی بر نفس خود

بصیرة ○ ولو القی معاذیره ○ لا تحرک

بینا است و اگر القا کند عذرهای خود را مجنبان

به لسانک لتعجل به ○ ان علینا جمعه و

بقرآن زبان خود را تا بتعجیل کنی بحفظ آن هر آینه بر ماست جمع کردن قرآن

قرانه ○ فاذا قرانه فاتبع قرانه ○ ثم ان

و خواندن آن پس چون بخوانیم پس پیروی کن خواندن ویرا پس هر آینه

علینا بیانه ○ کلا بل تحبون العاجلة

بر ماست روشن کردن آن حقا بلکه دوست دارند شتابنده

وتذرون الاخرة ○ وجوه یومئذ

و دست باز دارند آخرة را رویها آنروز

ناضرة ○ الی ربها ناظرة ○ ووجوه یومئذ

تابان بسوی پروردگار خود نظر کننده و رویها آنروز

باسرة ○ تظن ان یفعل بها فاقرة ○ کلا

ترش گمان برد که رسیده باشد بآن بلایی حقا

اذا بلغت التراقی ○ وقیل من راق

چون رسد چنبر گردن و گفته شود کیست افسون کننده

وظن انه

وظن انه الفراق ○ والتفت الساق بالساق

و بیقین کند آنچه نازل شد و بپیچد ساق باساق دیگر

الی ربک یومئذ المساق ○ فلا صدق

بسوی پروردگار آن روز بازگشت پس تصدیق نکرد

ولا صلی ○ ولکن کذب ○ وتولی ○ ثم

و نماز نگزارد و لیکن تکذیب کرد و برگشت پس

ذهب الی اهله یتمطی ○ اولی لک فاولی

برفت ابوجهل بسوی کسان خود میخرامید سزاوار است مر ترا پس سزاوار است

ثم اولی لک فاولی ○ ایحسب الانسان

پس سزاوار است مر ترا پس سزاوار است آیا پندارد آدمی

ان یترک سدی ○ الم یک نطفة من منی

آنکه گذاشته شود آیا نبود نطفه از منی

یمنی ○ ثم کان علقة فخلق فسوی ○ فجعل

ریخته شده پس بود خون بسته پس بیافرید پس راست کرد پس کرد

منه الزوجین الذکر والانثی ○

ازو دو صنف نر و ماده

الیس ذلک بقدر علی ان یحیی الموتی ○

آیا نیست این توانا بر آنکه زنده کند مرده

## سورة الدهر مکیة وهی احدی وثلثون آیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشنده مهربان

هل اتی علی الانسان حین من الدهر

آیا آمد بر آدمی هنگامی از روزگار

لم یکن شیئا مذکورا ○ انا خلقنا الانسان

نبود چیزی یاد کرده شده بدرستیکه ما آفریدیم آدمی را

من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا

از نطفه آمیخته بهم آزمایم اورا پس کردانیدیم اورا شنوا

بَصِيرًا ۝ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا
بینا بدرستیکه ما راه نمودیم اورا راه را یا سپاس دارنده
وَإِمَّا كَفُورًا ۝ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ
و یا ناسپاس بدرستیکه آماده کردیم برای کافران زنجیرها
وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ
و غلها و آتش بدرستیکه نیکوکاران بیاشامند
مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝ عَيْنًا
از جام خمری باشد آمیزش او کافور چشمهٔ است
يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا
آشامند ازان بندگان خدای تعالی میرانند چشمه را هرجا که خواهند
يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ
وفا نمایند بنذر و میترسند روزی که هست
شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ
بدی او آشکارا و میدهند خوردنی بر
حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ
دوستی خدای تعالی درویشی و یتیم را و اسیر را جزاین نیست که میخورانیم شما را
لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا
برای رضای خدای تعالی نمی خواهیم از شما پاداشی و نه سپاسداری
إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا
بدرستیکه ما میترسیم از پروردگار از عذاب روزی ترش کننده سخت و دشوار
فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً
پس نگاه داشت ایشانرا خدای تعالی بدی این روز و پیش فرستاد ایشانرا تازگی
وَسُرُورًا ۝ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ
و شادی و پاداش داد ایشانرا بآنکه صبر کردند بوستانی و
حَرِيرًا ۝ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ
جامهٔ ابریشم تکیه زدگان دران بر تختها نه بینند
فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۝ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ
دران آفتابی و نه سرمای سخت و نزدیک باشد بر ایشان

ظلالها

ظِلالُها وَذُلِّلَتْ قُطُوفُها تَذْلِيلًا ۝ وَيُطافُ
سایها و رام گرده شده باشد میوهای آن رام کردنی و گردانیده شود
عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوابٍ كانَتْ قَوارِيرَا
بر ایشان جامهای ظرف از سیمین و جامها باشند مانند آبگینها
قَوارِيرَا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوها تَقْدِيرًا ۝
آبگینه از نقره اندازه کرده باشند اندازه کردنی
وَيُسْقَوْنَ فِيها كَأْسًا كانَ مِزاجُها زَنْجَبِيلًا ۝
و داده میوه شوند در آن جامی باشد آمیزش او زنجبیل
عَيْنًا فِيها تُسَمّى سَلْسَبِيلًا ۝ وَيَطُوفُ
چشمه‌ایست در آن نام نهاده سلسبیل و طواف کنند
عَلَيْهِمْ وِلْدانٌ مُخَلَّدُونَ إِذا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ
بر ایشان پسران جاوید مانندگان چون ببینی ایشان را پنداری ایشان را
لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا ۝ وَإِذا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ
مروارید پراکنده و چون ببینی پس ببینی
نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ۝ عالِيَهُمْ ثِيابُ
نعمتها و ملکی بزرگ زبر بهشتیان لباسها
سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَساوِرَ
دیبای نازک سبز است و دیبای محکم و پیرایه بسته شوند دستوانها
مِنْ فِضَّةٍ وَسَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَرابًا طَهُورًا
از نقره و بیاشاماند پروردگار ایشان آبی پاک
إِنَّ هذا كانَ لَكُمْ جَزاءً وَكانَ سَعْيُكُمْ
بدرستیکه این بهشت مر شما پاداشی و هست سعی شما
مَشْكُورًا ۝ إِنّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ
پسندیده بدرستیکه ما فرستادیم بر تو قرآن
تَنْزِيلًا ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلا تُطِعْ
فرستادنی پس صبر کن مر حکم پروردگار و فرمان مبر
مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ۝ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً
از ایشان گناهکاری یا ناسپاسی و یاد کن نام پروردگار خود بامداد

وَأَصِيلًا ۝ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَٱسْجُدْ لَهُۥ وَسَبِّحْهُ

وشبانگاه واز شب پس سجده کن مر او را و نماز گذار

لَيْلًا طَوِيلًا ۝ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ يُحِبُّونَ ٱلْعَاجِلَةَ

شب دراز بدرستیکه این گروه دوست میدارند تعجیل را

وَيَذَرُونَ وَرَآءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ۝ نَّحْنُ

و میگذارند از پس پشت خود روزی گران ما

خَلَقْنَٰهُمْ وَشَدَدْنَآ أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا

بیافریدیم ایشان را و محکم کردیم آفرینش ایشان را و چون خواهیم

بَدَّلْنَآ أَمْثَٰلَهُمْ تَبْدِيلًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِۦ تَذْكِرَةٌ

بدل کنیم امثال ایشان بدل کردنی بدرستیکه این سوره پندیست

فَمَن شَآءَ ٱتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِۦ سَبِيلًا ۝ وَمَا تَشَآءُونَ

پس هر که خواهد گیرد بسوی پروردگار خود راهی و نخواهید شما

إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

مگر آنکه خواهد خدای تعالی بدرستیکه خدای تعالی هست دانا محکم کار

يُدْخِلُ مَن يَشَآءُ فِى رَحْمَتِهِۦ وَٱلظَّٰلِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ

در آرد هر کرا خواهد در بخشایش خود و ستمکاران آماده کردیم برای ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا

عذابی دردناک

## سُورَةُ ٱلْمُرْسَلَٰتِ مَكِّيَّةٌ وَهِىَ خَمْسُونَ آيَةً

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

وَٱلْمُرْسَلَٰتِ عُرْفًا ۝ فَٱلْعَٰصِفَٰتِ عَصْفًا ۝

و سوگند بفرشتگان فرستاده شده به نیکویی پس بملایکه که تند سخت روند

وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشْرًا ۝ فَٱلْفَٰرِقَٰتِ فَرْقًا ۝ فَٱلْمُلْقِيَٰتِ

و سوگند بفرشتگان که نشر کنند کاغذ نشر کردنی پس جدا کنند کاغذ جدا کردنی پس القا کنندگان

ذِكْرًا ۝ عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ۝ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَٰقِعٌ ۝

وحی به پیغمبران برای عذر یا بیم کردن جز این نیست که وعده داده بر آینه بودنیست

فَإِذَا ٱلنُّجُومُ طُمِسَتْ ۝ وَإِذَا ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتْ ۝

پس آنگاه که ستارگان محو کرده شوند و آنگاه که آسمان شکافته شود

سورة المرسلات

وَإِذَا ٱلْجِبَالُ

وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ۝ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ ۝
وانگاه که کوهها پرکنده شوند   وانگاه که پیغمبران جمع کرده شوند
لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ۝ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ
برای کدام روز برداشته بود   برای روز فصل   وچه چیز دانا کرد ترا
مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
چیست روز فصل   وای آن روز   مر دروغ گویان
أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ۝ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۝
آیا هلاک نکردیم پیشینیان   پس از پی درآریم ایشان را پسینیان
كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
مانند این کار میکنیم گناهکاران   وای آن روز
لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۝
مر مکذبان   آیا نیافریدیم شما   از آبی خوار
فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ۝ إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ ۝
پس نگاه داشتیم آن در قرارگاه استوار   تا مقدار دانسته شده
فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
پس توانا بودیم پس نیک توانا ایم   وای آن روز
لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا
مر مکذبان   آیا نگردانیدیم زمین پوشنده
أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ
زندگان و مردگان   و گردانیدیم در آن کوهها بلند
وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
و بیاشامانیم شمارا آب شیرین   وای آن روز
لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ
مر مکذبان   بروید بسوی آنکه بودید بآن
تُكَذِّبُونَ ۝ انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ
تکذیب کردید   بروید بسوی سایه خداوند سه
شُعَبٍ ۝ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ۝
شاخ   نه سایه خنک   و دفع نکند   از زبانه آتش

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ○ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ
بدرستیکه دوزخ افکند شررها همچو قصر عظیم گوییا شرر اشتران زردند
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ○ هَذَا يَوْمُ لَا
وای آن روز مرتکذبان این روز نگویند
يَنْطِقُونَ ○ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ
سخن و دستوری نبود مرایشان را پس عذر خواهی کنند
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ○ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ
وای آن روز مرتکذبان این روز جدا کردن
جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ○ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ
جمع کنیم شما را و پیشینیان پس اگر هست مرشما کیدی
فَكِيدُونِ ○ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ○
پس کید کنید وای آن روز مرتکذبان
إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ○ وَفَوَاكِهَ مِمَّا
بدرستیکه پرهیزگاران در سایها و چشمها و میوها از آنچه
يَشْتَهُونَ ○ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
آرزو میبرند بخورید و بیاشامید گوارنده با آنچه بودید که میکردید
إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ○ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
بدرستیکه ما همچنین جزا میدهیم نیکوکاران را وای آن روز
لِلْمُكَذِّبِينَ ○ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ ○
مرتکذبان بخورید و برخوردار شوید اندکی بدرستیکه شما مجرمانید
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ○ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
وای آن روز مرتکذبان و چون گفته شود مرایشان
ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ○ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
نماز گذارید نگذارند وای آن روز
لِلْمُكَذِّبِينَ ○ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ
مرتکذبان پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان آرید

## سُورَةُ النَّبَأِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ إِحْدَى وَأَرْبَعُونَ آيَة

بسم الله

الجزء الثلثين ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

عم يتساءلون ۝ عن النبإ العظيم ۝ الذي

از چه چیز می پرسند از خبر بزرگ آنکه

هم فيه مختلفون ۝ كلا سيعلمون ۝ ثم كلا

ایشان در ان اختلاف کنند حقا که زود بدانند پس حقا که

سيعلمون ۝ ألم نجعل الأرض مهادا ۝ و

زود بدانند آیا نگردانیدیم زمین گسترده و

الجبال أوتادا ۝ وخلقناكم أزواجا ۝

کوهها میخها وگردانیدیم شما را صنفها

وجعلنا نومكم سباتا ۝ وجعلنا الليل

وگردانیدیم خواب شما راحت وگردانیدیم شب را

لباسا ۝ وجعلنا النهار معاشا ۝ وبنينا

پوششی وگردانیدیم روز را برای طلب معاش وبنا کردیم ما

فوقكم سبعا شدادا ۝ وجعلنا سراجا

زبر شما هفت آسمان سخت وگردانیدیم چراغی

وهاجا ۝ وأنزلنا من المعصرات ماء

تابان وفرستادیم از ابرها آبی

ثجاجا ۝ لنخرج به حبا ونباتا ۝ وجنات

ریزان تا بیرون آریم بآن دانه ورستنی و بوستانها

ألفافا ۝ إن يوم الفصل كان ميقاتا ۝

درهم بدرستیکه روز فصل هست وعده گاه

يوم ينفخ في الصور فتأتون أفواجا ۝ وفتحت

روزی که دمیده شود در صور پس آیید گروه گروه وگشاده شود

السماء فكانت أبوابا ۝ وسيرت الجبال

آسمان پس گردد درها ورانده شوند کوهها

فكانت سرابا ۝ إن جهنم كانت مرصادا ۝

پس گردد سراب بدرستیکه دوزخ هست کمینگاه

سوره عم

لِّلطَّاغِينَ مَآبًا ۝ لَّابِثِينَ فِيهَآ أَحْقَابًا ۝ لَّا
مر از حد گذرندگان را بازگشت درنگ کنندگان دران زمان دراز نه
يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا ۝ وَلَا شَرَابًا ۝ إِلَّا حَمِيمًا
چشند دران خنکی ونه شرابی مگر آب گرم
وَغَسَّاقًا ۝ جَزَآءً وِفَاقًا ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ
وریم دوزخیان پاداشی لایق بدرستیکه ایشان بودند امید نداشتند
حِسَابًا ۝ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَيْءٍ
حساب را وتکذیب کردند بآیتها تکذیب کردنی وهر چیزی
أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ۝ فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا
نگاه داشتیم آنرا نامه پس بچشید پس نیفزاییم شمارا مگر
عَذَابًا ۝ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۝ حَدَآئِقَ وَ
عذابی بدرستیکه مر پرهیزگارانراست رستگاری باغها و
أَعْنَابًا ۝ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ۝ وَكَأْسًا دِهَاقًا ۝
انگور ودختران نارپستان همزادان وجامهای پر
لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ۝ جَزَآءً
نشنوند دران بیهوده ونه دروغ پاداشی
مِّن رَّبِّكَ عَطَآءً حِسَابًا ۝ رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَ
از پروردگار تو عطاء کافی آفریدگار آسمانها و
الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ
زمین وآنچه میان ایشانست بخشنده مالک نباشند ازان
خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا ۝
سخن گفتن روزیکه بایستند جبرئیل و فرشتگان صف زده
لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ۝
سخن نگویند مگر کسی که دستوری دهد اورا خدایتعالی وگوید صواب
ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَآءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ۝
این روز راستست پس هرکه خواهد گیرد بسوی پروردگار بازگشت
إِنَّآ أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ۝ يَوْمَ يَنظُرُ الْمَرْءُ مَا
بدرستیکه ما بیم کردیم شمارا عذابی نزدیک روزیکه می نگرد آدمی آنچه

ع

[illegible]

قدمت یداه

قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

پیش فرستاد دو دستهای او و میگوید کافر ای کاشکی بودمی خاک

## سُورَةُ النَّازِعَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتٌّ وَارْبَعُونَ آيَة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا ۝ وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا ۝ وَالسَّابِحَاتِ

سوگند بکشندگان روح بشارت و بملائکه که جدا بار آرند جدا آوردنی و بتسبیح گویندگان

سَبْحًا ۝ فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا ۝ فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا ۝

تسبیح گویند پس پیشی گیرندگان پیشی گرفتنی پس تدبیر کنندگان کارها را

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ۝ تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ ۝

روزیکه بلرزه درآید لرزه درآرنده از پی درآینده

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ ۝ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ

دلها آن روز گران باشند دیده‌ها را فرو افتاده

يَقُولُونَ أَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ ۝ أَإِذَا

میگویند آیا ما بازگردانیده شویم بطریق سخت آیا چون

كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً ۝ قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

باشیم استخوان پوسیده گفتند این آنگاه بازگشتنی بود بازیان

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ۝ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

پس جز این نیست که آن راندنیست یگانه پس آنگاه ایشان کناره روی زمین باشند

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ۝ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ

آیا آمد بتو سخن موسی چون بخواند اورا پروردگار

بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۝ اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ

بوادی پاکیزه که طوی است برو بسوی فرعون

إِنَّهُ طَغَى ۝ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى ۝ وَ

هر آینه او از حد درگذشته است پس بگو آیا مرترا است بسوی آنکه پاک شوی و

أَهْدِيَكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ۝ فَأَرَاهُ الْآيَةَ

راه نمایم ترا بسوی خداوند خود پس بترسی پس بنمود او را نشانه

ع

سورة النازعات

الكبرى ۝ فكذب وعصى ۝ ثم ادبر يسعى ۝
بزرگتر — پس تکذیب کرد و نافرمانی نمود — پس پشت کرد میشتافت
فحشر فنادى ۝ فقال انا ربكم الاعلى ۝
پس حشر کرد پس آواز داد — پس گفت من پروردگار شما — برتر
فاخذه الله نكال الاخرة والاولى ۝ ان في
پس گرفت او را خدا تعالی بعذاب آخرت — و دنیا — بدرستیکه در
ذلك لعبرة لمن يخشى ۝ ءانتم اشد خلقا
این عبرتست — مرهرکه — ترسد — آیا شما — سخت تر — در آفرینش
ام السماء بنىها ۝ رفع سمكها فسوىها ۝ و
یا آسمان بنا کرده شد آنرا — برداشت — سقف آنرا — پس راست کرد آنرا — و
اغطش ليلها واخرج ضحىها ۝ والارض
تاریک کرد — شب را — و بیرون آورد روز آنرا — و زمین
بعد ذلك دحىها ۝ اخرج منها ماءها
بعد از این — گسترد آنرا — بیرون آورد از آن — آب آن
ومرعىها ۝ والجبال ارسىها ۝ متاعا لكم
و چراگاه آنرا — و کوهها — برپا کرد آنرا — برخورداری مرشما را
ولانعامكم ۝ فاذا جاءت الطامة الكبرى ۝
و برای چارپایان — پس چون بیاید — عذاب — بزرگتر
يوم يتذكر الانسان ما سعى ۝ وبرزت
روزیکه یاد کند — آدمی را — آنچه شتافت — و ظاهر کرده شد
الجحيم لمن يرى ۝ فاما من طغى ۝ واثر الحيوة
دوزخ — مرهرکه میبیند — پس اما هرکه طغیان کرد — و برگزید زندگانی
الدنيا ۝ فان الجحيم هي الماوى ۝ واما من
دنیا — پس بدرستیکه دوزخ — آن جای اوست — و اما هرکه
خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى ۝
ترسید — از ایستادن پروردگار خود — و باز دارد نفس را — از آرزو
فان الجنة هي الماوى ۝ يسـٔلونك عن الساعة
پس بدرستیکه بهشت — آن جای اوست — میپرسند ترا — از قیامت

فاما من طغى

ع

صح نسخ

ایان مرسىها

أَيَّانَ مُرْسَاهَا ۝ فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَاهَا ۝

که کی باشد بر پا شدن آن　در چیستی تو　از یاد کردن آن

إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَاهَا ۝ إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن

بسوی پروردگار تست بازگشت آن　جز این نیست که تو بیم کننده　هر که

يَخْشَاهَا ۝ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا

بترسد از آن　گویا ایشان آن روز که ببینند آنرا　درنگ نکردند

إِلَّا عَشِيَّةً　**سورة الأعمى مكية أربعون**　أَوْ ضُحَاهَا ۝

مگر شبانگاهی　یا چاشتگاهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام　خدای　بخشنده　مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۝ وَمَا يُدْرِيكَ

روی ترش کرد و اعراض نمود　آنکه آمد باو　نابینا　و چه چیز دانا کرد ترا

لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ ۝ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ۝

شاید که او پاک گردد　یا پند گیرد　پس سود دهد او را　پند گرفتن

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ ۝ فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّىٰ ۝ وَمَا

اما کسیکه توانگر است　پس تو مر او را　متوجه میشوی　و نیست

عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۝ وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَىٰ ۝

بر تو　آنکه پاک نگردد　و اما کسیکه　آمد تو　میشتافت

وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝ كَلَّا إِنَّهَا

و او می ترسد　پس تو　از و　فارغ شوی　حقا که آن

تَذْكِرَةٌ ۝ فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۝

پندیست　پس هر که خواهد یاد کند آنرا　در کتابها　گرامی شده

مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝

بر داشته شده　پاکیزه　بدستهای　نویسنده　نیکوکاران

قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝

لعنت کرده باد کافر　چه کافر شده است　از کدام چیز　آفرید او را

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ

از نطفه　آفرید او را　پس اندازه کرد او را　پس　راه

ع

سورة عبس

عبد الله بن ام مکتوم

يَسَّرَهُ ۝ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ

آسان کرد اورا پس بمیرانید اورا پس در گور کرد اورا پس چون خواهد زنده کند اورا

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۝ فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَىٰ

حقا که بجا نیاورد آنچه فرموده اورا پس باید که نگرد آدمی بسوی

طَعَامِهِ ۝ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۝ ثُمَّ شَقَقْنَا

خوردنی خود که ما ریختیم آب ریختنی پس شکافتیم

الْأَرْضَ شَقًّا ۝ فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ۝ وَعِنَبًا وَقَضْبًا

زمین شکافتنی پس برویانیدیم دران دانه و انگور و سپست

وَزَيْتُونًا ۝ وَنَخْلًا ۝ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ۝ وَفَاكِهَةً

و زیتون و خرمابان و باغهای پر و میوه

وَأَبًّا ۝ مَّتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ ۝ فَإِذَا جَاءَتِ

و چراگاه برخورداریست مرشمارا و برای چهارپایان پس چون بیاید

الصَّاخَّةُ ۝ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۝ وَأُمِّهِ

گوش کند روزیکه بگریزد مرد از برادر خود و از مادر خود

وَأَبِيهِ ۝ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ ۝ لِكُلِّ امْرِئٍ

و پدر خود و زن خود و پسر خودرا مرهر مردی

مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

ازایشان آن روز کاری هست مشغول دارد اورا و روبها آن روز

مُّسْفِرَةٌ ۝ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۝ وَوُجُوهٌ

تابان باشد خندان شادمان و روبها

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۝ أُولَٰئِكَ

آن روز بران کدورت فراگیرد آنرا تیرگی آنگروه

٢٩ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

ایشانند ناگرویده بدکاره

## سورة التكوير مكية وهي تسع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۝ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ ۝

آنگاه که آفتاب درهم پیچیده شود و آنگاه که ستارگان فرو ریزند

از فوائد صحابه مجلس آنحضرت صلی الله علیه وعلی آله در مجی[illegible] در آمدن در ایشان [illegible] بر ابنای [illegible] طلب آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم [illegible] در آنحالت [illegible] بعد از انتشار [illegible] مشغول [illegible] پس از آنگروه وا [illegible]

ع

وإذا الجبال

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

وانگاه که کوهها رانده شوند وانگاه که شتران ده ماهه آبستن فروگذارند

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

وانگاه که وحشیان حشر کرده شوند وانگاه که دریاها پر کرده شوند

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝ وَإِذَا الْمَوْءُدَةُ

وانگاه که نفسها را جفت کرده شوند وانگاه که دختران زنده

سُئِلَتْ ۝ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝ وَإِذَا الصُّحُفُ

در گور کرده شوند بکدام گناه کشته شوند وانگاه که نامها

نُشِرَتْ ۝ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝ وَإِذَا الْجَحِيمُ

گشاده شوند وانگاه که آسمان کنده شود وانگاه که دوزخ

سُعِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ

افروخته شوند وانگاه که بهشت نزدیک کرده شوند میداند نفس

مَا أَحْضَرَتْ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ

آنچه که حاضر کرده باشد پس سوگند خورم بستارها پس گردندگان سیرکننده پنهان

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ

و شب را چون پس آید و صبح چون بدمد

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ

هر آینه که این گفتار رسول فرستاده بزرگوار خداوند قوت نزد

ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ

خداوند عرش باجای فرمان برده شد پس امین است

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ

و نیست یار شما دیوانه و هرآینه دیده است او را بکناره

الْمُبِينِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

آشکارا و نیست آن بر پوشیده بخیل

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ

و نیست آن گفتار دیو رانده شده پس کجا میروید

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ

نیست آن مگر پندی مر عالمیان را هرکه خواهد از شما

أَن يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ

آنکه مستقیم شوند — و نمی خواهند — مگر آنکه خواهد خدای تعالی

رَبُّ الْعَالَمِينَ

پروردگار جهانیان

## سورة الانفطار مكية تسع عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ۝

آنگاه که آسمان شکافته گردد — و آنگاه که ستارگان فرو ریزند

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝

و آنگاه که دریاها روان کرده شوند — و آنگاه که قبرها زیر و زبر کرده شوند

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝ يَا أَيُّهَا

داند نفسی آنچه پیش فرستاده و پس گذاشته — ای

الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝ الَّذِي

آدمی چه چیز بفریفت ترا پروردگار بزرگوار — آنکه

خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۝ فِي أَيِّ صُورَةٍ

بیافرید ترا پس راست کرد ترا پس اندام راست کرد ترا — در هر صورتی

مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ

آنچه خواست ترکیب داد ترا — حقا که تکذیب کردند روز جزا

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝ كِرَامًا كَاتِبِينَ

و بدرستیکه بر شما نگاهبانان — بزرگان نویسندگان

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

میدانند آنچه میکنید — بدرستیکه نیکان در نعمتها باشند

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۝ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ

و بدرستیکه بدکاران در دوزخ باشند — درآیند دران روز جزا

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا

و نیستند ایشان ازان پنهان — و چه چیز دانا کرد ترا چیست

يَوْمُ الدِّينِ ۝ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ

روز جزا — پس چه چیز دانا کرد ترا چیست روز جزا

سورة الانفطار مکیست نوزده آیت است

ع

يوم

سوره المطففین

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۝ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ
روزیکه مالک نباشد کسی مرکسی را چیزی و فرمان آن روز

## سورة المطففين | لله | مكية وهي ست وثلثون آية
مر خدای راست

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى
وای مر کم کنندگان کیل را آنانکه چون بپیمایند بر

النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ
مردمان تمام ستانند و چون کیل دهند ایشانرا یا وزن کنند ایشانرا

يُخْسِرُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ
زیان میکنند آیا گمان نمی برند آنگروه آنکه ایشان برانگیخته شوند

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ
برای روز بزرگ روزیکه برپا شود مردمان مر پروردگار جهانیان

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ
حقا بدرستیکه نامه بدکاران در سجین باشد و چه چیز دانا گردانید ترا

مَا سِجِّينٌ ۝ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
چیست سجین نامه ایست نوشته شده وای آن روز

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ
مر مکذبان آنانکه تکذیب کردند بروز جزا

وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ إِذَا
و تکذیب نکنند بآن مگر هر از حد گذرنده گنهکار چون

تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
خوانده شود بر او آیتهای ما گوید افسانهای پیشینیان

كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ
حقا بلکه زنگ شد بر دلهای ایشان آنچه بودند که کسب میکردند

كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّهُمْ
حقا که ایشان از پروردگار خود آن روز در پرده شدگانند پس بدرستیکه ایشان

ربع

لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا الَّذِي كُنتُم
درآیند در دوزخ پس گویند این آنست آنکه بودید

بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي
بآن تکذیب کردید حقا بدرستیکه نامه نیکوکاران در

عِلِّيِّينَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝ كِتَابٌ
علیین باشد و چه چیز دانا کرد ترا چیست علیون نامه ایست

مَّرْقُومٌ ۝ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ الْأَبْرَارَ
نوشته شده گواهی دهند آنرا نزدیکان بدرستیکه نیکوکاران

لَفِي نَعِيمٍ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ ۝ تَعْرِفُ
در نعمتها باشند بر تختها می نگرند می شناسی

فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۝ يُسْقَوْنَ مِن
در رویهای ایشان تازگی نعمت چاشانند از

رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ ۝ خِتَامُهُ مِسْكٌ ۝ وَفِي ذَٰلِكَ
شراب مهر کرده شده مهر آن مشک است و در این

فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۝ وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ
پس باید که رغبت کنند رغبت کنندگان و آمیزش آن از تسنیم است

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا
چشمه که آشامند بآن نزدیکان بدرستیکه آنانکه گناه کردند

كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ ۝ وَإِذَا
بودند از آنانکه گرویدند میخندند و چون

مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۝ وَإِذَا انقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمُ
بگذرند بر ایشان غمزه میکنند و چون بازگردند بسوی اهل خود

انقَلَبُوا فَكِهِينَ ۝ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ
بازگردند شادمان و چون ببینند ایشانرا گویند بدرستیکه

هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ۝ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ
این گروه گمراهانند و آنچه فرستاده شدند بر ایشان نگاهبانان

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ
پس امروز آنانکه گرویدند از کافران میخندند

هل ثوب

ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

برنجهانی میکنند آیا جزا داده شوند کافران آنچه بودند که میکردند

## سُورَةُ الانْشِقَاقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ خَمْسٌ وَعِشْرُونَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

آنگاه که آسمان شگافته شود و فرمان برد مر پروردگار خود و سزاوار شد

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ

و آنگاه که زمین کشیده شود و بیفکند آنچه در آنست و خالی شد

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ

و فرمان برد مر پروردگار خود و سزاوار شد ای مردمان بدرستیکه تو

كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ فَأَمَّا مَنْ

کشنده بسوی پروردگار خود کشیدنی پس رسنده آنرا پس اما هرکه

أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا

داد نامهٔ او بدست راست او پس زود حساب کند حسابی

يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا

آسان و باز گردد بسوی اهل خود شادمان

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُو

و اما هرکه داده شود نوشتهٔ او پس پشت او پس زود باشد بخواند

ثُبُورًا وَيَصْلَى سَعِيرًا إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ

ثبور را و در آیند در آتش افروخته بدرستیکه او بود در اهل خود

مَسْرُورًا إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ بَلَى إِنَّ رَبَّهُ

شادمان بدرستیکه او گمان برد آنکه باز نگردد آری بدرستیکه پروردگار او

كَانَ بِهِ بَصِيرًا فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ

بود بدان بینا پس سوگند نمیخورم بشفق و بشب

وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ لَتَرْكَبُنَّ

و آنچه جمع آرد و بماه چون تمام شود هرآینه نکاب نمایید

ع

طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۝ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَاِذَا
از حالتی بعد از حالتی — پس چیست ایشان را که ایمان نیارند — و چون
قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُونَ ۝ بَلِ الَّذِيْنَ
خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نمیکنند بلکه آنانکه
كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۝ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۝
کافر شدند تکذیب میکنند و خدای تعالی داناست بآنچه نگاه دارند
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا
پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک مگر آنانکه گرویدند
وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝
و کردند عمل شایسته مر ایشانراست مزدی بی منت

## سورة البروج مكية وهي اثنان وعشرون اية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ۝
سوگند بآسمان خداوند برجها و روز وعده داده شده
وَشَاهِدٍ وَّمَشْهُوْدٍ ۝ قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاُخْدُوْدِ ۝
و بگواه و گواهی داده کشته شوند یاران اخدود
النَّارِ ذَاتِ الْوَقُوْدِ ۝ اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ۝
آتش خداوند افروختن آنگاه ایشان بران نشستگانند
وَهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ شُهُوْدٌ ۝
و ایشان بر آنچه میکنند بگرویدگان حاضرانند
وَمَا نَقَمُوْا مِنْهُمْ اِلَّا اَنْ يُّؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ
و دشمن نداشتند از ایشان مگر آنکه ایمان آوردند بخدای غالب
الْحَمِيْدِ الَّذِيْ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۝
ستوده آنکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین
وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ
و خدای تعالی بر هر چیز گواه است بدرستیکه آنانکه

یعنی بیمار شوند و بمیرند
امر بسجده حضرت
سجده
رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و صحابه
و سلم
ع
سوره البروج
فتنوا

فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا
فتنه انداختند مردان وزنان مومنه پس توبه نکردند

فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ
پس مرایشانراست عذاب دوزخ ومرایشانراست عذاب آتش

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتٌ
بدرستیکه آنانکه گرویدند وکردند عمل شایسته مرایشانراست بوستانها

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ
میرود اززیر آن جویها این رستگاری بزرگست

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ
بدرستیکه گرفتن پروردگار تو سخت است بدرستیکه خدایتعالی او پیدا کند

وَيُعِيدُ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ
وباز گرداند واوست آمرزنده دوستدار خداوند عرش

الْمَجِيدُ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ هَلْ أَتٰكَ حَدِيثُ
بزرگوار کننده هرچه خواهد آیا آمد بتو سخن

الْجُنُودِ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا
لشکر فرعون وثمود بلکه آنانکه کافر شدند

فِي تَكْذِيبٍ وَاللّٰهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ
در تکذیب اند وخدایتعالی از پس ایشان احاطه کننده بلکه

هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ
آن قرآنیست بزرگوار در لوح محفوظ

## سُورَةُ الطَّارِقِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سَبْعَ عَشْرَةَ آيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرٰكَ مَا الطَّارِقُ
وسوگند باسمان ودرآینده شب وچه چیز دانا کرد ترا که چیست درآینده

النَّجْمُ الثَّاقِبُ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا
ستاره درخشنده نیست هیچ نفسی مگر براو

سوره الطارق

حافظ ۝ فلينظر الانسان مم خلق ۝ خلق من
نگاهبانا نند پس باید که بنگرد آدمی از چه چیز آفریده شد آفریده شد از
ماء دافق ۝ يخرج من بين الصلب والترائب
آبی ریزان که بیرون آید از میان پشت مرد و از سینهٔ زن
انه على رجعه لقادر ۝ يوم تبلى السرائر
بدرستیکه او بر باز آوردن او توانا است روزیکه آشکارا کرده شود
فما له من قوة ولا ناصر ۝ والسماء ذات الرجع
پس نباشد او را هیچ قوتی و نه یاریی و آسمان خداوند باران
والارض ذات الصدع ۝ انه لقول فصل
و زمین خداوند شکافت بدرستیکه او برآئینه گفتاریست جدا کننده
وما هو بالهزل ۝ انهم يكيدون كيدا واكيد
و نیست آن بیهوده بدرستیکه ایشان کید کنند کید کردنی و جزا و کید دهیم
كيدا ۝ فمهل الكافرين امهلهم رويدا ۝
کید کننده پس مهلت ده کافران را مهلت دادنی اندک

## سورة الاعلى مكية وهي تسع عشر

بسم الله الرحمن الرحيم ۝
نام خدای بخشنده مهربان
سبح اسم ربك الاعلى ۝ الذي خلق فسوى ۝
تسبیح کن نام پروردگار خود که برتر است آنکه بیافرید پس راست کرد
والذي قدر فهدى ۝ والذي اخرج المرعى ۝
و آنکه اندازه کرد پس راه نمود و آنکه بیرون آورد چراگاه
فجعله غثاء احوى ۝ سنقرئك فلا تنسى ۝
پس گردانید آنرا خشک تیره زود بخوانیم بر تو پس فراموش مکن
الا ما شاء الله انه يعلم الجهر وما يخفى ۝
مگر آنچه خواهد خدا تعالی بدرستیکه او میداند آشکارا و آنچه که پنهان است
ونيسرك لليسرى ۝ فذكر ان نفعت الذكرى
و توفیق دهیم ترا بطریق آسان پس پند ده اگر سود کند پند دادن

سیذکر

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَّخْشٰى ۝ وَيَتَجَنَّبُهَا الْاَشْقَى
زود باشد که پند گیرد هر که بترسد ودیهلو تهی کند ازان بدبخت تر

الَّذِيْ يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوْتُ
آنکه درآید در آتش بزرگتر پس نمیرد

فِيْهَا وَلَا يَحْيٰى ۝ قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى ۝ وَ
دران ونه زنده ماند بدرستیکه رستگار شد هر که زکوة دهد و

ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰى ۝ بَلْ تُؤْثِرُوْنَ الْحَيٰوةَ
یاد کرد نام پروردگار خود پس نماز گذارد بلکه برگزینید زندگانی

الدُّنْيَا ۝ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى ۝ اِنَّ هٰذَا
دنیا وآخرة بهتر است وپاینده بدرستیکه این

لَفِي الصُّحُفِ الْاُوْلٰى ۝ صُحُفِ اِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى ۝
در کتابهای پیشین کتاب ابراهیم ع وموسی ع

## سُوْرَةُ الْغَاشِيَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ عَشْرٌ ثَلٰثٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ 19
بنام خدای بخشنده مهربان

هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ
آیا آمد بتو خبر پوشنده درویها آنروز

خَاشِعَةٌ ۝ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ۝ تَصْلٰى نَارًا
ترسکار باشند کارکننده رنج کشنده درآید در آتش

حَامِيَةً ۝ تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ ۝ لَيْسَ لَهُمْ
گرم آشامیده شود از چشمه گرم نیست مرایشان را

طَعَامٌ اِلَّا مِنْ ضَرِيْعٍ ۝ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِيْ مِنْ
خوردنی مگر از ضریع نه فربه کند ونه دفع کند از

جُوْعٍ ۝ وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۝ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝
جوع درویها آنروز تازه باشد مرسعی او را پسندیده

فِيْ جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ لَا تَسْمَعُ فِيْهَا لَاغِيَةً ۝ فِيْهَا
در بوستان بلند نشنود دران بیهوده دران

ازعذاب
آنکه منکران این کلام
جبرئیل علیه السلام
نازل شد و سوره
گردد او ثابت
سوره الغاشیه
کیست که بینند و شکنند
آنکه آنست که هیچ بیک
ع ازان ناسخ
بینند عاقل که آنچه
منسوخ است و بیست
ترو تازه نیک یاد
طوفان احوال
قیامت است دوغم
مومنان

و چهارپایان قوی و تن [illegible] شرق [illegible] هست [illegible] خوردنی [illegible] و وعید کافران بعذاب [illegible] ثواب

عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۝ وَأَكْوَابٌ

چشمه ایست روان درآن تختها برداشته شده و کوزها

مَّوْضُوعَةٌ ۝ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝ وَزَرَابِيُّ

برهم نهاده و بالشها هم پیوسته و فرشها

مَبْثُوثَةٌ ۝ أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ

گسترده آیا نمیبیند بسوی شتر چگونه

خُلِقَتْ ۝ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝ وَإِلَى

آفریده شده و بسوی آسمان چگونه بلند کرده شد و بسوی

الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

کوهها که چگونه نهاده شد و بسوی زمین که چگونه

سُطِحَتْ ۝ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ ۝ لَّسْتَ

پهن کرده شد پس پند ده جز این نیست که تو پند دهنده نیستی تو

عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ۝ إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ

برایشان غالب مگر آنکه روگرداند و کافر شود

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝ إِنَّ إِلَيْنَا

پس عذاب کند او را خدای تعالی عذاب بزرگتر بدرستیکه بسوی ماست

إِيَابَهُمْ ۝ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ۝

بازگشت ایشان پس بدرستیکه برماست شمار ایشان

## سورة الفجر مكية وهي خمس وعشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝

وسوگند بامداد و شبها ده و جفت و طاق

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۝ هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ۝

وشب چون درگذرد آیا هست در این سوگندی مرخداوندان خرد را

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ

آیا ندیدی که چگونه کرد پروردگار تو قوم عاد ارم خداوند قامتها

نصف
ع

[illegible] نعمت [illegible] سروران [illegible] بعذاب [illegible]

الّتي

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝ وَثَمُودَ
آنکه آفریده نشد مانند آن در شهرها وثمود

الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝ وَفِرْعَوْنَ
آنانکه میبریدند سنگها بوادی وفرعون

ذِي الْأَوْتَادِ ۝ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝
خداوند میخها آنانکه ستم کردند در شهرها

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ
پس بسیار کردند در آن فساد پس ریخت بر ایشان

رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝
آفریدگار تو نوعی از عذاب هر آینه پروردگار تو بر گذرگاه است

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ
پس اما آدمی چون بیازماید اورا آفریدگار او پس گرامی کند اورا

وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ
ونعمت دهد اورا پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا واما چون بیازماید اورا

فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۝
پس تنگ کرد بر او روزی او پس گوید پروردگار من خوار کرد مرا

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ
حقا بلکه نمیدارند گرامی یتیم را و تحریص نمی کنند

عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ
بر خورانیدن درویش ومیخورند میراث

أَكْلًا لَمًّا ۝ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ
خوردنی بسیار ودوست میدارند مال را دوست داشتنی فراوان حقا که چون کوفته گردد

الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ
زمین کوفتنی بعد از کوفتنی وآمد پروردگار تو وفرشتگان

صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ
صف صف وآمد آنروز بدوزخ آنروز

يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى
یاد کند آدمی وچگونه باشد مر اورا پند دادن

[illegible]

يقول يليتنى قدمت لحياتى ۝ فيومئذ لا
گوید ای کاشکی پیش فرستادمی برای زندگانی خود پس امروز نکند

يعذب عذابه احد ۝ ولا يوثق وثاقه احد ۝
عذاب مانند عذاب کردن یکی را وبند کرده نشود مانند بند کردن او یکی را

يايتها النفس المطمئنة ۝ ارجعى الى ربك
ای نفس آرمیده بازگرد بسوی پروردگار خود

راضية مرضية ۝ فادخلى فى عبدى ۝ وادخلى جنتى
خشنود پسندیده پس درآی در بندگان من ودرآی در بهشت من

## سورة البلد مكية وهى عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

لا اقسم بهذا البلد ۝ وانت حل بهذا البلد
سوگند میخورم باین شهر وحالانکه تو مقیمی باین شهر

ووالد وما ولد ۝ لقد خلقنا الانسان فى
و پدر وآنچه زاد هر آینه بیافریدیم آدمی را در

كبد ۝ ايحسب ان لن يقدر عليه احد
رنج آیا پندارد که هرگز تنگ نتواند بر او یکی را

يقول اهلكت مالا لبدا ۝ ايحسب ان لم يره
گوید برباد صایع کردم مال بسیار آیا پندارد که ندید اورا

احد ۝ الم نجعل له عينين ۝ ولسانا و
یکی آیا ندادیم مر اورا دو چشم و زبان و

شفتين ۝ وهدينه النجدين ۝ فلا اقتحم
دو لب وراه نمودیم اورا دو پستان پس در نیامد

العقبة ۝ وما ادريك ما العقبة ۝ فك رقبة
بلندی گناه و چه چیز دانا کرد ترا چیست بلندی گناه آزاد کردن گردنی

او اطعام فى يوم ذى مسغبة ۝ يتيما ذا مقربة
یا خورانیدن در روز خداوند گرسنگی را یتیمی خداوند قرابت را

اومسكينا

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ

یا درویش را خداوند محتاج را پس بود از آنانکه

آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۝ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

گرویدند و دو نمودند بصبر کردن و دو نمودند بمهربانی

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

آنگروه یاران دست راست و آنانکه نگرویدند

بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ

بآیتهای ما ایشان یاران دست چپ اند بر ایشان آتش سرپوشیده

## سُورَةُ الشَّمْسِ مَكِّيَّةٌ خَمْسَ عَشْرَةَ آيَة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ۝ وَالنَّهَارِ

سوگند بآفتاب و تابش وی و ماه چون در آید او را و روز

إِذَا جَلَّاهَا ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءِ

چون جلا دهد آنرا و شب چون پوشد آنرا و آسمان

وَمَا بَنَاهَا ۝ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ۝ وَنَفْسٍ

و آنچه بنا کرد آنرا و زمین و آنچه گسترد آنرا و نفس

وَمَا سَوَّاهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۝

و آنچه راست کرد آنرا پس الهام داد او را ناپاکی او و پرهیزگاری

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ

بدرستیکه رستگار شد هر که پاک کرد او را و بدرستیکه نا امید شد کسیکه

دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ

تباه کرد آنرا تکذیب کرد ثمود بسبب نافرمانی خود را چون برانگیخت

أَشْقَاهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ

بدبخت ترین پس گفت مر ایشان را رسول خدایتعالی شتر خدایتعالی

وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدَمْدَمَ

آشامیدن آنرا پس تکذیب کردند او را پس پی کردند او را پس هلاک فرستاد

آیه سی
این دلالت بر نبوت
...
شان حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه
و آله و اصحابه و سلم
...
ع
...
در این سوره

عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوّٰهَا ۝ وَلَا يَخَافُ

برایشان پروردگار ایشان بگناه ایشان یکسان کرد آنرا و نترسید

سُورَةُ اللَّيْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ اِحْدٰى عِشْرُونَ

عُقْبٰهَا ۝

از آخر کار آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

وَالَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى ۝ وَالنَّهَارِ اِذَا تَجَلّٰى ۝

و سوگند شب چون فرو پوشد و روز چون روشن گرد

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ۝ اِنَّ سَعْيَكُمْ

و آنچه آفرید نر و ماده بدرستیکه سعی شما

لَشَتّٰى ۝ فَاَمَّا مَنْ اَعْطٰى وَاتَّقٰى ۝ وَصَدَّقَ

پراگنده است پس اما هرکه عطا کرد و پرهیز کرد و تصدیق نمود

بِالْحُسْنٰى ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرٰى ۝ وَاَمَّا

بکلمهٔ نیکو پس توفیق دهیم اورا برای آسان تر و اما

مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ۝ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى

هرکه بخل کرد و بی نیازی نمود و تکذیب کرد به نیکویی

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرٰى ۝ وَمَا يُغْنِيْ عَنْهُ

پس آسانی کنیم برای دشوار را و دفع نکند ازو

مَالُهٗ اِذَا تَرَدّٰى ۝ اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ۝

مال او چون هلاک گردد بدرستیکه بر ماست راه نمودن

وَاِنَّ لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَالْاُوْلٰى ۝ فَاَنْذَرْتُكُمْ

و بدرستیکه بر ماست آخرة و دنیا پس بیم کردیم شمارا

نَارًا تَلَظّٰى ۝ لَا يَصْلٰهَا اِلَّا الْاَشْقَى الَّذِيْ

در آتش زبانه دار در نیاید در آن مگر بدبخت تر آنکه

كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْاَتْقَى الَّذِيْ

تکذیب کرد و روی گردانید و دور کرده شود از آن نیکبخت را آنکه

يُؤْتِيْ مَالَهٗ يَتَزَكّٰى ۝ وَمَا لِاَحَدٍ عِنْدَهٗ مِنْ

بدهد مال خودرا که پاکیزه کند و نیست هر کسی را نزد او هیچ

نعمة

ازنفاق وی بلو خبر داد و کفار را بآتش بیم فرمود

سورة اللیل مکیست بیست و یک آیه

ع

[illegible] ازان [illegible] سخت [illegible]

[illegible] انواع عذاب [illegible] حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه

نعمة تجزى ۝ الا ابتغاء وجه ربه الاعلى

نعمتی جزا داده شود مگر بطلب خشنودی پروردگار خود برترست

ولسوف يرضى ۝

## سورة الضحى مكية

و زود باشد که خشنود گردد

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

والضحى ۝ واليل اذا سجى ۝ ما ودعك

و سوگند بچاشتگاه و شب چون تاریک گردد نه گذاشت ترا

ربك وما قلى ۝ وللاخرة خير لك من

پروردگار تو و نه فراموش کرد و هر آینه آخرة بهترست مر ترا از

الاولى ۝ ولسوف يعطيك ربك فترضى ۝

دنیا و هر آینه زود عطا دهد ترا پروردگار تو پس خشنود گردی

الم يجدك يتيما فاوى ۝ ووجدك ضالا

آیا نیافت ترا بی پدر پس جای داد و یافت ترا راه گم کرده

فهدى ۝ ووجدك عائلا فاغنى ۝ فاما

پس راه نمود و یافت ترا درویش پس توانگر ساخت پس اما

اليتيم فلا تقهر ۝ واما السائل فلا تنهر ۝

یتیم را قهر مکن و اما گدا خواهنده بانگ مزن

واما بنعمة ربك فحدث ۝

## سورة الانشراح

و اما بنعمت پروردگار خود شکر کن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

الم نشرح لك صدرك ۝ ووضعنا عنك

آیا نگشاده کردیم برای تو سینه ترا و نهادیم از تو

وزرك الذى انقض ظهرك ۝ ورفعنا لك

بار تو آنکه گران داشت پشت ترا و بلند کردیم ترا

ذكرك ۝ فان مع العسر يسرا ۝ ان مع

نام ترا پس بدرستیکه با دشواری آسانیست بدرستیکه با

یعنی

انعامات دنیاوی نسبت

غلام رومی خرید

سلمان آزاد کرد

نقد بها ورد

ع

عوض بلال حبشی را

عمر داده او را آزاد

آنکه طالب ارجمند

رای خدا آزاد کرد

خداوند تعالی در این

بار این سوره

فرستاد

ع

سوره الم نشرح مکی

هشت آیه است

کریم

العسر يسرا ۝ فاذا فرغت فانصب ۝ والى

دشواری آسانیست پس چون فارغ شوی پس رنج کش وبوی

سورة التين مكية وهي ثمان آيات

ربك فارغب ۝

آو زیر کار خود رغبت کن

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

والتين والزيتون ۝ وطور سينين ۝

وسوگند بانجیر وزیتون وطور سینا

وهذا البلد الامين ۝ لقد خلقنا الانسان

واین شهر امان دهنده بدرستیکه آفریدیم آدمی را

في احسن تقويم ۝ ثم رددناه اسفل سافلين ۝

در نیکوترین صورتی پس باز گردانیدیم اورا فروترین فروتران

الا الذين امنوا وعملوا الصلحت فلهم اجر

مگر آنانکه گرویدند وکردند عمل شایسته پس مر ایشانرا مزدی

غير ممنون ۝ فما يكذبك بعد بالدين ۝

بی منت پس چه چیز بتکذیب دارد ترا بعد ازین دین مسلمانی

أليس الله باحكم الحاكمين ۝

آیا نیست خدا تعالی حکم کننده ترین حکم کنندگان

## سورة العلق مكية وهي عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

اقرأ باسم ربك الذي خلق ۝ خلق الانسان

بخوان بنام پروردگار آنکه آفرید بیافرید انسان

من علق ۝ اقرأ وربك الاكرم الذي

از خون بسته بخوان پروردگار خود را بزرگ تر است آنکه

علم بالقلم ۝ علم الانسان ما لم يعلم ۝

بیاموخت نوشتن بقلم بیاموخت انسان آنچه نمیدانست

کلا ان

كلا ان الانسان ليطغى ۝ ان رءاه استغنى

حقا هر آينه آدمی بيراه شود آنكه به بيند خود را توانگر

ان الى ربك الرجعى ۝ ارءيت الذى ينهى

هر آينه بسوی پروردگار تست بازگشت آيا ديدی آنكه باز دارد

عبدا اذا صلى ۝ ارءيت ان كان على الهدى

بنده را چون نماز گذارد آيا ديدی اگر باشد بر راه راست

او امر بالتقوى ۝ ارءيت ان كذب وتولى

يا فرمايد به پرهيزگاری آيا ديدی اگر تكذيب كرد و روی گردانيد

الم يعلم بان الله يرى ۝ كلا لئن لم ينته

آيا نميداند بآنكه خدا تعالى مى بيند حقا كه اگر باز نه ايستد

لنسفعا بالناصية ۝ ناصية كاذبة خاطئة

هر آينه بگيريم بموی پيشانی پيشانی دروغگوی خطاكار

فليدع ناديه ۝ سندع الزبانية ۝ كلا لا

پس بايد كه بخواند اهل مجلسان خود زود كه خوانيم زبانيه را حقا مبر

تطعه واسجد واقترب ۝

فرمان او را و سجده كن و نزديك شو

سجده

## سورة القدر مكية وهى خمس آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

انا انزلناه فى ليلة القدر ۝ وما ادريك

هر آينه ما فرستاديم قرآن را در شب قدر و چه چيز دانا كرد ترا

ما ليلة القدر ۝ ليلة القدر خير من الف

چيست شب قدر شب قدر بهتر است از هزار

شهر ۝ تنزل الملئكة والروح فيها

ماه فرود آيند فرشتگان و جبرئيل در آن

باذن ربهم من كل امر ۝ سلم هى حتى

باذن پروردگار از هر كاری با سلامت آن تا

مطلع الفجر ۝

طلوع فجر

ع

## سورة البينة ...

بن اسمر ابن فرموده که از آغاز زمان علم ودعای [illegible] اصحابه وسلم رسالت پناه صلی الله [illegible] حضرت [illegible]

ثلث ع

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خدای بخشنده مهربان
لم یکن الذین کفروا من اهل الکتٰب
نبودند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب
والمشرکین منفکین حتی تأتیهم البینة
واز مشرکان بازایستادگان تا آمد برایشان حجت روشن
رسول من الله یتلوا صحفا مطهرة فیها
فرستاده از خدای تعالی میخواند صحف پاکیزه دران
کتب قیمة ۝ وما تفرق الذین اوتوا الکتٰب
نوشتهای درست ومتفرق نشدند آنانکه داده شدند کتاب
الا من بعد ما جاءتهم البینة ۝ وما امروا
مگر از پس آنکه آمد بدیشان پیغمبر وامر کرده نشدند
الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء
مگر آنکه پرستش کنند خدا را پاک کنندگان برای خود کیش میل کنندگان [illegible]
ویقیموا الصلوة ویؤتوا الزکوة وذلک
وگذارند نماز وبدهند زکوة واین
دین القیمة ۝ ان الذین کفروا من اهل
دین درست است بدرستیکه آنانکه کافر شدند از اهل
الکتٰب والمشرکین فی نار جهنم خلدین فیها اولٰئک
کتاب واز مشرکان در آتش دوزخ جاویدانند دران آنگروه
هم شر البریة ۝ ان الذین امنوا وعملوا الصالحات
ایشانند بدترین همه بدرستیکه آنانکه گرویدند وکردند شایسته
اولٰئک هم خیر البریة ۝ جزاؤهم عند ربهم
آنگروه ایشانند بهترین همه پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان
جنت عدن تجری من تحتها الانهر خلدین
بوستانهای اقامت است میرود از زیر آن جویها جاویدانند
فیها ابدا ۝ رضی الله عنهم ورضوا عنه
دران همیشه خشنود باشد خدای تعالی بایشان وخشنود باشند ایشان از خدا تعالی

هزار ماه سلام است [illegible] ودره خداکار از زر نمود [illegible] [illegible] با باران [illegible] عمر بن [illegible] بن ابی [illegible] پیغمبر [illegible] صلی [illegible] [illegible]

ذلك لمن خشي ربه
این برای آنکه بترسد از پروردگار خود

## سورة الزلزلة مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

إذا زلزلت الأرض زلزالها وأخرجت
چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی و بیرون آرد
الأرض أثقالها وقال الإنسان ما لها
زمین بارهای گران و گوید انسان چیست زمین را
يومئذ تحدث أخبارها بأن ربك
آن روز سخن گوید خبرهای خود را بسبب آن پروردگار تو
أوحى لها يومئذ يصدر الناس أشتاتا
امر کند مر او را آن روز بیرون آیند از زمین پراکندگان
ليروا أعمالهم فمن يعمل مثقال ذرة
تا نموده شوند جزای کردار خود را پس هر که عمل کند همسنگ مورچه خورد
خيرا يره ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره
نیکی ببیند آن و هر که کند عمل همسنگ مورچه خورد بدی ببیند آن

## سورة العاديات مكية وهي عشر آيات

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

والعاديات ضبحا فالموريات قدحا
و سوگند با سپان رونده نفس زدنی پس بیرون آرندگان آتش از سم آتش زدنی
فالمغيرات صبحا فأثرن به نقعا فوسطن
پس غارت کنندگان در صبح پس برانگیختند آن اسپان غباری پس میان در آمدند
به جمعا إن الإنسان لربه لكنود
بدان گروهی بدرستیکه آدمی مر پروردگار خود را ناسپاس است
وإنه على ذلك لشهيد وإنه لحب الخير
و او بر این گواه است و انسان برای دوستی مال

مومنان
از اهل اطاعت زنده
وارد نیز هرات
از آنرا زاه
ع
سوره العادیات
حضرت رسالت پناه
صلى الله عليه وآله
وسلم منذر بن عمرو
انصاری رضی الله
عنه

لشديد ۝ أفلا يعلم إذا بعثر ما في القبور

سخت است　آیا نمیدانند　چون ظاهر کرده شود آنچه در گورهاست

وحصل ما في الصدور ۝ إن ربهم بهم يومئذ

و حاصل کرده شود آنچه در سینهاست　بدرستیکه پروردگار ایشان بافعال ایشان آن روز

## سورة القارعة مكية وهي تسع

الخبير ۝

داناست

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

القارعة ۝ ما القارعة ۝ وما أدراك ما القارعة

روز کوبنده　چیست کوبنده　و چه چیز داناکرد ترا چیست کوبنده

يوم يكون الناس كالفراش المبثوث ۝

روزی باشد که مردمان از کثرت　مانند پروانه پراکنده

وتكون الجبال كالعهن المنفوش ۝ فأما

و گردد کوهها　مانند پشم رنگین زده شده　پس اما

من ثقلت موازينه فهو في عيشة راضية ۝

هر که گران باشد ترازوی او　پس او در زندگانی باشد پسندیده

وأما من خفت موازينه فأمه هاوية ۝

و اما هر که سبک شود ترازوی او　پس جای او هاویه است

وما أدراك ما هيه ۝ نار حامية ۝

و چه چیز داناکرد ترا که چیست جای او　آتشی در سوزش

## سورة التكاثر مكية وهي سبع

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

بنام خدای بخشنده مهربان

ألهاكم التكاثر ۝ حتى زرتم المقابر ۝

مشغول کرد شما را فخر کردن به بسیاری　تا آمدید بگورستانها

كلا سوف تعلمون ۝ ثم كلا سوف تعلمون

نه چنین است زود باشد که بدانید　پس حقا که زود بدانید

بعضیها از کنار تو [illegible]
[illegible] ارحمی
در [illegible] فلان روز
بوقت صبح با یکدیگر [illegible]
بسید و غارت کردند
و فلان روز
ع
بار [illegible] چنان
کرده بود در بازار [illegible]
[illegible]
افتاد و زن [illegible]
زبان [illegible]
[illegible]
ع
آن [illegible]
[illegible]
[illegible]

کلا لو

كلا لو تعلمون علم اليقين ○ لترون الجحيم
نه چنان اگر بدانید دانستنی بیگمان هر آینه ببینید دوزخ را
ثم لترونها عين اليقين ○ ثم لتسئلن
پس هر آینه ببینید او را دیدنی بچشم پس هر آینه پرسیده شوید
يومئذ عن النعيم
آن روز از نعمتها

## سورة العصر مكية و هي ثلث

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
والعصر ○ ان الانسان لفي خسر ○ الا
سوگند بجای روزگار بدرستیکه ابو جهل هر آینه در زیان شد مگر
الذين امنوا وعملوا الصلحت وتواصوا
آنانکه گرویدند و کردند شایسته و وصیت کردند
بالحق ○ وتواصوا بالصبر ○
بعمل راست و وصیت کردند بصبر

## سورة الهمزة مكية و هي خمس

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان
ويل لكل همزة لمزة ○ الذي جمع مالا
وای مر هر غیبت کننده را عیب گوینده را آنکه گرد آورد مالی را
وعدده ○ يحسب ان ماله اخلده ○ كلا
و شمرد آنرا می پندارد که مال جمع کرده او جاوید ساخت او را نه چنانست
لينبذن في الحطمة ○ وما ادرىك ما الحطمة
هر آینه انداخته شود در حطمه و چه چیز دانا کرد ترا چیست حطمه
نار الله الموقدة ○ التي تطلع على الافئدة ○ انها
آتش خدای برافروخته شده آن آتش که غالب شود بر دلها بدرستیکه آن
عليهم مؤصدة ○ في عمد ممددة ○
بر ایشان فرو بسته شده است بستونهای دراز

رسانند
تا هر یک ازیشان بخشش مومنان
امید دارند و بیناک
شوند و حسرت خورند
سخن و کلام برای
خود شنوند
ع
که اهل ایمان از اهل
کسی تباه و خسران و زیان
این سوره خبر کرده
ع
سورة الهمزة
غیبت و زبان گیرد
که مع ... از آن
نامحرمت دو ... ملغ
و ... تنی ... محفوظ
... حسن بن شریق

سُورَةُ الْفِيلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ أَرْبَعُ آيَةٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحٰبِ الْفِيلِ ۝

آیا ندانستی که چگونه کرد پروردگار تو بخداوندان فیل

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝ وَ

آیا نساخت مکر ایشانرا در تباهی و

أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِمْ

فرستاد برای ایشان مرغان گروه گروه می افکندند آن لشکررا

بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ۝

بسنگ از سنگ گل پس ساخت ایشانرا همچون برگ کاه خورده شده

سُورَةُ الْإِيلَافِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ أَرْبَعُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۝ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ

برای پیوستن قریش پیوستن ایشان در سفر زمستان

وَالصَّيْفِ ۝ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ ۝

و تابستان پس باید که پرستند خداوند این خانه

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ۝ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۝

آنخداوند که طعام داد ایشانرا از گرسنگی و ایمن گردانید از ترس

سُورَةُ الْيَتِيمِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ خَمْسُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشنده مهربان

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۝ فَذٰلِكَ

آیا دیدی آنکه تکذیب کند بروز جزا پس او آنکس است

عبرت حضرت رسول پناه صلی الله علیه و آله و صحابه و سلم بیان کرده در باره ایشان این سوره فرستاده است سوره قریش مکیست و چهار آیه است

ع

[illegible]

ع

[illegible]

الذی يدع

الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا يَحُضُّ عَلَى
که او دفع کند یتیم را و تحریص نمی کند بر
طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ
طعام دادن درویش پس سخت عذاب برای نمازگذارندگان
الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝
آنانکه ایشان از نماز خویش بیخبرانند
الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ۝ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ
آنانکه ایشان زیان میکنند در کردار خویش و باز میدارند مال زکوة را

## سورة الكوثر مكية وهي ثلث آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ
بدرستیکه ما عطا دادیم ترا بسیاری پس نماز گذار برای پروردگار خود
وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۝
و شتر قربان کن بدرستیکه دشمن تو اوست دم بریده

## سورة الكافرون مكية وهي ست آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا
بگو ای کافران نخواهیم پرستید آنچه شما
تَعْبُدُونَ ۝ وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا
پرستید و نباشید پرستندگان آنرا که
أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ ۝
من میپرستم و نیستم من پرستنده آنچه شما پرستش میکنید
وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ
و نباشید شما پرستنده آنراکه من پرستش کنم مر شمارا است

دينكم ولي دين

دين شما و مراست پاداش عمل من

## سورة النصر مكية وهي اربع اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاينده مهربان

اذا جاء نصر الله والفتح و

چون بيايد ياري كردن خداتعالي و فتح مكه

رايت الناس يدخلون في

و مي بيني مردمان در مي آيند در

دين الله افواجا فسبح بحمد

دين خداتعالي گروه گروه پس تنزيه كن خدايرا بستايش

ربك واستغفره انه كان

پروردگار تو و آمرزش طلب او را بدرستيكه خداتعالي هست

توابا

قبول كننده توبه

## سورة ابي لهب مكية وهي اربع ايات وحروفها وكلماتها

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداي بخشنده مهربان

تبت يدا ابي لهب وتب ما

هلاك باد هر دو دست ابي لهب و نا چيز گشت نكند

اغنى عنه ماله وما كسب

دفع از او خواسته او و آنچه كسب كرده

سيصلى نارا ذات لهب و

زود باشد كه درآيد بآتش شعله زننده و

امراته حمالة الحطب في

زن او بردارنده هيزم در

در آيه
وارد بود بزبان ابن
عباس رضي الله عنه
... ع ...
... ع ...
... حاضر شده اين سوره
... 

جيدها حبل من مسد

گردن او رسن از ليف خرما

## سورة الإخلاص مكية وهي سبع آيات وفي هذه السورة سبع عشر كلمة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاينده مهربان

قل هو الله أحد ۝ الله الصمد

بگو اوست خداى يگانه آن خداى كه بى نيازاست

لم يلد ۝ ولم يولد ۝ ولم يكن

نزاد كسى وزاده نشد از كسى ونيست

له كفوا ۝ ۝ أحد ۝

مر او را همتا هيچكس

## سورة الفلق مكية وهي خمس آيات وفي هذه السورة أربع وعشرون كلمة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى بخشنده مهربان

قل أعوذ برب الفلق ۝ من شر

بگو پناه ميگيرم بآفريدگار صبح از بدى

ما خلق ۝ ومن شر غاسق إذا

آنچه آفريده شد واز شر شب تاريك چون

وقب ۝ ومن شر النفاثات في

درآيد واز شر دمندگان در

حقیقت

وبیزارم از معبودان

ودیگر ... نماز ...

... ر ...

ودیگر ...

سمت

سورة الاخلاص

ودیگر ...

ع

... بیزاران ...

... و ...

... نوشت ... بود ...

... از ...

ع

کفر ... گفتند

ای ابوالقاسم

وصف کن خدای را

... ابو ...

...

الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ
گرهها واز بدی
حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝
حسد برنده چون ظاهر کند حسد خود

سُورَةُ النَّاسِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتُّ آيَةٍ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝
بگو پناه میگیرم بپروردگار آدمیان
مَلِكِ النَّاسِ ۝ إِلٰهِ النَّاسِ ۝
پادشاه آدمیان معبود ایشان
مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ
از شر وسوسه کننده

الْخَنَّاسِ الَّذِي
پنهان شونده آنکه
يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ
وسوسه میکند در سینهای
النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ
آدمیان از جنیان
وَالنَّاسِ
و آدمیان

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ
صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ
لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

[illegible]

تممت بعون الله تعالى في يوم الاثنين وفي التاريخ

رابع والعشرين شعبان المعظم سنة الف ومائتين و التاسع

وستون سنة ١٢٦٩ بيد اضعف الضعفاء مصطفى عفا الله عنه ولوالديه

417 leaves

297 **PUNCH'S POCKET BOOKS:** a set from the year 1856 to 1881, both inclusive (except 1859, '60, and '63), *containing an immense number of very clever and amusing illustrations and* COLOURED PLATES *by* LEECH, TENNIEL, KEENE, BENNET, DU MAURIER, *and* SAMBOURNE, *and original facetious and entertaining articles in poetry and prose by the various Contributors to "Punch," and others*, total 23 vols, *in the original morocco binding, tuck, gilt leaves*, EXCESSIVELY RARE, £6 6s, 1856-81 18mo

A MOST DESIRABLE LOT, clean, and in excellent condition. Such a consecutive and long set is of rare occurrence, and should be secured at once by any one interested in the work of the artists named.

272 PHIZ.—MAYHEW (A.) Paved with Gold, or the Romance and Reality of the London Streets, an unfashionable novel *numerous capital full-page etchings by 'Phiz' (H. K. Browne)*, original cloth, uncut, 3s, 1872 8vo

273 PLATONIC DIALOGUES for English Readers, translated, with Remarks, by W. WHEWELL, D D., 3 vols, original cloth, uncut, 12s (pub 21s 6d), 1859 crown 8vo

Interesting and scarce; these brilliant dialogues are rendered intelligible to the English reader, with discussions and criticisms, by Dr. Whewell, of Plato's doctrines and philosophy.

274 POETRY.—SMITH (W. C.) WORKS, viz., OLRIG GRANGE, HILDA among the Broken Gods, RABAN, or Life-Splinters, and BORLAND HALL; together 4 vols, clean in the original blue cloth, 7s 6d (pub 28s), 1872-81 crown 8vo

275 POLITICAL.—THE REGISTER OF THE TIMES, or Political Museum, containing a Select, Impartial, and Interesting Collection of Political Transactions, and Occurrences, comprising Debates of Parliament, Royal Proclamations, Treaties for Peace, Debates of the French Convention, American Congress, etc., with all that relate to BATTLES, SIEGES, VICTORIES, ETC.; a set from the commencement in June, 1794, to February, 1795, total 3 vols, *embellished with beautiful old copperplate portraits and engravings (see note)*, half bound in dark brown morocco, top edges gilt, other edges uncut, £2 10s, 1794-5 8vo

This important work, besides being valuable as an authentic contemporary record of all the important events, foreign and domestic, of the period, is now especially valuable for its scarce portraits and plates. The engravings are 27 in number, twenty of which are beautiful old stipple-point portraits of Lord Howe, Barrere, Robespierre, Fox, Erskine, Prince of Orange, King of Poland, etc.; and as they are now in great request for extra-illustrating other books, they are very rarely found in their proper place. The above volumes contain *all* the engravings, including the emblematic frontispieces designed by Cruikshank. They belonged to Sir W. Fraser, Bart., and contain his bookplate, and copies in such tall uncut state are MOST RARE, if not UNIQUE.

276 POLITICAL. — THORNTON (P. M.) Foreign Secretaries of the 19th Century to 1834—Biographies, History of the great public questions on which they were engaged, etc.; *illustrated with portraits and engravings*, 3 vols, original cloth, 10s (pub £2 12s 6d), 1881 8vo

Very interesting, and forms a valuable "History of our Times."

277 POSTAL SERVICE.—RAIKES (H. C., *Postmaster-General*) Life and Letters of, by H. ST. J. RAIKES; *portrait of H. C. Raikes*, FIRST EDITION, original cloth, uncut, 5s (pub 10s net), 1898 8vo

278 PRESCOTT (W. H.) History of the CONQUEST OF MEXICO, with a view of the Ancient Mexican Civilization, and Life of the Conqueror Hernando Cortés; *illustrated with 3 steel portraits of Cortes and Montezuma, 2 maps, and a facsimile of Cortes' signature*, 3 vols, the scarce FIRST EDITION, full bound in coeval calf, gilt backs, FINE SET, 36s, 1843 8vo

282 PROUT (Father) RELIQUES, collected and arranged by FRANCIS MAHONY, *with illustrations by* D. MACLISE; *copyright edition with the author's latest corrections*, clean copy, 2s 6d (pub 5s), 1889 crown 8vo

283 READING.—COATES (C.) History and Antiquities of READING, *illustrated with several plates, large folding plan, etc., half calf, tall copy, with the original subscribers' names, binding somewhat perished*, 28s, 1802 4to

284 RHINE.—TOMBLESON'S Views of the Rhine; both series containing about 140 *very beautiful plates* of the scenery, castles, cathedrals, and other objects of beauty or interest to be seen on the banks of the river, or in the adjacent towns, all engraved on steel in the most careful manner by eminent engravers; accompanied with descriptive text by W. G. Fearnside; 2 vols, bound from the parts in half dark morocco *(quite plain)*, gilt edges, 12s (pub 42s) [1836] large 8vo

CHEAP COPY, with capital impressions and with a few exceptions all in clean unspotted state.

285 ROCHESTER (The Profligate Earl of) Some Passages in the Life and Death of John, Earl of Rochester, written by his own direction on his death-bed by BISHOP GILBERT BURNET; with a Sermon preached at the Funeral of the said Earl, by ROBT. PARSONS, and an account of the Life and Writings of Rochester, by DR. S. JOHNSON, *illustrated with a fine stipple point portrait of the Earl engraved by Freeman*, full bound in light brown polished calf extra, gilt back, top edges gilt, other edges uncut, VERY FINE COPY, 18s 6d, 1805 small 8vo

This is an unabridged reprint of the scarce Original Edition published in 1680, of which Dr. Johnson said "the critic ought to read for its elegance, the philosopher for its arguments, and the saint for its piety."

286 ROSCOE.—THE NURSE, a Poem, translated from the Italian of Luigi Tansillo, by WILLIAM ROSCOE, FIRST EDITION, *beautifully printed in large bold type by McCreery*, original boards, uncut, rebacked with cloth in a rough manner, 7s 6d, *Liverpool*, 1798 4to

Contains Roscoe's interesting preface, his fine sonnet to "Mrs. Roscoe," his notes, and the Italian text, with Roscoe's translation, in parallel pages.

287 RUGBY.—WAIT (W. O.) History of Rugby, Past and Present, with an Account of Neighbouring Parishes; *illustrated with 79 capital full-page and smaller engravings of the School, the old Parish Church, Old Houses, Streets, Arnold's Grave, etc., etc.*, LARGE PAPER COPY, half bound in dark red morocco, gilt top, 21s (pub £3 3s), 1893 4to

Only 261 copies printed, each numbered and signed by the author.

292 **PERSIAN MANUSCRIPT.**—THE KORAN, beautifully written in Arabic Characters, with red and black ink, upon 417 leaves (834 pages) of Persian glazed paper, plentifully relieved with GOLD DISCS, and embellished by ARTISTIC ILLUMINATED ORNAMENTS in the blank margins, and passages of special importance painted in PURE WHITE ARABIC CHARACTERS on a gold ground; also further decorated by 3 LARGE and VERY BEAUTIFUL DESIGNS, covering 6 pages at the beginning, end, and in the centre of the volume, all of which are RICHLY ILLUMINATED WITH GOLD AND COLOURS; *full bound in native lacquered binding, which is elaborately decorated both inside (doublé) and out with gold and coloured flowers, upon a groundwork of colours or gold, gilt edges,* A FINE SPECIMEN OF PERSIAN ART, £12 12s, *Sæc. XVIII.* (about 1790-1800) royal 8vo

The Text of this interesting MS. is written between ruled parallel lines, and each page is enclosed by a border composed of red, blue, and gold lines. The Comments, or References, are written in the margins of each page, and each line of Comment is separated from its predecessor by an irregular gold line. The ornaments in the Text are all carefully designed and executed, and from cover to cover, including the decoration of the binding, the work is excellent. Our illustration fails to show the minute details of the ornamentation owing to the reduction in size.

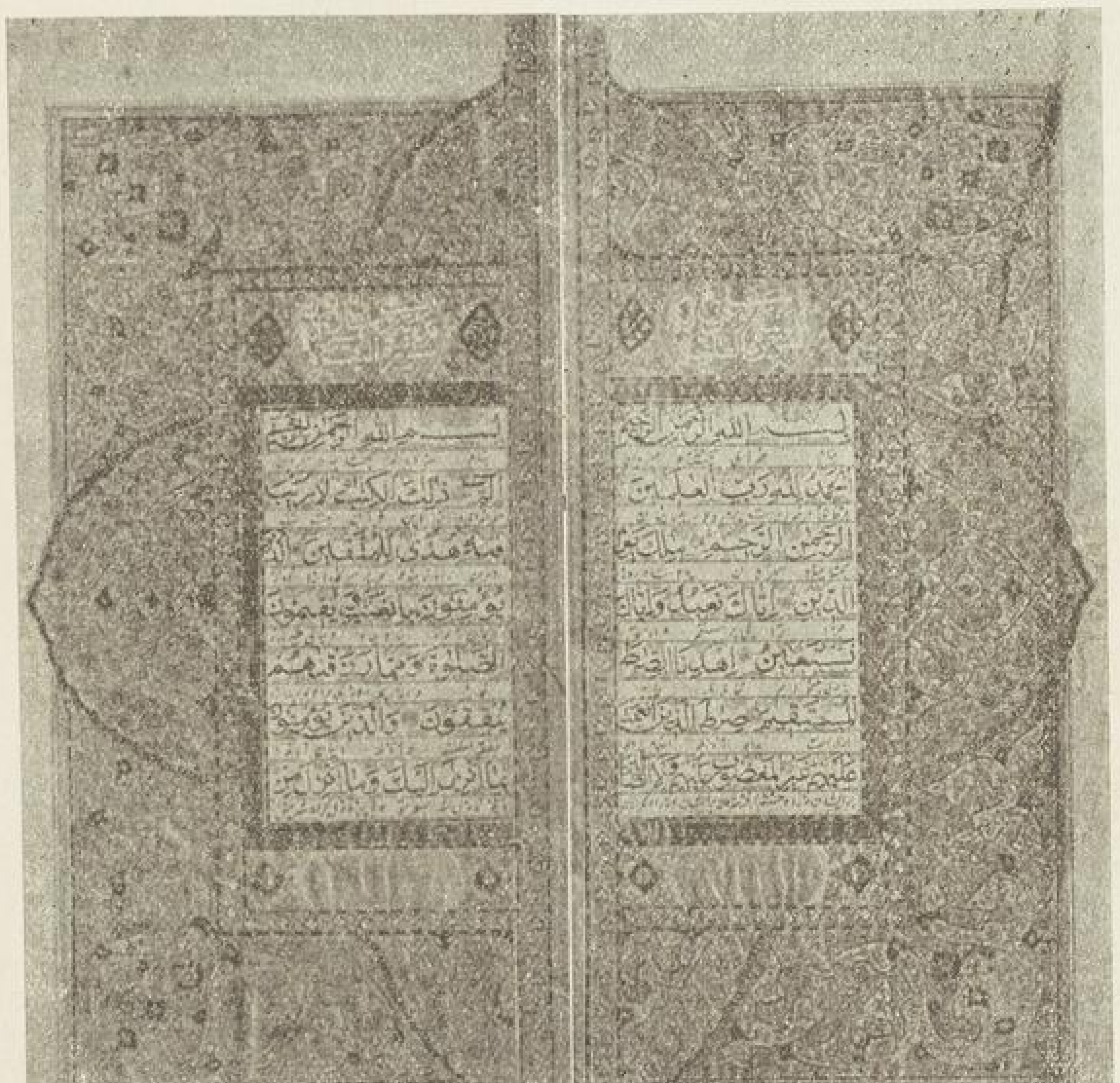

THE KORAN. Size 10¼ in. by 11½ in. See No. 292.

beautiful, and in these days, when so little attention is paid to caligraphy, the precision of hand and eye, as well as the freedom, variety, and artistic formation of the letters, seems wonderful.

267 PENMANSHIP.—MILNS (W.) PENMAN'S REPOSITORY, containing 70 correct Alphabets, a valuable selection of Flourishes, and a variety of new Designs, *engraved on 70 large plates, in the original half binding,* RARE, 10s 6d (pub £1 1s), 1795 oblong folio

271 PHEASANTS.—TEGETMEIER (W. B.) PHEASANTS their Natural History and Practical Management: *illustrated with full-page engravings drawn from life by* T. W. WOOD, *clean copy,* 7s 6d (pub 15s), 1881 4to

EPSL

Arabic
Kuran
Add 1069